



ضمیمہ ﴿فہرست جلد اول از تاریخ نعیم﴾

فائدہ	۰۰۶
صلح حدیبیہ	۰۱۳
فصل اول	۰۲۶
خفی اولیہ کہ	۰۳۰
وقوعی جمیع دوا شدہ مقرر اولان اطوار خمسہ معتبرہ	۰۳۳
بیانندہ در -	۰۰۰
(طور اول	۰۰۰
طور ثانی	۰۳۴
طور ثالث	۰۳۵
طور رابع	۰۳۶
طور خامس	۰۳۸
فائدہ	۰۳۹
فصل ثانی (بدو و حضر اربابندہ جن و شجاعتہ متعلق	۰۴۳
حالتہ و اعیانہ دہشت و راحت متعلق اولان حضرت	۰۰۰
بیانندہ در	۰۰۰
جور و کلا و تعنف امر اصورت یاسی زائل و ماکہ قہر	۰۴۵
وسطوقی مضحک ایتدو کیدر	۰۰۰
خفی اولیہ کہ	۰۴۷
ارباب سیف و قلمک حالہ بنہ متعلق اولان فوائدہ	۰۴۸
ارباب سیف	۰۵۰
فائدہ مہمہ و نصایح لازمہ	۰۵۱
نتیجہ کلام و فذلکہ مہرام	۰۵۷
سنہ الف من ہجرت من الہ العز و الشرف	۰۶۵
وقایع سنہ الف	۰۰۰
سبب عزل وزیر اعظم قرہاد پاشا	۰۰۰

- ۰۶۷ وقعه نقرات تبریز (عزل شیخ الاسلام بوستانزاده)
۰۰۰ ونصب ذکر یافتدی
۰۶۹ ظهور فتن در سرحد بوسنه و مجارو باعث حرکت کفار
۰۰۰ (ذکر حرب وانهزام کفار
۰۷۰ حوادث شرقیه (وفیات) المولامصطفی بن محمد (المولا محمد
۰۰۰ الوانی
۰۷۱ المولی علی ابن عبدی
۰۷۲ المولی عبدالقسا در بن امیر کیسودار (المولی محمد ایدن) المولی
۰۰۰ شعی
۰۷۳ المولی سودی (المولی عبدالرحیم
۰۷۴ الشیخ محمد البخاری (الشیخ محمد افندی
۰۷۵ وقایع سنه احدی والف (غلو سپاه در دیوان
۰۷۸ عزل وزیر اعظم سیاوش پاشا وصدارت قوجه سنان پاشا
۰۸۹ سبب نقص هدیه اسلامیان ونجده ووقعه شهادت حسن
۰۰۰ پاشا در سرحد بوسنه
۰۸۱ سرداری سنان پاشا بجانب مجار
۰۸۳ وقایع سنه اثنی والف
۰۸۴ ترقی عموم وعودت
۰۸۵ هجوم کفار بر بلاد اسلام در حوالی سرحد (اسیلاء
۰۰۰ کفار بر حصار فیک
۰۸۷ تأدیب وحقوبت فراریان
۰۸۸ اسبیلای کفار خا کسار بر خطوان وانهزام عسکر
۰۹۰ محاصره استرخون
۰۹۲ استمداد صدر اعظم وامداد پادشاه معظم
۰۹۴ محاصره یانق
۰۹۵ هجوم غزاة وانهزام ملبور

مقدمه عصیان میخال و یوده افلاق	۹۷
وقایع سنه ثلاث والقب (فتح قلعه یانق)	۹۷
محاصره قومران	۹۸
سوء تدبیر سردار و نهاون و تقصیرش در بعض کار	۱۰۰
عصیان و یوده بغداد (خبر عصیان میخال و یوده افلاق)	۱۰۱
انتقال حضرت سلطان مراد ثالث از عالم فانی نورالله ضربه	۱۰۳
ذکر مدت پادشاه مغفور سلطان مراد خان و بعض	۱۰۵
از محمد و مکرم و احسان او	۱۰۶
وزرای عصر سلطان مرادخان	۱۰۷
نمای عهد سلطان مرادخان	۱۰۸
مشیح الدوله المرادیه	۱۱۳
تفصیل حوادث عصر سلطان محمد خان	۱۱۳
توجه وزارت عظمی فرهاد پاشا (فساد کفار افلاق	۱۱۴
و بغداد و هجوم ایشان بر ارباب و افرمان	۱۱۵
سرداری فرهاد پاشا بجانب افلاق و بغداد	۱۱۶
غلولی سپاه بر فرهاد پاشا	۱۱۷
توجه فرهاد پاشا بجانب افلاق	۱۱۹
احوال فرهاد پاشا	۱۲۰
عربده طوابعیان و اخوانان قول در ادرنه دارالمینه	۱۲۱
(وصول فرهاد پاشا بنهر طونه	۱۲۲
عزل وزیر فرهاد پاشا و وزات سنن پاشا	۱۲۳
کلام منصفانه (تفصیل توجه و وجه سنن پاشا بجانب افلاق	۱۲۵
فرار کفار خا کسار مشورت سردار برای دفع کفار و بنای حصار	۱۲۷
ذکر حرکت کفار در سرحد انکروس	۱۲۸
توجه عسکر اسلام بجانب استرغون و انهرام شدن ایشان	۱۲۹
استیلای میخال ضال بر حصار بکرش و ترغوشه	۱۳۱

استیلا ی کفار بر حصار پرکوکی (اطاعت بغداد بتاتارخان	۱۳۴
(تسلیم حصار استرغون بکفار) استیلا ی کفار بر حصار	...
ویشغراد	...
عزل سنان پاشا و نصب لالا محمد پاشا (وزارت سنان پاشا	۱۳۵
خامسا	...
ترغیب سنان پاشا پادشاه جهات را بسفر و غزی	۱۳۶
وفات سنان پاشا و وزارت ابراهیم پاشا	۱۳۷
نزاع خواجه سعد الدین افندی با شیخ الاسلام	۱۳۸
توجه پادشاه اسلام بغزوہ اکری	۱۳۹
مشورت ارکان دولت برای جهت عزیمت (وقایع سنه	۱۴۲
خمس و الف	...
استیلا ی کفار بر حصار خطوان	۱۴۳
محاصره اکری	۱۴۴
فتح حصار اندرون اکری	۱۴۵
قتل عام کفار اکری	۱۴۶
امدن جوع کفار	۱۴۷
ارسال جعفر پاشا	۱۴۸
مشورت ارکان دولت	۱۵۰
محاربه در روز اول	۱۵۴
مقاله در روز ثانی و انهزام کفار بعون ربانی	۱۵۵
سیاق آخر	۱۵۹
احوال فراریان (انهزام کفار خاکسار	۱۶۱
ذکر شامت غرور	۱۶۲
توجه صدارت عظمی با جغاله زاده سنان پاشا	۱۶۳
عقوبت فراریان	۱۶۵
عودت عسکر اسلام بمحانب اکری (عودت پادشاه پیدار الساطع	۱۶۶

۱۶۷	عزل سنان پاشا و وزارت ابراهیم پاشا
۱۶۹	ذکر احوال فتح کرای
۱۷۱	ظهور سفر واج و سرداری ساطور بی محمد پاشا
۱۷۲	وقایع سنه ست و الف (عزیمت سردار اسلام ساطور بی محمد پاشا بفتح ناتا
...	
۱۷۴	مشورت و توجه بجانب واج
۱۷۷	رأی سردار
۱۷۹	عزل ابراهیم پاشا و وزارت خادم حسن پاشا
۱۸۱	وزارت جراح محمد پاشا بعد از قتل حسن پاشا
۱۸۲	استیلای کفار خاکسار بر حصار یائق با حبله
۱۸۴	ابتداء سفر قلعه و اراد
۱۸۶	سرداری حسن پاشا بجای نب بصره (بقیة وقایع سال مزبور)
۱۸۸	وقایع سنه سبع و الف (ذکر احوال سفر و ارات) آمدن
...	غازی کرای خان
۱۹۱	جنگ و محاصره و ارات
۱۹۵	عودت عسکر اسلام بجانب بلغراد
۱۹۷	مکتوب خواجه سعد الدین بجانب سردار ساطور بی محمد پاشا
۲۰۱	جنگ آکری از منق
۲۰۲	ذکر استیلای کفار بر قلاع پسریم و پولاته و پاپاوناتا و محاصره
...	بودین در دفعه اولی
۲۰۴	انزاع خادم حافظ احمد پاشا در نیکیولی بامکر میخال لعین
۲۰۶	توجه وزارت عظمی بالابراهیم پاشا (سرداری ابراهیم
...	پاشا با سفر او یوار
۲۰۸	مقتولی ساطور بی محمد پاشا سردار سابق و محبوسى انکبجی زاده
۲۱۱	وضع غریب سردار اکرم ابراهیم پاشا
۲۱۲	بقیة وقایع سنه مزبور

۴۱۳	وقایع سنه ثمان و الف (توجه سردار اکرم ابراهیم پاشا بجانب اویوار
۴۱۸	اطاعت آفر نجیان در قلعه پاپا
۴۲۰	اوصاف حیده سردار ابراهیم پاشا
۴۲۱	اطاعت نمودن میخال (قتل کردن ابراهیم پاشا نفرات شامیانرا
...	در حلب
۴۲۲	اسیر شدن سیمون حاکم کورجیان بدست جعفر پاشا (قضیه
...	قتل کرا
۴۲۵	ذکر احوال بمن
۴۲۶	وقایع سنه تسع و الف (عزیمت سردار اکرم ابراهیم پاشا
...	بجانب قنیره
۴۲۷	آمدن تریاکچی حسن پاشا
۴۲۸	توجه سردار اکرم بحصار قنیره
۴۲۹	وصف قنیره و محاصره او
۴۳۰	احتراق باروت کفار در قلعه (آمدن طابور کفار
۴۳۳	فتح حصار قنیره و خروج کفار
۴۳۵	ذکر عنایت الهیه و الطاف خفیه
۴۳۶	ذکر عطا و عودت (سرداری حاجی ابراهیم پاشا بدفع
	قره یاز یجی
۴۳۷	حکم قره یاز یجی
۴۳۸	عزل قائم مقام خلیل پاشا (وقایع مقامی خادم حافظ پاشا
...	سبب عزل قائم مقام
۴۴۰	قائم مقام شدن یمشچی حسن پاشا انهرام لشکر
...	میخال ضیال
۴۴۱	بقیه وقایع این سال (وقایع سنه عشر و الف
۴۴۴	استیلای کفار بحصار اوستوفی بلغراد
۴۴۵	ذکر دخول تریاکچی حسن پاشا بحصار قنیره
۴۴۶	توجه کفار بحصار قنیره

۲۴۷	ذکر عزیمت سردار اسلام بخشی حسن پاشا بجانب طابور کتبار
۲۴۹	ذکر احوال قنیه در محاصره کفار
۲۵۱	آمدن طابور کفار بمحصر قنیه
۲۵۲	ابتدای محاصره
۲۵۳	ارسال خبر بمر دار (احوال قلعه
۲۵۴	استعداد از سردار (تدبیر کفار برای حصار
۲۵۶	احوال رأس کفند او منقر قوشی محمد پاشا (جواب باصواب
...	حسن پاشا
۲۵۸	آمدن هر سک مایاش
۲۵۹	هجوم لشکر کفار بر حصار قنیه
۲۶۰	تدبیر وزیر حسن پاشا
۲۶۳	مشورت کفار خاکار
۲۶۳	تدبیر یاروت
۲۶۴	فرار خدام حسن پاشا بکفار و تدبیر مافلانۀ آن مردگار گذار
۲۶۶	قصه مکتوب حسن پاشا
۲۶۹	آمدن سردار بخشی حسن پاشا بسکندتوار
۲۷۰	ظهور شدت شتاب امر الله تعالی
۲۷۱	اتهام و فرار کفار
۲۷۴	کلام عبرت الحجام
۲۷۵	تعمیب غرات بکفار
۲۷۷	ذکر بقیۀ احوال قنیه بمر دار
۲۷۹	صورت خط همايون
۲۸۰	نقل طوبی بقلعه بلغراد
۲۸۱	سرداری حسن پاشا و اتهام قره یازمچی
۲۸۲	ذکر بعض وقایع آستانه و مردن قرمیا زنجی
۲۸۳	طغیان دلی حسن برادر قره یازمچی
۲۸۴	بقیۀ وقایع این سال

۲۸۵	وقایع سنه احدى عشر و الف (توجه حسن پاشا به فتح
...	اوستونی باغراد
۲۸۷	ذکر عزیمت سردار بجانب اردل
۲۸۸	استیلاء کفار بخصار پشته
۲۸۹	رجعت سردار بدفع کفار خاکسار
۲۹۲	آمدن غازی کرای خان بعسکر تاتار
۲۹۳	ترقی عموم
۲۹۴	استیلاء دل حسن بر شهر کونا هسه و رفتن محمود پاشا
...	(تبدیل و تغیر در آستانه
۲۹۵	وقعه غضنفر آغا و اغای دار السامه عثمان آغا
۲۹۶	توجه یمشچی حسن پاشا بچاناب آستانه و سرداری
...	لا لا محمد پاشا
۲۹۸	تخصیص کردن محمود پاشا بقتل وزیر و شاع پادشاه باند بیر
...	حسن پاشا
۲۹۹	التجای وزیر اعظم حسن پاشا بخرم بیکهیر بان جمیت ایشان
	و تالاشی سپاهیان
۳۰۲	جمیت سپاه
۳۰۵	ذکر مقتولی پوراز و غیره از اشقیاء
۳۰۸	مقتول حسین خلیفه (احوال کوزلجه محمود پاشا) عداوت
	فریقین و قتل طرغبعی حسن پاشا
۳۱۱	ذکر بقیه احوال درین سال
۳۱۳	قتل نادزی عبد الرحمن در دیوان همایون
۳۱۴	وقایع سنه اثنی عشر و الف (سرداری محمد پاشا بچاناب
	افکروس در سفر جیل اطه و عودت تاتار خان
۳۲۰	مرگ نوح پاشا و سرداری نصوح پاشا (قصه عزرا
	و قتل یمشچی حسن پاشا

سبب پروت و عداوت قاسم اغا اغای یکپریان	۳۲۴
و عشی حسن پاشا	...
قام مقام شدن قاسم پاشا	۳۲۵
فرستادن مهر شریف بعد از قتل عشی حسن پاشا	۳۲۶
بوالی مصر یاوز علی پاشا	...
ابتداء ظهور فقرت در سرحد عجم	۳۲۷
حرکت شاه عجم بجانب تبریز با تحریک کردغازی بك	۳۳۰
جنگ شاه عجم با تبریزیان در قریه صوفیان	۳۳۱
انهرام تبریزیان و غلبه شاه کراهان	۳۳۲
فتح شه حمله کر قلعه تبریز را	۳۳۳
مسخر کردن حاجی سر عسکر ارباب الحاد سواد شهر	۳۳۵
اردوباد (استیلاء جراحی سلطان بر چلها	...
استیلاء روافض بقعه النجه و جوانشیر	۳۳۶
(اسیر شدن حاجی امیر اردوباد	...
برداشتن عسکر بجانب النجه (رفتن عسکر بخلیص	۳۳۷
اردوباد	...
روانه کشتن عساکر بسوی روان	۳۳۸
بناء حصار جدید در روان	۳۳۹
ورود قاصد محمود	۳۴۰
استیلاء شاه بشهر نخجوان	۳۴۱
هزیمت سردار محمود	۳۴۲
مقدم شاه عجم بر روان	۳۴۴
جنگ اول در پیشگاه روان (جنگ دوم	۳۴۵
جنگ سوم	۳۴۶
ورود یخشی قاصد شاه	۳۴۷

آمدن بخشی قاصد بقلعه	۳۶۸
ورود خبر تقض عهد شاه عجم	۳۶۹
انتقال سلطان محمد خان این مراد خان	۳۷۰
اوصاف مرحوم سلطان محمد خان	۳۷۱
وزرای عظام	۳۷۲
علماء الدولة المحمدیه	۳۷۳
جلوس همایون حضرت سلطان احمد خان	۳۷۴
آمدن دو نیمی همایون (وصدر اعظم علی پاشا	۳۷۵
ذکر سبب غلامیه سپاه	۳۷۶
سرداری علی پاشا بجانب آنکروس (و جغاله زاده	۳۷۷
بسر شرق	۳۷۸
تبدیل مناصب	۳۷۹
ذکر وقعه دلی حسن در بوستان	۳۸۰
بقیه احوال رافضیان و استیلاء شاه بقلعه روان	۳۸۱
صورت مجلس شاه	۳۸۲
استیلاء شاه بخران	۳۸۳
محاصره و قرص بعد از گرفتن روان و ذکر بعض مفاسد	۳۸۴
سرخ سران	۳۸۵
وقایع سه ثلاث عشر والف (رفتن صدر اعظم علی پاشا	۳۸۶
بجانب بلغراد	۳۸۷
تفصیل توجه نشان پاشا بسفر عجم	۳۸۸
زول سردار به شلاق وان (و محاصره شاه	۳۸۹
رفتن سردار بجانب ارض روم و عودت شاه (سرداری	۳۹۰
لالا محمد پاشا بصدارت عظمی در بلغراد بعد	۳۹۱
وفات وزیر علی پاشا	۳۹۲

فرار کفار از پشته	۳۸۲
نعمیر حصار جان قورزان و فرار کفار خطوان (فتح قلعه واج)	۳۸۳
محاصره استرغون	۳۸۴
تمه (ظهور پوچقایی اوشتوان از امر اردل)	۳۸۵
محاربه بچار و نمچه	۳۸۷
ظهور پوچقایی	۳۸۸
ظهوری کوزلجه محمد پاشا (مقتولی قاسم پاشا)	۳۸۹
قائم مقام شدن صارجی مصطفی پاشا و تشریفات بعض	۳۹۱
اعیان بایاناصب	۰۰۰
قتل قائم مقام صارجی مصطفی پاشا و قائم مقامی مصوفی سنان پاشا	۳۹۲
ظهور و عهد پادشاهی (تمه) تبدیلات	۳۹۳
(صید شاهی و تولد شهزاده سلطان عثمان خان	
آمدن وزیر اعظم لالا محمد پاشا (ما مور شدن کچدهان	۳۹۴
علی پاشا بدفع اشقا	
و قایم سنه اربع عشر و الف (سرداری محمد پاشا	۳۹۵
یحسانب استرغون	
مشورت سردار	۳۹۶
توجه سردار بمحاصره استرغون	۳۹۸
فتح قلعه ویشغراد (فتح دپه دان	۳۹۹
احراق و آروش	۴۰۰
فتح و آروش و قلعه	۴۰۱
استیلا پوچقایی در حصار او بواری	۴۰۲
آمدن پوچقایی بسردار	۴۰۳
ابتداء مقدمات صلح نمچه	۴۰۵
وقعه جفال هزاره در سرحد عجم	۴۰۷

۴۱۲	قتال سرخوش ابراهیم پاشا با خروات
۴۱۳	مقتول محمد پاشا ابن سنان پاشا (رفتن پادشاه جهان
	بماشاکاه ادرنه (حرب طویل وانکسار نصوح پاشا
۴۱۵	رفتن پادشاه بجناب پروسه
۴۱۶	آمدن سرکشان سپاه
۴۱۸	عودت پادشاه باستانه (اطاعت طویل (عزل و نصب
۴۱۹	دعوت صدر اعظم محمد پاشا باستانه (حرکت یکپریان
	و سپاه و تأدیب کردن سپاه
۴۲۰	آمدن صدر اعظم باستانه
۴۲۱	مقتول دلی حسن در طمشوار
۴۲۲	ظهور دخان (وقایع سنه خمس عشر و الف (سردای
	وزیر محمد پاشا و وفاتش و وزارت درویش پاشا
۴۳۱	مقتول درویش پاشا و وزارت مراد پاشا
۴۳۲	سبب قتل درویش پاشا
۴۳۴	کوندر بلن خطه مایون مضمونی
۴۳۵	ذکر انعقاد صلح با کفار نمچه
۴۳۶	خلاصه صلح نامه
۴۳۸	وقعه نصوح پاشا در بغداد
۴۴۱	ذکر بقایای وقایع این سال



﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾ وبه نستعين

جذبی غایب و شکر لایهایه هوالم ملک و ملکوتیه مفیض نظام
اولان خداوند ذوالجلال والاكرامه اولسون که نوع بنی آدمک
حیات و عافیت اعتدال مزاج و حفظ صحت اسبابیه مقدر ایلد و کی
کی دولت و سلطنتک دوام و بقا سنی دخی قانون عدلی اعمال
و اتفای کلّه رجال ایلد ميسرايد کلمه در و ارادت علیه و مشیت
لم یزیه سی دین و دولت اسلامیه مک دوام و بقا سنی جانینه تعاق
ایتد و کنک علامات و اضحه سندد رکه مزاج ملک و دولته برداء
عضال و بدن هیئت اجتماعیه سندد بر مرض قنال حدوت
ایتد بکه اول حکیم علی الاطلاق معادل تریاق عرق نزاعی قاطعه
نیجه تراکيب ندا بیر نافع ایلد معالجه مورثه الافاقه و کاهیه
نیشتر تیغ ایلد خون فاسدی اراقه تبسیر ایدر تعالی شانه و عظام برهانه
﴿ و اطباء صلوات و شرافت تحیات اول سلطان علین رسول

رب العالمین محمد المصطفی علیه من الصلوات از کاهار من التسلیات
 اوفاها حضر تکریمک مرآت تجلیات اولان روح اطهر و انور لر یند
 اولسون که ناموس دین مبین و میران شرع متبیین ایله الی آخر الزمان
 حفظ حد و د و تسویه امور هر موجود اولوب سنت سنیه سنه
 اتباع و اتقیاد عامه عباده وسیله سعادت مبدء و معاد
 اولد یقی جهنمیه بمشی رحمة للعالمین در صلی الله علیه و علی آله
 و صحبه اجمعین

(التمهید علی ما حرر فی بعض کتب الاخلاق) (اما بعد) و تشاکه
 اقتضای قضای ربانی کمال عنایت عایه ازلیه و تمایز موهبت
 لم یزلیم سندن هوالم علویه و سغلبه تک تکستای صدر سندن منصفه
 پیرایه وجوده کلمن مراد ایدوب کن فکان امر علی لازم الانسانی
 شرف صدور بولوب کواهل هیغاکل انسانی خلعت (لقد خلقنا
 الانسان فی احسن تقویم) کریمه سبله مکرم و معزز و لباس استعدادین
 (و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفضیلا) کریمه سبله معلم و مطر زوناج
 احترام (و هو الذی جعلکم خلائف فی الارض) کریمه سبله سرفراز
 و تعلیم علم لدنی ایله ممتاز ایدوب صحائف فؤادنا تا کترین مهره اسرار
 هرقان ایله مجلا و زیورایمانه محلا ایدوب جام جهان نمای ملک
 و ملکوت و مرآت هوالم لاهوت و جبروت ابتد (و تشاکوا
 تشاسلوا اباهی بکم الانیم یوم القیامه) تک خطاب مستطای می آوازه می
 شرف صدور و آفاق ارضه و اطراف جبال و جوانب سوا حلد
 بمن بوت بولوب روی زمین ذراری نوح بشر ایله مشعون
 اولد قدده اول قهرمان قدرت یزدانی جاعت افراد انسانی اماج
 تیراحتیاج و هدف درد و بلا په آماج والی اجل ممعی بقاسنه تعلق
 ایدوب ارواح اطیغه لری اجسام کثیفه لیه پیوند بولدوخی برله
 بالطمع تمدن و ذواتلرنده تمکن قیلوب طالب اجتماع و هربری

برجهت در آخره محتاج و راجع ابتغای اولوب تدبیر معیشتی بی معاونت و ظاهرت محال و بقای شخص نوعی بی مخالفت و مشارکت عذیم الاحتمال و هر وجهه محتاج اختلاط و مضارب ارتباط و المریله اختلاف مشارب و تباین آیین و مذاهب سببیه بعضی بعضه زور و قوت و مال و مکننت الیه غالب و هر آینه غالب اولان مطلوب اولانی رفقه اطاعته چکمه طالب را کثر حاصلاتی حورّه تصرفه کتورمه که راجع و کندویه لایق امور دن غافل و متاهت هوا و عطش و عت نفس براغرایه مائل اولوب اندفاع اشکال عناد و انتزاع عروق نزاع و ارتفاع فساد ایچون ارباب علم و حکمت و اصحاب دانش و معرفت رؤسا و حکام و سواس طبابت انقسام لایدر که مدارسیا سب اولان رعایت قانون عسده الله هر فردک آخر دن حسام معنی دست درازن معطوع و تصرف ماعداد دن ید تعدیسین منوع قیاب کشف حشیه راضی و قانع قیلار (فعلی هذا نظام عالم و اصلاح احوال بنی آدم بمقتضای مشیت الهی متضمن فوائد نامناهی اولمغله روی زمینده تعیین خلیفه و سلاطین و انصب ملوک و خواقین لازم اولوب ید فویدر بله اقطار ارضی حراشت و اهل بخی و عدوانه سیاست ایلمکی وسیله انتظام امور انام قاشدر صطبه دوات و سلطنت کریمه (توقی الملک من تشاء) ما صدق اوزره اراده عایه ازیله و مشیت الهیه ایزلیه سینه مغرض اولوب دیلدوکنه و یرمشدر (خنی اولمه که مؤلف کتاب مستطاب نعیمای جوم مندر کلبده احوال دوله دایر بسط و تمهید ایلدوکی مقدمه بلیغه حکمت اشتعالده تعریف و توصیف اولندیغی اوزره ملک و سلطنت معنایسته اولان دولت برنوع آیین اوزره اجتماع بشریو یدن عبا رنذر و هر دولت و سلطنت وجهه و وجهیتده لاجرم اجرای قواعد دین و تنظیم امور مسلمین ایچون برحاکم ظاهر لازم و اهددر که مناسم اوامر و نواهی بی محافظه ابدوب

قوانین سیاسیه کاینقی رعایت اولنه تا فرقی ملت افسر دولت الیه سرفراز
و لباس سلطنت طراز شریعت الیه اعزاز زبوله و بالاتفاق
هر دولتک قیام و بقا سنه شرط اولان سیاستند و بوی محله
سیاست احکامند عبارتند و احکام دخی یا عقاید
حکمت عملیه دن بر قسم اولان سیاست ملوک کی و یا شرعیه
کتاب الله و سنت رسول الله سنه و از اولان احکام الهیه کی
سیاست شرعیه که احکام الهیه در سیاست عقلیه دن مبنی اولغه
ملوک و سلاطین اسلامیه به دستور المملد و هر پادشاه دل آگاه
و وزیر صاحب انباه که انکه عامل اولدی تأیید الهی الیه منصور
اولوب سعادت دارینه وصول بولدی معیار شرع و عدله اعتبار
ایتیوب داعیه نفس الیه ظلم و هوا و هوسه اتباع ایدنار حقیده
غیرت الهیه ظهور ایدوب مجازات اوله ککشاردن سیاست ملوک
تعبیر اولنان احکام عقلیه مطلق ضبط و ضبط امور دولت و جمعی
و نظام ملک و ملت ایچون اقتضای حال و وقتیه کوره عقلانک تابع
و تخریر الیه بط و تمهید و عقد و تأیید اولوب جله نك اتفاقیه
دستور العمل قلمش بر آلائی قواعد و قوانیندر و جله ملوک نصارتک
احکام الهیه لی اولوب نظام حالری و بقای جمهور
و جمعیتری مجرد بوم قوله مدارات سیاسیه عقلیه زینسه
کان مرتبه ده اعتقاد و اعتماد و اعتبارلر یدرو اتفاق آرای عقلا
دخی بونک اوزرینسه چاریندر که امروزه سیاسیه شرعیه و عقلیه نه
مساخنه و مبالغه به مساع بوقدر احوال اولتور سه مرتبه
تهاون و تکامله سکوره نظام ملک و ملت رخنه دار اوله
و هر وضع و جرکت که دائره احکام شرعیه دن و دائره
قوانین عقلیه دن خارج اوله فلا جرم اختلال پذیر اولوب
..... قرین مثال اوله

الكلام في احوال الدول الاسلاميه واحوال الملوك
والسلاطين العثمانيه

نقاشان كارخانه معاني قهر ركنشان كارنامه مخزن داني جوهر يان
بازار حوادث واخبار صيرفيان دار عيار مناقب و آثار اولنگر تاريخ
عبر عتداره دول اسلاميه نك وقايعي جمع و درج ايله ضبط و حيايت
وملل اهل ايمان سر كند شتاريني كتب و تحرير ايله حفظ و صيانت
ايدوب تباشير ظهور فايعض النور شعائر شرع محمدي عليه افضل
التحيات الى هذا الان منتظم سلك شهور و سنين اولان ايام محبت
آثار و ازمان سعادت شعاري عدد و شمار و هرمائه كامله سن برقرن
اولمق اوزره اعتبار و براعه براعتله ثبت ايدوب پيرايه دست اشتهار
ايتشلدرد و قرون معدوده مذكوره نك مدتي خلافتده كتب توار يخ
ناطق اولديغي اوزره صاحب سرير و افسر اولان ملوك و سلاطين
ستوده آيينك افرادي بيكدن بيرون و جلوه ناي منصه ظهور اولان
دولتلك عددي يوزدن افزون اولوب بتقدير الملك المتعال بجهلري شرط
بقايه موفق اوله ميوب حكام مملكت و مدبران دولتك قدرين
بليوب بو وجهله شايسته لطف رحمن اولمق قلرندن رفاهيت
وزراحتلري محنته مبدل و زمام دولتلري ايدى ديكرانه محول و نيجه
لرينك تقلبات دهر ايله بنیان دولتلري متزلزل بلكه اصول چيختلري
باد صر صر فنا ايله مضحعل اولمشدرو بعضيلري عون صمداني
و تأييد آسماني يه مظهر اولوب اسباب قيام و بقايه موفق
و استقرار و استمرار ايله زمان دولتلري الى قيام الساعه پروتق اوله جفته
قبل اكهدن موعود و مبشر اولمشدرد

الكلام في ظهور الدولة العلية العثمانية

نهج محرر اوزره وقتا كه صفحات ادوار و صحايف روزگار اوزره كلك حكمت
وخامه قدرت ايله سنين مثين هجرت بشير و نذير منوال مشروح

اوزره رسم و تسطیر اوانده رق غره غرای قرن ثامن افق
 طلوعه مقارن و نوبت تحریک قلم عدالت رقم سلاطین
 سلیمان آیین عثمانیانه رسیده اولدی جناب ~~ک~~ کارگاه نسق ساز
 جهان و شیرازه بند مجلد آسمان جل شانہ و عظم سلطانہ
 حضرت تباریک اقتضای حکمت علیه و سبق عنایت از لیه سی
 تجدید قواعد دین مبین و احبای سنن فخر المرسلین ایچون
 علی وفق العاده اسباب خیر و صلاحی آماده اید و ب صبحه
 صد دانه قرن ثامنک فاتحه غره غراسن والا ترین قاطبه ملوک
 آفاق اولان سلاطین آل عثمانک جواهر و زواهر خلافت لیه تزین
 بیور و تاریخ هجرت نبویه علی صاحبها افضل التحیه سکر یوز
 سنه یه قرن اولد قده ارادت علیه از لیه و مشبت الهیه لم یز لیه برله
 آفتاب عالم تاب ابد پیوند عثمانیا تک جد امجد اعلالی
 ابو الفتوحات و المغازی السلطان عثمان الغازی حضرت تباریک بدرقه
 مهر توفیق و ظهور نجم هدایت رفیق ایله پیرا به بخش سر بر و افسر
 اولد قده روز و رشوکت اسلامیان و قوت دولت اهل ایمان مر داد
 و افزون ترا وادی و اول قرن سعیدک اولندن بو وقته کلنجه فقه الحمد
 اعقاب و اخلاف سلطنت اتصاف لری انفاذ اوامر اکهیه ایله ترفیه
 احوال عباد و بلاد و امضای سیوف غزا و جهاد ده بذل مقدور
 و صرف جد و جهد نا محصور لیدوب آرای جهان آرا لیه کردن
 غروس سلطنتی حلیه معد لته آراسته و چهره مخدومه مملکتی
 کلکوننه حکم سیاست ایله پیراسته و صفحه جهانی مفصله
 عدل و داد ایله زینکار ظلم و بیسداد دن زردوده و هام کافه
 انامه ظلال سر حمتلرین ممدوده قیلدیلر و اعلاء کلمه توحید ایچون
 میدان غزاده شمیر ساق همت عالمکبر و تجرید شمیر مضازی

سحر ایلله شرمه مشرکینی ایتما کاتوا مقهور و مدبر و ظلمت آباد شرک
 و کفر اولان نیجه اقلیمی مشکات شعائر اسلام ایلله منور و صحت صوت
 خسرو نه لری و مرجع پادشاهانه لری قضای فسیحه الار جای
 جهانده جلوه کور و مسامع عالمیاند و لله المنة مقر طوب
 صدای یم و یأس کشور کشایی و بدبته کوس جان دباری اهدای دینه
 رعب و هراس و زمره فوحیدینه اسنیاس و یردی خلاصه
 شیران صوت نشان سلاطین آل عثمانک ایلم دولت دائم القرارلرند
 و هنکام سلطنت ابدی الاستمرارلرند و نیجه نیجه یدی باشلور در آهین
 شیر نیجه قهرلرند سوراخ ماره کیرمش سوسمار بمقداره دوند یلر
 و قهر مان ممدات نشانلری حظیره سند و نیجه اهدای بدخواه
 یجیل صورت جل سیرت سیم الحباطدن یکمش تاره دوند یلر
 چون مبداء ظهور دولت عثمانیه دن بروسلاطین جهاد آیین اعلاء
 کلمه الله و تحصیل رضای رسول الله ایچون امر غزاه ارتکاب
 میثاق و مهالک ایلله توسیع ممالک و فتح بلاد و مسالک ایلد یلر
 دین مبین اوغرند بذر جان ایدره رک و سعادت دارین ایچون
 محنت و عناچک رک ضرب دست شمشیر ایلله صبت دولتلی عالمکیر
 اولدی سایه دولتلرند امت محمد آسوده و عباد الله دار الامن
 استراجنده غنوده اولغله قوت شوکتلی متمادی و تأیید حق ایلله
 الی هذا الوقت رعب انداز قلوب احادی و تزايد شان و شوکتلیری
 و ابهت و جلاللری عون عنایت صداتی پرله مترادف و اسباب
 تجدد و اقباللری و نصرت و ظفرلری متضایف اولوب آیت کریمه
 (ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون)
 ماصدقنه مظهر اواد یلر
 (تبیحه کلام و فذلک مرام بنیان دین مبین و اساس شرع

ستین سیه دار سلین بر حصن حصین و قلعه مستحکم و روضه بندر که جلالت
 قدرت و صرامت فهرینه نسبت ارکان ملل مختلفه خشب مسنده
 طغوت و اریان باطله و قواعد عاطله لری او هن من بیت العنکبوت و
 و دولت قاهره عثمانی بر سلطنت عظیمه جهان بایندر که شان
 ز شو کتازی یانده ملوک اطراف و مکتلرینه نسبت سلاطین
 اکناف مساکین بی نوا و ضعفای بی سرو پا کبیدر و اگر چه دول
 ساره اسلامیه ده فریضه جهاد در کار اولقدن خالی اولوب
 طلوع کوکب درخشان دین محمد بن برو بآینه کفجه اسلام
 دولتریتک غرا و مجاهد لری علم طاله لاحقدر و بومعنا ابله کتب سیر
 و تاریح اطقدر اکن دول ساره نک دولت علیه عثمانیه کبی طوب
 ضیاعه کردار و خیره آتشبار و تفنک رخنه دار و سار رفون
 جرییده ماهر حبله کار و ما کر خدعه اطوار افرنج بد کردار طائفه سی
 کبی خصم کر انبار لری اولوب جنود مجنده عثمانی آینه کریمه
 (قاتلوا المشرکین کافه کایقا تلونکم کافه) ماصدقنه امتثال برله
 امر ربانی مطاوعت و فریضه جهاد و مسارعت کوسرتوب
 عبادت اصنام و صلیبد و شریک و همپا جله ملوک و ملل نصاری
 بری بریله استنصار و (الکفر مله واحده) قول اوزره بری برین استنصار
 و تقویه ادیان باطله و تأیید ملل عاطله لری ایچون زنا ربتد میسان
 غیرت اولوب هجوم عوملرند عسا کر عثمانیه مرارا و کمرار اصواش
 و شش جهندن زبله کش آتش جنک و پر خاشده محصور لری ایکن
 ینغیرت دیزه بی الدن قوموب عنایت حق توکل ایله (آناه الیل
 و اطراف النهار) سمندل و ارنار: جنک و یکارده محکم و استوار و صیف
 و شتاده پر کال مثال داتره حرب و کار زارده ثابت و برقرار اولوب تعبیری
 کجایش پذیر حوصله تحریردن دور و اوف صنوف جنک و جدال

وفنون حیرت نمون حرب و قتال شدت لرینه متجمل اولماری خارج
از دایره تسلط اولغله نقل و عقلا دولت علیه عثمانیه سر دفتر
چله دول اسلامیه و سلاطین آل عثمان سر تاج قاطبه ملوک
و پادشاهان و مکمل ناموس طایفه اهل ایمان اولوب غرنا و جهاد
یوزندن شان و شوکت اسلامیانی کاله ایرکورد کلری نمایان
و مستغنی عن الیساندر

(درستایش حضرت پادشاه جهان) پس مبدأ سلطنت سنیّه
عثمانی اولان قرن سعید نامندن اشوق قرن ثانی عشره هجریت مقرونک
اواسطی اثنا سنده وقتا که نوبت خلافت سنیّه عثمانی و دولت
سلطنت بهیمة خاقانی خلاصه دودمان دولت و اقبال و تقاوه
خاتمان سلطنت و اجلال دیهیم افزوز مسند خلافت سریر آرای
ملک و دولت سلطان البرین و البحرین خادم الحرمین الشریفین
خدایو کامکار خاقان بلند اقتدار ولی نعم عالم مالک رقاب الامم
شوکتلو مهابتلو کرامتلو السلطان ابن السلطان الظافر فی الملاحم
و المعازی شهنشاه جهان سلطان محمود خان الغازی ابن السلطان
مصطفی خان علیه الرحمة و الفقران حضرت لریک جناب مهابلرینه
کلوب اندساب باب دولت یاری ایله شرفیاب اولوب اسم سامیلری
ایله روی درم و دنایر پرزب و فر و جواهر ثمنیه القاب همایونلری
ایله رؤس منارده السنه خطبا درج الدرر اولوب کرمه (انا جعلناک
خليفة فی الارض) ماصد فی اوزره کسوه خلافت عظمی دوش
ضیعت پوش ملوکانه لرینه اکس و اثوب ذمت همت خسروانه لرینه
کفایت احوال بریه فرض اولدی جناب همایونلری دخی بر بموجب
(اذا صلح الملك صلیت جنوده) هوادن ترفع و تلذذ نفسا یندن
منع بیوروب امتات کبری و خلافت عظمی ایله ربایا و تدبیر
امور برایا ایله مکلف اولان اساطین سلف محمدت آثاره و سلاطین

خلف اولی الامر را اقتدا و اثر رینه اقتفا برله تنظیم مناظم ممالک
و بلاد و تسویه مصالح عباد ایچون اول امر ده تقدیم اهم مهم
بیوروب مطلع خلافت دائمی القرا ده و عنقوان سلطنت ایداستمرارده
تأسس بنیان دین و دولت و تشدید قوای بخت سلطنت ن نمونه
عد اولیان قهر و تدبیر اهل بخی و عناد و ازاله خار و خاشاک ارباب
فتنه و فساد و صرف همت رستمائه ایله صفحه دنیا چه سلطنته
آرایش و سر لوحه غره غرای خلافت عظمایه عنوان فتح
وظهر ایله نمایش و یرمکه مظهر مظاهرت توفیق نعم الرقیق
اولدیلر چون تشبیه قواعد امور جمهور و تسدید معاهد حدود
و ثغور و باخصوص دفع و رفع شر و شور اهل رفض و الحاد و قهر
و تدبیر شریزه ضلالت نهاد موجب رضای رب العباد در جنای
همایونلرینک ایام و لیلایری همه مصروف نیاز نیل آرزو و آمال لری
اولشدر بدرقه مهر توفیق رعمونی هدایت طریق اولوب اولی عنده
خرلان حال و مرده خسران ماک داخلی معذور القرجام و مد مر
الانجام اولتی مرحوم و مامولدر حضرت حق و فیاض مطلق
هر حالده توفیق رفیق ایدوب تعاقب حوادث و تراکم عوارضات
حسیله و یارب مقتضای طبیعت کونیه و اقتضای تمدن بشریه حاججا
نظام عالمده خلل و انتظام امور بنی آدمه زلال ظهوریدن حفظ ایدوب
ایام سلطنت میمنت اقترا نه تقویه بازوی سلطنت و تحکیم بنیان دین
و دولت و تنظیم امور ملک و ملت و ترفیه احوال برابا و رعیت و نطواه خیر
خواهان دولت اوژده مقدر و مبسر ایله آمین بحرمة سید المرسلین
(چون روابط دوام قیام قرانین دین و دولت و ضوابط نظام
ملک و ملت و ضبط و ربط تواریح و اخبار و حفظ و حراست
معارف و آثار ثبت و تحریر کتب و صحایف و قید و تشطیر دواوین
برابط ایله مبسر و اشاعت انواع علوم و اذاعت آثار و فنون

تکثیر کتب ایله مقدر اید وکی علم عالم شمول خسروانه لند و محاط
و مقدر در بواصر خطیر الشانه توجیه نظر کینا اثر ملوکانه
بر له ایام سلطنت مہنت اقترا لند و غیر مسبوق بائشل و جد
مستحسن ایله کتب مبسوطہ اخبار عالمی تکثیر و توفیر لاسپہا دولت
علیہ عثمانیہ کی بردوات فسیحہ الاکنافک وقایع و اخباری داستان
خلافت آشیان و دودمان سلطنت توأمان آل عثمان دام سلطانہم
بدی الازمانک مناقب و آثاری تقویم سال پارینہ مثال انداختہ
طایفہ اہمال اوراق رواد اشتہ غیرت شاہانہ و رضادادہ حجت
بادشاہانہ لری اولیوب بقای ذکر دوات و مابہ ستایش سلطنت
اولان وقایع دولتن گذشتہ و سابقہ بی تکثیر کتب تواریح ایله
تجدید و احیایہ انکشافات خسروانہ لری میذول بیورلنی ماہ ولدیر
و بوندن بویله روز بروز جلوه نمای منصہ بروز اولور آثار و حوادثی
دخی بی اندر بی ضبط و تحریرہ ذایل و وسیلہ اولوب کتب تواریح
اسلافک نیک نام لری الی انقراض الدوران پیرایہ زمان تذکار
و اختلافین بیخہ مقصدہ اشکال لریہ مدار انحلال اولہ جق فواید
جلیلہ بی اشتمال اتمکله ذاتما سلاطین عظامک مقبول و مرغوبی
و وکلای دواتک حل و عقد مہام انامدہ مرجع خوبی و عقلا
صاحب قیاسک معیار و مقیاسی مشابہ سندہ ایدرکی ضمیر مہر
منیر خسروانہ لندہ روشن و ظاہر اولغلہ قاید شاہراہ توفیق طبع
ہمایو نلرینہ رہنمای سر منزل تحقیق اولوب ایام سلطنت
سعادت اقترا لندہ ابتدای آفرینش حضرت آدم علیہ السلام دن
بوآنہ کلنجہ مرور ایدن مذیدہ بوعالم سکون و فسادہ وقوع
بولان اضراب حالات و اعجب ظہورات تازیخ لری رسم و املا
و نسخہ لری توفیر ایله احیایا و ابقا باخصوص کتب تواریح
دولت علیہ ابتدا پیوند عثمانیہ مک تصحیح و تکثیرینہ و بدی دعوام

وخواصه تناولده وطلعه نشیوع و انتشارینه غیر مستنوق بالمثل همت
مالا کلام ملوکا ناری مبذول بیور لمق مآثر مجوده و محاسن ایام
مسعوده زندن عد اولوب یوعایت یهحتامک حص ولیلله اباء کرام
واجداد عظام بالکه سلفده کچن ملوک یشین و سلاطین خیرایله
یاد و ارواح کذشتکان اهل ایمان آنافا تاخرم و شادان اولملریله زمان
سلطنتلرنده نیجه نیجه امور پر اشکالک سهولت ایله قهضه بر اعص
استهلال اولوق هر جودر

الکلام فی اوصاف رفی الاثام و کیفیت استیذان و اعلام
وقفا که اول باری مبدی بدایع الصنائع اقتضای تقدیری برله
درلک علیه اید استمرار عتیقه معرفت طباعت صحف و ز پرزوقی نمایی
بحلای ظهور و بوخا نه نویندا مشاطه روی دلارام عروس سطور
اودی ماهیت و کیفیت تنبع و تخری اولوب فن هر قوم فی الواقع
اعمال صنایعیه میاننده اشرف المساعی و اجود المنافع بر نوع
کتابدن هبانت اولوب تکثیر کتب و وسائله و احیای علوم و فضائله
ونشر و شیوع فنون بر اعتباره بروسله در که زیب و زبور صحایف
روزگار اولمغه شایسته امر مرغوب و کار محبوب ایدوکی حضرات فحلام
وکلای و الامقام و صدور علمای عظام و جمهور فحول کرام
کثرهم الله الی یوم القیامک پیشگاه فضائل دستکا ملرنده مسلم
اشیرت اولوب اساس و مناسی قواعد شرع مبین و صون الاندزاس
اوزره مؤسس و مبسنی قلمغی ترفیع قدر و شهرت و مزید شرف
و رغبت و ودی اولمغه فضلالی فحلامک اتفافی آرای عالم آرائی بمن
ثبوت بولدقده فتوای شریفه شرف و صدوز و فن جلیل القدرک
مطابوینده مندرج اولان مزایای جلیله ید رمز و اشارت ایله علوم
و معارف اکسلبنه کشایش اسماع و احراز قضائیل و کالاته ترویج
طباع ایچون یراعه باهر البزاعه یجینیتا نلریله نیجه نیجه دقایق

و حقایق حاوی ینایع عبارتند ن زلال معانی جاری جواهر کلام
 ثریا نظم ایله مالامال تقاریض بلیغله ایله مقاسمه آرایش و معانی
 مطبوعه ایله مقاله نمایش و پردیلر و طره آرای عروض نصفه
 و طفرای پیرای ناموس رأفت پادشاه جمجا صاحب عنایت
 حضرت تلونیک جانندن دخی خط همایون ایله معنون امر شریف
 شرفیافتہ صدور اولوب فن مرقوم بو طریقه دستور العمل
 یوزلغله شروعنه مباردت و فن مرقوم ایله کاتب عیلمه مسارعیت
 اولوب فقه الحمد و المنه ابتدای ظهور و شروع اولان بیک یوز قرق بر
 تار یخندن قرق الی سنه سنه کلنجه بش سنه مدینه کتب و رسائل
 انواعتدن جمنی صغیر و کبیری بیک جلدن زیاده کتب نفیسه
 شیرازه بند حصول اولغله علوم و معارف طابریته و دانش و فضائل
 راغبلیته مؤلفه جلیله واسطه جزیه بسط اولندی چون فن
 مرقوم ایله کتب توفیرنده و عاجزانه شروع مصمم اولان هر امر
 کزین و کار بهترینده اولی الامر و باخصوص کتابة طاق
 فضیلت حلال مشکلات فتوای و تقوای دستور العمل خاص
 و عام رهنمای راه شریعت پیشوای اصحاب طریقت اولان
 صاحب وجوده بهر حال عرض و اعلام وظیفه عبدعویز و اسلیدان
 و افهام لازمه خلوص بنده ناچیز اولغله فن جلیل القدر تار یخنده
 دخی لایعدو لایحصى شرف و فضل مقرر اولغله بویامده اسب همت
 عاجزانه اولطرفه زاغب و فسخه لینی تکثیر ایلک داعیه سی خاطر
 فاتره غالب اولغله آرایند کان انجمن اخبار و پیرایند کان چمن
 اخبار متبعان توار یخ و آثارک تحقیق و تقریری و ثقات مورخینک
 رسم و تحریری اوزره ابتدای خلقت حضرت آدمدن بو دمده
 کلنجه مرآت کاشانده عرض دیدار ایدن افتخار یافتکان زمره
 اخبار آثار بنی متضمن ما اثر معتبره علی الخصوص عهد همایون

اسلامده مستند عز و احضه شده فرمان فرما اولان خلفای راشدین
و سلاطین کزینک مآثر و آثارینی مشتمل و كذلك ظهور شعائر شرع
بین محمدی و آیین دین جدیدن مقدم سریر سلطنته پانه شده
اولان ملل متنوعه نک مشاهیر ملوک پسندیده سلوکت اوضاع
و اطوارینه شامل و علی الخصوص طلوع کوب رخشان دولت
اید پیوند عثمانیاندن بر سپهر چاه و جلال و مطامع انوار عز و اقبال
مهر درخشان آسمان ملک و دین و اجله سلاطین نصفت آیین
آثار الله براهین اسلافهم و طول اعمار اخلافهم حضراتک
ابریر خالص عیار سکون و حرکات و سپر و غرواتی تحریر دلپذیر
اوزره سبک قالب ضبطه شرفیساته اختصاص اولان مورخین
تغایر آثار کثیره البرکات لری بو ائنده توفیر و تکثیر نسخ ایله احیا
اولتی و جمله یه وقایع و آثار دولت علیه نسخه لری سرنامه قلنقی
عمده المقاصد اولمقدن ناشی مقصود اصلی یه دخول و ساحه
مراده وصول ایچون کتب تواریح آل عثمان میاننده مرحوم نعمتانیخی
بر تاریح شهر سلاست تغییر جلالت تقریر تکلف اندن معرا لطیف
ورعنا اولدوغندن غیر ی نسخه سی ناد رفیقی وافر رغبات انام
غالب و فقیر و غنی تملکنه طالب و راغب اولمیر یله تواریح سار یه
ترجم و بعد التصحیح حاوی اولدوغی خرائد لطایف ناشید . سنی
نویخت طبعات ایله سلاک تحریر یه کشیده رشته جع و تسطیر یه نظم ایله
نسخه سنی توفیر و تکثیر و یو طریقه یه یقینا و تقاضا اولد دولت علیه فسیحه
الار جای کثیره العطاء نک اخبار و آثار ی تجدیدینه عاجزانه نیت
و عزیمت و تحریر یه تشبیر ساعده همت ایدوب صدد شروعده اولدوغی
بحر زخار علوم شتی مستند نشین صدر و الای فتوی لابس لباس
ورع و تقوی مفتی الانام شیخ مشایخ الاسلام کریم الاخلاق
کثیر الاشفاق مولانا اسمعیل افندی حضرت تیرنک حل مشکلات
دقایق علومه محل و مرجع قبول کل اولان مجلس رفیع علی القدر

و محفل منبع رفیع الضد زل زینه فرض واعلام واستیذان مافی المرام
 ایچون رقعه مطلوب مر فرغ پیشگاه مکارم امضو بلری قلند قدسه
 جناب سعادت تازی مقتضای لطفه و مروتی اوزره عاجزانه بخدمت
 و مشروع اولان امر مر قری تحسین و رأی برزین مواندید زه ان الله
 امضا و تسلیم و بعد حقیر لری اوتد دن پروصوب و الال زینه انساب
 قدیم الله فخور و فریح وظل ظلیل همجواری سعادت کتبت زین الله
 مستیطل و مشتریح و وجوهیله لطف و کرم لریله مالوق و مالوس
 و حایت کرامت لریله محمی و محروم بنده زیدن اولدعدن ناچیی
 امر مر قومده دخی یوقولری حقید و بنده پرورکک مر اسمی
 کاکان اجر او مقتضای مروت و لطف و هم تازی اوزره کز عیله
 توبه و جیلانه تریمه ز الله انعاش و احیایو و مریله شیر و عنیه
 اقدام و سعی و اقام اولوب در عهده و التزام اولان امر جلیل
 الا عتبا و وجه احسن و رسم مرغوب و مستحسن اوزره حصوله
 غیرت و حیت و خط و خطا و سقا شدن بحب شی و له استقامت
 و تصحیح عیار بنده سعی و اقی و صرف تکسب الله بنده و انکار
 بیور مریله مستعینا بالله العظیم و تنوکل علی کرمه الامیر منوال
 مشروح اوزره کتیب و اریح یا ملک احیاسی ایزه وسیله تاریح
 نعمایک توفیر و انعامی و اخبار و آثار دولت علیه حکمتایع ملک تحیدیه
 و احیاسی امری تبرکاتیمه مقصود و خلوت عاجزانه مشروع
 اولمشیدی زیوشی طاهر که کتاب منه طایبک مبدائی اولان الف
 کالمه هیریدن ابتدا و لنوب خاتمیه می اولان نشیله احدی و سبعین
 و ائمه وصول مبسر اولد قدسه و ریج مر قومک ذیل مقام بنده اولان
 راشد افندی تازی و اکان ریخی ذیل اولان چایی ترانه و ساجی
 و شاهکار افندی تازی بختری ینک قاری بخندن زماقم و کلجقه دولت غایر
 ابد القیامک و قایم ایام و شهروز و اغوا می متصله رسم و انعام

وتسطيع اليه احيا اولونوب من بعد ذنبي بوفات خلية ابد استمراره
 زبور ضحكات جريده ظهور اولان حوادث واثار وساطت اقلام
 وقايح كويسان ايله بوندن بويله الى ماشاء الله ضبط واتقان اولونوب
 دكر الظبا عنه خطيله فسحة لري تكثير وتوفير دن خالي اوليه
 وكذلك لبدا شروخ اولان الف كالمات مافوق بمعنى اولك آفرينه مخدمين
 ظهور دولت عليه به كلجه وزمان طلوع دولتن الف مرقومه
 ابرنجيه كذب تواريخ تحري وتبع وبرر سحده مرقومه ومعتبره
 استمصال اولونوب طريق مرقوم ايله توفير وتكثير اولنه رقي وقايح
 دولت عليه عثمانيه بري برينه اتصال وتمامها تواريج خاتم تكثير
 كسب ايله استكمال بوله والله الموفق للصواب واليه

المرجع والمآب

في الكلام في الوصف الوزير الافخم جناب الصدر الاعظم
 هر خاله وعلی الخصوص بوخلالده ذكر محاشن حضرت شهر ياري
 والي انقراض الديوان بقای اشتها ري و اطراف واكنافه محامد
 عليه دجها بيا نيك شيوخ وانتشاري عمدة المقاصد اولدو عنه بناء
 دولت عليه خيمروا نه لندن حصه منسد نعمت بلکه مجرد سايه
 سا بيان جايه كرا نيهما لند استظلال ايله بهره ياب عنايت اولان
 اعلى وادنا دن هر قرده استعداد واستطاعت عزتیه ده شاكر النعم
 وواثر الكرم اولقي فريضه ذمت همت بر خدمت ايدوكي بيا ندين
 مستعبد ياب وجود كه جناب هيايه ناري عون وعنايت كركاري به
 موكل وبواهر حجرات سرور كائنات عليه افضل الصلوات واكل
 الحياه توسل بوله يا كران اما نك كرا بي مقبل ووديعه خالق
 البرايا اولان عباد الله اك حوالی متكفل اولوب وكلايا مواليد البري
 زقيه هيا ده بصبر ووق ونتاج افكار اصابت شمار لري مقترن
 اهر بالمعروف والاول في معروف طبع هيا يولاري مائل خيرات

و مزاج سعادت امتزاجی راغب آثار و حسنات او اقله گرفت
 نو پیدای طبع کتب غرایب منظوی اعمال صنایع میبندد منافع
 جلیله و محاسن جلیله فی محتوی برفن مفید و اثر جدید ایدوکی بودند
 اقدام ایدو اعلان و صحت و جوازی افتا و بیان اولمقله ضمیمه زمره
 موجودینه امداد و اسعاف و اسعاده مقرر ایدوکی محاط علم عالم شمول
 خسروانه لری بیورلد قدغه فن مر قوم جلوه کر مرآت نظر انور
 و نگاه چشم رغبت و قبوله مظهر و طابع فقیر عبد حقیر دخی عواطف
 علیه شاهانه لریدن دستمایه التفاتله موقیر بیورلد قدغه منوال شسروح
 و بحر راورزه مقدماماً ذون و ما مور اولدغم خدمت طباعت امرینه
 کاکان مداومت و مواظبت کو ستر ملک اوزره برات ما و دریت حقیر
 تجدید پذیر بیورلد یغندن غیری فریحه کریمه ملوکانه لریدن
 سنوح و ظهور برله بویه برفن بدیع الاطوارک رؤیت و تمشیشنده
 عبد عاجزه اعانت و اقدار لازمه ذمت علوه و محبت و مهمه اساطین
 دولت ایدوکن و کلاهی و الامقامه تلقین و نزد خدام کرامه تحسین
 باخصوص فن تاریخ دانسته جم الغائده و کثیر الغائده بر عطاء
 عجیب المذهب اولوب فرمان فرما اولان ملوک و وزیرایه لازم و مهم
 ایدوکی ذکر و یاد و باخصوص دولت علیه ابد استمرارک ابتداء
 ظهورندن بودمه کلنجه گذران ایدن و افعالی سلاک سطور کشیده
 قلوب ایام سلطنت میمنت مقرر و لرزنده شیرازه بند تفرد ایلله ضبط
 و ربط اولغنی و نسخه لری و فرت بولوب قیمت یسیر ایلله ایدی ناسه
 تنباول اولغنیق تعمیم موافق فوائده ایچون بذل نعمت التفات
 یاد شاهانه ایلله سر ایاز باب هیز و استعداده و اصحاب افاده
 و استفاده به ترتیب ضیافت اکرام و غیر ایدوکن تفهیم و تذکیر
 بیورلد قدغه دستور کار دان عادل مشیر در یادل فی عادل آصف

کرم الشیم وزیر جلیل الهمم امین صاحب مہنت و ساعد یمین
 ملک و سلطنت محمد قوا عدالمعدلة و الرأفة مشید معاقد المرجحة
 و انصافه ناظم مناسطم المملکة العثمانیة باہج مناسطم المصالح
 النفاذانیہ اعنی بہ علی باشا یسر اللہ لہ من المرادات ما یشاء
 و قواء فی صعب الامور و وقاء عن فترات الذہور و حضر تاریخ ذخی
 جوہر و وجودی عرض غرض ندن مبرا و ہر حالہ طالب رضائی
 مولی اولوب عادت حسنہ لرینہ غایت و خصلت مستحسنہ لرینہ
 نہایت اولوب اول دستور کرم الاخلاق و باہر المروءة و الاشفاق
 مقد مات خال مالک مالک لرنندبرو برسر کار روز و شباری تتبع اسباب
 تراید شوکت و افزایش شان و ناموس سلطنتہ اشتغال اولقلہ یواوان
 اطرافت اتسام شرافت ارتسامدہ ابتدای خلقت آدم علیہ
 السلام دن بودہ کلچہ دیاجہ طرازان صحائف آثار اولان ثبات
 مورخین کلکشت حدایق تحقیق ایند کلری زہور پر نور تحقیق
 اخبار روز روز روشنہ عالم شہود دن بجهان افروز و با وجود طلوع
 کوکب رخشان سلاطین آل عثمان دن بووقنہ کلچہ وقایع و آثار دولت
 اید پیوندی و مناقب و سرگذشت سلاطین شوکتندی اختیارہ
 رشتہ تالیفہ چکیلن جواہر کلمات درر انتظام و بارعہ کلام بدیع
 النظام یعنی مجلدات کتب مبسوطہ مالا کلام جامع اولدینغی وقایع
 بخلاف یوا یامدہ اخینا اولحق امری دلخواہ لرینہ موافق دوشمکله
 وجہ مشروح و محرر اوزرہ فن طبع و تمثیل ایلہ کتب تواریح
 نسخہ لری کثرت و وفرت و عباراتی صحت و اسقامت و ایلدی عوام
 و خواصندہ حصول و بہای رخیض و بمن پسیرایہ تناول و موصولہ
 ہمت پیوروب بواہر ذی شاک رؤیت و تمثیل شدہ عبداحقرہ کریمانہ
 امداد و اعانت و اسعاد و دستہ دستہ بخوار جلیلہ و عطاہای

جزیره لر ایله بنده ناچیزی شایسته عنایت و سزاوار رأفت
و بوطریقه عامه اهل ایمانه رأفت و شفقت یورملرله الله الحمد
والمنه عاجزانه مباشرت اولئان تواریح طالع تبرکا و تیماسرنامه
قلئان نعمان تاریخی نسخنه لرینک فوایح روایحی دمیده و همت
آصفانه لرله جلد اول و نایدن عز و اغاز اولئان یشر یوز جلد
کتاب قوت قریبه ختامه رسیده اولدی نظر و مطالعه و تتبع
و ملاحظه تنه طالب و راغب اولوب فن جلیل تواریح صحت
تأسیس همدم و انیساری و مطالعه غریب ادوارله تشخیص افکار
و مسامره حوادث اعصار ایله تشبیط خاطر و لذایذ روایات
و آثار ایله ذائقه حافظه بی تلذیذ ایتمک اعتیادنده اولان اصحاب
عرفان و ظرفای عصر و زمان اولان مزایا شناسانه کتابک کثرت
اوراق قلمین حاصل اولان ثقلی مورث کلال و موجب فتور و ملال
اولمق ایچون بویو زدن دخی خاطر لرینه رعایت ملاحظه سیله
منصف کتایده فاصله ویریلوب جلد اوله خامه تم دینلیدی
و منبدا جلد ناییده دخی تبرکا و تیما میدی شروعه دمدم مصنفینه
واجب هر اسم تعظیم تقدیم اولنیدی و چون خاوی کتاب
مسطاب دولت علیه اید پیوندک وقایع و آثار ندن عبارت و کتب
هر قومه نک یواوانده احیاسی و شیرازه بند اتصال و اتحادی وجه
مشروح اوزره خلیفه یزدان سلیمان زمان اسکندر خدیم دارا حلیم
حضر تاریخک نظر عنایت و التفات و رغبت ملوکانه لرله جلوه نمای
منصه وجود اولغله مرلوحه مجلدات نسخ باجله نام نامی واسیم
سیاهی خمر و انه لرله وایه داشت شرف عز و افتخار بولمق
شایسته اولوب ابقای حسن شانری ایچون لالی آیدار منقینلری
آویزه طاق اشتهار و مظلومه یلدار مدحتلری کتایه رواق زرینکار

ایمک اقتضا ایلدی فیاض مطلق و واهب علی الاطلاق جناب حق
حضر تبری جلست تائینک و عا جرانه عزم و آغاز اولندوغی ارزیه
تواریخ دولت علیه نك اول و آخرین احبب و انعام ایله رسیدنه شیرازه
کار قلوق مقدر و بویله برد دولت فسیحه الاکناف بحیة الاطرافک سابقه
و لاحقه مناقب و آثار تبری شیرازه بند انعام و اتصال بی انضمام ایله
عالمده یاد و تذکار و الی آخر از بیان امتداد و استمرار دائم اقرار ایله
صیت و صدای سلاطین صلابت شمارک نام و شان و اختیار ایله
و آوازه جلال و جلالت تبری ایله افواه طالبان رطب اللسان اواق
روزی و مقصد رایله این (چون امر مر قومه منوال مشروح
و محرر ارزیه آغاز و شروع حاکم انشرف ساز مقام صدارت عظمی
و رونق افزای مستند و کالت کبری صدر اعظم و انجم قطب رزای
عالم حضر تبری نك منکام صدارت و ایام دولتی رینه مصادفت ایله و ایدار
شرف عز و اعتبار او اوب انعام و اکمال دخی همت و هنایت تبری
و عون و اعانت تبری قرین حصول اولتی صحیفه عنوائی انلرک دخی
جلال مدایت تبری علی و مطرز و مناقب ملیحه رایله مزین و معزز
اولوق عنوان اعتبار و دستمایه افتخار اواق مقرر اولد یضدن غیر
تحفه مورد حاجزی بارگاه سلیمان زمانه عرض و تعریف دخی حسن
همت بی همتا رینه توقیف اولنوب جناب مکارم نصا بلرندن
حقیرانه رجا و نیاز و لیتور که فریده قلم نوید ا پریشان ادای عبد
حقیر اولان تحفه حقیرانه مزک قصور و کسوری نظر خطا پوش
عنایت تبری مستور بیوریلوب بونسخه کفدری بالان این مستند
تاجداری شهسوار عرصه شهر یاری سلیمان نظیر رونق افزای
افسر و سریر پادشاه بلند بارگاه شهنشاه مکارم دستکاهک حضور
همایون رینه عرض ایله قدرتی اعلا و طفرای حسن قبول عنوائیه
املا بیور ب بوعد کین و بنده کز تبری دلشاد و احباب رایله

و کذلک مزایا شناسان اسرار و بیان و رمز آشنایان دقایق عرفان اولان
 از باب البایده نرجا و نیاز اولنور که رسم و املا و طبع و ادا ده
 واقع اولان هفوات و عشر اتمزه صفح جیل الیه
 مامله و قصور و کسور بمزی کمال
 کرملرله مساعد و مساعده
 پیوره لر

تاریخ نعیما
روضۃ الحسین فی خلاصۃ اخبار الخلفاء
جلد اول





{ بسم الله الرحمن الرحيم }

اطا يف جد و سپاس * و شرايف شكر بي قباس * مالاك الملك
والملكوت * صاحب العز والجهوت * تعالى شأنه وعز سلطانه
حضر تباركه اولسونكه * حضرت علم و تقديرنده مندمج اولان
عام تدوين و تسطيري اقتضاي مشيت ذاتيه ايله ابداع و انشا
ونها فخانه فيض تدبيرنده مندرج اولان صورت تفصيل و تصويري
ارادت و نهايت ازايله سبله اظهار و هويدا ايلدي * و تقابل اسماء
وصفاته مظهر اولان اصناف مخلوقاتي ماهيات مختلفه و استعدادات
متنوعه به مظهر اتمكله كي پادشاه جهان و كبسي فقير و ناتوان
كي حافل و حكيم و كبسي نادان و سقيم اولوب (و رفعا بهضكم فوق
بعض درجات) خواستجه احوال كاشانه مغايرت ايله ثبات و يروب
دائرة جمعيت مخلوقاتي بومباينت ايله منتظمة الحركات ايلدي
* و جواهر تحيات بحد و زواهر تسليمات لا بعد سلطان سررعيلين

قاید ركب الانبياء والمرسلین محمد المصطفی علیه من الصلوات از کاها
 حضر نرینک ذات اقدس و روح مقدس لرینه اولسونکه حکمت
 علیه و عملیه بی جامع اولان دین مبین و شرع رصین ایله عانه عالمه
 مبعوث اولوب رسالتنه اوضح دلالات و اعظم معجزات اولان نظم
 کریم اعنی قرآن عظیم ایله جمله عبادی طریق نجاته ارشاد ایلدی
 قبائل عرب صعب الانقیاد و تنافس ریاسته متعسر الاتحاد بر قوم
 اولوب لکن طبیعتاری ماسکات متعوجه دن سلیم و جبلتاری فواید
 قبیحه مترفه دن عاری و غیر سقیم اولغله اول حامل اسرار
 نبوت امر دعوت مداریک اسباب ممکنه دن سالك اولوب ابتداء
 فطرت اول اوزره باقی قبول خبره منتهی عقلای جیل
 و اصفیای کبار قبیلک ارشاد هدایتنه مبادرت ابتدیلر خلع شرایف
 اسلام ایله تشریف مراتب عظام ایدن اصحاب کرام امرینه رام
 اولوب فرمان رحمانه مبشر بالجنته اولان عظمای بنام وقایه و جنه
 مقامنده استخدام یورلغله تأیید حق تألیف قلوب رجال نجات ایله
 مزاج جمعیت اعوان و انصاره قوت و یردکد نصکره کیمنی قول
 مقبول ایله تسخیر و کیمنی سیف مسلول ایله تدمیر ایده رک اول مظهر
 تام جلال و جمال اولان سید صاحب کمال لطف و قهر ایله اعتناق
 مخالفینی قلا ده اطاعته ادخال ایلدی * و دخی حد و ثنا و درود
 دعا دعایم بنیان دین و قوایم ارکان شرع مبین اولان آل و اصحاب
 و عترت و احباب لرینه اولسونکه تقویت امر دین و تمشیت احکام سید
 المرسلینده بذل جان ایله دامن ذرمیان اولدیلر و مزید سماحت لرندن
 عامه امتی ندای حی علی الفلاح ایله سماط فوز نجاته دعوت ایلدیلر
 صنیع مشکور لری برکاتیلله بادیة محنته رعی ناقة ایدن عشار ذوقافه
 مستخرج ظل خضارت و صحاروی و حشده نکد خشونت ایله
 مر العیش اولان اقویای قبایل حلوا مذاق نعم ثروت و دولت اولدیلر

شکر الله سبهم ورضی الله عنهم دنیا ده مقصد اسنای عز و علا به
 نائل و عقبا به مصعد والای رقیب اعلا به واصل اولدیلر مرآت
 ضمیر اهل بصایره روشن و باهر و واضح و ظاهر در که علم توارخ
 و اخبار و فن مناقب و آثار خلاصه معارف و معلومات و تفاوت فضائل
 و مدرا کاتدر دور اقد مدن بود مه کلنجه جهسانده ظهور ایدن
 حوادث و غیره تعلیم و عهد آدمدن بووقته ایرنجه کون و مکانه
 حدوث ایلین وقایع خیر و شری تفهیم ایچون موضوع نفعی
 عیم بر علم جلیل و عظیم اولغله اتم و دول پیننده مشاغل و طوائف
 و ملل عندنده معتبر و متداول اولوب داغاسلا طین عظام
 و حکام کرامک مقبول و مرغوبی و فضلا ی بنام و عقلای اناک
 معنی و مطلوبی اوله کشسدر نفعی عامه به ماید بر علم کثیر
 القواند در که علمک حدس و زکاسنی زیاده و عقلانک یقظ ابله
 دید بصیرت لرین کشاده ایدوب عوامی اخبار سالفه به واقف
 و خواصی اسرار خفیه به عارف ایدر بو بحر بی ساحل غورینه
 اطلاع حاصل ایدن منجر کالمه جواهر کالانه نائل و لالی
 حقایقه واصل اولوب مقتضای تحول ادوار ابله اقالیم
 و امصارک تبدلات اطواری ضمننده نیجه اسراره منفطن اولوب
 و دول سابقه ده اتساع نطاق محال و اتم ماضیه ده تقلبات
 احوال نوجهله ظهوره کلوب تمدن بشریه به تفرق و زوال
 و دولت اجتماعیه ده تطرق انتقضا و ارتحال باعث و بادی
 اولان حال و مبادیدن خیر بر مرد روشن ضمیر اولور زیرا عمران
 دولتده طبایع اعلیه مقامنده بعض کالات غریزه واردر که
 اخبار امور جزیه اکاتب و قروع روایات و آثار اول اصله راجعدر
 طبیعت عمران و امرجه بلدان ابله خاصه هیئت اجتماعیه انسانیه ده
 مقرر اولان اصول حادث و قواعد سیاست تاریخ شناس اولان

عقلاى صاحب قیاسك یا ننده معیار و قیاس مثابه سند و اولوب
هر حالده اخبار و قایعدن نقول مجردیه قانع اولوب مغالطه
و خرافات و غث و سمین حکایاته فریفته اولسا ز غایبی شاهد دن
قیاس و حال مفقودی موجوددن اقتباس ایدوب کثرت تجارت و طول
مما رست ابله پر رتبه یه واررکه مبادی افعالدن خواتم اعلای بیلوب
صدور امور دن امور صدوری ادراک ایلر و مرآت عقلنده عواقب
احوال متین و صور خیر و شر بدیهی کی متعین اولور چون فن تاریخ
شریف الغایه جم افغانده بر مطلب عزیز المذهبیدر قدمای
کلیبدن نیجه مورخین عجایب و قایع ربع مسکون و غریب
حوادث دهر بو قلمونی جمع و تسطیر ایدوب اخبار ایام و آثار انامی
متضمن نیجه کتب تحریر ایتدیلر بعد هر عصرک ما هر لری
و شعر و انشاده سوزده قادر لری نوینو صدور ایدن اموری و کوروب
ایتد کلری حادثات جمهوری یا زوب مصنفات سلفدن
میل ایتد کلری نسخه یه ذیل ایتدیلر فن تاریخده مطول و مختصر
نسخه لر چو غایب اختلاط اقوال اختلاف ماله مؤدی اولدی
تصحیح حکایات سابقه و تنقیح روایات لاحقه ایچون متأخریندن
نیجه اصحاب درایت اهتمام و دقت ایله بوفنک مؤلفانندن جمع ایاب
و غث و سمینی تفریق ایله تقاوه آنا ری انتخاب ایدوب انظسار
اولوالا ایابه سزا یادکار کما بلریلز مشلردن ابن ابی جله نک (سکردان
السلطان) و حایي ابن شیمنه نک (روض المناظر) و مقریزینک
(خطط) و (کتاب المساوک) نام عربی تاریخلری متأخر اولان معتبر ایتدیلر
خصوصا ابن خلدون مقریزینک (عنوان المبرق دیوان المبتدا
والخبر) نام عربی تاریخیکه بالکرمقدمه سی برکتاب و جواهر علوم
و نوادر حکم ایله مملو برد فینه نابادر مؤلفی لله دره جلسه
مورخینه نفوق ایتشد و تاریخ مغرب احواله متعلقدر لکن جله

معلوماتی مقدمه درج ایتمشد و لسان فارسیده غیث الدین
خواند امیرک (حبیب السیر) و (نکارستان غفاری) و لسان ترکیده
خواجهمرحومک (لاری ترجمه می) و عالتیک (کنه الاخباری) کذلک
مقبول و معتبر تاریخگردند رحاجی خلیفه دیمکله مشهور کاتب چلبی
یک تاریخندن یک التمش بشه کلجه دولت عثمانیه تواربخنی یازوب
(فذلکله) تسمیه ایتمشد ر حق بود که سلاست تعبیر و حلاوت تقریر ایله
تکلفدن معرا بر مفصل تاریخ رعنا در کذلک لطافت تعبیر و وجازت
تقریر ایله (قره چاپی زاده) عبد العزیز افندی مبدأ دن علی وجه
الاختصار تحریر ایدوب یک التمش یدی حد و دنه کلجه دولت
عثمانیه احوالی بر خوش ترتیب ایتمشد ر بقاع مخصوصه و دول
معدوده به مختصر و متفرق تواریخ مشهوره و غیر مشهوره ایسه
فی نهاییه در **نوفانده** وقایع یازان یاران و حوادث ضبط
ایدن اهل عرفانه بر قاجار ایلط لازمه و قواعد مهمه وارد
(اولا) صادق القول اولوب اقاویل باطله و حکایات زایغه یازمه
بر خصوصک حقیقتنه واقف دکلر ایسه مطلع اولنلردن تفحص
ایدوب تیقن حاصل ایتدی یکی موادی یازمه (ثانیاً) السنه ناسده شیوع
بولان اراجیفه التفات ایتدیوب وقایعک ماهو الواقعی یازمه بیلن رجالک
معتمد و موثوق اقواله رغبت ایلده زیرا نیجه امورک کیفیت و قوی
و سبب صدور ی اربانه معلوم ایکن عقول ضعیفه اصحابی تصورات
ضعیفه لرینه منی معنا رو یروب غلط و یا خود هیچ اصلی یوق
سوزل اشاعت ایدر لر بین العوام شیوع بواش بومقوله ترهاتی
کرچک ظن ایدوب نفقد ایلدن نقل ایدوب یازنلر هر عصرده فنی
چوق بولنور (ثالثاً) ضبط اولنه جق امور حوادث کونیه ک
نه قسیندن ایسه بالکرت نقل و حکایتی ایله اکثفا ایتدیوب قصه دن
حصه السنه جق گوشه لده دقایق نافعده درج ایلده زیرا سفر

وحضر وذهاب وایاب وعرزل و نصب و سلم و حرب و دخی سائر بمقوله
حوادثی ساده یا زمره چندان فائده یوقدر بلکه هر زمانک
مقتضای حال و رجال عصرک مسلک و مال احوالی و نظام ملک
و مالده اعمال فکر و مشورتاری و ما حاصل نتایج ملحوظات
و رویتاری و اعدا طرفیه مقاتله و متارکه ده مختار وقت اولان
مصلحتاری و حصول ظفر و بالموق ضرره مؤدی اولان اسباب
و علتاری کرکی کبی دانای کار اولنلردن استخبار ایتد کدن صکره
اطلاعی خربیه محمله کوره ایراد ایلک لازمدر که بعد زمان قرأت
ایدنلر نیجه فوائد مجربیه به مطلع اوله لر بوقوائم دن خالی و ساده
تاریخلرک جهزه نامه دن فرقی یوقدر (رابعا) مقادیر ناسه عارف حق
کوی و منصف اولوب متعصب و مکابر و متعشف و متها تر او اید
مد و حینه لباقی اولیان آشنالری حایه و یاشا ایدر سه یکدیب
اوله جنی مرتبه افراط ایله اطرا ایتیه و معدوح الماثر اولان رجال
اکبری تعلق اغراضه بناء ذم و قدح ایدوب غدارلق ایتیه هر حالده
نفس الامر نه ایه اتی بیان قیدنده اوله (خامسا) مشکل
عبارات و مطلق اصطلاحاتی ترک ایدوب سه و ات ایله قرأتی ممکن
تعبیرات اختیار ایله قاموسه محتاج لغات و منشیانیه تنابع اضافات
و اصطلاحات تاریخیه یا قشمر مکر مراد اظهار اهلیت و عرض
بلاغت و فصاحت اوله خواص ایچون تألیف اولنسان (عتی)
(وصاف) تاریخلری کبی (سادسا) مطلع اولدیغی لطیف نامه لر
و فائده مند اوله جنی حکایه لر و صدده مناسب نظم و نثر ایله نادره
مضمونلر و نادره لطیفه لر تخریر ایلیه (سابعا) علم احکامه و افق
ایسه قرانات و تحویل سنین و کسوفات و سائر طوابع اصول
فن اوزره احکامی ضبط ایدوب فواعل اجرام علویه نک که علی
نعمهم مدبرات امر اطلاق ایدر لر قوایل اجسام سفلیه ده ناهور

ایدن تاثیراتی و هیئت اجتماعی دولته متین اولان حالانی تقدید و ب
ظاهر الاثر دلائلی وقایع ضمیمه درج ایدیه یلور ایسه اظهار اهلیت
ایتمش اولور دیرلته که تاریخت محرری بعض محله رعایت ایتمشدر
بوشروطه ممکن مرتبه رعایت ایتمک وورخینه لازم و...
الفقر) بودر منقول ارباب هنزدن * خبر علیه بکدر کیم وززدن *
زرو کوهردن الوردیده لذت * اولور علم و خبر نور بصیرت * کتب کویا ندیم
بی مختدر * خیر حال کردون که نندر * زبان حاله اولدیه کویا ایدر
محرره اسراری افشا * نواریح اولدی دهرک ترجانی * وقایع ییلدر
یوقدر زبانی * کهی بسط مقال یلر سیردن * سوز آجر غر و * خبر
البشردن * خبر ویرکهی نام آراندن * حکایات سلاطین جهاندن
* کهی ایضاح سردولت ایلر * یاز حال ملک و ملت ایلر * نو و کهنه
حوادث اول آخر * اولور تاریخت معلوم و ظاهر * نواریح اولدی یغچون
فن عالی * آکار غبت ایدر طبع عالی * بوفنک صاحبی کامل نظر در *
بوفندن قافل اولان بی خبر در * وقایع یازمه اهل معارف * کیم
اولوردی سلف حالیه و افاق * کلن اخوان ایچون سابق اکابر *
ایندیلر حلوائی حاضر * ایدوب اخلافه شفقت اهل حکمت *
اثر وضعیده چکدیلر مشقت * بودر لایق که ارباب منکرم * اوله وضع
اثر ستمه عازم * بولوب برمنشی * هذب الیانی * نکاه لطفه مظهر ایدر
آنی * عبارات بلیغه اوله قادر * وقایع ضبط ایدیه یازمه مآثر *
اولور جلب دعایه بروسيله * ارباعث اولور ذکر جبهه *
(حالا اورنک نشین سلطنت و مسند کزین خلافت کوهردن
دودمان اقبال اختر آسمان اجلال خدیو کامکار خاقان بلند
افتدار شوکت پناه عظمت دستگاه یکانه آل عثمان (سلطان
مصطفی خان) ابن سلطان محمد خان عزه نصره واید الله عزه
حضر تیرینک زما سعداقتارلنده صدر اعظم اولان عالی حضرت
والا منقبت امین الدوله و یمین السلطنة بمهد قواعد المعدله

والرافعة مشيد معاهد المرجحة والنصف ناطم مناظم المملكة العثمانية
 ناهج مناهج المصالح الخافائية مصلح مغلقات امور مدبر مشكلات
 جمهور وزيری نظیر مشیر صاحب تدبیر (حسین پاشا) شکل کشا
 قواء الله فی مصعاب الامور ووقاه عن فترة الدهور حضر تباری
 (نظم) جوان بختی که دوران کهن سال * بدو داده نوید هن
 واقبال * بخلق خوش جهانی بنده کرده * رسوم مجدود انش
 زنده کرده * اول مغض الحیرات وکثیر المبرات شریف الاخلاق
 کریم الاعراق جیل الخصال وزیر صاحب کمال در که سینه
 پرسکینه می علم و عرفان خزینه سی وفواد معالی نهادی حقایق
 واثقان دفینه سید رفن تاریخک لطافتی معلوم عزیزی اولغه
 اوقات خالیه یام ولایا لیده بوفن عالینک کتب نفیسی همدم
 وانیساری اولوب دائمًا مطالعه غرایب ادوار ایله تشخیز فکر
 و مسامره حوادث اعصار ایله تنشیط خاطر ایدر لایذی لذا یذ
 روایات و آثار دن ذائقه حافظه بی بر مرتبه ملتذذ ایدوب تراج
 روایات و اخباری احاطه تام ایله شویله اخذات پشردر که احوال دول
 و آمدن برآمد فقیح اکلسه تفصیلاتی ایراد ویان ایدر لایذی
 و اطوار اجبال بنی آدمدن بر معنی عمیق ذکر اولنسه مشکلاتی کرکی
 کی توضیح و عیان بیورر لایذی اول دستور مهذب الخصالک
 پیشگاه اقبالنده جواهر ماژردن قیما و زواجر مفاخر دن رغبتلو
 نسنه اولمد یغندن لاین المعتز (شعر) فن عز من دون الانام مقامه
 فاحسن ما یهدی الیه الکتاب * مغه و منجه تاریخه متعلق بر مجموعه
 عجیبه و مورخ خطیله بر مسوده غریبه حضور و الایزیه اهدا
 اولمش که رجال عصر احمد خانیدن شارح المنار محمد افندی
 نام ملائک مخدومی بنه صلادان احمد افندی نام کسینه اسلوب
 عجیب اوزره بر تاریخ تربینه مباشرت ایدوب سلطان احمد خان

مرحوم عصر نندن د ورسطان محمدی ده کو پرلی محمد پاشا
 وخته کلنجه ممالک محروسه ودوات علیه مک وقایع وحوادثی
 مفصلا یازوب وقایع سابقه بی (حسن بکرزاده) تاریخندن اخذ
 وضم ایتمک اوزره تسوید ایدوب هنوز ترتیبی مقدر و بیاضه
 چک اوب تحریری مبسر اولمزدن مقدم مؤانی ارنحال ایدوب سنین
 چند بندن پرو اول مسوده بیجا بیج طاقی نسبانه دوشوب هیچ
 اندر هیچ اوله یازمش واقعا مورخ مزبور متیقف و آگاه و متبحر
 صاحب انتباه اولغله دقایق احواله واقف و قتی چوقی وقایعک
 نتایجنه عارف اولغله تکلفدن معرا و روزمره بی ادا ایلله وضوح
 اوزره مفصل و مشروح تحریر ایلش صاحب دولت حضرتلری
 اول مجموعه پر عبیک من المطالع الی القوافی و من القوادم الی الخواتم
 مطاویسنده اولان خاوی به مطلع اولوب و (المرأ بأثاره یدکر کل
 مانفع قد یشکر) مفهومی منجه مشتمل آثار سلف بویله برنسخه
 ضایع و تلف اولتی روادکلدردیو احیاسنه بذل همت بیوردیلر
 ابقای محاسن آثار ایدن خیرات جلیله المقداره عون حق ایلله
 موفق اولغله بوتار یخک مجددا استکتابنه فرمان باصواب بیوردیلر
 * نامدر رغبت و یرن سرورلره * سکه در حالت و یرن سیم وزره *
 مضمو نجه نام مکرملریله شرفیاب قلمتی اوزره ترتیب و تبویب ایلله
 بشقه رکاب اولق خدمتنه (لنامه) آرزو مند عنایت داعی صدر کریم
 * منزوی کنج غر بت بنده بی کس نعم * قولر بی ما ووروبو خدمت
 جلیله ید استخدا ام ایلله مسرور بیوردیلر بو فقیر دخی بر موجب
 فرمان حضرت تحریرینه تشمیر ساعد همت ایدوب بعضی محله
 اقتضاییدن تماماتی تواریخ معتبره دن اخذ و الحاق ایلله تکمیل
 و عصریمز کلنجه کاینجی ضبط و ترتیب اولماین واقعاتی منم
 و تذیلله دقت ایلدم وقایع کلیده بی حاوی تواریخ سائره دن منفی

برخفته بلیغ او اسنه سعی بیدریغ قنوب نام کرامتیه شهرت
 شمار او ایچون بوهکتاب نامداره (روضه الحسین فی
 خلاصه اخبار اخا فقیه) تسمیه سی سزاوار کورلدی حق
 سبحانه و تعالی اتما فی مبروراحت ایله تحریر واختتامی
 مقدر ایلیمه اثنای شروعه قلب حقیقه طلوع ایلدیکه اشبو
 کتاب زیانام سعداتنا بر ایله مسمی اولدینی کبی دیساجه سی دخی
 جلائل مدیحیه سیله مجملی. و مطرز و مقدمه سی کند و لردن ظهور
 ایدن خدمت جلیله و مناقب ملیحه ایله مزین و معزز اولسه نورعلی
 نورپر کتاب بی قصور اولوردی فلاجرم عدم استطاعه ایله بواصر
 صیره دخول و قلت بضاعه ایله بوکار خطیر اقدامنه بوالفضولانی
 ایدوب نفس الامرا و لای اوزره ادای ستایشرینه قدرتم مرتبه سی
 سعی و کوشش لازم کلدی و (حسن الذکر ثمره العمی) مفهومی اوزره
 ابقای حسن ثناری ایچون لائی ابدار منقبتی آویزه طاق اشتهار
 و منظومه یادگار مدحتی کتابة رواق زردکار اتمک اقتضا ایلدی
 (نظم) نظم فردوسی اگر اولاسه اولردی عیان * بزم کیکاوس
 و رزم رستم و اسفند یار * نام بهرامی اولوب نظم نظامیدن بلندن *
 اولدی شعرا نوریدن وصف سنجر آشکار * ملوک و وزرا تک
 از کار جلیله لرینی تأیید و نام کرامتیه صحایف ایاامده
 تخلیه ایدن وصف سدید و کلام جید اولد یغنده شک یوقدر
 (نظم) سخن آرایش دیر کهندر * یه کوکدن نزول ایدن سخندر *
 سخنن غیری اولسه پاک کوهر * انی ارسال ایدردی حی داور *
 اول کریم الاخلاق باهرا المراحم و الاشفاقک عادت حسنه لرینه
 غایت و خصلت مستحسنه لرینه نهایت اوابوب دریادن قطره
 و خورشید دن ذره مقدار ی شیمه علیه لرینی تخیر احوال و سحیه
 مرصیه لرینی مشعر بعض آثار و اقوال ایراد یشه جرأت

ایده و ب واقعی بیان داعیه سببه عدم اولین کلامه جسارت
ایلد م اول مصدر افعال حسان و مستند الیه مروت و احسان
حضر نکردن رجای صادق بود که خطا و سهوه معامله هفوی بیور مر
و یو صحایفه نظر اید ن فضل و کمال اربابی علما دن ورد و قبول
اصحابی نظر فادن مستند عادر که قصور و عثرات واقع اولش ایسه
اعتراض کونه تعبیر و تفسیری روا کور میوب فلم کر ماریله تصحیح
ایده ل و مطلع اولد قلری هفتوات و ذلالت طعن و تزیب ایله
مواخذیه به جواز کوسر میوب وجه وجه ایله توجه بیوره ل
والله ولی التوفیق (نظم) چون غمی مائد جهان یه قرار نام نیکوبه که
ماند یاد کار * تنظیم بلاد و ترفه عباد ایچون ملوک
کفر ایله مهاندن و جهات اربعه ده اولان فرق نصاری ایله
مصالحه خصوصیدر که بر مقدمه و ایکی فصل اوزر بنه تزیب
نتیجه کلام ایله ابضاح مرام قلتمشدر اول حکیم شفاخانه ازل
و حاکم فرمانروای بارگاه لریزل جلت قدرته و عمت رحمت حضرت تریک
فیض عممی جمله کائناتی مقتضای ماهیا تری اولان کالات
طبیعه لری به ارشاد و دأما عباد بنه انفع و اول اولان مصالح
خیریه بی ایجاد ایلبوب مقتضای تقدیری ایله منقلب اولان ازما
و دهورک شائنه مطابق و ابناهی عصرک مزاج استعداد لری به
موافق مصالح نافع بی تفسیر ایتمک اول منصرف حقیقینک بدایع
صنایعنددر اتوار جمال و جویبار جلالتدن کلزار امن و خاوار رحمن
پرده اولغیچون ادیان و مثل پاشنده کاه صلح و کام جنک و عساکر
و دولده که شتاب و که درتک اوزره اولماسنی اراده بیور مشدر اشرف
مخلوقات هادی سبیل نجات علیه افضل الصلوات و اکل التحیات
حضر تری قوت قدسیه ایله خوارق عادتدن اولان تصریف
ذوات اعبانه قادر لریکن حفظ صور اسبابی امنه تعلیم و رعایت

وسائل و معداتی متمسکان جبل و ثقی شریعت تفهیم ایچون
 نیجه امور ده ظواهر اسبابه رعایت بیورر ایدی و هجره
 قاهره ایله مشرکینی مغلوب ایتمک و بلبه سماویه ایله جمله سی حیاتدن
 مصلوب اولق حیرامکا نده ایکن حفظاً لصور الاسباب اولسید
 عالی جنابدن حدیده صلیحه جلوه نما اولان اطوار حکمت آثار
 دیده حقایق بینت حکم الهیه یه مبنی نیجه شیوه خفیه اظهار ایدر
 صلح مزبورک احوالی تبرکاً بومقدمه یه سرنامه قلمتی مناسب
 اولغله دستمایه هر فان ایله متأخرینک صاحب نصابی یکنانه
 عصر نابی افندینک سیر نبویه به ذیل اولق اولزه ترتیب و تحریر
 ایند کلری نسخه لطیفه دن اخذ اولتوب بوصحایف اندک مایه کلام
 استادایله مزین مقاله ایله پیرایه بولسون ایچون عینی ایله نقل
 و تخریر اولندی (صلح حدیثیه) امام ربانی خطیب قسطلانی
 بوجهله تخریر بیورر مشلدرکه اول دانای حقایق ملکوت وینای
 دقایق جبروت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هجرت علیه تک سنه
 ساد سه سنده برکیجه حالت منامده صحرای عالم مثالی تماشا ایدر ایکن
 کوردرکه مائه مهاجرین و انصار ایله حریم خاص خدا اولان
 بیت معلای طواف و تحلیق رؤس و تعلیق شعر امثالی اشغال
 نسکیه به درکار اولملر صبحدم بواقعه بی اصحاب کرامک
 سامعه لرینه تقریر بیورد قلزنده هر بری فایز مدارج ابتهاج
 اولوب بوخرشید فتوح همان اوسالده برج وفوه تحویل ایدر
 امید یله تدارک مهمام راه بیت المرامه شروع بیورد بلراکچه
 روح ضعیف والاری نقش پیکاردن مصنی ایدی لیکن جمیت
 عنده فریش صف بسته نما نعت اولد قلری تقدیرده جمله
 شمشیره محتاج اولق ملاحظه سیله برصا رمد شمن سوز
 استصحابیله اکتفا بیورد بلرو منزل ذی الخلیفه ده یتش رأس

بدنه هدی برای امتیاز تجلیل و تقلید و اشعار یوریلوب ساثر
 فائز دستمایه اقتدار اولان موحدین دخی هدا یالین بر طریق
 مسنون تقلید و اشعار ایدوب جله نك تعهد لازم اموری
 ناجیه بن چند ب اسمینك كردن التزامه تحمل یورلیدی و اول
 منزلدن بشرین سفیان خراعی جمعیت قریشدن خیر کتور مک
 خدمته نصین یورلیدی میقات ذی الخلیفه دن احرام ایله
 زیور بند اولوب نعره لبیکي اوج عرشه پیوند ایلدیلر ذی الاشطاط
 نام محمله بشر بن سفیان آستانه رسالته رومال ایدوب جمعیت
 قریشك وجهه هزم نبوی په سد دیوار ممانعت سود اسبله
 تدارکده اولدقلرین ابلاغ ایلدی موکب شهنشاه رسالت علیه
 اجل النجیه ثنیة المراتب نام محلدن کذا ایدرکن رکوبه خاصه لری
 اولان نافقه قصوی بلا اناخه و اشاره کرسی چارپای وجودین
 بساط ارضه وضع ایدوب نشین زمینده مستقر اولدی هر طرفدن
 اقامت و تحریکه اقدام اولد قبحه دخی زیاده رشته استحکام
 صامنین حوالی رکاب فلک مایده بولنان بره اصحاب غالب
 قصوائک تاب و طاقی فرسوده دست ناتوانی اولمق کرکدر
 دیدکلرنده حضرت رمز آشنای دسبسه حقیقت علیه افضل
 النجیه قصوائک ساق اقتداری سوار بسته عجز واعیا اولدی
 اعتقادی شایان دکادر بلکه اصحاب فیه صف ایلیل ایله
 سد هوای هزم حرم ایلین جناب رب العالمین حکمة قصوائک
 دخی پای عزمنه عقال سکنته توقف اوروب جناب کعبه
 معلایه رخصت و حرکت ویرممشدر دیولب جنبان جواب
 حکمت نصاب اولوب بالا قضا حدیبیه نام موضعه بربر
 قلیل الما پیرامنده حلقه بندخیام آرام اولدیلر و طائفه قریش بو
 عزیمندن مقصود کارزار قیاس ایدوب صورت ممانعت کوسر ملری

پیکار محنت حاج اولیه دیو خراش بن امیه خراعی رضی الله عنه
 نامرد سفارت بیورلدی مجمع قریشه واروب مسجوعی اولان اقوال
 صادقه بی تبلیغ ایلد کده سفهای کفار استکبارلندن سمع
 قبوله اصغای تیوب بی موجب واقتضا خراشه سنک اندا زاذیت
 اولد یلر سر اپرده نبوی یه کلوب قریشک امراض ردیه
 خصوصتاری شربت تیغ زهر آیداردن غیر ایله علاج پذیر اوادینغی
 اشعار اید یجک بوقفل مشکل بندک مفتاح تعبیرات وحشت زدا
 ایله کشادی امر نده جناب بخریدن چشم داشت توقع
 اولد یلر حضرت فاروق یووجهله معذرت خواه اولد یکه
 صلابت عمراته م همواره بدکیشان قریشه شمشیر غای خصنام
 اولدینغی انلرک دخی فساد زده یقینلری اولغله هربری گوشت
 پازده بدغمه دندان عداوقی تیر ایشلردر حالا اقتضای وقت اوزره
 اراده علیه کر میانه دن رفع پرده وحشته متعلق ایکن بویه محله
 ناهوشمندان قریشک بوکینه یه معامله ناپخته لری افساد مصلحت
 ویکیدن ایقاد نائرة مخاصمه سبب اولغی وهمی بوکترینه ضانکس
 بما نعت اولده در اعداز صادقه فاروقی قرین قبول بیوربلوب
 جناب عثمان رضی الله عنه اهالی مکهدن علاقه کیر الفت وقرابتی
 بیشمار اولغین خدمت سفارت عهده همتازینه تحمیل بیورلدی
 جناب ذی النورین رضی الله عنهنک مقدم مکرمین جمهور قریش
 احترام اوزره تلقی ایتدیلر حضرت عثمان رضی الله عنه بسط کلامه
 آغاز ایلد کده هربری یاعثمان اول خصوصک حصولی منازعات
 اکثریه موقوفدر شمدیک اتی تأخیر ایده لم شکله بیغزده ثابت اولان
 حقوق مقتضا سنجیده دیدار پراوار یکه مشتاق اولوب سنک دخی
 هروس دلارای بیت خدایه اشیاقک واردر شمد بکی حالده ذوق
 طواف در کار اولغله دفع آرزو ایله دیومراعات مهمات مهمان

نوازی کوستر دیر چونکه جناب خیرالوری طلبکاری وصال
 کعبه علیا ایله بوقدر ارتکاب مشاق حرکت بیوروب انلره نوز
 نکچش مائده وصال اولمشیکن انلردن مقدم خوان مراده
 کستا خانه ال صوغنی آداب عبودیتیه منافید رد یو حضرت
 ذی النورین صورت غمی استغنا و لیحق بو معامله ناز قریبیلری
 منفعل ایتمکله دخی مقال مصالحیه کوش قبول طوع و تبویب یرقاج کون
 کوشه نشین زندان چشم اولدیلر حضرت عثمانک مدت محضرده دن
 زیاده مکشی خلالتده قدر قریب ایله صحرای عدمه انتقالی اراجیفی
 دخی میان اصحابده شیوع بولمغله سبیل سماویده مسطور اولان
 یعنه الرضوانده بیعت واسطیه وقوع اولدی یعنی بو معامله
 درشت کفار آفتاب ضمیر سیدالانبیایه ذریعه انکشاف اولمغله اول
 حوالیده واقع شجره سدره سایه سننده شاخ برومند ابدان میوه فشان
 حیات اولنجیده دک کفار اوزرینه صاعقه بار پیکار اولوق شر طبله
 معاهده دست مبايعت ایلدیلر کما قال الله تعالی (اغدر ضی الله
 عن المؤمنین اذ پیابیعونک تحت الشجرة) حضرت ذی النورین
 خدمتکداری رسول باری ختمنده ناکام نشین دائرة مخالفتین
 بولمغله بو بیعتدن محروم اولماسون ایچون حضرت دستگیر امت
 علیه افضل التحیه دست چیلرین کند و طرفلرندن دست
 راستلرین حضرت عثمان رضی الله عنه طرفندن یکدیگره عقد بیوردیلر
 بو معاهده خبرتک وصولنده قریشه خوف عظیم مستولی اولوب
 حضرت عثمانی مطیه اکرام ایله سرایرد اجلا له ارسال ایتدیلر
 بنی خزاعه قبله سندن بدیل بن ورفاء بارگاه سیدالاصغیایه کلوب
 نیت خبیثه ضمیر لری نه اید وکن استخبار ایلدکده جناب سیدالانام
 علیه الصلوٰة والسلام حضرت لری یلبدیل مطلقا شوق طواف
 خانه خدا ایله منجذب اولوب برفرد له معامله کار زار خاطر دن

گذار ایتمه مشد راما قریشک جابیتلری تحر یک شمشیر خصوصه
 عجب فنه حکم کرد که همواره اظهار معادات ایدر لر اما ینه کندی
 کردلر ینه ذریعه خراش خرنیاش اولور ایلره نافع اولان تحصیل
 دسنامه استراحت ایچون بزم ایله برمدت قیچ دکان آشتی ایتمکدر
 شویله که مقام استکبار ده تعند ایله قائم اوله ار حضرت مولی
 حقیچون حرف خطا نمود وجودلر ین صحیفه کوندن حکم ایدرب
 یلر ین انوار ین بیضا ایله تذهیب ایتمکجه آسوده فراغ اولاق
 احتمال یوقدر دیدیلر بدیل کلمات حکمت آمیز سیدالورایه زمزمه
 استغسان چکوب بجمع قریشه معاودت ایلدیکده دفع تو حش
 خصوصت ایده جک کلام نصیح انجام ایله صالحه سعی نام ایلدی
 یهوده کویان قریش دیدیلر که ای بدیل سز جانی داری محمد ایله
 متصف بر طایفه سز انلر حقده اولان کلامک حایه و غر ضدن
 خالی دکلدر و ضمیرلری نیت پر خاشدن خایدر دیدیکلندن معلومدر
 دیدیلر قرضا کلاملری صدق اولدوغی تقدیرده اثلرک بوگونه
 وضع غالبانه ایله ام القرایه دخولرندن و اول محله بزم سر
 و دستمزین سبوی شکسته و شاخ بریده کی حرکت مما نعت
 صدور ایتمدیکندن قبائل اعراب پلنده بعد از ین نامز دست اولدن
 غیر ین نه فائده پی مترتبدرد یونجه قیل و قالد نصکره بالآخره
 سر کوچه اشرا کدن هر وه بن مسعود ثقی پی بروجده سفارت
 پیشگاه خیر البرایید ارسال ایلدیلر سایه مظله اقباله وصولیده
 دهان کندیده سندن بومقالات مزخرقه حدوث ایلدیکه
 یا محمد نه غریبدر که بیکانه لایله عقد شیکه الفت ایدوب جویبار
 فرابتکده پرورش بولان ماهیات حقیقت آشنایی دورانداخته
 ماء الحیوت زندگانی ایتمک داعیه سنه دلبسته اولمش سن اما حیف که
 دماغکی پامال خیال ایتمش سن میان خیابان قبائل اعرابده

فنی نهال بالار و اقبالی کورد ککه شجره اصلندن نه شه اولان
اغصان اوزره حواله نیر انتقام ایلیه بو خود درجه وقوعه
ترقی اید. چک تصور دکلدر اما یلکر نهنگان عمان بنی عدنان
دخی وجه آسان اوزه گرفته شصت دمارمی ایلورلر حال طور نام
مقامده مقابله راه عز مکده سد شاهقه تمکین ایتشلر در سکا
واسطه پرواز اهتراز اولان طائفه اول عقابان شکاری چنگالنه
تاب آور اوله جق قدر محسوس دکلدر طرفیندن لوای آشوب
تحریک جناح کفاحه درکار اولیجق هر بری تیهو یچد کی برچانه
پران اولوب سنی تنها و اکذا شته ورطه خصله اید. جکلر پن
نه عجب ملاحظه ایتماش سن دیدی ترهات شعور ربای عروه
میران حوصله صدیقه غایت کران کلوب اشع شتوم ایله شتم
ایدوب ای بد کوی وهرزه طراز برکالای اندک یاب وجود مزی
نیچه دفعه زیر قدم شهریار رسالته پای انداز ایتد یکمز ثبوت
یافته حد تو اتر در بعد الیوم دخی زلال حیاتن اجرای مجرای وفا
ایک ایچون ابدانم زده آماده فودان ایکن شمدی سن بزیمی
کریز پا صف مصاف عدا اید رسن سناره ضمیران اصحاب
رضوان الله علیهم انجم سیاره کی سر سعادتمدار نبوی اطرافند.
جانبه کردان اولدیغی جهانیا نه روشن ایکن شمدی بدر آسمان
رسالت پیرامنده بزیمی هاله صف استواریمز متفرق اولوب
بهین کاتبه ایوان ابداع جنابن برالای بنیاد افکن ارکان ولا میاتند.
فورزدیدی بو خدک تیز پیکان اگرچه عروه نک جکرین چاک چاک
ایلدی اما هنوز لایله مظلمه جاهلیتدن صبحکاه عالم افزو ز اسلامه
نارسان ایکن حضرت صدیق رضی الله عنه عروه پی اون شتر
احسانیه ورطه هولناک دیندن کار تخلیصه انداخته ایدوب
امانوز عرق ریزی بارامتاندن رها یاب اولماشیدی بنا برین

نه حال ایسه بو مائده تلخ حوصله سوزی هضم ایدوب یا بن جافه
 بو آتش شکب سوزی مقدا اجرا ایلد بکک زلال احسانه
 تلافی عدایده لم دیوب سد دهان ایلدی اما عروه کفت و شنید
 خلانده مجلس معلا رسالنده بالجه پروانگان شمع جهان
 فروز نبوتک حرکات و سکناتن سنجیده ترازوی چشم اعتبار
 ایدوب جانب قریشه عودت ایلد گده مطلع اولد و غی احوالی
 تقریر ایدوب اگر بنم مقال خیر خواهانده اعتبار اید رسکن اول
 هزاران جکر شکاف پنجه سندن تخلص کریان ایچون نامه
 صلی بر ساعت مقدم حرز بازوی جان ایده سزیدی و اصحاب
 محمد علیه السلام آداب و اطاعت و شکوه و شوکتلرینی مشاهده
 ایتدیکی اوزره هلی التفضیل سویلدی عروه نک معجون مقال
 عافیت بخشی معتل مزاجان قریشه موافق دو شمکین بعد از بن
 ازاله ماده مخاصمت و تصحیح طبیعت مصالحه ایچون سهل
 بن عروی توکیل و درگاه نبوی به روبراه ایلد یار سهل بارگاه فلک
 دستکاه چهره سای او ایچق رسم نیازمندانده اوزره کلمات
 مهاده نه به شروع ایدوب نسخه مخالف الارقام قبل و قالده
 نجه دفعه طرفیندن تقلب صحایف رد و قبول و ترکیب مفردات
 حل و عقد اولنوب رشته پرکره کفت و شنید کاه قصر و کاه
 تطویل و مسوده کونا کون حرف ابا و رضا کاه اجال و کاه
 تفصیل اولند قد نصکره بالاخره صحیفه صلح و اتحاد بوش و طایله
 منقوش اولدیکه وصال بیت معلایه مشتاق اولنلر بود دفعه معانقه
 محبوب سبه پوش کعبه مکر مه دن تخلیه اغوش امید ایدوب
 سال آتیه ده ینه قضای عمره مؤبه ایچون احرام بند اوله لر
 واول زمانده زبور منشان قریش سه شبانه روز پیرامن کعبه دن
 کاه چکلوب شهد خوان وصالی درد ممانعتدن مصفی ایلد لر

واون سنه چارسوی ایامده دکاکین سوق السلاخ کار رازدر بسته
 اولوب متاع صلح و وفاق آیین بند بازار اتقانی قننه وقریشدر
 اسلامیان و اسلامیاندن جوار قریشه مراجعت ایدنلر مزاجه
 یکدیگر دن مأمون اوله لر بقیه شر و طندنبری دخی بودر که
 بلاذن ولی مشرکیندن پناه اسلامه کلنلرک وجهه امانته المصلحه
 دیوار ممانعت کشیده قلوب برعکس قضیه سایه عالی نطساق
 اسلامدن بادیته شراکه معاودت ایدنلره ممانعت اولمیشه
 اما بوشرط معهود مجرد مسلمین ایله فریش بئشه منعقد اولوب
 سائر ممالک و قبائلک بوسلسله ده حمله تعلقلری بولمیشه
 * مرویدر که رشته شرط مزبور یسهل بن عمر و سوزن دلدوز
 زباننه امر ایدوب فخر عالم صلی الله علیه وسلم قبوله شایل
 کور یحک بوبار سنگین وزن طاقت شکن میران تحمل اصحابه
 غایت کران کلوب کمال ملال ایله بربر لرینه اطاره حمامه نگاه حیرت
 واستغراب ایلد بلربا لاخره حضرت عمر رضی الله عنهنک چله
 سخت کره حتی کمال تحملدن برجسته اولوب تخفیر مزعه یقین
 نیتله یوخسنه آن که اسقای خار نازشک ایچون اوله همان یار رسول الله
 (الست نبی الله حقاً والسنا علی الحق وعدونا علی الباطل) یعنی
 یار رسول الله سن نبی برحق الهی دکلینسن و سالت مسالت قصد یق
 اولان مؤمنین دخی حق اوزره دکلر میدروعدو لریم بطلان
 اوزره دکلر میدر دیو سوال ایلد کده باغبان ریاض حقیقت
 علیه افضل التحیه (بلی یا عمر) دیوب گوش یقیننه تعلیق کل غنچه
 جواب یورد قلنده یار رسول الله بوردای ذات و خوار ی به تسلیم
 کردن رضا نه مصلحت ایچوندر دیو دلخواه قریشه بومر تبه
 مساعده دن صندوقه ضمیر لرینه آویخته اولان ففضل اشکار
 فقی ایچون جواب مفتاح اولیچو بوجمله جواب حکمت

نصاب پیور دیار که یاعمر بن بر بند * فرمان برم نوماده صلحه
چشمه امور خار و خس محذور ایله مستور اولدیغی سنی تشنه
کرد سراب زار واضطراب ایتمو نکه بنم حقه دهان حکمت
آمیژمدن صادر اولان ترکیب حکمت آمیز مقال اجزائی رضای
لهیدن خالی دکلدر بلکه هر جزئی مزاج معلول عالیدن ازلله
مواردیه کفر و اشرا که دوا ی ش فی اوله جق نیچه خاصه
رافعه وفائده خفیه بی مستلزمدر یاعمر لوحه مجلای خاطرک
ژنک آلود ملال ایله که اول خدنک راست سیماسخن که کان
عنبرین توزده تمدن انداختدر لاحاله نشان مقصوده اصابتی
فرردر یاعمر قریبا کف زنان رحت جوش طاف اولوب
عروس مرا می بی مزاجه اغیار خرامنده شبستان حصول
مشاهده ایدرسز دیو جریحه خاطر فاروقه نمکپاش تسلیت
اولد یلر ما حاصل شیکه صلح قالب ایجاب و قبوله افراغ
اولندقد نصکره حضرت علی کرم الله وجهه خامه عنبر چکان ایله
ارقام شریطی خط وخال وثیفه عهد ایتمکه طرف نیویدن منتظر
اشارت ایدی اولاکیشده دلکش ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾
ابروی پیشانی ورق عهد نامه قلعه شهر یار سریر آرای
عز و علا عایه اسنی الهایا جانبدن مشار اولیق سهل
بن عمرو تحریرک لسان اعتراض ایدوب بو نقش نویدنی سکه
تعبیر بزم بازار اعتبار عجزده بیرواج اولغله بیتزده شهر تیاب
اولان نقش قدیم باسمک اللهم پیرایه پیشانی سطور قدسون
دید ی نزاع لفظی منتج معنی اولامغین اعتراض اولمادی
(هذا ما صلح رسول الله) کلامی تحیر اولیق سهل بند دهان
سه هه کنسادی و یروب دیدی که یا محمد اگر سنک منظومه
نورقم رسالتک بزم محفظه قبولیرده جایگیر اولوب فرستاده

عالم آفرین اولدیغک نقش کاتبه اعتقادیمز اولیدی چوقدن
اعتراض برطرف اولور دی دیدکده جنساب فاتحه طومار
خلقت و خاتمہ کتاب نبوت علیه اکمل التحیه حضرت تری
یاسهل بنم مرآت عالم غای رسالتده جلوه صورت حقیقت
روشن چشمان هدایتده نمایاندر سزک کی افسرده
دلان زهریر بخذلانک نقش نکار انکارندن نه ژنکار عار
لاحق اولور دیو جنساب مر تضي یه شکه وفه زار سطور دن
بنفسه لفظ شریف رسول للهی بر چیده ایدوب مقامنه
سنبیل بویای لفظ عبد اللهی نشاند ایتک ایچون قلم نازنین
جنیش ابرو ایله اشارت یورد یار خلیفه دیرستان ولایت
کرم الله وجهه یار رسول الله بنم نه حد مدرکه د بوانخانه
کبریاد ن قلم حکمت نکار ازل ایله ذات جلال مذار که تعیین
پیوریلان القاب معالی نصاب رسالت اوزره وضع خامه تغییر
ایلم دیو پیشتنه تأدب واستعاضیه تواری ایلیمک همان
خواجه مکتب خانه ما اوحی علیه افضل الهمایا باوجود که
هرگز انا مل مبار که ری قرین قلم اولسا مشیکن دست
مر تضي دن قلمی اولوب صحیفه همد دن قوت نبوت ایله سبز
نوخیز لفظ رسولی برکنده ایدوب پرینه شبوی لفظ عبد اللهی
انشاد و ایضا یورد یار و کل غنچه لب انجازه نثارلین لبر یز تبسم
ایدوب یا علی بو صورت محو و اثباتک عینی قریباً جنساب ولایت
نصابک دخی صحیفه احوالنده ظهور ایدوب بالاقضامسا عده
مراد خصما ایدوسن دیو قوت انجازه نبوی ایله پرده صورت
باز قشاد ن ظهور ایلیمک واقعہ بی صغیه قلمیح و اشارت یورد یار
والحاصل توفیق خلاف فریقین ایچون کتبہ سطور
کتاب عهد ترتیب صغوف ایدوب میان مسلمین و مشرکینه

تخل ابلد كده بعض اشراف انصار ومهاجرین واعیان
 مشركينك علی طریق الشهاده اسمایری طراز ذیل سطور
 اولوب نقش فصوصلری محافظه ماده مهاده یه نکهبان قلندی
 اول ائنده ناکاه سهلك شكوفه سفال صلیسی اولان ابو جندل
 كه دلالت باغبان هدایتله سیراب یافته ساقیه ایمان اوغین پدر
 بداختری تکلیف عنیف ازتداده زنجیر آهنینی علاوه ستم اینشدی
 بوخلالده فرصت بولوب اسفل وادی مکه دن دایره خیام
 اسلامه جان اتوب کلدی سهل فرزندینک آهوی رمیدوار
 دام بلادن جستله اولد بغین کوریمک همان مقامندن سک
 درنده مثال پرتاب ایدوب اوغلینک رخسارینی ضربکاه طبعیه
 آزار ایده رك کریان کشان جانب مکه به اعاده ایلدی ابو جندل
 ملتجای دلسوختگان عالم اولان نخل رسالت علیه افضل التحیه
 جانندن سایه حایه کوریمک بادبان آسمان رس فریاده کشاد
 و یروب ای آسوده نشینان ساحل ایمان بحمد الله تعالی سفینه ضمیرم
 کالای والا قیمت توحید ایلله مالی اولوب هزار رنج و تعب ایلله کرداب
 پر آشوب کفا رمانه سندن کناره نجاته لنگر انداز اولمشیکن
 لایقمیدر که ریسمان امیدیمی سکین استغنا ایلله قطع ایدوب سپرده
 دست سبلی زن اهداء دین ایلله سرزید کده اصحاب رضی الله
 عنهم بو پیرایه نود و خت صلیح اولدخی بالای ضمیرلرینه ناجسبان
 کاکله تاثیر سرمای حزن و انفعالدن لرزه ناک اولمشرا بکن بوجامه
 تفاخر طراز استغنا دخی اندام خردلرینسه کوتاه کورغمکه اندوه
 حیرت وحیت مضاعف اولوب محبوب هوا صف آلام از قلوبیکه
 زلال حیاتلرین افسرده ایلله آینه جبین نبویده دخی صورت
 چین تاثیر نمایان اولوب یا با جندل عروس نوحطبه مسلمه هنوز
 ز یوز بازو قلنان سوار میثاقک حلقه شروطنه ابتدایم جانمزدن

سوهان غدر حواله ایتم رخنه انداز اهانه کساریدر
 بزدن خود بوحالتک احتمالی صد وری نامتوقه در طریق
 محبت دین قوییده چند روزه سموم جور و ستمه منجمل اولکه
 قریبا احکام تقویم الطاف خفیه الهیه دن تقلبات
 فصول و ایام مستنیع تعدیل هوای مراد ردیو تسلیت پیوردیلر
 ابن اسحق جناب ابن عباس رضی الله تعالی عنهما ساد ن
 روایت اید و که ابرق صلح و وفاق شست و شوی آلابش
 جنک و شقاق ایلد کده سرچریده اتیاعلیه افضل الکتابا
 حضر تازی لوازم نحر و مدنی مراعات پیوروب هرتار مشکبارلی
 شانه فده مرکان کرو بیان اولان سرعرش کذا لری تراش ایلدیلر
 ابوالقاسم سهیلی زهر الزیاضده بو وجهله شکوفه پرور خبر
 اولشد رکه وردنوشکفته باغ هدا بالجه اصحاب کرامه اراقه
 دمای هدا یا وحلق رؤس ایچون اشارت یوردقلرنده جان فروشان
 بازار محبتک مأموللرینه مخالف ظهور ایدن سرمای شوق فرسای
 میثاق کانون کرم امید لرین افسرده ایچکله غلبه حیرتد
 هیچ برنک انا ملندن سکین فرمائنه قوت امثال بدید اولمادی حتی
 اوج دفعه تکرر فرمان قدر توان پیورلدی اماینه هیچ بری دست
 امثالی اشنای کر مطاوعت ایلدیلر بوحالتدن پیشانی قرتاب نبوید
 کره ملال غما یان اولمقین همرا ز شبستان عفاف ام سله رعی
 الله عنهما جنابنه صحاب کرامک معبر طلم کذار اطاعت پانهاده
 اولد قلرندن اظهار نجش ضمیر یوردیلرام سلمه رضی الله عنهما
 دیدیکه یار سول الله بوماده مجلای خانه خاطرک خبار نشسته
 ملال اولسونکه دست بسته بملکده اطاعت اولان اصحابک
 حاشا رستم فرمائنده دست و پای نزد جنبان ایلد ر مشعل
 رهباب فرمائکز فروزان اولد یعنی ساخته سارعا انقیاده

مسارعت ایستد کبری جهندن دخی معذور لر در انلرك
 شمدی وجهه امید لر ینه سداولان كوه اندوه
 مشكل كذار نفس شعور لر ین كسته اینكاه شاهین
 دوخته چشم خردلی هوای حیرتده پریشان پرواز اولق
 بعید دكلدربو قدر سنیدن برو صرف انقاس آر زوایله
 لمعان اولان چراغ امانلیری تنویر مجلس مقصود ایله چك
 زمانده بلدنا كام خبر صلح اطفاف ایلدی شمدی انلردن
 صادر اولان ميوه ناپخته حرکات ثمره نهال
 حیرت لریدر مناسب بودر كه آنكاه تلخ ساز ذائقه خاطر خطیر
 اولیوب مقتضای وصف کریم خلق عظیم اوزره وضع تگاسل
 کونه لر ین پس انداخته قفای تسامح وانماض پیوروب خاطر
 خواهرکز اولان منافی مریطه فوتدن مذبحه فعله کتوررسز
 اول مرتبه دنصکره اصحاب ستوده جنابك دخی ضروری
 ترد دلری اتباعه مقبول اولماق نامحتملدر دیوب خانه ضمیر
 منور لر ین غبار رنجشدن تصفیه ایلدی علی الصباح شکافته
 سینه قرین جنان سید البشر حضرت ناری هوادی هلال نمود
 هدائی بوسه لب کارد ایله بجاری خون اینكه شروع پیورد قد
 عامه اصحاب هربری اساله خون ایله مارض صحرایی کل کون
 ایلد بار و اعمال خلق و تقصیرده دخی سر مورخصت داده
 تقصیر اولمد یار اول محله ناکاه فرمان حضرت مرسل الزیاح ایله
 ربیادعتبر بوی چاروب دارمیان پند خد مت کتاست اولوب
 تراشه موی اسلامیان خاك عطر ناك حرم محترمه اهدا و هبیر
 پیرامن ام القری ایلدی بومعامله لطیفه الهیه سر برهنکان منصه
 تسلیمه وسیله تسلیمت اولوب مرأت ووز کارد علامت قبول عمره
 مشاهد سبله نائل بشارت اولد یار منزل حدیده ده بکرمی

كون اقامت اولوب بعده نواجی خبول هجر نسرایه فقول
ایلدی طی راه اثنا سنده سورة مبارکه فتح منزل الوب انوار
تبشیر ایله قلوب مؤمنین تنور ایلدی و صلح حدیبیه نک او چخبی
سنه سنده فتح مکه ایله مبشر اولوب نهال مصلحت پر حکمت
بر وفق مراد بر آور اولدی بو واقعه عبرت اترك تفاصیل
کتب سیرده محرر در عقلای روشن رایه خفی دکلدر که
صلح حدیبیه ده اولدای اسرار کائنات علیه اشرف
التحایانک سیاق مذکور اوزره خواهش اعدایه رضا
کوستملری حاشاتم حاشا مقتضای عجز واضطرار دکل ایدی بلکه
اول سلطان سریر ارشاد علیه السلام مرادری مراعات صور
اسباب ممکنه و تمسبت امور تدریجیه بی علی طریق التعلیم امت
مرحومه به تفهیم نیورمقد ر اول خورشید مشرق نبوک انوار
سنت سنیه و آثار سیر مر ضیه سی سبیل قویعه دلیل شافی و صراط
مستقیمه رهنمای کافی در دل تشنگان بادیه حیرت اولنله زاویه اخبار
اطوار لرندن سرچشمه عرفانه یول بولور و غشاوه اوهام
و ظنون سبی ایله حقایق بین اولبان عیسانه خاصیت براهین
احادیث در نشرای روشننا بخش یقین اولور

﴿ فصل اول ﴾

معلوم اوله که ملک و سلطنت معنایه اولان دولت بر نوع آیین اوزره
اجتماع بشریه دن عبارتدر اسرار طبایع اشباه واقف حکمت
نظریه و عیایه دقایقه عارف اولان محققار دیدیدیلر که انسانک
اجتماع حال انفرادی حائیه مماثل و اکثر امورده بر برینه موافق
و معادل ایدیکی امعان نظر ایله حد پداخته و اصل اولشدر نظم
جلیل (و خلقتکم اطوارا) ده بو عیایه ایما واردر دیمشدر انسانک عمر
طبیعیسی اوج مرتبه اوزره تقدیر اولنور سن نمو و سن وقوف و سن

انحطاط لکن قوت و ضعف ترکیب سبب تفاوت اوزره اولوب
 شخص ضعیف البینه نك سن انحطاطی قوی التركيب اولان
 کسسه دن مقدم اوله کلمشدریس انسا نك دولتن عبارت اولان
 اجتماع حال دخی اوج مرتبه اوزره در زمان نمودن وقوف و زمان
 انحطاط بواوج مرتبه کدک تفاوت اوزره در اول اجلدن سلفده
 بعض جمعیتلر چوق یکم یوب زمان انحطاطه واردی و نیجه سی
 آفته اوغرایان یکتدر کبی سوء تدبیر آفتی ابله زمان وقوفده کندی
 و به مضیی بودولت علیه کی قوی البینان راسخ الارکان اولقله
 امتداد بولوب زمان وقوفی کچ یکری و بوازمه نلته نك کرک انفراد
 و کرک اجتماعنده علامتلی وارد در تدبیر امور جمهوره مباشر اولان
 مهرة مدبرین یلوب اصلاح مزاج و سایر علاج تدبیرنده اکا کوره
 عمل ایدرلر نته که مماله جسمانیه و روحانیه ده قاعده کلیه در
 والاسوه تدبیر ایش اولورلر زیرایشخ فانی په اولان علاج صبی په
 ال و برمن و هکسی دخی مفید اولر نته که تفصیلاتی کلسه کر کدر
 و هیکل مخصوص انسانی عناصر اربعه طبایعنده اولان اخلاط
 اربعه دن تألیف و ترکیب اولوب حواس و قوی واسطه سبله زمان
 تدبیر و تصرف نفس ناطقه نك کف کفایتنه ویرلدیکی کی هیئت
 اجتماعیه بشریه دخی ارکان اربعه دن تألیف و ترکیب اولوب
 حواس و قوایه نظیر اولان اعیان دولت و ساطعی ابله لجام تدبیر
 و تصرف نفس ناطقه مقامنده اولان سلطان طالبش نك دست حکمنه
 وابسته قلمشدر ارکان اربعه دیدیکر علما و هسکر و تجار و رعایادر
 زمرة علما بندنه خا ط محمود اولان دمه ممثل او اوب قلبه منبع
 روح حیوانیدر و روح حیوانی بر جوهر لطیفه قدر که غایت اعطافندن بندنه
 بالذات جریان ایده و یوب دم اتی حامل اولوب عروقندن اطراف اعماق
 دنه کتوروب جله اعضا و جوارحه ایصال ایدر لاجرم بدن انکله

جبات بولوب منتفع اولدیغی کبی علماء شریعت و حقیقت دخی
روح - وانی مشابه سنده اولان علم شریفی مبدأ فیاضدن بالذات
ویا بالواسطه حامل اولوب اطراف بدن مقامنده اولان امبلره
وعوامه ابرشدیروب بدن دخی روح حیوانیدن منتفع اولدیغی کبی
انلردخی علمدن منتفع اولورلر و روح حیوانی قیام بدنه سبب اولدیغی
کبی علم دخی دوام جمعیه سیدر و عسکر بلغم مقامنده و تبحر
صفایه و رعایا سودایه مشابهدرکه طبیعتی ترابی و سفلیدر بو اخلاط
اربعه کسر و انکسار ابله بریزدن منتفع اولوب مزاج بدن صحت
بولدیغی ~~کبی~~ اصناف اربعه بالطبع بدنی اولیق حسبيله بری
بریزدن منتفع اولوب نظام جمعیت و مزاج دولت صحت بولشد
و بو اخلاط اربعه اعتدال اوزره اولیق واجیدر تاکه مزاج بدن
مختل اولیه اگر کیمت و یا کیفیت جهشتدن بری رداعت پیدا ایدرب
فاسد و یا غالب اولورسه اخراج و تسکین ابله تدارک لازم کلور پس
رعایا که سودا مقامنده در طب و تشریحده ثابتدرکه طامام هضمندن
سکره براز زمان معده یه غذا وارد اولماسه طحال براز سودا دوکوب
بوش قالمسون و بعض خله مؤدی اولسون دیوتدارک ایتدیگی
کبی معده مقامنده اولان خزینه عامه یه دخی غذا مشابه سنده اولان
مال وارد اولوب تهی قالدقده رعایا فقرامی اموال دوکوب هر بار
خزینسه بی بوش قوموب تدارک اوزره اولورلر اما انلر مقهور
و نکسر اولوب کار و کسبدن قالدقده بو تدارک بکسر اولوب
خزینه بوش قالدور اول اجلدن سلاطین سلف رعایای خله دن
حایت ایدوب قصبات و قرانک خراب اولسنه و رعایادن بری شهره
کلوب ساکن اولوب زراعت و حراشتدن قالمسنه رضا و یرمز ایدی
و بدنه سودا غالب اولدقه و سوسه و مال خویا مثلوا امراض
یابسه ظهور ایدوب خیالات و سهر روحی ضعیف و بدنی نحیف

ایندیکی کپی وسعت حال و ترفه رعایا اعتدال الدن بیرون اولسه پیر
جهینلری و نزاع و غوغای ظهور ایدوب تکالیفده حکامه سرکشلاک
ایدر و لکن رکن سوداگ کندی و طبیعتده تغیر و نفعی نادر و اکثریا
فسادی خلط آخر احتراقندن صادر اولوب امراض سودویه
دکه حالد مهلاک اولدینی کپی رعایا دن عکسته ضرر متصور
دکلدر کاهجه نهج و فورانله صیاح و مذبذبلری اولورسه اندفاعی
آساندر تجار که صفرا مقامنده در خلط صفراگ اعتدالده لطایف
کیوسک انهضامی کشایف و ائقلاک اندفاعی خدنی بحرای طبیعی
اوزره اولغله بدن عافیت ایله خوش حال اولدینی کپی تجارک اعتدال
حالی مصالحک نظامنه واخذ و اعطا و معاملاتک دوامنه و ملباس
و مطامک و فرتیله نظام و رفاه جمعیه سبدر چتکه صفرا ردی
و متغفن و باحد اعتدال الدن تجاوز و غالب اولسه بدنده حییات
رنیه و صفرة بشره احداث ایدر که ذلک تجار و اغنیایه ضرر
و انکسار ایرشه و یا خود مختر و مرانی طماعلر کپی اتم حقوق
و حبس فضول ایله دنیا پرستلر افراط ایله اعتدال الدن عدول
ایسه لزجی فقر و مجاعات ایله خلق عالم زیون و کودت
افلاس ایله جمال مملکت دیکر کون اولور و عسکر که بلغه مشابه
و ممالدر بلغمک بدنده لزومی و نفعی و کثرتک ضرری و طغیان
کدری نیجه ایسه عسکرک دخی او یلجه در صحت بدن نیجه
اخلاطک اعتدالده موقوف ایسه نظام جمعیت دخی
اضناف اربعه تک اعتدالده منوطدر اگر چه طریقه دخی
اعتدال حقیقی متصور دکلدر لکن کسر و انکسار بر مرتبه
حد دن افزون اولیه که عرض مزاج دن چقمغله صحنه خلل
کلیه بچان انسان سن و قوفی نجا و زایلسه برودت و رطوبت که
بلغم خلقتی و پیرلاک طبیعتی در لاجرم اول سنده بلغم غالب

اولوب حکمتی اجرا اید ره بار اخراج وتسکین اولند بچه
طبیعت کیر و تولید ایتک اوزره در وسایر اخلاط دخی اکا
منقلب اولغه مبلده در کذلک زمان وقوفدن صکره هر دولتک
عسکری زیاده اوله کلمشد رنمقدار یوقلنوب ضبط ونحر بر اولنور
ایسه دخی خلقی بالطبع عسکر بلکه میل اید وب هیچ اولزسه
کسوه وقیافتده تقاید ایله کتد بچه چونما لقمده در امدی اولزسند
اولان کسنه بلغمی بالکلیه مغلوب اید وب مغلوبیتی حالند
طور غور و غه سعی اتمه سی عبدر بلکه اول حالده اولانه مناسب
بودر که بلمغک منر رسن غلبه سی مرتبه سنه را ضی اوله
چون اخلاط اربعه درت صنفه مشبه اولوب نفس نا طقه سلطان
وقوت طاقله وزیر و مدرکه مفتی مقامند در ویدنده معده خزینه
وقوت ذایقه صراف ووزان وجاذبه محصلار وما سکه خزینه دارل
وقوت هاضمه دفترداران وکتاب وقوای دیگر سائر ضابطلره
نظیر دوشوب معده یه وارد اولان غذا قوای مذکوره تصرقله
محلنه توزیع و تقسیم اولنوب بدن غذاند یکی کبی جله اصناف
دخی خزینه دن بالذات یا بالواسطه منتفع اولوب بکنورل بچنکه
ذکر اولنا قوتلر اعتدال اوزره اولوب برینه ضعف ویا فتور
کله مزاج بمخل اولد بخی کبی طوایف مزوره خیانت وفساد
اوزره اولورلر سه مزاج دولته ضعف وفتور کلور و زمان وقوف
آخر لینه دکن بو قوتلری قویدر صکره تدبیر ایله فتور کلوب
هضم عملنده قصور ظهور ایدر چون هر صنفک بدن واجتماعی
حالنده مراتب اعمار و اطواری واحد بالشخص انسانینک
مراتب اعمار و اطوار نه موافق اولوب هر انسانک سن نموسن
وقوف و سن انحطاطی کبی هر دولت و جمعیتمک اطوار ثلثه سی
اولد بخی معلوم اولدی (خفی اولیه که) اطوار ثلثه دن

هر بر ينك مقتضياتى طور آخر ملازماته مقابردر (مثلا) انسان
 حال صغرده پدر و مادر تربيه رينه محتاج اولد بى كى هر دولتك
 قيام و ظهورى تعصب و تعاون رجا الله در بدمه هر كس اعمال
 فكر و رأى ايله اسباب معاشه دست رس بولد بى كى هر دولتك
 نظماى دى قانون عدل ايله جلب اولنان خزائن و اموال ايله
 منتظم الحال اولور و هر انسان سن غوده نيجه ترقيدن خالى
 اولمازسه هر دولتك وائلى اواسطه قريب زمانه دكين مال و رجال
 و شوكت و اقبال جهندن يوما فيوما نشورنما ده در هر شخص
 سن وقوفده كالن بولوب نيجه بر حال اوزره طور رسه هر جعبت
 اواسطنده زمان مد يد بر قرارده اولور و بروفق (خير الامور
 اواسطها) حقه قابل و عدله مابل ملوك هر دولته بو خلا له دوشر
 و هر انسان سن وقوفدن بكموب سن انحطاطه وارد قده
 حواس و قوى تنزله آغاز ايدوب كند بكمه ضعف پيرى
 نيجه غالب اولورسه هر قومك اجتماعى حالى اواسطدن او اخره
 وار نيجه زمان انحطاطده تمام بو متوال اوزره اولور يعنى
 منشأ حواس و قوى اولان حرارت و رطوبت غريزه نقصانه توجه
 اينكله ضعف هضم و قصور تغذيه بدن هناصره و همن وقوايه
 فتور كلد بى كى حرارت و رطوبت عزيزيه مقامنده اولان
 و كلاى دولت و سائر قواى بدنيه مشابه اولان ارگان و خدمه
 سلطنت تغير كيفيت جهندن نقصانه بوزطو تغذيه قصور ر اى
 و سوء تدبير دن اخلاط اربعه تشبيه اولنان اصنف چاركانه ك
 حالى مختل اولوب رداءت كيفيت تزايدى شدت اختلاله
 علت اوله كلى شد و هر شخصك علامت شيخوخى صابح و صبا
 اقل بى اولد بى كى هبت اجتماعيه ده زينت ظهورى نشانه
 انحطاط در زمان وقوف انقضاسندن صكره زينت و رفاهيته

اعتنا آثار از یاد و وضع قدیم مهجور اولوب هر کس
توسیع دایره شان و عنوان ایتمک باشار و کتد بکده اواسط باس مسکن
ولیا سنده و ز راه بلکه ماو که مشارکت رتبه سنه قریب اولوب
انفراد واجتماع مصرفی ارتوب کتد بکده تزیید بولقدن خالی
اولمز وارد فجیه ذوق و راحت عرف و عادت اولغله و جال حرب
حضور حضری کدر سفر او ز رینه ترجیح ایده رک مستلزم
انواع مشقت اولان بجایده بی حراست و حایثه قصور ایدر
اصکر چد (اکل اجل کتاب) فحواستجه هر ظهور و انقبضا
محکمه ازل و آزالده قضا و امضا اولنمشدر لکن آیت کریمه
(بحمده الله ما پشاه و یثبت) مفادی او زره قضا و معاق تا بتدریس
بوتد برجه هر جمعیت زمان انحطاط نهایتیه وار بق لازم اولوبوب
بلکه تناول سم ایلسه قبل حلول الاجل کبر و اجلی ایلله اولدنیکی
کی سلفده قانون عدلی اعمالده اهمال ایدوب جور مسلکینه کیدن
اصحاب دولتک شوکتلری قرین زوال اولدوغی معلومدر
و هر شخصک که سن انحطاطی نهایتیه وار نتیجه سلامتله بقا سنده
ارادت علیه الهیه تیلیق ایلسه اول شخصی بنفسه حفظ صحت
اسبابنه مهتمدی یا خود بر طبیب حاذقک تدبیرنه مقارن قلدینی کی
بر دولتک نهایت انحطاطیه بلوغی مراد الله اولوق دخی ملوکده
رشد و سداد و یار طبیب حاذق مقامنده حسن تدبیر احسانی و کلایه
افزان و اسناد در و هر دولت بقا سنک شرطی سیاستدربودنی
یا عقلی اوله حکمت عملیه دن بر قسم اولان علم سیاست ملوک کی
یا شرعی اوله کتاب الله و سنت رسول الله و وارد اولان احکام
الهیه کی سیاست شرعییه سیاست عقلیه دن معنی اولغله
ملوک اسلامیه دستور العملدر هر پادشاه دل آگاه وزیر صاحب
انتباه که انکله عامل اولدی تا بید الهی ایله منصور اولوب سعادت

دارینده وصول بولدی معیار شرع و عدله اعتبار ایتموب
داعیه نفس ایله ظلم و هورا و هوسه اتباع ایله نلره غیرت الهیه
ظهوری ایله مجازات اوله کیشدرملوک کفایت بقاء د ولتری
مدار سیاست عقلیه لرینه اعتبار لری یدر دنیا کفر ایله یقین ظلم ایله
یقلوزدیده کلزی بوندن نشئت ایتمدر و هروضع و حرکتکه دائره
قوانین شرع و عقلدن خارج اوله لاید زوال واختلاله مؤدی
اوله کیشدر بوفصلده بوجهه کلجه ذکر اولان فوائد حاجی خلیفه
افوالدن منتخب کلیاتدر بعض فواید ایله تمییز و سیاق
دیگر اوزره ترقیب و تحریر اولتمشدر

و فواید جمیع دولده مقرر اولان اطوار نجسه معتبره یاننده در
معلوم اوله که عادت الهیه و ارادت علیه بوجهه جاری اوله کیشدر که
هر دولت و جمعیته حالی ذاتا برقرار اوزره مستقر و وثیره و اخده
اوزره مستقر اولوب هر بار اطوار مختلفه و حالات متجدده په متغیر
اولمده در شویله که بروقتک حالی عصر آخره مقایره و برطورک
اقتصادی طور سالفه محالقدر و اینشای عصر بولند قلمری
طورک احواله مؤتلف و رجال وقت مقتضای زمانه لری اولان
کیفیت ایله متکیف اوله کیشدر در زرا لازمه و قته امتثال و مماثله
و مزاج دولت عصره اتباع و مراعات طباع مخلوقاتده حکم
خفیه مبین برخلق جلیدر پس اطوار متغیره دولت غالب حالده
بش طوری تجاوز اینز (طور اول) دولتی ایادی غیردن ابتذاع
و ملکه استیلا ایچون مداخله قهر ایله بقیه عز و نعمته ظفر و قیدیز
و بطورده صاحب و لیک حالی اخلاق حیده ایله مزوق
و ضایعت اهراض و حفظ نوا میس ایله موصوف تقص عهده
و تعزز و تکبردن متجنب خوشونت عیش و لباسه قانع مکاره و مشاقه
صنا برآمده متضایب اولوب غلبه و شوکت هلت اولان عصمیه

روایت ایدوب خیر و شمرده قومی و عسکرئی ایله یکرنگ و اکنسار
 و اقتسام مجدد و غنایمده جله انصار ایله مشترک اولوب قوادی نفسنه
 تخصیص ایله کندونی اهو اندن ممتاز ایتمکله مواساة و مدارا اتمکدر
 (طورثانی) مقصود اصلی و اعز و الذمطالپ انسان اولان ملک
 و دولته ظفر مبسر اولدقدن صبره قومی مشا رکشدن منع
 و عون و انصاری امور و مداخله و معارضه دن ردع ایدوب
 منفردا ملکی تصرف ایله استقلال و قنیدر و طورده صاحب دولتک
 حال ظهور دولته سبب اولان قبیله و عشیرت مثلاً طایفه که عزت نه
 مشارک و منافع دولته مقاردر لا محاله وقت بد اوته مالوف
 اولدقاری مشارک غرائب و تطلول و استیلا ایله ناز و استغنا یه
 باشلسه لر کرکدر دلخواهاری اوزره مطالب متوجه یه راغب
 و مزاج مانکه مضر مشتهیات و هواری اجر استمه ذاهب
 اولغچون اوضاع قبیله و حرکات شنبه لری صدور ایتدکه
 برورینی قرق و کوزلینی صندرمق ایچون مخصوص بنده لر
 و عبد مملوک مثال احسان دیده کسنه لری ایدوب وقت احتیاجده
 ائلر ایله استعانت و اجتماع ایدرک اسکیری تأدیب و ضبط و برر
 مرتبه تعین و نسق منتظمه ربط ایلوب امر نه مستقل
 و انصاب ملکی کامل اولغله دولتی شرکادن تخلیص و شرافت
 مجدد و معالی اهل بیته تخصیص اتمکدر زریاد دولت و سلطنته
 لازم اولان قوت و عشیرت و التحام عصیت بر امر و همیدر که
 اهل ارحام و اقارب متفق الرأی و الکلمه و معاشرین و ذوی
 القربای متحد القلب و الرؤیه ایتمک سبب حقیقیدر کذلک
 استرقاق اولنان عبده و موالی و اجرت و انعام ایله استخدام اولنان
 خدام و اصطناع معروف ایله قولتی قبول ایدن احرار و ادارات
 مکرم و احسان نمیشده بنده لک اختیار ایدن یار فارر مجازا

عصیت حکمند داخل و الحاملری قوت پذیر او اور سه قبه
و عشرت منافعه موصول هر جمعیت مبدأ ظهورنده عصیت
جهت حدتی اهم امور دندر لکن دولت بد او بدن حضارته
منتقل و بطور ثانی به واصل اولد فده مابه الامتياز بعض خصوص
ایله عصیت سابقه دن ممتاز بر قوم خاص انتصاب و مظهر
اختصاص اولق لوزم سلطنتد که حین ضرورتده احد همالک
انتصاب یله آخرک ثورت رهونتی دفع ممکن اوله و بو انتصاب
وامتياز افعال مذوجه و خصائل مستحسنه به مبنی و لیسافت
شایعه به مربوط بر عنایت مستدله ایله اولفه محتاجدر که خلوص
دیگر انک ابطاله و سابقه خدمت اصحابنک صداقت و اعتمادری
زواله باعث اولیه دول ماضیه ده علی الخصوص بود دولت
هلبه ده عن اصل سیف و قلم و سایر خواص و خدام طریقتاری
تنويع و اوجافلرک دأب و آیین و لباس و طرز قوانینلری بر بزرینه
مغایر اصول و قواعد تغیر اولند یغنده حکمت بودر که عون
صمدانی و تأید اسمانی ایله مؤید اولسان جمعیتلر بطور ثانی
تدارکننده عاجز اولوب اکثر یا ذکر اولندیغی اوزره کثرت شرکا
و تخالف احوال غلبه سیله بطورده مضاعف و هب اوله کثرتدر
مبنای جمعیتلری فاسد اولان مفسدر که نیجه دفعه ظهور ایدوب
بطورده بلوغدن اقدام دوات عایه همسانیه نک تاراج کرده
بد قاهره لری اولمشدر

(طورتالث) فراغ و راحت و سکون و امنیت و قتیذر
بطورک حالی مرغوب طباع بشر اولان لذائذ و مشتهیاتدن
قضای و طریقتکدر بواقفانده ثمرات ملک و مالی تحصیل و محامد
و خیراندن بمد صیت و تخلید آثاره سعی جیل ایدوب ضبط ایراد
و نفقاتده اقتصاد ایله مالی توفیر و مضانغ عظیمه و انصار منسعه بی
تعمیر ایلوب و محتاجین و مستحقینه احسان و اکرام حواشی بی مال

و چنانچه بهره مند و رجوع آسانی مناصب مالیه و توقیرات
 لایق ایلله سر بلند ایدل و ریاض دولته نورس نهال پرورش ایدوب
 زلال عمت ایلله درخت میوه دارل بشدیرلر یعنی اخلاق مهذب نجه
 مؤدب لری ایلر و چکوب صدق و خلوصی مجرب مستعد کسملری
 سرگاره کنورب منار عز و علاءه روشن چر اغلر پیدا ایدرل
 و عساکر و خدامک نفقات و مواجبلری غره شهو رده اخراج
 و توزیع ایلله معاشلرین توسیع ایلرل کاتر عطایا زی و قیافتلرند مظاهر
 و ایلم زینت و آغا دده ملا بس فاجره ایلله متجسس اولرلر ایلم مسالمدیه
 فخر و مباهات و فرقی محاربه به قهر و نکایات حاصل اوله بو طوره
 اصحاب دولت بی نیاز و مشارک رای و تدبیر لرنده مستقل و استعداد
 نام ایلله تنظیم قوانین اموره مشتغل اولوب وضع و حر کت لری قانون
 معول و بعدهم کلاره دستور العمل اولور بو طوره اولان اساس دولت
 مشید و پناهی سلطنت ممد اولغله عشیرت و عصیت لرنه مندن مستغنی
 اولور اول جهندن که ملک و دولت اهلنه نصاب مخصوص ایلله
 استقرار در یاست میسر اولوب اعقاب کز بنی وراثت ایلله واحد ابعد
 واحد تحت نشین اوله ق کتد بکه ضمیمه ریاست لری محکم و شاخ و انقیاد
 و تسلیم عقیده سی عقول ناسده راسخ اولوب اعدالیه مقاتله اتمک امور
 اعتداییدن عدا و تمغله بعد ذلک عصیت ایلله استعانت حاجت اولر
 رد که حاله کسته ریفه اطاعت لرندن سر کشک ایلر (طور رابع)
 قیامت و مناسله طور یدر بو طورک اصحابی طو رسابقده و یکنترک
 قانون لرنه تابع و انترک موضوعی اولان جهات منافع قانع اولوب
 خذوا النعل بالنعل آثار سلغه اقتضا و نفع مستقیم اوزره ماضی لره
 اقتدا ایدرل اسلافه تقلیددن نکول و طریقه سابقیندن هدول
 ایدرل سه فساد عمل امر مقرر در ابتدا مجد و دولتی بنا ایدنلر
 متأخریندن زیاده فکر سدید و عقل رشید صا جلد در تأسیس

ایند کلزی مصلحت مغایرت رخاوت بنی دزته هلندر بو طور ده
وکلانک قوتتری کمال و عظمتک ترتری نصاب کاله واصل اولوب
هسکرینک بطوفی شعبان نعم راحت ایله مرفه و بطران هرکس
بر مرتبه معینه به بالغ و مشاغل متعینه دن خالی و فارغ اولورل
بویامده اصحاب مناصب مرکز لنده ثابت قدم اولوب
تبدیل و تغییر نادر واقع اولغله بسا لک طرفه ساوک متعسر
اولوب رتب درجات اربابنک القاب و اعتباراتی حالت واحده اوزره
مقادی اولدیفندن مقرر کدر درجات اعتلا به ارتقادن محروم اولوب
اورتا لک اوضاع و اطواری بر مدت بوسیاق اوزره جاری اولور
کیده رک دواعی نخود و بطر متاز عاتمه مصدر اولوب اصحاب جاه
وجلال یکنه نحاسد و تنافس سبی ایله تقاق دوشر اغراض نفسانیه به
مبنی منزل و نصب و رفع و خط ظهور ایدوب رفای اقران و امثال
قع و انبصال ایله منافع دولتی کندویه حصر و استقلال تصورن
ایدنر طریقه انصافدن عدوله باشلیوب کار دانان دولتک قلوب
متغایره الامانیلری تألیف و توفیق قبولندن قالور علی الخصوص
نه طعی رشا و ارتقا طریقه مستوره و مناسبت معقوله دن خارج
افشا و انوب حل و قدموره مالک اولان رجال مطلقا مالیه میال
اولوب استعداد ذاتی و استحقاق حقیقی رعایتی متروک قاله قبول
فساده مراج دولتک استعدادی دخی زیاده اولور بو محذورات سبی
ایله صورت حقانیت قالبه افراغ اولمش غرض آمیز دعوال و طمع
و طول امله مبنی حیل ایله مدسوس خیر خواهلر شککنده مدهال
حدرت ایده رک اصحاب تزویراتک تحریری ایله متهوران عسکر
دخی پرده بیرون وضع و حرکت باشلر شور و شررینی ابطال ایچون
مشاق سفر ایله اشتغاللری بالضروره لازم کلور و اعدادیدن اخذ
نار ایچون توسیع دیار و قهر کفار بهانه سینه انسدادی بیشکل برقیو

آچیلور و جهور عسکر راه سفرده بذل موجود و مهالك محذوره ده
انهاب وجود ايتكله بلوغ ظفر مبسر اولوب بعده ابواب آسایش
كشایش بولورسه فهو المطلوب والاوصول مطلوب عسرتلی و حصول
فراغ دخی صعبوتلی اولغله سفرل متعاقب و زحمتلر متتادی اولورسه
اضاعت مال و اتلاف رجال بهر حال مزاج دولتك فتور و كلانده
سبب اوله ككشد ر بوغوايلك چاره سازلننده تدبیر حكیمانه ابتدا
سفر فائده سی برطرف و ایام خالیده تنظیم اموره همت صرف
ايتكله ممكن اوله ككشد

﴿ طور خامس ﴾

تذیر و اسراف و اضاعت و اتلاف طوریدر بوطورده قرنائه سوء ظهوری
ایله بلا استحقاق بذل و اتفاق اولنور بوطورك اصحابی اسلافه مغایر
قوانین و توسیع مساكن و ملایسده احتشام تام تانه نصیب مالیه
باعث زینتله پیدا ایدوب (شرار الامر محدثاتها) خواستی اوزره
عجیب و غریب آیینلر احداث ایدرل خزاین مجموعه نسوان و سائر
مشتهیات مطبوعه نك زیب و زینتی مثللو اسرافات غیر مشروعه یه
صرف اولغله خونه دخی فرصت و رخصت بولوب مستلذات
نفسانیه یه متعلق و ساوس شیطانیه تدارکی ایله حریم دولته بول
بولوب بر حبله ایله جهات منافعده استیلا و اموال عظیمه ادخار
واقفنا ایده رك اموال موجوده تلف اولوب واجبات دین و دولتدن
اولان سد ثغور و تعمیر مملكت و توفير خزائن و تجهیز هساكر
مصلحتلری مهمل قالوز مهمات دولتی جبرایچون مالیه احتیاج
ظهور ایدوب و اموال میریه دن غیری اطرافدن مجتمع اولان بدع
تكالیف محصوللری ییله مصارفه كفايت ایتز اولور وقت و سعنده
ملوك و وزرا همتی ایله خدمات نافعه و جهات موجهه دن ادخار
مال ایلینلردن استمداد اولنوب اثواب و ذخائر و امنعه و جواهر
مبايعه سیله سایه دولتدن عظیم سرماییه یه نائل اولنلردن استقراض

اقتضا ایدر انلر دخی اظهار تفقرایدوب جزئی شبنی ویرسدر
 خامنام بر باد اولدی دیو فریاده باشلرلر نعوذ بالله تعالی بو طور
 خلاننده متعاقبا سفرلر دخی اقتضا ایتش اوله اشتداد ضرورت
 ایله وکلا متعیر و بالضروره استغراض نامیله لاجل المصادره اغنیایه
 بحجر اولورلر جور و غدر آوازه سی شیوع بولدیفنی کچی ظلمه اطراف
 دخی متولره دست دراز اولقلغه باشلر مال و منال شق جان اوغله
 سرمایده دارانه خشیت سریان ایدوب معمولان ملکات و اتا بکان
 دولتک کی چیج شریفه کتمکله راضب وکی دیار مصره و بابلاد
 بهیده په هارب اولوب تخلص ماله کونا کون احتیال ایدرلر بلرلر که
 مال و عزتک احتفاظی یننه مستفید اولدقلری دولت مبارکه
 سایه سنده ممکن اولوب آخر ولایتده مأسله حسودلر مکریدن
 و دیار غریبه غدارنه ابلر شردن آسوده اولق و مال و جان قور تارقی
 محالدر بودا هیله دهیلک امتدادی مضرات کثیره تک اشتدادنه
 باعثدر طریق اندفاعی بر عاقل و روشن ضمیرک حسن تدبیر یله ابتعا
 سفر خائله سی بر طرف قلوب بعده طبع فنوع ایله تنظیم اموره شروع
 بیورمق ایله حصول پذیر اوله کلشدر (فائده) این خلدون مقدمه
 تاریخنده بردارنه عدلیه ذکر ایدر قتالی زاده علی اقتدی هر حوم
 اندن اخذ ایدوب اخلاق علاقی نام کتاب لطیفنده درج ایتشدن
 خلاصه سی بودر که ملک و دولت عسکر و رجال ایله در و رجال مال
 ایله بولنور و مال رعایادن حصوله کلور رعایا عدل ایله منتظم الحال
 اولور جیع دولت قطرق ایدن ضعیف و کللال دائم بودر ت رکنک
 اختلالیدن منبعث اوله کلشدر بواساسارک تزلزلنه باعث نیجه اسباب
 و حوادث ذکر ایتشدر ضرری جله سندن اشد اولان سفرلر متد
 اولوب بین الوکلا اختلاف ارا ظهور ایتکدر قوت مایله و انحصار
 قلوب رجال اولدقجه سفر ره شروع ایتک بین العقلا متوعدر

تواریخ اطلاق اولنله معلومدر که سلفده نیجه ملوک مال قلی
ووکلا و جسرینک عدم موافقتی مخدورندن سلسله جهادی محرک
اولوب صلح و صلاح سمته سالک اولدیله بعضیلر دخی یو هوارض
صحاب دردندن اهون شری ارتکاب ایدوب بلیه کفار استیعا بندن
مالکی تخایص و عباد الاهی مهلکه تلفدن حفظ و نخیض نیی ایل
نیجه مضیق مخدوره عبور ایدوب ضون عموم ایچون کشدول بنی لاهلاج
سیهام لزوم و ترزیده آماج ایتمشلدرد (امام مقریزی کتاب الملوک لمعرفة
دول الملوک) نام تاریخده ذکر ایدر که مایه سادسه ده صکره ملوک اسلام
پیشده عدم اشلاف وفاق حسی ایله مخاصمه و شقاق ظهور ایدوب
مجادله یکنه بکره مشغوللر ایکن فرانسر کفره سی و سائر ملوک کفار
علی الخصوص نیجه طرفندن لشکر بیشمار استمداد ایدوب هضم
دونما ایل آق دکر یالیرینه اسبیلایتمشیدی ملوک ایویه دن سلطان
مصر ملک عادل فوت اولوب اوغلی ملک کامل سلطان محمد پدی
رینه جلوس ایلد که سائر برادرزی حکومتنده بولند قلمری و لابری
مستقلا ضبط ایدوب ست و تبدیل قبول ایتمک لردن ملک کامل
مجادله و منازعه لیله بحضور اولمشیدی فرنگ کبیری آق دکر
یالیرینه و مصر و اسکندریه اطرافنه یتاشوب ساحل بمرده قتی
چوق موضعه اسبیلایتمشلر ایدی ملک کامل عساکر مصریه ایل
تن الجمول نام محله ایکن ملک افریح اولان ایمپراطور لشکر کفار
بیشمار ایله صیدا اسکله سنه چیقوب و صیدا قلعه سنی ضبط
و تسخیر ایلدی ممالک سارده فرمان ران اولان ملک عادل
اولادری و سائر حکام و ارکانله ملک کامل اراسنده افتراق کله
ووکلا و جسرینک عدم موافقتی مخدورندن سلسله جهادی محرک
اولوب صلح و صلاح سمته سالک اولدیله بعضیلر دخی یو هوارض
صحاب دردندن اهون شری ارتکاب ایدوب بلیه کفار استیعا بندن
مالکی تخایص و عباد الاهی مهلکه تلفدن حفظ و نخیض نیی ایل
نیجه مضیق مخدوره عبور ایدوب ضون عموم ایچون کشدول بنی لاهلاج
سیهام لزوم و ترزیده آماج ایتمشلدرد (امام مقریزی کتاب الملوک لمعرفة
دول الملوک) نام تاریخده ذکر ایدر که مایه سادسه ده صکره ملوک اسلام
پیشده عدم اشلاف وفاق حسی ایله مخاصمه و شقاق ظهور ایدوب
مجادله یکنه بکره مشغوللر ایکن فرانسر کفره سی و سائر ملوک کفار
علی الخصوص نیجه طرفندن لشکر بیشمار استمداد ایدوب هضم
دونما ایل آق دکر یالیرینه اسبیلایتمشیدی ملوک ایویه دن سلطان
مصر ملک عادل فوت اولوب اوغلی ملک کامل سلطان محمد پدی
رینه جلوس ایلد که سائر برادرزی حکومتنده بولند قلمری و لابری
مستقلا ضبط ایدوب ست و تبدیل قبول ایتمک لردن ملک کامل
مجادله و منازعه لیله بحضور اولمشیدی فرنگ کبیری آق دکر
یالیرینه و مصر و اسکندریه اطرافنه یتاشوب ساحل بمرده قتی
چوق موضعه اسبیلایتمشلر ایدی ملک کامل عساکر مصریه ایل
تن الجمول نام محله ایکن ملک افریح اولان ایمپراطور لشکر کفار
بیشمار ایله صیدا اسکله سنه چیقوب و صیدا قلعه سنی ضبط
و تسخیر ایلدی ممالک سارده فرمان ران اولان ملک عادل
اولادری و سائر حکام و ارکانله ملک کامل اراسنده افتراق کله

دیار مصره طایفه فرنگ مستولی اولورسه شام الیزده شامی دخی
 الورسه حجاز حاضر مرده بنی ایوب اوغرند، تلف جان یتیمکه
 موجب ندر دواندن حصه مند و عتایقندن بهره مند اولنلر جنک
 یلسون دیو غیرت اسلامیه په لایق اولین مغسار ترشیج ایوب
 بلکه یومقوله زهاتی مایلمزده تفوه و تصریح ایدر اولدیار ملک کامل
 مدافعه اهداده عاجز و فرومانده مقاتله و مقاومت عدم قدرندن
 مدارا ایله حمله په آغاز و دفع سروره مهاده ایله چاره سازنده ذاهب
 اولوب قاضیه سیکری شریف شمس الدین ارموی مواد صلحی
 سولشتمک ایچون توکیل و امیر فخر الدین بن شیخ الشیوخ ابلیجی
 تعیین و ارسال اولندیار ملاعین افرنج ایسه صیدا قلعه سنی تعمیر
 ایتدکدن صکره بن محابا حکایه دخی اسفیلایوب صورت ظاهرده
 مسلمین ایله مصافعات اوزره معامله ایوب محاربه و مقاتله و قتل
 اسره متعلق تعرض ایترکز ایدی مخاذیل حبله کار کانه تمک قلاع
 مأ موله وصولندن صکره مسلمینک مال و جانلرینه ضرر یمز یوقدر
 صورتی کوسه رب حیر انصافده کورنمکه مرض فرنگی کی
 سرایت و استقرار ایچون بو خدعه بی اظهار ایله مکارلک ایدر لر
 ایدی مر بوران و کجیلر دخی واروب ملاعینی وجه معقوله
 مصالحه په ارضا خصوصنده نزاع کثیر و مکالمه طویله دن صکره
 بالاخره من بعد مسلمین ایله مقله ایتمک شرطیله و بعد ذلک
 ایلرو ممالک طمع و هجوم ایتمک قبیلله و دخی بعض شروط
 و قبولایله قدس شریف قلعه سی افرنجیه تسلیم اولنقی اوزره اون
 سنه ویش ماه مدته دك ملک کامل ایله افرنج ایدر بطوری پندنده
 عقد هدیه اولنوب قدس قلعه سنی فرنگه تسلیم اتشملر و ایام
 خالیه مصالحه ده ممالک اسلامیه ده اولان اختلالی دفع ایله شوکت
 اسلامه قوت و قدرت کلدکده یتد قدس شریف استخلاص

و کفار دن اخذ نثار اولسون دیو یوقضیه‌ها الله ایلله دفعه غائله یه
تصدی ایتمشله واقعا اون برسته هر ورینه دك تنظيم احوال عسکرده
حسن تدبیر اولوب شام پادشاهی ملک ناصر داود قوت قاهره
جنود ایلله کلوب قدس شریفی ید کفار دن استرداد ایتمشدر
جمله توار یخارده مسطور در که اول ائشاده طوائف افرنج سفینه لایله
آق دکن ده فتنه انکیر اولوب تاریخ هجرتک درت یوز طقسسان
تاریخنده سواحل عربستانه استیلا یه باشلوب انطاکیه و پیاس
وبانیاس واسکندریه مصر و یافه اسکله لیشه و صیدا و بیروت
و طرابلس و حکا و قدس شریف قلعه لرینه مستولی و کتدیکه
فساد لری اشداد بولوب انطاکیه و بعلبک ورها و حلب اطرافنده
پیاده و سواری تفنک انداز عسکر کفار ایصال مضرت ایدوب رها
و شام و حلب سرحد مثال دفعه الله محصور اولمشیدی مخاذیل
مشرکین دیار مصر و شامی بتمامها ضبطه قریب اولمشلرایدی
بعون الله تعالی بنی ایوب شعبه سندن سلطان صلاح الدین
ظهور ایدوب اول شجیع کامل ورشید و عاقل سلطان ذیشانک
حسن تدبیری ایلله اهل اسلام شوکت تام بولوب اتفاق کلمه واتحاد
قلوب ایلله عساکر موحدینه قوت کلوب سیف قهر ایلله اول ملاعینی
مقهور و مدمر ایدوب قلاع و بلادی استرداد باشلوب منصور
و مظفر اولدیلر مخاذیل مشرکینی اول اراضی طاهره دن
قلع ورد ایدله رک الی یوز سکسان طقوز حدودینه کلنجه بالکلیه
کفار خاکساری اول سواحلدن تبعید و طرد ایلدیلر ملک صلاح
الدین ایوبی نور الله مضجعه اویله بروقت اختلالده و دفعه فاسد
حوالده و تألیف قلوب رجال و جمع مالده نه وجهله تدبیر دلپذیر
ایلدیکینی کند و دولتی علامسندن عبدالرحمن شیرازی جمع ایدوب
برمهصل کتاب ایتمشدر حتی عالی هر حوم ترکی لسانه ترجمه شکلنده

بعض فوائدی اخذ ایدوب خارج از صدد نیجه مباحث و نکات ایله
تزیین عبارات قصدایدوب (نصیحه السلاطین) نام کتابی تألیف
ایتشدر بو فقیر اوجز عبارات ایله علی طریق الاختصار مهم اولان
فوائدنی انتخاب ایدوب باشقه برساله مخصوصه اولوق اوزره
بو تاریخ دیباجه سنک آخرینه ضمیم و الحاق ایلدم مطالعه ایدنلر
دهاء خیر ایله یلد ایتیمک مأمول و مرجودر

فصل ثانی

دول و امم پیشده دأب و معتاد و طبایع بنی آدمده قرار داد اولان بعض
خصوص مسلم الشریک تقدیمی ضمننده امور طبیعییه و خصائل
اصلیه یه متعلق نیجه قواعد نافعه و فوائد مهمه کلیه تعهیدی ایچون
مرتب نوادر مهمه بنی متضمن بعض مقدمه اندر
(بدو و حضار اربنده جبین و شباجانه متعلق حالتلر و اعتیاد دعت
و راحتی متعقب اولان مضرتلر ییاشنده در)
معلوم اوله که امم و حبشه ساژوک اوزرینه غالب و قاهر و غیرک
نعمتی تغلب ایله انتزاعیه قادرلر در غلبه و شباجات و حشمت
و بدایت کوره در هر طایفه نك بدوی نژاد اولملری اگر چه غلاظ
و شداد و اکثری بی ادب و بهایم تمساده در لکن هواپی راختدن
متجرد و بهادر لغده متفرد هجوم خصماندن خائف و تیغظ و انابه
ایله جوانی طائف اولوب بازینی غیره تحمیل و خجایتیه ساری توکیل
ایتیبوب راخته مالوف اولماغله بآس و شدتیه موضوعلر در نعم
ولذاته الف عاداتیه توحشلمری زائل اولدیغی مرتبه شباجاتلمری
مضمحل اولوب طبایع و شباجاتلک رفت و زاکتی عوائد مالوفاتک
کثر نیدن نشأت ایدر حیوانات بری و دواب و حشیده بو معنی فنی
ظاهر در که تربیه انسان ایله خصص عیشیه مانوس اولسه مشی
و حرکاتی و حسن ادب و صفاتی متغیر اولور اصطیل کبارده پرواده

اولان نازك و سمين آنلركه افسان كې اغديه موقتہ بہ معتاد و صيف
 و شتہ دنه مناسب جل و پيراهنارہ اعتياد حاصل ايتشدر بر آئمه دن
 منزل بعيدہ كئسہ و راكې نزولدن كره كزديرلہ دن باغلنسہ
 قولاي ترك ياكہ تلف كرده مرك اولور تاتار و عرب آنلري بويلہ
 دكل محنت حر و برده متحمللردر انساخ دولت و رسوخ ملكت
 و سلطنت وقتندہ ضرورت عيش و خشونت لباسہ قناعتدہ تجاوز
 اولوب زينت و رفاهيتہ ميل و محبت مقتضاي طبيعدر نعم و ثروت
 زيادہ اولدقچہ مساكن و ملابسہ توسيع ايلہ نعمتہ اعتياد كلوب
 نوافل حظوظ و ملذونات حوائث ضروريہ قيبيلندن اولوب ذوق
 و راحت عرف و عادت اولمقہ باشلرتولد ايدن اولادل زيادہ ناز
 و نعيم ايلہ بدورده اولور ق رفاهيتہ الفتلري پذرلندن زيادہ
 اولوب اخلاق و اعقاب ابوينك ظل دولتلرنده مهتد راحتدہ
 نعم و لذائذدہ انغماس ايلہ نشو و نما بولوب آيين
 آدميت و آداب انسانيت تعلمندہ مستعد اولمئلري
 تعظيم جبلي ايلہ كند و نفسلري خود متبذرن بلہ مترفع و مصالح
 ضروريہ لريني كورمكن مستكف اولورلر و كبدہ ركعت
 و راحتہ الفت و ملكة طبيعت اولوب لازمة جنسك اولان اسلحہ
 و آلات و فنون شاققہ رياضات اعمالندہ اہمال اولورق
 شجاعت طباعہ كلال و فن فروسيہ زول ايرشوب محافظت
 نفوس و اولوالملوك و حكام موكل و مقاتلہ خصوم و عداوتہ
 عسكري لمغور ضررديوب كندولر ولايتندہ حضورہ ما نوس
 قلعه و بيوت ايچندہ محروس و غربتہ چقماشاو جفاچكمہ مشلر
 كاروكسيہ اشتغال ايلہ سايبہ دولتدہ مرفہ الحال اولورلر
 بومئولہ عقلی سخييف و قايي ضعيف اوللرنر نعم راحت ايلہ
 اطفال و نسوان كې بطران اولوب خامي ماوي ويدر

مثنوی منزله سنده اولان حاکم وقت ومدبران مملکتک
غیا بنده زعینجه تعرضلارایدوب شویله کرک ایدی بویله
اولمق بکرک ایدی دیوما پینلرنده دانشورلک ستارلر
و کار سازان دولتک کنبد و عقلاری یتشم دیکي تدبیرات
صائبه لرینی بکنیبوب حمد جلی بلا سیله حرف اتارلر
مستغرق اولد قیلری نعمت را حنک قدرنی بلزلر و آسوده
اولد قیلری دولتک قیمتی اکلله مزلر یوسیا قی اوزره امن
و راحت ایله مزاج خلقه قصور و غفلت مستول اولوب خلق
بسال شیشافشبتا منسلخ اوله رق رفته حضارته مستغرق و عیال
یتیم کی حیوانی اقربایه ملحق اولورلر

✽ جور و کلا و نصف امرا صورت یاسی زائل
و ملکه قهر و سطوی مضحک ایتد و کیدر ✽

علوم اوله که انسان استخلاف اصلی مقتضا سنجه ریئس
بالطبع اولوب نشاط قوای حیوانیه سی استکمال مطالب
و آمله باعث برملکه نفیسه در غیری تغلی تحشده معهور
و آخرک تسلط و تحمکنه مطیع و منفاد اولقده مجبور اولسه بحزن ایله
شوق نفسانیسی زائل و بلوغ مطالب و آمالی اولان هوسی
اسیلا سی کسل ایله مضحک اولور طلب عزت ایچون سعی
و اجتهادی قهر و مغلوبیت ایله فساد و ازرقوس آیه
رغبندن ساقط و ارزوی آمالنده قانط اولسه مساعیدن
مرتدع بلکه اکل و شربدن منقطع اولور حضرت عمر رضی الله
عنه عصر نده سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه سرعسکر
اولوب کوفه قربنده حرب قادسیه وقوع بولدقده اصحابدن
زهره بن خویه کبار اعدادن جاوس نامکنه بی قتل و یتش یک
دیزر قیتلر ثوب و سلینی اخذالمدی سعد حضرت تلری نهپوز

بندن اذن صد و رایتدین تعقیب و قتله تقدم ایلدك دیو غنام
 ذی قیمتی زهره یدندن اخذ و مصا دره مرآد ایدوب زهره
 غنامی تسلیم امتناع ایتمکن دیوان عمری به عرض و انتزاع
 ایچون امفیضان ایلدی حضرت عمر رضی الله تعالی عنه رضا
 و یرمبوب زهره کی آهوی ساحه شجاعت اولان بهادر کفر
 شهامت و شوکتی منکسر ایتک قلب صفوت نهادنی تغیسیر
 و افساده سیدر دیو جواب نامه یازوب جناب سعد دخی حسب
 الامر اول سلب کران بهایی کیر و زهره به ارسال و تمامها زهره
 جاننه ایصال یورد بلربو وضع کر یمانه دن قصد جناب فاروقی
 حیات دینک خاطر لرین فساد دن حایت و کاه موحدینک قلوبن تکدر
 و تعذیردن صیانت ایلکدر بوسیدند که خدام و اطفال قسمی شدت
 غضب ایله تخویف ایتک قلبی ضعیف و بنیه حیت و همتی نحیف
 ایلر و تعلیم علم و صنایعه افراط ایله ضرب و تعذیر دخی جولان
 طبعی مفعور و دیده شوق و ذکائی کوراید ر بلکه استعداد مناسب
 ترغیب و ترهیب ایله تربیه و تأدیب لازمدر که جواهر طبیعتلری
 فاسد و روت غیرتلی کاسد اولیه کذلک چله اصحاب یقین
 و علمای حکمت بین ارهاق حد و تعنف ایله حکومتی هشدت
 ایتکی مناسب کورمدیلر خصوصاً اطوار د ولتدن طور رابع
 و خامسده و زمان وقوف اواخرنده هیچ تجویز ایتدیلر ملوک
 و حکام بقیکم قاهر و باطش و عورات ناسه تفحص دقیق ایله
 مغش اولوب بعض خصوصاً صلااح ذات البین و ذنوب
 جزیه دن ممکن مرتبه اغراض عین ایتموب جرایم مسغیره
 عقوبات عظیمه و ذوات عزیزه به تعذیب الیم ایلر ایسه خلقه
 خوف ایله ذل شامل اولوب اکثر خلایق کذب و ضنیت
 و مکر و خدیعت ایله متخلق اولغله حرارت محبتلری منجمد

وسوء سریره ایله نیت خنایری فاسد اولور موطن حروبه اقدام
ومدا فعه خصومه قیام ایتوب بلکه ناموس حیثی افساد
وسباج حایثی بر بادیدر لر بیکه ولاه عباد الله رفیق وحالترینه
شغنی اولوب سینا نلرندن نجا وز ایله استقامت و اشرا ب محبت ایله
استقامت معامله سن ایده لر امر اتحاد ده جانیندن توافق
ومدا فعه و معاوننده تعاضد ایله نصرت حاصل اولور و حسن
و فاقده اصل عظیم تاطف و رأفت ایله امر معا شلرینه نظر
واظهار تودد پوزندن بذل احسان و کرم کوسرتک ایتکدر
قلوب عبادک جذب و رغبتنه بوقدر حیل و وسیله یوقدر
(خفی اولیه که) ذکر ایلد یکمزرفی و مواسات ملکه سی اکثریا
حق و بله اربابنده و یا تبلیه و تغافل ایدن تیغظ و تغطن اصحابنده
اولوب شدید الذکا اولان عرفاده نادر بوانور حیلده و تمرن و دقایق
اموره متغطن اولان حکامک انظار ی مدارک ناسک ماوراسنه
ناظر و جاسوس افکاری نفع و ضرر جهشتدن هر خصوصک
اوائل و هواقبه مطلع و علی ماهی علیه مختبر اولغله فوق الطاقه
تکلیف ایله خلقه تعریف ایدر بو مقوله اذکیا (الجاهل عن بعض
الامور تغافل) مفهومی اوزره خلق ایله مسامحه معامله سن
ایدوب (شعر) و اذا الکرم آیتنه بخدیعه فرآیتنه فیما یرید
یسارع فاعلم بک لم تخادع عاقلا لکنه من فضله یتخادع
مضمونی اوزره متجاهلانه تاطف ایله طبعنه غالب اولغله
رضای خلقی جالب اولور و الامداری معقوله بی طرح و افراط
حزم و عدم حنن اعتقاد ایله خلقی قدح ایدر سه هرامک
فهرینه تسلیط نظریله عبادی مقام عجزده امساک و ضعفای
مقهور و اهلاک ایلر حضرت رسول اکرم صلی الله تعالی
علیه وسلم (سیر و علی سیر اضعفکم) بیورد قاری بو حایثی

مؤید در ابو موسی الاشعری والی عراق ایکن خدمتده اولار
زیاده که ابی سفیان او غلیدر فرط ذکا و تعسفله معروف
دهات عربدن ایدی بعض خدمات ایله دیوان عمریه به کار کده
عزل اولندی جناب خلیفه دن استفسار ایدوب عزله علت
امور مده عجز و یا خود خیر تقیدر دید کده حضرت فاروق
رضی الله تعالی عنه جوابنده عزلك عجز و یا خیانت ایچون دکار
بلکه فضل و عقلکی ناس اوزرینه تحمیل و فرط کیاستکی
تسلط ایله عباد الهی حزین و هویل ایتمکی مکر و کوروب
عزلکی ترجیح ایلدم دیو یوردیلر (بنابرین) افراط ذکا
و کیاست حکام صاحب سیاسته عیدر و بو انکیچون درکه
حدت فطانت و شدت ذکا و فراست اصحابنه لسان خلقده
شیطان و مشیطن درلرکه بونفصیلدن حکامه حق و بلاد
لازم ایدوی فهم اولنیه بلکه اثره تفاضل و فورانه و تسامح
مبتلاها فرط ذکا وحدت کیاستدن انفعدر بعضیلر زعم ایتدیلرکه اخلاق
سائرک اعتدالی مدوح و طرفینی مذموم اولدیغی کی قوت فکریه ناک
دخی حد متوسطی مرغوبه و طرفینی مقدوح اوله لکن حق بودرکه
قوت فکریه و فطانت عقلیه ناک افراطی مدخول اولوب انجق
امور عامه و معاشرت ناسده علی وجه التدقیق اعمال ایدوب تفاضل
و مدللاری ترک ایله خلقی مبهور و بی مجال ایلک نامعقولدر افلاطون
الهی دیمشدر (من تتبع خفیات الذنوب حرم مودات القلوب)
ارباب سیف و قنک سالرینه متعلق اولان فوائده همه در
سیف و قلم تأسیس دولته آلت و لازمه مهام سلطنت
اولوب ابتدای دولته تمهید مرام و استقرار احکام ایچون
سیفه احتیاج زیاده در اول وقتده قلم تنفیذ حکم خداوند کار
ند متکارد در سیف ایسه بلوغ مقصد و حصول مطلبه عین

و مدارد ر کذلک اواخر دولتند. ذکر سیقت ایدن طور ضعف
 و انحطاط قوتند. ارباب سیف ایله استظهار وسیقه احتیاج و افتقار
 مقرر و تلك الحالتینده قلم اوزرینه سیفک مزیتی اظهار در فلهمذا
 ارباب سیفک چاه و دولتی رفیع و نعمت و خشمی و سبع اوله کلشدر
 اما وسط دولت و عهد کمال شوکند. استقرار مصلحت ایله بعض
 مرتبه سیقتن استغنا کلوب تحصیل قوائد و ثمرات و جمع اموال
 جبايات و ضبط واردات و اخراجات و نقض و ابرام و اجرای احکام
 مثلاً امورده تصرف قلم احتیاج مقرر اولمقله قدر قلم اعتلاده
 و ارباب قلم رغبت ارباب سیقتن زیاده اوله کلشدر بو وقتلرده سیف
 مضاجع زوایاده موقوف طوروب حدوث نایه و یاسد فرجه ایچون
 لزومی اولد بخه میدان اعتبارده اشتهار بولمز بوحالته اصحاب رأی
 وند بپروالان علمای روشن ضمیر و کاتبان عطسارد عنوان ملوک
 و وزرایانده مقبول و ملتفت و نائل نعم مکنت و ثروت اوله کلشدر لر
 عقلای اصحاب قلم عقل رشید و زرای سدید صاحباید در عرض
 دولتی صیانت و ناموس نظام سلطنتی حایت ایدر لر بحالاس همایونه
 همدم و سرار معظمه به محرم اولمقلرند. نیجه فواید نافعه العوائد
 وارد ر بوطا ثقه به افراط رخصت ایله ربایت اولنسه ده نظام
 دولتده ضرر اولوب بوقسمدن حدینی تجاوز ایدن قتی ناد ر بولنور
 ز پر اوزمره ده استعداد حقیقی ایله تعینه مستعد مرد صاحب وجود
 معدود و اولور ایغراض زائله ایله سرآمد لک د عواستند. اولان
 جوع عوام کبی بسیار اولوب کثرت پذیر اولن هر عصرده بر
 یاخود ایکی ایچق بولنور علمای اهللام و اصحاب اقلامدن
 بودیدیکمنز کبی تعین و استقلال حاصل ایدن ارباب رأی و کمال
 هر خالده سالك مسالك اعتدال اولوب اکثر مصالحی تناسب
 لایقه به بنا ایدوب و خیم العاقبه افعال ناستوده به مصدر
 اولیق دکل بلکه بین الحساد موضوع بحث اوله جق حرکات

نافه دن یله اباید لر هر عصر ده صاحب حل و عقد امور
و مقتدای انام و مرجع جمهور اولمغه البق واولی اولان
بوصفات معتدله ایله متصف بولان عقلادر بومقوله ذوات
کامله دن ضرر کورلر بعض مرتبه ترا جاری اولور ایسه ده
تعدیل و اصلاحلرند. عسرت چکلمز اما اصحاب سیفک
احوالی بونلره مغایر ایدوی اصحاب تجربه یه ظاهر در

✽ از باب سیف ✽ انتفات و اعزاز ایله بروجه اعتدال ممتاز
اولد قلرنده بنای هنرلرینی یاد فنادن صیانت ایچون اغور دین
ودوانده چان و باش بذل ایله خدمت ایدوب معرکه غزا و مقاتله
اعداده صدق درون ایله اقدام و اهتمام ایلرل مقتضای حجت ایله
مهلکه موتدن دوغوب غیرت داعیه سیله سیوف قاطعه دن
یوز چور مرلر اما چنکه نظر دن ساقط ورتبه لری هابط اولوب
سارخلقدن امتیاز لری قالماسه کسل و یأس ایله شدت شکیمه لری
زائل وذل وحقارت سببیله بسالت و صرامت لری مضحل اولور
بو حالده طرف دولندن ویریلن موجب و هطایا اجر حایت
ولایزه مؤنت شکسده اولوب نفسنی موت ایچون ایجار و ایچه
ایچون اولمکی اختیار ایدنلر نادربو لیمه باشلر بونوعه اهمال
عنایتدن عسکرینک فقدان معونت و همی سببیله شجره منیعه
جمیتک شوکتی مختصده اوله کلشدر (وجه آخر) طوایف
مزبوره به عطا و بخشش لریله اکرام و نوازشده افراط اولوب
ذلخواه لرینه مأوللری اوزره مساعده و سائر تر جیمده مبالغه
اوافورسه عنف و رعونت میداننده ارخای عنان ایدوب
سر اقتیاد لری قلا ده تسخیردن خروج و مدخلاری اولیسان
ابواب اموره و اوج ایتمکه باشلرلر بوجحد و ردن قطع نظر مراج
عصر کلازمه سی اولان ترفه و راحت عارضه سی آبره ده

سرایت اید و ب حوائج و نفقه لری عطیه و علوفه د ن زیاده
اولوب ضعیف قوی به و اصغر اعالیه تقلید اید و رک مصارفی
چرخالد در اثواب و زیب و زینت ماللین اسراف و غیرت اقران
نامه اولان محض جهالت ایله شوبله اتفاق و اتلاف ایدر لکه
اکثری فقیر و مدیون و مس ضرورت ایله حاللری دیگر کون
اولوب حروب و غزوات ایچون تکلیف سفر اولند خجه عده
و عتاد نندن عاجز و حیران و خرج راه پیدا سنده قاصبر
و سرگردان بولوب برایشه یرامق ممکن اولمز دبر لک لری چالینوب
و اتمک لری آخره و یریلور اینسه انلره دخی بوحکم جارید راکر
اسرافاته کوره عطایا و یریلور سه مصارف دولت ارتاز و احداث
مکوس و مظالم ایله بیوت رهیا منهدم اولد یغسدن غیری ینه
کفایت ایلز پس لایق اولان بودر که هر حایده طریقته اعتداله
سلوک اولوب اصحاب سیف و قلند هضم دولت و کار سازغده
قادر استحقاقی واضح و ظاهر مستعد لری منخ و مکارمه مظهر
ایدوب ضیق القلب و تنک حوصله اولنلره فوق الکفایه اکر ام
و عنایتدن حد را اولنه و کنتم حقوق لازمه ایله زیر دستان
عقوقندن دخی احتراز اولوب هر طریقده لیاقت و استعداد مرعی
اولق دوام نظامی مستدعی اوله کاشدر

(فائده مهمه و نصایح لازمه) معلوم اوله که هر دولتک من و قوف
آخریکه طور رابع و خامس و قتاریدن بهر حال مصرف ایراده غلبه
ایدر بوحاللر دتکثیر ایراد و تقلیل مصارف حد اعتداله واروب برقرارده
طوریق و ذکر ایندیکر بعضی خلل و نقصان بالکلیه مندفع اولق
امر عسجد در نهایت الامر اقتضا حسیله مصارفک تقلیل و تنزینده
و سایر امور مخله نك تنظیم و تحو یلنده بر قاسم قاهرک قسری
لازمدر که برقرار دوام اوزره جاری و نسق مستقیم اوزره متممادی

اولمرسه ده تعدیل مزاج ایچون تنفس مرتبه سی باری تدارك
اوانه تدبیر امور چه و ره مباشر اولان حل و عقد اربابی اگرچه
اول همسرك مقتضای اولان تدابیر صائبه یه واقف و دقیق
و حقایق مصالح نافع یه وجوه ایله عارفردر لکن کاتب چلی
مرحوم (رب حامل فقه الی من هو افقه منه) مضمونی اوزره بوباید
برقاج کلام نصیح انجام ذکر ایتمکین علی سبیل المناسبه تحریر اولندی
اوقات مذکور ده چاره ساز فقه سعی ابدن و کلا ی
همت پردازه ابتدا لازم اولان امر مهم خزینه یه وسعت و رجال حرب
قوت کلنج یه دك سفر فائده سنی بر طرف ایدوب تدریج ایله
تظلم بلاد و ترفیه عباد سخی ایلوب ریا یا فقر اسندن ممکن
مرتبه ده تکالیف طاقت گذاری تنزیل ایتمکله رصایت و استراحت
ایله ینه لطیف جبل بیور مقدر ونه حال ایله ممکن اولور سه مال
میریدن تداخل دفع اوانوب بلا که دولت علیه نك برسته لك موجب
مصارفنه کفایت اید جك قدر مالی تدارك و موجود خزینه
ایتد ر مکه ممکن مرتبه جد و جهد ایلوب زواید اسرافاتی تدریجاً
تقلیل و تنزیله بدل دقت ایتمکدر زیرا برسته لك مصرفی احاطه
ایده جك قدر نفود خزینه ده حاضر بولمقده نیجه فائده واردر
و توفیر مالد فائده تامه مستقیم امانا و مقصد دفتر دارل استخدام
ایتمکده در هقلای مجبارك فائده لری پیعده دکل شراده در
دیدن گری مثل معیندار سوزدر لیکن قطع اسرافات و
دیوملوک و ارکانك اسباب احتشام لری رفقه دفعه تبادر بیور لیه
زیرا وسعت دوانده زینت و احتشامه میل و محبت امور طیبه دن
ایدیکی معلوم اولشیدی ترك عادات و مخالفت مالوفانك نهی کثیر
لکن حصولی بغایت مرتبه صبر در خلع فاخره و سبور کچمکده
وزراندود و فضیله و آلات قوللغنه صیون خلق مالوف و ابا من جد

ینارنده معروف ایکن خشونت زی و بذات لباس اختیار یله
 وضع متاده بی تغییر آحاد ناسی یله مهان و تحقیر ایدر
 سن و قوفدنصکر مطور رابع و خامسده قوت عصیته عرض و شوکت
 بدایته بدل ملوک و حکام ممکن مرتبه احتشام بیچون نکثیر عنوان
 و تنوع ابهت و شان ایله منبع الجناب اولوب کاهیجه خلقه عرض
 دیدار ایدر سه اکثر اوقاتده احتیاجنده ارمیزی لازمدر و مشکلات
 امور ملک و ضرورت مالیه بی عانه به طیور محبوب مدبرینک حال
 و مقالندن آوازه جاه و جلال بین الخلق شهرت بولوق لازمدر که
 دولت بودیده مطنطنه ایله متدرع اولغله و هن قوی اجانبه
 شایع اولینه مدبر یکین بعض مدبر حقاکی اجه یوقدر تدارکنده
 عاجز اولدق مصلحت بتک کوچ اولدی بز شویله ایتسک ایش الدن
 کتمشدی دیو شکایت افتخار آمیز ایله خلقه بت شکوا ایتدک
 ذلت و خواراقدن هیری نتیجه سی یوقدر سرکارده اولان حل
 و عقد اربابی اجابت غامه یه بلکه بر طریق ایله بر مرکزه نائل اولمش
 کتم سره قادر اولین کسنه له کشف راز ایتوب نقد ر مستغنی
 و بی نیاز کورنسه لر اولقدن شانلری عزیز و کلاملری نافذ اولور
 و ملوک و حکامک صحبت ناسدن مجتنب و اکثر اوقاتده مستور و محتجب
 اوللرند نهجه فائده خفیه وارد ر ناس ایله کثرت استیناس قانون
 ادبی عاطل و حجاب و هییتی باطل ایدر و رای پرد تعظم و تعز زده
 مستور اولان حاکم و قور دین خلق حذر و متفکر اولوب آیا
 نه تدبیر ایدر و نه کونه مصلحت صدور ایدر دیو متوهمانه تصورده
 اولور خصوصاً کاهیجه مدوح و مستحسن مصلحتنر ظهور
 ایدوب بعض مستحقینه بی غرض ربایت و ملاطفه و ناهموار
 و بی پروا له بفته مؤاخذه و تأدیب صورتلر و کاه پسندیده
 حرکتلر نمایان اولور سه یومافیوما ازدیاد شان ایله مدوح جهانیان

اولورل بشرط آنکه ابواب حکومت روی اصحاب مصلحت اوقات
معدوده ده مسدود اولماق کرکدرکه مضالح عباد قهطل اولبسه
و بو سیاق اوزره و رای سترمه ایتنه رزنت عقلی ایله حرکت
ایدن حکام سفاک و غدار و هتاک استار اولناردن زیاد خلق
تخویف ایله کلشدر (ابن خلدون بومعناده بر حکمت رعناذ کر
ایدوب دیرکه انسان بالطبع کاله طالب و اینی چنسی پیننده امیازه
راغبدر هرکس استعدادنه موافق و ایدیه تعین کسب ایتش
بر شخصک مبلغ عقلنه معرف اولوب ائک شانه وصول ایچون
اوضاخ و اطوارنده اکا تقلید ایله حرکت ایدز کالات انسانیه
کپی مدوح هنر تعلیمی اولغله البته ناقص کامله و وضع رفیع
اقتضایده کلشدر اوضاخ و اطوارنده قائم بنفسه اولق تقلید
تحقیقه ایروب اتصاف بالکمال رتبه رسوخه بلوغد نصکره اولور
شبان و صوامده بلکه قاطبه نامه انامده مشاهددرکه دانشورلکنه
اعتراف ایتدکری کسنه نک کیفیت ایله اتصافه چالشوب تکام
و اطوارده بلکه لباس و دستارده اکا تشبیه ایله اعتنا ایدوب هر جالده
اکا اویارل و سوزینه اعتماد و اعتقاد ایدرل بومقوله تقلید اهلک
اعمالدن فرق اولماز مرشد حسن و قبحه بالطبع مهتدی اولدجه
عین بصیرتلی اچماساز چنکه حاکم وقتک حرکاتی نظام عقل
و نهج مستقیم اوزره اوله البته مهابتی ابتداء قلوب عقلایه منولی
اولور عوام ناس مقتدا ازینک توفی و حذرندن خیر الدفتری کپی
لا محاله تسلط و اهمه ایله مرعوب القلوب اولورل حضرت لقمان
دیشدرکه (سلطان العقل علی باطن العاقل اشد من سلطان السیف
علی ظاهر الاحق) و هرگاه که حاکم عنف محض و جبر صرفه میل
ایدوب طرز و طوری قانون اعتدال دن خارج اوله البته تیر طعنه
هبط و بین العقلا کار و کرداری مزیف اولور بونلرک تعجب سارندن

غیره نقایض جهاله منعکس اوله رق عقلانک تبری و سخطی رتبه
 مهابتی منقط ایدر هوام هوام بهائم خلیع العذاره دونوب عمر بنی
 عبد المزیلک (طبیعه الانسان لا تقبل التصح المجرد والمنع المحض
 مالم یظهر سلطان العقل والاخلاق الارضیه فیہ) کلامی مصداقجه
 نه قدر قهر و زجر اولنورسه خشیت و همیه قدر منفذ اولمازل
 خلقت اکثری بر آوازه یه یلر ایشند یکنی سویار مدح و ذمک
 اصلنی یلزل رد و قبولک سبین اکلازلر کو پر یلی محمد پاشا سر حو مدن
 منقولدر نازک سویلش لر ایکی عاقل کار کار منفق القلب
 اولسه لر عالمی زیر تنخیره الورلر و ایکی کامل خدمتکار عامه عالمی
 افتدیلرینه دوست ایتمک و دوستلرینی دشمن ایتمک قادر در دیمش لر
 نفس الامر دم بویله در بزیننه صده رجوع ایده لم
 چون ملوک و وزرا و حکام و عظما ک مساکن و ملا بسده ی زیب
 وزینتی لازمه حشمت اولوب اطوار مذکوره خلالتده انقطاعی هیئت
 و رغبتک انعدامنه باعث ایدیکلی مقرر اولدی لایق بودر که
 بو خصوص تدویج ایله کوریلوب رتب و درجا نه کوره مراعات
 اولانوب حدود سلف افراط ایله تجاوز اولنجیه و ارکان دولتن
 اولمانلره بو خصوصده چندان رخصت و یرلیه یالکیز قوت مالیه
 ایله مشتهیات نفسانیه لرینی اجرا ایدنلردن انماض عین اولنورسه
 منصب و جاه عزتیه رغبت قالمز عینه علیه دیرلکنی اغنیا عینیه
 آخر خدمت دولت و عسکریان ایله سائر ناس یلننده برمریت محسوده
 و تفارت معتدله لازمدر که طرفیه تازیانه شوق و غیرت اوله
 و وزارت و امارت و مولویت و حکومتلر مستعدینه سزاوار
 کوریلوب مناصب سیفیه و مراتب علمیه و قلیه فایت ندرت
 اوزده و یریلوب اعتبارات عزیزه بی رخصت ایتمکده چوق فائد
 وارد در علی الخصاص رتبه علیه وزارت تقلیدنده اقصی الفایه

امساك و احتراز لازمدر اوقات خاليه ده عسكر ساطاني و خدمه
و غلمان سده فلك هنواني چريد و رماح اوينامق و رخس باديا
قولتمق و تبر و خشت اتمق و ضرب تيقه مشق ايتك سمنه ترغيب
ولوازم شجعا هته فخر ايص ايتك لازمدر و بومقوله كالات
شجيعانه ده اظهار هنرايدناره اعطاي بخشش ايله سمند غيرنارين
جنبشه كنوره لركه صنايع شجاعتي اعمال خاقلك كانون حيتاري
اشمائه سبب اوله و علما و فضلايشه مباحث دقيقه و مسائل
عميقه القايديوب فوائد نافعه بي متضمن رساله ل بارلغه محرك
اولوب قوت فضل اظهار ايدناره لياقت و حيتي مرتبه الثقات
بيورلمق معالم علمي اندراسدن و مشارع سعي و طلبي الفهماسدن
صبا نندر و معارف جريته اصحابتدن فوائد و يادكاره متعلق
منشآت و اشعار مثالو آثار صدور ايتديكجه نگاه الثقات ايله منظور
و استعداد لري مرتبه كرم و عاطفته مسرور بيورماق اصحاب
رشد و تميزي شوق انگيز ايتديكندن غيري ابقاي حسن ثنا
و طريق علم و عرفاني احيايه سبيدر و صلح و راحت ائساننده طلق
للسان و عذب البيان و اعظلم خلقه اصول اعتقادي و قواعد
دينيه يسان ايدوب پادشاه اسلام و حكام كرام محبتي قلوب ناسه
ادخال و عباد الله اطاعت اول الامر مهبال ايدجك فوائد
لايقه و اخبار و آثار نافعه ايراد ايدوب صلاح و عبادت و سكون
و راحت ترغيب ايديجي سور ل سويلك لازم اولديني كي سفر
زمانلرنده دني فضائل جهادي بيان و قلوب موحديني خرا
و شهادته فخر ايص و تشجيع ايتجك مقالات شوق انگيزي بسط
و بيان ايتك مهمدر حتي غزوات و جهاد ائسانلنده حروب
اسلافه متعلق مناقب نقل اولتمق و شيرين زبان قصه خوانلر
ناسك جمعيتكاهلرنده شهنامه و سارحكايات مشهوره سويلك

بالان اگر كركك محرك عروق شجاعته در عشار بوقضيه ملوك
 فرس قديم مايندند معروف ايش دير ز غالباً كثر اوزده ايشيديلن
 معنای طبيعت انسانی بالضروره ميل اولديغنه بنادر زیر اقبال
 عربانك حروب و مقاتله سی وقتنده پیره زن سايطه لری
 اشتر سوار اولوب تحريك غيرت و اشعل بازة حيت ايدراشعار غریبه
 ايله شجصانلری اقدامه تحريص ايندكلى دأب مشهور دخی
 بوقضيه بی مؤيد در (نتیجه كلام و فذلک مرام بنیان دین
 مبین و اساس شرع سيد المرسلین بر حصن حصین و قلعة متين
 و رصند که جلالت قدرت و صرامت قهرینه نسبت ارکان ملل
 مختلفه خشیة مسنده طاغوت و ادیان منسوخه لری و قواعد
 باطله لری اوهن من یت العتکوت و دولت قاهره عثمانی بر سلطنت
 عظیمه جهان بنا نیدر که شان و شوکتی یاننده ملوک اطراف
 ضعیفای بی توا و قوت مکنترلیند نسبت سلاطین اکلاف مساکن
 بی سرو پا کیدر میدأ ظهور دولت عثمانیه دن بر ملوک جهان
 آیین اعلای کلمة الله و تحصیل رضای حضرت رسول الله ایچون
 امر غزاده از کتاب مشاق و مهـ لك ايله نو سبع عالمك وقع بلاد
 و مسالك ایلدیلر دین مبین اغونده بذل جان ایدرک و سعادت
 دارین ایچون محنت و ضاچکدرک ضرب دست و شمشیر ايله صیت
 دولتری عالمکیر اولدی سا یقودولترنده امت محمد آسوده و عباد الله
 دار الامن و استراحتده غنوده و اغسله قوت و شوکتی متعادی
 و تأید حق ايله الی هذا الوقت رعب انداز قلوب اعدا دیر تاریخ
 هجرت نبویه علیه افضل التحية لك ینک طقسا ن ارج سنه سی
 حد و نده مرحوم و مغفور له سلطان محمد خان ابن ابراهیم خان
 حصار نرینک و اخر عصر سلطنت نرندمر حوم قره مصطفی پاشا
 صدارتده ناکاه تعلق ارادة الله ايله قداحه قضای قدردن شراره فتنه

جهنمیده و چارسوی عالیانک کالای امن و راحتش رسیده اولمده
 نائرة آشوب و شقاق نعمت مرای حضور و وفاقی احراق ایدوب
 ملت اسلام نصرت آثار ابله انکروس کفاری بیننده منعقد و مرتبط
 اولان رشته صلح و صلاحه انفصام و سد سدید هدیه به انهدام
 واقع اولدی اطوار دول بمحذره ذکر ایتدی کمز طور رابع مقتضای
 اولان بعضی حالات غریبه اقتضای ابله انکروس سفری آچیلوب
 وزیر مر قوم مصطفی پاشا مرحوم جیوش دریا خروش ابله واروب
 غمچه تختکاهی اولان بیچ قلعه سنی محاصره ایدوب تضرب و تخریب
 ابله بلاد اهل ضلالی پابعمال ایلدی قریب قلعه به ظفر بهمن
 اولور امید ابله محاصره و مقاتله به بذل مقد و رایدن کن
 مرأت منع کرد کارده خلاف ملحوظ صورت هائله بیدار اولوب
 اطراف و نواحی حیده اولان جبال و ضوا حیدن جوع کفار غیوم
 صاعقه بار کی ظهور ایدوب متوصلاری اماطه قصد ابله
 عسکر اسلامک جواتینی اماطه ایتدی لر سیلاب ناکه ظهور قضا
 هجموندن جماع کار و بار عمومه ابتلائی خسارت ابله تفرقه
 خبیث لاحق اولدی وزیر مشارالیه تخلف مقصود دن حزین
 و ناکام عسکر اسلام ابله سمت عوده اماطه لجام ایدوب مهمام
 تدارک مافات قیام ایچون مشتای بلغراده آرام ایلدی لر سردار
 اعظمک بوسفرنده نتیجه ظفر و نهال عزیمتی بار اور اولدی غنی
 ایچون سلطان محمد خان حضرتلرینک طبع همایونلری مغیر
 اولوب اگر چه صورت اسماعیلی متضمن توازش نامدل کوندرلدی
 لکن نهانی اعدام وجود سردار ابله سد ثلثه ناموس دولته فرار ویرلدی
 رخنه بی آچان قیار و بنای بیقان بیار مضوی اوزره
 بوشر مسار لغت چاره ساز لغی طریقه جله مالی بذل و نثار ایدوب بلکه

دفع تار مرتبه نسی بر کاره دست رس بولق ملحوظ ابکن
 بعض کبار کاردان و مقر بان عرض دولتی صیانت سیاقند
 بومقد مات واهیله ایله تحریک غضب پادشاهی ایدوب شهباز
 منساقط الجناحین شکارگاهه واره من و قهرمان ترسیده نکه
 بردخی مقلبه خصامه طوره من مغفور قلوب ناس اولاک اتندن
 برایش بلکه فاسس بوقدر همان وجودی ازاله و مالی و ملکی
 جنساب هما یونه نواله اولاق معقول رد پدیدر بالاخره پادشاه
 بلند چاه حوض تریزیک سیف مسلول قهر و غضب لرله
 مصطفی پاشا مقتول اولوب خرائت اموال پیشما ری یغما یه
 کیدوب برکدک سد ایتد یکندن غیری اول بلیه هائله کتد کجه
 مشد اولوب برچاره مناسب کورلدی بعده اهدای دیندن
 اخذ انتقام و قلاع سرحددن محافظه ده اهتمام ایچون
 هر شنه انکروس چابنه سفر اولتی اقتضا ایلدی وارد خسه
 اول سرحد لرده نازه فساد اشتداد بولمله سال بسال خرینه لر
 صرف اوانوب کوندریلان سردار لراک غالب کاه خائب اوله رق
 تلاف اموال و اهلاک رجال و نیجه قلاع حصنه یه اسلیلا ی
 اهل ضلال باعث اختلال اولدی و ندیک ملاعینی دخی بعض
 بوا هت سنبه امانت صلحه خیانت ایدوب سفاین دو نمای
 فتنه خیر ایله آق دکری شور انکیر ایلوب سوا حل بحریه دن
 موره مملکتنه مستولی اولدی ککذک مسعودید کارنی
 خنازیرد خواراق سمترینه اسلیلا ایله عاق اولوب غوائل
 شرو شور و اطر فده دخی ظهور ایتدی حاصل کلام
 ممالک اسلامیه کجوانب اربعه سنده دشمن دین و اوله سی
 امت محمد دغرضه و بزوب عرصه کک بحر و سه یه غلفله
 صالیدی بواوقا تلزده مهر صداره نائل اولان وزرای عظام

بوام و بحیرالشعور نداشتند قیام ایدوب جانب بروبحره امرا
 و عسا کر کوندرمکده و مواجب و مهمات ایشد رمکده
 دواعی ضرورتله کونا کون زحمتلر چکد کلرندن غیری
 کیمک عزلی تعجیل و ایام حکومتی قلیل اولوب کیمک دخی
 عدم استقلال ایله تلاشی احوالی مصالح مهمه تعطیلنه
 سبب اولدی کاه تحاسد و تشاجر و کلا و کاه غدر عزلی و تبدیلات
 نایزجا ممانعتی ایله کرکی کپی برایش کورامدی اگرچه عسا کر
 نصرت شعار و غزات صبارتار بهرشنه ییحد کفاری کشته
 تیغ دما رایدوب نیجه سی زنجیر بسته اسیر و ذنبه کرفشار
 و دار و دیارینی احراق بانار و اموال و اشیا سی تار و مار ایتکله
 هر طرفدن ملا عین خاکساره اضرا ایله بروجهله جلادت
 کارائی ایدر لر دیکه مملکتلری خراب و کند لری ناتوان
 و بی تاب قالوب عاجز و ناچار متار که و مصالحه کوزلرند
 او چارایدی لکن رهونت کفر ایله نکالیف نام مقوله ایتد کفری
 ایچون کلاملری مقبول اولما زایدی تبدل و زرا و قشنه
 د و شوب بر مرصاحب وجود ایله اصلاح ذات البینه متعلق
 مکالمه عهود صورت بولدی بوامر مشکل نیجه مدت ممد
 اولغضله خراین و عسا کرک قلت و ضرورتلرینه بادی
 و کثرت نکالیف ایله رعایا تک ضعفنه مؤدی اولدی نیجه
 وزرای نامدار و دلیران کارکنار شهراه شهادته کیدوب
 تمادی حروب و قتال ایله طبع شجعه شامت و کلال کلدی
 تخفیف تکالیف ایله رعایای آسوده و تقلیل مصارف ایله توفیر
 خریشه ایتک و طوائف عسکرینک تابع ضرروب ستردن
 کلال دیده اولان سیوف نصرت خیر صاعقه ریزلرین سنک
 فرح و سکون ایله کاکان برنده و تبر ایتک و عساک بحر و سه به

تطرق ایدن اختلالی دفع ایدوب امور ناسه حسن تدبیر ایله
نظام ویرمک بروقت راحت و زمان امتیته موقوف اولد یغندن
حصول ما هو المطلوبه دك تیغ قهر و انتقامك نیام و قوف
ومتارکده آرای اقتضا ایتش ایدی بوئنارده کلن صدور
کرام دخی مصالحه ایله حصول فراغدن غیری تنظیم اموره
مساغ اولدی یعنی یللوب اوله که برجله دلیرانه ایله صلح غالبانه
میسر اولیدی دیو بزکاه تثبته پیمانه شهادت ایتیچدی کینک
تجرع غصص و توقع فرص ایله وقتی فوت اولوب عمری
یکدی (خلاصه کلام بودعوی مطلق) آلاک سر رشته
پیچیده اشکالنه نه ناخن حسن تدبیر ایله انحلال ونه شمشیر قاطع
الزأله کرکی کبی انفصال میسر اولدی تا هجرت نبویه تک
بیک یوز سکرچی سنه سی که غوغای مهوودک ابتدای ظهوریدن
اون بش سنه هرور ایتشیدیکه رخنه جدار حجاب اساسه دك
ایتمش و کریسان چاکلی جامه مصلحت دامانه دك ایتش ایدی
(الملوك ملهون) خواستی اوزره پادشاه ربع مسکون حضرت تلمری
قریحه بافر استلرندن مهر صدارتی دستور سالف الذکر بلغراد
محافظه سنده اولان حسین پاشا حضرت تلمرینه احسان
یتکله اظهار کرامت بیوروب کویاوقفل مشکل کشاکش مفتاحی
انلره تسلیم و نیواب مطلقه هزایم انفتاحی کندوره تفهیم ورد یلر
(نظم) * اتفاق ایتکله رأی شه نشاه و وزیر * مصلحت
هر تقد رصعب ایسه اولور یسیر * متحد اولسه وزیر ایله فین
طبع ماوک * بزالبتده سهوات ایله هرامر عسیر * مضمونی اوزره
اول دستور گاردان و وقور نادر الاقران مشکل کشای قانون
دولت نبض اشنای مزاج سلطنت صاحب عقل راجح داننده
دقایق مصالح صحیح الرأی و صاحب فکر اعنی وزیر

سالف الذکر حضرت تبری مستند صدر شریفی تشریف یورد قلربی
عموما ملوک امت عیسی و حکام طوایف نصاری استماع
ایتد کارند و دید باریکه هنوز مستند صدارتہ وعد و قولی متمند
و معول پرویز اعقل و اکمل کلدی قهر و سطوتی مرعوب و لطف
و شفقتی مرعوب اصیل و حسب برد ستور نجیبک مقدمیله
چهرہ کریمہ ناک مملکت شمدی متبسم اولدی سنین چندیندن پرو
مملکت ورعیتیز خراب و آنش قهر غزایله قلبیز کباب اولوب
کثرت سفردن طرفینک مطاعندہ فتور و دواتینک مملکتندہ
اختلال تام ظهور ایلدی عهد میددن پرو امید مزاولان
مصالحہ یه مباشرت یامیدر و بویله بروز یرمعذرت پذیردن مہاندہ
خصوصندہ استدعای مرحمت ہنکامدردیو غنچہ ایمر اطوری
انکلتہ و فلنک قرال لرینہ نامہ کوندروب اصلاح ذات البینہ
توسط لرینی نیاز و وندیک ولہ و مسقوک دخی دارالامان صلحہ
الھما قلربی التماس ایتد کدہ انلر دخی آستانہ سعادتہ اولان
ایلمچ لرینہ تھریرو سپارش ایتلر یلہ ایلمچیلر دخی بارکادہ والای وزیر
روشن رایہ اتجا و صلح و صلاح خصوصی رجا ایللہ کلرندہ
کان کرملرندن ضعیفای مخلفینہ شفقتہ رجا لرینہ مساعدہ ایلہ
مرحمت یوردیلر و شوکت پناہ و عظمت دستکادہ پادشاہ
جهان پناہ حضرت تبری رجا واسنیدانند نصکرہ دقایق شرعبہ
و حقایق حکمیہ نک مزایاسنہ واقف و تصورات مسئلہ نک
نصددیقات یقینہ سنہ عارف اولان بندکان صاحب
ایماندن اشکال مختلفہ اقوالدن مال و مطاوب اتنا جنبہ
قادر وادارہ قواعد مباحت ایلہ جریرہ کاران مجاہد لینک
ازام واقفانندہ ماهر عمردہ ذوی الالباب رئیس الکتاب مخلص
کرامی محمد رامی افندی داعیلربی توکیل و تمین ایدوب مکالمہ

حوال ایچون متوسطین خد متارینه قوشوب ارسال ایلدیلر
 نجه طرفدن دخی مکالمه ایچون تعین اولسان وکیلار کلوب
 فارلو فیه نام محله بولیشیلوب مراسیم مقننه اوزره مکالمه ایچون
 مواضع معینه تعمیر و ترتیب اولنوب و نجه و و ندیک و مسعودیه
 وکیلاری متوسطین ایله حضور رئیس و قوره حاضر اولوب
 مواد مصالحه مکالمه سنه مباشرت ابتد یلر جناب رئیس الکتابک
 اول مجالسده اولان حرکات و قورانه و سکانات عاقلانه سی حیرت
 امکان ارباب انجمن اولوردی اول بلیغ کتبه دان و فصیح عذب
 البیان کلامید بیع الانسجاسی حضار مجلسی تصاویر و دیوارچی
 متعیر و بهوت ایدوب تصدی سؤال اولنله جواب ملزانه سی
 عقد اللسان سی و سکوت اولوردی کت و شنید و اجوبه
 مفیده اثنا سنده درج دهان نرندن عیان اولان لائی شاهوار
 کفارتا جران بندر محاوره بی شایر و سرمایہ داران مناظره
 و مناقشه بی افلاس عجز و ندانته دوشوردی اول مجلسده
 صدور ایدن اوضاع کاملانه و تعیرات مدققانه جمع و تحریر اولنسه
 برنجو عذ نظیر اولوردی نتیجه کلام مکالمه مواد مصالحه
 ختمه ابروب شرایط متعدد و مدت معینه ایله طوائف
 مزبورینک هر بریله انعقاد صلح و کلاسی طرفینک رضاسیله اتمام
 اولنوب علی الوجه المعقول نهادن و مصافات صورت پذیر ختام
 اولوب تمه کلاسی و رئیس رفعت انیس عودت ایدوب
 کلد کد نصکره دولت علیه طرفندن ابراهیم پاشا یا لکر نجه
 طرفه ایلچیلکه مأمور اولوب اعظام واجلال ایله ارسال قلندی
 و دآب قدیم اوزره نجه طرفندن تدارک و ارسال اوانسان یوک ایلچی
 ایله سرحدده ملاقات اولنوب نجه ایلچیبسی بوجا بنه کلوب
 پاشای مشارالیه نجه دیارینه روانه اولدی عتبه علیه خسروانییه
 هر برینک ایلچیبسی تحف و هدایای غایبه الاثمان ایله کلوب جیمه سای

اولدی بو واقعساتک تفاصیلی تاریخک نه پتند سنه مذکور
 وقایعی ذکر اولندیغی محله مفصلاً ذکر اولنسه کرکدر
 جناب رب العالمین پادشاه روی زمین حضر تاریخی بومصلحت
 ناهدا یله عباد و بلا دکر فاه و راحتند باعث اولغه موفق قلدیغی
 کبی ملک و دولتک نظامنه و خلل پذیرا لان امور سلطنتک انتظامنه
 دخی معین و نصیر اولوب مشکلات مهماتده تفسیر حسن
 تدبیر ایله یاور و دستگیر اولق
 مسؤلدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(سنة الف من هجرة من له العز والشرف)

سنة من بوره محرمك غره سی که يوم السبت در هجرت نبویه تک
اوچوز الی درت یک در یوز طقسان طقوز بی کوئی اولوب
یوسال مبارک فان قران اقدم سابعینک یوز سکسان درت یک
التیوز طقسان اوچنی یلی وتاریخ خلیفه عبرانینک بش یک
اوچوز النبی یلی که ملک المؤید حسا بیلیدی یک ایکوز
اون النبی سنه در وطوفان نوحک درت یک طقوز یوز یتش
درد بی یلی در که منجمین حسابنده ایکوز یتش طقوز سنه
نقصان اوزره در وقران اعظم علونیک ایکی یک سکن یوزیدی
ییلی وتاریخ بخت نصرک ایکی یک اوچوز اوتوز سکتی بی یلی
وتاریخ اسکدرینک یک طقوز یوز بر بی سنه سی وتاریخ میلاد
عساک یک بشیوز طقسا تی یلی وتاریخ قبطینک یک
اوچوز النبی یلی وتاریخ یزدجرد یک طقوز یوز الی طقوز بی
ییلی وتاریخ جلالینک بشیوز اوتوز اوچنی سنه سی وقران اوسط
علونیک یوز الشمس ید بی یلی در عقول قاصره اصحابیندن
برکروه زعم ایتدیله که الف کالمدن اول قیامت قوپه
باخود الفی بکرسه تفاسوت قیه اولان اوتوز سنه بی تجاوت
بته و بو بایده بعض مقدمات واهیه بلکه کاذبه تمسک ایتدیله
دور قری مدنی تمام اولق کی وینغمه علیه الصلوة والسلام
قبرنده یک ییل مکت الی دیوره ایت اولسان حدیث موضوع
کی و بو حکم قواعد شرعییه و حکمییه مخالف ایکن نیجه کیمسه
تغافل ایدوب کا باریته یازدیله کذب صریح اید وکی ظاهر اولدی
والعالم عند الله تعالی

وتابع سنة الف

(سبب عزل و براعظم فرهاد پاشا و صدارت سیاوش پاشا) مقدمه
ارضروم اهالیسی اول دیارده قشلیان نوبتی یکجیر یلک ظلم و تعدیلرندن

مکتوبی کوندروب رفع اولنگارین رجا ایتشله فرهاد پاشا
دخی تعدیلرین دفع ایچون ناری اول دیاردن قالد یروب دردولته
اوطه رینه کلهزد یوامر شریف کوندرمش مضمون ارشرف
ارض دوم خلقتک معلومی اولد قده جلیتلرنده مرکوز اولان
شدت شکیمه تقاضا سیه یکچیریلر تدارکیرین کوروب قالدقجه
صبر اتیوب فرصت قنیتندرد یوب امر عالی مفرور بلا امهال
اخراجاری ایچون هجوم ایدوب یکچیریلر طعن وازد رایه باشلدیلر
مجادله و مشامه ماینلرنده مضارب و محاربیه مؤی اولوب بر قاج
یکچیری دوشوب باقیرلی شهر دن طشره اولدیلر و ز بر اعظم
طرفندن فرمان شریف اشاعتی سبیلله ارض روم خلقتک کندیلر
اولان شاعتلرین مکتوبلرایله اوطه رینه وضا بطلرینه
بلدر دیلر جای الاخره نک بکر منجی کونی صدر اعظم فرهاد
پاشا دیوانه کلوب آشدن اینوب دیوانخساره به طوغری کیدرکن
یکچیریلری قیرمغه ارض رومه امر کوند ریش پادشاهک
بوکارضاسی وارمیدر دیووزیره هجوم ایدوب شور بایدیلری
ضابطلررایه کیروب کوجیهل فتنه بی تسکین ابتدیلر بالاخره
دیوان طعاسی بنیوب اول حال ایله طباغلدیلر بواجوال فتنه آثار
سموع پادشاهی اولد قده فرهاد پاشا به خط هما یون کوندروب
سببی استفسار یوردیلر مقدم ارض رومدن رفعاری مناسبتی
خصوصی پادشاه حضر تلرندن استیذان ایتک بعده اوجاقلری
طرفندن مکتوب ایله رفعاری مناسبت و حال قضیه بو کیفیت
بهر اولد قن صکره اصلنی صحتی اوزره حضور هما یونه عرض
واعلام ایتک واجب ایکن فرهاد پاشا ملاحظه قاصره ایله
واقع حالی یاندن ابا ایدوب یکچیریلر کافالردن شکواری واریدی
دفع اولندی دیونلخیص ایلدی یکچیری اغاسی صراطورچی
محمد اغادر حال عرله که شمال اولوب رینه سلمه دار شهر یاری

خلیل افاجیه ری صکره بوسوز لک اصلی اولیوب شکایت وزیرک
 کندو سندن ایدوکی معلوم پادشاهی اولد قده ایر نسی که
 وقت عصر ایدی فرهاد پاشا بی کذب اختیار ایتدیکی ایچون
 عزالنه تیرزو اوچی دفعه سیاوش پاشایی مقام صددارنده جایگیر ایتدی
 * وده نقرات تبریز تبریز قولاری دائم اشرت و فساد و تغلب
 و عناد اوزره همیشه ایقاظ فتنه پیشداری و ولیارینه اطاله
 و تکلیف امور شافه کار و اندیشه ری اولغله تبریز و آذربایجان
 محافظی وزیر دلیبرطواشی جعفر پاشا اول طائفه ایقاع
 قصدیه و بعض قلاع یوقلمق نامیه تبریز دن چیقوب مقدما
 اکراد بکرنندن استرا د ایتش ایدی حله سنی عمله کنوروب اکراد
 لشکرین استقباله چیققدارنده یتک بشیوز اشقیبایی اکراد عسکریه
 و کندو لوندی و ایچ اغار یله قتل عام ایدی

(عن شیخ الاسلام بستان زاده و نضب زکریا افندی)

حسن بک زاده دیر که شهر رجیده اناطولی قاضی عسکری شاعر
 ماهر باقی افندی دن بعض فضا رکاب همایونه رفع رفعه
 ایدوب شکایت ایتدی بار باقی افندی واقف حال اولد قده مفتی افندی
 کندو برادری استانبول قضا استندن اناطولی صدرنه
 نقل ایچون تحریک شکات ایدر دیو کال نهور ایل دیوانده
 بو بوستان او یوقلری بنسندن استرلر یوکلری فرق ییلدر
 نخبم دلیرانه ایل بوغازین ابرتلار دخی بر درست نغمه سی
 صدادر اولمش دکلدر یازدینی فتو الدخی متونه مخالفدر
 اول منصبی هضم ایتدی یکی پیشتر قرنداشی اولان جاموسی دخی
 بزم یریمه کنور مک ایچون شکایتچی پیدا ایتک انصافیدر
 دیونچ طعن آمیز سوز لر سویلر حله سی مفتی افندی یه نقل
 اولوب انلردخی یاقی افندی بک اشعارندن میضاتلر یت الحرم
 دبرغان شیخ الحرم و دخی یوسف بیلرین امام سنی رعنا یلورم

یبتی اراد ایدوب بونلر کفر صر یحدر کفر دن تحاشی ایتین
 حرشی وراشی نیجه صدره لایق اولور اگر عزل و نفی اولماز ایسه
 بن دخی ترک افنا ایدوب و سلطنت اخرا یه چیقوب کیدرم دنیم کله
 باقی افندی اضطرار یه و دفع ضرر قیدنه شتسابه باشلوب صدر
 اعظمه و خواجه سعد الدین افندی یه واروب اگر فتوی زکریا
 افندی یه اولرسه بکا و یرک یوم یه بشر یوز فتوی ویره یم دیوب
 مفتی افندی دخی عرضحالی طوغا بی یاشی درویش اغا و ساطیة
 پادشاهه ایصال ایدر پادشاه غیور مفتی مذکورک سلطنت اخرا یه
 کیدرم دید بکنه بمحضور اولوب جیک یکر می سکنجی کیجه سی
 عزله فرمان هما یون صدور ایدوب منصب فتوی روم ایلی
 صدری زکریا افندی یه و انلرک یری باقی افندی یه توجیه اولندی
 برادر مفتی دخی استانبول قضا سندن عزل و یرینه ادرنه دن منفصل
 صنع الله افندی و آنک یرینه ابوالسعود افندی زاده محمد افندی کلدی
 سنه مزبوره یعنی پیک شوالنک یدنجی کونی باقی افندی
 دخی معزول اولوب یری اناطولیهدن معزول منلا اجدده و انلرک
 یری استانبول قاضی سی صنع الله افندی یه و انلرک یری ادرنه دن
 معزول شمنی افندی یه توجیه اولندی و برکون مقدم قیوچی
 باشسار دن محمود اغا به یکچیری اغا لغی و یریلوب سلفی خلیل
 اغا قسطنطنیه بکی اولشیدی و فرهاد پاشا عزله سبب اولان
 ارض روم غوغاسی که ذکر اولمش ایدی اول خصوصی تقبش
 ایچون وزیر جدید طرفدن برقپوچی باشی ابلا یکچیری اوجاخذن
 شدید چور باجبار تعین اولنوب ارض رومه کوندرلیدی وارد قده
 حکم هما یون مو جبنجه بر نیجه کسنه بی بردار و برفاج نفری
 در دولته احضار ایدوب انلر دخی انواع عقوبته گرفتار اولدیلر
 بو عهده اهالی ارض رومک دروننده قالمشیدی مسکرمه ابازه

پاشا خر و جنده اظهار اول طاعنه دن مراد لری اوزره
اخذ تار ایلدیلر

ظهور قن در سرحد بوشه و بحار و باعث حرکت کفار
بوشه بکمر بکشی حسن پاشا نغسندده پرا ر و متحرک کسند
اولغله کفاره افسندن خالی او ایوب غچ چاساری
در دولته ایلمچی کوندروب اظهار تغلم و عرض انکسار ایلبوب
حسن پاشا بی بوسر حددن یا خالد یرک یا خود صلح بر طرف
اولور دید کجده پاشای موی البهک وزیرا عظمه و درویش اغایه که
مصاحب شهر یاریدر اتنسا بی اولغله سنک غائله کزی دفع
یتمه بالکز اول کفایت ایدر دیو جواب و بر لشدی پاشای مزبور دخی
جایته مغرور اولوب بوشه عسکر بی خالد یروب بهکه قلعه سنی
محاصره ایتدی و سکر کون دو کوب طغوز بی کونده فتحه موفق
اولدی مسترفی عسکر قود قدن صکره اول حوالیده یکی حصاری
با ایدوب سنجاقنی فرهاد پاشا نک دل باشی رستم بهکه و پردی

ذکر حرب و انهنزام کفسار سنه مذکوره جادی الاولیسی که
اول فصل بهار ایدی حسن پاشا یند بوشه عسکر بی و رعایاسنی
خالد یروب عظیم جمعیت ایله جانب کفساره مازم اولوب بیکی
حصار قریبده نهر قوبه اوزرنده بر کویری بنا ایتدردی و خروات
دیاری جانبده کجده ی اول سرحد نک نامدار بکاری و قلاع
صاحب لری واردل بانی و خروات جنرال بریره کلوب عظیم عسکر ایله
فار شولد یلر بر مقدار جنگدن صکره عسکر اسلام غالب کلوب
اشکر کفار منهر م اولدی براز تعقیب ایدوب خیل کافر قیرد یلر جله
طابور لری اغتنام اولوب جبه خانه لری والی عدد قانیورنه طوب
وسا ر اموال و ارزاق لری الیوب قبضه تصرفه کیرد کدن صکره
خروات مما لکنه آقین صالوب بیحد اسیر و اموال ایتدی ایکی یلک کله
و ایکوزنده کافر در زنجیر اولوب طو پلر ایله در دولته کلدی

بودن صکره کفار خاکسار جمعیت بی شمار ایله اوزر یمن کلمات مقرر در
اکاکوره تدبیر اولته دیومقدم اعلام ایتشیدی لکن مفید اولدی
﴿حوادث شرقیه﴾ بوسالده شاه عجم اولان عباس ناسپاس لشکر
بی قیاس ایله اوزبک خانی عبد المؤمن خان ایچون قزویندن قلقوب
خراسانه متوجه اولدی خان مزبور حیرجان سرحدینه گلشیدی
شاه ایله مقابله ایله جنگ دکلمو موجود عسکری اولدی یغدن دونوب
نیشابوره کندی شاه دخی تمایق ایدوب دافسانه دلک واردی
سبزوار واسفراین نام قصبه لری الد قلن صکره جانب قزوینه
مراجعت ایتدی ﴿وفیات﴾

(المولی مصطفی بن محمد المعروف بخسرو زاده) دروغر صاحبی
متلا خسروک سبط رشیدیدر یدری روم ایلمده ایک قاضی
ایکن طغوز یوز قرق رمضانده تولد ایدوب علماء عصر دن قاضی زاده
وصاحبلی امیر دارا لافاده سنده اشتغال لدن صکره طغوز یوز
التش اوچده مولانا ابوالسعود افندی دن ملازم اولوب التمش
یدیده یکر می ایچمه مدرسه یه نائل وده کسان یدیده علی پاشا
خارجده واصل اولمشیدی طغسان اوج شعبانده مرض منمنه مبتلا
اولوب تقا عدا اختیار ایتدی طغسان سکرده افافت کلوب طرابلی
قاضیسی اولدی الف کامل صغر نه معز ولا کلر کن آق شهرده
سمال دن وفات ایلدی مولانای مزبور علم و معرفت ایله
مشهور کریم الطبع و این الجانب تکلف و تصلف دن متجانب ایدی
غناطط عوامی جمع ایدوب قطب مکینک یمن تاریخی ترجمه
ایلشدر و ترکی اشعاری وارد

(المولی محمد الوانی) وان قولی دیملکه بنام واتواع معارف ایله
مشهور انام اولوب طریق علیه سلوک ایتدکده اولاحامد افندی دن ملازم
وبعض مدارس غلیظه افاده یه مداوم اولمغه قرق مدرسه سنسدر
منفصل ایکن طغوز یوز تیش یدی ذی الحجه سنده محمود پاشا

مدرسی اولسیدی بعده خانقاہ و علی پاشای عتیق مدرسہ لرنده درس
دیوبیتش طاقزده ردوس مقبسی اولدی سکسان برحرمندہ صحنہ
کلوب مقبسی افتراسی بحدہ سلائیق قضاسی ومواییت ایلہ کوتاہیہ
قضاسی ویریلوب طقسان برذی الخیہ سندہ سکسان اچہ وظیفہ ایلہ
مقاعد اولشیدی طقسان سکر رمضانده مدینہ منورہ قضاسی عزیت
اولنوب الف کامل رجینده عالم بقا بہ واصل اولدی مولانای
مزبور علم وصلاح ایلہ مشهور فقه و اصولہ قوی الا نسب جامع
نوادیر بحساب ایدی آثار علمایہ سندن درر حاشیہ سی و ترجیح ینان
وسامانہ متعلق رسالہ لری واردد صحاح جوهری بی ترجمہ ایتشد
وسلطان محمد خان جامعہ وضع ایلدی امام غزالیق کیبای سعادت
دخی ترجمہ ایتشد بر وقطعہ بدیعہ سی سبب شفا عت اولق ماملرد
بودر آیین عرب بر قومک اولسه سیدی

آزاولر کہ قبری اوزره بنسده آزاد اولیه

سنکہ فخر الانبیا و سید الکونین سن

حاشیہ الله فیر کہ بوز سورن آزاد اوایده

(المولی علی بن عبیدی) پتلی علی دیمکله معروفدر پدری
عبیدی چلی در کہ مفتی چوری زاده شیخ محمد افندینک برادر پدر
طفوز یوز اونوز سکرده تولد ایدوب علمای بصیرندن محشی
سان افندی دار الافاده سندہ تحصیل کالہ اشتغال و طقرز یوز
التش اوچده ملازمت ایلہ طریق تدریسی اولین آمال ایدوب
حسب العاده مدارسده افاده ایدرک سکسان بر صفر ندره ردوس
فتراسی و سکسان اوچده صحن مدرس و طقسان اوچده
اسکدار والده سندن پروسه قضاسی و طقسان سکر شه پاشنده
استانبول قضاسی توجیه اولنوب طقسان طفرور رجینده معرول
اولدقدن صکره الف کامل شعبه بنده وفات ایدوب محمد اغاجامعی
قرینده والده سی شریف خانون امجدی ساحه بنده دفن اولندی

مولاناى مرحوم فروع واصوله انساب ايله موسوم صافى فؤاد ملك
نهاده آدم ايدى

(المولى عبدالقادر بن امير كينسودار) صاحبلى امير لك اوغلى
يلائحق افنديدر طريق علمده حركت ايله سنان افنديدن
ملازم اولوب طقوز يوز سكسان برده پيرى پاشامدرسه سنه خارج
اعتبار يله مدرسى وسكسان طقوزده صحنده برماه صدر مجلس اولدق دن
صكره مرعشه وكوتاهيه يه مولويت ايله قاضى اولدى طقسان بش
شواننده طرابلس قضاسى وريلوب عدم رضادن نيتيزبان
درازايمكليه ننى اولمشيدى طقسان طقوزده بكمشهر قضاسى
ويريلوب الف كامل ربيع الاخرنده معزولا فوت اولدى مولاناى
من بور افراط نهور ايله مشهور ايدى ديوذيل شقايقده يازمئشدر
لكن الفاظلى سست وراكبى نادر سستدر

(المولى محمد) آيدىن آق حصارندن منشى مخلصى ايله معروفدر رياض
علوم ومعارف بولندن كذا رايدوب ابوالثيث علبسى دارالافاده سنده
اشتغال وبعده صدر عاليقدر جعفر افندى يه اتصائل ايله طقوز
يوز التمش اوچده ملازم وسمت قضايه عازم اولوب ديار
مصريه ده نيجده زمان حكومتدن صكره مدينه منوره ده
شيخ الحرم اولمشيدى الف كامل حدودنده عالم بقاءه واصل اولدى
بقيةده مدفوندر مرحوم مرزور فضائل جلبله ايله مشهور
السنة ثلثهده شعر وانشايله قادر خاصه علوم اديدهده مستحضر
نواد ايدى مختصر ووجيز تفسير كلام عزيز يازمئشدر مشايخ
نقشبنديه يه ارادتى ومعارف جرئيه دن حسن كلبى وارايدى
فارسي افنده منشى ومثلث جمع ايتمئشدر مقامات تحريرى يه برشرح
موجز اكاف مسويدر

(المولى شمسى) شمع فكرينى ايقاد ايدوب مستحق مراتب

ولشېکن مشرب فسادن حصه دار و پرکار همنده نقطه تصوف مدار اولغه فارغ و آزاد و دائره ترك و تجرده قرار داده اولوب تعليم ابناء ناس و خدام اكابرى جهت معاش قلمش ايدى الف كامل حدود ندره ح پرفتنو حى ملا اعلايه واصل اولدى مولانى مزبور معارف جزئيه ايله مشهور مقدمات علوم افاده سنه قادر ابدى مشوى شريفه بر شرح يازمشر و ديوان حافظى و گلستان و بستانى تركى شرح ايتشدر طلايى ياننده مقبول و متداولدر (المولى سودى) بوسنوى الاصلدري بازار اعتبارده كالامى هم وعرفاندر مظهر سود بيشمار اولوب طريق علمه سلوك ايتد كد قصيره بمقدار وظيفه تقاعد ايله قضايتش ايدى ابراهيم پاشا سراسينده اولان غلمان خاص تعلينه تعيين اولوب اول مشغله ايله يك حد و ندره عزم عقبايلدى منلاى مرقوم سوداكر جنس فاخر علوم مبانى قدماتى سديد معلم مفيد ابدى مشوى به شرحى و كافيه و شافيه به ترجمه سى وارددر مقبول اولى الانظاردر

(المولى عبدالرحيم) قنالى زاده على افنديك كوچك برادري كرامى چلبى درنكميل سرمايه علوم مدن صكره علمى عصر ندرن عبد الكريم زاده افندى و يستان افندى خد مندره اشتغال ايدوب خاصكى مدرسى حسن بك افندى به معيد بعده ابو السمود افندى به انتساب ايله قدرى مزيد اولشيدى قصور التفاندر داكبرا اولوب بر وسه قاضى عرب زاده محمد الباقي افنديك خدمته اتصال ايتدى و طقوز يوز للى طقوزيه ملازم اولوب اولايك يكرمى اجده ايله ادرنده بىكر بىكى مدرسه سندن سالك طريق قضا اولشيدى روم ايلينك بلاد جليله سنه والى بعده سيرور قضاى ايله رشك ندراموالى اولوب انده علاقه كشيده پيدا ايتشيدى بعده انقرده و بكنشهرنده قاضى ايكل لف خدودنده دابن اجل تقاضى اولدى

مرحوم مرقوم کمال فضیلت ایله موسوم ایدی کرامی مخلص ایله
تذکرة الشعرا ده مسطور و اشعار درو باری رشته سلاک مسطور در
(الشیخ محمد البخاری) بخاراده مبانء هلوی تشدید و فنون
الهیة فی تمهید ایند کندنه کره مشایخ نقشبندیه ایله صحبت
و فیض نظر لایله تکمیل آداب طریقت ایشید ی دولت علیه
سلطان مرادی ده محروسه قسطنطنیة نازل اولوب بعده
روم اینلده سلسله طرح اساس اقامت ایدوب بیک منه سی
حدود ند و رحلت ایلدی چار سوا یچنده تربیه مخصوصه ده
مد فوندر عزیز مزبور کرامات جلیله ایله عالمده مشهور برزهد
مرتاض و غایت متشرع ایدی

(الشیخ محمد افندی) بروسه ده حصار ایچنده قوافلی امامی د بر
برامامک اوغلی اولمغله قوافلی زاده دیمکله مشهور ایدی
تحصیل علم و کمال و علماء عصر ندن مر حبا افندی
خدا متلرند و اشتغال ایند کد نصکره حسن کتابت و انشاء
و لسان فارسی و معماره سرفراز اولمغین مصر بکاز بکیر ندن
مقاعد کیلاری علی پاشا و وزیر فرهاد پاشایه برمدت معمل
و مقام اولمشیدی بعده شیخ حکیم چلبی به خدمت و برکت
الفت صحبت لایله تکمیل طریقت ایشیدی برمدت زاویه امیر
بخاریده سجده نشین ارشاد اولوب بیک حدود ند و دارفنادن
دار آخرته انتقال ایندی و یوناریج حدود ند و سیواسی
شمسی افندیکه عبرت نما و مناقب خلفاء اربعه موکلشن آباد و مولود
نبی و هشت بهشت و منازل و مرآت الاخلاق و نقد الخاطر
نام کتا بلری تألیف و دخی نیجه کتب تصنیف ایش بحر زخار
علوم شتی بر شیخ عالمقدار ایدی و آق شهرلی نصوص افندی
و شیر یزدان علی و ترابی واعظ و دخی نیجه بونلر امشالی واعظ

اول عصر ده اطراف ممالك عثمانیه ده بی نهایت اولوب احوال رینه
کرمی کی وقوف مبسر اولماغله یازلامشدر بغداد زمان ظفر
مبسر اولورسه الحاق اولغی ارباب کرمدن هر چودر (یت)
مسیحی مدیحی بودگی یجودی * بکترسک پوری وارنده ایله
﴿ و قایع سنه احدی والف ﴾

آخر صفرده ملا احمد افندی عزول و مر قومک رینه فتوادن متقاعد
بستان زاده محمد افندی روم ایلی صدری اولدی و بیع الاولک سکرند
شاه عجم ایلمیسی کلوب یکر می بشنده کیلان خاککی احمد خان دخی
آستانه شاه جهانیه التجا یدوب کلدکده احیان دولت علیه الی ایله
اسکله به واروب تعظیما استقبال ایتدیله و قرق چشمه فربنده
واقع یوسف پاشا سرایشه نزول ایلدی اول مهمان مکرم
شیشه لایق الثفات نزل شاهانه وادرات خسروانه ایله
کرام اولندی مر قوم احمد خان شاه عباسک وارندن قاچوب
سایه پادشاهی به التجا ایتشیدی ائن طرف ملوکانه دن اولار
نوازش و اکرام کند و اول مولی مرتبه سی اولدیغدن محزون
اولوب ناچار بغداد کتمکجه استیجازه ایتدکده بغداد خزینه سند
مقدار کفایه تمیشتنه وظیفه تعینی ایله اذن و یریلوب ینه سنه
من بوره رجبنده عزم بغداد ایلدی لکن اکثر اقبای و متعلقاتی
شر و انده اولغله بر مقتضای تلون طبیعت و استعلا ی رهونت
حکومت بلا اذن جانب شر و انه عطف عنان ایدوب حدود
کجه به وار دقده بی اجازت کتدیکی ایچون کجه میر میرانی
مر توری طو توب حبس و تذلیل ایلدی

﴿ غلوی سپاه ذریبان ﴾ وزیر جدید سیوش پاشا امور
صدارته مشغول اولوب ریسع الاخر کیکرمی اوچنچی کونی
یوم ثلثا ده قوله علوفه چقبوب یکیمیری به تماما مواجب لری

و بر یابوب ایچہ بتشیوب ایچ خرینہ دن امداد او لئامفہ لہ
سپاہ علوفہ سی تدریج تکمیل اولئق اوزرہ تکلیف اولد قدہ
خیر نقصان اوزرہ علوفہ المازز دیو فریاد ایدوب دیوان ہمایونہ
غلو ایستد یلر اول عصر دہ رشد و تدبیر صاچی نادرہ اقران
مقبول سلطان باش دفتر دار امیر پاشانک باشی ایستیوب اغارینی
طاشلیدیلر حضور ہمایونہ عرض اولنوب ایچ خرینہ دن بی توقف
بوزیوک چقہ ویرلنیکن ینہ المایوب پرزہ چقد قلم ینہ بناء ہند ادر ینہ
مصر اولدیلر چاوش باشی و قیو جیلر کھداسی اوج درت دفعہ
واروب مرادیکن زندر علوفہ کرتی الیکر دفتر دارک باشی نبرسز
دیدیکہ طاش یاغدر دیلر بعدہ قاضی عسکرلر چیقوب علوفہ کر
ویرلدی دفتر دار آل رسولدر خلاف شرع نیچہ قتل ایدرسز
دیدیلر دیکلنمدی صکرہ نصیحتی متضمن خط ہمایون
چیقوب قاضی عسکرلر کیرو واروب اوقودیلر اصفا اولنمدی
بعدہ وزرا قالقوب فارشور ینہ وارد قدہ ینہ طاشلیدیلر بالاخرہ سلیمانہ
واعظی امیر محمد باقندی و کوچک اباصوفیہ واعظی ابراہیم افندی
صوفیلر بلہ دعوت اولنوب وزرا اوکنده اسکملہ اوزر ینہ اوتوروب
واقع حال معلوم اولدقدن صکرہ ہونلردخی واروب ایکی دفعہ نصیح
و ہتہا بتدیلر سود مند اولدی بعدہ یکر می قدر سادات کلوب
آل رسولی بی کناہ قتل نہ دیمکدر دیو فریاد ایستد کلرندہ
طاش یاغدر یروب برایکی سیدی مجروح ایستدیلر بالاخرہ دفتر دار
مجزوزہ سنی چبقاروب باشنہ یشل صارق صاروب قضایہ رضا
دیو اوکلر ینہ وارغہ قرار و یروب اوشان و اهل دیوان فریاد و فغان
ایدوب دوندردیلر و ریاستلر ندن کلمہ بویالی محمد پاشاکہ دفتر داری
سومزدی وزیر اعظمہ خطا ب ایدوب دواتلو نیچہ بر پوش شخصی
صیانت ایدرسز کیچندہ محمد پاشای میرعیانی وزیرایکن و بر دیگر

بو خود پرد فتدار در و یروب فتنه بی دفع ایدک دید کده قاضیه مسکر
 بستان زاده قارشو لیوب رفع صوت ایله بودیوان یزید دیوانیدر که
 بونده آل رسول باشی خلطسان ایده لر بونه بی معنی سوز در صبر
 اولسون کوره لم نیه منجر اولور دیوب صبر ایندر دی اول حالده
 یکپیری اغاسنه خط همایون کوندربلوب دیوانه دعوت اولندی
 عمو یا یا باشیری و یکپیری چا و شلری نفرات ایله چارسولری
 طولشدیلر سیر جیدن بیحد شقیلر کلوب سرباه طولشدی زمان
 عصره دک نزاع ممتد اولوب آخر الامر قوجیلر یوقا ورده
 اولان سیرجیلری و شکایتجیلری سوروب اور کودر کن غیرت
 حق ظهیر ایدوب سوق تقدیر ایله بره اورک صداسی واصل سمع
 صغیر و کبیر اولوب طرف شهر یاریدن اشارت و دفع غبار
 مته به اجازت صدور ایتدی قیاس اولنغله دیوان اصحابی
 و مطبخ حامره خدای اللہینه بر او طون الوب کیمی مطبخ آلاتی
 و کیمی باغچه پارمقلقلرین قاپوب سپاه اوزدینه قوبولدقلرنده
 ضروری یوزلری دونوب طائفة مزبوره آردلندن ابریشوب
 ضرب قهرمانی ایله بر خوش کیشیلر اول زمان زخام نهزامده
 مکر سرای مطبخنه او طون کتورهش عربله را ورده قپوده بولنوب
 سدره ایتمکله چنانلر طشره یه پول بوله میوب بر برین پامان
 ایدوب باصه رق طشره جا آتوب بو حال ایله او چوز الی
 بدی آدم ایاغ التنده رو برا دهلیز عدم اولوب باقیلری کوچبله
 تخلیص جان ایتدیلر حکمت خفیه الهیه لم بزیسه بلیه لرینی
 بو طریق ایله دفع ایلدی لاشملری آیرنلوب دریایه دوکلدی
 یکپیری اغاسی کلوب طشره ده اولان سیرجی جمعیتی طغیدوب
 پول آچنغله دیوان اصحابی چیقوب کتدیلر
 اول طائفة غیر خائنه دک بویله منهزم و معدوم اولدقلرینه

سلطان جهان حاضر نلری زیاده ممنون و شادمان اولوب
سیاوش پاشایه خلعت فاخره احسان ایتدیلر و سپاه علوفه لری
ایچرن مهیا اولان کیمه لری کما فی الاول توزیع ایتدیلر و دفتر دارلک
اوچی بیلک دفعه معزول اولوب حاجی ابراهیم پاشا باش دفتر دار و برهان
افندی اناطولی دفتر داری اولدی

(عزل وزیر اعظم سیاوش پاشا و صدارت فوجده سنان پاشا)
اشقیا بویوزدن کوشدل و تأدیب اولمغله وزیر اعظم حاضر نلری
خلعت فاخره ایله تشریف اولنوب ایرتسی کون بوکونه سرور ایله
وقت عصره دك قوله بنوب شهر استانبولی مالو لا شوب اهل
سوقه و نرخ اموریه عظیم تقید ایدوب کمال دبدبه و عظمت
ایله سرانیه کلدکه طرف شهر یاریدن قیوجیلر کتخراسی کلوب
ریبع لاکرک یکریمی بشنی کونی ایدی مهر همایونی سیاوش
پاشادن آلوب مقدمه ماعفره یه نی واجلا اولنان وزیر اعظم سابق
مشهور فوجده سنان پاشایه کوندردی دونکی کون خلعت کیوب
اکرام اولمشیکن بوکون سیاوش پاشانک عزتله خلق عالم حیران
اولدیلر مکر طرف خلافتده اولان اعداسی فرصت بولوب وزیر
المهک صدارتی ایامنده ایکی دفعه دیوانه عسکرک هججی تأثیر
کعب شو میدر محصل ذاتنده اوغور یوقدر دیو پادشاه مالیه
حاضر نلریه یکدکلرینه بنشاء عزل اولنوب تقاعد علوفه سی
ویرلدی و قضاء ایام فحوصت اینجه وزارت ویرلیوب تشکیل
مخلد قتلدی سنان پاشا جادی الاولی غره سنده کلوب اوچجی
دفعه صدر الوزرا اولدی بواننده سائر مقدر و معزولار قطیب
و وزیرلی آصف رأی دیوانده بوکونه ترتیب اولندی صدارتن
معزول فرهاد پاشا ثانی ابراهیم پاشا ثالث جفله زاده سنان پاشا
رابع جراح محمد پاشا خامس بویالی محمد پاشا سادس خضر

پاشا سابع ایدی شعبانک اون بشنده شهراده عجم میرزا حیدر سنت
اولغله محمد پاشا سرانده ارکان دولته عالی ضیافت اولدی
(سبب نقض هدیه اسلامیان ونجه و وقعه شهادت حسن
پاشا در سرحد بوسنه) غنچه ایله اولان صلح بوز لاسنه سبب بوسنه
سرحدنه حسن پاشا وقعه سیدرکه حدود رومده بوزغون
سینه سی دیو مشهور اولمشدر تفصیلی بودرکه سابقا سمندره
میرلوا سی اولان احمد پاشانک خلف صلیبی اولان مصطفی
پاشا که شجاعت ایله کزیده امر او سلطان زاده صف ارادرو پدیری
سرایی آت میدانده بوزیلوب سلطان احمد جامنه چاپگاه
اولمشدر سنه سابقه ده مشار الیه مصطفی پاشا که کلبس شجاعانه
متصرف ایکن بمالک کفاره آقنلر ایدوب نیجه و خرواوت چنه لری
دخی سنوری تجاوز و مالک محروسه به دخی تعدی ایدرلر ایدی بوسنه
بکار بکسی حسن پاشا دخی اولطرفده ایکی قلعه بنا ایدوب
واسینی نوغراد قویوب برایی دفعه کفاری بوزوب خیلی یوز
اقلیقی ایتشیدی و فتح طابور خبر به دردولته آدم کوندروب
بوندن صکره کفار عظیم جمعیت ایله او زیمه کلک مقرر در بالکن
بوسنه عسکری ایله ایش کورلر عمرما روم ایلی عسکری دخی
مأمور اولقی لازدر دیو امداد طلب ایتشیدی وزیر اعظم سابق
سیاوش پاشا کندی منسوباتشدن کیرلی حسن پاشا به روم ایلی
ایالتن وروب امداده تعیین ایتمشدر پاشای مرزبور دخی روم ایلی
عسکر یله سرم شجاعانه داخل اولمشیکن برو چاپده سنان پاشا
وزیر اعظم اولدی مکر بوسنه والیسی اولان تللی حسن پاشا
سنان پاشا یه اولکی وزارتنده استانبولده اولان خانه سی
و برمشیکن بعد العزل تسلیمدن امتناع ایتکله سنان پاشا رنجیده خاطر
اواب حسن پاشا یه غیظ ایتشیدی اکابناء او اخر رمضانده کیرلی

حسن پاشای روم ایلندن وزارت ایله طمشواره نقل ایدوب
 کندواوغلو محمد پاشای روم ایلی امیرالامراسی ایدوب کوندردی
 حسن پاشا ایسه کله جک امداده مغرور اولوب ایکی سنه دنبرو
 صلحه مغایر دیار کفاره اقلرایتدیکسندن ماعددا بوددغه
 دیار کفاردن سبقته نام حصاری محاصره ایتشیدی کفار
 دوزخ فراردخی حسن پاشا صلحی یوزدی دیو عظیم جمعیت ایدوب
 قنیره حاکمی زرین اوغلو دید کیری ملعونکه امراء کفارک
 سالاری ایدی کلی تدارک واغر عسکرله قاقوب بوسنه
 سرحد یته یوردی حسن پاشا امداددن مأیوس اولوب
 لکن کفار عسکری اوزرینه کلز ملاحظه سبله یکی حصارده
 نهز قویه اوزرینه کوبری قوروب خروات جاننه کچمشیدی
 اول ائشاده لشکر کفارک هجومی ایشیدوب اوزرنده اولان موجود
 اون بیک قدر بوشه عسکر یله بی باک جنگه حاضر اولدی حسن پاشا
 بهادر بی فکر اوله کفاری کوزنه کسدروب غرور عظیم حاصل
 ایتشیدی کفار خا کسار چاسار قرنداشی مقسایانوسدن استمداد ایدوب
 نجه ک ییوک بکلرندن بری مبالغه عسکر له امداده کلمشیدی
 حاصل کلام فرق بیک قدر دزتی حلا عین ایله کلوب مقابل
 اولدیلر آهن پوش لشکر کفار کال کثرتدن دریا مثال موج اوروردی
 حسن پاشا غرور شجیه نه مقتضایله اهدایه قابله به قرار و یروب
 شاهیر غراندن سرخوش ابراهیم پاشا نک پدری غازی قوجه
 می بکه امر ایتدیکه صوبی کچوب قتال ایلیه می بک دخی کچوب
 کفار له مبالغه ایله کثرتن مشاهده ایتدکده کلوب اوتغنده پاشایه
 خبر و یروب بونجه کفار ایله بی محابا مقابله سبب تلفدردید کده
 حسن پاشا شطرنج اوینار بولوب بره محنت کافرنه ملعوندرکه
 کثرتدن ائدیسه اوانه تیر یورنسون دیوب کندی دخی سوار اولوب

مسکر اسلام فوج فوج کوره صوتك جسرندند پکوب جنگه
ابتدا اولدی کفار علیه کوسرتوب وزیرین اوغلو ملعون اقدام
ایدوب جنگ عظیم بوز کوسرتدی تا که کلیس پاشایی مزبور
سلطان زاده مصطفی پاشا شهید اولدی و کافر ازور نیق لایق
بوزوب تار مار ایلدی لندن اوسك آلابنی بوزوب نوه عسکر يککه
یراز تنك اندازد بر پشت شهید ارقه و بروب محکم قورشوناشوب چوق
کافر قیر دبلرزین اوغلی اقدام ایدوب نوه عسکرین دخی قیروب
عسکر اسلامی کیرویه سوروب کوپری به طیانده زحام وضیق
عظیم حاصل اولوب کوپری باشند قوجا قازی میيک دخی
شهید اولوب جسر دخی کسایوب حسن اشاعرق و نابود اولدی
بوقعه ده اگرچه حسن پاشا اهتمام تام ایدوب بیله اولان عسکر
اسلام محاربه ده رستمك ایتکده تعمیر ایتد بلراکن کفار عسکر نه
نیجه دن امداد طریقه کیش وافر کافر اولوب قرق ییک
قدر درینتی ملاعین وار ایدی سکر يک قدر آدم غرق و شهید اولوب
حسن پاشا ایلرستم پاشا مك دختر زاده سی محمد بك و اوج
سجاق بیکی دخی غرق اولوبلر کنار بوغلبسه ابله اصمقا
ایدوب دریندی سته احدی زالف شوالنده درد و لنه اولاق ایله یو خبر
موجش ورد دایتد کده دریای غیرت پادشاهی تلاطمه باعث و محار
بهترین سبب حادث اولدی

(سرداری سنان پاشا ایچانب مجار) چونکه فرهاد پاشا
کشور کسالك ایله اشتهار بولدی صدر اعظم سنان پاشایه دخی تغییرت
دوشوب بر سته دن برویج قرالی خراج و بیه بوب بوسنه بکار بکشی
غازی حسن پاشا دخی کفار باهر الضلال جنزالی ایله جنگ و قتال
ایدوب اول صوا بشده انهرم کلر وقوع بولوب حسن پاشا
و مصطفی پاشا و نیجه امرا نیجه يک عسکر اسلام ایله شهید اولد قاری


سبب نقص عهد در دیوب انکروس سفرینده جا زم اولدی
 هر چند که شمدی زیم ایلی سرحدلی سلطان سلیمان دوری کبی
 شجعه ناله مملود کلدر سرحد دیوکاری ایچ ایله دوشمکه اول
 دیرلکره استانبول و سائر شهر سایه پرورلی او شمکه اموز سرحد
 اختلال اوزره در حال گذاردن خیرکسینه قالدی سفر اولدیغی صورته
 دخی زمان شتاقرب اولغله مصلحت کورلر یاری بهاره صبر اولسون
 و تمام مهمات کورلسون دیدیلر بو مقدمه لرنیجه بخش اولوبوب
 سنان پاشانک مزیمی منع اولمادی و بو منعی فرهاد پاشا طرفندن
 دسببه یه حل ایدوب منع ایدنلرک اکفاری متضمن فتوالر ایشدیروب
 اون بش کون ایچنده تدارکن کوروب عظمت مالاکلام ایله سفره چقوب
 سنه احدی و الف شوانک اون ایکنی پنجشنبه کونی عظیم آلا ایله
 حرکت ایلدیلر بو خصوصده سنان پاشانک سرعت واستعجال
 بر مرتبه ایدیکه اون بش کون ایچنده تدارکن کوروب بوندن اقدم
 پادشاه سفره توجه ایتیمجه دفترخانه و یکچیری اغاسی کنک قانون
 دکل ایدی اکا پناه اون ایکی ییک یکچیری ایله کنخدا مامور اولوب
 النی بلوکدن علوفه جیبان یسار و عربان یمین بلوکلی آستانده
 قالوب دردی سفرلی اولغین اوج کونده وزیر سراینده علوفه لی
 ویر بلوب دور اولمادی و یوم مزبورده چیقلوب شوال شریفک
 اون سکن یچی کونی کوچوب روانه اولدیلر و فرهاد پاشا آستانده
 قاتمقام اولدی سنان پاشا ذی القعدة اولنده ادرنه به واروب
 بش کون اقامت ایدوب درتوز تفننک انداز قول قریدا شاری
 یازیلوب بلغراد و ارنجه اغالیه یوللرده صف باغلوب سلاملر ایدی
 اوزونجه اوایه وارد قده اهالی ولایت رجاسیله ایکی چفته خان ویرجام
 و عمارت و چفته حمام و دکا نلر بانی ایچون کدو مالیدن اوتوزیک
 غروش ویروب تعمیر آدلر تعیین ایشدی محل مزبور خرابه

در بندهايدی ايکي قريه اسکان اوانوب معمور اولدی فلبه
وصوفيه دن بکروب ياغو دينه قضا سنده باطمين در بندى مخوف
منزل اولقله بر پاشنه ورخان بناسی فرمان اولندی ذی الحجه ک
يدی سنده بلغرا ده واريلوب قوله ذخيره توز يعزد نصکره جبه خانه
وهمهات شبقه لاياله بودينه کوندريلوب ذی الحجه نک اون يدیسند
کو چوب سرم صحرانسه قوندريلوب و ذی الحجه ک آخرنده اوسک
صحرانسه قونديلر وقرار ينجوب سوروب بسيرم و پولاته قلعه لری
قمحه عزيمت ايتديلر

وقایع سنه اثني والف

سنه اثني والف محرم الحرام سنده اوسک کور پرسندن
هبور ايدوب دوت کون اوزاق ائنا سنده بودین طرفندن
دالز کلوب نجه ايمراطوری وساژ کفار بکری بکرمی بيک قدر
لشکر ايله يانق قلعه سی التنده حاضر در دیو خبر وريدلر مشورت
اوانوب وقت تنکدر حالا سکوار سمند بسيرم و پولاته حصا برری
قمحه وارلق مناسبت در دیو او طرفه توجه مقرر اواندی ريم ايلي
بکر بکسی محمد پاشا بودیندن التي عد دبال يمز طوب وايکی قلمبوره
وساژ مهمات قاد يروب اوستونی بلغرا ده کونورمکه مأمور اولدی
و بودین محافظی حسن پاشا ايات عسکر يله آماده اولق تنبيه
اولسندی مهاج صحرانسه ايکی کون مکش و لند علوفه سی
و بريلوب انا طولی عسکر ی پوقلانوب جان قور تارانه وارديلر نصف
محر مده دال دره سی نام محله بودیندن کلن جبه خانه و عسکر ايله
جمع اولوب اوستونی بلغرا ده وارلد قده بوسنه بکر بکرمی
چرخه جی و انا طولی عسکر ی کيرويه قالوب عشرين محرمه بسيرم
صحرانسه وارلد قده بودین محافظی حسن پاشا سر حد غاز يلر يله
قلعه يه هجوم ايدوب محاصره و د ليرانه جنگ ايله اوج کون ايچنده
کندار عسکر ی اضطراره دوشوب و يره يراغی ديکديلر امانلری
مقبول اولوب قهر دانی حری کفارا يله اهل و عيال لری ايله چيقوب

کتمکه ماذون اولوب ریاا قلوب قلعه ضبط اولندی وجه غازی
 قیلنوب سنجاق بکی نصب و بودینه ملحق یازلندی دیرت کون
 آرآمد نصکره پولاته حصارنه وارلندی برصغیر حصارایدی
 اما و روشی کبر و اطراف بئاق و رجائی کوه و هشته زارایدی دلاور
 قلعه یه یور یوب مزبسه کیردی لرایی کون دو کلوب غرض
 صفرده کنار استپان ایله تسلیم حصار ایندی لر قلعه ضبط اولنوب
 پس پرده الحاق یازلندی غزاة دل کتوردی لر کفار عسکری یا نقه
 اوتوروب اوستونی باغرا ده کلک مراد لری اولسد یغنی خبروردی
 و کفارک برطابوری تانا صحرای سنه نزول ایتشیدی اوزرلر سنه وارانه
 مشاوره اولسد قده قاسم کرنی قریبدر جائز که وار یلیجی اکلنک
 اقتضایده دیو فراغت اولمشیدی بو ائشاده سپاه اغاسی خرم یاولک
 خلقیدن جمع کیرایله یاقوه طاغنه کتدی کافر طابوری اردو به ایکی
 میل قریب پرده ایدی اول کیچه کو چوب ایرتسی صباح نما زناه
 اوزرلرینه کافر دو کلوب مزبور اغایی جه سده سنده شهید ایندی لر
 بیرا غی الزوب بلوک خلقیدن فیحه لر ناپدید اولندی پری سلحدار
 اغاسه توجیه اولنندی

ترقی عموم و عودت  سردار اکرم موجود اولان سپاه
 و یکپیری به شکرا نه قتم عموم اوزره ترقی و پروب بودین ستمه
 روانه اولدی لر نصف صفرده که روز قاسم ایدی بودین صحرای سنه
 نزول اولندی و عسکره مواجب و ذخیره ویر یلوب یکپیری کتداسی
 و غریبی و طورانی بودین قلعه سنده نویخی قلوب جبهه بی و طولی
 و صر به جیلرشته به تعیین اولندی اغار و کاتیلر پاشاینده قاقوب
 باقی یکپیری به سکرینده قشلاق فرمان اولندی روز قاسم
 اون کون هر ورنده نصکره سپاه سردارک چادرینی یقروپ بلنراد
 قشلا سنده دوزدیلر ربیع الاخرک اون بدینده بلغرا ده کلدیلر

دفتح نامه ایله رضوان افا آستانه کوندرادی سپاه اوغلانی
زمره سنه نیکبولی وودین و سلطه داره صول قول قشلاق
تعبین اولندی

هجوم کفار بر بلاد اسلام در حوالی سرحد  سردار اعظم
بلغراه کتد کده عسکر کفاره باش اولان چاهار قرداشی هر سگ
ماتپاش نام مله و نذرین اوغلو و غیری بکاربلیه اوستونی باغراه یوریبوب
قتال عظیم ابتدیلر محمد الله نیجه بیک کفاردوشوب طوبلر اندی لشکر
کفاره بره قدار دفع اولد قده حسن باشا بدون و پشته و اطراف عسکرین
قادیروب کفار اوزینه قریب اولد قده لشکر کفار قات قات صافلر
دو زوب ملاقات اید نیجه کفار آهنه مستغرق سورش دیمکله معروف بر نوع
عسکر که آتی و کندی کولندمر جسم آتلی بر برینه زنجیر ایله مر بوط
هجوم ایتد کلرنده حسن پاشا به غازیار غیرت و قنبدربه کوردی
کفار بیکن کلکله سوز دگیوب بودینه فرار ایتدیلر حسن پاشا
توابعله کفار اورنه سنه دوشمکله وافر کا فرد پله غی کفار دخی
حسن پاشا یه بر د قلیج او شور دیلر لکن زده پوش اولمغه کار ایتدی
هر به و کوندر مقوله سندن بره قدار مجروح اولوب آندن آردی
حصه دار غازی احمد خانم به سادر آت ایشد یروب و افرقت الدن
صکره دلوری و بشلویان و اتباعی ارایه آلوب برکناره چیقوب نجات
بولدیلر میدانه قالان پیاده رتا اخشا مه دک جنک ایدرک جله
شهید ارا دیلر و سار عسکر بدون و پشته اطرافنه پراکنده و پریشان
اولدیلر حسن پاشا مجروح ایدونه کاوب واقع حالی بلغراه سرداره
اهلام و استمداد ایتدی

(استیلای کفار بر حصه قیلاک) بدون عسکری انهرامند و صکره
لشکر کفار دو نوب طولاشه رق قیلاک قلعه سنه واروب محاصره
ایتدیلر سردار نظر فندن امداده کوندیلن سنان پاشا زاده محمد پاشا

وساثری برقوانغی بش ایدرک آهسته کیدرکن محصور اذلان مسلمان
جبهه خانه وطولاری قنایه وپردکد نصکره ناچار قالوب سنه
من بوره ربیع الاولنده ویره طریقه حصار ی تسلیم ایدوب چبقدیله
کفار بونلرک نفوذ وایوجه اثواب ولباسلارین صوبوب آلدیلر ایکی
اوچوز قدر آدم مرتد اولوب فیلکده قالدیلر فیلک خلق اکثر رفض
والخاده میل ایتدکلری، قدما مشهور ایدی لاجرم شاماری جله به
سرایت ایلدی تقدیر الهی اول سنه قاسم نصکره ایکی آی قدر
کوچک یاز اولوب میوه اغاچارینه وارنجه سرسبز اولوب میوه ووردی
اول اچلدن ملا عین کشت وکذا رایدوب نیجه قلاع وحصونه
مستولی اولدی فیلکدن چقان فراریلر سحان حصارینه کیروب
آلای بکسی وجهه عسکر یسی کفار خوفندن فرار ایتلریله یولدقلرین
بغمالدیله وفاقچدیله کافر کلوب حصار ی خالی بولوب بشوز قدر
حر بی کافر قویوب ضبط ایلدی مراوه ناحیه سنده صوته قلعه سی
عسکری دخی خوفلرندن اطرافده اولان کهساره فرار ایدوب
بش اون نفر ایله دزداری قالمشیدی کفار کلدکده طولیله آتش
ایلدلر ایچنده عسکر وارا بمش دیو کفار تعرض ایتلر همان بوقلعه
کیدر شتندن خلاص اولدی صوته دن آتلان طوب صداسی
کلدکده واج قرینه کلن امرا و عسکر کافر کلور دیو فرار اردنجه
اولوب خلقه غلغله وپردیلر بوا ثاده تاتار عسکر یله نیجه بیک
امداد کلدی صداسی شایع اولغله کفار کیدوچکیلوب صوته
عسکری ینه قلعه رینه کیدیلر بعده الدن کیدن طغوز پاره
قلعه نک اهل فساد عسکری وغیرتسن مارتوزلری بالجه
واجدده فرار ایدوب غصب و سرقه وفساده باشلوب بعده
پاشا کتخدا سنی کوندروب طاعتدی وضابطلرندن بش نفری
بودینه صاب اولندی واطرانه طاعتلری حر بی کنار طوتوب

بونلر نه ترکه یار نه بزه دیو جله سنی قلج دن کچوردی کفسار نابکار
 واج قربنده لشکر ترتیب ایدوب نوغراد حصارنی محاصره ایدوب
 جنگ عظیم ایتدیلر و بواننده مزبور بکار کدخی بعضیسی واجدن
 فرار ایدوب بر بلوک کفسار کلوب طشیره سن یاقوب غارت
 ایتدیلر جادی الاخره نک اون طقوز بی خبیس کونی نوغراد دن
 طوب آوازی کسلد کده واجده اولان بکار نه حکمتدر دیو اخشام
 اول جابه توجده ایدوب کوردیلر که کفسار عسکری هر طرفدن اوشوب
 ایچنده اولان خلقی زبون ایدوب ویره طریقله حصار دن طشیره
 چیقاروب ذلیل و عریان مسالی ویرمشلر کلد کلرنده قره قریه لی
 واجلی به فافل اولماک کفسار اردیمزدن کلیورنه کونکره طور رسز
 زنده عبرت یز موز دیو فریاد ایتدیلر بکار دخی واجده قرار
 ایتوب بودینه کتدیلر و ایلر دخی بو حالتی کورد کده قرار ایتوب
 بودینه عزم ایتدیلر واجده دیر دار ایله دوت بش نفری قالدی
 صوته قلعه سن دخی حسن پاشا امریله آتیه باقدیلر بو طرفدن
 نوغرادلی و سچانی سردن کچدیلر کیجه کلوب واج واروشنده
 تنفس ایلدیلر خانه لر بوش قاز و طاوق و سائر ما کولات دوکلس
 قالمش بونلر قویولوب مسباحه دک غارت ایلدیلر بواننده کفسار
 آتلیوسی دخی کلوب احاطه ایلدی ایچرودن سردن کچدیلر
 طوب و تغنک ایله نیجه سن مجروح ایتسدیلر ملعونلر زبون
 اولوب نوغراده طوغری کتسدیلر
 (نأ دیب و عقوبت فراریان) اوائل رجیده ضرر دار زاده محمد پاشا
 و حسن پاشا اتفاقله بروطر فده الدن کیدن حصارلک سرحد بکری
 و اغازی جله فرار ایتکله قلعه لرین ویرمشلردر دیو عرض ایلدیلر
 صوته اغازی نوغراد الدیغنی کی قلعه بی احراق باینده امر
 کوندرلشدی نیچون طوبلری تخلص ایتدیکر دیو حبس و عقاب
 اولاندی و نوغراد محافظه منده اولان سمندره بکی ادهلی

رمضان زاده بی بیخون و پره ابله بکر دیو حبس و حقارت ابله نلر
و نوغرا دیک قمره قریه لی محمد بک یکپهر یلردن خفیه صلب اولندی
و نوغرا د اغارندن بهضی غازیله صلب اولتمله غزاة سرحد
احوالی مکدر اولشیدی مزبور محمد بک سرحدک اسکی غازیلردن
وعصرینک اضلارندن ایدی بو ائشاده سو بوسقه پلنغه سنده که
شموشقه دخی درلر برمه داز تلوغر قالمشیدی کفار کلوب محاصره
ابله کلرنده پلنغه ده قاله جی عورتلری واوشاقلری کندو اللریله
قبل عام ایدوب براوغوردن کافره قویلو ببول آچیلرو صحرایه
دوشوب کتدیله کافرک اوچ بدت آلا یو کرک آتلوسی
یونلری تعقیب ایدی برکون ویرکیجه قو و به کندی غزاة متصل
جنک ایدوب بایریشلری اوق و تفنک ایلده دفع ایدرلردی بو طریق ایلده
خلاص جان ایندی یلر

(اسنیله کفار خاکسار برخطوان وانهمزام عسکر) مقدما نوغرا د
الند فده ایچده بولنه رمضان زاده کئخداسی چاوشی که قراله
کئورمشلرایدی قرال اطلاق یتکله ماه رجیده بودینه کلوب
ایمپراطور کئدیسی ایکیوزیک خنزیر ایلده بودینی محاصره به کلک
تدار کتده اولدیغنی خبر ویریکله بودین قلعه سنک لوازم تجمعی
وجله تدارکی کورلدی اول بهارده عسکر اسلام حرکت ایتدن
کفار نوروز دن اقدم ایکی طایور ترتیب ایدوب برین استرخونه
برین خطوانه کوندرمشیدی خطوانه کیدنلر توغرا دی آتشلرایدی
بعده جادی الاخرده خطوانی محاصره ایتدیله خطوان بکی ارسال
پاشا بر اهل کیف آدم ایدی اباقلجه بهادر و خطوان خلقی جنک
قادر کیسه ل ایدی حریانه دیره نوب طوب ایلده وافر آدم اهلاک
ایتمشلرایدی و فریا یخی کوندروب بودیندن امداد استدی یلر
شعبان شریفک سکرندده بودین خلقنک ابرامیله سنان پاشا زده

محمد پاشا و بودین و البسی حسن پاشا ممکن هر تبه عسکر ایله
 کتدیلر استرغون دخی محصور ایلدی لکن خطوان
 امداد فی نفر بمایدوب کفار عسکری خطوانک جانب شمال بسته
 و دیدن یکن سوکارنده طایون فوروب طور رایکن عسکر
 اسلام دخی شهابک اون برنده صوبی عبور ایچون بر میل قدر
 یو قارویه کیدر کن کفار عثمانیاتی فرار ایدر صافوب صوبی
 پکوب برو طرقه طوغر ایدیلر عسکر اسلام دخی صف آراسته
 اولوب وستان پاشا زاده محمد پاشا پیاده زمهره سنی یاتنه آلوب
 کیر و طور دی حسن پاشا ایلرو و ازوب سرحد فزایلر یله
 محاربه عظیمه ایستدیلر کفار آهن پوشدن فتی چوغی طعمه
 شمشیر اولوب غزاة سرحد دن دخی جمع کثیر شهید اولدی
 حسن پاشای دلیر دخی درنده شیر کی نیجه جوشنلو کافر
 خاکه صالیدی قضا ایلر پیراهن زرنه ناز باروت اصابت ایدوب
 لبانی طو تشدی غزاة کوچ الله سویند بروب احراق ناردن
 مجروح اولدی ینه غیرتندن عسکری جنکه تعویض ایدردی
 سردار اعظم حضرتلری اول مختط عسکری بادی نظرده
 کفار عسکری صافوب ضعیف القلب اولغله سنجاضی
 دوشروب بودینه طوغری عزیم ایلدی ستر عسکر دخی ناچار
 چوزیلوب سرداره پیر واک ایتدیکی کی افهرامه متهی اولان کفار
 یورکلنوب تعقیبه ککله انقره بکی نیرانی پاشا خطواندن
 چیتوب غزاة ایلر کفار طابورین بلا صوبه بعض عثمانیم و طوب
 و اساری الوب کیر طویلمی چوبلدیلر کفار دوترب بنه قلعه بی
 محاصره ایلدی اول رمضان ده وکدی خطوانلینک نیجه
 حسن تدبیرندن کفار عاجز اولدیلر یومخاربه ده دخی درت
 بیک قدر آدم شهید اولدی و کفار دن وافر ملاعین طعمه

شمشیر اولدی واقع حال درد واته عرض اولنوب اکثر بهادرلق
حسن پاشانك ايكن وزير اعظمك حسن ترينه سيله نام اوغلي
محمد پاشانك اولدی وایلكه ضمیمه وزارت ایله مرصع تیغ زرین
وخلعت سمر کوندرلدی

محاصره استرغون کفارک بر بلوکی که مقدما استرغون
محاصره منه کلشیدی خطوان چنکند نصکره جله سی منصف
شعبانده استرغونی دو ککه باشلدیلر عایدخی دم زیدردیوب
اطاعتدن چقبوب واهالی قزاکفاره قاچوب نیجه ملعت
ایتدیلر شعبان آخرنده بر مقدار کافر عسکری واج اوز ریشه
دوشوب نیجه کسنه بی شهید ایلدیلر قرق الی یاز اتلو
و مارتلوز عورتلرین و اوغلانلرین سوار ایدوب سوروب
کوتردیلر مقدما بوشنه و سمندره جانتندن کلن ایکی بیک قدر
سراخور استرغون التسه کوندریلوب الاریشه سنجاقلر
ویرلدی که شکاردن نه الورل ایشه کندورلک اوله بونلر خیانت
ایدوب کفار ایله خبرلشدیلر و طورد قساری استرغون
و اروش قیوسن آچوب حربی عسکره منضم اولدیلر و الحاصل
کفار استرغونه صاریلوب یومیه بیک سکر یوز قدر طوب
اتارلدی برو طرفدن یکجیری و حصاراری و سیاه عسکردن
براسردن یکدیلر کوندرلدی درت قدرغه ایله اوج دفعه
و نیجه شایقه ایله امباد کوندرلدی امرای دریادن ردوس یکی
بیله کوندرلشیدی واروب کیردیلر و کفاردن کلن قدرغهاری
استرغونه اوغرا تمیوب و نیجه ایشسه یرابوب ارلک ایتدیلر
کفار نیجه ایام دوکدکن صکره یوریش ایدوب منهرم اولدیلر
و اکثری هلاک اولدی ینه فارغ اولوب ایراقدن مجار عسکری

د وکوب قلعه دیوار لږ ښک چوق پرینی خاکله بکسان ایتد بلر
 نو غراد و فیلک خلقي کي ویره ايله صاغ چيقوب قلعه بی ویرک
 د پوهزار لغویات ايله جبهه کاری ایلدی بلر بزر و م ایلې غزاق
 وایم ایل بهادر لر یوز ویره بیلرز دیو متفق و متحد جنگه
 نثبت ایتد یلر ملا هین ایشه تانار عسکر یکن قابلو بغه به
 بمش امداد کره کلور دیو اسنهز ایتد کجه بوکون یلرین بودیندن
 عسکر بی پایان امداد کلور بزه خبر لری کلدی خنر لر لر یزلر
 سزی قابلو بغه به بتدیروب جهنم یوللرز دیو محاوره لری ایدر لری
 مکر کفار پینده بطی الخر کتسه قابلو بغه به پندی دیو
 ضرب مثل ایدر لر ایمش او چنخی دفعه ده جبهه سی پردن
 یوریش ایتد یلر ضابطه لری اولان ملعون جائل واری
 برالتون زنجیر طافتمش اردلر بجه کلور جبهه بی اوکنه قانوب
 سور ایدی استرغون بکی شو ملعون دوشسه جبهه کفار
 دوزدی هر کیم اوده یانور ایه بولک و سنجاق بنه دیلر سه ویریلور
 دیمکله بودیندن یاز یلوب کلنلر دن عثمان نام بهادر جزایر
 تفنکی ايله بارودن التون زنجیر لی کافر ی نشانه الوب یا الله
 دیوب بر یاغلی قندق ايله کوکسندن اوروب تپه سی اوزرینه
 آتندن اشاغی یقار سوروب کتوردیکی کفار در حال ترسسه
 دونوب عقبجه فازیلر چیقوب نیجه کافر قیدیلر منتهزم اولان
 کفار طابور لرینه واروب قلیجه کلور لری قالمغضله اطراف
 رعایا سی کافر لر ندن امداد ینشدر دی بته فراغت ایتموب
 دوکدره حصار ی خرابه ویردیلر آخلق و مشقت دخی خلقي
 ناتوان ایتشدی قرال عسکر ی دخی کلوب کافر قوتلوب قلعه به
 آتش یاغد رمعه باشلد یلر رمضان شریفده سردار طر قندن
 طشوار و الهسی و نوسنه و الهسی نیجه عسکر ايله کلوب پشته

یافه سنه قونديلاستر غوندن طوب صمداسی کوردی
 بونلرایسه سرداره اعتماد ایتوب خطوان جنگی کبی اولیه دیو
 توقف اینلاردی هله متصف رمضانده یوریوب اینجه قراولار
 دخی سحری کفاره کوزنکله برایکی دیل الوب بان ویردکلرند.
 مجموع کفار طابوردی براغوب آردلرینه دوشدکده استرغون
 غزاتی چیقوب آج قوردکی طابوره قبولدیلر یکدن زیاده کافر
 قیروب نیجه سنی اسیر ایندیلر و طوپلرینی چویلدیرو یوکلنه
 بلد کلری قدر باروت و اشیا الوب قصورینه آتش اوردیلر و نوب
 مفتیم حصاره کیردیلر کفار مخذول و نوب بغضب ایله
 و دین قریه لرینه چیغان یلغیلر صناشری بودن عسکری
 چیقغله یینه طابورینه کندی حاصل کلام سردار اعظم
 بودین قریه کلمنجه کفار خطوان و استرغون
 ال چکمدی صکره قاقوب قومراند هریره کلدیلر بواشاده طمشوار
 و الیسی امداده کلوب بشته ده ایکن یا اتندن بر پلنقه خلق
 نه صیان ایتدکاری خبری کلدکه پاشای مزبور واروب
 سریرعا ایریشوب باغیلری قبل عام اینلدی
 (استمداد صدر اعظم و امداد پادشاه معظم) کفار بد نام
 صیکر اسلامک اول بهارده عزم و رزمی محقق ییلوب ملک تارینه
 قریب قاعدلری بذل مع و رایله الوب دورودراز محاصره و جنگلردن
 خالی اولما ییجی سنان پاشا بو کار مشکله اشغال ایله نار محاربیه بی
 اشغال ایتدیکنه نادم اولدی اما برایش بشارمدین فراغت محالدر
 دیواحرالی در دولته دفعات ایله عرض ایدوب خزینه و عسکر زومنی
 اعلام ایتشدی لکن حرکت عسکر هر زمان وقت معینه اولوب
 بیوقت حرکت عیروروایی عسکری وقت حصه کوزنکله مفید
 اولدی سنان پاشا چیقدیفته پشیمان و بر مصلحت کورلیه جکنه

جایزم و حیراء اولوب بالاخره سرحد امر اسنه رقلاع حکامنه
و عسکر اعیان ایله رؤس اسنه و مشیخ و علما سنه مجضر
ایتدیروب در دولتده اولان اعیان وارکانه مکتوبلر کوندر دکنه
مطابوب اولان خزیننه و عسکر ارسالده استیصال اوتوب اول
زمانه دکن یکجیری اغازی پادشاهدن غیر ایله سفره کتک قانون
دکل ایکن لالا محمد اغا بودغه مأمور اولسی یکجیری عسکری
وجبه جی باشی ابراهیم اغا ایله بیک نفر جبه جی یسله قوشلوب
در درقات اردو ایله غره رجیده داود پاشایه چیتسوب بلغراده
کندیلر آستانه خدمتده سکبان باشی قالدی یوندن اقدام بش یاره
قدرغه ایله قبولدان جغاله زاده دونه عسکر بیتی چیتسوب نصف
شعبانده بحر سفیده کتکشن ابدی قریم خانی غازی کرای خان
دخی سردار یانسه واروب خدمتده برابری بولتی ایچون او امر
کوندر لدی وزیر اعظم سنان پاشا دخی منصف رجیده بلغراده
قتلا سندن اوتاق چیتسوب آنلری چاراروب نصف شعبانده سره
صحر اسنه کچدی و عسکره ذخیره و مواجیلری و برادی سیواس
والیسی محمد پاشا و مرعش والیسی محمد پاشا و رقه والیسی علی پاشا
و بودین سرداری احمد پاشا و بوسنه ایالتی و یریلن میخ ایچلی
احمد پاشا کلدیلر ابتدا تاتا حصارینه بده یانق قلعه سنه توجهی
مناسب کورمکله مهمات لازمه اول سمتة نفل و توجه اولتندی
آخر رمضانده یکجیری اغاسیله کوندر بلان عسکر اردویه ایرشدی
وزیر زاده محمد پاشا طو پلر اوزر بنه و بودین مجاهد علی حسن پاشا
چرخه جی و بوسنه والیسی قراولجی و اناطولی بکلر بکیمی
ساطوریجی محمد پاشا صاع قوله سائر بکلر بکلر مول قوله
و مرعش بکلر بکیمی قوتون ارند دمدار امین و ترتیب صفوف
اوتوب رابع شوالده تاتا صحر اسنه واردیلر تابر صحراده کچساز

قریب نهر طونه قارشوستده وقومران قلعه سی براطه ده واقع
ایکی میل قدر تاتایه قریبدر کفار عسکری دخی طونه نک
اوتله جاتنده آلاینی ترتیب ایدوب تاتایه وارنجه همه نسان کیدوب
هر کون اظهار کر وفر ایدردی تانا قلعه می اول کون محاصره
واوچنی کون ویره ایله فتح اولوب ایچنسه عسکر قولندی تانادن
چیقان کافر قومرانه کتدیله اول ائنده تاتار خان دخی کلوب
عاشردی القعه ده اردویه ابریشوب وزیر ایله آت ارقاسنده
مصافحه ایله کوریشوب وزیر اعظم اوتاغنه نزول ایلدی ویرمه عده
علی النساوی اوتروب بعد الطسام بر مرصع اتون لکن و ابریق
کلوب ال یودقدن صکره خاٹک سلحدارینه ویرلدی و بر مرصع
شمشیر و رخت زرین و غداره و دیوس ایله بر مکمل اسب مزین
چکلیوب اکا سوار اولدی و میردن بش یک التون تشریف
قدوم و برلرب جله بکله بکله روجه عسکر و ازار اوکنه دوشوب
بارگاهنه ایلدیله و منزل مزورده صارتن قلعه سنی کفار
براغوب کتکله ضبط اولندی

(محاصره باقی) حصار مزبور کلوار اسمبله مسمی برجانی
نهر ربا طونه په دوگولدیکی محصل و برجانی صوایله مملو عظیم
خندقذ اصمه کویری ایله یکیلور عسکر اسلام غازیلری طشره ده
طورن کفاره هجوم و آلابلرینه قویلوب خیلی باش و دل الدیلر
و مترسار التوب ذی القعه نک اون سکرته محاصره ایدوب قول
قول دوکنکه باشلدیلر سپاه اوغلانی زهره سی صحراد قرالده
سلحدار مترس بکلمکه وایکی بلولخزینه و اوطاق بکلمکه تدیین
اولندی یک نفر سردن کچدی یازیلوب ایکی یردن طو پراق
سور که فرمان اولوب کونده یک قدر بدالوشقه اتیلور دی کفار دخی
طونه نک اوتله جاتنده مطبور قوروب قلعه نک طرفینه کویری قوریلوب

قبوسى قباغانمغله آتلو و پياده قول قول دخول و خروجدن خالى
اولوب يكرى كون بويله دو ك. يار و چاسار فرندش هر سك ماتباش
نمجه و بخار و سائر كفارك اجناسندن بوز يك قدر لنگر اوزرينه سردار
اولوب قومران جانبته قوندى ايجرو قلعه ده قرالك دامادى
غروف نام كبر كير حاكم ايدى ماه مزبور اوائلنده على الغلة كفار
چيقوب اتلو و پياده اون يك قدر ملعون مترسارى باصوب اوج
يك قدر عسكرا سلامدن شهيد ايتديلر عاشر ذى الحجه ده ايدى
اهل اسلام عيد شريف اشغالنده ايكن چيقوب خسارته باعث
اولديلر اگاه بولنسان قوللره اؤغرامبوب بعض موضعده ايصال
ضرر ايتديلر هله هجوم و مدافعه دايرانه ايله بوزلى دونوب
قلعه په كير ديار حصار قبوسى قباغانغه و مترسار قلعه په ايصال
اولمغه چاره اولوب وزير اعظمك اوغلى ايله حسن پاشايه تبديل
منصب اقتضا ايدوب روم ايلي اياالى حسن پاشايه و بو دين
محافظاى صدر اعظم سنان پاشاك اوغلى محمد پاشايه توجه
اولوب حسن پاشا قبو مقبله سنده مترسه كيروب اون پاره طوب
ايله دو كرك خواه و نا خواه حصار قبوسى قباغاندى و هرايش
اهلنه تفويض اولمق فائده سى ظهور ايتدى

(هجوم غزاة وانهزام طابور) ذكرى سبقت ايدن هر سك
ماتباش بو قدر يك كافرا ايله طابورنده اؤتوروب اوتة طرفدن
قاعه په امداد ايدردى جهلك راينى بونك اوزرينه قرار و برديكه
قارشو كچيلوب طابور بوزلساد قبعه قلعه په ظفر عسك در بقاء عليه
بودن واسترغوندن جسر مهمساتى تدارك واحضار نه فرمان
اولوب عريه لاياله كراسته و شايقه لاياله طونبازر كلوب اوج كو پرى
برى جاموس در يلرندن برى طونبازر دن و برى شيقه مقوله سندن
مهاقلوب بنا سته شروع اولمى التوز قدر سربدين كچمى

یاز یابوب اوتنه یاقه یه مروره باشلدیلر و برآز تاتار دخی پکدر یکنی
 کفار کورد کده آلائی آلائی پیساده و سوار قارشو کلوب پرودن امداد
 عسیر اوخله طاقت ممکن اولوب شناوراکله مرور ایدن کچدی
 باقبسی شهید اولدی کفار تکرار کچمک خوفندن طونه کنسارینه
 مترس المغه باشلدیلر ایکی بیک قدر فدائی قابقارایله کچوب کافر
 گرز آچدر میوب مترس لرینی و طوب لرینی الوب ملاعینی قاچرد قلزنده
 فی الحال کر پر یلره مباشرت اولندی و پرو جلیک بالایی مناره
 قدر بو کسک اولغله بال عین طویلر و شاهیلر قوریلوب ضرب
 اولند خفه ملاعین اولدکارینه باقیوب طویلر الایلرینی سوکوب
 لاشه لرینی میدانه سررکن یته طور میوب فھرک تکارینی ضبط ایتک
 هجوم ایدرلر ایدی اخشامه لایمجد کافر قیرلدی هله تکاری آغله چاره
 ایدم میوب طویلرلر یته چکلدیلر کو پر یلر اول کیمسه تکمیل
 اولوب چوق ایلده عبور اولندی عسکر تفر شملر لشکر تاتارایله
 بالجمه طابوره واردینی کی قراره محالری اولوب لو یوازیقه سنده
 اولان کو بریدن پر برینی باصه عقی گندیلر عسکر دن کیمه طابورم وارلر
 وافر غنائم الوب صباسح وارلر دخی آخر لغدن چوق فسنه بولندی
 طویلر و باروت وجهه خانه عربعلری و سائر بارو بنکاهی و جله دن
 کیمسه نفودایله مملو فوجیلر و نهر طونه ایچنده اوچی ز قدر
 شیغه و درزیر قدر طویلر باروت و دانه لایله اوج بیک قدر
 چادرلری جله میری ایچون ضبط اولندی و هر سک ماتیا ش
 بحر و فرانیچه عسکر یته باش اولان دوقه قرن داشی طوب ایله
 مقتول اولد یقتدن فیری لون بیک قدر ملاعین مقتول و کیمی اسیر
 و محذول اولدی قضاتدن سیروزی کریم زاده (فهزموهم یاذن الله)
 آیت ~~کریمه~~ سنی تاریخ دوشروب مقابله سنده ترحاله
 قضاسی احسان اولندی بوند نص کره قلعه جوتوب اربعه سنلین

کرکی کی محاصره اولنوب سال آئیده قحی ہسراونجمہ دوککشد
 (مقدمہ عصیان جغسال و بودہ افلاق) افلاق و بودہ لری مهمات
 سفر ایچون طوب ہر بہ سی و باز کیر لری ویرہ ککشدردر سابقا ہسیرم
 سفرینہ ایک اویچوز بار کیر کوندرمشیکن تکرار بلغراد دن بار کیر
 و ذخیرہ طلبند و خزینہ تحصیلہ صدر اعظم طرفتسدن آدمار
 واروب بلغرادہ محلہ ایرشدر مملکہ معاتب اولمشیدی بعدہ درتوز
 بار کیر و خزینہ و ہدایاسی یانق التندہ بشمککہ وقتی ایلہ کلدی دیو
 آدمبسنہ قتل فرمان اولنوب اوغلی محمد پاشا شفا عتبلہ قوریلوب
 ہدیہ سی رد اولندی و اولہ ممالک برایکی مہمل کافر التندہ اولق
 بہ لازم ان شاء اللہ تعالی اول بہار دہ سفر بمز افلاق اوزرینہ در
 دیوب آدماری محبوس و در نشدہ بلغرادہ اطلاق اولنوب مؤکد
 اوامر علیہ کیردر لاشیدی میخالضال ایسہ عصبانہ مہدی بر کافر
 اولنلہ بوتہ و رو غضب معاملہ سی طغیانہ سبب اولدی کہ سال آئیدہ
 ذکر اولنسہ کر کدر و بوسفرہ کلورکن غازی کرای خان کفار
 مملکتدن ایاق باصمامش برلردن کلوب نیمہ غزای عظیم ایتشدرد کہ
 نہیر اولماز سنہ ثلاث والف وقایعندرد ربیع الاول اواسط سنہ
 کریمہ شاہ جہان فاطمہ سلطانوز برخلیل پاشاہ عقد اولنوب
 اسکی سرایدہ جمعیت نساجدہ خلوت وقت مسال اولدی و ربیع
 الاولدہ ماوراء النہر سلطان عبداللہ خان طرفندن ایلمچی کلدی
 و بواسطہ قیودان جغسالہ زادہ دونمبای ہمایون ایلہ مسبندہ
 قلعہ سی اطرافتی اووب برقاج قالینلرین آلوب ترسانہ ککشدرد
 کفرہ و یہود کولک و صاری دلبند صارلردی تذلیل مراد اولنوب
 سیاه و قرمری چوقدہ دن طاقیدر کیمک فرمان اولندی
 وقایع سنہ ثلاث والف
 (فتح قلعہ یانق) چون سنہ ثلاث والف دخول ایلیدی یانق

قلعه تنی محاصره سیده برای اولشیدی طو پلر و لغملر ایله درون
و بیرونی تخریب و رخنه دار اولوب طپراقلسور یلوب ماه عمر مک
اون یدنجی کونی یارین یوریشدر دیوندا اواندقده لطف حق ایله
کفار خوفه دوشوب طاپورانهزامندن و محاصره ده بیحد کفار مرد
اولدیفندن کندوره دهشت مستولی اولوب استیانه رضا و پردیلر
والا یوریش اولسه ایکی اوج تحنه کو پریدن کچمک عسیرایدی
وطو پلر خوفندن ایچروده وافر کافر جعفروره کیرمش و چکنکنال
چکمشیدی عنایت حق ایله اوکیجه کفار نامدارلندن ایکی نیک
کافر چیقوب استیسان ایچون حضور سرداره کلدیله مسؤولاری
قبوله قرین اولوب امان و یرلدی ایرتسی باشلری اولان غروف نام
پلیس اون نیک قدر کافر پرخدید ایله چیقوب بوغچیه عسکرینه
یوف که قورقوب زیر زمینسه و بوجافاره کیردیله یوخسه یوقدر
یک تفنگچی سزی قلعه به با قدرمقی کرلایدی دیواغلیه رق اوکلرینه
دوشوب کتدی ماملکلرینه تعرض اولتیب کیلر طولدیله یلوب
دارالکفرلرینه کتدیله صکره چاسارمزور غروفی دیوار ایچنه قویوب
اوزدینه دیوار پایدیلر و اوتوزدر در و قبه اتار ایکی برنج طو پلر پیره زنان
کفساردن برکافره تک و قنی اولوب کفار اوج پاره قلعه رهنی ایله الوب
کوندر مشلرایمش استیسان وقتنده سرداردن و یرلسنی نیاز ایلدیله
مساغ شرعی اولما مقله مساعده اولندی قلعه ضبط اولوب
سنجاغی عثمان پاشایه و یریلوب طوقوزاقچه ایله ایکی نیک نفر اوج سنه
محافظة یه باز یلوب اوج نیک بیکمیری و اوچپوز طوپچی و یک نفر
جبهه بی تعیین اوانوب مهمات لازمه سی تکمیل اولندی مزبور
هریمند نصکره غازی کرای خان پاپا قلعه سنه وارمشیدی
کفسار فرایدوب قلعه ضبط اولدی
(محاصره قوماران) آخر عمرده قوماران اطه سنه کلدی یانقی اکتورسه

بزخی ویره ایدر زدیو مقدم سرداره قوماراندن مکتوب کلوب
 یانق فتح اولند قد نصکره ینه رجوع ایدوب ویرمدیلر ایام شتا
 و برد شدید وقتی ایدی محاصره اولنسه انق قایل ایدی دیسونا
 ایچون سردار محاصره ایلدی لکن یانق جنکنده عسکر شوقنه
 فنور و طبعتر ینه کلل کلبیدی رفاج دفعه کفار چاقوب مترساری
 بصوب عسکر اسلامدن چوقی بهادر شهید اولدی سردار کورد بکه
 قتی عسیر و روز قاسم دخی حلول ایلدی ماه صفر کاید یسنده
 کوجب اول حوالیده اولان قلاع و حصار زه ذخائر و مهمات فو نیلوب
 بودین طرفه عزت و هودت ایلدیلر حسن بکرزاده و عالی و طو یچیلر
 کاتبی عبدالقادر تار یخارنده یارشار که قوماران حاکی بنندن
 چاغروب روم ایل بکیر بکیمی حسن پاشای کوندک قلعه یی ویرلم
 دیدکده وزیر اعظم سنان پاشا رد ایدوب سوزینه باقه سونلر طوباری
 اورسونلر دیو تنبیه ایتد کده اول ساعت یکچیری مترساری براغوب
 چقماسغله کوچدیلر بو کلامی کاتب چلبی قد لکه ده ردایدوب
 بو بر خام و مردود سوزدر دیوانده و محل وقه ده حاضر اولمشاری
 نکذب ایلد یلر دیمشدر ماه صفر کیشنی کونی غازی کرای خانه
 اذن و یرلاربینه اول بهارده کلک اوزره خلعتلریله و عرض ایتد بکی
 دیر لکری ویرمکله اکرام اولنوب یوللادیلر بر میرزا سنی یک قدر
 تاتار ایله استونی بلغراد طرفنده قشلاغه قودی وزیر اعظم بودینه
 کلوب یدی کون اوراق ایدوب اوغلنی یکچیری و روم ایل عسکری ایله
 بودینده قودی لالا محمد پاشای اناتولی عسکر یله اوستونی بلغراد
 قشلا سته تعیین ایتدی بوسنه بکیر بکیمی احمد پاشای اوسکه
 کوندردی سیواس و دیار بکر و قه و حلب و شام قوی اجازت ایله
 ولایتلر ینه کتدی یلر طوبار و جب خانه بودینده قالدی مواجیلر
 و ذخیره لرویر یلوب ر بیع الاول اوائلده مشتای بلغرا ده کلدیلر

مقصد ما یا نبق قلعه سی قتی مرده سیله رضوان اغا آستانه به
کوندلر مشیدی اون درت کونده کلوب طوب و تفنگ شلکری
اولاد قد نصکره سردار و خان طر قنه خلعت و سیف و مجوهر
سر غوجار خط همایون ایله کوندلر یلوب جله یکلر بکیاره واعیان
دولته خلعتلر کوندلندی

(سوء تدبیر سردار و نهان و تقصیرش در بعض کار) دفتر دار
ابراهیم افندی قهرری اوزره بوسفره کلن عسکر بر تار یخده انکروس
سفرلرینه جمع اولدیغی معلوم دکلدلر بالکرا و توزیک قدر قپوقولی
وارایدی روم ایلی عسکری بی نهیایه ایدی سلطان سلیمان
مرحوم نصکره انکروس سفری واقع اولماغله خلق غنیمت امید به
تشنه ایدی و روم ایلی عسکری قدر در لکسن عسکر کلشیدی اقبی
ویورک بر ابالت عسکری قدر و ارایدی تاتار فرق بیکدن فرزندزایدی
ارباب تیمار بیکچری مترسه کبرد کده ما عدا سی بوش نصیم
اوقات ایدر لدی خان و سار ارکان افنه اذن استدیکه بر مملکتی پامال
ایتد کده نصکره انمه نک نفی ندر دیرلایدی والا طابور انهرامندن
صکره بچه دک وارسه لر عسکر اسلام او ککنه حائل اولور
یوغیدی و بر عذر دخی بودین مملکتی غارتدن حمایه اولمجبوب شکوایه
کلنره بر مملکت یقما اینجه بری یا بلالازدیمکله رعایای اسیر و قریه لری خراب
و تدبیر ایتدیلر اول سیدن رعایا نک توانا سی حیدود اولوب بر پلنغه دن
برینه بش التیوز آدم جمع اولمقجه کیدلزدی قرا و قصبات غارت
اولوب زمو نی برابکی دفعه یا قدیلر بلغراد کمر نلرندن خراج
الدیلر و اعظم خطا افلاق و یغدان و بود مرینه مدارا ایتیموب
جفا ایلدیکبر هدی سی کلشیکن قبول ایتیموب آدمی قتل مراد
ایدوب محلسلری فائده غضب ایله بغی و عصیان ایتدر مک
خطای فاحش ایدی

عصیان و بوده بغداد انکروس سفری آجیلوب چاسار
 جله امرای کفاره نامه ل کوندروب پایادخی فرق نصاری اهل
 اسلام اوزرینه هجومه دعوت ایتمکله اردل وافلاق و بغداد یکجهت
 اولوب عصبانی مقرر ایلد یلر و طونه یالپسندده اولان اماکنه تجاوزده
 باشلدیلر اول زمان بغداد و بوده سی سنان پاشا نصب کرده سی ایدی فرهاد
 پاشا عرطنی مراد ایدوب یرنی بغداد بکرزاده سی دیمکله معروف پرتازه
 اوغلان و یردی حتی اول اوغلان کندی خزینه سنده پرورش بولاش
 اسلامه کل بکی سو یلنوردی معتاد اوزره برقیوجی باشیله اسکمله
 چارشی قوشوب کوندردی لکن سلفی عصبان ایدوب کلنری
 ترسته دوندردی آستانه دن امداد رجا ایلد کلرنده سنان پاشا
 کتخدانغندن بکار بکی اولوب مرشدن معزول بولان مصطفی پاشایی
 رمقصدار عسکر ایله تعیین ایدوب کندونک آخر زامانی افلاری
 فرمان اولسان بدلدن تخلص اینچون یله قوشوب ایکی بیکچیری
 ایله کوندردمشیدی وارد کلرنده طونه متجمداولش بولوب روضحق
 صحراسنه قونوب طوپلری برکوی یقاسنه کچورک اوزره ایکن
 عسکر کفار علی الغفله باصوب مصطفی پاشایی نیجه آدم ایله قتل
 و نیجه سی اسیر ایدوب بعده بغدادک طغیان بوما فیومامشد اولدی
 (خبر عصبان میخال و بوده افلاق) افلاق ملکشد
 قیون و صغر و غسل و غمک چوقی اولوب و بوده ل تجدد اولند
 استانبول تجاری و اغنیاسی ایچده و پروب واروب ایچده لرینه
 رعایادن قیون و غسل و رغن جمع ایدرل ایدی و زیاده مرابحه
 مقابل سنده بواشیایی طلب ایتدکجه نیجه نزاع واقع اولوردی حتی
 معامله جیلر ایچده استیوب بکلره سب و لعن ایله جفا ایدرلردی
 مزبور میخالک دارالاماره سی اولان بکرشده درت بیکدن زیاده
 دایرلرکما اکثر بیکچیر یلر واکار قوی ریاخورل ایدی هر کون اوزرینه

هجوم ايدوب سر این طاشلوبالرينه کيرن اشياي آلوب
 قپوسنده بولسان آدملي دوکرلدي جفا و اذيتلري مامونك
 جاننسه کار ايدوب برکون بونلري دعوت و نصيحت يوزندن پرقاج
 سوزايله اظهار مروت ايلوب بني قتل ايتسه کز مالکزي ضايع
 اولورکلورک سوزمه تابع اولوب افلاق مملکتی نواچيسنه تعين اولان
 آدملايله واروب تحصيل اولسان مالی کتورک و ايچندن اچقه کرنی
 الوک ديدکده نيجه تردد و عناد دئسکره راضي اولورلر لکن تحصيل
 ايدوب کتوردکلري مال جله ديوشه وفا ايتيوب مر ايجه لری اسزله
 خسابلری کورلکسه برکوی قاضيسنی دعوت ايدرخسته بولمغله
 نايبي علی جان افندي وارر زيرا افلاقدہ اهل اسلام ايله بر دعوی
 لازم کلسه برکوی قاضيلری واروب فصل ايتکه مأمورلر علی جان
 حسابلرين کورر مثلاً التمش يوک اچقه دعوی ايذن آدم تمسک ابراز
 ايدر کرچک تمسک بنم اما بکانه ويردک اجناسيله بهاسيله پيسان ايله
 ديدکده نيجه ابرام و زاعده فسرکه يانه راضي اولورمئلا نقداون يوک
 اچقه بر مرصع خنجر يکری يوک اچقه بر دخت بش يوک اچقه جله
 التمش يوک چيقار ايمدی مسلمان و برديکک اشياي ربعی بهاسنه
 ال بش يوک و برديکک شئي بر يوک ال و بر يم ديوهرار نزاع و مجادله دن
 مسکره التمش يوی او تون يوک راضي ايدر و قاضي يه سچل رجعت
 ايتديرر کندي کاتلر بنه دخی يازديرر اون يوکدن اشا غی اولنلری
 بونلر جريئدر ديوحاسيله داخل ايتز بو وجهله جله ديوني التمش يک
 اچقه يه ايتديرر مرزور نائب علی جانندن منقولدر که طشهره چي قدم
 اسکيدن آشنا بر کافر يانمه کلوب علی جان خواجه بکرمي بللق
 دوستم سن بوساعت چيقوب ايکنندي يه قاله بر کوکيده ييله
 طور محبوب روستجغه چان آته کور ايش ايشدن کچدی ديوب کتدی
 واقعاشهرده خلاف عاده حرکت و يیکانه کفار کروهنگ کوشه کوشه

جعیلرین کوروب فی الحال قوچی به بنوب عاجلار کوکی به کلد کده
 قاضی فی آگاه ایدوب قالقجه مکر سلاصین اول ساعت جله دایلری
 واند اولان مسلانلری قتل عام ایدوب کره ایله کلوب بر کوکی بی
 باصیدیلر غیری چاره اولوب شناسور اولغله برزه رک طوبه بی
 قارشویه کچدم برآدم دخی کچدی فقط ایکیز خلاص اولوب
 عومایر کوکیده اولان درت یکدن زیاده اهل اسلامی ارکک و صورت
 اکثریسی قتل ونیجه سنی اسیر ایدوب بعده آتشد یاقیدیلر بوقعه
 سنه ثلثین والف جادی الاولیسنده وقوع بولدی بغداد سمته
 بولتایلر کلی و آق کرمان وقورسوه یغاسنسه کچوب روسجقدن
 محضر ایله آستانه به خبر کوندیلوب احوالی یلدر دیلر روسجق
 خلقی قالقوب بالقانه و اطرافه طاغیدیلر هنکام شتا اولغله آستانه دن
 تیزجه عسکرتدارک اولنجوب بهاره قالدی
 (انتقال حضرت سلطان مراد ثالث از عالم فانی نورالله ضریحه)
 سنه ثلث والف جادی الاولیسنده پادشاه مغفورک مرزاجی مخبرف
 اولوب علاج اطب تأثیر دن قالدی ابتدا خسته لکنده سنان پاشا
 کوشکنه اینوب خواننده و محرمان داخل مجلس همایون اولدقده فلان
 بیت فلان نقش اوقونسون دیمک قتی نادر واقع اولمشکن
 خلاف عامه * بیمار ای اجل بوکیجه بکله یاتم آل اوقونسون
 بیوردیلر و اول شاده مصر دن ایکی قدرغه کلوب قصر همایون
 مقابله سنده معناد اوزره طوپلر اطوب شتاک ایتد کده مجلس پادشاهی
 قریند اولان جامار اوتورد قلمری مقعد اوزرینه برزه برزه دوکلدی
 برخی شتاک ایتد کده ساوچاملردخی دوکلدی بوکافریه قلموری بوخسه
 دیو بیوردیلر بوقدر دویتما شتاکلر نده معظم قالیونلر طوپندن طام
 زلزله به واررکن برجا مه خطر اصابت ایتموب شمدی قدرغه طوپندن
 ریزان اولغی آثار تطیره جل ایله متأثر اولوب بو کوشکه آخر کباشمر در

انجی دیو دیده لی کریان ولجیله رینه اشک روان سیلانه باشلدی
 و ماه مر یوزک خامسی ایله اثنتیده تخت جه فی ترک ایدوب تخت
 نشویده قرار و محمل تابوت ایله عالم لاهوته گذار ایتدیله
 بر ایکی هفتنه وزرا و قاضیه سکرلر هر ضمه کیروب مصالح
 کورله دن قالمشیدی باب السعاده اتااسی و زرادن بر فردی
 اکاه ایتموب بوستانچی باشی فرهاد اتااسی سوکتور مک
 بهانه سیله دعوت و بوسری کشف ایدوب اوام مقبضه
 میرالوا اولان اکبر شهرزاد کان سلطان محمد خان جنبه سریر
 خلافتنه جلوس ایچون دعوت نامه ارسال و سرعت ایله
 یتشمکه استیصال ایلدی وارد قده مصر ایالتی احسان
 ایتلردی لکن کد و طلبیه منصبی قید حیات ایله متصرف
 اولتی فرمان یورلدی ایکی کوند نصکره و زرادن ابراهیم
 پاشا اکاه اولوب صوفی عثمان اغا نام اتااسی مکتوب ایله
 بوستانچی باشی اردنجه کوندردی بعد قاعقه مقام فرهاد پاشا
 استماع ایدوب تحصیل یقین ایچون صوکه دیوانده ایکی حجت
 و تلخیص ارسال ایدوب چقد قده یازیلن خط پادشاه خطنه
 تقلید اولغله کند و یه یقین کلوب اول کون بلاعرض بر قاج
 سنجاقلر توجیه ایلدی و تعزیه و تهنیه نامه ایله بر اتااسی
 کوندردی ابرتسی زنداندن بر قاج واجب الازاله چقاروب
 تخویف عوام ایچون قتل و لاشلرین اعلان ایتدی و قول کروب
 ضبط و ربطه مشغول اولدی ماه مر یوزک اون اثنتسند
 صلا و قنده پادشاه جدید مدانیه اسکله سندن قدر غه
 بنوب کلوب ستان پاشا قصرنه نزول و حرم همایونه دخول ایتدی
 والده مکرمه ایله کوریشوب سیاه شمله ایله ماتم لباسلرینه کیردیله
 بوم جهه او لغین جامعدن چقا جق زمانه دک امر بیعت تمام

اولدی اندن پادشاه مغفورک نعشی صحن سرایه چبقار یلوب
خواجه سعد الدین افندی آخر خد مقدر جنازه پادشاهه
اداء نماز ایدیم دیو استیجازه التمس ایتد کده وزیر فرهاد پاشا عرض
ایدوب اذن همایون صد و رایندی لکن سعد الدین افندی
چیقجه مفتی بوسنان زاده افندی اعانه شروع ایدوب تکبیر
یتمش بولمعهین ناچار اقتدا ایدوب اتمام نصکره خواجه افندی
دلکیر اولوب ولی میت بکا اذن و پرمش ایدی تکرار اگاهده
لازمدر دید کده مفتی افندی جواب و پروپ پادشاه جهانک
بالذات اقتدا ایتلری اذندر نماز تمام اولدی اگاهده لاقم دکلدردیو
منم ایتد کده خواجه افندی ملتشی قرین حصول اولدیغنه
متکدر اولوب مفتی افندی ایله یتلرنده عداوت حاصل اولوب
(البیض بیوارث) خواستجه موروث اولدی جنازه مغفوره نمازی
اداسند نصکره پادشاه مالپناه حضرتلری طوغری حرم طرفه
کیدوب وزرا وارکان دولت جنازه ایله ایاصوفیه جوارنده احضار
ایتد کلری مزاره کلوب دفن ایتدیلر و اول زمان قیامت نشانده
پادشاه جهان پناهک برادرلری اولان اون طغور نغرشه زاده
بیگاهه کتند جانستان ایله شهدا و مرده سنه الحاق و پدرلری
مرحومه همراه اولوب ایرتسی علی الصباح جملله سنک مفتی
فندی نماز بن قیابوب پدر جنت مکانلری ایاغی اوچنده دفن

اولدی لر رحمة الله علیهم اجمعین

(ذکر مدت پادشاه مغفور سلطان مراد خان و بعض
از محامد و مکارم و احسان او) سلطان مراد خان
مرحومک سن شریفلری الی سنه کامل و مدت سلطنتلری یکرمی
سنه یه اخلدر صلب کر یملرن دن بوز ابکی عدد ولد تولد ایتشد
شهید اولان شهراده رک کباری درت عدد ایدیکه

نوعی افندی تعلیم رینه مأمور ایدی اسماعلی سلطان مصطفی سلطان بایزید سلطان عثمان سلطان عبداللهدر ماعداری چشمه شیر مادر زدن نیم سیر ایدیلر سلطان مصطفی طبع موزون صاحبی سخن کوی ایدی والد ماجد لری انتقل شده حیانت نایمید اولوب بوییتی سولتشدیر * ناصیه میده کاتب قدرت نیازدی بیلیم * آه کیم بوکلشن عالمده هرکز کولدم * پادشاه مرحوم خسرو عالی همت بجمع البهرین کرم و کرامت محب مشایخ و صلحا مربی فضلا و علما خوش طبع و فهیم عاقل و مال و کریم اولوب تخت سعالترنده ثابت ایکن پرکار همت و شوکتی اطراف ممالکه ایریشوب سیف صارم رأی و شجاعتمری منصور و اعدای دین و دولتمری مدمر و مقهور اولمشیدی علما و شمرادن آثار علمیه و شعریه عرض ایدلره الطاف علیه لری در این پیورلوب جوانز سینه اعطا ایدر لرایدی زهد و صلاح بمنته سالک اولوب فن تصوفده فتوحات صیام نام پرکاب تألیف ایشلردر مخلصاری مرادی اولوب عربی و فارسی و ترکی اشعار لری زاردر اسرار تصوفده متعلق مذاق رجال الله اوزره سخن پردازلقه طالب و طریق مشایخ اربابی و اصحاب سلوک ایله مکاتبه و محاوره به راغب اولوب گاه رؤیایینی تعبیر و گاه اشعاردر ربازیینی شرح و تخریر ایتدیروب اصحاب بواطنی ارباب ظاهر دن ترجیح و اهل حقیقت و اصحاب قلوبه انجذاب طبعترلرن تصریح ایدر لرایدی مغنیه سوده شهراده ایکن ایکی مناره لی برجاع شریف بنا و یاننده بر مدرسه ایجاد و مجددا عمارت و خان و تالیه سانه دخی یاپدردیلر و مکة مکرمه حرمه کسک سفینی رخام ستونلر ایله کارگیر و میراب الرجه و خطمی تعبیر ایتدردیلر و صریحه نیجه بیک فلوری دخی الحاق یوردیلر

و بشکطاشده آوده اولان يحيى افنديك قبرى اوزرينده دخی
برقبه رفيعه بنايتدر ديلر
(وزراى عصر سلطان مراد خان) (وزير محمد پاشا) سلطان سليمان خان
عهددين بروسدر اعظم اولوب ديوانده شخص مجنون ضريله
شهيد اولان وزير ذى قوتدر (احد پاشا) انك رينه وزير اعظم
اولوب درت آيدن صكره وفات ايتشدر (لالا مصطفى پاشا)
قبريس و شيروان مملكتلرينك فاتحيدر عثمانيه ده قائم مقام
ايكن انتقال ايتشدر (قوجه سنان پاشا) يانق فاتحي اموردیده
و كار زموده وزير دروسدر اعظم دخی اولشدر (زال محمود
پاشا) حضرت ايوب نصارى عليه رجة البارى جوارنده واقع
زال پاشا نام جامع شريفك صاحبيدر وزير ايكن وفات ايتشدر
(وزير حسن پاشا) بو دخی حنف اتفه وفات ايتشدر (وزير
سباوش پاشا) بر دفعه قائم مقام و اوج دفعه صدر اعظم اولوب
بعده متقاعد ايكن فوت اولشدر (عثمان پاشا) اوز تيمور پاشا و غلو
ديككاري رستم زمانه و قهرمان يكانه در صدر اعظم ايكن
عجم سفرينده سردار اولوب تبريزي فتح ايتدكده صكره مر يضا
فوت اولدى سنه ۹۹۳ (مسيح پاشا) عثمان پاشاك پرينه صدر اعظم
اولوب بعده متقاعدا فوت اولدى ۹۹۷ (فرهاد پاشا) ايكي دفعه
شرقه سردار اولوب بعده صلحه باهت اولغله صدر اعظم اولوب
بعد التزل وفات وركاب پادشا هيدده قائم مقام دخی بولمشدر
(ابراهيم پاشا) داماد سلطان جهان ايدى (وزير جراح
محمد پاشا) معروقددر (جفانه زاده سنان پاشا) مع الوزاره
قبودان ايدى (بويالى محمد پاشا) حلب بىكار بىكلىككندن
متقاعد ايكن فوت اولان پير احمد اوغلدر ر كتاب ديوان
زمره سنددر وزرايه تذكره جى و يوليله ريش انكتاب اولدقدن صكره

سکره جلال زاده پرینه نشانی بی عده حلب والیسی بعده وزارت ایله ایکی دفعه قبه نشین اولش برکامل وعافل وزیردر استانبولده جامع شریف ومدرسه و خانقاه بنا ایلشدر

استانبولده علیلا وفات ایتشدر فی شهر رمضان سنه ۱۰۰۱

(خلیل پاشا) دما دپادشاهی ایدی (خضر پاشا) مصره والی اولشیدی (جعفر پاشا) قوجه محمد پاشا لک دامادی بر اختیار وزیر اولغله مرحوم اولشدر سنه ۹۹۵ (حسن پاشا) طواشیدر لیکن شجاع وفحولینددر شروان ایلتیدن کلوب وزیر اعظم اولدی (وزیر علی پاشا) محمد پاشا سلطاننی الوب وزیر ایکن فوت اولدی (محمد پاشا) مع الوزاره روم ایلی ایالتنه متصرف وزیر قتلدر (وزیر یوسف پاشا) افالقدن چیقمه فرنکی لاصلدر قرق چشمه قریبه کندی سراینده خدمتکارلی ننده شهید اولشدر (وزیر شمسی پاشا) مصاحب و آل اسفندیار دندر طغوز یوز سکان طغوزده فوت اولدی (وزیر حسن پاشا) محمد پاشا زاده لک ایله معروف اکثریامع الوزاره روم ایلی میر برانی اولوردی (محمد پاشا) سنان پاشا اوغلودر حسن پاشایه قرین و پرینه منافش ایدیلر تجاوز قه تعالی عنهم

(علی محمد سلطان مراد خان) حامد افندی) جلوسده مفتی بولوب اوج سنه ورورنده فوت اولشدر (خواجده سعد الدین افندی) ابن حسن جان پادشاه دخی سنجافده ایکن خواجده سی ایدی جلوسده نصکره کاکان خواجده سلطان جهسان اولوب امور هلدان غیری تدبیر ملکیت و مصالح سلطنت رأیارینه مفوض اولان قوجه خواجده افندی حضرت تلریدر (قاضی زاده افندی) هدایه ومفتاحه شرح یازن مفتی دوراندر (معلول زاده افندی) روم ایلی قاضیه سکرلکندن قاضی زاده پرینه مفتی اولوب حسن جاز زاده

خواجہ افندی به مدارا ایتمه کله انار دخی بعض غلط قوالین
 جمع و حضور هابو نه عرض ایدوب عزل ایتدیریلر و یالکوز
 نقیب الاشرافلی ایله قالوب وفات ایتدیلر سنه ۹۹۲ (چری زاده افندی)
 فتوالی بین لعلامعتبر ایدی معلول زاده یرینه مفتی اولوب رفع
 ظالمه ساعی ایدیلر فوت اولدیلر سنه ۹۹۵ (شیخی افندی / چری زاده
 یرینه مفتی اولوب وقعه معهوده ده معزول اولدی) بوستان زاده
 افندی) معروضدر (ذکر یا افندی) علامه عصر شارح
 هدایه و مفتاح و محشی صدر الشریعه اولان دولتودر دستبوس
 خلعت بهار ایچون سرائی سلطاننی به وار فده اول آنده
 فواف مرضی عارض اولوب بدرجه ده فوت اولدیلر سنه ۱۰۰۱
 (عبدالرحمن افندی) سلطان سلیمان و سلطان سلیم عصر لرنده اولان
 قاضی عسکر لکرنیدن ما عدا دولت مرادهده برسند به قریب
 قاضی عسکر اولوب وفات ایتشدر در فی ربیع الاول سنه ۹۸۳
 (ناظر زاده افندی) استانبول قاضیسی ایکن فجأة فوت اولدی
 سنه ۹۸۳ (اختری زاده افندی) یوزالی افچه ایله اناطولی صدرارتدن
 متقاعدن ایکن فوت اولمشدر سنه ۹۸۹ (حسن بک افندی) اناطولی
 صدرنن متقاعد ایکن وفات ایلدی ۹۸۶ (بخاری زاده افندی)
 طرابلس شام قضا سندن معزول فوت اولدیلر سنه ۹۸۶ (محشی
 نان افندی) اناطولی قاضی عسکر لکندن ایکیوز افچه ایله متقاعد
 ایکن فوت اولدی سنه ۹۸۶ (ننائی زاده افندی) مدینه دن معزول
 فوت اولدی سنه (همشیره زاده افندی) سلطان سلیم مدرسی ایکن
 فوت اولدی سنه ۹۸۹ (ستان زاده افندی) فوت شد سنه ۹۸۷
 (کاجی احمد افندی) ادرنه دن متقاعد فوت شد سنه ۹۸۷
 (معلم زاده محمود افندی) صحن مدرسه سندن نشانی اولوب
 بعده معزول فوت اولدی سنه ۹۸۷ (بابا افندی) رستم پاشا

خواجه سی اولغله مولوبت طریقه سلوک ایدوب وظیفه مولوبته
متصرف ایکن فوت اولدی (صاری کرز زاده افندی) حلب الشهباء
قاضیسی ایکن فوت اولدی سنه ۹۸۷ (هیدالواسع افندی) ابوالسعود
اولغیدر (عزیز افندی) شهراده خواجه سی ایکن فوت اولدی
سنه ۹۹۹ (خضر بک چایی) بروصده مناسیر مدرسه سنه فوت
اولدی (خسر زاده مصطفی افندی) دررغرر صاحبی ملاخسروک
سیط رشیدنر طقوروز طقسان سکرده طرابلس قاضیسی ایکن
سهاله مبتلا ولوب کلورکن آفشهرده وفات ایلدی سنه ۱۰۰۰
معرقلو این الجانب آدم ایدی غلطیات عوامی جمع ایدوب
قطب مکی تاریخی ترجمه ایستدیلر تری نازک اشعار و وارد
(وان قولی محمد افندی) عارف و عالم و کامل کسنه ایدی طریق
علماره صحن مدرسه سنه سنه منبساطواسی ویریاوب بعده مولوبت
ایله سلاطین و بعده کوتاهیه منلاسی اولدی اندن مدینه منوره
مولوبتدن سکسان ایچ ایله مقامدا مدینهده فوت اولدی
سنه ۱۰۰۰ فقیه و متین و لغت شناس ایدی درر حاشیه سی
و ترجمه یینات و سیاسانه متعلق رسائی وارد در صحاح جوهری بی
ترجمه ایدوب سلطان محمد خان جامعنه وضع ایلدی و کیسای
سعادت دخی ترجمه ایلدی (عبدالقادر افندی) ابن امیر کبوداری
پلانچق افندی دیمکله معروفدر طریقله کوتاهیه منلاسی اولوب
بمده طرابلس قضایسی ویرلد کده عدم رضا ایله اکاپره اطاله
لسان ایتک تهمتیه نفی اولشیدی افراط تهوور صاحبی ایدی
ذیل شقایقه یازمشدر که ترکیبی سست و الفاظیده نادرست در
یکبشهر قضاسندن معزول اولدقده فوت اولدی سنه ۱۰۰۰
(مولانا محمد آید بنی) اخصاردندر دیار مصریه ده نیمه زمان قاضی
بعده مدینه منوره ده شیخ الحرم اولدی مستحضر نوادر بر فاضل

وماهر كسنه ایدی السنه ثلاثه ده شعری وازدر حریری مقام تنه
بر شرح موجز اکامسویدر شیخ الحرم ایکن فوت اولوب بقعه ده
دفن اولمشدر سنه ۱۰۰۰ (شمعی افندی) ترك و تخرید
ارباندن بروجود کامل ایدی ابناء ناس و خدام کاری اوف و تمغله
تعیش ایدر درویش مشرب پر كسنه ایدی معارف جزیه و مقدمات
علوم افاده سنه قادر اولوب مثنوی شریفی و دیوان حافظی
و کلاسانی و بوستانی ترمی شرح ایتمشدر ۱۰۰۰ سنه سنه ده
فوت اولدی (سودی افندی) بوسنوی الاصل بر مرد صاحب
معرفندر طریق علم سلوكد نصكره بر مقدار وظیفه تقاعد ایله
قسامت ایدوب ابراهیم پاشا سراینده اولان غلام خاص تعلیمه
مشغول ایکن وفات ایلدی سنه ۱۰۰۰ مثنوییه و دیوان حافظه
شرحاری و کافیه و شافیه و کلاسته ترجیه و شرحی وارد
مقبول اولی الانظار در (عبدالرحیم چلبی) قتالی زاده علی افندیك
كوجك قرداشیدر سیروز قاضیمی اولوب رشك انداز
موالی حروت ایله محشم بر خندوم صاحب فضل
ایدی وفات ایندیلقی سنه ۱۰۰۰ (منلا عبد الكرام امام سلطان)ی
مفتیسالیدر طریق علم سلوك ایدوب مفتیساده درس ایکن
سلطان مراد بن سلیم خان اول دیاره وارد قده اماملری وفات ایدوب
یری بونلره اولش ایدی جلوس همایونده مراتب عالییه احراز
و افراندن ممتاز بعده قاضی بکرلك تقاعدیله سرفراز اولدی
مزبورك علمی میانه وضعی عامیانه احوال غریبه ایله مشهور اولوب
بعض آثار خبریه سی صدور ایلدی جمله دن بری یهود طائفه سی
نارنجی دستار ایله منلا یانه عمامه لر صارینوب صباح و اخشام
قر اكله نلرده فرق اولغزدی یساغ ایند پروب قر می و مور چوقه
ناقیه کیمك ایله ممتاز اوللرینه باعث اولمشدر و قاسم پاشا ده محلات

مسلمینه قریب یهود مقابر بنی رفع و بر کیکه ایچنده بر مسجد
 بنائیتدی نهایت در مند همچو ملره بحب او یون اوینا دوب آلت
 لهودر دیونجه بیکاه حیوانی قتل ایتدر مشدر فوت شد سنه ۱۰۰۶
 (مشایخ السوله المرادیه) (شیخ بولاق محمد چلی) سلطان محمد جامه نده
 واعظ ایدی صدر شریعه دن تدریس ایدردی (شیخ محمد افندی)
 حمیدیدر اباصوفیه واعظی قوال بالحق جری آدم ایدی (شیخ امیر
 افندی) سلجانیه ده واعظ و تذاکر اوقیوب حل مشکلات ایدردی
 (شیخ خضر افندی) یا باباشی زاده در تقی و تقی واعظ خوش لهجه
 ایدیلر (شیخ تاتار ابراهیم افندی) مرتاض و محدث ایدی سلطان
 محمد جامه نده از بردن نقل تفسیر ایدرلردی (شیخ شعبان افندی)
 نقشبند پیر امیر بخاری زاویه سنده ارشاد درویشانه مشغول ایدی
 بادشاه حضر تلری زیارتیه وارردی (شیخ قورد افندی) اهل
 حال و تعبیر منامانده صاحب کمال مرشد عزیز ایدی (شیخ
 حسن افندی) قوجه مصطفی پاشا جامه نده سجاده نشین عزیز
 معروف در (شیخ محمود افندی اسکنداری) بابا افندی وفات ایتد کده
 روم ایلی قاضی عسکری بولسان صنع الله افندی تعریفله فرهار
 پاشا سلطان محمد جامه نده واعظ نصب ایلدی بر شیخ حلوا لسان
 و فاضل کار دان اوغله اکابر د و لتک فلبنی جلب ایدور
 صکره خواجه افندی مخا دمله القت ایتد کده صنع الله افندی
 تریه ایتد بکنه نادم اولوب زمان فتوا سنده رغبت و التفات ایتدی
 خواجه زاده لک رغتی متراید او لوب جغاله زاده و بعضی وزرا
 پنجشنبه وجهه رده مجلس وعظنه مداومت ایدور کتد بکنه ناس
 مراجعتلرین از تروب کیدرک بر مر تیه وارد بکنه پادشاه جهان
 یله قطب زمان اولسنه جازم و معتقد اولدی صکره رستم پاشا
 صکره سی مایشه خام مشار الیه جامع و خاتمه یابدروب

جامع سلطان محمد ده اولان و صفدن فارغ اولد یلر شیخ ابو الوفا
طرزنده جامعده خطابت و امامت مراسمی کند و ادا ایدوب
ارشداده مشغول اولوب صبت کرامتی عالمکبر اولدی اکثر بلادده
خلفا کوندروب طریقته الی هذا الان استمرار بولمشدر
سلطان مراد خان مرحومک مرشد خاص و مرئی باختصاصلری پیر
نفاع شیخ شجاع افندی که مر حوم مرحومک دخی مقنبداده ایکن
عرض ایتدکلری رؤیا لرینک تعبیری عینی ایله ظهور و انفساس
طبیعه لری تأثیری ایله بین الخلق معروف و مشهور اولوب
جلوسلرندده استابوله کتوردوب فاخر سرایر تمیک ایدوب
وظایفی و ظایف خواص مقرینه باغلوب پادشاه شیخی
دیملک معروف ایدی باب سعادتیه منسوب اولنلره مناصب عالییه میسر
اولوردی بردرجه ده مرجع ارکان دیوان اوامشیدیکه از دحام
عظمادان حضورلریته وارلقده باب سهولت انسداد بولاشیدی
دارالسلطنه ده منصب الان و معزول اولان البتده اولعزیزی
زیارت و دست پوس انسدابلری ایله فخر و مباهات ایدرلیدی
ودوشد کجه امداد و انجادلریته مانوس اولورلیدی سنه ثمان
و تسعین و تسعمائه ده وفات ایتدی

(تفصیل حوادث عصر سلطان محمد خان) جلوس هائیونک اوچنجی
کونی عامه ارکان دولت تام لباسلرین چیقاروب دسلبوس هما یونله
مشرف اولوب اذعام عام و تر قیلر و یریلوب یالکزیکچیری طاقده سنه
الهی کره یوزبیک و التمش بیک التون و یرلیدی و مرده ایله مقنبداسیه
و اران بوستانچی باشی فرهاداغایه خدمتی مقابله منده تقود و تحف
یکرمی بیک فلور بیک قدر انصامات اولنوب کندور جائسه شاه
بوستانچی باشلیق بطریق التائید مقررقلندی سنجاقدن بیله کلن
لالا محمد پاشایه ذایلزی زوجی اولغین وزارت و یردیبلر و سنجاقدن

کان قوللری دفتر اولوب قانون اوزره دیرلکری ویرلدی اغالارک
 کینی میرا خور وکی قیوچی باشی وکیمنه یلویک اغالنی ویرلکله
 اعزاز یوردیلر وخواجسه لری منلا نوالی قبل الجلوس آخرته
 انتقال ایتکین سعد الدین افندی کا کان معلم سلطان جهان
 اولغله کاران اولسدیلر و ماه مزبورک یکریمی اوچینی چعه
 کیجه سی چاوش باشی افا کوندریلوب پدرلی زمانده دیاربکردن
 معز و لا کلد کده یدی قله ده حبس و تذلیل اولنان دیوانه ابراهیم پاشا
 ظالم و سفاک و بی بک اولد بیچون قتل اولندی و ابرتسی مرحوم
 پادشاه زماندن قلان اغال وخواجده و دلسزلکه فرجه یلوب
 اموره مداخله ایدرلیدی طشره چیقار یلوب اکثرینه مصرده
 بر مقدار علوفه تعیین یوردی و جادی الاخرده بیوک چیقمه فرمان
 اولوب ایچ اوغلاری قانون اوزره حرم همایوندن اوچاقلره چیقیدیلر
 (توجیه وزارت عظمی بفرهاد پاشا) صدر اعظم
 اولان سنان پاشا دولت محمد خانیده عدوسی اولان
 فرهاد پاشادن اخذ انتقام امید ایدرکن خلاف ملحوظ
 در دولتده فرهاد پاشا قائم مقام بولمغله جناب پادشاهی به تقرب
 حاصل ایدوب جادی الاخره تک التبی کونی که پنجه شنبه ایدی
 وزارت عظمی کند و سنه احسان او انوب مهر جدید ویرلدی
 و مهر عشیق اخذ ایچون سنان پاشا به آدم کوندردی مزبور دخی
 بلغراد قشلا سندن جان آتوب کلورکن بولده خاتم وکالت واران
 آدم مصادف اولوب مهری الدی وکند و سی ملغره به فرمان
 اواندی بلغرادده و زرادن ساطورچی محمد پاشا قائم مقام و دفتر ار
 حاجی ابراهیم پاشاه ناظر خزینه و دفتر خانه او اشبدی دفتر لری
 مهر لیوب قلعه به قودیلر
 (فساد کفر افلاق و بغداد و هجوم ایشان بر ابراهیم و آفکرمان) مقدمات

بغدان و بودیسی آوردن بشیر اوزرینه واروب میرندراجدبک غزات
ایله متغفا قبله و جنگ ایدوب نکرا کلنی و آفکرمان اوزرینه کلوب
افکرمانی محاصره ایلدی اهل ولایت مقدما غازی کرای خاندن
استمداد ایتمکله عادل کرای برقدار عسکر ابله ایریشوب هجوم
ایند کلرنده قراری فراره تبدیل ایدوب ملاعینک کیمی مقتول و کیمی
فرار و بیجه سی دخی اسیر اولدی افوق و یوده سی میخال ملمون
سر عسکر خباثت اثری ابرئله کوندروب علی الغفله باصد قلمنه
خلقی قلعهیه کیروب کفار واروشنی تالان و احراق ایلدی و طبور
فوروب محاصره یه اغازایند یگر نکرا اوج درتیک تا تار صبارفتار
عسکری بوز اوزدن طونه بی کچوب امداد ایتمکله طابور لری بوز بلوب
بیکنن زیاده کافر قیرای تکرار ملاعین خاسرین مجسار واردل
و افلاقی اشقیاسندن یگریمی بیک قدر عسکر جمع ایدوب طوبولر ابله
کلوب ابرائی محاصره نیتی ایله هجوم ایند کلرنده اهل قلعه قارشو
چیقوب برقدار جنگ و ییکارایت دیلر لکن کفار خاکسار بسیار و مقاومت
مشکل و دشوار اولغله قلعهیه کیروب جنگه باشلدیلر طونه نك
بوزی چوز بلوب امداد عسیر اولدیغندن ناشی کفار امین و ترسه کیروب
قلعهیه دوککه باشادی و لغملر یوریدوب عظیم جنگ ایتمکله خاق
ما یوس اولوب ویرا یله چیقغه مشورت ایند یلر قهر چاوش محمد بک
و مصطفی چاوش ارا یه کیروب مجاری کلرینه دیلر نیجه یمین و یروب کسنه یه
ضرر اولیه جفته کفیل اولغله کیلر ابله جله سی اوتیه بقایه کچور ملک
اوزره قول اولندی بعده امت محمدی کچور کن ییک بول قدر
ماللر بی برنده القویوب خلقی فریاد و فغان ایدر کتموروب
چیقار دیلر و کفسار احاطه ایدوب اهل اسلامدن کزیده لری اسیر
یلدیلر و کیمینی صویوب و کیمینی اولدیلمکه باشلدیلر قهر چاوش بوعلانی
کورده بره کذا بلرقنی عهدیکنر ملتند بوا اولدی دید کده مجاری بکری
قلمر ابله کفاری منع ایدوب بر قاجنی اولد ز دیلر و خلقی طونه دن

پکور و ب کوند ردیلر و میخال ملعون مقدما ذکر اولند یغی اوزره
مرعش بکلبکبسی مصطفی پاشای شهید ایتمکله طغیان مزید
اولوب هر طرفه ایصال شرو شور ایستد کده عسکرندن
درت ییک قدر کفار سلسیره طرفه خانه کیدوب سلسیره میرلواسی
مصطفی بک اگاه بولتمین جمع عسکر جرار ایله اول ملاعینه سد
رهکنذار اولوب درت ییک کافردن یوزی قور تلیوب قلچدن
پکور دی و تمام انتقام حاصل اولدی

(سرداری فرهاد پاشا بجانب افلاق و بغداد) سابقا برکوک تخریب
اولدقد و درولته فریاد نامه لر کلوب میخال ملعون همجواری
اولان ملوک کفاردن استمداد ایدوب یوزیکه قریب لشکر
منخوس الاثر ایله عمو مانهر طونه و بحر سیاه ساحلنده اولان واروشلری
تخریب و غارت و عباد الله ایصال خسارت ایلدیکی خبر لری واصل
سمم همایون اولدقد و وزیر اعظم سردار اولوب اول بهارده اول جانبیه
کنسکه ما مور اولدی و مهمات لازمه کوریلوب نوروز دن مقدم
هسا کر نصرت ماثر ایله کلوب انجمنکا هه قاشمق اوزره امراء
جوانیه اوامر مطاعه کوند رلدی و روسیه قدن برکوک یقاسنه
عبور ایچون جسر و مهمات و طوبازلر و کراسته احضاری ایچون
امر عالی اصدار اولوب مهمات لازمه و استادان ماهره تدارکی
باینده سلسیره و نیکبولی وودین امراسنه مؤکد تذهیلر اولندی
و صدراعظم و انجیده کین ممکن مرتبه محافظه اولنق ایچون اناطولی
بکلبکبسی لالا محمد پاشا سردار تعیین اولوب و دینه واردی سنان
پاشا زاده محمد پاشا کهروم ابلی بکلبکبسی و بودین محافظه سنده
ایندی منصبی و دین محافظه سنده اولان وزیر حسن پاشایه
ویریلوب احضار مهمات مذکوره به ما مور اولوب و سنی محمد پاشا
بودیدن قاقلوب بلغراده کلدی

(غلوی سپاه بر فرهاد پاشا) فرهاد پاشا سفر مهمانته سعی اتم
 او زره ایکن سنه نشت، والف شعبانك اون ایکیچی **كوف**
 دیواندن چیقوب سرایشه **ك**یدردی مکر مقدما کجه
 قلعه سنده اوج سنه قیایوب محافظه خدمتی ادا ایتد کد نصره
 بلوکه ملحق اولتی شرطیه اداء خدمت ایدوب کلان اون ییک
 قدر قول اوغلاری ملازمتدن عاجز اولوب دیوان عالی قبول سنده
 فرهاد پاشایه سلامه طوبوب محافظه خدمتتری ادا ایلدک
 شرط بر موجهه اسمایلریمز آستانه دفترینه کجوب علوفه لریمز
 دردولندن چیقسون انتظار **چ**ک مکنن حالیز خراب اولدی
 دیوانده ابرام وادازه کلام ایتد کلر نده فرهاد پاشا بونلره سزک
 وظایف کجه و تبریز خزینه سندن ویرلک فرمان اولمشه بر نیچون
 امره امثال ایچوب فتنه انکیز اولور سز اولوالامرہ اطاعت ایتینلر
 کند ول کافر و صورتلری یان اولد بغین بلز مبرز دیوب او زره لینه
 عافله هجوم ایتش انلر دخی بو کلام فتنه انجامدن مضطرب اولوب
 سر عتله بلوک خلق اراسنه کیروب اوج سال علی وجه التکمیل
 کجه قلعه سن امدادن محافظه ایدوب وظیفه لریمز ی طلب
 ایتد یکمز ایچون بری اکفشار ایلدی بویله سز داردن نه او مارز
 دیونجه کفتار فتنه کارا بله تحریک فساد ایلد یلر آخر کار جله
 سپاهی و سلحدار طائفه سندن وزیر سابق سنان پاشا و ادارلری
 دخی انلر ایله همزیان اولوب ابرته سی دیوانه کلد کلر نده فرهاد
 پاشانک باشی کسلمنج، علوفه الماز زدی مکه باشلد یلر و هر کیم علوفه
 کبسه لینه یا پوشوب کو تورمک دیلدیسه طاشلد یلر اغار اول کروهه
 پند ایدوب سویلد یلر سود منسدن اولدی چاوش باشی و قوجا یلر
 کتخدانی واروب نصیح و پند ایلد یلر طاشه طوئیدلر انلر دخی
 فرار ایدوب کتد کجه فتنه لری ازدیاد بولوب بالاخر مچه کجه لورک

علوفه لرین تسلیم ایدم ممزك مراد بكن نه ايسه مساعده اولسور
 ديديلرنا ثيرايتوب برافه قبول ايترز ديوان قپوسندن وزراي صاغ
 چيقارمز البته بزه فرهاد پاشا ملك باشي ديوملمته لرين عرض
 ايتد يار و ترك ادب ايدوب هتك حرمتده مصر اولد يار بوقضايلا
 پادشاهه عرض اولند فده قاضيكس كرلي نصيحتده كوندر ديلر كه
 شاهه باقي افندي وابو السهود زاده منلا افند پدر وارد قلنده انلري
 دخی اسلموب فرهاد پاشا ملك باشي ديواياقي باصد يار اول محل فرهاد
 پاشا دخی پايش سريرا علايه عرض وانها ايدوب بن بنده دن صادر
 اولان كلام محانده لالا محمد پاشا وسائر وزرا حاضر ايد يار كه اطاعت
 اولي الامرا ايتينلرك ديتار بنده ضرر مقرر ديدم بوسو زده
 نه خطا وارد بوقولكر ديتادن كنه كله پادشاهه وزير اكسك اولمزلكن
 بومرادلر يته مساعده اولنديغي صورتده ككیده رك طغيا نلري
 اشتداد بولوب مقاومتلري مشكل اولور بر مرتبه كه تنفيذ احكام
 بكن اولن بوغانله دفعنده تدبير صائب بودر كه بكيچري اغاسي
 حالا عرضه ككيد كده شفاها ثنيه همايونلري اوله كه
 او طه اردن مسلح زاده جه بكيچري كدور بوجبه خانه التده
 طورهل وبوستا بچي باشي قرلاري مأمور اوله كه توانا بوستانچيلردن
 وافريني پرسلاح دمور قپواو كنده مهيا ايليدل وجهه سي
 اشارت عاليه مترصد اولهل وزرا ديواندن چيقد قلري وقت سپاه
 هجومه تصدي ايدرل ايسه هر طرفدن اورتا به الوب جزا ريني
 وره لر وزير اعظمك بونلحي طبع همايونه خوش دوشوب
 بوتد بيري قوه دن فعله كنور ديلر قاضيه مسكرل عرضدن چيقوب
 وزرا عرضه كير مشرايدى بالذات فرهاد پاشاه خطاب ايدوب
 بيور ديلر كه سن بالكر بونده طور بنم طرفدن تكرار وزير لر م واروب
 نصيحت ايتسو نلر كار كر اولمز ايسه رأي سابق اوزره تدارك ريني

كوره لم في الحقيقة وزير اعظم حضور پادشاه معظمه توقف
 ايدوب وزرا سپاه طاشقه سنه نصيحه وارد قلزده اول هتاك
 بي باكلر اسلوب طاش اوروب هجوم ايتد يلا اول محل يكيچرى
 وبوستاى اشارت عليه مقتضاسنجه بوشانوب واروب آن واحده
 سپاهى طاشقه سنى طاشغنديلر ايكي كشي بر پرده قالمىوب
 منظم وقتنه لى منعمدم اولدى اول غوغا ده داماد خليل پاشا نك
 باشى ولا محمد پاشا نك بازوسى طاش زخبله آزرده اولوب يكيچرى
 اغاسيله معا ديوان خانه به كلد كارنده تفصيل حال عرض اولندى
 وديوان طاشغندى فرهاد پاشا بنوب سراينه كلدى ودينى تفكر ايدوب
 تحريك اشقيايه باعث كندونك دشمنى قوجه سنان پاشا ايله جغاله زاده
 سنان پاشا هواردارلى اولماسنه جزم عرض ايدوب سنان پاشا
 حقنده كوزينه ميل چكيلوب قره حصاره اجلا اولنوب سارلر ينك
 دىنى حصار ندن كلننك همچون فرمان پادشاهى صدور ايدوب
 اول تداركه عزيمت ايتد كده بهمن عقلا محرملى وغازلى نصيح
 ايدوب بوست سببسه امشاه جريان ايدوب اقرا نه مراتب ايدر
 ديوميل قضيه سندن فراغت رجا ايتد كلرنده سنان پاشا يى
 ملقره به وجغاله زاده يى قره حصاره اجلا ايله اكنفا ايتد درديلر
 و اعثفته درديو سپاوش پاشا يى قونيه ينى ايدوب سارمظنه نهم
 ارلان وسايط شروشوره جزلى ويريلوب فتنه بالكله دفع اوارى
 و ابرئى طرف سلطنت دن يكيچرى زمره سنه يوزيك غروش امام
 اولنوب واون نفر اوجاق غازلى خلعت ايله اكرام اولندى
 (توجه فرهاد پاشا بچانوب افلاق) مفر افلاقه خروج يراغى كوريلوب
 سنه ثلث والفسه بانك اون پدنى كوتى وزير اعظم فرهاد پاشا
 لاي ايله داوا سلطنه دن چيقوب داود پاشا به نزول ايتدى وزيثانى
 بولر ان ابراهيم پاشا قائم مقام نصب اولندى يكيچرى اغاسى

بمشجعی حسن پاشا آستانه ده قالوب زغرچی باشی اغااوان بیگ یکجیری
 نغراتیله سفر همایونه تعیین اولندی واون قطعه قدر غه ایله
 طوباروسا ثر مهمات طونه ایله روسجغه کوندرلدی لکن داماد
 ابراهیم پاشا که قائم مقام ایدی اگر چه صورتاً بتیم مهمات شغلند
 کورینوردی اما فرهاد پاشایه مخفی عداوتی اولدیغنه بناء فیجیه
 مهماتده اغراض ولو ازمدن اعراض ایدردی فرهاد پاشا انیسای
 طریقه پادشاهه استغاثه نامه لر کوندر وب بکرش اوکنده دشمن
 مهیا اولوب سرحد یمن اولان روسجغه قریب اولدق هنوز یاغزده
 عسکر قلیل بولنلردخی علیدر دشمنک حغندن کلکه جمع کثیر
 وبوبابده عسکر لری بوسمتسه تنغیر کر کدر دیونچیجه کره اعلام
 ایتشیدی ابراهیم پاشا ایسه پادشاهم عسکرک قای فرهاد پاشادن
 تمام نفرت اوزره در آنک اوکنده عدویه سینه کر مر لر زمانده مامول
 اولان وجه اوزره مصلحت کورمر لر جله عسکری قلیچدن بکچورسه
 دخی کدویه اعتبار وعلی التنده طور معنی اختیار ایتن لر دیو عرض
 ایدوب بو کلام حیلله انجسام سیاقنده مفتی الا نام اولان بوستان
 زاده بی کندویه هم زبان وقضاة عسا کردن باقی فندی بی ووزرادن
 جراح محمد پاشا و حسن پاشا و جغاله زاده بی کندویه همدم ایدوب
 رایحه عرض اسنشماسم اولنماسون ایچون بکاسر دارلق کرکر
 وصدارت ایچون غرضم یوقدر مرادم نصرت دین و دولت و پادشاهمه
 سزا خدمت در دیوب قوجه سنان پاشایی فرهاد پاشا اوزرینه ترجیح
 وبومضایی نیکجو اهلحق سیاقنده تصریح ایتدکده سنان پاشانک
 برفاج بیگ التونی ایله مسموع الکلام اولنلری ارضا ایتمکده بوبابده
 ابراهیم پاشانک قولتی تأیید ایلدکلی اجلدن کلامی کار کر دوشوب
 طبع پادشاهی فرهاد پاشا عزتسه میل ایلدی
 (احوال فرهاد پاشا) فرهاد پاشا ایسه شعبانک یککری
 برنده داود پاشادن قاقوب چورلیه وارد فده بیسک نفر

تغلك انداز قول فرنداشى يازلىق فرمان ايدوب حسين نام رسامى به
افا لغنى ويردى وهر مترلده تحرير اولتوب وقت عصرلر ده اوتاق
اوكنده سلاملر ايدى

(عربده طوبيجيان واخوانان قول در ادرنه دارا المنجه) رمضان
شريفده ادرنده اون كون اوتوراق فرمان اولتوب بو ائشاده عتيق
سفر ايدن درتوز نفر طوبيجى كلوب حالا فرمان اولان موجوده الحاق
اولتوب بونلره باشقه بر چادر اوته لى ايچون لازم اواغله اريدوده
بركبير چادر فروخت اولتوركن آلوب قورديلر قول قرداشلرى
دخى مزبور چادره مشترى چيقوب ويره سيه استد كلرنده صاحبى
طوبيجيلره نقد ايله بيع ايتد كندله كره تكرار طلب ومغروانه طوبيجيلر
چادر بنه هجوم ايلدكلرنده طوبيجيلر دخى جمع اولوب نصيحت ايلديلر
قبول ايتجوب شتومه آغاز ايتد كلرنده بونلر دخى قالدوب كينى
دوكلوب وكينى بحروح ايدوب طاغند قلدننده صاحبده ولته واروب
شكوا ايلد يلر بوزو بربوب جلله سنى مردود ايلد يلر بواشاده
رمضانك ايشنده بغدادن وافلاق ولايتلى ايلات قينوب بغدادن
سابقه شروان بكلر بگيسى جعفر ياشايه وافلاق ساطورجى
محمد ياشايه توجيده اولتوب جلله محالكى مقاطعه اولقى اوږده قيد
ودفتر دارلغى دخى يكبشههرلى محمد بكه ويرادى وان ايكي بيك
موظف قول يازلىق فرمان اولندى

(وصول فرهاد پاشا بنهر طونه) ماه شوال مكرمك
اواخرنده وزير اعظم كلوب روسمجنه داخل اولد قده كوپرى
جكراسته سى مهيا قلنشيدى نيكبوليدن طوبياز كلوب
غرة ذى القعدة ده كوپرى پئاسنه مباشرت اواندى دل طوبيلوب
ميتخال كفار يد فعال جمعيتى ايله بكرشده اولديغى واردل ومجلردن
يتش بيك قدر امداد كلديكى خبرى الدى ماه ذى القعدة اولنده

روم ایلی بکلیر بکسی حسن پاشا افلاق و محار دن اخذ ایلدیک
 بشیوز قدر اسیر درت یک قدر پاشا ایله الایلر کوس تروب کلوب اردویه
 خلق اولدی وزیر اعظم سکر دیرکلی بر سایه بان الشده اوتوروب
 کوپی احوالنه ناظر ایدی بش الی کونده کوپی و سنجق اوکونده
 نه وسطنده واقع اطسه یه اولاشوب اونه سی بر کوکی قلعه سنه
 وارنجسه واسع اولوب انجق بشیوز قطعه طو نیساز کیلر یله تمام
 اووردی قلعه یه قریب بر مقدار صیغ اولغله فاز قرا یچون کیر
 بالوانلر قطع اولغله سنجاق بکلیر تمین اولندی کوپی بووجه له
 یاپلغده بلغراد ده درت بلوک خلق ایله دفتر دارسابق ابراهیم
 پاشا مواجبلرین و یروب اوتور لر ایدی وزیر اعظم فرهاد پاشا
 دخی میخال بد قمال غا ثله سنی بر طرف ایتد کد نصکره بنغرا ده
 کتک تخمیننده ایدی

(=) وزیر فرهاد پاشا و وزارت سنان پاشا (مقدما ذکر اولد یغی
 اوزره داماد ابراهیم پاشا و سارستان پاشا هوادار لی فرصت بولوب
 غمز و تنفاق ایله طبع یادشاهی بی فرهاد پاشا دن تحویل ایتد بر دوب
 بالاخره معزول ایتد دیلر سنه ثلث و الف ماه شوالک سلخنده
 سنان پاشا دعوت و مهر وزارت کوند لر دی ذی القعدة غره سنده
 کلوب صدر وزارتده قرار ایتد کده سنی فرهاد پاشا انک ازاله سی
 تدارکنه باشلدی میخال ضال ایله مخفی متفق و عسکر اسلام
 اهدام خصوص سنده یکدل و عهد در دیواسناد مسامحات ایله
 مرتکب کفر و ضلال اولمشدر دیو کفر و قنسه قنوار ایتد یروب
 مهر خافانی بی الوب وجودنی ازاله ایتکه قبوجیلر کتخداسی
 اجدادغا تمین اولوب بدینه خط همایون ویرلدی وجهه خانه
 و مهمات سفر یه بی ضبط ایچون باشقه بر امر عال ویرلدی بر قاج کون
 مقدم فرهاد پاشایه کد و آملرندن بعضیسی جان آتوب ایرشدی
 وقصه بی بیلدر دی بیچاره فرهاد پاشا نک جان باشنه مهر ایوب

چنانچه تدماً یوس اولدی انجق شوقد رندارک ایده بیلد بکه دیوان
 ایدوب طرف دولته ما جلا کتمک لازم اولدی دیوب یرار وتوان
 آد ملردن اوج بیک قدریماد رایله بنوب تحقیقه مهری ساطور بی
 محمد پاشایه و یردی ومهمات سفریه وادوات جنکه هر نه لازم
 ایسه جله محمد پاشایه تسلیم ایدوب اهور عسکری هلی ملاء الناس
 توصیه ایلوب اتباعیله آت بویینه دوشوب قیو جیلر کفخدا سنه راست
 کلبه جک بر یولدن ماه صافی السیر کی چکلبوب کندی وآستانه
 دیو کیجه بی کوندزه قاتوب یوریدی قیو جیلر کفخدا سی
 احد اغارو سجنه کلب ایکی کون مقدم فرهاد پاشا کتمش
 یولغله ساطور بی محمد پاشایله معا واقع حالی درد و اندر عرض
 ایتد یارسان پاشا هنوز استنا نبولده ایدی وشام قولری سفره
 کلسلرایدی سنان پاشا شام عسکرینه فرهاد پاشا مک قتلنه فتوای
 شرعی الفخوی وارد باشی بنم مالی سرکدر دیوب اول سواران
 بی باکی بولنه صالیدی فتوا مک تفصیلی بودر که طونه یالیرینک
 آکزدن فرهاد پاشایه شکایتچیلر کلوب اهل و عیالیز کافره
 اسیر اولدیغندن ماعدا مجلسلرنده عیالیزه قدح سوردر لر غیرت
 اسلام یوقیدر دیدکلرنده عنف ایله یاسن انلرک عورتلرین
 اسیراته سدیکیکز خوشمیدر دیمش اوله وبوند نصکره کفر و قتل لازم
 کله بوستان زاده نک فرهاد پاشا ایله عداوتی وسنان پاشا ایله
 صداقتی صورت شرعه قویلوب فتوا یرلک اقتضا ایتشیدی
 سلحدار غاسی رضوان افاشام قولی ایله اوزرینه کوندرد کد نصکره
 وزیر اعظم سنان پاشا دخی کشد و تدارک کوروب سفره چیقه مقیمه مانده
 شروع ایلدی کوندریان شام قولی بولنده فرهاد پاشا مک نرینه سی
 قطار قطار کلورکن راست کلوب بی محابایما ایتدیار حتی کندیسی
 بر محل مرتفعده ناظر ایدی بر غیریدن مغوار که شام قولی

فرهاد پاشا به راست کلدکارنده فرهاد پاشا بچاق کبسه سیم وزر
صا چوب اول طائفه غارت نفوده مشغول اولاد قلزنده وزر مذکور
اوزایوب مسافه قطع ایلدی شب امیر اقسام مالدیه بر ریله غوغایه
دوشدیلر و یوللرده دوکیلن اثوابی یغمایه اوشدیلر فرهاد پاشا
استانجه طاعلرینه دوشوب قرب استانبوله یتشوب لیزوز نام محله
اولان چفتلکته غره ذی الجله ده وصول بولدی و انده اختفایدوب
نفود و جواهر دن هر نه سی وار ایسه والده سلطان حضرتاری
طرفه اهدا ایشدی جرمی عفو و لنق مژده سیله مسرور اولدی
سنان پاشا روسجغه ایریشوب فرهاد پاشا مهندن فراغت ایتشیک
آشنا نده قائم مقام اولان داماد ابراهیم پاشا برخدعه غریبه دخی
انشا ایدوب الامان اوغلی دیمکله مشهور صلون نام یهودی و ساطتیه
فرهاد پاشا دن بر مرصع خنجر آلوب جرمی عفو اولندی اختفادن
ظهور ایتسون چفتلککنده و قنده دیلر ایسه متمکن اولسون دیوب
بومضمون ارزده عفو متضمن خط همایون چبقاروب کوندر کده
در دمنده غافل اول خطی بران امان ییلوب خط همایون و کلام ملوکده
خلاف مقتضای فذل و انصاف ذکدر اعتقاد یله ایشانوب
اول اغاری ظهوره باشلدی بعده ککند و دخی چفتلککنده
روزی دیوب احبابی واروب زیارت ایدوب اصدفا سیله کور شمکه
باشل یغی کبی بر سحر اقتضای قضا و قدر ایلد بوسانجی باشی
فرهاد اغا بلای ناکهائی کبی زور بازان بی امان ایلد چفتلکی
باصوب پاشایی اخذ ایدوب کتوزوب یددی قله ده حبس ایتدی
سنه اربعه و الف صغریه کونی ایدی بعد القروب ابراهیم
پاشا او قبی زاده قلیله بر تلخیص انشا ایدوب پایه سر راعلایه
ارسال ایتد کده مدلولنجه فرهاد پاشا قتل متضمن خط
شریف صدور ایدوب چارش باشی حوران سلیمان اغا کوندر ایدوب

وقت مشاهده قلل سبعة به اربوب زخم کند کشته بی امان ابله
اول دستور و قوری بی جان ایلدی مر حومک جسدی جوارا یو بیده
مهیا ابتدا یکی کنیده مد فون اولدی

(کلام منصفانه) مرحوم فرهاد پاشا نیک بخت سفر زنده بود در
خدمتی و شاه او غلنی کنور و پاشا اعدایه بو مرتبه حقارتی
مقابله سنده بو وجهله مکافات اولندی مرحوم سلطان مراد خان
پاشای مر حومک قدرتی یللوب دائماً حایت ایدردی لکن سلطان
محمد خان صاف دل و سادۀ درون حبله و خدعه واد بلیتیه هنوز
غیر منتظن اولغله غرضه مبنی مصلحت کلامه اعتماد بیور و پاشا احوال
بو یله اولدی

(تفصیل توجه توجه سنن پاشا بجانب افلاق) پاشای مر بور سنه
ثلث و الف ذی القعدة سنک اون برنده داود پاشا سحر اسنه چقمشیدی
و آستانه ده ابراهیم پاشا یشه قائم مقام قالمشیدی سنن پاشا ادرنه به
واروب و آندن چالق قواقی در بندندن کچوب شیمی دن و هزار غراندن
واروب ذی القعدة او اخرنده اردویه داخل اولدیلر مذکور
کوپری پرکوک حصارینه قریب اولمشیدی اتمام ایتدی پر یارب
ذی الحجة تک نصفنده وزیر اعظم جلّه عسکرایله کچوب وروم ایل
ایالتی عسکرایله والبسی حسن پاشا چرخه بی و ساطور بی محمد پاشا
شام قوی ایلّه صاغ قوله و سلا نیک و نیکولی بکری کوپری
محافظه سنه تعیین اولندی آستانه دن کلن یدی قطعه قدرغه
دخی چیه خانه و مهمات ایلر و سجنه یناشوب ذی الحجة تک
اون یدیسنده پر کوکبدن دخی کوچلدی و قالو کران باشی که
بیشه زار در بند اولوب ایلروسی بکرس بوغازی و آندن
بکرس درت میل ایدی اول منشه زاره نزول اولندی بوغازه
قرارلار واروب خلق سکونده اینکن بکرس بوغازدن

نوز قویوب کنار الایلری نساها ولدی آت او غلانیری اور کوب
 چادرله کلدیلر عسکر بنوب قار شولدیله وزیر اعظم صف
 باغلیوب اوکلنده اولان بتاغه تختله دوشه یوب ییکچری
 طاغله سی میشه زاره دوشوب وطاغ باشنه اون شاهلی طوب
 چبقاروب کفاری طویدیلر اورته یولدن عسکر اسلام
 یوریوب ملاعینی کیرویه سوروب طویدیلر یز یلوب غایه صورتن
 کوستردیلر پراز کا فر قریلوب وقت عصرده باقیسی پریشانلق
 ایله یوغاز اوکنده طوردیلر جمله عسکر آماده وزیر قالدو کران
 دربندینک بری باشنده قرار ایتدی کفار بکیش یوغازنده
 آتشلریاقوب غلغله و حرکت اوزره بیرا قلدایله کیچه ایچنده
 برالای جاموسلری سوررلردی بهجه التوار یخنده مسطوردرکه
 قالدو کران کوپریمی قرینبده که اورمانلی و بتاقلی محل ایدی
 نزول اولند قده برالای کفار چیقوب قتله باشلادیرو اورمان
 اغزینده طویدیلر و تفتکچیلر دو کولوب مضایقه و پردکلرند
 ساطورچی محمد پاشا حیدر پاشا حسین پاشا ایاس پاشا زاده
 مصطفی پاشا عسکر و افرایله کوپرونی کجوب اهدایه مقابل
 اولدی یلر ضحوة کبرادن بین الصلوتینه دک محکم جنسک ایتدی یلر
 دشمندن اون ایکی طوب انقهله کرچه غلبه کورندی لکر
 محل مزبور بتاق و اورمانلی یول اولغله سالف انکر محمد پاشا
 قاجرایکن مجروح و حسین پاشا و حیدر پاشا و مصطفی پاشا
 بتاقلره باتوب شهید اولدی یلر سردار اعظم حضرت تلی من ذریع
 الفتن حصه المحن * خواستجه اول سال فحوست مالدیه کندودن
 غرضه مبنی صدور ایدن احوال شامت مال نتیجه بخش سوء حال او اوب
 کما ذک بوهجومنده کندودنی قاجوب بر بتاغه دوشدی
 ورخشندن ایریلوب بتاغک برندن چیقوب رینه دوشه رک

اوتوروب کاه طور رکن حسن نام بروم ایلی بهادی ایشوب
 ارقه سنه الوب بتافدن چیقاردی مزبور دلی حسن تاجی اسمیه
 اشتهار بولوب صکره قوجه مراد پاشایه دلی باشی اولمشیدی
 (فرار کفار خاکسار) اول کیجه ضررین طویلر اوزرنده
 بریکچرینک فنیلی وزنه سنه آتش اولاشوب باروقی هلولده کده
 فربنده اولان باروت سرکیلرینه واروب برکوردی ودخان
 پیدا اولیجی عسکره غلغله دوشوب کلانک صداسی آفانده
 چیقادی کفار لشکری عسکر اسلام شیخون ایتدی دیو
 بربرینه کیروب کیجه ایله فرار ایتدیلمیخال بد فعال ایلغار ایله
 بکر شه واردی وپراز کافر عسکری بغداد سمتنه کتدی
 بعده اردولرین قالدیروب بکر شه قرار ایتدیلمیروز
 قلنده وقت تک اولغله اورمانک اوتیه باشنه صحرایه وارلق
 عسیر اولوب کیرویه هودت و نزول اولندی ایکی کون مکت
 اولوب کفاردن دبل کتوردیلر کفارک بکر شه واردیغی
 خبر ویرمکله ذی الحجه تک اون سکرنده حسن پاشا عسکر ایله
 کچوب دریندی مرور صحرایه نزول ایدوب اقباجلر نواحی به
 طاغیلوب اسیر و ذخیره و حیوانات سوروب کتوردیلر
 میخال بکرشی تخلیه ایدوب ترغویشته یه واردی انده
 دخی قرار ایتوب اردل سبنوزنده اولان صعب الارطه غلر
 جانتنه کتدی وزیر اعظم ذی الحجه تک بکر می سنده دریندی
 کچوب عسکر ایله بکر شه واروب صحرایه نزول ایلدی بکرش
 کلپاسالینه محراب و منبر وضع وانوب غازل قلندی وقبله اوزه
 وضع اوانسان یالددلی طویلری و صلیلری قیروب سورتلری بوزدیلر
 (مشورت سردار برای دفع کفار و بنای حصار) وزیر اعظم
 اوناغنده اعیان وارکان جمع اولوب افلاق و بغداد و لایتلری

کافره ویرلدن هر بار نيمه کدورت و عصيانلری باعث مشقت اولبور
همان بونلری باکلیسه رفع ایدوب بعد الیوم بره ستمک قلعہ
بنا اولوب باشقه پرایالت قلعہ و ترغو شته دربتدینه دخی
بر قلعہ بنا اولنه دینلد کده حاضر اولبور ائی صواب
ظن ایدوب قرار ویردیلر تلخیص یاز بلوب آستله یه کوند رلدی
وایاتی ساطورجی محمد پاشابه ویرلدی وزیر اعظم بجه اعیان
ایله بکرس واروشنه واروب الکندره و بوده نک ماستریکه
قدیمی قلعہ یری ایدی معمار لری یکی قات حصار لرینی ذراعہ
الوب تعمیر ایتکه مباحثت ایلدیلر و کراسته و سائر مهمات
تداریکی سپارش اولوب ذی الحجه نک اواخر ند قلعہ بناسنه
شروع اولندی و اون یکی کونده اتمامه ایردی تفصیلی کله چک

سالده ذکر اولور

(ذکر حرکت کفسار دسرحد انگریس)
سنان پاشا زاده
محمد پاشا سردار اولوب انگریس سرحدی محافظه سنه
مأمور امه شوالک غره سنده بودینه واروب بلغراد دن دونمایل
کلن ذخیره بی در انبار ایدوب اطراف قلاع سرحدیه نوبتیار
کوندروب کندوسی چادر لریله کرز الیاس نام محله چیهادی
انا طول بکسر بکسی و بوسننه و قرمان و سواس و بودین
و طمشوار و حلب و سکتوار بکسر بکسی و یکیزی کتخداری
و سپاه و سلطان و علونجیان یمن و علونجیان بسار بلوکلری
اسکی بودینده در نک ایدوب اوتوردیلر و واجب و ذخیره لری
ویرلدی و یچده تمجه قرالینک جمعی اولوب طلبوری بو طرفه
کله جکدر دیو یاقی بکسر بکسی هتمان پاشا دن خبر کلدی
بعده ذی القعدة و اواخر ند کفار الی پیک قدر پیاده و بکری
یک قدر سوار ایله کلوب استرغونی محاصره ایتدیلر بر و طرفه

سردار و سائر بکمر یکی جله عسکر اونیك قدر انجق وار ایدی
چوقلق دشمنه وارلق معقول کورلیوب دشمن مقابله سنده اولان
طاغده ارقه و پروب اوتوردیلر که امداده حاضر اوله لر و قلعه بی
دو ککه ممکن مرتبه مدا فعه ایده لر
(توجده عسکر اسلام یحجاب استرغون و انهرام شدن ایشان)
غره ذی الحجده سنان پاشا زاده که سردار در و بودین بکمر بکسی
صوفی سنان پاشا و طمشوار بکمر بکسی میخالیجلی احمد پاشا
و سکتوار بکمر بکسی تر یای حسن پاشا و حلب بکمر بکسی
محمود پاشا و یانی بکمر بکسی عثمان پاشا اونیك عسکر ایله
استرغون اوزدینه واریلوب مقابله دشمنه قونیلر وارلدیغی کون
بمقدار جنگ اولوب ایتسی ینه دشمن اوزرینه واریلوب کافر
طابور دن چقبوب قات اندر قات دیزلدی عثمان پاشا کفاره هجوم
ایدوب الدیغی جکردان قلعه سن بر اقدردیلر و اول جانبده اولان
طوباری چوبلد کلدن کفاره دهشت کلکله دردنجی کونی الینی
ترتیب ایدوب کیدرکن سردار اولان بادکار عارضی جرأت تحصیل
ایچون مست و لایعقل اولوب آت ارقه سندن استفراغه باشلیوب
کندوی بتورمشیدی همان یور یسونلر دیو سوزلر دی کورنلر طعن
ولغنه آغاز و عسکر ک ارادلی زبان درازلق ایدوب محمد پاشا و عثمان
پاشایه چاوشلر کلد کلد بوسغیهک سوزنی اشپکدن اولک یکدر
دیو یوز و دیلر دپه دن فریسه وارلدیغی کی کفار تغنک سر پوب
نیجه غازیلر ایله عثمان پاشا شهید اولدی بعده طونه یالپسند اولان
یکی طایفه که کفارک مژساری ایدی اکا توجده اولنوب طایفه بی
فتح ابتدیلر و ایچنده اولان ملاعینک کیمی طونه یه دو کیلوب و کچی
مقتول اولدی در حال کفسار طابور دن امداد ایدوب یوریدیلر
ایکی عسکر میدانده بر برینه فار شتغه قریب اولوب طوب و تغنک

آبیلورکن سردار عسکر مستندی صانوب اتباعیه یوز دوندروب
بودینه طوغری توجه اینمکله ساری دخی فرار و بودین بولنی
اختیار ایلدیلر تر یای حسن پاشا نتیجه احوال بویه اولدیغنی
کورنجه اردویه کلوب چادرلین بوزدی جله آفرلغنی اوکوز
عربه لینه یوکلدوب واردین طوی که سلطان سلیمان مرحوم
یادکاری ایدی اوکوزلی قوشدروب بودینه طوغری کتدیلر
بعده سردار اولاغنه کلوب کوردیکه اوطاقده بر فرد یوق ذی قیمت
اشیا دو کلوب یاتور لوندات بر مقدار یغمالدوب بودینه
طوغری کتدیلر کافر بو وضعی حیلله یه جل ایدوب فرار یلری
تعقیبه مقید اولوب ایراقدن چادرلی طوبله برقی کلدی
برمنفس اولدیغنی ییلدکدن صکره چادرله داخل اولوب یغما
ایتدی اناطولی قولی سردار احوالندن غافل بر بار آشوری
موضعده ایدی بوسنوی شاه اوغلی سلسله شدن قره علی بک
اناطولی بکلر بکبسی لالا محمد پاشانک افر باسندن اولاغله بر ایکی
چور باجی ایله قلعه دن چیقوب پاشای مزبوره کلدیلر سردار
کندی سز نه طور سز آله بول ویرسون همان وقتله کیدک
دیدیلر بر مقدار کیدوب اطراف یارلری عسکر قابلس کوروب
عسکر اسلام صانوب توقف ایتدیلر کفار عسکری اولدقلرینی
قلعه دن استخسار ایتدکلرند مخصیر اولوب کچی کیده لم و کیمی
قلعه یه کیره لم دیوب هله ضروری قلعه یه کیردیلر اول کیمه
ارپه توزینده قلعه یه بیک درتوز آنلو کیردیکه معلوم اولدی
بول بکی شمنی پاشا زاده ییله کیره شیدی قره علی بک محمد پاشایه
سنه بر یرار قولاغوز قوشایم کفار غنیمت و عشرت و غفلته
ایکن بر ایکیوز قدر یرار آدملر یکن ایله چیقوب کیدک زیرابونده
محصور اولان بیکچری وقول اوغلی مایوس اولدقده ویره ایله

ویرلر نام سزك اولور دیدی محمد پاشا جوابنه . چقباسرق
 قلعه بی بوشالندی دیمزلی کتمک مشکلدردیوب قطعی جواب
 ویردی ایرتسی کفار قره علی بکی دعوت ایدوب کلسون
 مکالمه ایده لم دیدیلر امرای عسکر جله علی بکه واروب مقتضای
 حاله کوره جواب ویرمسنی معقول کوردیلر بر قاج امور دیده
 چور باجی قوشوب کوندردیلر او یوار جیزالی پانی مقلوش نام
 ملعونکه سرحدلده متعارف و معلوم و اسلامه عداوت ایله
 موسوم اولوب یانق قلعه سن افاج طوب ایله آلان خنزیردر علی
 بکه دیدیکه سزکله قدیمی قومشلیق واردر عساکرک حال
 معلومکز در سز و هیالکزه نافع اولان ویر ایله قلعه بی ویریکدر
 علی بک دخی جوابنده بزم عسکر یمنه نه اولدی انلرک سعی
 قلعه به باردیم قومق ایدی حالا انا طول بکیر بکسی محمد پاشا
 وشمسی پاشا زاده محمود پاشای اوج یک نفر توانا وکریده به سادر
 عسکر ایله کوز بکره قارشو قلعه ایچنه قودیلر قلعه بی انلر ضبط
 ایتدی بنم علاقم قالندی دیدکده ایرتسی فرق پاره طوب قوروب
 ملاهین قلعه بی دوککه باشلدیلر بوقصه نک یقیناسی سنه آیه به
 قالدی چونکه سردار محمد پاشا بودینه کادی وجوه عسکر بریر
 کلوب بعد المشاوره یانق ابالتی محمود پاشایه ویریلوب بلغراده
 عسکر سورمه آدملر کوندردی نوغراد واول حوالینک
 کافرلی بوکیفت وقوعند نصکره فرصتدر دیوب واج قلعه سی
 اوزرینه کلوب محاصره ایتدیلر ایچنده اولان عسکر مردانه
 دیره نوب قتی چوق حربی کافر دوشوردیلر کفار مایوس اولوب
 خائب وخاسر بونوب طشره ده بولدقاری حیواناتی سوروب
 کتدیلر سنه اربع و الف وقایعنده ذکر اولتور
 (اسیلائی میخال ضال بر حصار بکرش و ترغوشته)

وزیر اعظم ستان پاشا بکر شده اغاج و خشیدن حصار بابوب طوب
و مهمات لازمه و یک نفر بیکپری و یک نفر قول اوغلی یازوب
وضع ایدوب یک درت محرمک اون اوچنده ترغوشته صحراسنه
واردی خلقی مقدم فرار ایتکله خالی بولنوب بکرش کی بوکا
دخی اغاجدن قلعه یانغنه پاشلیوب ایکی قات و اطراف عبق
خندق کسیلوب برماهد اتمام اولندی طویلر و مهمات و عسکر
وضع اولندی و ذخایر و مواجیلری و یریلوب ماه صفر الحیرک
اون ایکنجی کونی عودت اولندی اولکی منزله نزول اولندیغی کون
میخال بد فعال عسکر ایله اورماندن چیقوب ترغوشته یه صارلدی
اردودن طویلر صداسی اشیدیلوردی اوج کونده ضربا و فहर
آلوب ایچنده قالان علی پاشا و قوجی بکی و ساراعیانی شبشه
صانچوب آتسه قارشو کباب ایدوب بقیه عسکری اسیر و قلعه یی
احراق ایدوب چکبلوب کتدی و اول کونکه قلعه تک محاصره
خبری سزداره کلوب استمداد ایتدکلرند عسکر اسلام مضطرب
اولوب طوررکن منزله کاهلرینه قریب اورمانلقدن اوچیزن نفر
کافر چقبوب روم ایلی عسکری واردقده جله بحر و منهرم
دوغمکله تعاقب مضایدن عسکر دهشت مستول اولوب تکرار
قلعه یه عودت پاینده مشورت اولندقده برتدار که بحال اولیوب
بالاخره بکرشه کلدیله اون بش کون اوراق فرمان اولنوب
عسکر و سار تجار مقدمه یکمک آردنجه اولغین بر فرد هرور
ایتدرلماک ایچون محکم تنبیه ایله آدمار تعین اولنوب کتدیکه
عسکرک تلاشی و هراسی ترفیده اولدیغی کورلدکده بکر شده
اولان طویلر چکبلوب جبهه خانه ل ایله عربره تحمیل اولنوب
یاهدقلری حصار ی بعد التخلیه احراق ایدوب قراره بحال قالمایچق
نصف اللیلده کوچوب کویری جاننده کتدیله و ایلمغار ایله بوغازی

کچوب پرکوی به کلوب اوج کرن اوزراقی ایتدیلهر و شاشقنقدن
 ناشی سوء تدبیر اقتضا ایتدیکه کو پریده آدم تعین اولوب اون
 بیک قدر هر ره واسیردن پنجک انسه ز پرامقدا عسکر اسلام
 اردل سنورینه افن ابدوب نیجه بیک هر به واسیر و دواب سوروب
 اردوده رخیص بهایله بیع ایتشلر ایدی سوری سوری اغنامی
 تبار الوب سائر اشیا ایله کو پریدن هرور ایدرکن امین و کاتب
 اوتوروب کچنلردن مال خمس دیواچه جمع ایدرکن میضال
 ضال کفار عسکرین سوروب قریب کلبیکی معلوم اولدقده اول
 مالدن کچیلوب سنان پاشا کیجه ایله کچوب جسه عسکره اذن
 و یرلدی صباح اولتجه یکپجری وطوپار وجهه خانه تک بر مقصداری
 کچوب هنوز سائر آغراقی برنده دو کلوب قالدی مزاجه دن
 اورتاقی روز حشر کی بر پردن غافل و تمخیر ایکن بین الصلوتینده
 کفار الایلری ظاهر اولوب کلوب پرکوی سحرانده طاپور
 قوردیلر و اغراقلره هجوم ابدوب بغما و غارته باشلدیلر
 و برکرو هی پیاده آلا یلر ایله دمه خنزیر مشالی طونه یا بستندن
 یوریروب بایردن طوب و تفنگ آتیه رقی کوروی اورتیه دن
 کسدیلر اوزرنده اولان عسکر و آغراقی طونه یه دو کلوب بهضایلر
 کو پری اوزرنده مدد الله دیه رله طونه اقتدایسی ایله کیدوب فریاد و فغان
 جهپانه زلزله و یردی بود فعه ده صویک اونه جانندن بو طرفه
 کچمه سی متعذرا اولان اهل اسلامه کفار بی امان قلیچ قویوب
 بر متفسد امان و یرمبوب قانلرین سیل روان کی اقتدای نیجه بیک
 نفوس اورتاقده ضایع و تلف اولوب اقبی طاشقه سنک اکثری
 قارشو یفساده بولنسا غله هیچ فرد خلاص اولوب اول زمانده
 اقبی کو کی کسلوب منقرض اولدی وطوب وجهه خانه تک اکثری
 نصیب دشمن اولوب پرکوی واروشنی ملا عین احراقی ایدوب

قلعه سنی دو ککه باشد بیلر بومرتبه مصیبت و خسارت بروقتده واقع
و بوبله انهمزام بر تار یخده ظهر وایتدوکی شوع بولماشد

(استلای کفار بر حصار برکوی) اول زمانده حصاره بر مقدار عسکر
قیسا عیشیدی بخا ذیل کفار اوچ کون دو کوب ماه صفرک اوتچی کونی
بور ویش ایله آلوب ایچنده اولان مسلیخی قتل عام ایدوب طویلری
دوندروب اردویه آغمه باشلدی

(اطاعت بغدادن بتاتارخان) بواثنده خان تاتار غازی کرای خان
حضر نلرندن نامه ایله اغاری کلوب خان عسکر ایله بغدادنه کلوب
ربایا اطاعته قائل و باعث فساد اولان میخال ایله مرتد اولان
رضوانی اله کتور مکه متکفل اولدیلر و بعدالایوم امراء تاتاردن پری
کنندوره خاکم نصب اولتیق استد طایتد کیری نامه سنده مندرج
واغال ینک اساتندن منقهم اولغین بوتو جیهه رضا و پرلبوب
اغماض اولندی

(تسلیم حصار استرغون بکفار) سنه ماضیه ذی الحجه سنده کفار
استرغونی محاصره ایدوب اوزدلیینه کان بودین عسکری
بوزلد قد نصکره ملاهین خاسرین شدت ایله حصاری دوککه
مباشرت و ایچنده اولان اهل اسلامه ضعف و ضرورت مستولی
اولغله دور و دراز جنگ وجد الد نصکره مقامتدن عاجز اولوب
ماه صفر اوائلنده ویره ایله قلعه بی کفاره تسلیم ایتدیلر قلعه دن
چیقان مسلین قرق الی مقدار کیلزه سوار اولوب جله
بودین طرفه کتدیلر

(استیلا کفار بر حصار و شغراد) استرغونی آلد قد نصکره
کفار حصار مزبور قریبده و شغراد نام صعب قلعه بی دخی
احاطه ایدوب بودین یکچیری افالتندن معزول عثمان افانک
خیاتی ایله نلر دخی ویره ایدوب ایچنده اولان خلق بودینه کتد کده

مسفور عثمان اغامرد اولوب قراله واردی وشبقه پوش بنده سی
اولوب اول قلعه رده سابقا کفار زماندن کمرل الشده باروت
خزینہ سی اولدوغی معلومی اولغله کفارہ خبر و یروب کفار دخی
کیلر ایله آلوب کتدی لر

(عزل سنان پاشا ونصب لالا محمد پاشا) چونکه جانب افلا فده
سنان پاشا نك سوء تدبیر یله عسکر اسلامك انهرامی واو غلیتک
جبا نلخی سیدله استغفونه کفارک ظفر یولدیغی و کندیك
جا آتوب بود یته قیاقوب برایشه قادر اولما دخی خبر لری کلوب
مصائب مترادفه دن اهل اسلام وارکان دولتک جکر لری بریان اولدی
بو قضا بامعروض حضور پادشاه اولدقده ربیع الاولک اون التپسندہ
سنان پاشامن ول و ملقره یه طرد ایله مخنول اولوب خاتم صدارت
لالا محمد پاشا یه ویرلدی پاشای موی الیه مریض اولغله دسلبوس
ابتدیکی کوندن غیر ی دیوانه وارمق بمسراو لیوب شیر یچمه دن
فراشه دوشوب اونچی کونی وفات ایدوب جنازه سی شیخ و فاقر بنده
دفن اولندی

(وزارت سنان پاشا خامسا) فاقم مقام ابراهیم پاشا بوا یکی
دفعه تبدیلار ده مهر هم ایون کندو یه ویرتک امیدنده ایدی
مبسر اولیوب فرهاد پاشا قتلته یاعث اولد یغیچون پادشاه کندو یه
دلکیر اولغین تبعید یوروب حرمان ایله محازات اولندی لاجرم
سنان پاشا نك معیتلری فرجه بولوب پادشاهم سنان پاشا قولک
برامور دیده پیر و فن و زار تده مهارت تحصیل ایتش وزیر در
دیوتمریف ایتلر یله مهر صدارتی تکرار سنان پاشا یه عنایت ایلدی لر
ملقره دن ایلغار ایله کلوب ربیع الاول او اخرنده دیوانه واردی بود دفعه
سنان پاشا ایله ابراهیم پاشا یتنه شفاق کلی دوشوب برمر تبیه
یواردیکه دیوان مالیده مشافهه ابراهیم پاشا یه خطاب باعتاب ایدوب

قام مقامی که هر جا به نامناسب سر دار کوندروب
 باعث اختلال اولد یفک اور قتل سیندن عام بوسور واشکاله
 کیردی بونجه مصائب سوء تدبیر کردن وقت عفل کردن ناشی
 او باشد دیدی و پردفعه دخی حضور یاد شاهده یوزینه بومقوله
 کلمات بارده ایدوب بنم ایچون پادشاهه عمل مانده اویش دیمشله
 اگر بوسوزی سوباین ابراهیم پاشا ایسه کلسون فضای سرایده
 کند و ایله صرقشالام عزراق اوینالام حضور همما یونده
 ابراهیم پاشا تک دامننه یا پشوب چکمش بو وقتارده جهان پرفته
 و کدورت و حقد و حسد دن درونارده خشیت و خشونت آکار
 و اصغری بی راحت ایتشدی

(ترغیب سنان پاشا پادشاه جهان را بسفر و غزا) بر کردن تک و تنها
 قوجه سنان پاشا حضور پادشاهه نیک رای عرض ایدوب پادشاهم
 من بعد کشور اهدایه سردار تعیین ایتک محض خطا در زیرا
 اینکدن خالی دکلدر تعیین اولسان یا صدر اعظم و یاساروز را دن
 بری اوله وزیر اعظم اولورسه آستانه دواننده قائم مقام اولان انک
 صندارتنه طالاب اولوب یوزاغرتد یغین استمبوب مهمات کورمه
 تقصیر ایتدیکی ایچون ایش بتز رزاد ن بری اولور ایسه وزیر اعظم
 خسته ذاهب اولوب شاید خدمتی مقبول اوله اولاجلدن وزارت
 عطا یه لایق کور یله دیو خوف ایدوب ایش کورد یکن مراد
 بتز بوسیندن نیجه سالدر که بونجه خزان و همساکر تلف اولوب
 مصلحت کورلر بویله اولقدن ایسه مرحوم جدیدک سلطان
 سلیمان خان حضر تلری کی بریجک باری بالذات سفره عزیمت
 یوز که نا که نیجه فتوحاته سبب اولوب بعده تأکید مصالحه یه قابلیت
 حاصل اوله و غزوه خمسروانده دن اعدای دینه هراس و خوف
 دوشردیدی بویله خواهه سعید الدین افندی دخی وزیر

همدستان اولوب سلاطین جهانہ کشور ستانلق لزومنی حضور
 هما یونده تحقیق وغرا وجهاد فضا ثانی تقریر ایلہ مقال
 وزیر ی تصدیق ایتکریله یادشاهی جهاده مائل وسقره کیمکه قائل
 ایتدیلمر معلم سلطان مراد خان مولانا خواجه سعد الدین ابن حسن
 جان مقصد ما اوغلی غمیلہ مقیم کوشه ماتم اولوب طرف
 سلطنتدن هنوز نوازش اولنماش ایدی والده سلطانک سوقیله
 ینہ مقام اولنه اعاده قلوب کافی الاول ازمه عقد وحل کفند بیر ینہ
 تسلیم اولمشیدی لوازم سفر تدارکنه فرمان فضا جریان
 صادر اولوب خواجه سعد الدین اقدی ملازم رکاب همایون
 اولغده ما مور قلندی اوائل رجیده جراح محمد پاشایه خزینہ دن
 یوزاللی بیگ التون ویریلوب ذخیره اشتراسیچون بلغرادہ کوندردی
 وفصل ششایه باقلیوب انسان ذخیره بلغرادہ ایصال اولندی
 واردوی همایون وارنجیہ بلغرادہ میری ایتبارلی ذخیره ایلہ مامو
 بولوب ووللرده اولان کوپر یلر تممیر اولتق ایچون وسار مهمات
 لازمه ایچون قلمرو امثله مطاعه کوندریلوب بلغرادہ ذخیره
 نظارتده اولان دفتر دار سابق فرمان بکار بکبسی حاجی
 ابراهیم پاشایه وشیق ثانی دفتر داری بکردهان علی چاوشه وکدا
 اوامر علیہ کوندریلوب کوپر یلر وسغینه لر وطونبا زروسار مهمات
 لازمه بی حاضر ایتلری تنبیه یوردی واستانبولده مهتر خانہ یه
 متعلق میری اوطاقلر وجیه خانه مهماتی نشانی حیره پاشایه
 درعهده قلوب فرمان واول نواحیدن جمال و بغال تدارکی
 میرا خور کیر طر نقجی حسن اغا ایلہ قونوی علی زاده محمد چاوش
 نام مرد صاحب وجوده سپارش اولنوب تدارک لوازم سفر یه
 اقدام تام اولندی
 (وفات شنان پاشا ووزارت ابراهیم پاشا) وجه مشروح اوزر

وزیر اعظم سنان پاشا احضار مهمان به مجرد وساعی ایکن عمری آخر
اولوب ضد صورتی فرهادیا شاقلند ن صکره کند و نک
عمری دخی بر سته به وار میوب سته اربعه و الف شعبانک بشخی کوفی
یوم اربعه و فاته ایدوب نمازی ایا صوفیه ده قلنقی اشاسنده
قبوجیلر که خداسی احد اقامه صدارتی کتوروب جامع شریفده
سهماده اوزرنده ایکن ابراهیم پاشایه تسلیم ایلدی یا نلرنده بولنان
علمای عظامدن خواجه سعدالدین افندی وغیر یلرو بعض
وزرا اول محمده مصافحه تمهنت ایتد یلر نمازی قلند قد نصکره
سنان پاشایی برقی قبوقرنده بنا ایلدی یکی تر به سنده دفن ایتد یلر
ووزیر اعظم جدید ابراهیم پاشا کند و سراینه کادی اعیان دولت
وارکان سلطنت اوج کون مراسم تمهنتی اجرا ایتد یلر

(نزاع خواجه سعدالدین افندی باشیخ الاسلام) ابراهیم پاشایه
مهر صدارت احسان اوئدیغنک او چخی کوفی خواجه افندی
تمهنتیه کلوب صدر اعظم ایله هم نشین اولدی اول محمده طوبه یالیری
محافظه سنده اولان محمد پاشا زاده حسن پاشا دن مکتوب ایله
میخا ل مختالک و سائر افاق بو یارلر ینک محضر لری و ضراعت
نامه لری کلوب حاضر اولغنه خواجه جهان ایله وزیر پاشان
او قومغه باشرنده ایکن ناکاه مفتی الامام بوستان زاده دخی تمهنت وزیر
چیفه کلکله مجلسه مصادف اولوب وزیر ایکی جانبنده اول ایکی طور علم
جل راسخ کی قرار ایدوب الت یا نلرنده اول ایکی صاحب سعادتک
اولاد کرام لری دخی علی الترتیب اوتوروب کلن کاغذلر خواجه افندی
یدنده بولماغله صوت اعلا ایله قراشه اخازو بوهمانه ایله باب مشاوره یی
بازایمکله خواجه جهان مناسب کوردیکی تدبیر صائب مفتی افندی
خلافت زاهب و نتیجه مقدمات اراسنی مناقضه و معارضه ایله سالب
اولوب طرفیندن سؤال وجوابه تکرر و معارضه و مناقشه ده تکرر

شیوع و وقوع بولوب تغییر یافت ایله رفع اصوات و خلاف
 و مکاتبات ممادی اولدی خواجه افندی بو وجهله جواب و یرمشدیکه
 چونکه افلاق بویار لری و میخال استغای جرایم ایشمار مناسب
 بودر که جواب یأس و یرلیوب صدق و ند امتلرینه دلالت ایچون
 میخالک اوغلی رهن طلب اولسه بوموال اوزره مکتوبلریا زیله
 مفتی افندی خواجه افندیکن رأینی جدا مناسب کورموب
 طرف خلافت ذاهب اولوب من بعد میخالک نه عهدی و نه اسلامی
 مقبول اولقی کر کدر دیوب نزاع و جداله باشلدیلر آخر موافقت
 ممکن اولیوب خلاف و شقاق ممادی اولیق مضا یرامر مادی
 حرکت صدوری احتمالیله مفتی افندی یرندن قالعوب وزیره منوجه
 اولوب بر تمینه یه کلدک مناشده یه کلدک الله تعالی مقامکری
 مبارک ایله دیو خانه سنه روانه اولدی مفتی افندیکن بو وجهله
 مشاوره دن اهرامته خواجه افندی زیاده بیهضور اولوب
 بن رئیس الکتاب بقای ایدوب کلن کاغذ لری قراءت و اظهار صواب
 ایچون مشورت مراد اولمشیکن ابتداء رأیمزه مخالفت بعده ترک
 مشورت ایلک لایق میدی دین و دولت مصلحتی اولنله عرضی قویوب
 حسن مشاورت ایله اتمام خدمت اولسه اولما زمیدی مشیخت
 اسلامییه بو وضع مناسب میدردیو خیلی کلمات ایدوب صکره تدبیری
 یا لکن کتشدوسی ایدوب اگر میخاله واکر بویار لره لازم کلن
 اجوبه بی رئیس الکتاب موسی چایی یه باز دردی آندن قالعوب
 منزلته کندی

(توجه بادشاه اسلام بغرزه اگری) چون لوازم سفر سنیاقی محرراوزره
 حسب فرمان مهیا قلوب فصل بهار داخل اولدی ماه رمضان
 شریفک اون بشنده طوغار نصب اولتوب شو الده بعد العید آتله
 چایردن کلوب اوتاغ همایون داود پاشا صحرا سنه قورلدی

شوال مكرم يكرمی در نجی كونی يوم الخميسه عظيم آلايل تنبيه
اولنوب پادشاه ظفر جلبس لشكر نصرت ايس وجهله علما وكبرا ايله
بالحميد والتقدیس موكب همايون ايله چقبوب عزم سفر
نصرت اثر بيوردي يوللرده سعد الدين افندي هر كون قبل الوزرا
پادشاهه يتاشوب امور عالمي كا يختار سويلشوب ادر نهيه وصول
ميسر اولدقده مخدوم ثاني اسعد افندي ادر نه قاضيسي بولتمغله
باباسنه تعظيما پادشاه ذیشان حضر تلي استانبول قضاسني
آكا احسان ايدوب موكب همايون قلبه جائنه متوجه اولدقده اسعد
افندي استانبوله كيدوب قائم مقام خادم حسن پاشا قاضي سابق
عبد الحليم افندي طرفنده بولتمغله والده سلطان حضر تلي نه
استشفاع ايچون تقديم نياز ايتكله شفا عتريله قضاء مز يورينه
سلفنسه مقرر او اوب اسعد افندي بي استانبوله قوموب كيرويه
دوندر ديار بو حال غرايت مال خواجه افندي يه منعكس اولدقده
وزير اعظمه واروب حسن پاشا ك اساعت ادبندن شكايه واوغلنه
اولان اهنتي حكايه ايلدي صدر اعظم دخي اوطاغ همايونده
واروب قضيه بي عرض وخواجه افنديك تكدر خاطرني اعلام
ايتدكده مهدي عيسى سلطنت مدق در خلافت والده سلطان
حضر تلي نيك شفاعة ايله اولمشدر نهايت مولانا اسعد افندي
ظربق اخرايله تسليت اولسون ديوجواب صورتنده فرمان همايون
مندو را يتكله ابراهيم پاشا دخي اسعد افندي بي قاضيه مسكر
پايه سيله تسليت ايلدي بعده صوفيه دخول حبشه خواجه افندي يه
مرض حبي اصابت ايدوب اكرى فتح اولند قده شفا پذير او ايشدر
حضر ت پادشاه ذى القعدة ك سكرنجي كوني ادر نه دن حركت
ويشنجي منزلده قلبه يه وارد يار قلبه قاضيسي چلبى قاضي نهر مر يجه
ناظر بر معظم قصر يتا ايدوب پادشاه عالمپناه حضر تلي نه بر حال

ضیافت ایلدی قلبه ده درت کون تقاعد ائنا سنده عیش وعشرت نلر
اولوب چلی به مولویت ایله قلبه قضاسی مجددا ایفا وقید حیات ایله
اعطا یورد یلر باتجئه دیدک لری منزله وارلد فده سنان پاشا اوغلی
محمد پاشا مکمل الای ایله کلوب باتجئه صحراسنده سلاملدی بر منزل
ایلو وارلد فده دستبوس ایلدی دخی ایتسی ذخیره ایچون مقدم
بلغراده سکوند ریلن جراح محمد پاشا استقباله کلوب آلا ی
کوسترد کد نصرکه شرف دستبوس ایله مشرف و بلغراده وارنج
هر کون بروزیر آلا ی گوستروب بلغراده وارلد بیگی کون وز پراعظم
ابراهیم پاشا جله دن زیاده آلا ی گوستروب مظهر تحسین بی حساب
اولدی آدن بلغراده فارسو خنکار تبه سی نام برتوده اوزده
بارکاه همایون قور یلوب نزول اولندی طویلر و تفکیر آیلوب شتاکلر
اولدی آند نصرکه عسکره انباردن ذخائر توزیعنه شروع اولوب
برمقداری دخی سفاین ایله طوبه دن سرحدل طرفنه کوندلرک
فرمان اولندی بوئانده قلعه استرغونی کافره الدیروب سیر حد
حراسنده تقصیراتی سیدیه سنان پاشا زاده محمد پاشا مظهر غضب
پادشاهی اولوب بلغراده قلعه سنه حبس اولندی وجهه جاز و بغال
واملاک و اتقالی میری به قبض اولندی بلغراده مرحوم سنان
پاشا نک نزل امینی تعیین ایتدیکی کجدهان علی چارش که شق دخی
پایه سنده ایدی آک دخی خدمتده بعض قصوری مسموع همایون
اولمقین قلعه قیوسنده صلب اولمق فرمان اولمشیکن قلعه ده
حبس و مصادره ایله اکتفا اولندی بعد ایکی سنی یله عفو و اطلاق
اولوب سنان پاشا زاده نک وزارت دخی مقرر اولوب لکن مان و ملک
میری به کتمکین مهجسات سفر دن حبه به مالک اولماغله بلغراده
محافظه سنده الیقوز یلر اماینه کجدهان بذلتاب و توان ایله اردوی
همایوندن ایرلیوب سفره یله کتدی

(مشورت ارکان دولت برای جهت عزیمت) پادشاه عالیشان
 حضرت تری بلاخر دادن قاقوب ساوه نهرین یکجوب اسلانه من
 جوارینه وصول بولد قدمه امر اوکبر اوزیر اعظم او طاغنده جهیت
 و طرح بساط مشورت ابتدا بیکر آفاقومر ان محاصره سنه می شروع
 اولی در یوخته اگری قنجه می عزیمت احرى واولی در اول محل
 جغاله زاده قومر ان فتح و انوب طونه یالباری محافظه اولتی
 مناسب کورینور دید ~~سکه~~ سائر وزرا دخی قومر ان برنامدار
 قلعه دکلدر حضرت خداوند کارک توجه بیورد قلزینه دکر و انک
 قنجه: قنخار و دول کفار داغدار اولز لکن اگری بر حصن حصین
 خصوصاً نمچه بلا دی ایله دخی اردل و لایشری پلشد بر چند
 فاصل واقع اولوب نواحی بسنده معادن اولغله شهرت شعار اولش
 و کفار ایچنده خبلی اعتبار بولشد بر بوتقدیرجه اول فتح اولغله
 دین و دولته منافعی چوقدر دیوانی ترجیح ایدوب اگری به طوغر لایلر
 و تیل و وارادین قلعه سی اوکندن سکدین صحرا سنه عبور ایچون
 نهر طونه ده سفاین اوزرینه بر جسر بناسی فرمان اولنوب یکجوبی
 افغانی نچار ایله ایلرو واروب درت کونده جسر ی تمام و مهیا ایلدی
 پسر پادشاه عالیشان حضرت تری جله وزرا و سپاه ایله اول جسر دن
 طونه بی یکجوب سکدین صحرا سنه نزول و طوپر و جبه خانه و سائر
 اغراق مرور اینججه بر کون مکث و ارام بعد کوچیلوب بشیخی
 میزله سکدین قلعه می مقابله سنده ضرب خیام اولنوب قلعه
 مقابله سنده نزول ابتدا بیکر

وقایع سنه خمس و الف

پادشاه عالیشان تپسه صوبی کار ایله سکدین صحرا سنه نزول بیورد قلزنده
 اول وضعده روم ایلی امیر الامراسی وزیر صف شکن حسن پاشا
 ابن الدستور محمد پاشا و ماروم ایلی عسکر ایله کلوب آلائی کوسر دیلر
 آیلری غایت مزین خدامنک اکثر آلائی مذهب خبلی مختشم و معنون

وزیرایدی شوکت و شانی سائر وزیرایه غالب کورندى اول روز بر نامدارك
و صولندن عسکر اسلامه تازه قوت حاصل اولدی قلعه کوب
ماو پلری مشارالیه حسن پاشا و دین ساحلندن طونه کیلرینه قویوب
بعض روم ایلی امراسنه محافظه ایتدیره رك سکدین برابرینه دك
تنبه صویندن کتوروب یئشدرمك ایله اداه خدمت شایسته ده
بد طولی کوسرندی و اول محل سرحددن فریاد جیلر کلوب محضر
و شکایت نامه لر بنی پایه سریر اهلا به عرض ایتدیلر مضمونی
بوایدیکه کفار خا کسار خطوان قلعه سنی محاصره ایتك اوزره در
و بونجه خسارت ایتشدر امداد ایرشمزسه مستولی اولق مقرر در
محصور اولان مسلمانلری قلیچدن کچورمه سی محل ربب دکلدر همان
پادشاه جهان مقدار کفایه لشکرایله جغاله زاده واروب یئشسون
دیو فرمان نیوردیلر

(استیلاء کفار بر حصار خطوان) جغاله زاده سنان پاشا
اگرچه حاضر لنوب خطوان امدادینه چقندی اما سیرنده غایت
بطور اوزره حرکتیه بناء محلی ایله ایرشمیوب کفار خا کسار خطوانه
مستولی اولوب سکان و بلکه نسا و صیانی جله قتل عام ایدوب
قلعه بی ره برابرهدم و خراب ایتدیلر خبر وحشت اثری اردوبه
وصول بولدی بو محله بوته صیره بناء جغاله زاده مظهر قهر اولسی
ملحوظ صغیر و کبیر ایکن اسلام مظهر عتاب اولدینی * ان هذا لشیء
عجاب * فواسخیه حیرت انداز عقل شیخ و شاب اولدی بو آتاده
عسکر موجب طلبی بهانه سیله دفتر دار حاجی ابراهیم پاشایه
هجوم ایتدیلر کونده معزول اولوب برینه کچده سان علی جاوش
باش دفتر دار اولدی محرمك اون سکرینده لندخلوقه سی چقرب
یانجه عوما قول طاشه سنك هر نفرینه قانون اوزره یکرانجه انعام
ویرادی بوند نصکره صولنق قلعه سی قریبه وصول بولند قد

سفاین ایله اول محله دك كتوريلان اژدردهن ومارتن طوئيلر
وجه خانه وكله لری يتسه صوبی اندن اوتف جانب خلافه جریان
اینگین اگری به كتوريلك اوزره كیلردن چيقساريلوب وضونلق
اطرافنده اولان فواحیدن كاول تدارك اولنوب واخشایدن قیراقلر
تصنیف اولنوب وارضه مماس اولان جانبی شعوم واذهان ایله
طسلا اولنوب طوئلر واول مقرله آلات اول قیراقلر تحمیل اولنوب
اوار باردارقوشیاوب صنعت جراتقال ایله اگری محشه طوغری
چكه رك روانه اولدیلر و یواراقلر ایله سائر آلات جبه خانه یی
عسکراسلامه توزیع ودوا به تحمیل ایتدیروب اگری به وصول
بولنجه كتوريلك فرمان اولندی صونلق منزلندن کوچیلوب
اوچنجی قوناقد قلعہ اگری دامننده اولان دشت پهنایه
وصول بولوب آلات جبه خانه یی بر موجب دفتر کس تسلیم
ایتدیلر

(بحاصره اگری) تاریخ خمس و الف محرم الحرامنك یکر می
سکزیجی کونی شهنشاه جهانبان اگری صحرا سنده ضرب خیام
ایدوب ایکی کون تنفس و سترس آلاتی ترتیب و برینی تجسس ایتدیلر اول
قلعه مزبوره مسافت بعدد دن کوه مثال کورینور بر قلعه سردر فلک
اولوب قات اندرقات بر جلری و بانلرین قورد باروری و حیوانات
اربعه سن کوزل طولمه پلنقه لری واصل حصار بر طاع اوزره
واقع اولوب اوج جانبی قیا اوزرنده محکم طاش و کرج ایله ملمع
و مصنع و ایچی بوجهله طولمه که اصلا طوب کار ایتیز و جانب
شرقی سنده بر معدنی طاش متصل اولوب و طایفه لری استحکام
ایچون بر هر یض و عمیق خند فی کسالمش بر حصن حصین ایدی
حصارده یکی کافر یکی اولوب بری چاسارک اقر با سندن نچمه سرداری

وبری مجاریکی ایدی انله و ساراها لی قلمه به دعوت ایچون
 برام شریف کوند رلدی حضرت عمر رضی الله تعالی عنک
 (قدم النذرین یدیک) کلام حکمت انجای اوزره عمل اولندی
 مفهوم امر بواید یکه اگری ایچنده اولان بکلر و ساراها لی بتاش
 اولکن که شوکتله عزیمت اگری ققید ر ایدی اول الله تعالی سیک
 امر شریفی ایله سزی دیتزه دعوت ایدرز اگر مسلمان اولور سکر
 سزه ضرر دم طوق قیوب حالکرا اوزره اموال و املاککزی تا کانه تصرف
 ایدوب آسوده اولک و اگر دینه کلز سکر قلمه بی برا غوب چه قیوب
 مملکتلر که کیده سزیوخسه بود هوتک برنی قبول ایتمیوب چکنکه مباشرت
 ایدوب بکا و هسکریمه قار شو طوب و تفنک و خیره اتارده کز هسکر
 لله و رسول الله ایچون سزی قتل عام ایدوب بریکزی خلاص ایلم
 بیلش اوله سز بو امر شریفی کوتوران آدمی ملا عین اخذ ایدوب
 چاسوسد رد یو حبس ایلد یار هسکر اسلام متر سه کیروب بر کچه
 ایچنده جوانب قلمه به طوپلر قوریلوب حسب فرمان قلمه
 محاصره اولوب هر قوله بر وزیر تعین اولوب الله الله ایله جنک
 و محاصره به شروع ایلد یار و روزو شب آرام ایتمیوب طوب و تفنک
 و لغمار اتقه قیام کو ستر دیار متر سدن و قلمه دن اتیلان طوب و تفنک
 آوازه سی جهانی طوب و یاروت دخانی سحاب مظلم کی عالی
 قاپلیوب کله و فذقی ضرر بدن عسکر اسلام زمین شهادته سر یلوب
 جنک آتشی کتد بکنه مشعل اولدی لکن عسکر مسلمین و غزات
 موحدین اصلا الدرمیوب مردانه حمله و شیرانه جنکه کیریشوب
 بوژ چور مد یارغم و طوب و خنندن رخنه لراچیلوب بر هفته ده
 سور قلمه نک طهره قاتی الینوب کفار خاکسار ایچرو فاته کیر دیار
 عسکر اسلام جنکه اقدام و تضييقه اهتمام ایتدی
 (فتح حصار اندرون اگری) ایکی اوج کره لغمار ایلوب کندکرا ایدلی

لکن بر قانچ کون لیل و نهار کثرت امطار دین چیش مسلطین
 پای در کل او اوب یوریشلری بمحصل ایدی امارو زوشب طو یارایله
 دو ککدن خالی دکلا ایدی ماه صفرک اون سکرچی کونی دستاری
 مصطفی اغا به یکچیری اغا لئی ویرلدی ایرتسی یوم السبت که
 صفرک اون طقوزچی کونیدر زیاده یغمورل یاقوب قلعه نک
 هر وجهله فنی مشکل او لشیکن عسکر اسلام زجت تامه ایله
 هجومده بذل مقدور واهتمام تام ایتد کلرندن ناشی قلعه ده اولان
 کفارک قلوبنه رعب وهراس مستولی اولوب وقت ضحاده خلاص
 جان امیندیله استیمان ایدوب عواطف ملوکانه دن مال و جانلرینه
 امان احسان اولوب ایرتسی ایکی نفر بکلر و سکر نفر بکراده لری
 چیقوب مفریسه و زرایانه کلد یلرو صونلق بکی بکشتاش بک قلعه به
 رهن کوندردلدی طرفیندن عهد و امان فرار داده اولد فد نصکره
 مزبور لری حضور همسایونه کوندروب بزدن برایکیم اسلامه
 کلک استرزد بمکله آخر خلعتلر کیدرد یلرو فتح و نصرت توبتلری
 چالوب شلکلر ایتد یلر روم ایلی بکلر بکچی حسن پاشا
 و یکچیری اغاسی و طو پی باشی و جبهه پی باشی قلعه به کیروب
 ضبط ایتدیلر

(قتل عام کفار اگری) صفرک بکره پی کونی یوم الاحدده کفار خاکسار
 هزار ضعف و انکسار ایله چیقوب بر منزل پر کورتورمکه سپاهی
 اوغلانی اغا سی تمین اولتمشیدی کیدرکن یکچیری طائفه سی
 الارندن بهمن اثواب چکوب الوب حقارت ائشاننده هنوز جادیر
 اراسندن چیمادین درونلری یانمش سرحد صسکری و تانار لشکری
 بونلرک خطوان سکاکنه ایتد کلری غسدره انتقاما قلیج اوشوروب
 بر آنده جله سنی طعمه شمشیر ایتد یلر و متنفس قورتولمادی کرچه
 پادشاه عا اینسایه چیغان بکلر امان کاغدی و یروب بمین ایتمشیدی

لكن اول چيكان اشخاصه تخصیص اولوب بش يك قدر هريان
 كفار حلف تیغ آبدار اولدی زیر اسرحد قومی زمان سابقده
 نظم و قدر من کله ویره مز اکرلی کیدی اکرلی * دیو ترکیب بند
 ایدوب تورکی باغله مشار ایدی بو دفعه وجوده کنورد یار اول بکار
 بلغراده کوندر یلوب ایچ حصار ضبط اولوب قول قول آچیلان
 کدکری باغفه مباشرت ایتدیله و یوم مز پورده خطوان قلعه سی
 بناسنه فرمان بکار بکسی خضر پاشا وصولتی و سکدن بکری
 تعین و ارسال اولندی و دلسز قافق مرده سیله استابوله روان اولدی
 یکر می اوچخی کونی ارباب بیمار دن هر بش نفره برکیل حنطسه
 قلعه ده محافظه ارباشنه ذخیره جمع اولندی و بیوک طویلر
 متر بسدن قلعه یه نقل اولندی یکر می بشخی یوم الجمعة یاد شاه جهان
 ملازمان درگاه ایله وار شده اولان بیوک کلباسی جامع ایتدیروب
 جمعه نمازی قلندی

(آمدن جوع کفار) بواشاده کلن جاسوسلردن غیری النسان دیلر
 خبر و ردیلر که چاسار اولان مقسلیانوس چه وله و پا پاواسپانیا و سائر
 اجناس کفار دن استمداد ایله میالفه عسکر جمع ایدوب یوژ بیک قدر
 پیاده و سوار ایله اوچ منزل قریب یرده توقای قلعه سی قریبده
 مهاج اواضه نزول و طیاره د خول ایلدی عسکر اسلام ایله
 مقاتله علی الاطلاق اتفاق ایدوب بیا یضه اسلامی اورته دن ازاله
 ایدر زو با جله مز دین اغورینه قیر یلوب کیدرز دیوهریمت هریمت
 اثر خبر لری تحقیق اولندی فتح نامه ده مسطور در که موکب عالی
 سرحدده پیوسته اولد و غی کفارک مغلوی اولد قده بیخ واسپانیا
 فرالیری و پایا و دوقه وارد لک ویدی فرالک تغیر مام اسلوی اوزره
 اوچوز بیک قدر عسکر هریمت اثری امکرمی جانیرلده

جمع اولوب یوز پاره طوبلر و مرتب جبهه خانه لر ایله مهیا بیره
کند کلرنده فکر فاسد لر ی اوزره مسلمین اکر ی قلعه سنی دو کر کن
علی الغله اردوی همایونه شیخون اید لر خبر فتح مسموع اولد قده
قلعه دن ما یوس اولد قلی کی ایکی منزل قریبده طابور قوروب
اکر ی دن قالد یغی کی قلعه اوزرینه واروب کیر و حصار ی المی
قصد نده اولد قلی خبر الغله عسکر اسلام ایله اوزرینه واروب
مقابله به فرا رویر اشیدی چاسار اولان مسفور مقسملیا نوس
اعمی و اعر ج بریاسار اولغله قرن دانی تا جنی هر سک ما تباشه
کیس دیروب جله عسکر ی اکا تفویض ایلوب اولدخی اردل ایله
بر اولوب اردوی با صمق یخی ایله طولور ایچمشیدی دیو بعض
تواریخده یازر و بعضی بنده نادر دی کومش ایاق که قرال وزیری
ایلی یله تعیین اولد یغی یازر

(ارسال جعفر پاشا) کفار طابوری محل قریبه کلوب دشتک عساکر
پیشمار ایله یاقشوب قصد کز ند ایتد کیری محقق اولد قده وزرای
شجاعت نشان دن طواشی جعفر پاشا بر مقدار عسکر ایله اوزرینه
کوندر ملک امر اولوب الی بلو کدن سلحدار و علوفه جیان یسار
و متفرقه زدن اهل زعامت و نیاری یله قوشوب کوندر دیلر
جعفر پاشا اردودن ایرل یغی دم طاقت اندیشک ایدوب دشمن
طرفنه جاسوسار کوندروب کیف و کم اعدا فی تفحص ایتد که
بدی قرال و عموم کفار جمعیت ایدوب بیضه اسلامک ازاله سنه
یا خود جله سی قیرلغه اتفاق ایله عسکر دریا مال چکوب
کند کیری خبرین آکوب جعفر پاشا بو معنای عرض ایلوب
بونچلین انجمنه بو قدر عسکر یسیر ایله بنم وارد یغم یو طرفی سبب
نذایل و تحقیر در و بنم وجودم کتد و کنه غم دکل دین اغورینه
فدا اولسون ناموس سلطنته کسر رتب ایدر دیو اعلام ایلی

وکلای دولت اول سردار نادره تملل اسناد ایدوب بالاخره
 روم ایلی امیرالامراسی ولی پاشای ایاقی عسکر یله و اوتوز یاره
 میانه طوب ایله وزیر موی الیه قوشوب من بعد بهانه بی
 قویه من واروب دشمنی حقلیه سن دیوتلخ و شور خبرل
 کوندردیلر جعفر پاشا دخی بورای ناصواب سرفضا ظهورینه
 مقدمه دبوب انجق کندویه مصحوب اولان لشکر ایله کفسار
 طابوری اوزرینه واردی و آلبارین باغلوب طوبلرین ابکی بولوب
 نصفنی بتاقدن اوته طرفه کچردن کچیروب قوردی دخی کفسار
 کلامشیدی بعده فارشودن قره طانغرکی کفار آلباری نمایان
 اولدی و مهاج صحراستی قیلادی جعفر پاشا بر قاج سرحدلی
 ایله برشته اوزرینه چیقوب کفار اردوسنه نظر ایلدی کوردی که
 بر پیر بی پایاندر صحرائی طونوب چالغایور جعفر پاشا یانسنده
 انجق اوج بیک آدم وار ایدی کلده کنسه بتام بر مقدار الله ام
 صاندی وقت عصر ایدی بر مقدار جنگه شروع صدنده اولدیلر کفار
 آهن پوش بر صدده ایله آلبارینی خرق ایدوب علم اوزرینه
 ایدیلر و راست کلدکلرین اوروب دوشوردیلر جعفر پاشا بشاق
 و راستده کوکسن کروب دلیرانه طوروب جنگه ثبات قدم کوستردی
 پیشکامنده شاطرلی و قفساننده فالان ایچ اوغلنلرینه ورنجه
 قیرلدی آزا فاشیدیکه پاشای دخی آهل عسکرک نیجه سی شهید
 اولوب باقبسی فراره یوز طوعشکن کندوسی ثبات قدم کوستروب
 دوغندی بعض کار ازموده اغازی دیزکننی دیوشیروب دیدیلر که
 دولتی آزعسکر ایله چوقلغه فارشو طورلق بهادرلق
 دکلدر طعن دشمندن احتراز ایچون کندوی بیهوده یره تلف
 ایتک نه بلکه یه جان اتمقدن عشری قدر بلکه بیکده بری مقصداری
 اولبان لشکر قلیل ایله بو قدر جمیته فارشو طورلرین بوضورنده

کیرو عسکر اسلامه عودت ایله آدم لکه لغز عسکر یکنزی و کندی
وجود یکنزی بویه تلف ایتمکدن جهور عسکر ایله متغفا قتال
ایتمک دخی نافعدر دیوب سمت سلامته صرف ایتمایله اخشام
دخی اولمشیدی آریلشوب (العود احد) مفهومن اختیار ایدوب
شب تار ایچنده آت باشنی اگری التنده چکدیلر کیدن طوپلر
واشیا و انقال جله کفاره خالدی اوتوزدن مجاوز پیاده و سوار
شهید اولدی اگر کیجه اولمشیدی برعتنفس خلاص اولدی
نحال ایدی اوج کونلک یول ایله فرارده یکشبه راه اولدی
و اول ایل پرویلده بو وقعه سپی ایله جهان و لوله ایله طولدی
واقعه معروض شه نشاء اولدقده جعفر پاشانی تعقیب صورتند
طابور کفار شب تار ایچنده اردوی یاصمق احتمالی وارد
دید کلرنده ولی پاشا روم ابلی امیر الامر القندن عزل و کما فی الاول
منصبی محمد پاشا زاده حسن پاشا نامدارک وزارتیه منضم قلوب
عسکر ایله اردوی همایونی احاطه و محافظه ایتمک فرمان اولندی
(مشورت ارکان دولت) علی الصباح صلوة مفروضه ادا سند نصره
وزیر اعظم ابراهیم پاشا و خواجه جهان و ساروزرا و ارکان اوطاغ
همایونده جمع اولوب (و شاور هم فی الامر) مفهومجه کفار ایله مقابله
و متارکدیشنده اولوب اثباتی ایچون مشاوره اولوب ارکان دولتک اکثری
بعض علل و اهیه ییانبه ترک مقابله رأین ایتد کلرنده خواجه
حقیقت بین مولانا سعد الدین افندی سوق کلام ایدوب البتده
اعدای دین ایله مقابله واجب اولوب اوزریمز کلن خامسین ایله
جمله من شهید اولنجیه دک مقاتله یه اقدام واجبدر برابر انلرک
اوزریمز و ارمیوب طریق آخره منحرف اولدیغز تقدیرجه
کفار اظهار جلالت ایدوب بزی تعقیب ایتمک مقرر در وضعفانی
عسکریمز ی مرغ چینه ورکبی دامه دوشرمک اظهر در

خصوصاً بود دولت علیه ده بر پادشاه عثمانی بردشتمدن بلا سبب
قوی روگردان اولدینگی مسموع دکلدر دیو اول مجلسه سو بیلدیکندن
ماهدا حضور همایونه کیردکلرند پادشاه حضرت ترینه دخی بونک امثالی
کلات نتیجه البرکاتی و جاها القابلدی و بو قلعه دانی بر پست
محل اولغله ضیق اوزره در اعدای دین اوزریمزه کلورسه
حرکت میدان تنکدر اکری اطرافده اولان قلل جباله
ملاعین خامرین طوب چیتاروسه حال دشوار اولور طابورلی
اولدوغی صحرا پرواسع فضا ایش مهم ولایتی بودر که اعدا
بزم اوزریمزه کلزیدن مقدم بر انلره هجوم ایتک اوزره عموماً
اول صحرا به واریله دیوب اول نحر یزدلیک کلام دلبسیری قلب
پادشاهه تأثیر ایدوب نهاد جلالت نژادلرند مرکوز اولان
شجاعت موروثه ظهوره کلمکه محک و بادی اولدی بعده
بهضایر روم ایلی والیمی حسن پاشا عسکر ایله کفار اوزرینه
کوندر لکی القابندیلر لکن بوا امر عظیم پاشا وارمغه اولور بتر
ایش دکلدر الا بالذت پادشاه حضرت تری تمام عسکر
اسلام ایله وارمق و محکم تدارک کورلک کرکدر دیمکله توجه
همایونه رضای شهر یاری حاصل اولدی تاتار خان برادری
فتح کرای سلطان رئیس الکتاب قلیله مکتوب یازیلوب اوله که
برایکی دل آله سزدیو تنبیه اولندی بوندنصکره صدر اعظم
ابراهیم پاشا اکری قلعه سنه واروب کونوره جک طوپلری انتخاب
ایدوب نماز شامه دک رئیس افندی قلیله قلعه محیا فظه سنه
عسکر یاروب و کدکلی بر کیدوب صوفی شان پاشا ایله مع الوراره
اناطولی امیر الامرایی اولان لالا محمد پاشا بی دخی ایالتی عسکر به
قلعه حفظنده قویوب وقت فروید اوطاغ پادشاهه کلوب آلات
کوچ و ادوات قتال احضارنه کوشش اوزره ایکن خواجه افندی

طرف شدن برتد کره ورود ایدوب مضبوطی بواید بکه اگرچه
 اناطولی عسکری قلعه محافظه سنه تعیین اولمش اماطابورایله
 مقابله حینده پادشاهک برچایی بوش قاق لازم کلور محل
 خطر در کفسار قلعه به هجوم ایدر سه امداد وارنجه طبا ترل
 اماروز صافده قلعه دن حربکا هه امداد ایشک مشمدر در
 کرکدر که اناطولی عسکری رسم قدیم اوزره صاغ قول جانبنه
 تعیین اولنده پس فی الحال لا لاجمداشک عسکر به احضار بنه فرمان
 کوندر بلوب موجی اوزره حرکت اولندی بونجه کون قلعه قهقهه سچی
 ایشک عسکر که اکثری ذخیره ستر آنلری و کندولی آج و محتاج ایکن
 غزای اکبر در دیویر بر منادی بلند ایدوب غیر نکشان دین اولان عساکر
 موحدین حاضر و همایا اولوب اسباب حرب و ضرر به چکه دوزن ویردیلر
 (توجه عسکر اسلام بجانب کفار بد نام) ماه ربیع الاولک غره سنده
 علی الصباح قولر و چنا حار دوز بلوب پادشاه عالمپناه حاضر تلری
 متوکلا علی الله کمال شوکت و دارات ایله سوار اولوب یوردیلر اول کون
 زمان عصر اوله دیک کعبه بلوب جعفر پاشاک اول قوند بغی
 منزله تزل اولندی وزیر اعظم بر پشته به چقبوب طوران خیام
 طابور کفاره نظر امان صالوب یارنکی کون تقابل صفین وقوع
 بوله جغین اذعان ایلدی وقت غروبده پاشای مرقوم او طاغنه کلوب
 نماز مغربی ادا ایتدکد نصکره طرف پادشا هیدن بر خط شریف
 عجیب العنوان ورود ایدوب مضبوطنده سته لالام سن بو تده محاربه
 ایچون ستر یسر دارایدوب بن بوارادن استا تبوله روانه اولسم
 اولر می دیویر مشاروز پرک جان پاشنه صخیرا یوب متخیر اولدی
 و بومعنا درجه امتنا عده اولد بغی تحریر و مفعه متعلق کلمات
 تسطیری ایچون رئیس اخندی به تلخیص تسوید ایتد بر رکن آدم
 کلوب ستر پادشاه استر دیویر ی طلب ایتد بلر وقت عشاءه

وزیر اعظم رئیس افتدی ایله اوطاغنه کلوب حاضر اولدقده قوراقاسی
 غضنفر انا اوطاقدن چیقوب وزیر ایله بعض کلمات ایدوب ایکسی
 معسارون بارگاهه کیروب حضور پادشاهه بتدیلر انلر ایچروده ایکن
 فتح کرای سلطان طرفندن طابوردن انمش انمش اوج نفر آهن پوش
 کافر لاری باغلو درزنجیر دالر کلوب اوطاغ وکنده دیرلندی دالری
 اسلشطاق صد دنده ایکن غضنفر انا ایله صدر عالی ایچرودن
 چیقوب وزیر غضنفر انا یه سعاد تلو پادشاهمنك نذر سیور دقلری
 فلوریلری شمدیدن افراز ایدوب امانت و یرک دیوب اغادخی
 اوله ایده لم دیدی بعده دالری سوبک تدیلر کفارک سباق
 مذکور ارزه وقرتن آلات جنکارتک کترتن وقرالرجله یضه
 اسلام ازاله سفاتفاق ایتدکلرین واردل باقی اولان زینعموندلرین
 یله اولدیفن فصلایسان ایتدکلرند جله دالر قتل اوتوب بعده
 وزیر اعظم اوطاغنه کلدی علی الصباح ترتیب صفوف اولتوب سوار
 وپساده لشکر ایاضه بنوب ما دریم الاولک دردنجی کونی که
 روزجه ابندی آخرلق کیروبه قالوب پادشاه اسلام یمن و یسار
 آلابریله آهسته آهسته یور یوب صهوة کبراده طوب ایرشید جک
 قدر بعید یرده قرار اختیار ایلدکن صکره بعض اهل وقوف
 کلوب ترتیب اولتان صفوف طابوردن زیاده اوزاق و طابور اوکی
 بسا قدر طوب و تفنگ ایرشمن و چرخه جیلرالی اعدایه بنشمن دخی
 ایلر و وارماق عازردیمکله بر مقدار دخی ایلر و واریلوب آرام اولتدی
 پادشاه جم جامه قطب وار علم اوکنده قرار ایدوب الی بلوک خلقی ققادر
 اولدی پادشاهک مایله سی بر مقدار کشاده قلوب برجا بنده وزیرای عظام
 علی الترتیب و بر طرفه خواجه جهان ایکی قاضی سکر لر ایله شاه
 سرافراز متوخه اولوب قرار ایلدیلر دواب و احوال و ائقال کیروده طور و

متفرقه زمره سی ضبطنه تسین اولندی بکچری عسکری تفنک
پردوش پیش پادشاه جم جاہدہ جوش و خروش ایله طوردیلر طوب
عرباری دخی اوکلرنده زنجیرلایله باغلتوب روم ایلی والبسی اولان
حسن پاشا طمشوار بکلر بکبسی ایله برجانبدہ اناطولی و قرمان و حلب
و مرہش بکلر بکباری برجانبدہ سائرری پرلوپندہ دیار بکر امیر
الامرایی معتاد اوزره طایفہ لشکر اولوب طلیعہ سردار لغی
جغاله زادہ یہ اصغر اندی

(بحارہ درروز اول) چون ایکی عسکر بر برنی کوردی چرخندہ
ستان پاشا وقع کرای و دیار بکر بکلر بکبسی مراد پاشا و سائر
دلورل غیدانہ آت صحرادوب و نعرہ راوروب نیر و نیرہ و شمشیر ایله
صوا شوب کفار ایله اللہیمکہ مباشرت اولندی میانہ اولان بتاق
حائل اولوب براز صواشدیلر مزبور بتاق محاج اوادہ واقع برنہر
صغیرک بتاغیدر کہ بر بر بکدزی وار در هر بردن بکد و بر مزبندی
کیدہ رک جتک فزیشوب مقابلہ پادشاہیدہ اولان وزرا ایلر و اوروب
صغیری ترتیب و عسکرہ استالت و غیرت و بر مکہ جکہ تخریص
و ترغیب ایتدکدن صکرہ کبر و کلوب پادشاہ اسلامہ احوال اعلام
ایدلر دخی کفار خاکسارک اوزناق سورا ووزون طوب پلری اواغله
عسکر اسلامی ضد مات قوارع ایله کنند و زہ یاقلشدر میوب
عصبر و قنہ قریب پادشاہک اوزرندن بر طوب دانہ سی بکیرب
بلوک خلقی آلایلرندن آشوری دوشوب بحمدافہ کسنہ یہ ضرر اولندی
اما پادشاہ اسلام عسکر یله محل خطر نا کدہ طور مش بولمغله
خنکاری اول محلدن قالد یروب صکرہ شہید اولان متفرقه اغایی
یونس اغاک حاضر قوراش خیمہ سنہ ایتلندیلر صغوق اسلام
اصلا برندن حرکت ایتیوب ثابت اولدیلر عصر ثانی وقتندہ
چرخہ چیلر صواشد قلری بتاق کہ کتارندہ بر کتبہ خرابہ و اراپدی

جمله کفار پیاده لشته بتاق ایدی ملاعینک پیاده لیدن بر قاج یک خنر بر
 سر بازی غرور شراب ایله کنبسه یاتنده کی بتاق دین پروطرفه کچمه که اول
 آغاز ایدوب اهل اسلام اوزرلرینه تنک یاغ دیروب آتش فشان
 اولد قلزنده محله قریب بر پشته آردندن جفا له زاده سان پاشا کین آجوب
 چرخه بی طاقه سی اول ملاهینی ارایه آلوب طرفه العین ایچره قلیچدن
 کچوردیلر و لاشه لرینی بتاغه طولدیر دیلر طبل و کوسلرین و قطع اولمش
 فرسلرین پیشگاه پادشاهه کتوردیلر بقایای ملاعین بیم جان ایله
 فرار ایتد کلر نده طابور لرینه واصل اولدین لشکر تاتار اوردین آلوب
 جمله سبی مغلوب و اسیر و گرفتار قید زنجیر اولوب کروه کروه غازیان
 تاتار اول عذده و غنای پیشگاه شهر یاره کتورد کلر نده جمله سنک
 کله سنی سیف ایله غلطان اتمک فرمان اولندی اول کون بحمد الله
 یوز اقلقری اولوب لکن اخشام ایریشوب هواده دخی غیم و باران
 بلور کله طرفیندن دویلوب آرام اولندی و هر کس یوکن
 طوردیغی یرده بقوب کیف مالتقی نزول ایلدیلر و بعضیلر چادرلرین
 فوروب دخول آتدیلر بر مرتبه اختلاط و ازدحام ایدی که عسکرک
 اکثری آن ارقا سنده کوند رینه طیسانوب طوردی صبح اولوجمه
 قراولر جوانب عسکری محکم صیانت ایتدیلر
 (مقاله در روز تانی و انهرام کفار بهون ربانی) مامریع الاولک
 بشهی کونی که یوم السبت ایدی علی السهر پادشاه اسلام سوار
 اولوب کوسلر اوردی و رایات فتح و ظفر اچلوب آلا یلر ترتیب
 اولنوب متوکلا علی الله تعالی اعدای دین اوزرینه توجه ایتدیلر
 کوردیلر که دونکی کون بتاق و راستده جمعیت ایدن کفار دین کنبسه
 یاتنده بر کافر قالیوب جمله سی اول کیچ طابور لرینه کبر مشا رطلوع
 شمس وقتنده کفار بتاغک کچد لری محافظه سنه مقید اولوب
 صول طرفه کی کچد دن نصف میل بعد صهراده بر کلبه سا قریبده

الایلرین دوزوب حائلسین مقابله قصصین ایدوب بالواجبه
 طورمق تدبیرنده اولدی همان عسکر اسلام دریاکی خروش ایله
 یورینوب اولبتاقدن جانب طابور دشمنه عبور ایدوب طابور
 اوزرینه آیللرین قوردیلر یکجیری دلاورلی تفنکه ال اوروب
 طوبلر دخی علی الترتیب دیزیلوب هرکس قول قول پرلورند.
 طوردیلر لکن پادشاهی بتاقدن اوته پکچور میوب اوطاغ همایون
 اوکنده طور غوروب خاصه همایون اولان خدام ذوی الاحترامندن
 غیری نه قدر طوائف عسکریه وارایسه بتاقدن اوته جانبیه
 پکچوب آیلر یاغلدیلر سردار طلیعه اولان جفاله زاده چرخه جیلر ایله
 طابور اوکنده واروب (المناوشة فی القتال اذان الفریقین)
 اولنهار دن بین الصلوتین کچجه اغاز مناشه و قتال ایدوب
 لکن کفره و غرّه وقت عصر اولنجیه اصلا طابور دن باش
 کوستره یوب مکرکه تدارکاری حکم ایش وقت عصر اولد قده
 ناکاه پیاده لشکرین قوچلر ایله طابور دن د وکوب آردلر نجیه
 فوج فوج بحر آهنین موج کی سواری آیللرین دیو راستوار کی
 آنلره قفادار ایلوب اونیک قدر تفنک اندازیاده و عقبنجه
 بش ایتی یکدن متجاوز مرتب نمجه اتلوسی ایله وکنک طوبلرک
 جله سنی مهیا ایدوب یکقدمه تفنک و منر برنلره آتش ایدوب
 زمره خنجر مثالی پر یوریش یوردیلر که رستم و زال اولسه حائل
 اولسق تصور اولغزدی لشکر انکروس هجومی اصحاب غرا
 قتلرنده معلومدر هجوملرینک و هله اولی ده آتشنه طور بلق
 مرتبه محالده ایدیکی تنع و قابع ایدنلره خفی دکلدره ملاعین
 اولامینه اسلامیه یور یوب کوه آهن کی ثل وانکسار قبول ایتوب
 صاخ قول صفوفن کبرویه توسکروب صول قول جانبنده منشر و غا
 اولان قیو قولی آیللری اوزرینه دوشوردیلر و زور هجوم ایله

بتاقدن پرو کچوردیلر مقدمه الجیش اولتیری ایسه تاتار عسکرینک
ایچنه انضمام ایله فتح کرایه ارقه ویردیلر لشکر کفار ائام جنود
اسلامک بو وجهله انفا لرین معاینه ایتدکرنده قوی دل اولوب
صاغ قول طرفدن دخی بشاغی برویه کچوب اوطاغ ممایون
اوزینه هجوم ایلوب پیشگاه پادشاهه ایردیلر اول محل روم ایلی
امیر الامراسی حسن پاشایه کلوب ایریشه سن دیو ایلغار ایله
چاوش کتمش ایدی اکا بناء روم ایلی عسکری ایله حسن پاشا
اول محل هولنا که جان اتوب ایردکده صاغ قولدن اردوی
همایون اوزینه وارن کفارک اردلرین حله ایتدکده کفره
تفنگ اندازی اکا یوز طوتوب لایق قطع تفنگ سربوب فندق
یاغدر مغله روم ایلی عسکرینک دخی یوزین چو یروب اول محل
اکثر سپاه نصرتدن مایوس اولوب فراره یوز طوتوب دشمندن
یوز چو یوردیلر باقی لشکر دخی خلاف معتاد اسکلی ایچ اوغللرین
صحن فضا ده کورمکله پادشاهی دخی فرار ایلش تصور ایدوب
کریزه یوز طوتوب یلر طرف طاغیلوب بودین و بلغراد ستملرینه
کستدیلر کفار دخی ظفر یاب اولدق ملاحظه سیله اردو چادرلرینه
کیروب یغمایه ال اوردیلر ایکی ییکدن زیاده ملاعین ایلر و سوروب
پادشاهک سجاده سنه براوق منزلی قدر محله جنگ ایدوب
اردو ایچنده تفنگدن فراغت اولوب مسلمان و کافر بربرینه
سیف ایله کیریشوب یقه یقه جنگ ایدر اولدیلر وزرا وارکان
دولت پادشاهی احاطه ایدوب طوردیلر بعض ملاعین اوطاغ
همایون طنابارینه ال اوردقده اندرون اغازی بریدن قلیج او شوروب
قتل ایلدیلر اول روز سختبردن برسات ایدیکه طامه عسا کر
(بلغت القلوب الحناجر) معنا سنی مشاهده ایلدیلر مولانا
سعد الدین افندی پادشاه حضرتلرینه (ان النصر مع الصبر

وان مع العسر يسرا) مضمونلرین بیان و تفسیر و صبر و شپا
 فوز آمانی و حاجات ایلہ متلازمان ایدیکنی تقریر ایدوب اول پادشاه
 دین پناه حضرت پیغمبر علیہ الصلوٰۃ والسلام خرقہ شریفلرین
 کیوب بنیاتی مرصوص جدار وار ثابت و برقرار اولوب حضرت
 عالم الاسرار و الخفایه مناجات و کمر به و خضوع و نیاز بزلہ
 در کاه بی نیازہ رفع ید حاجات ایدیکنک نسیم قح و ظفر برجم
 نوح محمدی بی تسبیح ایلدی کفار آتش نثار عسا کر اسلام
 چادرلرین قاپلیوب مال غنایمہ پریشان اولیحق بعناہ الله الرحمن
 صف مرتبیری بوز یلوب قورلمش چادرلہ بزر ایکبشر کافر
 غالبانہ دخول ایدوب بی پروا غرتہ مشغول اولد قلندہ عسکر
 اسلامک آت اوغلنری و آشچی و خربندہ و دودہ بی و ساس
 وارد و بی خدمتکار طائفہ سی چادرلہ گیرن کفار کبریشوب
 بالطہ و نجاق و بولد قسری آلات ایلہ قیرمغہ باشلدیلر بوسبب ایلہ
 ملائمہ ضعف حال طاری اولوب قرارہ مجالاری قاپوب طاہورلرین
 اولوب فرار ایتدکلرندہ کفار بوزلدی دیو آوازہ اولوب ایشیدن
 اہل اسلام دونوب ملائیک اکسہ سنہ دوشوب بروجهلہ
 قیردیلرکہ روایت صحیحہ اوزرہ زمان قلیلہ یوزیک قدر کفار زمین
 قہرنارہ دوشوب وقت غروبہ طاہورلرین کوروب منتهی اولجہ
 اول میدان وسیعہ کشتلردن پشتهلر یغیلوب پیادلرندن خودجان
 قورتلوب بقیہ السیوف اولان سواریلری ظلام لیلہ بریردہ قرار
 ایدہ میوز ہر طرفہ پریشان و ضج اولجہ دشت و درہ دیمبوب
 کر یزان اولدیلر الله الحمد و المنہ اول پادشاه عالی جاہ عون حق ایلہ
 منصور و مظفر اولوب عزیمت صادقہ و ثبات قدم برکاتیلہ برنیک
 نام تحصیل و عرض و ناموس دین و دولتی تکمیل ایلدیکہ اسلافندن
 بومر تہیہ بر پادشاه واصل اولدی

(سیاق آخر) بومقامه کلنجہ بعض اہل وقوف تحریریدر اما اول غزادہ
حاضر اولان دفتر دار پیروی ابراہیم افندی نوبا بوسیا قہ مغایر تحریر
یتشد رغایا کند و انا طول بکثر یکسی لالا محمد پاشایہ نقسای سبیلہ انک
قواندہ بولنوب یورغون الایلر قومندن اولغله تعصب ایدوب
وجہ لرازم وقعہ بی تنبع و تحریر ایتشد ر علی کل حال براہل وقوف
کسنہ اولغله انک دخی کلامک مالی خل اولندی مزبور دیشدر کہ
چون صباح عسکر اسلام الایلری دیزیلوب اول محل جنک اولان
کلبسا جانبہ عزیمت اولندی کورلدیکہ مزبور کلبسا قریندہ دیار
کفار دن کسنہ قالمیوب طابورہ کتشلر پس اسلام آایلری
کجدن یکجوب طابور سمتہ یوریدیلر کفار طوبایلہ وارنلری
باقلشد رمیوب تیمید ایدردی وقت عصر قریب اولنجہ اصلا
کفار باش کوسترمدی وقت اول عصرده کفار حرکتہ کلوب
کروہ کروہ کورندیلر اولایادہ نمجہ الایلری جہلہ سی آخن پوش
لارندہ برحرہ و برقاج الای دخی کولک فیورہ مستغرق لارندہ
مشغور دید کلری تفنک کہ اون بشر بکر بشدر درہم اتار و برقاج
الای تفنک انداز بحار هاید و دلی کہ بوزالیدن زیادہ پیادہ ہر الای
بشروز قدر کافر ایدیلر ہمدہ بحارک اتلی الای صافی صرقلی
و براقلی کہ سارہر اشجار کی کورینوردی ورنجہ نمجہ
وجہ وہ و سار اجناسک سواری آایلری کہ ہر بر کافر اوچر بشر
بحار تفنک لری کنور بونلر دخی الای آلیدن زیادہ ایدی کفار
کندونار بخارندہ بوعسکری مبالغہ کثرت اوزرہ بازوب
ہر ماکتدن و ہر ملتدن چاسار امدادینہ کلن قرالری
و ہر سکری اسپاریلہ و ہر یرینک عسکری عددنی تحریر و تعیین
ایلوب ایکوز الایدن زیادہ یازمشلردر و بونلردن خبری بعض
عسکر دخی هنوز کلمشیدی دیشلر و بالجلہ پیادہ لری اوکجہ

ایاق ایاق عسکره فندق سرپه رک یوریوب کلدیلسان پاشایه
مراد پاشا و بوستانچی باشی علی پاشا امداده کوندریلوب
ملحق اولدی لیکن کفار بالجله تفنک انداز اولغله مقاومت ممکن
اولیوب اسلام آلایری پراکننده بتاغی کچوب صحرايه یابلدیلر
کفار عسکری طوب و تفنک اتارق و کوس و ترمپه لرین
چانزرق بتاقدن کچوب اردویه طوغری یوریدیلر حسن پاشا
روم ابلی عسکرله صاغ قولده طابورک مقابله سنده کچد پاشنه
واروب طوغری و کفاری منع ایلك فرمان اولنشدی کلوب
اومحله طوردی لکن کفار هجومندن برآن قرار ایده میوب
تفنک زورندن سائر الایله ملحق اولدی کفار بی با و بی پروا اردویه
واصل اولوب هنوز عسکر اسلام منهزم اولمزدن مقصد غارت
و یغمايه قویلدیلر حتی برایکی بیراق ایله برنجیه کافر خزینه
حاضر یه هجوم ایدوب محافظه سنده اولان سپاه و یکچوری
طاغددیلر کفار خزینه سندوقه لری اوزرینه چقبوب حاجلی
بیراقلرین دیکدیلر ورقصه باشلدیلر چون بو حال منظور
پادشاه دریا نوال اولدوقده خواجه افندی حضور همایونلرنده
حاضر و بوا امر عجیبه ناظر اولغین افندی شمد نصکره چاره
و تدبیرنه دردیو پیور مشلر انلردخی پادشاهمه لازم اولان بیرکزه
ثابت و برقرار طور مقدر جنکک حالی بودر اجداد عظامکن
زمانلرنده اولان طابور محاربه لری اکثری یویله اوله گلشدر مجرات
محمدیه ایله ان شاه الله تعالی فرصت و نصرت اهل اسلامکندر
خاطر شریفقری خوش طوتک دیو تسلیم ایتدیلر منقولدرکه
امرای کفار پادشاه عالیجا هی اول حالده آت اوزرنده تمام
حیرت و انفعاله و خواجه افندی رکابی برابرنده طور وب ایکی
الری دمایه مرفوع تضرع و ابتهالده تصویر ایندروب گویاکه

اوقور اوفورر دیو تصویر ذیلندہ نیچہ لسانندہ خواجہ افسدیک

دعاسی قبول اولدی دیویلمشلسر

(احوال فراریان) اول وقتندہ ایچ اوغلنلردن سراسر کسوه ولباس ایله اوتوز قدر غلام اکرلی واکرسن بربراکیره سوار اولوب فرار ایتمکله ساتر عسکر دن برکوه فرار بیلرک فرارلرینه باعث اولدیله پادشاهی سوال ابدنلره بر قوچی به بنوب وقت عصرده میراخور اقا اوکنه دوشوب کتدیله دیملکه عظیم پریشانلق وپردیلر

(انهرام کفار خاکسار) چون لشکر کفار اردویه کیروب عمرندہ کور، دیککی غنایمی کوروب چادرله مستولی اولدی وایچنده اولان اشیای قبضه تصرفه کتورمکه مشغول اولوب حرب وقتالندن قالدیلر عسکر اسلامک دیت بلوکده بری کشیددی وفرار ایتمشیدی وقت غروب دخی قریب اولوب عسکر اسلام اسباب عادیه دن قطع امید ایدوب مجرد عنایت الهیه به مزقبر ایکن ناکاه رجال الله ظهرو رایدوب چادرلده اولان آن اوغلانی و اشهی وقره قوللقجی نامنه غازیلر بر کفار قویلهرب بالطه وقرمه وکورد ولبودمقرله سی آلات ایله هجوم ایدوب وافر ملعون دپه لدیلر درحال اول قوم ضالنده آثار هزیمت ظاهر اولدی وکافر قاجدی صداسنی قورایدیلر اردواطر اقدن سرسری کرین اورکش آلایلر دونوب هجوم ایدوب یئشدکلرینی قلیچدن کچوردیلر صف صف زنجیره چکلش حربی پیساده لر جسته جسته دوشوب اکثری خوفندن هلاک و نیجه بیک کفار طعمه تیغ تابناک اولوب آن واحده بی منت الی ییکدن غنیباوز کافر قلیچدن کچوب نیجه سی دخی بتاقلره باتوب آندہ پاشاری کسلیدی وزیرستان پاشا یاننده اول تارایله اردوی همایونک ضاع غنایاننده

کلن یکریمی پیک قدر کافر انلوسن بیچی ساعتده خدای شیر شمشیر
ایلیوب نیچه سن دخی صویه دوکدی جان حقیرلین خلاص
ایدنلر قراری فراره تبدیل ایلدکلرنده قیج کرای عسکر تاتار ایله
هر طرفدن یوریوب قیره قیره طابورلرینه دوکوب **ک**فره
چادرلرنده تحصن ایتمکی مراد ایتدکلرنده انده دخی فراره بحال
بولیوب چادرلرین وجهه اشیا و مهماتی براغوب یکتسا باشلریله
طاغله دوشدیلر اوزیک فلوریلک طغسانیدی پاره اعلی
طوبلرین و خیره و بی نظیر شاهلی ضربزنلر و مکمل جبهه خانه لری
ضبط اولندی طرف **ک**فارده غلبه ائاری بیدار اولمشیکن
جزئی زمانده بو قدر نفوس معدوم و منکوس اولق صنع بشر
دکدر دیو مشاهده ایدنلر اعتراف ایتدیلر و بالجمله بو غزای اکبری
مهاج و چالدران محاربه لرندن زیاده ایدوکن اثبات قلدیلر
زیرا بو غزاده قیریلن کفار مهاج مقتوللرینک ضعیفی قدر
ایدوکنده اشتباه یوقدر دیدیلر

(**ذکر شامت غرور**) پچوبلی ایدر بو سفر طغبار جلوس
عقینده واقع اولغله انعام جلوس ویریلن قبوقولاری سکسان
ییکدن زیاده واللی ییکدن متجاوزی بوسفرده موجود ایدی روم
ایلی و اناطولی و سائر ایالتلر واقعی و اشکعی و تاتار و بونلرک
خدمتکارلری التمش ییکدن متجاوز اینکن بو قدر عسکرک انهمانده
وجود و یرلردی حق علمدرکه بوجمله تک اول محمله براندی
عسکر قدر جنبشی و بهادر اقلری مشاهده اولغدی زیر کفارک
همچونی کورنلرک معلومیدر پس کفار اول ترتیب غریب ایله شدت
و کثرتارینه اعتماد ایله مغرورانه کلدیلر اهل اسلامک دخی بو طرفده
کثرته استناد و اعتمادی وار ایدی اسلامیانک حاللری برقیل
اوزرنده قالیمی کوشمال اولنوب کفار خاکسار دخی کال غرورلندن

اهل اسلامي کليت ايله سلب ايدوب آل عثمانك كزيده عسکری
پريشان اولدى ميدان بزه قالدى صانوب وجود ويرمدکلى ارادل
عسکر بي تيغ ونيزه كفارى بر مرتبه قيردیلر که الى قيام الساعه
نقش کاتبه روزگار اولدى سنه خمس وائف ربيع الاولینک بشنجي
کونی بوقح کلی ميسر اولدی

(توجيه صدارت عظمی با جفاله زاده سنان پاشا) چون
محاربه دن دونلدى جفاله زاده سنان پاشا صدر اعظم ابراهيم
پاشا دن اقدم حضور همایونه کیروب بوقحه قولکر سبب اولمشدر
دیو افتخار کونه وافر لاف و کذاف ایدوب خواجه افندی و غضنفر
اغادخی مطلبنه مساعدده اولنورسه لایقدر دیو امداد ایتملریله
کندویه مهر صدارت اقرار اولندی وزیر اعظم اولدم دیو
سرور ايله کندو اوطاغنه کلوب تهئنه و دستوبس ایتدردی
مع هذا ابتدا چرخسه دن فرار ایدن کندوسی ایدی دیونقل
ایدرل ابراهيم پاشا جفاله زاده قضیه سندن بی خبرانهزام
اعداد سرور بيله حضور همایونه کلوب اثناء تهئنت
و مکالمه اصلا پادشا هدن تغیر وضع صدور ایتمکله کند و
اوطاغنه کلوب قهر اعداده یولداشغنی ظاهر اولنره انعام واحسانه
مشغول اولوب عزل خاطرینه خطور ایتمدی و فرار ایدنلرک عود تی
ایچون اولافلر کوندردی یوم الاحد صباح اولیجی ابراهيم پاشا
وزرادن جراح محمد پاشا و جعفر پاشا ايله بالاتفاق سوار اولوب طایورده
قلان خیم و آلات و مدافع کفاری کورمه لشکرگاه کفاره کیده جک
زمانده خواجه افندی اوطاغ همایونه واردی بو آنه دک مهر
شریفک ابراهيم پاشاده طورد و غنک حکمتن غضنفر اغادن پسران
اولوب اولدخی سئلر دیو جواب وریجک خواجه جهان استغراب
ایدوب چونکه ابراهيم پاشایی عزل مراد همایونلری دکل ایدی دونکی

کون سنان پاشا تک التماسه مساعدہ دن مباعده یوراق کرمک ایدی چون
 بومر تیه اولدی برکونده رجوع ایلک اظهار تلوند بوجانه ایله
 شاید بر فتنه قویه دیمش غضنفر اغا بو کلامی بن پادشاهه دیمکه
 قادر دکلم زیر ابراهیم پاشایه محبت وعطوفتن مشاهده ایده یورم
 دیدکده اول محله میرا خور کبر اجد اغا بر کار نادان ترک اولغین
 جرأت ایدوب خواجه افندی لسانندن بونصیحتی پادشاهه نقل
 ایتکده نه خطا وارد دیوب غضنفر اغا اصلنده فرمک وجغاله
 زاده ایله همچیس و هم رنگ اولغین بواراده سنه مساعدہ کوسروب
 پادشاه طابور سیرینه کنسه کرک قنخی اسب رهواره سوار
 اوله جقلرین اسنفسار طریق ایله سنی حضورینه ائتکرلرند که سن
 دیوب اول ترک نادان دخی آت طالشقی اثناستده مناسبت دوشوروب
 خوابده افندی حضرتلری طشرده مهر شریف ابراهیم پاشاده
 اولدیغندن قبل و قاله احتمال ویره یور دیدکده پادشاه بر مقدار تأمل
 ایدوب قیوجیلر کتخدا سی وار سون السون و کوتور سن سنان پاشایه
 ویرسون دیوار بیورد قلرند قیوجیلر کتخدا سی دخی واروب
 پاشایی چادرند بولوب طابور سمنه روان اولدی وزیر دخی طابور
 سیرندن کلور ایکن بولده دوچار اولوب واقع حال بیلدرده کده
 خیمه سنه دلم بیت ایله کلوب وزیر مهربی تسلیم ایدوب اولدی کوتوروب
 جغاله زاده یه تسلیم ایلدی فی نفس الامر قیح و نصرت ابراهیم پاشا
 یوزنبن اولمش کن جغاله زاده بر قوری ادعا ایله حارمه مدارت اولدی
 اما بوندن صکره پادشاه جغاله زاده ایله امتزاج ایتوب اول
 وزیر عجیب التذبیر دن اطوار غریبه ظهور ایلدی که هر وضعی
 شاه و سپاهک دهشت قلبنه و طامع ناسک کند و دن نفرته
 سبب بلکه اهل شقاوتک جعیثه و خارج از اداب حرکته
 علت اولدی

(عقوبت فراریان) جمله مواددن بری بود که طایور مقهور بعون
الله الملك الغیور فتح اولند یغناک ایرتسی ~~مکونی~~ کندوسی صدانه
نائل اولد یغنی کی تصدی امورایدوب عسکرک موجود و ناموجودنی
یوقلا یوب اوج کون زعماء و ارباب یثار و قیو قوی یوقلا نوب
اوتوزیک نفر دن زیاده عسکرک فراری نامبله دیر انکری کسبلوب
هر قنده بولنور لسه قتلارینه فرمان اولند یغندن ما عدا دو نوب
فرار ایدنلری مظهر نکال و قهر و استیصال ایلوب مار الذکر
متفرقه یونس اغا که وقت محاربه ده پادشاه عالمیه ملک چادرینه
ایغش ایدی و بر بلوک اغا سی و بعض متعین وجوه لشکر دن کزیده
آدملرک پیونلرین آورد ردی شهید مشار الیه یونس اغا وزیر
سابق مرحوم فوجده سنان پاشا ک میرا خوری یوم مصافده
پادشاه خیمه سنه وار مغله منظور اولمشیکن نیجه بیکناهار ایله قانن روان
ایدوب عبرت عالم ایتکی روا کوردی و کفره بخره لشکر اسلامه (الحرب
خده) مصداق بجه حبله تصور ایتمشیکن بو فراری نامن طاقوب
دشمن اللرنده عسکر اسلامه بویله شین اثباته شهرت و یردی
و فراری نامن و یردی یکی کسه لک ماملکلرین میری یه قبض ایدوب
بولدیغن قتل و مصافده ایدله رک نیجه لری اقلیمله قاچوردی عسکره
معاودت اولنوب بلغراد کلند که حبش ایالتدن منفصل سهراب
پاشا ایلله جا هی نام متفرقه بی پیره زنلر با سبله تشهیر ایدوب
رسوای جهان ایتکله بوند نصکره بونجه مقطوع الوطایف
عسکر خائف نکف ایچون جهانی طائف اولغه یله قادر اولوبوب
جان خوفنه دو شملکه اهل تلیسه یوقیواچیلوب ارباب اغراض
عداوتی اولان کسسه لره بومقوله نام اسناد ایدوب جهانیان مبتلای
محنت اولوب آخر الامر اکثری فرار ایدوب اناطولی دیارنده جمعیت
و جلالی طائفه سی بالضروره انلردن ظهور ایلدی :

(من زرع الفتن حصص المحن) فخواستنجه بو مقوله اوضاع نامعقوله
کندویه ده باعث زوال دولت اولشدر و سوء تدبیرک بری دخی
بودر که تاتار خان اولان غازی کرای خانی مسند خانیندن معزول
واول سفرده بولسان قزداشی فتح کرای خان نصب ایتکله
تاتاره اختلال و یروب عاقبت فتح کرایک مقتول اولسنده باعث

اوالدی

(عودت عسکر اسلام بچاناب اگری) کفار خاکسار منهنزه
اولدی یغی کیمیه وقت عشایه دیک کو سارچا انوب شنکلا اوالدی
ایر تسی دیوان قور یلوب تهنیه غزا ایلد بلراوج کون اول صحرا ده
اوتور یلوب عسکر یوقلندقد نصکره طرفنجی حسن اغایه بیکچری
اغالیغی توجیه اولندی طا بوردن انسان طقسان یدی پاره طوپلر
صوانق قلعه سنه چکلمکه بکلر بکلره و سنجاق بکلرینه و عسکر
سارته یه توزیع اولنوب ماهر بیع الاولک اون برنده کروز قاسم ایدی
اگری قلعه سنه عودت اولنوب کلندی ماه مزبور اواسلطنده بوغزای
عبرت نما فتح نامه سبله قیوجی باشلردن علی اغا آستانه په کوندربلوب
مالک محروسه ده شهر دو نمانی تنیه اولندی اگری محافظه سنه
بیک نفر قول اوغلی و بیک اگری بیکچری یسی یازیلوب اوج بیک
بیکچری ایله طور ناجی باشی نو تبحی تعیین اولندی روم ایلی
بکلر بیکسی ولی پاشا دخی بو دین محافظه سنه کوندربلوب
برقاج بیک بیکچری بله قوشلدی

(عودت پادشاه بدار السلطنه) ماه ربیع الاول و اخرنده پادشاه
عالمیناه سعادت ایله اکریدن کوچوب صولتی و سکدین
یولی ایله وارا دینه واندن بلغرا ده کلدی بلرا بکی کون استراحتدن
صکره وزیر رابع حسن پاشای بلغرا ده سردار قویوب دار السلطنه په
توجه بیوردیلر

(عزل سنان پاشا و وزارت ابراهیم پاشا) سنان پاشا نك خوشونت طبع ايله
 تاملایم حرکتی وسوء تدبیری سببی ايله شاه و سپاه کندودن تمام
 نفرت ایشیدیدی سفردن مراجعت اولنوب ادرنه به قریب خرمنلی
 نام موضعه کلند کده والده سلطان طرفدن قیللی دلمز دیمکله
 معروف بی زبان سلیمان اغا کلرب مبارک باد غزا ايله مکاتب شریفه
 کتوروب بولده عربیه همایونه یانه شوب سپارش اولان اموری اشارت
 ايله نغهم ایلدی منزل مزبوره نزول اولندیغی کبی چاوش یاشی کناچی
 عرنا کو ندر یلوب مهر وزارت جغاله زاده سنان پاشا دن التوب
 وزیر سابق ابراهیم پاشایه تسلیم اولندی و وزیر معزول جغاله زاده
 کلیولی معبردن بکچور یلوب افشهره نی و انده حاطل و خالی قاعد
 اولقی فرمان یورلدی وزیر جدید ابراهیم پاشا د سننوس پادشاه
 عالیجاه ايله مستسمد اولوب سعادت ايله اوطاغنه کلد کده میر آخور
 احمد افغا که تحریک قضیه اید ندر عزل اولنوب سائر سنان پاشا
 هوادارلی دخی جله مطرود و محذول قیلندی و بالجمله فتح کرای
 خان اولدقدن نصره ینه غازی کرای ابقا اولتی و بلغرادده سرداراق ايله
 محمد پاشا زاده حسن پاشا لبق و نمش ایکن عزل اولنوب برینه ساطورچی
 محمد پاشا سردار اولقی جله ابراهیم پاشای عرلده یيله بولتمانک
 جزاسی ایدی خواجه افندی دخی خواجه لکدن رفع و بعده سلسله
 علمایه و سائر اموره مداخله ایتوب منزوی اولقی فرمان اولندی
 (خلاصه کلام بو فتح جلیلده جغاله زاده نك خدمت و شجاعتی
 فی الجمله ظهور و کشفیدی لکن قهقهه حلت مستغله بن اولدم دیو خود
 فروشغله صدر اعظم ابراهیم پاشا نك و سائر وزرائک مساعیلرین محوایدوب
 معاونلرم ساعده سیله طلب مهر و زارنه جسارت ایلدیکی طبع همایونه
 کران کلد یکشدن غیری مهر کندویه ویرلمکده تأخیر اولندیغی ایچون

خلق بینده فتنه علایمی و گفتگو وارد دیو پادشاهی تحویر
ایدوب وزیر اولد یغندن خاطر همایون زیاده مغیرایدی بودند
ماعدی کندوسی نفسنده دلزار و غضبتك و مدار بیلر متهور و بی باك
اولغله فراریلره اولان عقوبتنده بچله و افراط ایدوب نفوس کثیره
قتل ایند یکنند ن جمله نك قلی کند و دن نفرت ایدوب زوالی
استرلدی عزل اولنوب ینه ابراهیم پاشا وزیر اولد یغندن مانده
حیات تازه حاصل اولدی ائدن کوچ اولنوب داود پاشا صحرایسته
نزول یورد لده فتنه بی لام علی چلی اگری و طابور فتح نامه لرین
جغاله زاده نامنه یازیب بیهوده ستایشلرده افراط ایتکین عزل اولنوب
موسی چلی موقع دیوان اولدی و برینه اوقعی زاده رئیس انکاب
اولدی ابرنسی قبل الطلوع تا ثمة مقام خادم حسن پاشا و مفتی
یوستان زاده الای ایله کلوب داود پاشا باقیچه سنده دستبوس
تهنیت فتح و قدوم ایندیلر جادی الاولینک التبی کوتی ایدی جله
امان وارکن الای عسکر اسلام ایله رکاب همایون او کیچه دوشوب
کال شوکت و دارات ایله سرای همایونه اولاشدردیلر اوج کون اوج
کیچه شهر دو نغاسی اولوب فرمان ابالتی توح پاشایه و پرلدی اول
اشاده خواجه افندی یه جفا ایچون مخدوم برك محمد افندی بی
انا طولی صدرندن عزل ایدوب برینه خاندان آل حسن جانله
عداوت کلیه سی اولان مکه مکر ممدن معزول قوش بیجی نصب
اولندی ایکی کوند نصکره روم ابلی صدری داماد افندی و مزبور
قوش بیجی و روم ایندن منفصل شاعر باقی افندی مجلس آصفیده
جمع اولوب خواجه افندی بی اجلا یه سعی ایدوب مکه مکر مه
قضاسنه کوندر ملك ایچون اوقعی زاده قلیله تلخیص یازدر دینار
وزیر اعظم دخی اول تلخیص موجبه والد سلطانه و مغرب اغازله

تذکره یازوب خصوص معهودی تلخیص ایتمشکن کاغذری
ارسال بایسته ایکی کون تأخیر ایدوب بعده کوندردیلر بوارالقه
خواجده افندی قضیه دن اکاه اولوب مهربان حرم سلطان فی طرفه
قولی و مالی عمله اشتغال ایدوب خواجده افندی بر پیردر
بدعا شدن اندیشه اولنور عتبه علیه دن کند و سنی تبید ایتمه
امامی بعد امور دولتدن بر شیشه مداخله ایتموب متروی اولسون
ومن یسد عربی عبادته صرف ایسون دیو جواب کلوب و بعده
علماء سلسله ری لازم کلد کجه صدر اعظم کندولری نصدی
ایدر ب اقتضا حجه مفتی انام بوستان زاده افندیله مشورت
ایدرلر ایدی

(ذکر احوال فتح کرای) مقدمه اگری جنکنده جغاله زاده
وزیر اعظم اولدقده غازی کرای خانی معزول ایدوب برادری
فتح کرای اگری جنکنده عظیم خدمتده بولتمشیدی دیو خان نصب
ایتدردی فتح کرای قبولده چوق تردد و امتناع ایدوب بو خدمت
جلبله کیو غازی کرایکدر بنم اولور برادر مدر و نامدر دیمشیدی
بالضروره ابرام ایله قبول ایدر مشیدی وزیر ابراهیم پاشا خاندلیخی
کیو غازی کرایه ابقا خصوصنده وزیرا و اعیان ایله مشورت ایلدی
چون غازی کرایک خاندغه رغبتی و تاتر ایله الفتی و عموم تاتارک
کندوبه حسن اطاعتی عقلا و قلا و مروح بولوب خاندلیق فتح
کرایده قلوبسه باعث فتنه اولوب غازی کرای خان اختیار
عصیان ایلمکی متضمن بر مکتوب نمایان اولدی پس ایکی قطعه
خاندلیق مقرر نامه سی یاز بولوب متفرقه باشی چرکش خندان اغابه
تسلیم اولتوب سپارش اولدر بکه فریم افلیمنه وصول کرده اگر هسکر
تاتارک غازی کرایه ازدیاد رغبتلری مشاهده ایدر سک غازی کرایه
مقرر نامه سن و بره سن اگر فتح کرای تاتاری کندوبه متقاعد ایتمش

بولنور سه مقرر نامه سن و پروب غازی کرای در دولت دعوت ایلیه سن
 خندان اغا بوابکی منشور همایونی آلوب کفه به واصل
 اولد فده غازی کرای کی به کیوب دار السلطنه به عزم ایتمش ایکن
 خندان اغا موجب فرمان ایله عمل ایتمش غازی کرای خاله حقوق
 سابقه سی اولخله الطاف لاحقه امید یله همان مقرر نامه سن
 تسلیم و نتیجه حیل تعلیم ایلدی آکابله غازی کرای خان سفینه دن
 جیغوب ینه کفه به واروب خندان اغا تعلیم اتید یکی حیل به عمل
 کنوردی و مقرر نامه سن اظهار ایدوب خانلق ده واسن اعلان ایلدی
 فتح کرای خان دخی بو قضیه بی حس ایتد کده مقدمه چاره جوابی
 تقدیم ایدوب کندی بی خانلقده تقریری مشتمل بر خط همایون
 کتور تمشیدی غازی کرای امر شریفی ابراز ایتد کده فتح کرای
 دخی خط همایونی اظهار ایدوب خانلق تراخته دوشوب جوع
 نانار ایکی فرقه اولدی بالاخره شرح شریفه مراجعت اولند فده
 متولد منصب قضا اولان عبد الرحمن افندی فتح کرایک تمسکی که
 خط شریفه رسکره کلکین مقرر نامه اولدر دیو غازی کرای خانلقدن
 دور ایتمکی تصریح ایتمش کین کفه مغتبیسی مولا ازانی غازی کرای ایله
 الفتنه بناء ابتداء ظهور دولت عثمانیه دن بو آنه کلنجه ممالک
 اسلامییه امر همایونله ضبط اولنه کلد یکنندن ماعدا فتح کرایک
 النده اولان تمسک خط شریف اولدیغی شبهه لیدر شاید مصنع اوله
 اگر مضمونی مؤید بر امر شریف اولیدی عمل اولنوردی والا بالکنز
 خط ایله اولمز اعتبار طغرایه در بویه اولیحق مقتضای امر همایون
 اوزره غازی کرای خان و اطاعت ایتمش عامی و باغی اید یکی
 بی کاندردیو فتوی و پروب منصب خانی غازی کرایده قرار ایدوب
 فتح کرایک تمسکی لغو محضه چیقدی جمله نانار غازی کرایه انقیاد ایدوب
 فتح کرای تعزیر قالد فده بعض احقر کندی به جبر و تکلیف عتیف

ایدوب غازی کرای خان اولو برادر کدر کر کد که حضور ینه واروب
 بیعت و معذرت ایلیه سن دید کدر نده هر چند که در دمنده امتناع ایدوب
 آنکله عدم اجتماع قصد ایلش و طرفینک احوال در دولته عرض
 اولنوب فرمان جدید ظهور ایدنجه صبر لازم ایکن نادانلر ابرام ایدوب
 بالاضطرار اول ساده دل خاخراده برادری غازی کرایه واروب
 د سبوس ایلش حضور ندن طشمره چیقار کن فیو او کند
 مجتمع اولان غازی کرایک اتباعندن بر جع تانار میرزای بوتوب
 ایچلر ندن بری بیچاره فتح کرایک باشنه بر کولنک اوروب سائرری
 قلم او شورب پاره پاره ایلدیلر آنکله دخی اکتفا ایتوب رؤسای
 جنکبری وفاقجه اولاد صفارینه وارنجه جله او جان پله قتل
 و بر باد ایتدیلر غازی کرای بی منازع مسند خایده قرار ایدوب میرزای
 و جله تانار مطیع و فرمان بر اولغله نزاع و اختلال مند فاع اولدی
 فتح کرای وجیه وجیل و محبوب اللقا پرتازه بهادریا دشا هلقه
 لایق بکت ابرکن سنان پاشاک نامنا سب همی ایله پاره یه آتاپوب
 اولاد واعقابی ایله محو اولدی غازی کرای خانلقد مستقل اولوب
 چرکس ولایتی اورتا سنده فرمان ایله بر قاعده بنا سته باشلشدی
 اتمام ایلدی بواشاده خدران اغا شاد کام دار السلطنه یه کلوب
 وجه مشروح اوزره تانارییننده نزاع و شقاق واقع اولد یعنی
 نیلدردی پادشاه عالیه حضرتلری زیاده بیحضور اولوب مصلحت
 وقته بناء کتم ایلدیلر

(ظهور سفر واج و سرداری ساطورنجی محمد پاشا) چون سابقایانکی کبی
 حصار او رسالده اکری کبی قلعه استوار اکتوب واج اواده بود کلوا کفار
 خاکسار کشته تیغ دمار اولد یعنی جاساره باعث نله وزار اولشیدی
 پادشاه عالیه اول سرحدلده اکلنوب دار السلطنه یه توجه

یورد قلزنده تکرار چاسا رجع لشکر کفار ایدوب یانق اوزرینسه
 یورد کلاری معروض حقیه علیه اولد قدسه سابقا بلغزاده سردار
 تمین اولتان حسن پاشا جغله زاده نك نصب کرده سی اولمغله
 و دین محافظه سنه تمین اولنوب غره شعبانده طونه یالبسی
 محافظه سندن کلوب وزیر خامس مقامنه جلوس ایدن ساطورجی
 محمد پاشا عسکر اسلامه سردار تمین اولدی مومی الیه اظهار
 فقر ایتمکله صدر اعظم ابراهیم پاشا پادشاهه عرض ایدوب
 جبه خله ومهماتى جله میریدن الیویروب اوزنیک فلوری خرجاق
 دخی طرف شهر یاریدن انعام صادر اولدی وزیر اعظم کندو
 تلرین و قطار لرین ویرکدن صکره سائر وزیرایه دخی جمال
 و بغال صالوب الیویردی الی بلوک و یکچیری کتخداسی علی اغا
 اوزنیک قدر یکچیری الیه سفره مامور اولدی و اتمکچی زاده
 احدافندی سفر دفتر داری اولوب مواجب ایچون ایچ خزینه دن
 بیک پولک ایچ ویرادی روم ایل و اناطولی و قرمان و سیواس و دیاربکر
 و من عس و رقه ایالتلری ییله مامور اولدی سردار مشار الیه
 تدارکتی کوروب ماه شوالک بکری اوچخی پنجشنبه کونی آلاى الیه
 بنوب وزیر اعظم و شیخ الاسلام و وزرا و اعیان کرام امر تشبیهسه
 بالمعیه قیام ایدوب دار السلطنه دن چیقوب اوطاقله نزول ایلدی
 و تاتار خانه دخی سفره کتمک ایچون مکتوب کوندرلدی سردار
 ظفر شتار اوزنیش کون حلقه لومنزنده ارام ایدوب اتمام لوازم
 کلیه و جزیه اولد قد نصکره کوچوب طلی مراحصل ایده رک
 عسکر اسلام ادرنه یاندن ذی الحجه نك بدینی کونی صوفیه به و بکری
 طقوزنجی کونی بلغزاده صحرانسه نازل اولد یلر
 وقایع سنه ست و الف
 (عنایت سردار اسلام ساطورجی محمد پاشا بقیم تا تا)

سندہ پیک الی محمد بنک ایکچی کوئی سردار ساسطوری
 محمد پاشا بلغرادہ داخل اولدی بکرمی کوئی اوراق
 ندا اولوب عسکر ذخیره توزیع قلندی ومهمات کورلدی سکرچی
 کوئی اناتولی بکرم بکرمی محمد پاشا کلوب عسکری ایلہ ملحق اولدی
 عسکر نهر ساوه اوزرنده اولان کو بدین سرم جانبندہ یوما فیوم
 پکرمی بکرمی اوچخی کوئی سردار عالی مقدار دخی پکرم
 سرم صحرا سنده قوندی بوسنه بکرم بکرمی حافظ احمد پاشا بودین
 محافظه سندہ ایدی کلوب زمون صحرا سنده ملاقی اولدی واوسکده
 دیار بکرم والبسی مراد پاشا کلوب داخل اولدی طی مراحل
 ایدرک صفراء اون ایکبسنده جان فوزان منزله واریلوب
 روم ایل بکرم بکرمی ولی پاشا بودین بکرم بکرمی میخا جلی
 احمد پاشا بودین قارشو کلوب بودینہ قریب کول باشنده
 استقبال ایلدی مقدما کفار خاکسار یانقی محاصره ایتشبدی
 مشاوره اولوب امداد نہ وارلق مقرر قلندی الی بدوشقه درت
 قبتورنه مهماتی بودیندن دال صحرا سنده نقل فرمان اولندی
 ولی پاشا واحد پاشا عسکر ایلہ واروب طویلترقلنه کشیدلر سردار
 اسلام دخی صفراء بکرم بکرمی دال صحرا سنده نزول ودرنک
 ایدوب سبواس ورقہ ابالی عسکری ایلہ بکرم بکرمی کلیدلر
 بوائندہ یا نقدن آدم کلوب دللر کنوردیلر خبری بوایدی کہ
 مقملیانوس قرق الی پیک کافرا یلہ مقدما یانقی محاصره ایتشبدی
 سردار و عسکر اسلام کول باشنده قوندیغی خبری کلکله قاقوب
 قومران اطه سنہ پکرمیلر اول آراقده یانقی غازیلری فرجه بولوب
 قلندہ دن چاقوب ایکی پیک مقصداری اسیرالوب برایکی پیک کافر
 دخی قبل ابتدا یلر بصدہ طویلرکلدکده کوچیلوب ماه صفراء
 بکرمی النجی کوئی ثابا قلعه سی قریبندہ قونیلوب بلا توقف

طویلر قورلدی و دوککه مباشرت اولندی حصار مزبور یانق
سنه سی فتح اولمشید ی صکره کیر و کفار مستولی اولوب انقله
تکرار فتحی لازکشدی ماه مزبورک سلطنده عموما قیوقولی ایکی
بولوک اولوب بری استرغون جائنه و بری قومران طرفنه قرارله
چیتدیله و قلعه یه نغم ایتدیله یلوب زیاده ایله اقدام اولندی لکن
آچیلن کدک یوقش یرده واقع اولمغله یوریش ایدن غزاتی خیره
وطاش ایله دوندر دیلر کرچه دخول مبسر اولدی اما محصور
اولنلر دخی نغم و طویدن صقیلوب من بعد برکون طور یلور ایسه
هلاک خوفی مقرر در دیو کیجه قلعه دن اینوب سازلیغه فرار ایلدیله
و قومران قلعه سنه کندیله اناطولی بکله بکبسی محمد پاشا اول کیجه
فر اولده بولمغله تعقیب ایدوب بر مقدارین قتل و کین اسیر ایلدیله
قلعه قربنده اولان کولک جریانی قومران سمتنه اولوب مجراسی
بتاق و سازاق اولمغله بر مقدار کفار اکا کیر و ب خلاص اولدیله
غره ربیع الاولده قلعه ضبط اولتوب سکر کون اثناء اقامتده
یانی قلعه سنک طوب ضریله خراب اولان یرلی یاییلوب یکریمی
بیک کبل ذخیره قونولدی ایچنده بولک شریطیله قباتن قول
او غولاری اغاری ایله کلوب مدت محافظه مرتعاص اولدی
دیودفته کیرمک طلب ایتدیله رایکبشر افجه ترقی ایله برسنه دخی
مهمل و بریلوب آستانه یه عرضه حواله اولندی و ماه مزبورک سکرچی
کونی کوچ اولوب آجی ~~کول~~ باشنه قوند قسارنده فرمان
بکله بکبسی نوح پاشا کلدی اونجی ~~کون~~ اسکی بودینه
زول اولندی

(مشورت و توجه بجانب واج) بواسطه بودین خلقی
عرضحال ایدوب استرغون کفار دوشلدن بری بودین
سرحد اولوب امن و امان قالمشدر حصار مزبورک
فتحی اهم مهماندن روز قاسمه دخی زمان وارصکره دخی کرجک

باز اولور كفارك جمعیتی بوسنه اول مرتبه د کلدران شاه الله توجه
 بیورلسه فتحی مبردر اولملاسه در دولته یازوب محضر لر وشکوز
 نامه لر کونددر یزدید کلرندده مشاوره اولنوب یکچیری زمان
 تکدر متریس زمانی یکدی استرغون حصاری سائر قلعه لر
 فباس اولنمز دیدیلر بودین خلقی الحاح ایلد کلرندده سردار دونوب
 انلره ایندی برسر چله کز متریس امدادینه کلورسه کز جان و باش
 ایله خدمتده اولورسه کز یزدخی عسکر اسلام ایله توجه ایدده رز
 انلر دخی چله برسر و چشم دیوب عهدی محکم ایتدیلر طوبی
 باشی یکرمی قطعه بدالوشقه واون عدد قلوبورنه مهماتیه
 کیلره قلوب کتمک ترتیبده اینکن بامر الله تعالی اول کیمه
 بر شدت شتس واقع اولوب بر ذراع قدر قار یاغدی هر کسک باشی
 قایسی اولمغله استرغوندن فراغت اولدی ماه مزبورک اون
 اینکنجی ~~ک~~کوننده تریاکی حسن پاشا کلوب بو ائنده اردل اوغلی
 طمشوار قلعه سی محاصره ایتدیکی خبری کلمکله هنوز اردو یه
 داخل اولیسان سبواس بکلر بکبسی محمود پاشا ورقه بکلر بکبسی
 علی پاشا و ائنه بکلر بکبسی محمد پاشا یانلرندده اولان عسکر ایله
 طمشوار امدادینه وارمق ایچون امر لر کوندزلدی و بواشاده
 كفارك طابوری استرغونی بکلوب واجه کلد یکی خبری وارد
 اولمغله طابور اوزرینه وارلق مقرر اولوب عسکر اسلام بش
 کونده پشته صحرانسه کچوب ماه مزبورک اون بشنجی کونی
 سردار دخی کو پر بدن عبور ایلدی ایرتسی کون عظیم قار یاغوب
 کیمه کوندز عسکره عظیم رحت و بردی ماه مزبورک اون
 سکرنجی کونی کوچبلوب آرمودی نام منزله قونلیدی ایرتسی
 اول عمله کی ایله ~~ک~~کله جک طوپلره توقف اولنوب تاتار
 طائفه سی طابوردن یکرمی نفر دل کتوردی اردلک دخی امداده

ابرشمه سن خبر ویدی بعده کوچلوب ماه من اورك يكرمی
 برنجی کوئی واج قرینه زول اولندی حصار مزبور بودینک
 بر محله سی مقابله اوافله قهقنی مراد ایتدیلر کفار دخی واجك
 اونست یانده طونه یا لبسنده بطا بورایله بر طایر یوزازده قوش و قلعه یی
 تخلیه ایتمیشیدی طا بورك بر جانی طونه و بر جانی عظیم صعب
 طایغ و اوکنه عریض و عمیق خندقلر کسمش و پر رتیه ریه
 طایدر فورمش بیچنه طوب و تفنگ انداز طولدرمش اوزلر یننه
 وارلمشه امکان یه فی اردلر یننه کچمک طایغی اوج درت کونده
 طولا شمنه موقوف ایدی وارلدیغی کپی اسلام چرخه جباری
 چیقوب کافره طوغرلدیلر اوج درت مجار آلای دخی طابوردن
 چیقوب بر مقدار اللشدک نصره چاق و یروب عسکری
 طوب الته چکرردی و ترتیب عسکر بواسلوب اوزره ایدی
 اناطولی و قرمان و بوسنه و سیواس بکار بکیمی مرغه روم ایلی
 و بودین عسکری مولده فیوقولی و یکچیری ایله سردار قلبده
 طوروب دیار بکر بکار بکیمی مراد پاشا و سکتوار بکار بکیمی
 لی انصوح پاشا چرخه ده بدل مقصور ایتدیلر ایتیمی که روز
 قائم ایدی اسلوب سابق اوزره جنک اولتور ایکن اسپاتیه دن
 کلن پیاده کافرلك بلالو باشلی بر قبودانی کلوب اطاعت ایتدی
 و اسلامه دوندی طایغ باشنده جنک ایدن پیاده یی بوزوب اول
 محل ضبط اولتورسه فتح مقرر دردی میکلر برازیکیچیری و آت
 اوغلانی طر پان و نجاق ایله یوریوب اردلر نجه بوسنه و بودین
 عسکری قفادار اولدی وارلدغه عظیم خندقلر و طا بورل ایتشار
 جنک ایتدیلر روم ایلی بکار بکیمی دخی کوندیلر خواه و ناخواه
 ملاعینی مبدله لکدن چقاروب صحرا یه سوردیلر وافر کافر
 قردی لکن طابوردن عظیم آلا یلر چیقوب آری آلا ی امداد

اینگله طوب و تفنگ عسکره رخنه و یروب تکرار سلطدار قبولی ایل
 امراد اولدی بودند صکره سردار کفار مقبلان طابور دن
 چاقوب آلائی آلائی یورودیلر و طابور دن عظیم طو یار آیلوب
 کلی مضایقه و ریشیکن عسکر اسلام میدان کارزارده سردانه
 طوروب کون زواله ایرنجده محاربه ابتدایر اخشام ایریشوب طیل
 اسایش چاندی طایغ باشند اولان کفار اوز رینه سکتوار
 پاشاسی دلی قصوح پاشا سردار اولوب اتدن انوب پیاده
 اوکریته دوشوب عظیم جنک ایتشیدی تکرار آلتوب شوق
 اولان دلاورلایله میدان کیروب اخشام اولنجده اولقدر دلاورلکر
 ایتدیله که وصفه کلر ارقسی حریدن ال چکوب مجروحلری تیمار
 و شهدای دفن و درمزار ایتدیله دخی اورتسی روم ایلی عسکری
 ایل بودین عسکری اردو تک اوکنه کچوب طابور عقابله سند
 قوندیله و عسکر اسلام فوج فوج واروب اوکون دخی انضامه دک
 جنک ایتدیله بالآخره مشاوره اولنوب قبش ایرشیکله طابور
 ظفر مبسر اولوب طونه و دراوه اوزرنده اولان کو پر یلر
 خال ایرمک خوقی وارد ایدی عسکری سلامت یقاسنه
 چقارمق اولی درد بو اتفاق ایدوب ماه مزبور لیکری سکرچی کونی که
 روزیکشنبه ایدی اغزاق ایلر کوندیلوب عسکر کیرویه رجعت ایلدی
 (نجمده تحریر اولتان بود که واج عسکاری الله وارد قلری
 گیمه مزیس قورلغه مباحثت اولنوب و محصور اولان
 کفار خوف و خشیت دوشیکله قلعه تک بعض یرلری
 آتیه اوروب طابور ملحق اولدیله اورتسی حصارده وافر
 زاد و نواده کیدی دیشدر واج حصار کیرچه خیال ایدی
 اکن طابوراند ایکن ایچنه آدم قروق مخاطره در دیومقید اولمندی
 (رای سردار) مقابله کوننک اینکچی کونی سردار رایی ایل

اوجیوز قطنار دوه حاودلینسه بیراقلر دیکلوب سپاه آلاپی
 اردینسه دیزدیلر ایراقدن برمهانبلی آلاپی کورینوردی عسکر
 اسلام سردارایله آرمودلی منزلته بعدله یشته یه چکلوب قبون
 اطلس سنک یاننده دکرمنار مقابله سند . قونلیدی اول محله . اردل
 اوغلی طممشواری حبلی زماندر محاصره ارزده دردپو فریادجیلر
 کلکله سیواس بککری بککسی محمود پاشا یه بوسنه عسکری و بعض
 روم ایلی امراسی قوشلوب کوندرلک تدبیر اولندی ربیع الاخرک
 ایکجی کونی مزبور محمود پاشا کوچرب کندی وقول علوفه ایچون
 غلوایتدیلر یانق قوللرینک دخی اموری کوریلوب اوج کونده
 نهر طوبه اوزرنده جسر قوریلوب بشچی کون سردار کچوب کرزا لباس
 نپه سی قرینده زول ایتدی واول اشاده کفار خاکسار دخی طابورین
 بوزوب ملک کلرینه بریشان اواقلری خبری الثان دلار دن تحقیق اولندی
 سکرنجی کونی جزء بک صحرا سنه قونلقدده بودین بککری بککسی
 وداخ ایدوب کندی بوند نصکره عسکره اجازت ویریلوب سردار دخی
 طی مراحل ایدمک ماه مزبورک اواخرند . بلغراده داخل اولدی
 واحوال سنحد و سغری وقوی اوزره در دولت عرض واعلام
 ایلندی فرمان بککری بککسی نوح پاشا و بوسنه بککری بککسی تریکی
 حسن پاشا بودین محافظه سنده قالدی و مرعش والبسی دخی یله
 تعیین اولندی ویک نفر قول اوغلی یاز یلوب ترقی ایله بلوک خلقندن
 بودینه قیساندیلر روم ایلی یچوید . وانا طولی اوسکده و باجقنه
 و صونورد . قشلاقی بلوک خلقنه اجازت ویریلوب اغالی بلغراده
 قالدی بواشاده قوجه مراد پاشا و بودین قاضیسی هابل افندی
 و مراد پاشا دامادی قاضی زاده علی پاشا کافر ایله خبر لشوب
 صلح وصلاح سوبلشمکه واج صحرا سنه واروب و کافردن دخی
 برفاج شایعقل کلا بلر کفارک بورنی هواده اولمغه نتیجه ویرلیدی

(عزل ابراهیم پاشا و وزارت خادم حسن پاشا) چون سردار
 ساطوری محمد پاشا بوسنه تاتارخان کلدیکنندن غیری مأمور اولان
 عسکر دن دخی کل قلیل المقدار ایدی دیو عرض و اعتذار ایشیدی
 پادشاه عالمینه حضرتلری مقدمه ما خان ماده سیچرن صدر اعظم
 ابراهیم پاشایه مغیر اولوب و بودفعه عسکر وار مدیغنی ضمیمه
 ووالده سلطان طرفه ابراهیم پاشاک تصیری و خادم حسن
 پاشاک بذل اموال ایله التیام و تدبیری اکار دیف و تنه اولوب
 برکون بعد العصر شیخ الاسلام بوستان زاده حضور همایونه
 دعوت اولوب آغاز کلامده پادشاه حضرتلری بیوردیلر که
 صدارت عظمای آخره توجیه مراد همایوندر کجه توجیه
 انساب اوله دید که معنی افندی دخی پادشاه ابراهیم پاشا
 قولکرت موجب عزل اولور جرمی واریدر دیو استفهام ابتدا کده
 جریمه نه سبب یوقدر از جله غازی کرای خانی ابقایه آیانی
 باصوب فتح کرای کی بر وجودک افسانسه سبب اولدیغنی
 جرم عظیم دکلیدر بیوردیلر معنی دخی جراح محمد پاشا وزیر ثانی
 و لنگله یولک دکلیدر دید کده پادشاه حضرتلری اوله دراماند بیر
 و نصرفی یوقدر بیوروب خادم حسن پاشایی ترجیح و استنبول
 محافظه سنده حسن تدبیر و سلوکنی تصریح ایدر لر معنی افندی دخی
 میلی حس ایتمکله مدحی ستمه سالک اولوب لیاقتنه متعلق
 اطرا ایلدی ماه ربیع الاولک یکرمی اوچغنی کونی بعد الدیوان
 قیوجیلر کتفا سی عبدالله غا طرف پادشاهیدن کلوب مهر شریفی
 ابراهیم پاشانن الوب خادم حسن پاشایه تسلیم ایلدی ابراهیم پاشا
 بر موجب فرمان اسکندارد صالیه حق اسکله سی قرینده اولان
 باغچه سنده متمکن اولدی حسن پاشا بهر هفتنه صدق در خلافت
 والده سلطان حضرتلری نه مبلغ عظیمه و هدایای واقعه خدمت

ایتمک شرطیله نائل رتبه صدارت اولمشیدی اول سیدن زمان
 صدارتنده جله مناصبی اقیجه ایله صاتوب حددن زیاده رشوت
 آکوب عالمی بررینه قاندى مناصب طالبلرینه سزندن الیغم مبلغی
 کیمه تسلیم ایدرم یلور مېسزدیو ناه عقول کلمات ایتمکله اول عایه
 لذاتی السنه ساسه دوشوروب هتک پرده ادب ایندیکندن ماعدا
 غضنفر اغا ایله دخی حسن زندگانی ایلوب کون کوندن تحاسد
 ومعدات از دیاد بولدی حتی اول وزیر غافل اغای مزبورک
 زاله سنه قصد ایدوب کسسه واقف اولمدین رضای همایون
 اولغیچون جمعه کونی ایاصوفیه ده سجاده اوزرنده پادشاهه
 یتاشوب بعض مفاسد اسناد ایله قتلنه اسیدان ایلد کده پادشاه
 غرض محض اید وکن طوبوب رضا ویرمدی دستور خادم
 سوبلیدیکنه نادم اولوب اول سودان فراغت ایتشدی پادشاه
 حضرتلری بوخصوصی والد لرینه سوبلوب والد دخی غضنفر
 اغایه نقل ایدیچک اغا دخی مکافات قصد ایله مانند خانمده وزیران
 آغاز بیان ایدوب حسن پاشنا آشکاره ارتشالالوب بی ولد
 سلطان حضرتلری قسطیه کسمشده رد یو اشاعت وافشا
 و صغار و کباره و بای و کدایه اشتکا ایتمکله سزى تشهیر ایدوب
 دللره دوشوردی بوشکایتدن مرادی اشیای عوامی باشیکره
 اوشورب قول غلوایتدرمکله سزى حضور پادشاهیدن دور ایلکدرکه
 کند و می امورنده مستقل اوله و مقدمه بنم خون ناحقی اساله
 ایتدرمک استرکه بومعنائی پادشاهه افاده ایدرکسنه بولنجه دیوب
 بوخصوصه یکچیری اغاسی طرفتجی حسن اغای اشتهاد ایلدی
 پادشاه حضرتلری حسن پاشا احوال نفیض پیورد قده ارباب
 مناصبه والد سلطان حضرتلری تذکیرایتدیکنی خبر ویردیلر پاشانده
 شیخ الاسلام بستانزاده انتقال ایدوب حسن پاشا خدمت اقبائی

شاعر باقی افتدی ایله قره چلی زاده به عرض ایلوب بونلره مساعدت
پادشاهی اولوب خواجه سعدالدین افتدی به توجیه فرمان
یورلدقمده حسن پاشا مناسب کورموب اوج دفعه تلخیص کوندروب
باقی افتدی به توجیهی مراد ایشیکن کبرو سعدالدین افتدی به
توجیه اولنه دیو فرمان صدور ایتدکه پاشایله افتدی موی الیهک
پیشیده اولان عداوت قدیمه بناه حقند نهجه نسر اکالت یازمغه
جرات ایتدکه پادشاه مقبر اولوب منصب افتاده اول ملای
عالمشانی تقریر یوروب سعدالدین افتدی هم ملای سلطان جهان
وهم مفتی دور زمان اولغله نائل سعادتن وعائز ریاستین اولدی
وحسن پاشا حقند خواجه افتدی و غضنفر اغا و طر نقچی
حسن اغا اوچی اتحاد ایدوب پاشاک والده سلطان حقند مکر
وکیدی اولد یغنی دخی نیجه مفاسدن تحقیق ایدوب واجب
القتل اولمشتی تبایغ ایله پادشاهی غضبه کتور دیرماه رمضان
ایکینجی کونی اسکله د والده سلطان بناید چکی جانعلک اسانی
وضمنه مباشرت ایلد کیری حینده واقع جمعیتده بوستانچی باشی
فرهاد اغا کلوب حسن پاشای ایدوب و برقایغه قویوب
حسب فرمانیدی قله په کونوروب محبوس ایتدی بش ائی
کوند نصکره کیجه ایچنده قتل اولنوب مدرسه عی الشده اولان
ربه په دفن ایتد بلر یکچیری اغاسی طر نقچی حسن اغا واروب
سراین مهر لیوب ما ملکن قبض وجانب میری په تسلیم ایلدی
اماخرینه دارنی کند و خانه سنه کتوروب حبس ایتد کد نصکره
هلاک وناید اید تمکین ما مول اولان مرتبه مائه ظفر بولمندی
(وزارت جراح محمد پاشا بعد از قتل حسن پاشا) مهر وزارت
ابراهیم پاشایه ویر ملک ملو ظ بلکه مقرر اینکن خواجه افتدی
سرف ایتد یوروب جراح محمد پاشایه تسلیم اولندی

(استیلاء کفار خا کسار بر حصار یانق با حمله) قلعه مذکورده بیکجری
اغاسی اولان فاجر بکلی بکسی محمود پاشا نك ضد کمالی
اولوب کفار طرفدن برجه ذخیره کلز ایکن بونلری اغسال
واضلال ایچون کیلر و عرب لایله یولک یولک خر کلوردی محافظه
ار بابی شریه دوشوب و بدنلری بوش قویوب و قویوب قویوب
بکلمز اولدی بو خصوصده پاشا نك و غیره سوز بنی دکیلوب مجرد
حصارک متانتنه اعتقاد کلوب غفلت ابتدا یلر پچوی سنجی اغی
بکلمز بکی اولان محمد پاشایه اریالق اولمغه ذخیره می اکثر
عرب لایله پچویدن کیدوب هر سنه ایکبشر اوچر بوز عرب
ذخیره کیدر و عودتده کفار یوللرین بکلیوب جمله
او کوزلرین آلوردی بو طریق ایله پچویدن بش الی بیک او کوز
دار حربه کندی بعضی ناحیه ده اصلا او کوزلر قالمیوب رمایا
هورق ایله صبان چکوب چفت سورز اولدی اوائل رمضانده
کفار عرب لایله کلی تعدی ایدوب یانق واکری به کیدن برقاج یوز
ذخیره عرب لری اوزرینه کلدی قول اوغلی اغاسی قنوز مصلی
اغاسی و کهنیداسی علی کهنه یانلرنده اولان آتلی عسکری فرار ایدوب
قالان پیاده و او جیوز باجقه لی تفنک اند زی سوروب نیجه سن
هلاک و نیجه سن اسیر ایدوب باجقاندن کیدن براییک بیک او کوزی
عرب لایله سوردی و مقدمایانغه ایکی بیک قدر جبهه جی و ایکی
بیک قول اوغلی باز لشدی بونلر کا کتری پچوینده و قوبانده
و استونی بلغرادده تا هل ایدوب بو تقریب ایله یانق قلعه سنی
براقغه حصار ی تمهی قالمغه قریب اولمشیدی و پر سنه مقدم تا تا
قلعه می اغاج طوب ایله الیوب بر فرد متنفس خلاص اولماشکن اصلا
کچمه متنبه اولوب احتیاط ستمنی اعتباردن اسقاط ایلد یلر
احمدانک علامت کید و مکرری کورینوب طور ر ایکن
(اذا جاء القضاء علی البصر) فحوا سنجه بصیرت لری باغلندی

بر کجه پالغی دید کلری خنزیر که قومران قیودانی ایدی بر فاج
 ییک پیاده کفار احضار ایدوب کند و دخی بر اینکی ییک سوار
 ایله کلوب پیدا ایتدی یکی افاج طوبی اورنوب کندی هسکرینه
 ییله کوسرمدی و یانق قپوسنه کتوروب بری طرفه کمال غفلدن
 برقات چام تخته سی ایله یالیش قپوسنی قپا یوب حکمه
 کوپریستی ییله حکمه مشر ایدی بر فاج مرتد کافر نصف اللیلده
 قپویه کلوب نونچی دیو طشره دن چاقورد یلریکچی بر اوغلان
 او یانوب کپارسز دید کده پیچویدن ذخیره کتور دك یولده دشمن
 اولاشدی عربلر ایله قیارق کوچله قورتلدق شمعی آردیمزدن
 کلوب بصارل قپوی آجوب ذخیره بی قلعه یه الک دیوب سؤال
 وجواب ائاسنده اول افاج طوبی یاشد یروب اوغلان دخی
 واره یم قپوجیه خبر ویره یم دیوب کندی بوقدر گفتم وکولونجه
 طوبی مراد اوزره یناشد ردیلر اتش ایتد کده قپوی پاره پاره
 ایتدی کی کروه کروه ملاعبین کپروب ایچروده کچی سرخوش
 کچی یئکی بولنوب غالمار اکاه اولیحق جان باشارینه صحرایوب
 ایکی طرفدن کفساره هجوم ایدوب حتی طشره اخراج ایده جک
 مرتبه یه کتور مشر ایکن دشمنک کثری بونلرک سورتنی کسر
 ایدوب دوکشی دوکشی جله سی شهید اولدیلر یانق
 قلامه سی بو جله ایله کفار تصرفنه کبردی (مرویدر که
 یکچیری افاسی اولان مست فاجری پالغی دید کلری کافره دری
 کتور ردیلر اون بش یکریمی ییک قدر التون یانجه ییله بولندی
 بو التونی نه صقاردک قلامه محافظه سنه صرف ایتسک
 اولمازی ایدی بویله قلامه می بکنوردیوب یاغنی کندیروب برکوندره
 دکدردی وقلعه محافظه سنده اهمال ایده نک حالی بودر دیوندا
 ایتد یروب کزدردیلر مسلمانلردن ایحق بش الی کسنه خلاص اولوب

بودینه کلدیلر ماعداسی دیار عدمه کتدیلمر ماہ شعبانک
یکرمی طغوزنده بودین بکتر بکسی بواحوال یازوب سرداره
عرض واعلام ایلدیککی خبری واصل اولدی (اغاچ طوپک
هیتی شلا بریوک هوان دیککی توجدن دوکولش فایده سی
دینده واورده برده در واطرافنده درت بش دوکه حلقه زی
ویله دوکولش محکم قوللری وار در سجاده قدر چار کوشه
اللی یازمنق قانکلی بر محکم پلید تخته سی اطرافنه اول قوللری
مقابل حلقه لمیخلوب هر کوشه سینه واورما سنده برقارش بوغون
مسمار لر قاقلمشدر اویجی طشره ده طور اول هاوه ناک ایچینه
باروت طوبلد یروب اغزینه تخته حلقه لردن فرنگی اورغان ایله محکم
بند ایلرل وایکی تکرلکلی برعربه اوزینه قررل وعر به ناک کیروندن
اوزون مرتک اوقی واردر هواچی فشک کی آتش ایتدکده
عر به ناک طوغری ایلر وکتسینه اول اوقی سیدر قیو اوکسنه بقین
ایلدوب آتش بر دکلرنده طوغری قیوه وایروب نه قدر محکم ده اولورسه
یقار واکسیر لی قیو تخته سینه میخلاتوب یاروت زور یله سدسید
اولور سینه ده یته هینم ایلر

(ابتداء سفر قاضی وازاد) چون هنگام شتائجماعه ایروب بهار
قریب اولدی بلغراد قشلا سنده اولان ساطورچی محمد پاشا
کاکان سردار لقمه قلوب مجددا سفر ایتک وکفار خاکسار
جانیله کتکه ماور اولوب صحرای بلغرا دده نصب خیام و ترتیب
لوازم و تکمیل مهمات امر یله قیام ایدوب سنه ماضیه ده بریللو
باشلو ایش کورلدیکندن غیری یا نقی کی حصار دخی الدن
کیدوب عدم عسکر و تاتار ایله اعتذار ی مقبوله بکوب بودفه
مستوفی خزینه و عسکر کوندرلدی و در دولتده مشاورد اولوب
سرحد امورنده اهل وقوف اولر دیدیلر که طمشوار سر خنده

از دل او غلغلا می آید و پادشاه را بدو بگوید و بگوید و بگوید و بگوید
 حصار بن کفار المشر شویله که بود دفعه او اطرفه سفر اولر سه
 طمشوار دخی الدن کیدرو بومعه زنده طمشوار سر حدلندن محضر
 کلوب سردارک تلخه صنی دخی کتودیلر جراح محمد پاشا او اطرفلر
 احوالی سرداره حواله اولی در استرغون و بلخ ستملرند کفارک طابوری
 واریکن اول جانلری محافظه اهم کوریتور دیدکده بوسال
 قلعه ز مستوفی ذخیره و عسکر ایله امداد اولوب اولر اوزرینه
 سفر اولنق کرکدر اولر ولایتی غارت زده اولنجه افلاق و بغداد
 ضبط اولتر دیوانفاق ایتدیلر تلخیص اولوب بومعه همدیه خط
 شریف چاقی بوبلده خبره ایسه سرداره حواله اولوب خلعت
 ایله ارسال اولدی و غازی کرای خانه دخی قاتون اوزره خرچلق
 و مکتوب ایله قیوچی باشی علی آغا کوندیلوب زیاده عسکر تاتار
 ایله سرداره ملحق اولوق فرمان یورلنی و آستانه ده بلوک خلقه
 ایکی واجب ویریلوب جزیه دفتری فروخت اولدی و غلامیلر بن
 الدیلر و ایچ خزینه دن بشبوز بولک ایچ ایله اردو و بلوک خلق ماه
 شهبانک غره سی که توروز سلطان ایدی استانبولن چیقوب
 بلغرادنه توجه ایتدیلر سردار دخی رمضانک اون ایکجه کونی
 روز خضرده بلغراد صحرانسه او طافلر بن چیقاروب خنکار تپه سی
 نام محله نصب ایلدی شوالک یگر می اوچمی کونی روم ایلی
 بکریکسی ولی پاشا که او سکریده قشلا مشیدی کازین زول ایلدی
 ذی القعدةک اون دردنجی کونی بوم الخمیسده سردار بلغراد دن
 طشره چیقوب خان حضر تارنک کله سی مقر در یوتداری ایچون
 طونه یالسی قاضیلرینه ذخیره تدارک ایچون چاوشلر ارسال ایلدی
 واردل ولایتنه سفر مقرر اولغله ذی الحجهک طقوزنجی کونی
 بلغراد دن اشاغی طاشلق یورنی نام محله زهر طونه اوزرند

جسر بناسنه به شرت اولندی کمال اهتمام ایله اون سکرز کونده
یک سکرز یوز اللی ذراع قدر جسر محدود تمام اولوب عسکر
اسلام اردل سمته یکمکه شروع ایتدیله و اول کونده تاتار خان
طرفدن آدم کلوب روسچغه راصل اولدیغین ییلدردی و بودین
محافظه سنه مأمور اولان قرمان و مرعش ایالتلری عسکری
و بکر یکیلری عیداضکی دفسکره بلغراد صحراسندن کوچوب
اول طرفه کتدیلر و ماه ذی الحجه اوخرنده سردار اسلام دخی
کویزیدن عبور و پانچوه صحراسنه نزول ایتدیله و سفرک باقی احوالی
تفصیلا کله جک سالد یان اوله جقدر ان شاء الله تعالی

(سرداری حسن پاشا بجانب بصره) یوسال خلانده بصره سمتمارنده
غصیان ایدن سید مبارک جبلتنده مرکوز اولان خیانتی اظهار ایتدکده
نیجه یک مفسد و شقی کندو یه رفیق و هوادار اولوب بصره
ولحسا سرحدلنده اولان قصبات و قری و بندرلی اوروب قتل
نفوس و ضارت اموال ایله کلی خسارت ایتکین وزیرای نامدار دن
وزیر حسن پاشایه رمضان اوائلنده بغداد ایالتی وریلوب بغداد
و شهر زور و اول سرحدلده اولان امر و عسکره سردار تعیین
اولندی و سابقا اهالی بلاد اول بد حالک ضرر قصصدن استماع
ایتدکده عجم شاهی طرفه آدم کوندروب استمداد ایتشلازاندی
اکا بناء اول طاقه تک مضرتنی دفع ایچون اوج یک قدر قرلباش ایله
اوج نفر قورچی باشی کوندریلوب انلردخی طرف خلانده اولوب
بلکه اولکیدن زیاده تعدی و تجاوز و زره اولدقربنی حکام دردولته
عرض و اعلام ایتکین اوائل ذی الحجه ده شاه عجمه دفعی ایچون
مستقل نامه تحریر و ارسال اولندی

(بقیه وقایع سال مزبور) وینه بوتار یخده والده شاه جهان صفیه
سلطان بناسنه قوجه همت ایتدیکی مدرسه هنوز تأسیس اولمیشین

جهت تدریسی ابوالمیان مصطفی افندی به توجیه اولنوب سلجانی
جامعده سورة انعام اولندن عقد مجلس درس علم اولندی و بوسنه
شعبانده یکجیر یلر کاتی محمد افندی یکی قبو و لوی خله سنی انعام
ایندی که الی الان بحکم ارباب الفت و فار جای دلکشای سماع و صفادر
چراح محمد پاشا رتبه صد ارته نائل اولدقده جفا له زاده سنان پاشایه
قبو داتلق رتبه سنی توجیه ایله اعزاز ایتدی یلر و وزرادن خضر
پاشایه مصر قاهره ایالتی توجیهی ایله اکرام اولندی و سنه مزبوره
و قایعندندر که قرمان بکتر بکیلری سفر دورا دورده اولوب ولایت
خالی قانغله لارنده سوخته نامه اوج یکدن زیاده اشغیا ظهور
ایدوب انواع فساداته تصدی و مصادرات و اولاد و عیال ناسه
نعرض ایتمکله بحد خبیثت و تعدی ایتدکلرنده اهل بملکت
متعفا اولار اذل ایله حروب و قتال ایدوب اکثرین قتل ایتدی یلر
(وقعه غریبه) بوسالده ظهور ایدن اموردن بر امر غریب بودر که
بعض اهل قلم قلمی ایله بر مجموعه ده مسطور اولدوغی کورلدی
ربیع الاخرک اون سکرنجی جبهه کوفی وقت ظهرده شام شریف
آلای بکسی بکر بک خانونی که اصیان شامدن چری باشی قزی
عایشه خاتون دیرلر ایدی وقت جلدن اوج ماه مدت مرورنده
توأمان ایکی ولد وضع ایتد کد نصکره بر جراب القا ایدوب شق
اولند قدده تم الاعضا هنوز حیات سرایت ایتد مش اون درن
ولد ظهور ایلدی ایکسی ارکک اون ایکسی قزواج ایلدی
بومقوله امور حد امکاندن دور دکادر حنکا بوکا غلط طبیعت دیرلر
کثرت ماده و اعتدال مزاج رفوت طالع اعانتی ایله قوت مصوره
تحملی مقداری ماده بی تقسیم و تصویر و محک و سعتنه کوره
تناسب اعضایی تنیم و تصغیر ایدوب مبداء فیاض جانیندن
استعداد و قابلیته کوره تناسب اعضا و روح بخش اولور

❖ وفایع سنه سبع والاف ❖ ذکر احوال سفر و ارات ❖

سنه سابقه زده سرحد آنکروسه سردار اولان ساطورجی محمد
 پاشا به خط همايون کوندرباوب اول سنه نقص عهده ايدوب اکری
 وقعه سنده قرالرايله متفق و متحد اخسارت اسلامبانه جهدايدن
 اردل و بوده سی زيموند ديدنگاری ملعونه کوشمال ايچون اردل عملگشته
 کيروب ياقوب بيغوب تالان وفارت و ايصال خسارت ايدوب وغيری
 برخصاره التفات و برقلعه به اعتبار ايتامک اوزره محکم تبنيه و تاکيد
 ايله مأمور اولوب خواجه شهر یاری طرفدن دخی مضعون سابق
 اوزره مکتوب نصیح امير ارسال قبلندی بلغراد فرسند کوپريدن
 طونه صوین کچوب پلچوه صحرا سنه دیرنک ايچون سنه سابقه
 اواخرنده نزول ايتشیدی و ذی الحجه نك يکری بشنده بچکرک
 صحرا سنه قونوب انده مکث و آرام اختيار ايتشیدی سنه سبع والاف
 محرمی قصه سنه روم ايلي بککری بکبسی ولی پاشا وفات ايدوب یری
 انا طولی بککری بکبسی محمد پاشا به توجیه اولمقله مشارالیه محمد
 پاشا اوسکده جمعیت اوزره ايکن کوچوب اردوي همايونه ملحق
 اولدی انا طولی ايلتی اکری بککری بکبسی صوفی شان پاشا به واک
 یری صولتی ميرلواستی بکتاش پاشا به و یرلدی و مذکور بچکرک
 قصبه سی که محمد پاشا مر حومک اوقافند ندر اول منزل ناخنده
 تاتارخان ورودنه انتظار نامه تماما الی یش کون اورتاق اولندی
 اول ائاده بودیدن قریادجیلر کلوب تاتاققلعه سنه کفار مستولی اولدیفین
 ییلدردی و در عقب استونی بلغراد دن دخی آدم کلوب پولاتانک
 محاصره اولدیفین و کفارک جمعیت و هجومی اعلام ایلدی عجالة
 سمندره عسکری بودین محافظه سنه تعیین و ارسال اولندی
 (آمدن غازی کرای خان) برایکی کون مقدم خان قریب کلشدر
 دیو خبرل واصل اواخله الایار تبنيه اولمقلدی ماه محرمک یکری
 التبحی کونی قرق ايلي بیک تاتار عسکری ايله غازی کرای خان

حضرتلری کلوب سردار دخی مرتب و مکمل آیلر ایله امتیاز
ایلدی و طاعنه ایندردی و عظیم ضیافتلر و خلع فاخره پادشاهی
ایله رعایتلر ایلدی خان حضرتلری دخی وضع ملوکانه ایله
سردار واعیان ذوی المقداره انواع نوازش و التفاتلر کوستردی
بعد سردار اوکنه دوشوب خان حضرتلرینی احضار اولتان
بارکاهه کؤتوروب دوندی سردار و طاعنه قریب برطانی اطلاق خان
ایچون و براتاق حرمی ایچون قور بلوب جله لوازمی احضار
اولندی و یوز نفر میزازه خلعت و خانه مکمل طشره و ایچرو
لباسلری فاخره اونی اوزره سمور کورکلی ایله زردوز بوخچملر
ایچره و ایکی مجوهر اکرلی مرصع رختلی آت پیشکش ویرلدی
ماه محرمک یکریمی یدنجی کونی سردار و بکلو و بلوک اغاری
کرار خان حضرتلرینه واروب ملاقات ایندکرنده درد ولندن
کلن خطهایون قراعت اولتوب تمام اولنجیه خان و سردار
وسازی آباغ اوزره طوروب دعادن مسکرمه مفهومنده مشورت
ایچون سرحد اختیارری و اهل وقوف اولنلر ایلر وکلدی
نه یولدن اردلستان غارنته وارلق کرکدر دیو وافر مشاوری
اولند قده سرحد صاحب وقوفلری آغز کلام ایدوب
اردل ولایتنه کیره جک او یج یول واردر بری قلعه لیسو یولی وبری
شبش ولوغوش یولی وبری وارات یولیسدر دپدیلر غازی
کرای خان ابتدی معقول اولان بریولدن واراقدر که مناسب
دلیل ایله اغراق وعر به لایله ابطال رجال همراه قلعتی ممکن
اوله اکر اعدا مقابله ایدر سهه چکنه امکان اوله دیدکده
سرحد لوژدن براختیار ایندی پادشاهم شبش ولوغوش و لیسو
یوللری ضعیف اولغله بیوز یاق وجه اوزره مروره قابلیتی یوقدر دشمن

بلورسه جنگ و مقابله تصور اول لغز اول صفت ابله متصف اولان
جاده و سیمه راه و ازات در که هر وجهه قسج و عریض در غازی
کرای خان دخی ایتدی و ارات قلعه سنده اولان کفار جیقوب
راه عسکری باغلیوب خسارتیه قادر لمیدر اول احتمال و ارایسه
اولا قلعه فتح اولوب بعده کید ملک اقتضا ایدرمی و قلعه بی محاصره
ایتدی کمزده مکث طویل لازم کلورمی اول محبلده خاطر سرداره
رعایت ابله بعض مداهنه جی عاملر ایکی اوج طوب ابله قلعه مک فنی
قابلدردیوب اولاحصار فتح اولوب بعده ژبغموندوزرینه کید ملک
معقول اولدیغنی تفریر ایدوب بومشورت اوزره قرار ایلسدیلر
اول جا نبه توجه مقرر اولیغنی اردو دفتر داری اتکمچی زاده لوازم
اموزی کوروب قلعه کیرلک مهماتی تدارکنه باشلدی بواشاده
بلقارددن چیققلی خان کالجده یه دکه ایکی آی قدر زمان کچوب
وقت سفر نصفه قریب اولمشیدی و بچکر کده الی بش کون و اوراق
اولمش و مدت آن فالمشید بیکه ماه صفر اوائلنده طمشوارا غارندن
یوغون اغانام شخصی عسکر اسلامه قولاغوز راه آموزنجین ایدوب
کوچ ایلدیلر شهر مورش کارنده چناد قلعه سیالته نزول و محاصره
اولوب بر قاج طوب ایتلده ایچنده بولنان کنار قلعه زین بر اغوب
اطرافده اولان کهاره و چنگکستانه فرار ایتدیلر حصن چناد بی تعب
مسخر اووب لشکر تانار فرلر ایدن کفاری دوشیروب کینی قتل
واکثرین اسیر ایتدیلر اولکون سردارلک و طاغی اوکنده یوز الی قدر کافر
قتل اولوب چناد امارتی اول ائنده بلقاردا نظری اولان شمشقی ابراهیم
بکه وریلدی اورمانده نشانچی حبسی چلی بولطیفه کونه پتی دیمشیدی
شمسی زمانه منصبی اکثر شقیسده در *

* اینانمز ایسک اشته بری شقیسده در *

اندن کو چیلوب بر کوه باشکوه اوزرنده واقع اولان دلاغوش

نام پلنقه دامنه نزول اولندی بعده اراد قلمه سی صحرا سنه قور نلد قده
 خالی بو لقمه صبط اولندی اول ائنده اردل اوغلوندن یلچی کلوب
 خان حضر نلری یزی شوکتلو پادشاه حضر نلریله بارشدرسون
 دیومکتو بلرکتوردی بوائنده عظیم یغورلر یاغوب عسکره تعب
 و یرمبیدی ماه صفرک طقوزنده ارضروم بکلر بکسی مصطفی پاشا ابالنی
 عسکر یله کلوب وصول بولدی ماه صفرک اون برنجی کوننده
 مورش سویندن عسکر اسلام هزار تعب ایله بکرب کتار یله بر قاج
 قوناق کتد کد نصکره اور دو بک نام ویرانه پلنقه قرینده کویری
 باشنده نزول اولندی ائده کوله عسکری سرداری استقبال ایتدی
 رایکی پادالوشقه بری کوله دن بری دخی طمشوار دن تدارک اولندی
 ماه مزبورک یکر می درنده ویکری بشنده بر قاج ارماقلر و عظیم
 بتاقلر هزار مشقت ایله بکجاوب وارات صحرا سنه سکر نجی منزله
 نزول اولندی وان بکلر بکسی یوسف پاشا اول محله کلوب وصول
 بولدی چناد منزلندن خان ایر بلوب طریق آخردن دیار کغاری غارت
 ایدمک کتمشیدی وارات قرینده کلوب ملاقات ایتدی صفر الخیرک
 یکر می طقوزنجی کوننده وارات قلمه سی الته نزول اولندی قلمه
 مزبوره اردل ایله نجه پیننده اطراق واروشلی معمور و آبادان بر حصار
 استوار ایدی ثبات و وسعتی بر مرتبه ده ایدی که یکر می یلک عسکره
 کجایش ممکن ایدی واروشندن طشره باغلی اولان یشته به وارنجه
 بیوت و مسکنلری تخمینا سورق سطنه پاینده دن داود پاشا با نجه سی
 منزلنه وارردی زیبا باغ و بیستانلری فضایی طوغمش بر سواد معظم
 اید بکه تعمیر اولماز قلمه یه بوندن اقدام بر قاج یلک نجه عسکری
 کیورب برایی سنه درانلر مسلط اولش و بحار طاقه سی نواحی و قراده
 فرار المشیدی

(جنگ و محاصره وارات) مقدما تاتار عسکری کلوب واروشه

اولا شد قده موجود اولان کفسار چیقوب برکون و برکیجه اللشوب
عاقبت خرابات تار واروشی احراق بالنار ای کله کفسار اهل و عیال لرین
قوجور ایله طرف آخردن چیقاروب فرار ایتدکلر نده تاتار اردلرندن
ایریشوب کبارینی قتل و صغارینی گرفتار ایدوب و اصل غنیم
بیشمار اولدیلر بوندفصکره خان تار و سردار عسکرک نامدار ایله
مشورت ایدوب تخریب ممالک ایله تعید کفایت ایدرمی یوخسه
وارات تسخیرینه سعی اولی میدردینلر کده جله سی یکدل اولوب
ممالک محروسه یه قریب شویله برمتین قاعه که اردل و غنیمت
کلیدیلر و گذرگاهنده ملاعینک یئنده سدسیدیلر قویوب کتک
معقول دکلر دیکله بورای حوجه کور یلوب ماء ربیع الاولک
غره سی که یوم جمعه ایدی وارونک کلف و کارگیر مزین اولرینه
کیر یلوب متریس قازمغه حاجت اولدی موجود اولان اوج یار
طوب ایله دو ککه باشلیدیلر ایتداندن تخریب بلاد ایله مأمور
اولدقلریمون دامنکیر اولسون دیو طوب کتورمیکیری و سارقله
کیرلک لوتنمک موجود اولدینی و وقت تک قلوب یویله برقله
مستحکم زمان خلیفه التقی مستعد ایدوی قی ظاهر اینکن طبع
سرداره نمایشاه و همسان وقت کورمک قصد یله یورای موجه یه
ذاهب اولقلری خطای فاحش ایدی چون قلمه ذکولمکه باشلندی
غایت استحکام اوزره چقوب خبر ویردکلرینه منافع کور نمکله
مقدما فرالردن بری فرقیش کون محاصره ایدوب تسخیرینه
ظفر بولموب خاتیار جعت ایلمش دیو سولمکه باشلندی اوج طوب
کفایت ایتوب آکری بکلر بکسی اولوب ساقا انا طولی ایالتی
ویریلن صوفی سنسان پاشایه احکام کوندریلوب اوردو پکله
جک سن اکریده اولان طوبلردن لوتنمیه اون یاره طوب کتوروب
یتشدیره سن دیو فرمان اولمشیندی جواب وصولی تراخی یه

دو شد کده قیو کخدا سی اولان بایردلکومی اوغلو دیمکله معروف
 شخصه اقدام اولند قیو خبر کلدی طوبی عربی زه پندر مشل
 چکه جک چاموسلری اگری قریه لرندن جمع ایوب قوشمشلردر
 دیو دروغ ایله جواب وگاه مزور مکتوبلر کوستر مکله قریب
 ناصواب ایوب اکریدن مهمانت کلایوب اطرافیده اولان کوله
 و پلنقه لده بولسان یاروت ویوانی شبا فشیاً جله جمع و صرف
 اولوب یرایش اتمکله کفایت ایتدی و برایکی لغم آیلوب قلمه
 مستحکم اولغله تأثیر ایتدی بو ائنده تا مار طاشقه سی اقیه کتمک
 استد کچه سردار ان شاء الله بعد القح یله کیده رزدیو اردل
 ولایته ناءرواقچی لشکر یته اقیه اجازت و یریموب پی سنب
 یونجه عسکر وایغاره رغبت ایدنله اجازت و یرمدی و بحکم خدا اول
 ایامده قرق کوبدن زیاده علی التوا لی یغمورل یاغوب کثرت بارانله
 دشت و دره سیل فراوان اولوب قلمه حوالسی عیاشاق طوبیراق
 واکثر برزی زیاده بنساق اولغله عسکر متخیر اولوب ویکچیزی
 متر یسارینی سیل باصوب چامور ایله طولد یروب اکثری چادرله
 کلکله ضابطلری مضطرب الحال اولشیدی و شهر ایچنده اولان
 نهر هر کون طاشوب کچدورمز اولوب اردوده چادر دن چادره
 وارلن اولدی و شدت روزگار بر مرتبه ده ایدیکه خیم عظیم متخیر ایله
 قیام ایده دیوب قازقلری کو تورز اتار و حیوانات ایاغی تارنته وارنجه
 یر یسار ایدی نهایت خلق بر قاج کون لغوم بقر و غنم وقری ایله
 غنم اولوب یرد ایکیشرا خفه یه قیون السدیله اکثری صوتاق
 رعایا سندن ویرازی حر بی رعایا دن سورلش و لرات صحراسی
 سوریلر ایله طولمشیدی اردل اوغلی دید گلری ملعون ایسه ضعیف
 المور و طاشقازله کیروب تحصن ایتشیدی عسکر اعلام بورچنلر ایله
 متخیر وسیل ویا الحق بلا سیله متخیر اولوب هر کس جانندن بیرار

ایکن نکاه بودین طرفندن فریاد جیلر کلوب سگسان بیک قدر
 کافر کلوب اسکی بودینی تخریب واهای لبتنی قتل و تعذیب ایدوب
 حالاعظیم طویلر ایله بودین حصارینی محاصره ایتشدیر اگر سریعه
 امدادده نکاسل اولنورسه بودین الدن کتمسی مقرر در دیو عرض
 و محضرل کتوردیلر بوندن اقدم دخی کون باشنه بر فریاد بجی کلوب
 کفار طابوری یانقاندن واجه واسکی بودین طرفنه توجه
 اوزره در کلن دشمن اغر دشمندر برابکی بیک هسکر کوندر مکه اواز
 بالذات سردار ایرشک لازمدر دیو عرضلر و محضرل دخی کلمشیدی
 بوقضیه دن سردار و عسکره حیرت و دهشت مستولی اولمشکن و ارات
 اوزرنده هسکر اسلام شورابه مشتقد باغلنوب قالمه کفار بودین
 اوزرینه کلدکده فرصتی غنیمت بیلوب یمثال بدفعال دخی حمله ایله
 طونه بی پکوب نیگولی طرفنده محافظ اولان وزیر حافظ پاشایی
 باصوب قاجروب عظیم خسارت ایتدیکی خبری دخی شایع اولدی
 و در عقب بودین فریاده مقدما فتح اولسان تاتا و پیبرم
 و پایاقلمه لرینه دخی کفار مستولی اولد قلری خبر وحشت اثری
 کلدی بو وقایع هائله نک تفصیلاتی ذکر اولنسه گر کدر مصائب
 مترادفه بک استماعندن عقلا شاشوب امداده هسکر کوندر لدیکی
 تقدیرده مسافه بقیده اولدیغندن غیرتی تپسه و طونه کی دریا شال
 ایکی نهر دن هسکر چکیم جسر موقوف اولدیغنه بنهافازی
 کرای خان و سائر اکابر و اعیان ایله مشاوره اولنوب چاره سی شمد بک
 خان حضر تری بر قاج بیک تاتار الغار ایشد یروب پشته بقا سندن
 نمایان اوله سردار و خان دخی کلیور دیو آوازه چیقار غله
 محصور اولنلری تقویت ایده لدینلیدی لشکر تاتار بحسب
 فرمان اول طرفه الغار ایله روانه ارلدی بو انشاده اگریدن طویلر
 کلکه خلق انتظارده ایکن صوفی سنان پاشا تهی دست چبقه کلوب

طوب چکه جک جاموس بولندی دیو اول معنوه جهسان بیمنی
هذر لر بیان ایلدی

(الحاصل) عسکر اسلامه شدائد ومصائب بری ارد نجه متعاقب
ارلوب حصول مأمولدن قطع امید ایتد یلر یکر می کونه دك وارانت
اطراف و نواح سنك مأ کولانی قالمیوب ذخیره بی تانار مسافه بعیده دن
کتور مکه محتاج اولغله برکیل شعر او جر بشر التونه صا تبلور
اولشیدی مقد ما خان عسکر ناتا ر ابله اردلستان تخریبی ایچون
اقینسه اذن استدیکه سردار اولان ان شاء الله برابکی کونه دك
قلعه بی فتح اید وب یله جه کیده رز دیه رك بوا منه ابله اوقات
چکوردی نه قلعه اندی نه مراد اوزره افن اولدی شدت بردن ال ایاق
طوتمز اولدی

(عودت عسکر اسلام یحسانب باغراد) وارات قلعه سنك فتحی
حصوله فرین اولمیحق بودینی تخلص ایچون پشته بقا سنه کتمک
نامی ابله واراندن قالمیوب صولتی سمنه روانه اولد یلر کذر کا هدیه واقع
دره کثرت باران ابله دریای عمان کپی اولوب طمشوار باشاسی اسمعیل
پاشایه دخی کیدیلور کن کو پر یلر یاقی سپارش اولمشیدی اصلا مقید
اولیوب برکو بری یله حاضر ایتماش کلبشده انجق اوج صوچکلبشیدی
برینک کو بریسی واریادی عودنده اون ایکی نهر عظیمدن صالار ابله
عبور لازم کلوب هر یندن هزار محنت و مشقت ابله کچلیدی صولده
اکثر ناسک یقیاس طوارری هلاک اولوب کندوری دخی شدت بردن
در حاصل ایتد یلر و ذخیره سز لکدن یلوان بغدادی اکلی ابله اکثر
عسکر زحیر مرصنه متلا اولوب دوکلد یلر قالد یلر و ذکر اولسان
صولدن طو پلری یلامارل ابله چکوب چکور دیلر قوجه مراد پاشا
بوسفر ده دیار یکر بکلی ایکی و حلب بکلی بکلی محمود پاشا
وصوفی سنان پاشا هر بری بریوندر وغه کیروب طوب چکدیلر خانی

ترغب ایچون بو گونه اختیار مشقت ایندیله کوله دن واراده اوج کونده
 وارلمش ایکن بود فیه اون ایکی کونده هزار محنت ایله کلندی هر قوناقده
 صغوقدن و اچلقدن و ذخیره سرلکدن بتاقلرده نیجه یوز آدم قالوردی
 کرله صحرانده تریای حسن پاشانک کهنه داسی اسکندریک که صکره پاشا
 اولمش در فریاد چیلغه کلوب کفار سپرم و پولات و تاناقله لرینی الدیفنک
 صحیح خبرین کتوردی و امدا ده فایته اقدام ابتدی لکن مواعید
 عرقویه ایله ابراسی یول دیلراندن کوچلوب صوانغه کلندی
 کرله و صولتقه کتلتک ما کولات ایچون عظیم عربده اولوب براتک
 براتونه بیع اولوردی انده برکون اوتراق اولند قده مقد ما ذخیره
 کیلری انده حاضر درامیده کله کلنشدی عسکر کورد یلر که تیسه
 نهرنده ذخیره کیلرندن اثر یوق بودینه کتک افسانه سی دخی اسان
 عسکر ده بره پانه اولوب جوع فقر طغلبه سیله ناتوان اولان
 عسکر دریاکی خروشه کلوب همان یکجیری غلوی ایدوب سردارک
 اوتا غنی یاشنه یعقوب دخی هربری الته برره بریم پاره الوب
 فرارایدکن سردار نامدارک ضربات متعدد ایله یاشن یاروب
 طاش ایله یازوسنی بره لدیلر طبع و کلارینه قویولوب آنوا حنده
 یغما ایلد یلر اگر ضابطلری ایرشمسه وجودین پاره پاره ایده
 جکلر نده شبهه یوغیدی بمده دفتر دارا تمکچی زاده چادرین
 یعقوب غارت ایندیله رضا بطلری توسطی ایله هله دفع فساد اولندی
 و بودینه کتکدن فراغت اولوب طوغلری سکدین یولنه کوندر دیلر
 وقت غروب ده سردار چادرلی اطرافنده کزوب و طاغنه کیرمه
 خوفندن غار ایله دی بوند نصکره حصن حصین بودینی الهه
 اصهار لوب سکدینه توجه ایتد یلر سکدینه نهر تیسه ارزنده ذخیره
 کیلری بولوب عسکره توزیع اولمقله بر مقد اریدنلرینه تاب و توار
 کادی اولمقله روز قاسم کلکله کفار طو یلرین بتاقدن کوچ ایله

چهاروب خاسرا کتد کلى خبرى کلى اما بودينك واروشنى
 احراق و تخريب و نيجه خلقى قتل و تعذيب ايله ايلد يكي خسارت
 و طغيان مورت آلام و احزان اولديغى تفصيلى کلاسه کر کدر سردار
 و اخبر مضائب آثاردن محزون اولوب الم و غم ايله جانندن بيرار
 و مزاجى بوز يلوب تحيف و زار اولدى بواند وه واضطراب ايله
 و ارادين کور بستدن همور و بلغراده مرورايدوب غازی کرى
 خانه صوبور و عسکر تاتاره سکدين سنجاغى قيشلاق تعين اولوب
 روم ايلي بکر بکسى پچوى سنجاغنه کوندرلدى بکپچرى و بلوک
 خلقتنه و کندی اتباعنه قشلاق و يروب مواجبلرينى بلغرادک
 ممر لارلرندن و باز کاتلرندن استغراض و تسليم ايلدى روز قاسم
 کچوب عظيم قار ياغوب شديد قشلاق و صفوقلر اولدى بوسفره مشقت
 اترده بر نيجه حاصل اولوب خسارت کلى کورندى مفتى الانام خواجه
 سعدالدين افنديک سردار مشارالیه ايله دوستلغى و علاقه مى
 اولغين بوانثاده کندويه بر مکوب نصيحت اسلوب کوندر مشايرلدى
 فواند و نصايحى مستضمن اولغين ايرادى مناصب کورلدى
 (مکتوب خواجه سعدالدين بجانب سردار سا طور جى محمد پاشا)
 سرحد ممالک اسلام حفظ الهى ايله محفوظ و غزوة مجاهدین فتوح
 و غنائمدن محفوظ اولقى دعا لى وظيفه نطفه شام و سحر اولوب
 بدرقه توفيق رفیق طریق لى اولقى ثنارى ابلاغيله انهاء داعى
 دولت عثمانيه و ساعى نظام ملت ايمانيه بودر که سیهسار لار جیوش
 اسلاميدن مراد محافظه حدود و بلا دروغ و قلع اهل فساد و عناد در سنة
 اوليده حسب المراد بر اثر مرتب اولوب يانق کي احصين حصون
 تطلب اعدادن مصون اولوب ييله سنجه بسيرم و بولات و سمارتين
 و پايان و تاتاشانده نيجه قلاع البردن اقتلاع و دخی نيجه پلنقار
 انقطاع اولندى نوبت بودينه و استونی بلغراد بلکه اكرى به
 کادىکى واضح اولوب اول وجه له سرحدن عرضلر کلکله تلاقی

مافات و دفع بجافات امیدی ایله خان حضرت نلرینه تکلیف مصافات
 وارسال عسکر ایله قصد دفع آفات اولنوب سته ثانیه ده جمیع
 مراد یکره سعی اولنوب لشکری شمار کوندورلشکن کوپرونی
 اردل سمته قوروب اللی بش کون بعد العیور خان حضرت نلرینه
 انتظار نایله اوتوروب مکت اولمغله هم اعدایه سمت توجه اعلام
 اولنوب وهم یوزیمکه اقدام اولمغله خوف و عجز وقت عسکر علامتن
 دشمنه طوبروب فی وجه پکیده بوقدر اوطور مغله لشکری حبس ایله
 بوزوب دشمن آگاه اولمغله انقال واحالین جباله چکوب سلط و سبکبار
 محافظه میخال دیو عبور و کذا رایتدیلر درد ولندن تحریر وارسالی
 نکر پراولنان نامه های پادشا هیده قلعه کیرلک ییلی دکلدار دلاستان
 ایچنه اقل صالوب تخریب ایده سن دیو یورلش ایکن ایکی قلعه ایله
 اولنوب قبشه قالوب نثره فتنه اعدایی دائرة ممالک اسلامیه دن
 منقطع وقتنه لرینی مسدفع اتسدین برایکی قلعه لرین المی
 مقتضای وقت دکل ایندی التدیغی صورته النان قلعه لریمه بدل
 اولمزوانکله دشمن زیون اولزاکری قهی ایله نه اتشاری سبوندی
 ونه یوزکری کویندی استرخون وقو مران قلعه لری النش اولسه
 یانق دخی محفوظ و بودین اهلی محظوظ و قریبنده کی قلعه نلک دخی
 استرداد می ملحوظ اولوردی طابور لری قارشو کلز دی ایسه
 اردلستان ایچنه کروه کروه عساکر اسلامیه و جنود عثمانیه وافواج
 تنار به کوندروب واقنلر صیالمغله زراعت وزرعن واصل وفرعن
 یاقوب ییغوب خاندانلرین ویران و خانما نلرین تالان ایده لروبو دین
 واکری واستونی بلغراد طرقلرینی محافظه ایتمه ده فکر
 وملاحظه دن خالی اولسه سزدیو تا کید ایله خط همایون
 کوندورلشکن اول الامرک مختا فقی شامتی ایله برایش کورلیوب قلعه
 کیرلک اسبابی فایرمدین اوج طوب ایله وارات کپی دشوار قلعه به
 صارقوب معبداء نزولدن منتهای رحلته دلک باران وکل مسلمین

الایارین زبون و سرحدلر حفظنه مقید اولما غله بودینی و اطرافنی
 ویران و مغبون ایتمک سبب اولوب وارات النسخه عسکراسلامی
 اکلوب تاتاری دخی حبس و الفار طلب اید نلری ی. اغ ایله تبس
 ایدوب اردلستان ایچی سالم وایمن قلوب اردل و بوده سی خائب
 و عسکریمزغال ابکن فرصتی فوت ایدوب مملکتلری آسوده
 اولغین میخال مختل دخی قلعه ایله عسکرک یاغلند بغنی کورمکله
 اردل جا بنندن بی بک اولوب مملکتزه قویولدی و اول دیار اهلنک
 دریمی صوبلدی بوزمان آل عثمانه اولان ضرر وکزند
 بی شمار بوایکی ییلده سوء تدبیر و عدم مساعدته تقدیرایله ظهوره
 کادی رب العالمین بترندن صاقلیه خان حضر تارینه افسرراض
 اولند قده جواب معقول و عذر مقبول یازارلر قلعه کیرلک دانشیغنی
 تاتار کاری دکدر اما ایلغار ایله تخریب دیار و نهب و غارت ممالک
 کفسار و اسارا ایله ذخایر احضار ایتک و طیفه تاتاردر اول باده
 نقصیریمیزی اولدی هروجهله امره امتثالدن غیر ی ایشمن یوقدر
 کل دید یکن کلنک اوردید یکن اوردی اوتوردید یکن اوتوردی قبشله
 دید یکن فشلادی بکله دید یکن بکلسدک اغور یکنزده اسیلر
 و صفو قلر چکدک آخور طاملرنده باندی امر سرداره مطیع اول دید یکنز
 اوارق دیو عذر لر یازارلر بو تقدیره تمسک ایله پادشاه اسلام امری
 طو تلایوب عدم مساعدته اسبب ایله قلعه دشوار اوزرینه دوش وار
 دینلدن دوشولدی تختگاه انکروس و یتش ییلدن بروحروس
 اولان بلده اسلامیه نک آب روینی پایمال اهدا ایدوب سکرینک
 خانه سی مهدوم و مساجد و مدارس و معابد و علم خانه خان
 و خانه لری کالعدم اولوب بو مصیبت جکر سوز ایله شب روز اهل
 انباهک آمو و اهلری تپاه و سرحد اهلنک کونلری سیاه اولدی
 دشمن دین قلعه لری میزی مفر و مساوی ایتدیلر بازو قش اطرافرنده

حاضر و ضعف تدبیر مزایای خدا صغلیه قصد تدبیر مزه وجه
اضافه ناطر اولد یلر اسبابلری آماه و مترس اتقالی قلاع مزبور
ایچره نهاده و شایسته لری فوق العاده اولوب بزم پناهمر اولان
حصون دشمن زبونه قوت اولدی قولاق استرکن کوزدن چقلدی
عسکرک ضعیف سی حالادو کیلوب کلکده سرحد لردن کاغدر
کلور که مدد نوروزدن مقدم کلنسون نوروزدن برما هه قریب زمان
کچدی هنوز عسکر دوگندویسی بو بکا کلدی یا کیدن کچدر قشلاق
تعیین اولمیر ایسه مملکت تخریب ورعا یا تعدیب و تضریبی ایله
مقید ل و وظایفی بالتام استرلر عسکری موجود دکل شروع محوری
اجرا اولمیب مظلالم ویدع شروع و شیوع یولغله ضبط و ربط
قالدی الله ورسولی امری طوبیلا مغله حکام امری دخی طوبلر
اولدی ظلم شوملنی شوکا وودی اولور که سردار اولان انساب
و اتباعنی صاحب منصب و تیمار و نائل مال بسیار یتکله بری برندن
بونی کور و پ قاتون شکسته کیرمشدر فرهاد پاشا اغلاری بر قاج یلده
ایکیشراوچریونیک' چقه لک زعامت صاحب لری اولمیدی محصور لری
کزیده تیمار صاحب لری اولغله افندیاریته دخی زیاده خدمت و صداقت
ایتمک لازم ایکن احتیاج لری قالمیب وقتنده برسی اجبوب افندیسی
اوستنه اغلیانی کورمدم و کیمی نفرچاوش ایکن بریلده افسانه ایله کاه
دقتر دارکاه قیوچی باشی کاه نزول امینی اولوب التی یک قزل التون
قبض ایدوب ینده مالک محروسه ده بد ل نزوللر ینده دخی صرف
ایدوب مدار جج امور اولدی و فس علی هذا و دوشن محلول لری
مجله و سرحد اهلنه و برمیوب حفظ نفس ایله اوقات ضایع ایدن
و کلای دولته شرعانه لازم کلور فتوا سنی سرزدن استر زامید در که
یوسیل دخی خفقان قلب ایله پکنیه وز مبالغه دکلدر خدای عالم السراثر
شاهد در که یور کیز اوینار اولدی خوف و خشیت غلبه ایلدی

(وشاورهم فی الامر) امرینه امتثال اولمبوب خود را ابرق
و خود پسندناک خردند ایشی و عاقل رویشی دکلدر پیغمبر
دخی وحی ایله مغیبه واقف اولورکن اسنشاره ایله ما فور اولوب
امتنده سنتی جاری ایکن ترک اولوب بر قاج حواشی و خدام سوز ایله
امور نظام تمشینه اقدام بین الخواص والعوام مستقیم کررلماشدر
سرفه کردن ایشلر سز اتبعا عکر خزینه صاحبی اولوق سو بلنور
حواشی به اندامق اکایره دوشرمی بر قنعه که قرال بر تار یخده فرق
بش کون دوکوب المغه قادر اولوب دوش اول تار یخدن برودخی
زیاده استحکام واحصا ننه اهتمام اولمش ایکن اوج طوب ایله
امق ستمک اول بهانه ایله فرموده پادشاهی ارلان امور مهسه دن
کیر وفاق عقلدن بعید ایدی، بودینی بو شکله قومق روای ایدی
بو قدر امت محمدک دیارینه و اسلام و دوله ضعیف ایرکوره نک
جوابنی کیم و بر الحکم لله الکبیر المتعال

(جنک اگری ازق) بوخلالده تکرور سرحدی سمند مظهر ایندن
وقایع جزیه دیری اگری ازق جنکیدر سردار محمد پاشا بلراده
داخل اولد قده بودین محافظه سنده اولان عسکره جمع اولانسان
ذخیره بی کبلره قویوب محرم آغا نام آدمی سردار ایدوب یانه
تمک اندازلر قوشوب دونما ایله کوندردی سکا از توغنه واروشلرینه
طوغری چکریوب اگری ازق دیدکلری اطه ده قانیره کفاری
و طرافنده اولان پلنقه لک جردودی جمع اولوب لحسابلنقه سی التنده
التون اولوق و غلبدن بر قاج یک کافر شایقه زایله علی السحر کبلره
هجوم ایند بلر اطه به تفنک اندا زیاده دوکوب قره دن دخی چنکه
مباشرت ایند کلر نده عسکر اسلا جست دیره نوب قره ده اولان کفاری
دوندرد بلر هجوم واقعاتم ایله بمحمد الله کفار نه نهم اولدی بلر بوغانله بی
غره رجیده دفع ایدوب سلامتله کچریلر بودینده ذخیره مضایقه اوزره

اولفله سکتور و قویان اطرافندن دلی نصوص بك مستوفی ذخیره
 ایرشدردی و صوبورندن غازی کرای خان دخی بر بلوک ناتاری او یوار
 سمتنه اقینه کوندروب حیلی اسیر چیقاردیلر
 (نکر استیلا ی کفار بر قلاع بسپریم و پولاته و پاپاوتانا و محاصره
 بودین در دفعه اولی) چونکه غزات اسلامک اردل و لایشه عنیمتی مقرر
 اولدی سردار کفار اولان مقسملیان سنه ماضیه ده امداد بنه کلن
 فر نکدن بش ییک اتلواون ایکی ییک تفنک انداز تالیسان عسکر یله
 و قرنداشی هر سک ماتیاش دخی نجه و الامان و مجاروسا کفار
 عسکری التمش نیکدن تجاوز پیاده و سوار ایله کلوب یانق قرینده
 جمعیت و تورون ایدوب اردل اوغلی امداد بنه ایر شمک بابتده
 مشورت ایند بلر لکن سردار وارات قلعہ سنی محاصره ایدوب
 اردل ارغلی صعب طاغله مخصن اولفله امداد کچندان و چهی
 یوقدر و بودین سرحدی طرفری خالی قالوب بودین قلعہ سنی
 محاصره ایتمک فرضتی زما نیدر یاطفر بولوب آور ز طفره بسرا و لرسه
 باری بودغدغه ایله وارات تخلص اولتمش اولور دبوکرو واتبوه ایله
 یور ییوب اولایسپریم و پولاتا و پاپاوتانا قلعہ لرینی ایادی مسلکندن
 انتزاع ایندکده نصکره رییع الاخرده قرق پاره طوب و تنک و ادوات
 جنگله اسکی بردینه قونوب اکثر پیاده لرین طونه دن کیکلرایله مقدم
 کوندروب کلنلرایدی ماه مزبورده بودین واروشتی محاصره ایتدیلر
 طرفیندن بر نیجه کون محاربه و مقاتله دنصکره واروشک دیوار لری
 ضربه طوب ایله یر بر خاکه بر اولوب طونه جانباری خود کشا ده
 اولفله اعداء دین هم صودن هم قره دن زیاده هجو ملر ایدوب
 عاقبت ایام محاصره تک یدنجی کوننده وقت سجدن غروب شمس
 وار نیجه حددن بیرون جنگ وجدال و حرب و قتال اولوب محافظه ده
 اولنلردن مرعش بکلر بکبسی سنان پاشا و سابقا پاپا بکلر بکبسی

اولوب اوستونی بلغراد محافظه سنده ایکن بودین استخلاصه کن
 سمندر پاشا شهید و بوسنه بکلی بیکسی تریای حسن پاشا و سمندره
 بکی محمد بک مجروح اولوب سائر غزوات اسلامدن دخی ناجلی کلنلر
 کیدوب کماردن دخی اصنافی مضاعف نفوس ضایعه قتل اولندی
 لکن گروه مشرکین کثرت اوزره صافی آتش اولوب متو لبابوریشلر
 و هجوملر ایدوب عسکر اسلام مدافعه دن بی تاب و توان اولد قلرنده
 واروشدن کچوب قلعه محافظه سنده صرف همتی مهم کوردیلر و اتفاقله
 اول کجه عموم اوزره بودین قاعده سنده کیروب واروشنی خانی
 قوید یلر ایتسی کفار واروشنی تنها بولوب کال غرور سرور ایله
 داخل اولدیلر و بلا توقف قرق پاره طوقی بزیر مفر سله قوروب
 هر کون بیکدن زیاده طوب ایله قلعه بی محکم دوکوب لغملر
 یوردیلر لیل و نهار تسخیری باینده سعی بی شمار ایلدیلر محصور
 اولان غزوات اسلام دخی مقام مدافعه ده طوروب قلعه بی محافظه
 امرنده بذل مقدور ایلوب و ارات التند سردار و خان تاتار بربری
 آردنجه فریادنامه لر کوندروب شویله که پانذات ابر شیمه سر قلعه تک
 الدن کتمه سی مقر در دیواستاده اقدام ایتدیلر لکن تاتار و سائر
 عسکر کیمی محاصره ده و کیمی اول اطرافه پراکده اولغله
 کوچوب کتمه ممکن اولوب اولاخان حاضر تلرینک برآرآدملرندن
 شه باز میرزایدی بیک تاتار عسکر یله و آنک آردنجه اگری بکلی بیکسی
 بکتاش پاشا اگری قوی ایله بعده ایکی نفر سلطان دخی بکرمی
 بیک قدر تاتار ایله ار سال اوانوب کیر و فریاد جیلر کلد کده خان
 برادری قالغای سلامت کرای بر قاج بیک تاتار ایله آقندن کلوب
 اول باول ایزیشن عسکری یوللدیلر واروش چکننده شهید اولان
 سنان پاشا تک بری بودین بکلی بیکسی میخانجلی احمد پاشا یه و بودین
 حالا اردوده موجود اولان طمشوار بکلی بیکسی دیو سلیمان پاشا یه

ویریلوب اکا دخی پدی سنجاق بکاری و بلوک خلقتدن ترقی ایله
برقاج یوز نفر قوشیلوب بری بری آرنجه کوندردی ایام محاصره
دخی فرق گونه واردشدی مقدما بودین بکری بکسی اجد پاشا
وسر عسکر بزم بودین قلعه سنی و هم پشته بی محافظه یه قادر دکیلرز
پشته دن فراغت اولوب اهل بود پشته کچسون دیونا معقول
ملاحظه ده ایکن صونلق بکی قولاقسز هتمان بك کد موز قبوده
نیجه برارلیغی سبقت ایتشدی صونلقلی سحر حید فازیلری ایله
وقت عصرده یشوب اول فکر فاسدی یوزدی پشته بی یانته
الوب صباحه ذك كفاره فارشو پشته دن وافر طو پلرد یزوب
جهیلرینی صونلق صونلق ایتدی سار عسکر دخی ابریشوب
بود یتدن دخی عسکر اینوب هجوم ایتد کارنده کفارک یوزدی دنیوب
روز قانم وزمان شتادلول ایتکله بودین محاصره سندن فارغ اولوب
وازورده اولان جوامع و مساجدی، ابنیه و اسواقی احراق و تخریب
ایلوب و اج اواسنه طوغربی چکیلوب کتشدی الله تعالی
بودین قلعه سنی یوزوجهله مکر و استیلا ری الذن خلاص
ایلدی

(نهرام خادم حافظ اجد پاشا در نیکیولی بامکر میخال امین) مقدما
بوسنه بکری بکسی حافظ اجد پاشا طونه یالیری محافظه سنه
مأمور اولوب و دین سرحدینه عزیمت ایتشدی بوسال ربیع الاولنده
یانته خدمت محافظه به تعین اولنان اده خاکی رمضان زاده
برقاج سنجاق بکاریله و دیندن قلقوب محافظه طریقهله روسحق
وسلستره طرقلرینه عزیمت اوزره ایکن اثناء راهده بیکری فربنده
سنادین صحراسی دیمکله معروف محله که نزول ایتدی میخال
بد فمال اردل سفری ظهور ایتد کده غصیه سانه ندانت اظهاری
ایله اغفال سمته ذاهب اولشدی و اراده عسکرک حاله فظلم

اولدینگی کی حبله سنی عله کتورمه مبا شرث ایدوب دیومام لغینی
ایلیچلاک ایله حافظ پاشا به کوندروب خا کپا به یوز سورمه
استیدان ویکیدن عقد صالطه ایله قبول عبودیت شتاب ایلدی
ایلیچی حبله کار حافظ پاشا به بولشوب احوالی بیلدر دکنه
میخال ضال خا کپای وزیر بالجلاله رویال ایتمکه مرخص اولوب
یوم موعوده پاشای معهود طونه ساحلده اوطاغ علی عمود
قوروب انواع زیب وزینت ایله اسباب اختشام ترتیب اولوب
میخال گذاریده چکی کشتی به انتظار ایله قراریتدیراه بعیدن
قرنزی چوقه اورتولی قوچیه لر نمایان اولوب میخال ایلیچیسی
اولان دیومامیندن استخبارایتدکنه خزینه ویشکش عربه لیدر
دیوجواب وروب بواسلو به منتظر ایکن ناکاه لشکر دشمن خلاف
ملفوظ برسمیدن ظهور ایدوب بی سازو سلاح تماشا به مهیا اولان
خلفه قویلدیلر میخال ضالک عسکری بکرمی یکدن متجاوز اولوب
حافظ پاشا یاننده اوج پیک آدم نجات واریدیکه اکثری آلات
حردن خالی ایدی نمایان اولان هدیه عربه لری طوب عربه لری
چیقوب ملاعین گذارچنکه هجوم ایتدیلر بمقدار محاربه اولوب
مقاومت محال اولغله فراری اختیار ایتدیلر بومصیبت ناکاه
طهورندن پاشانک عتی باشندن کیدوب آت بویده دوشوب
منهزما طرنوی جاننده کتدیلر نیمجامت محمد شهید اولوب بو قدر
اروپنکاه نصیب کفار اولدی بو غلبه دفسکره میخال ضال
نیکولی قلعه سن محاصره ابتدی بوجه وزغره خلقندن حبلی
عسکر جمع اولوب دفع ورفعه هجوم ایتدیلر بکرمی کون مقداری
اهل قلعه ایله محاربه دفسکره طشره دن هجوم کوروب
محاصره دن فارغ اولوب طونه بی کتدیلر بکرش طرفه کتدیلر
(مر ویدر که حافظ پاشانک جله ماملکنی بغما وفارت ایتمشدری

کبدیکی لباس و دستارنی دخی میخاله کتوردکرندہ ملعون ابدی
 اهانٹ قصدا یوب پاشانک سلیمنی ولباسنی برفرنوتہ عورتہ
 کبدیروب سرداری طوئتم کورک دیو صکرینه کوستر وآنکله
 بونک فرقی یوقدر دیو شحات ایدوب کوردی بوند نصکرہ
 پاشای مزبورنیکولی به کلوب قلعه نک خرابہ برلخی معمور ایتدی
 ووزار غراہ واروب قشلاق تدبیرندہ ایکن طوئنه یالباری
 محافظہ سنہ دردولتدن وزیر رابع محمود پاشا ساعین اولوب ادرنه به
 کلدیکی خبری ورود اتمکله اوان ششاده کوچوب شنی قرینده
 محمود پاشا ایله کوریشوب جمادی الآخره واسطنده دارسلطنہ به
 داخل اولدی ووزارت رابعه پایه سیله شرف بولدی

(توجیه وزارت عظمی با ابراهیم پاشا ثالثا) چون سردار ساطورچی
 محمد پاشا برایش ایلر وکتور مدیکندن قطع نظر کفار بودین قلعہ سنی
 محاصرو تحریب ایتدی یکی سردار مزبوره وزیر جراح محمد پاشا نک
 تھیزاته جل اولمقله ایکبسی دخی عزل ایله معاقب اولوب ابراهیم پاشا
 یراروکار کذا رفوت و قدرت صاحبی روزیر عظیم الشاندر هرزه جهله
 سردارلق حقندن کلور دیو جادی الآخره نک طغوزنجی کوئی خاتم
 وزارت کندوزه احسان اولندی جراح محمد پاشا تقریسه مبتلا
 اولمقله دیوانه وارمقدن قلوب نشانچی پاشایی سراینه کتوروب
 شکایت عرضحالان اوقودوب قانون اوزده احکام ویرمه وارباب
 حاجانک مصالحنی کورمه تعین اتمشیدی وکالت ایله صدارت

اولمز دیو پادشاهه ییلدیزوب معزول ایتدر دیلر

(سرداری ابراهیم پاشا باسفر او یوار) وزیر اعظم ابراهیم پاشا
 درت آئی دردولتده مقیم اولدق دمنصره ولایت انکروس مخصوص اوزرینه
 سردار اولوب کتمکه مأمور اولدی قبودان خلیل پاشا قائم مقام و جغاله
 زاده سنان پاشا ثانی قبودان اولوب تکمیل مهمات سفریه دمنصره

شوالک بکری یدنجی کونی عظیم آلابار ایله استانبولدن
چاقوب یکپیری اغاسی طرفنجی حسن اغا والی بلوک و سائر
قبو قولی یانته الوب اول جانبه نشر لواء فتح الزوا و سوق اعلام رجال
و غا ایلدی حسن بک زاده تار یخنده دیر که سردار ساطوری محمد
پاشا ایله سفرده بولوب وقت عودت شدت شتا به مصاف
اولغله هزار مشقت ایله استانبوله داخل اولدیمده ابراهیم پاشای
مسند صدازنده بولوب تذکره جیلکری خدمتده استخدام اولنمق
مبسر اولدی پادشاه عالیه حضرتلری اندرون همایوندن مصارف
سفر ایچون خزینه ویرمکنده زرد اظهار ایتدکلر نده سردار اکرم
کوج امر نده تراخی اختیار ایدوب آخر کار خواجه افندی
طرفه فوق الحد مر اجعت و طلب خزینه ایچون استعانت ایتکله
خواجه افندی دخی مه رعلیا و شاه قلعه کشاطر فلر بنه ضراعت
نامه یازوب اول ائاده مشورت بهانه سیله حضور شهر یاریده عقد
جمعیت اولدقد خواجه افندی شفاها طلب خزینه به جرأت
ایدوب والده سلطان حضرتلری دخی اعانت ایتکله مقدار کفایت
خزینه ویریلوب بلاتاً خیر کوج اولندی برهان افندی سفر دفترداری
لام علی چلی دفتدار قائم مقامی اوقچی زاده اصاف نشانی
و مدعی چلی رئیس الکتاب قائم مقامی اولوب سائر مناصب دخی
مناسپی ایله ویریلوب سردار عالیقدار و یکپیری اغاسی عساکر معینه
ایله متوجه راه اولدیلر اوجیوز نفر عین و بسار باوکلرندن ملازم
یازیلوب روز مه ایکندی دیوانه حاضر اولورل ایدی سلوری
نزلنه واردلقد ابو السعد زاده افندی وفات ایدوب شیخ الاسلام
خواجه افندی حضرتلرینک بیوک مخدومی محمد افندی پدری
رجاسیله صدر روم ایللی اولدی لکن مهمات سفری آماده بولنما غله
سردار اعظمه همراه اولسی متعذر اولغله بن کتدوره بدل قضاء

روزنامه سیله زمره اشرف قضات دن مولانا معصوم افندی
ارسال یورادی وموسی چلی زاده محمود افندی باش دفتر دارلقدن
عزل اولوب برینه مولانا پرهان الدین افندی دفتر دار نصب
اولندی وتکمیل مهمات سفر ایدوب ادرنه ده انروی همایونه
برشمک شرطیله استانبوله کوندرلدی ویکچیری اناسی
طریقچی حسن انان زمره بیکچیریان ایله چالچ. منزلده اردودن
ایریلوب قرق کلیسایولدن بلغاراده کتدی

(مقوله ساطوری محمد پاشا سردار سابق ومحبوسی انکچی زاده)
چون ابراهیم پاشا سردار اولوب آستانه دن چیقدی بلغاراده
محمد پاشایه امر واستقامت نامه کوند وروب مرحد اموری
ومواجب عسکرو سائر مهمات احوالی سپارش ایله اغفال
ایلدی وسردار اعظم اون ایکچی کونده ادرنه ده داخل اولدی
سابقا سفر دفتر دار اولان انکچی زاده احمد پاشای عزل
وحبس ایند کده قاقوب ادرنه ده کلشیدی مختی ایکس سردار
کنخداسی محرم کتخدا وساطتیه ظهور ایلیوب پاشایه یواشدی
بذل اموال ایله عمل ایدوب دفتر دار پرهان افندی اسکوب
ستلریته تحصیل امرله کوند ریلوب برینه انکچی زاده دفتر دار
اولدی لکن مذکورک نصی برای مصلحتد رینه پرقاج کوندن منکره
اخذ وحبس ومالی مصادره اولمقی لازم ایدیکی دردولته تلخیص
اولوب موجبیه خط همایون کلشیدی کتم اولوب وقتشه
تاخیر اولندی حسن یک زاده تار یخنده نقل ایدر که سردار قبله
صحراسنه تزل ایشر کده صوبور محافظه سنده اولان غازی
کرنی خان طرفندن آستانه ده روانه اولان عبدالعزیزاغا پاپوس
وزیر ابروب ساطوری محمد پاشا سلسره ایالتی تاتارخان
مشارایمه ارباق طریقله ویردیکن ییلدردی وساطوری

محمد پاشا خلیله موقع مشور ابراز ایدوب سرداردن دخی مقبر
 زامه رجایتدکده اگرچه مساعده دن اعراض اوزره ایدی اماخان
 عصیان ایدوب شاید صورتبور محافظه سن ترک ایلده دیوساطورجی
 محمد پاشا ویردیکی امره بناء طریق اوزره پرامر شریف ویردی
 اما آستانه یه خفیه مکتوب کوند روب وریلن امره لصلحه اولوب
 فی الحقیقه تحقیق خطای محض اید وکن پیلد روب اگر تحقیق
 و تقریر اولورسه خان مشارالیه ساطورجی ایله وفاق اوزره در
 کندویه همراه ایدوب فراریته لری احتدل اولدین افهام ایلدی
 حد دتندیه تانارخانک ساطورجی ایله فرارلری مقررایکن بوند میرایله
 ابراهیم پاشاک خواب خرکوشنه و مکاتب دافریته فرشته اولوب
 قالمشد رد فترداردخی زمان قیلده حبلی مال تحصیل ایدوب
 علوفه ویرلدی بده کوچیلوب قلیه به کچلدی و صوفیه فر بنده
 حاجی قرمان منزله نزول اولندقه میکچیری اغاسی بقوناق ایلروده
 اولمغه سبکیار دعوت قلندی اول کون یکچیری اغاسی فوجی ایله
 کلوب وقت غروبده سرداره ملاقی اولدی و تنهاه شوریدن صکره
 بعد العشاءنه منزله کتدی مکر ساطورجی قلندسه اول زمان
 خط همایون وارد اولمش اول خبده منک اداسی اغایه سپارش
 اولمش بلغراده ایرشمه سی تنیه اولندقه اغادخی بلا توقف روانه
 اولوب ذی الحجه منک اون ایکچیی کوشنده بلغراده قریب حصار جق نام
 منزله وارد قده سردار سابق اغالرجی ویاژنده یولسان ضابطه لری
 استقباله کوندروب آیلر ایله بلغراد صحراسته قوندربی قضا و قدر
 حکمدن غافل اولوب صدیق قدیمی اولان غازی کرای خان
 دعوت و تنیه ایتمشیکن بصیرتی باغلنوب متنبه اولدی ابراهیم پاشاک
 استمالی مکتوبلرینه ونه که عرض و تخریر ایلدی ایسه حصولنه
 مساعده کورسزدیکنه اعتماد ایدوب مغرور اولدی و ضیافت

یراغن کوروب اغایی و او جاق ضابطا سارینی وقت عصر ده منزلده
دعوت ایتدی و هنر برینه خلعتار کیدوروب انواع رها بتلار ایتد کد نصکره
اغ خط شریفی اراز ایدوب حاضر اولان یابا باشیلری فی الحال
طوتوب خدمتی ادا ایتدیلر ساطوری محمد پاشا دردمند بو طریق ایلده
دیار عدمه کندی بیچاره به عید اضحی قاره بیرام اولدی کتخدا سی
ابراهیم خسته ایدی برکی به بنوب پاشا نك . و ذی حسین نام ندیمی
ایله باجقه بقاسنه بکدی و صونبورد . غازی کرای خان یاتنه واروب
صفندی و نیجه قاسد خبرلر ایلده خانی تغیر ایلوب خان قریم
جانبنه کتمک نذا رکند . ایکن بعض میرزا لری مانع اولوب تأخیر
ایتدرد بلر بو طرفدن ابراهیم پاشا طی مراحل اید . رک باطیحه
نام محله کلده بیکچی اغاسی طرفندن برکد کلورک ساطوری
محمد پاشا نك حقدن کلدیکی خبرین کتوردی و بیکچی اغاسی
سردارک مغلقاتنی مهر لیوب کتخدا سنک دخی مالکی ییله ضبط
اولد یغنی یازوب اعلام ایلدکده . در حال پاشای کامکار سپاهیلر
اغاسی الاجه محمد اغا ایلده محضر اغایی چاغیروب دفتر دار
اتمکچی زاده املاکنی قبض و اموالنی تفتیش ایلک دیو یوردی
ایرانی منزل مزبور دن کوچلوب بشی منزلده . ذی الحجج نك
اون یدنجی کونی الای عظیم ایلده بلغراد صحرا سنه نزول اولندی
اتمکچی زاده بلغراد قلمه سنده محبوس و خلاصدن هر وجهله
مایوس ایکن عسکر اسلام مصالحنی و سفر لوازمی نذا رکدن
خبردار و اهل و قوف دفتر دار در دیویر ابراهیم پاشایه القا ایتدیلر
برکون حبسدن چیقار یلوب دفتر دارلنی کامکار اغا اولمغله
کاروبارینه رواج و یرلدی اول دخی دامن در میان ایدوب اسباب
سفر دن بر ماده ده عسکر اسلامه زحمت چکدر مدی خزینه
و مهمات اوورینی کرکی کبی مکمل کوردی سردار کامکار

ذی الحجه اخرينه دك بلغر اده اقامت ايدوب انبار و ذخائر خصوصتي
 ودونما سفينه لرني تقيد تام ايله كور و ب احضار ايلدي
 (وضع غريب سردار اكرم ابراهيم پاشا) پچوبلي بومفانده
 الاجه محمد اغا دن نقل ايد ر چونكه سا طور بچي محمد پاشاك قنلي
 خبري كلدي پاشا مجلسنده ايلك بو خبري كيم كتوردي كذب ر
 اصلي بوقدر ديو غضبه كلوب حربي كتور تدي سن بوني كيم دن
 ايشتك ديد كده كندم آنده حاضر ايدم ديه جلك باق شو
 كافري بنم حضور مده دخی بلان سويلر پادشاه باشچون بونك اصلي
 چي قماز سه سني اشد سبا سته قتل ايدرم ديو خبر و ردی و حضار
 مجلسه خطاب ايدوب ای مسلمانر بونه اولر ايشدر پاد شاه دن
 اذ نسز و بنم خبرم بوغبكن بيكچري اغاسي شويله نامدار وزيري
 قتل ايله بو كا اعتماد ايلك تحقيق كذبدر ديو كا ه شرط وكاه عيبن
 ايلوب وارد چقه اغزي كوپردی مجنونه دوندی راوی ايد ر
 بن قارشوشونده ايدم اشارت ايتدي بنانه واردم سرا ايتدي سن اتمكجي
 زاده بي قنده بولورسك واروب قالدر چادر بكه كوتور محكم حبس ايله
 چون طشه چقبوب محمد كندراك چادر نه بولدم قاله قنده مصاحب
 ايدرك يله كندم و بزم چادره بيورك ديد كده متغير اولدي زيرار اوي
 مذكور الاجه محمد اغا اولزمان جلاد باشي مقامنده ايدی وسبب بدر
 ديدی فرمان معلومی اولد قنده كندايه آدم كوندردی كنددا
 كندو چادر دن اعلام ايتدين كوتورديكنه غضبه كلوب پاشايه
 واردنی الاجه محمدك وضعندن شكایت ايلدي پاشا عيبن ايتدي بكه خبرم
 بوقدر كذبدر بولوك اغاسي ندر كه سنك خبرك بنم اتم اوليد بردفتر داری
 فضولي جلسه كتوره ديو بو كا كوره سوزل سويلوب الاجه بي
 كتور تدي سن نيچون بردفتر دار آدمي حبس ايتش سن يعني ديدم
 كندام اتمی و ردی ديو ب اهل دنوانه كورك مسلمانلر نه كونلره

فالمشیر بر بلوک اغامی آدمیت علاقه سی یوغیکن شو بله برمتعین
آدمی حبس اید بن بونی قتل ایدرم دیو بر ساعت شتم ایدوب بعده
یوزینه باقوب کافر سی دیو باش یار مغنی آوجی ایچنه آلوب
صقوب محکم حبس ابله دیمکه اشارت ابتدی محمد کتخدا
احوالی بلر ایدی یورک صالیو یرسن دیدکده آه کیدک بواطیفه میدز
بر ساعت حبس بر ساعت اطلاق اولتور می دیچک قضیه یه
واقف اولوب کتدکده لاجه پی یاننه چاغروب یوقا بلدکی
هله پک طوت دیو تکرار تنبیه ابلدیلر لاجه دخی سلطنتیم کوزل
امینی کتخدا بکدن نیجه قورتا در سر دیو نیازده پاشا اول بیانه
سویلسن بنی دکلده دیو ییازده بومعقوله اوضاع هریه سنی
چوق و حبله و خدعه سنه نهایت یوقی روز یایدی دیو تحریر
ایلدی در مر یور اتمکچی زاده صکره فرصت بولد قده لاجه نک
تفتیشنی فرمان ابله الرب درد مندک ماملکن لاجه مندره دک
صائد ردی و باشنه دنیا نک عقوبتی کتوردی

بقیه وقایع سنه من یوره

تسویل شیطانی ایاه بر فر و ما به مجهول النسب سلطان سلیم ثانی
اولا دندن شهید سلطان سلیمان نام شهرزاده اولسق ادعاسله
استانبول اطرافنده بعض قصبات وقراده وراثت سلطنت لافن
ایدوب انخذ اولتد قده سر سودا زده سی قطع اولتوب جسدی
آویخته چنگال سیاست قلندی فی ربیع الآخر سنه ۱۰۰۷ سنه
من یوره ده فرانجه درقه سنک آلات حرب و سلب ابله ملو بش پاره
قالیوتی غفلت ابله جزیره سافر لیمانه لنگر صالوب کفاری قلعه په
استیلا ایتمشلر ایکن مخالف روز کاره یوبی هوای اسلامیانه موافق
دوشوب قالیونلری خواه و ناخواه کناردن اوراق دوشدکده طشره ده
بولان دوتیوز قدر فیرک طعمه شمشیر اولدی فی شهر رمضان

پادشاه توران زمین عبدالله خان که سوق لشکر به کران ایله متصرف
کشور خراسان اولمشیدی بوشاده عازم دار الجنان اولدقدن اوغلی
عبد المؤمن خان چانشین اولوب اوضاع و اطوار ناهمواری طاقت
شکی اوز بکیان اولغله هجوم ایله پاره لئوب برینه تلم خان لقی ایله
معروف اولان نورالدین محمد خان جالس اورنگ توران و خراسان
اولمشیدی اشبو سالده شاه عجم شاه عباس خراسانه لشکر چکوب
مزبوری هراتده قتل و خراسانه استیلا ایدوب قلاع مفتوحه خراسانکه
بکرمی درت پاره قلعه دره غنا حارین فتح نامه ایله صورت صدا قنده
تحفه درگاه پادشاه آل عثمان ایلدی ماه ذی الحجه ده ایلچیبسی ایله
در دولته وصول بولدی

وفایع سنه ثمان والف

(توجه سردار اکرم ابراهیم پاشا بجانب او یوار) یک سکر سنه سی
محرم الحرامی غره سنده پاشای کامکار بلغرادده احضار اولندان
ونما کیلرین قالد پروب کندودخی سمند منیمه سوار اولوب کو پریدن
عبور و زمون صحرا سنه نزول ایلدی بر قاج کوند نصکره کو چوب
ماه مزبورک اون سکر زنده اوسک منزله قوندی برهفته انده او توروب
بکرمی دردنده کو پری چکلدی و بکرمی بد پسنده مهاج صحرا سنه
وار بلوب منزل مزبورده روم ایلی بکتر بکبسی محمد پاشا ورقه
بکتر بکبسی علی پاشا کلده یار بکرمی طغر زنده یو قلمه طریقه
هسکر اسلام آلابری ترتیب اولوب سرداره موجود لری عرض
اولندی سابقا ساطوریجی محمد پاشا قتلدن غازی کرای خان مغفل
اولوب سفرده همراهلق نعمتی ابراث سوء ظن ایلش و رهمنه
تابع اولش ایدی بود قعه سفره کلانک و صوبوردن قانقوب کتک
داعبه سنده اولدی یعنی بعضی اوضاعندن استفسار اولندقدن
دفع وحشت ایچون آغز پشکشر ایله منزل مزبوردن میخا لیل

احمد پاشا و سیواس بکری بکسی محمود پاشا و سلحدار
اغاسی صوبوره ارسال اولتوب تعظیم و توقیر ایلله سفره
دعوت ایتدی یار برهفته قدر اقامتدن صفرک یذبحی
کونی بانوسکه واریلوب بالقی زاده مصطفی چارش اردل
ایلچسی ایلله کلوب واصل اولدی اون برنجی کونی طونه
یا ایلینده کول باشنه زول اولند قنده خانک مکتوبی کلوب
یح طرفندن صلح رجاسنه کندویه خبر و آدم کلدیکنی اعلام
ایتدی و طونه دن دو نمنه کلوب ایر شمله شکر اولدی
یکرمی برنده جان قورتران صحرانسه قونلندی اول کون
کوز فصلنک ابتدای ایدی درت کون اقامت ائاسنده
خان حضر ناری کلوب فرشی یقاده آرام ایتکله سردار اکرم
قایق ایلله واروب ملاقات ایتدی و اول منزلده استونی بلغراد
غاز بلری کلوب کفساردن براقدر دقاری ایکی قطعه
غاج طوی کنوردیلر ماه صفرک یکرمی یدیسنده عظیم
شوکنله بودین فریده کرزالیاس صحرانسه زول اولتوب
هسکر تاناردخی اونه یقادن پشته یه قوندی و دو نمنه کلبری
دخی کلوب بودین سکاکنه تازه جان حاصل اولدی قوبان ذخیره سیله
بودین بکری بکسی دخی کادکده همان اول کون طونه اوزرینه
جسر بناسنه شروع اولندی و قزل حصاره دوشمه کسدر مکه
کلی هسکر و قراولر کوندیلوب جله زعما واریاب تپاره بک باشنه
بر کبله ذخیره که نصی دققی نصی شمیر اولقی اوزره
بودین قلعه سنه تسلیم اولتی فرمان اولندی و درت کونده جسر
تمام اولوب هسکر پشته یقاسنه یکمکه شروع ایتدی ماه ربیع الاولک
یذبحی کونی سردار دخی کلوب اونه جانبد قرار ایلدی

کفار خاکسار طابوری استرغون فرسوده جگر دهند
 اوافله اوزر بنه واراق رأی اولشیدی بوم مزبورده
 خانه مکمل آت و رخت و خلعت و مرصع شمشیر و سایر
 انعامات شاهیه اعطا اولتوب جان بولادزاده حسین
 پاشا دخی عسکر ایله کلوب نزول ایتدی ماه مزبورک اونچی
 کونی منزل معهوددن کوچیلوب ارمودلی نام نزله
 قوندلده واج کفره سی اول کیجه حصاری آتسه اوروب
 فرار ایتد بلریکری برنجی کونی واج قربند نزول اولند قدده
 طابوردن آدم کلوب صلح ایچون اوج کونه دک عسکر
 حرکت ایتسونلر دیو مهل طلب اولتوب اوچی کونده
 یلچیی اول خانه کلوب بعده سرداره واردی پری طرفدن
 مراد پاشا و تانار خاتک احمد اغا سی و محمد کتخدا طابوره
 ارسال اولتوب ایکی کوندن عسکره عدم صلح
 خبری کلکله کوچلدی نوغرا دقلعه سی برطاغ باشند
 حواله ایدی طوپلر آتوب عسکره ضرر ایتدی سهولتله
 کچلدی و بشخرا د مقابلی طونه کنارنده ویره کل قلعه سی
 قربنده یکی پلنقه تخته اولنش بولتوب سکانی فرار ایدرکن
 اکثری مقتول و اسیر اولدی حصار مزبورک اوج جانبی
 سازلق و بتاق ایدی عسکر اسلام بولان جبهه خانه سن
 و طوپن آلوب پلنقه بی احراق بالنار ایتد بلر ایتدی
 ویره کل قلعه سنی دخی برافند بلر یکچیری اغا سی
 واروب احراق بالنار ایتدی چون ملاهین بول اوزرند
 واقع درخسنانی کسوب یولی سد ایتد بروب فرشیقایه طوپلر
 قومشیدی تخویل طریق اولتوب چنگلستان ایچندن سلاته کچلدی
 ماه مزبورک یکر منجی کونی ظابور اوزرینده وارلق مقرر اولوب کفار

طابوردن استرغونه ایکی کوپری قوروب عسکر اسلام مک هجرمنی
 بیلد کده قلعه البته کچمک اردنجه اولد یغی خبری وارد اولشیدی
 سرعت واستیجال ایله ایشمک کرکدر دیو بعض بهادر لری الف
 ایتدیار سردار دخی بر کون بریده قونمسوب جکر دلته دکه کتکه
 عزمت ایتشیدی محمد کتخدا اول کون مقابله دن ایا ایلوبینارین
 وارلق اولی در دیکله خان دخی موافقت کوستروب قوندیله
 ابرقیسی یگرمی ایکنجی کونی اغرلخی کیدو قویوب آلا بلر ایله
 جکر دین صحراسنه وارلدقسله لشکر کفار ججا اوتیقایه گذار
 ایدوب حصار البته قونمش وکوپری کسلش بولندی طابور برنده
 قیلان بر قاج خسته کافر قتل اولوب استرغونه فر شو قونلدی کفار
 حبله کار صلح وصلاح بهانه سیله انده عسکر اسلامی بر قاج کون صوق
 مراد ایدوب رهن نامه نمجه امرا سندن بر قاج ملعون کوندر دیلر
 مراد پاشا و محمد کتخدا واحد انا اوتیقایه کچوب هر سک ماتاش
 و پاللی و غیر وف ایله استرغونه یل اگری و پرلک اوزره بر قاج کلام
 بارد سو پلشوب غیر وارد اعتراضلر ایلد یلر کفار محض عسکر تانار
 او یوارد یارنی غارت ایتما مک ایچون او یلر ایدیکنی ییلور ایکن کیدو
 وجود ویریلوب وارمه کله اولندی بالاخره طرفینکده رهنلری خودت
 ایتدیله کفار خاک ایدخی قورمانه طوغری کتدی ماه مزبورک
 یگرمی در دخی کونی سردار و امرا فزی کرای خان ایله مشاوده
 ایدوب چونکه فرمان یوسالده تحریب دیار کفاره ایدی سردار اول
 حوالی ده قرار ایدوب عسکر جرارتانار ایله اقیته کوندرلدی ریم
 الاخرک ایکنجی کونی نم ۱ یول و ارات صوبی کچیلوب بشی
 کونی او یواره قریب صحرا ده سکیمال کولی قریبه نزول اولندی
 اقیته کوند ریلن عسکر بره قسدار اسیر و مواسی اخذ ایلد یلر
 لکن یوقدر عسکره کوره مراد اوزره غارت و خسارت اولدی سردار

سکه حال کولی فریسته ایکن بکلیار او یاره وادوب کفسار
 قومانه نزول ایستدیکی خبرین کتوردیلر او ان ششا قرب اولغله
 من بعد عودتدر دیو باوک اغالی شتیه اولندی (نخبه تاریخنده)
 نقل اولتان ربيع الاولک یکریمی سکننده رجعت اولوب جکر دین
 صحرا سنه قونلدی بعده قبلک وخطاوان یولدن ربيع الاخرک
 التهجی کونی پشته صحرا سنه قونلدی واربابه تیماردن یدل ذخیره
 بیکده ایکبشر التون جمع اولندی ماه مزبورک اون دردی کونی
 روز قاسم واقع اولوب بودین اطرافده خند قار کسلدی وغازی
 کرای خان اسفندان ایدوب قریم طرفته متوجه اولدی اوسنه دخی
 سردارا کرم خانی البقومنه سعی کلی ایدوب مکن اولدی هسکر تاتارک
 من بعد قناره بحالری محالدر دیوب کستدی و بالجمله خان ایله
 سرداریمانی شکر آب ایدی ابراهیم پاشا نه دکلوقلنوب
 تواضع ایستدی ایسه خان عالیجا هاق کوستوب اصلا کول روز
 کونترمدی و بر کره اوطاغنه کلدی اکثریات ارقا سنده ملاقات
 اولوب کوریشورل ایدی بعده کسکه پده قونلوب صونبور و باج
 یولی ایله ماه مزبورک یکریمی ایکنی کونی فودوارمه قاپله سنده
 نزول اولند قده آستله دن قیوجیلر کلوب خواجه جهان
 شیخ لاسلام علامه دوران سعد الدین افندی وفات ایدوب
 صدارت رومدن متقاعد منع الله افندی مفتی الانام اولدی یغن
 وونفا کجیلری ایله بلقراده کیدر کنی یوسف پاشا تک قنار ایله
 محاربه ده شهید اولدی یغن خبر ویردی یکریمی بشنجی کونی اگری
 ازمنی نام منزله نزول اولوب اول محله قریب اطه ایچنده دونما
 کیلری یولنه جمع اولان کفسار دفعی ایچون برابکی کون او تواق
 تنبیه اولندی و میخال لعینک اردله اسمیلاسی خبری شایع اولدی
 یکریمی طقوزنده صونبوره وارلد قنده مسفور میخال طرفسندن

مکتوب ایله آدم کلوب ولايت اردلی ضبط ايتنديکن ومقام
اطاعتده ثابت قدم اولديقن اعلام ايتدی جادی الاولینک
ارچنده وارادین کو پر یسی یکجلوب قربنه نزول اولندی قیوقولنه
مواجب و یریلوب یدنجی کونی بلغراد صحرا سنه قونلدی یکچیری
اناسی طرفنجی حسن اغا اول محله استیذان ایدوب آسانه کندی
اناطولی ایالتنه وسائر عسکره اجازت و یریلوب بلغراد قشلاسنه
کیرد یلر بوسفرده بعون الله تعالی قور اقلقدن عسکر رفاهیت ورخان
وغنیت اوزره اولوب ایاب و ذهابده مشقت چکلمدی

(اطاعت افرنجیان در قلعه پایا) سابقا فرنجیه دن نمجه امدادینه
بره مدار عسکر کلوب بونلر دن اوج بیک قدر فرنگ پاقاعله سی
محافظه سنه تعیین اولنوب بریلاق گذشته علوفه لری و یرلیدیکندن
غیری یرلی مجاریله بوزیشوب بر قاج کره دوکشملرایدی بالا خره
فرنگ غالب کلوب مجارلری قیرقدن عسکره بو دین محافظه سنده
قالن روم ایلی بکار یکسی محمد پاشایه آدم کوندروب علوفه لری
و یرلک شمرطیله حصاری تسلیمه و عهد ایدوب استونی بلغراد
محافظه سنده قالن بوسنه بکار یکسی درویش پاشایه دخی مراجعت
ایتملرایدی مزبور محمد پاشا تعهد ایدوب کتخداسی عبدی اغایه اوج
درت یوز قدر آدم قوشوب استرنی بلغراد بکی ارناود حسن پاشایی
دخی عسکر یله یله قوشوب کوندردی وارد قارنده کندی خلاقلرنده
اولان کفاری قتل ایدوب اولادوعیا لارین اسیر ایتملر بلالو باشلور
برد ایکبشر اسیر و یرد یلر و مزبور حسن بکسه اوج نفر نامه دار
کافره قوشوب بلغرا ده کوندردیلر علوفه لری التمش بیک التون
ایدوب فی الحال در دولته تلخیص اولندی مبلغ مزبور کوندز ملک
و عسکر و ارمق اوزره ایکن نمجه عسکری الاجه قارده مجموع ایدوب
طوب و تفکاه محکم محاصره ایتدیلر دردمند فرنگار امداد

امیدی ایله برآیدن زیاده جنك ایدوب ما یوس اوار قارنده برکجه
 چاقوب چوارلنده اولرب التي میل بر اولان استونی بلغرادجا بنده
 طاعلره دوشد یلریول دخی ییلزل ایدی نجه و بچار عسکری
 تعقیب ایدب اکثرین قیرد یلر انجی بش التیوز قدر فرنگ بحروح و ناتوان
 جنك ایدره استونی بلغرانه دوشدیلر برمه داری سرداره کیدوب
 بشیوزی انده قرار ایلدی بو فضیه ده بو محله کلنجه اولان تفصیل
 فذلکه دندر (اما حسن بکراده و عبدالقادرک روایتی پایا قلعه سنده
 اولان مرقوم فرنگر استونی بلغراد محافظه سنده قلان بوسنه
 بکر بکسی درویش پاشایه مکتوب کوند روب کذشته علوفه لیمز
 ویریلوب معین وظیفه لیمز ایله بزی قبول ایدرسه کز اوج آید
 بر علوفه لیمز ویرلک شرطه پایا قلعه سن اهل اسلامه تسلیم ایدوب
 بزخی جله ایکی بیک نفر فرنگ خدمت کری قبول ایدوب پدشکاه
 وزیرا کر مده بذل جان ایدره زردیمشکر کذشته علوفه لری التمش بیک
 قدر فلوری اولقله سردارا کرم بوجله شروطی قبول و احوالی پایه
 سریراعلا یه عرض ایدوب التمش بیک فلوری کتوردوب اون بیک
 فلور یسنی یول خر جلعی نامه ویروب وعهد نامه هما یون دخی
 یازوب درویش پاشایه ارسال ایلدی اولدخی پایا فرنگرینه کوندروب اول
 کروهک ریشلریکه قار دنبال دیملکه معروف قدر و علامت ریاستی مبانته
 بر زنجیر زدند ایتمکله موصوفدرا کابرینجیر زرین اسلابوب التمش بیک
 التون ایله یله کوندردی عهد نامه وخر جلق و التون زنجیر پایا فرنگرینه
 واصل اولدقده قلعه بی سلطانره تسلیم ایدوب کدولری چاقوب ایکی
 بیک مسلح فرنگ درویش پاشایه فاوشدیلر واندن عرض و مکتوبلر ایله
 اخبار ندن برین همراه ایدیتوب بلغراده کلوب مقام عبودیت سده یات
 ویراقلری ایله مقیم اولد یلر سردار اکرم دخی انلره التفات ایدوب
 قنیه سفرینه کتدکده ابتدا مترسه بو فرنگر کیروب اول مترسه

کیردکاری کیجه باقی مواجباری اولان اللی بیک فلوری بی دخی
کندوره تسلیم ایتدیلر بو طاقه خدمت سفرو حریده تمام
فولقلار ایدوب هر سفرد سربازاق و کمال جلاد نله سار کفره دن
ممتازاق ایدر لدی ساطان عثمان خان حوتین سفینه کتد کده
برقاج یوز فرنگ که اول طاقه نیک بقیه سیدر همراه اولوب آلا ی
همایون ایله یله ایدیلر حوتین جتکنده دخی دقیقه فوت ایتدیلر
خصوصا ملا عین صقالیه دن اخذ اولنان روس و قزاق کافرلرین
سیاست ایچون مزبورلره ویردکلر نده زنده سبخه صانچوب آتش ایله
کباب چو یروب انواع تعذیب ایله اهلاک ایدر لدی

(اوصاف حیده سردار ابراهیم پاشا) پچو یلی ایدر ابراهیم پاشا
مرحوم مدار اسمی غالب بر آدم سحاک و کریمی مسلم عالم ایدی غایت
رحیم و شفیق کورینوب پرکسنه حضورنده بکا ایلسه یله اغلردی
و کاهی غایت ایله خونیلاک ایدوب صکره فوق الحد ایچیملا غله
اشید نلرک یوره کن طاعلردی حصوز نه کلن کافره برنوع استقامت
و یرد و التفات کوسر رایدیکه تمام راضی و شاکر کیدوب اشیدن
کفار البنده اول هوسه دوشوب دام مداراسنه کرتار اولوردی سمندره
سبخا غنده و طمشوار یا قه سنده نه قدر دلی قانلو توانا جنکه قادر
رعایاوار ایسه کندوبیه کلوب بیرا قار آلوب هر بلوکی بر فوادن
اشقیاد فعه اتفاقی ایتدیلر و بونلره انعام و اجسانی ضابطلرینه
اوزونده ارسلان صورتی نقش اولمش برر سلا نیکی سجاده ایدی
انی آلوب رعایا لینده انکله اقتضار ایده کیدر لایدی بوشانده رعایا دخی
کر چه یوز بولوب بوژ غه قاضیسی اوزونیه غلوا ایله قتل ایتدیلر
لکن سردار بو ضرری اهون شرین قیلدن اختیار ایدوب
بن سیرایش ایتدم دی هدر درد بو اللرینه تمسک و یردی بو تمسک
و یرمک اجازتدو دیو اعتراض اید نلره سرحد رعایا سنی تنبش ایله

دار الحرب می قاچوره ام دراپدی مسکر دیو مدارا مک قتی چوق حسنی
 ظهور ایتدی جله دن ولایت معمور اولوب دراوه دن اوقه واقع
 سنجاق قله اوتوز سنده دن متجاوز حیدود اشقیاسی مسلط اولوب
 بر قلعہ دن بر قلعہ په کتمک عظیم عسکره محتاج اولغله تنه اوارا نهدن
 قالمشیدی قریه لره دخی جیقلمز اولوب قلاع و بقاعی دفعاتله با قشار
 و یقمشارایدی رعایا بواسطه ایلله قالمقوب حیدود ملایقه سنی
 دو که دو که استیصال ایتدی یاروسال آیت ده قانیر ده دخی فتح اولغله
 بالکلبه کوکلری کسلدی کندی ائدن ماعدا بو سفر لره
 عسکری کری کپی ضبط ایلوب رعایا تر که سندن ظالم ایلله برجه
 آلدی رزم دی لاجرم رعایا عرب لایله ذخیره چکوب پول اوزرنده
 دو کرل و بیع ایدرل ایدی و یو بلجه کیدرل ایکن عسکر اکین
 با صمق واقع اولدی بو قدر ضبط و ربط ده انجق بر دوه جی
 دوه مساودینه صلب اولندی و رواج یار کیر میری ایچون
 بمغالبه شدیدی

(اطاعت نمودن میخال) حافظ احمد پاشا انهرامند نصکره کوز لجه
 محمود پاشا سپهکش اسلام اولوب میخال اوزرنده سوق سپاه ایتمشیدی
 میخال بدفعال افلاق رعایا سندن مستشر اولغله مقدم سال بسال
 ادا سنی ملتزم اولدی یغی مال خراجک ضعفی ارسال تمهدی ایلله
 و یوده لی کند و یه عنایت اولتقی رجاسیله ذیل شفاهت پاشای
 مشار الیه نشست ایلدی فی شهر ربیع الآخر

(قتل کردن ابراهیم پاشا نفرات شامیان رادر حلب) سنه
 مزبوره ربیع الآخر نده حدو ث ایدن وقایع دندر که شام
 یکچیر یسک مال میری تحصیل بهانه سینه دیار حلبک فقر او عتانه
 تسلط و جور لری حدی تجاوز ایتمکله حلب بکلر بکبسی حاجی
 ابراهیم پاشا ذکر اولان شامیلردن اونیدی شخصک بو یئن اوردی

بوسبب ایله ایکی قول مایننه نیچه مدت شقاق دوشوب بیحد خون
ناحق روان اولدی

(اسیرشدن سمیون حاکم کورجیان بدست جعفر پاشا امیرالامراء وان)
حکام کورجیان ظاهرا مطیع فرمان باطناً دهلزن عصیان
اولوب جله دن سمیون بدپیمان نفاق بی پایان ایله کوری قلعه سته
علی الغفله استیلا ایدوب اساستدن برمقدار ویران ایتدکه تبریز
ووان امیرالامراسی وزیر دلیر جعفر پاشا عون خق ایله گرفتار
قیداسار ایدوب ینه کورجیان بکلرندن الکسندره خانک باشی کسوب
اوغلازینی اخذ و مزبور سمیون ایله معاسنه مزبوره ربیع الاولنده
درگاه خد اوندکاره ارسال ایلدی یدی قلعه ده محبوس اولوب بعد زران
اسلامه کشیدی دور سلطان احمدخان علیه الرحه ده وفات ایتشد.
مزبور سمیون یدی قلعه ده محبوس اولدقده دیدیکی رباعیدر (خظم)
غارت زده چرخ ستمکار اولدم * خلفک کوز ینه انک ایچون خوار اولدم
کرکتدی ایسه اسب و شتر بار ایله * یاری یه شکر که سبکبار اولدم
(جواب حکمی چلی)

برقلعه سنی المخله سن کور ینک * کور شمدی یدی قلعه ده دزدار اولدک
(فصنه قتل کرا) وقایع غریبه دندکر که استانبولده کرا ایمکله معروف
بریم و دینه بحجوز نسوان حرم واسطه سیله حیلی تفرده و شهرت
بولوب نسوه مذکور انک رابطه ارتشاری اولقله امور کایه یه
قاریشوب نیچه مشاهیر منصب البوریوب رشونه اماله ایله ایچ خلقنی
اضلال وامور عالمی پراختلال ایتکین سپاهی طایفه سی جمعیت
و هجوم ایدوب ذکر اوانان ملعونه مفسده بی طلب ایتد کلرنده
قائم مقام خلیل پاشا بو شرک ضرری احتمالدر که کندویه و صدف
در خلافت والده ساطانه اصابت ایده بو خوفه دوشوب چاوش باشی

فرغانی زاده بی کوندرب و بودیه نک مسکن باصد یروب
 کندوبی و اوغلاری اخذایتدردی حضور وزیر و احضار اثناسنده
 هنوز دیوانخانه نزد باندن چقارر کن زمره سپاه صبرایوب
 مجوز مرزوزه و اوغلارینه خنجر او شوروب اوچنی بیله یاره لیوب
 لاشه خیده لرین میدانه براقدیار و ملعونه نک واسطه رشوت اولان
 دستنی و موضع فرجی قطع لیلرت اول لعینه به انتساب ایله منصب
 صاحب اولان بهمن مغرور جامک قیولینه مخلدیرو آصدیلر
 بووقعه دن مهد علیاحضرتی زیاده بمحضور اولوب یوبی ادبلیکه
 جسارت ایدنلرک دفعنده سعی و اهتمام ایتدی دیو خلیل پاشایه
 مغیراودی وازمده اول اغیراره بناءخلیل پاشایی معزول و طواشی
 حافظ پاشایی قائم مقاملق مسندینه موصول ایلدی یروبو بایده مفتی
 عصر صنع الله ایتدی دخی نحر یک جمعیت سپاهه رازدار در دیو
 بوخصوصده اشیریک ایتدی نفس الامر بودرکه بعض مصالح
 حیرولنه توسط ایدن کشته لرت بدیده مبالغه دایا التقی هر عصرده
 اکسک اولر بر معنادر حد معقولی تجاوز ایتدی یکی حالده حبله حکیمانه ایله
 دفعنه سعی و التقی لازم ایکن هجوم عمومی محرک بو مقوله فساد
 ایضا ایله هتک ناموس دولت ایتنه نک عاقبتنده وخامت مقرر در
 (اشده خروج جلالیان و ظهور قره یازیچی عبید الحلیم از ارباب
 طغیان زمره سبکبانان) عسکر اسلام نیجه شه و رواعوام کفار
 خاکسار ایله دست کر بیان و او نه یافه نک عسکری انکروس
 غراسته روان اولغله اثرلک بی ادر اکن واکراد ضلالت نهادن
 نیجه شقیار جاده اطاعتدن خروج و قتل خیانت و عصیان عروج
 ایدوب قره یازیچی دیمکله معروف عبید الحلیم نام سبکبان بلوک باشبسی
 سر اشقا و وعدوی جان رهیا اولوب ممالک محروسه دن روها اطرافدن
 رفع لواء عصیان ایتشیدی سابقا حبش بکتر بکبسی اولوب

يك يدي تاريخي او آخره انطولى تفتيشه معين اولنا حسين پاشا نك
ظلم و طغيانى معروض عتبه عليه اولدوقده پرموجب فرمان عالي
فرمان عتسلى محمد چاوش ايچ ايل اولردن ييك قدر آدم ايله
اقسراي قريبنده اوزرينه واروب بر ايكي ساعت نحر ايله دن صكره
بوز يلوب قوينه يه گلشيدى بوخيردر دولته واصل اولدوقده اول
عصرده اوچنچي وز ير اولان سنان پاشا زاده محمد پاشا اونه يقاده
بولان عسكره سردار معين اولنوب ييك سكر محرمندن اسكداره
كچمشيدى قوينه يه قريب واردوقده حسين پاشا بر ايكي منزل
او كنجده كيدوب روها قلعه سته اسبلا ايند قره يازيچي يه ملحق
اولدوقده قران تحسين واقع اولدى در عقب محمد پاشا دخی واروب
حصار من بوري محاصره و تضيق و ازعاج و اخراجي تحفيق
ابلد كده حسين پاشاي قليم شرطيله كندو يه سنجاق توجه
اولنوب صلح و صلاحله قره يازيچي حسين پاشاي قدا ايدوب
قلعه دن اشاغى ايندردى و كندو عهد نامه صلح ايله دانكا
روهادن رها بولوب يازيچي كندو سته كم يازمز مذهبيله حامل اولدى
و كندويه ويزيلن اما سبه سنجاق غلبه كندى مرويدركه قره يازيچي
محاصره ده تفنك اندازله قورشون بولوب غروشلى اريدوب
فتيق دو كدردى اولدخى دو كنوب ضرورى استيمان ابلدى
حسين پاشا قيدوبند ايله آستانه يه كوندر يلوب ديوانده الى اياغى
قرلقدن صكره بر بار كيره سوار اولنوب اسواقده شهر
قلندقدن صكره موجب عبرت ايچون اودن قوشنده جنگاله اورادى
بعده قره يازيچي ضلال قد يمنده برقرار اولدوقده محمد پاشا يه حكم
وازد اولديكه من بوري دخی اله كتره سردار هشار ايله يازيچي
اوزينه واروب يازيچي دخی همبائله دونوب مباشر حرب و قتال
اولدوقده پاشا نك چاكر اغا نام كخدا سى ورنجه اغا لى دوشوب

وسر دار بالاخره غایب اولد قنده یازمی فرایدوب سیواس
 حدودنده بعضی سرب طاعره تحصن ابتدی هنگام شنا حول ایدوب
 محمد پاشا دیار بکر شهرینه قشلاغه کندی اول بهار کلد کده
 سنان پاشا نزاده محمد پاشا سکرلر دیار بکر دن عاقوب فرمان
 موج بنجه قره یازمی اوزرینه عازم اولدی لکن سیواس بکر بکشی
 محمد پاشا سفره عزیمت ایدوب درد لته کلد کده متور شتی مطبع
 و فرمان بردار اولمشدر من بهر فساددن ال چکمشدر مجرد سنان
 پاشا زاده قلمبستدن قورغنی ایچون بدرینده تحصن ایتشدر امور
 معظمه ده استخدا مه لایق نگشته در دیوشیخ الاسلامه وقائمقامه
 اعلام ایدوب هر حاله متکفل اولمین جرمی عفو اولوب چورم
 سنجانی ویرای و محمود پاشا کیره سیواسه کوندربلوب قره یازمی ایله
 واروب ایچ ایلده ظهور ایدن سوخته و ساراشته بی دفع ایتکه
 ما بور اولدی و سنان پاشا زاده محمد پاشا درد ولته کلک فرمان اولندی
 حسن بکر زاده تحریری اوزره صنع الله افندی برادر زاده سی چلی
 قاضی قره یازمیچیدن مال فراوان الوب سنان پاشا زاده محمد پاشا شک
 علیه و قره یازمیچینک استغای جرایمه متعلق یازلدیعی مکرر بلره
 اعتماد ایدوب سنان پاشا زاده محمد پاشای مبردار لقدن دفع وجودم
 سنجانی قره یازمیچیه توجیه اولتمه سنی ایلدی

(ذکر احوال یمن) ولایت یمنده امام و مهدی نامه ده ظهور ایدن
 مفسد و سارگران ایله یمن بکر بکشی حسن پاشا نیمه ایلم جنک
 جدال ایدوب غایب کلد کده نیمه سنک یا شتری کسبلوب مهدی
 نامه اولان شتی دخی اله گتور بلوب حجتدن کلندی و دوقه کین
 سنجانی یکی اولوب یمن محافظه سنده قالدن گنخدا سنان پاشا واقع
 اولان محاربه رده برار لایلوب کوکبان حاجی محمد و خوجه حاجی
 عبد الرحمن دخی خلوص طوبت ایله اتقاید و اطاعت و کرکی کنی

خدمت ایدوب بعونه تعالی اعدایه غالب اولدیلر حالا محافظه
ایچون جبه خانه وروم عسکری لازم اولغین سائر مهمانله
در دولته عرض اولندقدن مصردن مستوفی عسکر وجبه خانه
تدارک و بوجه استعمال ارسال اولنق ایچون مصر بکلی بکشی
خضر پاشا و سائر امرایه استمالت نامه لر و کوبان و منجه حاکی
مزبوراته بر خلعت ایله استمالت نامه لر ارسال اولندی در عقب مراد
ایتد کلری مهمات و لوازمی دخی علی جناح الاستعمال
ایصال ایتدیلر

﴿ وقایع سنه تسع و الف ﴾

(عزیمت سردار اکرم وزیر مکرم ابراهیم پاشا بجانب قیقه)
چون هنگام شناسنجوب فصل بهار ایرشدی سنه سابقه
ذی الحجه سنه . سردار اگر صلوة عید اضحای بلغرادده ادا
ایتد کدنصرکه صحرايه چقبوب عسکر جچی ایچون برما . مقداری
آرام و تکبیل مهماته قیام ایدوب در دولته قیو قولینک موجودینه
موجب ویریلوب جزیه دفتری توزیع اولمشبدی ماه مزبورک
اواثلنده یکجیری اغاسی طرنجی حسن اغاقری ایله و بلوک
اغاری و طوپچیسان وجبه جیان دارالسلطنه بدن چقبوب بلغرادده
عزم ایتدیلر و ماه مزبور اواخرنده اردوی همایونه داخل اولدیلر
چون مقدمه طرف دولت علیه دن خان غالبشان حضرت ترینه اواصر
علیه صادر اولشیدی خان غالبشان غازی کرای خان جالبنددن
ارسال اولتان سلطان ایله بر قاج بیگ ناتار عسکر
دخی قریب کلدکلری خبری و اصل اولدی تکبیل لوازمه نصرکه
سنه تسع و الف محرمی اواخرنده مساوه کوپریسندن زمون
صحرا سنه یکیلوب دونما کیلری ایله ذخائر بودین طرقتنه ارسال
اولندی واسترغون قلعه سی تسخیری نیی ایله یدنی میزله اوسکه

وار بیلوب هسکر اسلام کو پریدن عبور ایچون اوج کون آرام اولندی
 (آمدن تریاکی حسن پاشا) بوندن اقدام قنبره کفاری غایت
 ازغون و مغرور اولوب هر بار طونه و دراهو کنارلنده کزوب یولاری
 کسرل و بلغراد دکر منسارندن کاهی آدم قیازلیدی بود قسه
 کو پری باشنده بور نوار پلنقه سنی یاقوب وافر خسارت ایتدکلرنی
 پاشایی مومی الیه ایشدکده اولزمان بودین ایالتسندن معزول
 و پیچیده ممکن ایدی علی العجله یاننده موجود اتباعی الیه ایلغار
 ایدوب دراهو قریبده کفاره پشیدی ملاعین انلری کوردکده کو پریدن
 کچرب ایکی صویک اراسنده قوندیلر کو پری پی بوزدیلر پاشای
 مشار الیهک معلومی اولان کچر دن کچوب کفاره هجوم ایتدکده
 منهرم اولوب فرار ایتدیلر کینی قتل و کینی اسیر ایدوب باقبسی
 دراهو صوبته دو کلوب جهنمه کندیلر بللو باشلوری الیه منکوس
 بیراقلرین اوکشنه قاتوب اوسکده سرداره ملا فی اولوب مظهر
 انغانت واکرام اولدیلر سردار اکرم کر قنار اولان کفازدن احوالی
 استفسار ایلدی بعده سفرا حوالندن سوزاچلوب استرغون اوزرینه
 وارلق حسن پاشا الیه استشاره اولد قسده حق تعالی آسان ایلجه
 هر کارک مشکلی ملاحظه اولنوب اکاکوره تدارک اولمق کرک
 اولطرفه توجه اولندیغی تقدیرده قنبره کفاری کلرب بوکو پر یلری
 بوزوب عودنده هسکر اسلامه رخنه و پرر حالامهم اولان اولدرکه
 بوسیمه قریب کفازلنده اولان بو بوخفه قلعه سی باری فتح اولنوب
 بو اطراف محافظه ایچون ایچنه عسکر قونه تا که بودین یولی الدله اوله
 دیدکده جله بکلر و پاشا ل بوتد بیری بکندیلر ضمیر سردارد
 دخی جایکیر اولان قنبره فتحی ایدی حسن پاشا سوق دخی مطابق
 دوشدی اوسک کو پر یسی بکله کده طوغلر صول قوله دوندربلوب
 بو بوخفه سمتسه کوند رلدی بواشاند میخال بد فعلک دیمونا م
 ایلبیسی کلوب هدیه و مکتوب کتورمشیدی ایلبچی منور رئیس

الکتاب جزء افندی الیه مفرك اون التبحی کونی و وری
 کچار کدنصره در دواته کوندربلوب کوچلدی شقاوشه وار یلوب
 قلعه سندن چول طومازد پرزاون سکر و قبه اتار برطوب اندی
 (رفتن مراد پاشا و محمد کخدا برای فتح بو بو فجه) شقلوش منزلده
 دیار بکر بکر بکسی مراد پاشا و محمد کخدا به مستوفی عسکر
 قوش یلوب بو بو فجه محاصر سنه کوند رلدی اولکون اردوی
 همایوندن آیر یلوب روانه اولدی لر قلعه مز بوره بی واروب محاصره
 ایلد کلرند . کفار چیقوب براز جنک اولدی سکتوار بکی دلی نصوح
 بک انده شهید دوشدی خندقه چالی دو کوب طوپرانی سور مکمه مباشرت
 ایتدی لر او چخی کون سردار اسلام سکتواره کلکله کفار خاکسار
 ویره ایدوب حصاری تسلیم ایتدی لر محمد کخدا بونلری
 چیقاروب بلاطین کولند . نوغراد اسکله سنه اولاشد ردی
 سردار شقلوشدن قاقوب پچوی یه واندن سکتواره قونوب
 بو قلعه ردن بررطوب آلوب بو بو فجه یه کلوب محافظه سنه
 عسکر وضع اولدی

(توجه سردار اکرم بمحاصر قنیره) بو بو فجه ده مشاوره
 اونوب بودین احوالی نیجه اولور دینلد کده حسن پاشا ایتدی
 الحمد لله بو بو فجه نک سهواتله قهی مبسر اولدی بو اطرافده
 مکوموریه و بلاطین کولی قلاعنک کلیدی و دیار کفار کسد سیدی
 قنیره حصاریدر آنک دخی قهی مبسر اولور سه عظیم صلحت
 کورنش اولور کفار خافل ایکن همان واروب محاصره اونقی
 کرک دید کده عقلا معقول کوروب بوتدی بری اسفحسان ایتدی لر
 ابراهیم پاشا یا بودین جانی نیجه اولور دید کده جله بکر حسن پاشا
 بودینه کئسون و محافظه امرند . اهتمام ایتسون بر قنیره بی
 محاصره اید . ام دیو اتفی ایتدی لر همان اول کون بودین ایالتی

حسن پاشایه توجیه اولنوب اول جائیه کوند رلدی و بودین
محافظه سنده اولان روم ایلی بکربکسی لالا محمد پاشا ایاتی عسکر یله
حصار ددن بش با لیمز طوب قالدیروب استرنی بلغرادده اولان
فرانچیه طاقعه سنی یانسه الوب قوبان یولی ایله بر موجب فرمان
اردوی همایونه کلورکن یولی اوز رنده واقع براندوار پلنقه سن
برکون دوکوب ایرتسی ویره ایله اندی لکن خلقی مملکت رعایا سندن
دوغمه اشقا اولغله جله سن قتل ایتدی و او طرفده لاهه پلنقه سن
دخی کفار تخلیه و فرار ایتکله ضبط ایدوب کندی و قنیره ده
اردوی همایونه داخل اولدی سردار اکرم او بوفچه بی کچوب
برزنجیه پلنقه سی صحرا سنه قونلد قیده تناره افن انچون فرمان
وبرلدی ربیع الاولک غره سنده تنک در بند کیلوب قنیره
صحرا سنه نزول اولدی

(وصف قنیره و محاصره او) اول حصار مزبور برقی نام نهر
وسطنده واقع دوزاطه ده و اویشتی طوبراق طوله متین و مستحکم
برقعه اووب ایکی جانبی برزاق آتشی نهره وارنجه سازاق و بتاق
و نهر مزبور بلاطی کولندن چقبوب دراوه یه اقا و ایدی اطراف
واکنفی اورمانلی طاغله نه متریس ایله یقین وارمق قابل و نه لغم ایله
اتقی ممکنه کلوطوب اورسک کو مولورقا و سردار اعظم عنایت
ده توکل ایدوب محصره فرمان ایتدی کونده در در بشربوز
دانه آتیلوردی سکتوار قبوسی جانبندن اردنیدی کون دو کیلوب
قرشویقاندن دخی دو ملک لازم کلا کین طوب پرشمن یردن صواوزینه
چبو قدن حصیر مثال چترکه اکالسه دیور دوشنوب انجی بر عربه
کچر یولی یا ییلوب برکون انجی طیانوردی کیر و تعمیر و بنجدید
اولنوردی طرفیندن لسه لرد و شتوب بتاقلری اودن یوکلی ایله
طولد رمغه سعی اولنوردی

(احتراق باروت کفار در قلعه) ماه مزبور که او ن بشته قوشلق
 وقتی بر عظیم صدافوبوب آدم کوزه سی قدر طاشا و طو پراقلر
 هوایه پرا ن اولوب ایکی ساعت قدر زمان غبار و د خان ایچنده
 قلعه نهسان اولدی قالدی بعد آجیلوب کورد یلر که قلعه نك
 ایکی عظیم قله سی واریدی بری هوایه اوچش مکر ایچر وده
 مسلمان اسیرلری کیجه ایله طوب کد کلرین طولدردن کلور کن
 باروت خانه قپو سنی آچق بولوب بری یاتمش فذل پراقلش ایچنده
 اولان ییک قطاردن متجاوز باروت و جبه خانه اوزرند زندان
 ایچنده اولان یوز یتمش اسیر عورت و اوغلان و دخی اوزرند
 بکری ایله سرایی جله هوایه آیلوب هلاک اولدیلر بعده برقاج کون
 مر و زاید وب قلعه دن طوب انلر اولوب کاهی تفنک ایلوردی
 محصور اولان ملا عین خاسرین بوداهیه عظمی ایله دمبسته
 اولوب واقع حالی قراله اعلام و امداد ایرشک بایند اقدام ایتمیلر
 (آمدن طابور کفار) مقدما نجه چاساری فردینا ندوش
 بودین اوزرینه عسکر جمع ایتیشکن حسن پاشا نك
 بودینه سکیرد یکنی ایشیدوب قنیر امدادینه نفیر عام ایله
 توجه ایتشیدن یوز قدر طوب و فرق ییک پیاده و سوار ایله ماه
 مزبور ک یکر می سکن یی کونی کلوب قراوللری والا یلری کورندی
 وقنیر یه قریب یرده طابور فوردی عسکر اسلام قرشو واردیلر لکن
 کفارک تفنککن اندازی اتلوعسکر یی دوندردیلر بیکچری متر بسندن
 جیقوب انجق فرنک طامعه سی قالدی انلر دخی وارد یی کی
 دونوب فرار ایتدیلر بکلر وضا بطلر بیر اقلری ایله اار دویه
 ارقه و یروپ طور دیلر لکن کفار اگر طابعه سی و همندن اردویه
 سورمدی طو یلری دیزوب اهل اسلام اطرافنه اتمعه باشلدی لکن
 کله اردواوزرندن سکوب متر یلری دو کردی اخشامه دك الابر

چنگه طور و ب بعد کفار طابور رینه واروب اول کچه عظیم
 خندقار و قلعه له طابوره استحکام و یردیلار نسی نه کفار
 پیاده سین و طو بلرین اوکنه دیزوب یورودی سردارا سلام دخی
 سوار اولوب برتاغک آردینده آلائی باغلتدی و یکچیری و یککر بکیر
 قولر فوئجه طوردیلار کفار یوریدی کی بکیر و پاشا رقیبیلوب
 یکچیری بد کلبه اوردخی فراریندیلر میدانده انجی بیراق صاحبیری
 و اهل عرض ضابطلر قالشیدی اورمانلره مصغوب طور دیلر
 هوا دومانلی اولغله کنار عسکرلر احوالندن خبردار اولوب بونلرک
 مقابله سزدوندکلر بنی حبله و آل اولقی خیالی ایدردی بوجه ایله
 اختتام اولوب طبل آسایش چالیدیلر دخی ایرتسی که ماه
 ربیع الاخر غره سی ایدی طابور کفار اوزرینه واریلوب کار زاره
 قرار و یرلکن عموما بکیر بکیر و سار عسکر اتلنوب پیاده و سوار
 طابور قرینه واردیلر صبا حه قریب کفار طابور لی اولان محمد
 مبه زاره بر فاج پیک تفنگ انداز و ضر بز نلر قومشار علی الفقله
 وارن عسکره تفنگ و ضر بز نلر قریب باران مشال باغدر دیلر
 اول حینده نیچه غازیلر شهید و عرصه وجود دن نابید اولدیلر
 عسکر منصور اولمخلدن طابور اوزرینه واروب محاربه به مشغول
 اولدقلر نده کین مزبورده اولان مشرکین حالا اردو لشکر دن
 خالیدر دیو ذخیره و باروت کو توروب قلعه به داخل اولقی فکر یله
 یورود کلر نده سردار نامدار اردوده بولنان مغرقه و سار عسکر ایله
 سوار اولوب یکچیری زمره سنی اوکنه قاتوب کفار وارشو حیت حشدی
 کفار خاکسار یکچیری اینه هجوم ایشد کده قبون سوربسی
 قورددن اوردکر کی اورکوب اردو به فرار ایدرکن سردار اوکندن
 گروه گروه کچدیلر سردار اکرم بونلره بهی بولدا شلر نیچون بوبله
 ایدر سزد به کوروب چنگه ترغیب و تحریصلر ایلدی مفید اولمادی

سردارانلری قویوب بالذات کفار آلایرینه فر شوکتد کده
 ملاعین تفتک اندازلی اوگه قاتوب چادرزه دخول مرتبه سنه
 قریب اولش واراده برت ق قالمشیدی یاننده اولان اوج درت
 یوز سپاه و سلخند ازایله ایر شد یکی کی تفتک سر یوب ایچ
 اوغلارندن و سپا هیاردن نیجه سن شهید ایتدی لر سردار پرشته اردنه
 یک ب طروردی او محله بکچیری اغایی قلیچن دوشرمش فریاد
 کان سردار یانته کلوب حال نیمه اولور جله اهل اسلام پایمال اوله یور
 دیوب بکایلدی سردار ا کبا قیوب روم ایلی و اناطولی بکلر بکسنه
 و محمد کتخدا به رطویچی باشی به درت قطعه یورلدی یاقیوب عسکر
 طابو اوزندن دو نوب اوردو جائینه کلک فرمان ایلدی سردار یاننده
 عسکر او لمد یغدن عظیم مضایقه ده بو کالمشیدی عسکر بیججه
 کلوب کفار هجوم ایلدیلر کفار بو نلره دخی تفتک سر یوب
 چنک ایلدیلر محمد کتخدایک اتی دوشوب ید کینه بندی بکچیری به
 هر بار که اقدام اولندی قرقی الی نفر دن زیاده بو لغیوب چادرلر دن
 باش کو ستره دیلر طر یچیلر بش ضرر نلله ایکی قولبور نه کتور و ب
 سردار اوکنده بر قاج کره آتدیلر و کفاری بری پرشته قاندیلر کفار طوبدن
 بره مندار خوف ایلدیوب چادرلره کیره مد یلر اخشام دخی اولوب
 ایکی بد سوز ماننده ک اول مقامده آرام اولنوب طرفین دوندیلر بو حشکده
 براز کافر قریلوب بوند نصکره طابور دن چیقمدیلر ماهه مز پورک
 و چخی کونی تکرار عسکر اسلام ییاده سوار طابوره واروب هجوملر
 ایتدیلر اخشامه ک چنک اولدی ربیع الاخر ک درد بی کونی
 طابور محاصره سی ایچون مشاوره اولمشیدی اردوده موجود
 اولان برایکی یک تاتار خلاق بوللردن واروب کفار طابورینه
 کان ذخیره عربه لرین الو ب سائر عسکر دخی ذخیره بوللرین
 کیمکله زبون دوشروب قلعه به باروت امدادی دخی ممکن
 اولدوقده ماهه مز پورک یکر می یشخی کونی کمارک پای اقدامی مترازل

اورب نصف الایله قالقوب کندیلرودو کوندی مقوله سی
دیو شریلوب پراز غنایم الندی
(فتح حصار قیره و خروج کفار) طابور ادا بلرند نص کر بر هفتقه مقدادی
دخی حصار دو کیلوب محصور اولان کفار طابورانها را مندن خبردار
اولد قده امداد دن بآس کلوب پراج کون دخی عنا دلرندن اصرار
ایدوب اخر الامر هجوم جسکر طاهره فروتن زبون اولوب یانوش
توان نام بک که هلاک اولان بکیک برینه بک اولمشیدی اتلو باشی
مملوش توان ایله بریره کلوب طابور کندی بزه دخی امداد کلز
باروت وجبه حمله مزبوق تور کار کوچ ایله قلعه بی الدقه نص کره
زه امان ویریزلر هسان قلعه بی و یروب خلاص اولقی بکدر
دیو مشورت ایتد کده زمره مجار ویره بی تجویز ایلبوب نتیجه کروهی
پراز عناد ایدوب صکره انلر دخی دونوب متفق اولدیلر ماهه مزبورک
اون اوجخی مبت کیچه سی تمام بغمور باقمشکن صیلاحه دکنه
جنگ منقطع اولوب یارین یوریشدر دیو صکره تنیه اولمش
و یوریش یوللری اودون و بپشه ایله نصفه قریب طولشیدی
علی المحرر صکر اسلام یوریشه منتظر ایکن ناگاه قلعه قیوسی
اوزرینه ویره سنجاخی دیکلوب امان صدا سی عیوقه چقدی
سرحد ک معتمد آمدلرندن پیجویلی قوجه سنان چاشمی رهن
استد کلرند کوندر یلوب ایچرودن ایکی اوج بللوا باشلو کافر
بو غازی التوز ونجیری بری مجار وبری نتیجه بکلرندن چیقوب
سردار اکرمه کلدیله و خلعتلر کیوب مرانلری اوزره امان کاغذلری
آلدیلر بار و تمز قالدی بو خسه قلعه بی ضربه دست یله الیه ز
ایدیکر بزم ایله یانق واکری ویره سی کی معاهده ایدوب صکره
اردی بجه صکر کوندر وب قرار واسیر ایدر سر عهد بو یله می
اولوردید کلرند سردار اکرم عین ایلبوب جبه حمله و طوپار

پادشاه کدر باقی نه وارا یسه کو تورک برکسند دندنجیده اولم زسز
دیو تسلی ویردی بوکره یوزبولوب ایچروده اتلومز انچق
یکبوزقدرار اوله باقیلری پیاده ییک بشبوزقدر چنکچی و عورت
واغلا ندرنه کوتورسه لکرک دید کده اسبابلرین کوتورمک
یچون ایکبوزدوه فرمان اواندی ایرتسی ماه مزبورک اون
دردیجی کوفی که یوم الاحد ایدی عوماعسکر اسلام الابلر یاغلوب
طور دیلر سحری قلعه نکه مقتاحلرین کتوروب سردار عالیشانه تسلیم
ایتد کلر نده آیتلاری اوزره الای قوروب مال و عیاللری ایله گروه گروه
چیقدیلر حتی طاق و تازلرین نکه و بشکلرین ییله دوهله یوکلدوب
یقین یرده قوندیلر جبهه جی بانلی و طویچی باشی و محمد کتخدایکروب
جبهه خانه بی و طوبلری ضبط ایتدیلر اللی برقطعه بیوک طوب
ویکرمی بشقطعه ضربلرین دفتر اولوب کلپسارلی جامع اولدی
عسکرواروب محصور مزبورک ماکولانه و سائر مناهه متعلق
صائق شیلرین صائون الوب درستانه مامله ایتدیلر
روایلی بکدر بکسی محمد پاشا و محمد کتخدای قوشیاوب اوج
کون کتدیلر قاپورنق نام حربی قلعه کورد کده آدم لری
کلوب قرشو لبوبر کون انده اوتوروب کیدن پاشا ره عظیم
هدایا و چور باجیلره یوزطونلق چوقه و دوه جیلره برطونلق
چوقه و یریلوب دوندیلر عالی مرحوم یووجهله تاریخ دیدی
(تاریخ) فتح اولوب قلعه یوزلندی طابور (تاریخ دیگر)

قنبره قلعه سن الدی سردار محمد الله تعالی قلعه سن پوره
بو کونه وجه احسن و اسهل ایله حصون اسلامیه یه ضم
ارلندی و حسن بک زاده انشاسیله فتح نامه لری یازیلوب
اطراف ممالکه و لاقرا ایله خبر مسرت اشاعت اواندی و قنبره
مضا فاشندن کیش قومار و پرزنجیه و دخی نیجه بقاع

قبضه تسخیر کلدی و ایچارینه امر او قضاه و مستحقین و نفقات
تعمین اولندی و خبر فتح ایله سده سعادت و دفتر امینی اولان عبدی اقدی
ارسال اولتوب بشارت خبری وصولنده دارا اسلطنه ده اوج کون اوج
کیجه شهر د و نتماسی فرمان اولتوب شاد و خندان آیین مسرت
اولد ایلر سار یلادده دخی شنکار اولغیچون او امر کوندر یلوب امصار
ملکده آیین بخنددی و جانب سرداره عواطف خمروانی ظهوره
کلوب خلعت و کمر و خنجر و تیغ مجوهر و او تاغه زیبا و تحف کران بها
کوندر یلوب صدارت قید حیات ایله کند وره اواق اوزره
خط هما یون اصدار اولندی و جله بکر بکیره و برای صف آرا به
شمشیر و خلعت ارسال اولندی حتی ناقل و قعه حسن بک زاده
دیر که فتح نامه غزاتک خدمت انشا و املا مقابله سنده بوجفیره ده
خلعت و شمشیر ارسال اولندی

(ذکر عنایت الهیه و الطاف خفیه) اولاول سفر زده حاضر اولان
غزات یلوزلر که انکروس سفر زنده عسکر اسلام ایکی یرده الم
واضطرابی چله دن زیاده کوروب صفتلش ایدی بری اکری
فتخند نصکره یدی قرالک طابور محاربه سی و بری دخی
قنیره قلعه سنی محاصره سی که هم طابور جنکی ایله عسکر اسلام
زیاده صفتلش ایدی که بر سفرده بواضطرابه دو شمامشدی یدی کون
صباحدن اخشامه دك جنگ ایدر دی و هر کون کافرک غلبه سی
ظاهر اولور کن اسلامیا مکت ترک قتالی آل اولغنه جل و ظن ایدر ایدی
بو حال اوزره من غنبد الله کف سارک قلوبنه رعب القا اولتوب
اسباب ظاهر دن موجب یوغیکن راه اد باره دوشوب قرار ایلدیلر
و قلعه دخی متا تشده اولر تبه ده دکل ایدیکه ضربات طوب ایله
تسخیری مبسر اوله اکر باروتلرینه آتش دوشمشه التقی محال ایدی
زیرا قرق اوج کون محاصره ده هنوز یوللر نصف مرتبه طولش

و نند اوته سراپا بتاق اولوب صعبیری قاشیدی و قحط و غلام ستول
اولوب بروقه طوز برغروشه بولم. یقندن قیسری روز قاسم
حلول ایتکله یکجیری برکون دخی تأخیر ایتویب ضروری
عودت ایدر لر ایدی حاصلی عون باری یاری قیلوب وقتیهله
کفارک ایلاری مفسر و حصار دخی احسن وجه ایلله مسخر
اولدی لله الحمد و الله

(ذکر هطا و عودت) بوندن صکره قلعه نك مر مات و مهجاتی
کور یاوب ایالتی کوستدیل بکی الاجه ایلالی حسن پاشایه و قضاسی
قدزی افندی یه توجیه و یکرمی قدر او طه و شور باجی ایلله سکبان
شی صغراغا محافظه سنه قونیلوب سپاه بک شریطه اوج بیک
نفر قول اوغلی و ترقی ایلله وافر هسکر یازلدی سکتوار و یچوی
و شقلوش و اوسک مزبور حسن پاشایه اریه اتی و فنیتره تمام بکار
بکلیک قلندی و عموما بیلوک خلقنه ایکبشرا فچه ترقی و بریلوب بودین
واکری قول اوغلا دی دفتره یکجیری و اندن کوچیلوب پرزنجیه فریه
قونیلوب آند. مجدد ابر پلنگه بنا اولندی بعده دراهه اوزرند.
یاقوه نام قصبه ده کوپری بنا اولنوب کچلدکده اوسکه و ایلاری
و عسکره اجازت و بریلوب روم ایلی بکار یکجی پرزینده و تا طول
ایله لوقه ده قیشلا غه ککوند رلدی یکجیری اغاسی دخی
اجازت الوب آستانه یه روانه اولدی سردار ظفر شعاردخی
کلوب بلقراده داخل اولدی

(سرداری حاجی ابراهیم پاشا بدفع قره یازیجی) سنه سابقه ده
قره یازیجی دید کلری شقی به چورم سنجاقی. بریلوب فساد دن
رجوع ایتک شریطه عفو صورتند. برفاج کون مدرارا اولد بیغی
بولدن اقدم ذکر اولمشیدی ضلال قدیمده. مصر اولوب حقدرد
کلتک مهم اولمقین ماه شوالک اوز برنجی کونی حلب ایالتیندن

معزول حاجی ابراهیم پاشا و زبیر سادس ایکن جلالتی من بورا و زبیر
سر عسکر و بغداد ایالتی دن منفصل حسن پاشا سردار تعین
اولوب ابراهیم پاشا آستنه دن سن ار مزبوره ملاقی اولغده
کوندردی و حسن پاشا بغدادده اکثر احتمال اولورسه یاننده
اولان اناطولی عسکری ایله واروب یازیچی و برادری دلی حسینی
نه حال بله ممکن ایسه اله کتور مک فرمان اولندی من بور حاجی ابراهیم
پاشا دخی کندویه قوشلین عسکر ایله متوجه طریق اولد قده
قیصریه صحرا سنده گروه اشقیا فر شوکارب تقابل عسکرین وقوع
ولدی لشکر جلالتی بکری بیک قدر واریدی جنک عظیم اولوب
حاجی پاشا منهرم اولد قده لشکر جلالتی منهرم اولد قلیج قویوب
اون بش قدر شور باچی وینک نفر دن زیاده بیکچری دوشدی
حاجی پاشا قاجوب قیصریه حصاریته کوجله دوشوب معافلهیه
دوشلردن ماعد اطشمرده قاتلرک اکثری اشقیالنده معزول اولدی
بعض نوار مجده حاجی ابراهیم پاشا انهر منی بیک سکزده یازمشردر
لکن قره یاز بچینک حکمی تاریخی و اکثری تاریخلر واتی بیک
طفوزده اولقی اوزره درشتی من بورک ویرد بکی حکم صورتی
بودر که لاجل الاعتبار نقل اولدی

(حکم قره یازیچی) قیصریه ساکنلرندن اشبوحا مل حکم شریف
محمد نام کسنه عثمان نیان طرفندن بعنا ینه الله تعالی منهرم اولان
سردار حاجی ابراهیم پاشا محاربه سنده بوجا نه کمال اخلاصه
اطاعت ایتمکله جمیع تکالیف و رسوم دن مطلقه ای ایلد م والله
بو حکم همایونی ویردم و یورد مکده عثمان نیان بو طرقلردن
بالکلیه منقطع و سلطنت بلا نزاع بکا مقرر و معذرا اولد قده طرفین
تعمین اولتان امر و حکم مو جبهه من بوری معاف و مسلم طوقوب
رسوم و تکالیفدن برسنه تکالیف ایتمه لهر کم اوجکجه اطاعت

ایتمزه جراسی ویریلور و بوحکم شریفی الکده ابقایلدوب
مضمون همایونی ایله عمل ایلدیلر شو یله یله لر حرر فی واسطالر بیع
الاول سنه تسع بعد الالف (وقعه کرا) سرای سلطانیه محرمی
اولوب ارباب مناصبه واسطه رشوت اولان کرانم یهودیه اوغلی
ایله قائم مقام خلیل پاشا سراینده نردبان ایاغنده یاره لندیکی حاجی
خلیفه مک فذلکده تعیین ایتدیکی اوزده سنه ماضیه ده ذکر
اولمشدی لکن بوتاریخ صاحبی وقره جلپی زاده عزیز افندی
تحریر لری اوزده بیك طغوز سنه سنده اولقی کورینور حتی مزبوره
کرانک براوغلی مسلمان اولوب قتلدن خلاص بولدی اقساق
مصطفی چارش دیرل ایدی دولت سلط-ان ابراهیم خاندان وفات
ایتشد کرانک مخلفاتی طرف میزیدن مقبوضه اولوب جواهر
و عقاردن ماعدا خالص امتعه تجارت بشیوز یوک آنچه به
بالغ اولدی دیو یازمشر

(عزل قائم مقام خلیل پاشا و قائم مقامی خادم حافظ پاشا)
کرآماده سنه قائم مقام خلیل پاشا جنیحه اغراض ایدوب سپاهیاره
عدم اعتراض ایله متهم اولوب زبده سندن معزول و صدر نیابت
سلطنت خادم حافظ پاشا به موصول اولدوغنی کذلک سنه تسع
بعد الالف شوالیده تعیین و تحریر ایتشیلردر اون کوندن صکره
حافظ پاشا دخی عزل و برینه یمشینی حسن پاشا قائم مقام اولمشد
نته کم تفصیلی ذکر اولسه کرکدر

(سبب عزل قائم مقام) حافظ پاشا بوندن اقدام قشیره سفرینه
توجه ائتماسنده میخال ضابط ایلمچیسسی دیو نام امین یانیه واپوه
قاعه لری احوالی ایچون سردار اکرم صدر اعظم ابراهیم پاشا به
کشدیدی سردار عالی جناب یانده رئیس الکتاب نائنه اولان
بازیچی زاده بی بعض عرضلر ایله یانته قوشوب سده سنه به کوندروب

ذکر اومانان ایکی قلعه ید استیلا سندن استخلاص اولنقی ایچون
میخاله مدارا اولنقی اصغر لشیدی مزبوران باب همایونه داخل
اولدقلزیده قائم مقام بولتان سلف الذکر حافظ احمد پاشا مقدا
نیکبولی محافظه سنده ایکن میخال حیلله ایله اوژرینه کلوب منهرنا
فرارینه سبب اولدیغندن مرقوم دیمو میخالدن ایلمچیلک ایله
کلوب خزینه کلپور دیو پاشا نی اغفال ایدوب صکره خزینه عرب
سیدر دیو کوستردیکی قرمری چوقه ایله اورتلش میخالک طویاری
عربه سی چیقوب در عقب میخال دخی باصنوب پاشانک ماملکنی
غارت ونیجه نفوسی شهید ایتشیدی اول عقده قلب پاشاده
مرکوز اولغین بودفعه ایاغیله کلدکده پاشا اول لعیندن اخذ
انتقام مراد ایدوب شیخ الاسلام صنع الله افندیلن استغنا ایتدکده
کرک میخال و کرک ایلمچیبی اولان ماعون پرمکر وآلک بر وجهله
عهد وامانی شرعا مقبول اولوب قتل وتکیل اولغلی و اجبد
دیو فصل قنوی و یروب بنا علی ذلک حافظ پاشا دیمو نی بلا امهال
یوکرندن چنکاله اوروب اشد عقوبت ایله اجرای رسم سیاست
ایتشیدی بوندن ماعدا مومی ایله حافظ احمد پاشا صدر اعظم
قنبره السنده ایکن آستانه دن امر شریف ایله قلاع سرحدک
نقرات و ذخائر و آلاتن یوقلمتسه برچاش کوندروب امور سرحد
سردار ظفر شعلارک قطارته مفوض ایکن خلاف معتاد اکا اعتماد
ایتموب چاوش کوندروسی دخی علاوه قضیه دیمو واقع اولوب
صدر اعظم بوابکی ماده ده عین اهانت مشاهده ایتشیدی
و کندوبه غایت کران کلکین اول چاوشی حصن بلغراد محبوس
ایدوب مهد عایا والده سلطان حضرت تلیزه و باب السعاده
اغاسنه هر ضار یازوب ایلمچی یه زوال عقلا و شرعا مردود
اهل عقل و کمال ایکن دیمو سیاست بوفقیهه محض اهانت

اولدیغدن ماعدا من بعد بوجانبه ایلیجی کلیوب باب مصالحه
مسدود اولوب و بو طرفدن قرال بدفعاله کسنه وارموب ایقاء
عهد منسوع و مطرود اولاق لازم کلور و بوندن صکره ظاهر
مناد بعد الیوم سردارک قول و قعلنه اعتماد و بکیل یادشاه
اولدیغنه اعتماد اولماسون دیکدر بوندن صکره امور مصالحه بی
تقویت و سرداراق احوالی تمثیت نیجه مکندر خصوص صاکه
بوجانب احوالی بوجه استقلال بوبنده پرملاه تفویض اولدیغده
اشکال یوخیکن دوست و دشمن خصوصاً عسکر بی کران
وصف شکسته قرشور چاش صداتی بوبنده دن ترجیح و الله
ویریلان امر شریفده اکا اعتماد اولدیغی تصریح اولغش اوله
دخی عسکر اسلام بوجده مستهامه اعتبار ایدری و سپارش
یتیمکن خدمته کیدری دخی بونک گئی نیجه مقدمات معقوله
درج و تقود کلمات الزامیه خرج ایلمی پس بومکاتب عجیب
الترتیب یاده شیر پادشاهه و مول بولدقده همان اول ساعت حافظ
پاشای قعتمقا ملقدن عزل آیدیلان

(عاقتمقام شدن بمشبحی حسن پاشا) حافظ پاشا لک یرته بمشبحی
حسن پاشا قاعتمقام صدارت عظمی اولوب سردار اکرم ابراهیم پاشا
طرفنه تطییب قلب و تسلیت خاطر ایدر خط هما بون
و بکاتب ارسال یورلدی

(اتوزام اشکر میخل صال) نیجه سالدن پرو افلاق وارعل و بندان
طر فلرینه کال مرتبه اختلال و یروب مکر و آل ایله اول و لایتلری
قیضه قصر فده ادخال ایلرین میخال بدفعاله کتنه و فساد
متمدی اولشیکن بوندن اقلیم ادرل جانبیره ارسال اولان سردار
وزیر محمود پاشایانده اولان عسکر ایله واروب و درتخا ایله طون
بالبند محافظه ده اولان قهریس بکلر بکبسی شهبان پاشا دخی

قدر خدایه افلاق یافسانه کجوب پاشای موچی البهه بنا و تعمیری
فرمان اولنان یرکوی قلمه سی کال است حکام اوزره بناموس مت و نهر طونه
اوزرینه کوری یافسانه مباشرت اناسنده غرات ظفر قرین افلاق
ولایتنه هر طرفدن اقیلر صالوب میخال ضالک دار و دیارینی غارت
و خسارت ابتدیلر عسکر اسلام بو کرش و تر غوشته نام شهر لره
وارد غله میخال ضال کند و وزیری و سر عسکری قهر چوبانی اولان
بان قلیطه نام لعینی مبالغه عسکر ایله حبش ظفر رهبر اوزرینه ارسال
ایدوب مقاتله اولندقدنه بعون الله تعالی عسکر اسلام غالب کلوب
ملاعینک اکثری طعمه تیغ آبدار و سردار لری دخی مسافر دار
البوار اولیحق کله سی ایله التون باشلی هلمری و طبلی و تقار لری
اللوب دیوان همایونه کلدی میخال لعین دخی ایکی دفعه محاربه ده
منهزم اولمغله دولت بانکتی غایت بر کشته اولوب یابنده اولان
ملاعینک اکثری قیریلوب جله طوباری واروت وجه خانه سی
آکنغله کندوسی حیاتدن قطع امیدایدوب ناپدید اولدی و قبح

نامه ایله ابراهیم چاوش عجم شاهانه کوندردلی
(بقیة وقایع این سال) در دولته سکه احوالی اختلال اوزره
اولمغله سنه مزبوره ربیع الاولنک بشی کوفی بمشچی حسن پاشا
کسدرد یکی جدید آنچه چقبوب فلوری آیکوز یکر میدن یوز
یکرمی په و غروش سکسان آنچه په تنزیل اولندی ماه رجبده تبریز
محافظی جعفر پاشا نك انتقالی خبری کلدی شهر شوالده یساع
سلطانی ایله ام الخبثات نام فاحشه تستر و اخفایدوب خبر
امانتی رفع اولندی سنه ماضیه ده تحریر اولنان حاکم کورجستان
سیون مأمورا در دولته کلوب یدی قله ده حبس اولندیغنی فذلکده
بوسنه وقایعندن اولی اوزره تحریر ایلشد

(وقایع سنه شتر الف)

(توجیه مصادرات عظمی بایمشی حسن پاشا بعد از وفات ابراهیم پاشا) سنه سابقه آخرنده ابراهیم پاشا قرال بدفعال نتیجه ایله مصالحه مراد ایدوب فصل بهار ایرشد کده صلح وصلاح صفدی ایچون بوجه وکالت وزیر مراد پاشا و محمد کتخدا سرحد و ارسال اولمشیدی واروب استرغونده قرال وکلاسیله ملاقاته عازم اولدیلمر سمندره بکی وفتک انداز بیک نفر سبکان مزبور محمد کتخدا ییله قوشلوب وباشنه ابلق سرغوش صوقوب کوندرلدی و اوسک کوپروسنک اونه باشنده برمحکم پلنقه بناسی سپارش اولوب کفایت قدر عسکر و طوب ویریلوب سنه سابقه ذی القعدة سنک غره سنده فرنکر ایله معا توجه ایتشیدی سردار اکرم دخی ماه ذی الحجه آخرنده اوطاق کردون نطابق بلغراد مقابله سنده زمون صحرا سنه قورمش ودر دولتده بیکیری اغالنی ویریابوب ارسال اولنان غضنفر اغا دامادی علی اغالک وصولنه منتظر اولوب طورمش و قیبره ابالتنی تریای حسن پاشایه ویرمش و مراد پاشا محمد کتخدا ایله تخمینا اوسکه وارمشیدی بوائنده پاشانک مزاجی مخرف وکتدیکه مرضی مشته اولوب درت بش کون مرور ایلدین علایم ردیه ظهور ایدوب عم زاده سی مرضی پاشای دعوت و امور مهمه بی وصبت ایتدی ایرتسی ماه محرمک طقوزنجی کوننده قبل العصر عمری آخر و مرغ روحی جانب قدسه طائر اولدی مزبور مرضی پاشا و دفتر دار اتمکچی زاده مخلفاتی مهرلدیلر روم ایل بکلی بکلی محمد پاشا پرشته دن قاقوب الاجه حصار و کلد بکی خبری ورود ایتشیدی وزیر مرحوم مزبوری سردار ایلد بکلی اعلام و سرحدله ایرشمک بابنده اقدام ایتدیلمر ایرتسی غسل اولنورکن پاشای موی ایله کلوب نمازی فائده قد نصره بیرلم بک جامعی حرمده تر به سنده امانه دفن اولندی مرحومک انتقال

خبری ایله سرحد حوالی پایتخت سریراعلایه و ارکان دیوان معلایه یازیلوب
اولاقلر ایله ارسال اولندی مراد پاشا و محمد کتخدایا اوسک
کوپر بئنگ اوتیه باشنه سپارش اولتان پلنقه بی یامیشلر ایدی
انلره دخی امر شریف کوندر بلوب اوسکیده محافظه ایده سن
دینلدی برفاج کوندنصکره بیکچیری اغاسی دخی بلغاراده داخل
اولوب ابراهیم پاشا تک جنازه سی استانبوله نقل و شهزاده جایی
حرمتده رهکذاره ناظر زیه سننده دفن اولندی شعرای عصر
تاریخ وفاتی بوجهلله ادا ایتشدی (تاریخ) اولدی صحن عدن
پاشایه مکان (تاریخ دیگر) (ماتم سردار) چون ابراهیم پاشا تک خبر
انتقال محرمک بکر منجی کوننده در دولته وصول بولدی خاتم
صدارت قائمقام یشیجی حسن پاشایه ویریلوب پروجه استیصال
بلغاراده ابرشک باینده فرمان عالیشان صدور ایلدی دستور مشار
ایله دخی یکریمی کون قدر در دولته مکن اولوب سردار سابق
خیمه و خراک و سایر اسباب و انتقال و آلات سفر و جمال و بغالی
همه طریقله کندویه ویریلوب حتی مخلقه سی عایشه سلطان
دخی نامزدقلندی وزیر جدید حسن پاشا بوسالده خروج بحال
اولدینی تقدیرجه کیچ وارلقله برایش کورلک محالدرنه حال ایسه
اول طرفده لالا محمد پاشا سردار اولوب محافظه ایلسون سنه
آیه ده تدارک تام ایله کبدلسون دیو عذر ایتشکن شیخ الاسلام
صنع الله افندی خلافت ذهاب اولوب حالا سردارک عجماله
کتمه سی اهم و الزمدر دیو جناب پادشاهی یه سویلبوب ابرام
ایتمکله بوجهله تأخیره درمان اولوب بالاخره جانب بلغاراده
عطف عنان ایلدی اهاب ابرام ایچون صنع الله افندی یه یخضور
اولوب مسند فتوادن هرل ایتدر منجه حرکت ایتدی در دولته
مناصب علیه وسیقه بی کندو رآئی اوزره مناسبله توجیه ایدوب

وصدر فتوادن ادرنه پایه سنه وارنجبه تبدیل وتغیر کینی ترفع وکینی
 عزل ایله تحفیر ایتدی شیخ الاسلام صنع الله افندی یرینه خواجه زاده
 محمد افندی وصدرین بستان زاده افندی وشمس افندی یرلینه
 عبدالحلیم افندی واسعد افندی واستانبول قاضیسی کتخدا
 مصطفی افندی یرینه ادرنه دن معزول قیاقولاقد مصطفی افندی
 انک یرینه یحیی افندی اولوب وزیر سابع اولان خلیل پاشا قاضی مقام
 وحافظ احمد پاشا وزارت ثالثه ایله بکام قلندی سابقا اقالقدن
 معزول طر قچی یه بغداد ایالتی توجیه اولمشیدی بغداد وزدان
 سنان پاشا زاده محمد پاشایه یریلوب حسن پاشا خاصر ایله دردوانده
 وزیر اولدی و نیشانی اوقچی زاده نک منصبی سانی حیره افندی یه
 یرلیدی و ماه صفرک طقوزچی کونی که یوم خپس ایدی عظیم
 آلائی ایله استانبولدن چیقوب اصلا چادر واقفال کوتور میوب
 ایلغار کان سبکسار کیدوب شویله که هر قوناقد کندیوه میشه دن
 چادرل بیار ایدی و سایه سنده استراحت ایدردی بووجهسه
 مسارعت ایله بکرمی یدینی کونده بلغراده ایریشوب زدون
 صحرا سنده ابراهیم پاشاک اوتاغنه داخل اولنجبه خیمه یه کیرمک
 واقع اولندی اردویه ایرشیدیکی کچی تکمیل مهماته اقدام
 وعسکره ذخایر توزیع ایدوب اون بش کون قدر اول محله آرام
 وتیم لوازمه قیام ایتدی

(استبلای کفار بحصار اوستونی بلنراد) چون سابقا قنیره
 حصاری قمع وتسخیر اولندیغندن جمهور کفار منفعل و دلگیر
 اولمشینی فصل شتا انقضاسنه قریب نمجه و بحار سرداری ایله
 هر سک مانیاش یانق صحرا سنده کلوب درنک ایتدکد نصرکه بکرمی
 پاره طوب واون شاهی و فرق الی یک کافر نمجه و بحار وجهه وله
 عسکری جمعیت عظیمه ایله قلوب اوستونی بلغراد اوزرینه دوشوب

اوائل بهارده محاصره ایلدکلی خبری ایله بلغیراده
فریادی کلدکده سردار طرفدن مقدما روم ایلی
وانا طول بکسر بکسی وپوسنه عسکری امداده
کوندلشیدی لکن یوعسکر هنوز اوسک کوپریستی
کچمدین کفار خاکسار اقدام ایدوب طقوزنجی کونده دیره ایله
حصاری الدی وعسکر قویوب ضبط ایتدکده نصکره قربنده طابور
باغلوب اوتوردی

(ذکر دخول تریای حسن پاشا بحصار قنیره) بوندن اقدام قنیره
فکند نصکره موسی الیه تریای حسن پاشا بودین همقاتی کوروب
قبش آخرنده بودین دفترداری منقر قوشی محمد افندی بی
فلمعه ده قویوب کندوبلغیراده روانه اولدی کلوب سرداره ملاقات
ایتدکده قنیره ایالتی کسندویه الوب بودین ایالتی دفتدار
مزبور منقر قوشی محمد افندی به توجه ایتدردی واروب قنیره به داخل
اولدقدن نصکره سردارک وفاتی خبری کلوب ماتم کثان قلوب
سکتوار قربنده غرر غار نام محله چادرلرین قوروب اوتوردی
(علامت عجیبه) برکوز غایت اسی وکونشلی ایدی ناکاه هواده برصبت
وصدا ظاهر اولدی شوبله که ایلر اورکدی اتی کوردیلر که بحساب
غراب صفاری چادرلر اوزرندن بری برینه کوروب جنک ایدرک
قنیره به طوغری کتدیله برسا عند نصکره انک مثلی برکوه قرتال
صفاری عظیم هنگامه ایله چادرلر اوزرنده جنک ایدرک کیراول
سمته کتدیله کورنلر تعجیبه قالدی حسن پاشا بصیرت صاحبی متعقل
آدم ایدی یوزره من عندالله تنبیه و اشارت وایکی بلوک کفار جنکینه
علامتدربوب اولمان اسکندر پاشا حسن پاشانک کتخدا سی ایدی
بانهدعوت ایدوب بلغیراده وارمردار کیم اولور سه بره اعلام وقنیره
طرفنه بر مقدار عسکر تعیین ایتدکه اقدام ایله دیوبولدی وکندو

قنبره به واروب تدبیر و تدار که مشغول اولدی سکنوار
 و بچوی و پوزغنه سنجقارینه ذخیره تدارکی ایچون آد ملر کوندر وب
 و کفار طرفنه جاسوس یوللدی جا سوس کلوب کفارک عظیم
 جهیمنی یانق التدره اوتور زلرود لارنده بودین سوبلر و نهایت
 فر نکستاندن سکسان یک فرنگ کله جک ایمش اکابشارلر دبو خبر
 و یردی بهانه جاسوس کوندر وب خبره منتظر اولدی
 (توجه کفار بحصار قنبره) بوندن اقدم امیر اطور و ما داسپانیاس
 و فرانسادن استمداد ایدوب الشمس یک قدر کا فر یکلر ایله وندیک
 کور فزندن خروات سرحدنه واصل اولوب اتالیان حکسرینه
 پادشاه قنبره شاهی سردارا و لشیدی و بوجا بندن زرین اوغلی بچار
 واصلوبن و قره هر سک بکری ایله فردیا ندوس قرال مسغورلر
 ملاقی اولوب مکومور یارینده وارر دین منزله کلوب قرق ابکی
 عظیم طویلر کتور دیلر و شاهزاده بلد کارنده جمله سی قنبره محاصره سی
 روا کورد یلر زردین اوغلی ابتدای شمدی بره لایق اولدر که
 پرتیجه و بو بوفیه قلعه لری خسارت و سکس نام و پناه قلعه بی عارت
 ایلوب حفظ و حرا سته عسکر قود قد نصیره قنبره حصارینی
 فتح ایده وز بده قوبان و اکانایع یارقان خلقی پراکنده و پریشان
 اولورلر بده استونی بلغراد و اولان نجه و بچار عسکرینه واروب
 ملاقی اولوب اسلام سرداری آنده کلور سه امداد ایده و زاوریمز
 کلور سه انلردخی بره مسدد ایدرلر دید کده تدبیری بکلوب قنبره
 اوزرینه کلکه اتفاق ابتدیله دیوجا سوس کلوب سراجسن پاشایه
 خبر و یردی پاشا بو خبری بر فرده افشا ایتوب کفارک بودین
 طرفنه حر کتن الظهار ایتدی بکله و آلائی بکله بده مکمل ذخیره
 و نبات و براغکر ایله بر ساعت اول ایرشه سزم مکومور یله افن ایده
 دبو آدملر کوندردی بکله دخی جمع اولسان ذخیره و عسکر ایله

سکوتاره داخل اولشلا ایندی کفار عسکری برمنزل قنیره قریه
کلوب طوپاری یتشجه اوج کوز توقف ابتدیلر ترک عسکری
بودین سمته کلسون بر دخی قنیره به یاشه لم هله مقدم فعله خلق
نه طالده در کورلم دیوجاسوس کوندردیلر جاسوسلری کلوب ایندی
ترک اصلا سزدن خبری یوق انجق احسن پاشا دیرمشکه
کافر عسکری بودینه کیدر بندخی اناردن صکره مکومو ربایه
اقنایده رم دیو خبرو پردکده کفار بوندن مسرور اولدی بعده
تفصیل اتی الیان اوزره امهالار ایدوب حصاره کلد یلر

بذکر عزیمت سردار اسلام بمشبی حسن پاشا بجانب طابور کفار پاشای
مومی ایله بلغراد ده ایکن اوستونی بلغرادی کفار محاصره ایتد یکنی
اشیدوب امداد کوند رمشیدی بعده اوسکه عزیمت اوزره ایکن
اوستونی بلغراد اندیغی خبری کلوب قنیره دن دخی محاصره خبری
بری بری اردنجه وارد اولدی اوسکه کاردان پاشا لر بریره کلوب
مشاوره بلدیلر کیمی قنیره به وارمق لازم دکلدرد یوهر بری
رسوز سوبلدی آخر دیدیلر که بزقنیره به وارد قده استونی بلغراد
النده اولان طابور اوزریمز کلوب ایکی عسکری بریره کتورمش
اولوریمز بعد جواب ورمک مشکل اولور اولی بود که طابور جنکندن
دوئشه امداده یتشورز دیو استمالت تامه کوندریله بوموال اوزره
مکتوبلر کوندریلوب اوستونی بلغراده توجه اولندی جان قورترانه
وارد قده امداده کوندریلن بکلر بودین عسکری ایله متفرقوشی
محمد پاشا استقبال ایتدیلر مشاوره اولتوب حال طابور کفار اوزرینه
واراق کرکدر بعده قلعه تمهضیری ند بیراونه دیو قرار ویرلدی
بودیندن سکر بدو لشقه درت قولتورنه کتوردیلوب غره ربیع
الآخرده استونی بلغراد صحرانسته وارلدی ایکی میل جوارنده چرقه
بوغازی دیمکله معروف ایکی طاغ ارا سنده واقع سازلغه کفار

ارقه و یروب اوکنه خندق کسمش کول ایاغندن بکمه که اول کون
کوپری قوریلوب ایرتسی آلایلر ایله طابور اوزرینه وارلیدی
وحواله اولان یزله طو پلر چقاریلوب مراد اوزره طابوری دوکدیلر
وطوب و تنک جنکی اولدی ایرتسی علی الصبح دریلوب
اخشامه دك قتال اولدی حسن بکرزاده تحریری اوزره اول کون
بکیچری فراریلوب کفار بر مرتبه یوردیکه سرداری بوزوب
الغه قریب اولمشیدی حق تعالی حفظ ایلدی بچوبلی ایدر محمد کتخدا
سکپانی طابور قریبده بر صعب یزه کیزوب تنک ایله چوق
کافر قیریلر بواشاده کفارک درت پیاده آلائی هر برنده بشر یوز
قدر کافرواریدی بر قاج ضر برتله یور یوب فی الحال عسکر اسلام
چرخه جیلرین صحران اورد یلر سردار زمره سلحداران کوندردی
مغید اولدی وقت غروب یقین ایدی طرفیندن دوندیلر ایرتسی
کیرو آلایلر ایله کوپریدن بکچیلوب جنک پرینه وارلد قده کفار مکر
اول محل تنک و طار دن صقلوب صحرا یه چقمق تدبیرین ایتمش طوب
خر به لرین بر اطر افته دیزوب پیاده و سوار ایاق ایاق یورود یلر یقین
ایزیشن عسکری طوب و تنک ایله دفع ایدرک تانی اوزره کیدرلر
ایدی بتون کون انجق اوج طوب منزلی قدر یور یوب صحرا یه چیقیدیلر
عسکر اسلام دخی ال طاشی ایردرده طور در ایدنی بیر اقلر و صرقلر
تنک قند یقندن ریزه ریزه اولمشیدی وقت عصرده محمد کتخدا
و بودن بکلر بکسی محمد پاشا کفار هجم ایدوب ایکیسی دخی
جنک ایدرک شهید ویدنلری معرکه ایچنده نابید اولدی
حسن بکرزاده و عبد القادر تحریری اوزره روم ایلی عسکری بوناره
قغادر اتق ایله مأمور ایکن محمد پاشا تک مزبور کتخدا یه غرضی اولغله
قغادر اولدی سار عسکر دخی حرکت ایتدی اما بچوبلی دبرکه
بن پاشا یاننده حاضر و جنکه ناظر ایدم مزبور محمد پاشا یغیر ایکن

مربورانك الايلرى وارد قلرى ايله دوندكلى براوردى صكره پاشايه
شهيد دوشدكلى خبرى كلوب خير لشمدين وارد قلرينه تا سفايتدى
مربور لك سوزى بهتان صريحه رديو بازار اول كچه ملاعين
اومحله كچه ليوب اتريسى پنه وجه مشروح اوزره آهسته حركت ايله
كيدوب پولاته قلعه سنى بولى اوزره بر بوغازه قوندى وفي الحال بر عظيم
خندق كسوب من بعد اوزرينه واردى قرب شتابهانه سبله
دونيلوب روم ايلي بلكر بكسى محمد پاشايه بودى ابالى ضميمه قلندى
طورنه جى باشى ايله درت يك پيچى مربور پاشايه قوشلوب
بودى محافظه سنه كوندردى انلردى طى مرا حل ايله رك سكدين
سمته كلد يار روز قاسم كچوب فصل شادا خل اولشيدى قنيره
طرفه امداد تداركن كورديلار

(ذكر احوال قنيره در محاصره كفار) چون لشكر كفار مكو مورنايه
وبكار و ذخيره شكوتاره گلشيدى بكار بر ساعت اول اير شكه حسن پاشا
آدم كوندروب انلردى قالد يار كفار بر منزل برده قوتوب جاسوس
كوندر مشيدى ربيع الاولك سكرنجى يوم الخميسه بش يك كفار
عسكرى قنيره الله دل المغه كلوب قوشلق وقتنده پيچ قوسى
سمته ظاهر اولد يار حسن ياشا طويى باشى يه اوليه كه طوب آنه سن
واتلودن بر كسنه چيغيمه زيرا كافر كرادى دل المغر همان ياده غاز يار
تفنگ ايله جنگ ايلسو نلر ديو تنبيه ايدوب قبوله آدم قودى موجب
تنبيه ايله عامل اولد يار اوليه زمانه دلدو كوشوب بر قاج كافر وآت
ياره لد يار كفار كرو دونوب طابورلر يه كلد كده فرديتا ندوسه احوالى
نقل ايتد يار بونلر ك قلعه الله وارد يه اعتماد ايلدى و چوق ازار ايلدى
ايرتسى بكار ندن بر بنى تعيين ايدوب اوله كه بدل الله سز ديو كوندر دى
چجه كوفى صلا وقتنده كلوب قلعه لك طويى الله كيرد يار تفنگ
انداز غاز يار و به نمازى وقتنده لك اسلوب سابق اوزره جنگ ايتد يار

بعده کافر طر ووب دین محمد حقیقون باری بر طوب ائک دیده کوردی
 حسن پاشا تعلیمی اوزره قلعہ ده بردانه طوپمز یوقدر اواسه آتوب
 سمری اولدر مکنن اجتنابی ایدرک دیدیلر کفار کر چک صا نوب
 سرورایله فردینا ندوس قرا له احوالی سوبلدیلر مزبور دخی
 کفار بکلرین دعوت ایدوب ایرتسی بنه کوندردی اول کون
 دخی اسلوب سابق اوزره معامله اولنوب بو دفعه چوق چنک ایتدیله
 و طوب ائک قرا الیز استماع ایتسون دیو نیاز ایتدیله پرنه کالاول
 جواب ویرلدی و بر بوند بر قاج کونلک مسافر ز بویله جزیره
 برده انسان فی طورر پادشاه جزک نیچیه بیک بویله پلنگه سی
 وار دیدیلر اما چنکه حسن پاشا بو قیدیری تعایم ایدوب طوپمز
 یوقدر سوزنی سوبلک دیمشیدی اغاری معارضه ایدوب بوسوزی
 دشمنه سوبلک ابودکلدر اوزریمز کلکه قصه لری یو غبسه ده
 طماعه دوشوب کلکه سبب اولور دید کلرنده سوز سوزیمی طونک
 بیلد یکلر یورادر بن طوپلری محله صا قلم دیدی کفار کروهی
 دوتوب سرورایله فردینا دوسه ایشند کلری سوزی سوبلدیلر
 فردینا ندوس دخی مسر ورا ولوب بکلرینی مشورته دعوت ایتدی
 جاسوس کوندر وب خبراله لم تحقیق کیدرر ایسه جله سنی قرا لم
 و یائق التنده اولان قرا لهر سک ماتیا ش نه طرفه عزیم ایدرسه
 اکا کوره حرکت ایده لم دیو بمضای عرض ند بیر ایتسد که کیمی
 بکیم یوب سکتواری محاصره ایدوب اله لم اوسکه دک جله قلعہ لری
 ضبط ایده لم بزیدن انلرا ونه دن ترک لری اورنادن کیدر لم دیدیلر
 زرین اوغلی انده ابدی اکاشن نه دیر سک دینلد که ایتدی بن اساطیر
 سلیمان زماننده سکتواره قیامشیدم طشره قلعہ سی آساند رلکز
 ایچ قلعہ سی مستحکمدر هر قلعہ یه قرقر طوب کر کدر واطرافنده
 اولان کولی سلطان سلیمان یوز بیک یوک پیاضی طولدر دقد نصکره

براولقدر طو پراغی صو اوزرندن آشوب قلعہ پہ حوالہ ایلدی
وزورایله الدی سزک دخی اولقدر فوتکز وار ایسه و ترک عسکری
اوزر بکزه کلز سه بلکه بر مصلحت کورسیر اما یلدیکم بودر که
اگر بویل قنیرہ بی قورتارہ ییلورسه کز بوندن بیوک خدمت اولمز
ایکن آندہ دخی بر ساحر مکار قیامتشدراک حیلہ لرینه عقل ایرشمن
بکرمی سنہ در بزانت کاسہ کاسہ زهرلرین ایچمشن در هر بار که
خسته ایکی یامونی شایع اولسه در عقب ولا یترک برندہ ظهور ایلر
نیچہ دار و دیار یز خراب ایتشدن بو آنهک کیسه اوکنہ طورہ میوب
عارضلری اوزرینه حیلہ ایله غالب اوله کشیدر دیوب خاموش
اولدی فرنگ بکاری دیکلمه میوب بوشخص برنم جنکمری کورمشدر
یاخود ترک ایله بکد لدر برہ قورقوو پردنیو کلانہ وجود ویرمدیلر
فریدناند وس هله یارین واروب قنیرہ آندہ قونالم اگر ترک
براغورسه خوش والا محاصره ایلدلم بو محار خانیلری کورسونلر قنیرہ
نیچہ اولور آندنصکرہ انلرک حقندن کلک کرک زپرا هر پرده ترکک
قلیجی صالردیو بوسوز اوزرینه قرار ایتدیلر

(آمدن طاہور کفار بمحاصر قنیرہ) ربیع الاولک اون برنجی بازار کونی
هیبت وصلابت مخصوصه ایله کفار خاکسار طبل و کوسلرین و نفیر
ونا قوسلرین چاله رق الای معکوسلریله کلوب قوشلق و قشیدہ
نهر برق کنارندہ یچ سمتنه قوندیلر اول محلدہ پرزنجیه دن ذخیره
عربلرینک و عسکرینک ایلروسی کورنسی کافراق کوروب قلعہ
اهلنی کوتورمکه عربہ لکله یوردیدیلر وندا ایتدیلر که ترک یقاسنه
کیسه کچمیه حاضر باش طوروب ترک قلعہ دن چیقوب
کند کلرنده ارد لندن ایروب جله سنی قرار بو طرفدن ذخیره
و عسکر یا لشام ایچرو کلوب بکلر پاشانک حضوره وار دیلر
و بو عسکر نه مقوله عسکر در اراده جنک وجدال بوق دید کنده پاشا

اطبقه یوزدن مسافرت کیشلار در محمد الله چونکه سز ایرشد یکر
 بوند نصیره اسی قار پوزلایله ضیا فترین السونلر دیدی طویلر
 آتلد یغک حکمتن بوراده بیلد یلرطو یلر آتلسه قلعه یه ذخیره
 وعسکر کیره مزی دیدیلر بعده حسن پاشا طو پیلری یانته چاغردی
 بو قلعه ده قدر طوب وارد دیدی ییوک و کوچک یوزه یقین طوب
 وارد دیدیلر ایمدی جمله سن حاضر ایدوب کلپانک محمدی چکلد کده
 ابتدا ییوک طو به آتش ایدوب بعده جمله سنی برا و غور دن کفارک
 جهیت کاهنه طوغری آتیه سزدیدی پس جمله طو یلری طولد یروب
 منتظر اولدیلر پاشای موی الیه ایکی رکعت نماز قیلوب دما ایتدی
 بعده وجه مشروح اوزده ابتدا ییوک طو یه و صکره جمله طو یلره
 آتش و یروب زمین لرزه به کلدی کفار بر برینه کیروب نه اوغراد فلرینی
 بیلدیلر فردیناندوس قرال درت بکلریله او تور دکن او چنی طوب اوروب
 هلاک ایتدی و نیجه بیک نفوس ضایع و تلف اولدقد نصیره چادرلرین
 قالد یروب صوی یکمک اردنجه اولدیلر فایز یلر چیقوب اخشامه دک
 عظیم جنگ ایلدیلر و برق صوبنی یکجوب سکتور یا قه سنه قونیلر
 کفار بکلری فردیناندوس قراله کلوب کوردکی ترک بزه نه آل ایلدی
 ایمدی بونلره امان و یرمیوب جمله سن قرالمه عاله موجب عبرت
 اولسون دیدیلر قرال ایتدی کوره یم سزی انتقام کونیدر و طو یلر
 در یوب متر یسه کیردیلر

(ابتداء محاصره) اولافچ یابیه روس طوپن ایدیلر که بری قلعه آشوری
 کتیدی ایکنی طوب حسن پاشا تک سرایند بر او جا غنه اوردی
 و سکتور یقا سنه سکدی کتدی او چنی طوب یکجوری افغانی
 سفراخانک او طله سنه اوغراد ایما کسنه یه ضرر ایتدی بعده فرق
 ایکی عظیم طو یلری التي یردن قوروب کاهی جمله سنه یردن آتش
 و یردیکه شدت ضرریدن قلعه کشتی وارلر زان اولوردی مقدا

حسن پاشا ذخیره ایله بشیوز قدر سر آخوری البقو یوب
اوسکر زلیتی دفتر ایله هر اوجاغه تعیین ایتشیدی و یا قیسی چیقوب
کتمشیدی

(ارسال خبر بسردار) چون کفار قلعه یه کلدی حسن پاشا اعبانی
جمع و مشورت ایدوب کر چه باروت و ارسویه احتیاج یوق ذخیره مز
دخی کفایت ایتسه اولور شمعی بزه لازم اولان سردار بلغراد دن قالقم دین
احوالی اعلام ایتکدر بنیم بر آدم کیدو یکپهری اوجاغلند دن دخی آدم
سکرک دید کده اوطه باشیلردن محمد واحد تعیین اولاندی
سرحد خا زیلردن قره پنجه دیمکله معروف تربکت که هر دلی ییلوردی
اوطه باشیلری یا نه الوب اوغرین قیودن چیقدی صباحه دیک
سکتوار دوشوب اتدن شقلو بیه دزدنجی کونی بلغرا ده واروب احوالی
سرداره اعلام ایلندی سردار دخی بعد المشوره حسن پاشا یه
مکتوبلر یا زوب بر دخی وارمق اوزره یز دیو پولادی بونلر
کلوب قلعه محاصره اولمش قوش اوچماز کوردیلر اوطه باشیلر
سکتوارده قالوب قره پنجه تبدیل صورت مکتوبی ایچرو ایلندی
محصور اولنلر اوقیوب سردار امدادیمزه کلور امیدنده اولدیلر

(احوال قلعه) بو طرفده کفار هر کون حصاره ییکرن منجاوز طوب
اوروب دیوار لری منهدم اولد فجه غازیلر خلف و جامه خوابلرین
طولدر مغله هر شب کدکلرین منسدا یلردی و حسن پاشا هر برینه
استقامت و برردی مقدمایه فتنه قدر قبول قیایم یوب غازیلر طشره دن
جنگ ایتدیلر و حیوانات دخی چیقار کررکن کفار بر دل و حیوان
آلعه قادر اولدی اندن صکره کفار محمد کهندا کچدنن کچوب سکتوار
یا قه سنده اون دریت برده مغریس فروردیلر ویش طوب ایله النی یک قدر
عسکر یچ یقاسنده قالمشیدی بعده برق صوبه ساز ایله طولدر مغه
باشلوب اوزرینه چپو قون لسه دل دوشه دیلر و قلعه دن یکاسیتر قویوب

ایچنی اوزون اودن ایله طولدر دیار تمام خندق باشنه کتوروب بیوک
طایبیه باغ دیلر و خندق عرضنه کوره برکوری دوزوب قلعه تلی
چام واروللری ایچنه عربده دینکلری کی ایکی آدم بوروده چک قدر
اولوب سوردیکه اول واروللر نکرلک واری دوزدی تمام قلعه دینه
کلده ایکی تیور چنگال ایله قلعهیه محکم ایلشدیروب تا که کورپی
حرکت ایتیه بونک اوزرینه قرق کون بکوب هنوز کورپی صویه
صالحدین حسن پاشا برقاج فداییلری باقیه کوندردی برکوک
سفینه ایله کیجه واروب کفار سر مست خوابده ابکن فقط ایله
آتش اور دیلر اوزرنده اولان کفار ایله کورپی برسانده
برباد اولدی

(استمداد سردار) بوندن اقدام حسن پاشا تکرار مکتوب بازوب
فره پنجه ایله سرداره کوندردیکه البته یاری سکتواره دکلک
برکک سرتا که محصور اولان عسکره قوت قلب حاصل اوله والا قلعه
الدن کیدرسه بردخی التزم کره جواب ویره نر سزیمشیدی بزبور
دخی اوغرون قبولن چیقوب سکتواره اولان اوطه یاشیلری
الیدی و اوسکده سرداره واردی سردار مشاوه د نص کره
اوستونی بلغراد ده طابور اوزرینه کتمکی مقرر ایدوب دونشده
امداده بشوریز دیو استمالت نامه وردی اوطه یاشیلر کیرو
سکتواره قالوب فره پنجه ایچرو کیدری تنها مکتوبی حسن پاشابه
وردی مفهومی معلوم اولدقه آخر مکتوب یازدیروب وافر نوازش
و تحسینده نص کره بردخی و ارمق اوزره یوز معشاسن درج ایلدی
ایرتمی دیوان ایابوب سردار هفتم الشانک مکتوبی دیونکریم ایله
اوقوتدی خلق کرچک ضانوب جان کوکلدن دین یولنه باشمز فدا
دیوب ثابت قدم اولوب عسکر اسلام کله سنه منتظر طور دیلر
(تدبیر کفارای حصار) چون کورپی یاندی تکرار سیحان بوللرینی یکریم

كونده طوادر و بركو پرى دخی پايدى لر طایفه یانندن صویه صالح ديلر
 حسن پاشا براج غازى لارى تمين ايتدى كچه ايله برخكاله اورغان
 باغلوب اوچنى برى كئورد يار وچ كوب اوزرنده اولان ملا عين ايله
 قلعه ياشنه الدبلر كا فرط وید قده صویه دو كلوب غرق اولدى لر بودخى
 كفاره رخنه اولدى بعده چامدن كبلر باوب اوز رینی پايدى نخته سی
 دخی اوزرنه كرن قاپلد يلدن تاكه تفنگ و خپره كار ایتجه بعده برق
 صویى باشنه ايتدیروب ایچنه یوزر آدم ككیدی و پوئانده كچه
 عظیم شنگ ایتدی لر حسن پاشا قنیر التند اولان كچیده آدم
 كوندروب كفار كچیركن كچه ايله ابكى دل الدبلر برینی تنها كئوردروب
 سويلد كده كفار استونی بلغزاده كلوب الدیغنی و شنگ انكیچون
 اولدیغنی خبر وردی حسن پاشا ایتدی نندركه شمدیهك آلمان
 دللر جله سرك طایفه دندر عسكرك بگز ده مجار و خروات بو قیدر
 جواب ویرد كچه مجار ترك ايله بردر دیو قلعه ياشنه اوغرا تمارل پاشا
 دونوب مجار عسكرك عدىنى صورد قده خرواتدن غیری اونوز
 بیک مجار واردیدى بعده اتی چقاروب اول بردى كئورد وب سوال
 ایتدی اولدخی لك كی سويلدى حسن پاشا طشیره كوتورك و باشلرین
 كسك دیو آشكاره ايله اشا رت ایتد كد نصكره بشلى اغاسی قره
 عمر افایى چاغروب تنها جه دید يكه وار بونلری قلعه ده اولان
 یوزاللى پاندر و بشبوز مجار سراخوری ایچندن كچورد بونلر مجاردر
 و اوج كچه ده برنوبت ايله بیک فدا بی مجار ایچرو یار دیمه كلوب
 بن دخی سزدیم كچكندن كلوب پاشا قولى او اشم الم التنده بیک قدر
 آدم و بو قدر مال و ارزاق واردر براغوب كیده م اما قلعه بی السمل
 خطایده رم لك سرك ارا كزده قلعه التدیغنی استیحقوق آدم واردر
 و بو قلعه ده بر بلاق ذخیره واردر و یاروت و اونوز بیک ترك واردر
 مكر بونده قبتلا بوب یوز اوزرندن بر حال ایده سرك و پاشا من شمدی

سزى اولدرمكه امر ايلدى بن مانع اولدم غيرت تريبه واردر سزى
آزاد ايديم كورد يكلرى و بنم خير خواهى ضابطلر بكنه
سو بلك ديوتعليم ايدوب كوندردى قره عردى پاشانك تعليمى اوزره
ايدوب اول ابكى كافرك اللرينه برىمقد اريضاى اتمك ويروب
كى ايله كويا تخفيمه عسكر لينه كوندردى مزبور ان دى
فرديندوس قراله واروب احوالى اعلام اينديلر قرال غايت منام
اولوب و نتيجه سنه اطلاع انتظاريله حيرته قالدى

(احوال رأس كنفدا و منقر قوشى محمد پاشا) بواشاده
بركون سكرى كفاطرقندن بر آواز ظاهرا ولد بكة سزى كله
جوايمز واردر طوب اتمك جواب نه در ديديلر امدى بلش اوله سزى
سردار عيشي حسن پاشا استوفى بلغراد التنده بوزلدى و قلعه ي
الاموب دوندى محمد كنفدانك و بودين پاشا سى محمد پاشانك
پاشلرخى بنم سردار يمره تبركا كوندردى ايشته ايكنسك دى باشى
ديو قلعه قارشوسنه ديكه قوديلر و ديديلر كه يارين يوفارودن جله
عسكر يمز بونده كلور سزى كچه طيانور سزى سردار يكر بوز يلوب
كندى كلك قرالك قلعه سنى و برك قتلدن خلاص اولك حسن
پاشا براهل كيف معاند آدمدر سزى جله تلف ايتك اسفر
سزى كا باقبوب باشكرى و مالكرى سلا مته چيقارك قرالك عهد
وامانى واردر يارى استوفى بلغراد دن هر سك ماتپاش كلك كده
سزى امان و برمز اكر بو پاشلره اينامز ايسه كز محمد پاشانى و محمد
كنخدانى يئلاردن بر كسنه چيقوب نظر ايتسون اكا سزى رطوقن
و قراليز انعام ايدرد ديديلر

(جواب باصواب حسن پاشا) اهاالى قلعه بو قضيه نك
استماعندن متغير او اوب بود فعه حال مشكل اولدى سردار
بوز يلوب كفارك كلك كن صكره ذخيره و باروقن از قالدى حال نيمه

اولور دیو حسن پاشا به کلوب مزبور کافرک سوزین نفل ایستد یار
 و چاره و تدبیر گویند و دید یلر حسن پاشای عاقل ایتمدی ای غاز یلر
 معلوم کرد که اول ملا عین سزلی قایر دیغندن نصیحت اینر
 اول باشلردن و کافرک یاغره سندن هیچ اوشمک بیلش اولک
 سزله بر قاج سوزم وار بندن یکا قولا ق طوئک بوملعونلرک کوستر دکاری
 باشلر کر چکمیدر یلا تمیدر اولا قره پنجه بی کوندره لم صحیح خبرتی
 کنور صحیح اولد یغی صورتده بز قلعده به انلر ایچون قیامد ق
 پادشاه صاغ اولسون همان برادتی قولنه بیور سه انلر کی اولور
 بز قیایوب ثابت قدم اولماز دین اسلام اوغرینه و حق یولنه در
 اما قلعده نك ان شاء الله تعالی النیجه جغنه بر قاج دلیم وار در بری
 بودر که ابراهیم پاشا بو قدر کون دو کوب الامیجی اگر حق تعالی
 فحقی میسر ایدر سه مدینه منوره به وقف اولسون دیدی بعسده
 فحقی میسر اولدی مر جودر که اول سلطان انبیایه وقف اولان
 کافره دوشمه و پردخی کفار خاکسار بیع الاولک اون ایکنجی
 کیجه سی پیغمبر مژک ولادی کیجه سی کلوب محاصره ایلدی
 سرور انبیا حضر نلری عالمه رحمت ایچون کلد بیکی کیجه حرمتنه
 بو قلعده محصور اولان امتی دخی امیددر که رحمتدن بهر یاب
 اوله بری دخی بوکه هرا خشام کلبانک محمدی کتوروب الله الله
 دیدیککرده طشیره دن کفسار قرقی ابکی پاره طوپی برا و غور دن
 انار که قلعده نه چوق آدم قیامشدردیمیدر حق تعالی نك اسم شریفی
 حرمتنه غیرت الهیه ظهور و حق تعالیدن زجا ایدر مکده قلعده
 النید یغندن غیرتی کفار خاکسار عسکری طو پلرین چکوب سلامته
 کیده میسه لر دیدکده خلق منسلی اولوب سوزنی قال طوئد یلر
 و دپدیکه متریسدن چا غرن کافره اصلا جواب و یرمک ز پرا سوزدن
 آشلاق کسب اولوب مغلوب غایبه میل ایتک امور طبعیه دندر

و همان قلیج کوسرتک و ممکن اولوری که برکنه اول باشاری صوبه
دوشوره دید که د بچو بی بهرام چری باشی ایله کلوب هشتی کزایله
اکا طوب کوندوره یم دیدی حسن پاشا ایتدی کوره یم سنی ایشکی
الله راست کتوره اولدخی واروب باشله مقابل بلبل طوبی دیمکله
شهور طوبی اند قدما یکیمی دخی صوبه دوشدی کافر زهر بوتشه
دوئوب شتم اید رک کتدی لر حسن پاشا اکا بواش مقبله سنده
برنجار و یردی کفار فردیناندوس قراله واروب واقع جالی یلدر دیرلر
غضبه کلوب هرکیم قلعه دن یردل کتور رسه اون پاره کوی
و یره یم دیدی ملا حسین جد وجهد ایتدی لر بعون الله تعالی قادر
اولدی لر

(آمدن هر سک مائیش) - اول کونک ابرتسی علی الصباح
اشکر کفار حرکت کلوب پیاده و سوار قومران طرفه توجه
ایتدی لر اویله وقتند هر سک مائیش الایری و اغریخی کلوب
چاد رلی قورلدی کروه قوندیلر ملعون مزبور بر عظمت
و غرور ایله کلدیکه عسکر اسلام کویا کوزینه ذیاب مثابه سنده
کورینوردی بعده بر عظیم دیوان ایدوب جله احوالی اورطایه
کتوروب سویلشد یلر قنیرنه دن صحیح خبر و یرمه برکنه قادر
اولدی فردیناندوس قرال اغلیوب عمرمه بن بونلر کی قوم
کورمدم هزاره که ایچر و سوز سویلنسه قلیج کوستر رلر دیدی
یا ترکی نه سویلد رسن مکر سن مختی سن یا خود جنک احوال
یتلری سن بن یوفا رود استونی بلغراد کی قلعه بی الو ب ترک
هیکری ایله بو قدر زحان جنک ایدوب بلاو باشلو نیجه کسنه زین
کسنه م سن اوج آیه قریب زماندر یر یلقه الغسه فاذا اولادک
دیوارار ند نیجه قیل وقال اولادی اول محاصره ایدن ملا حسین
بز قمع اید مدک کیر و چکیله لم ستر متر بسار کیروب فتح ایلاک

دینکله از انام ایتد یلر بعد مایاش تکرار حصا سا رجا نینه آدم
کوندروب سردار یکر سکنواره کندی یانکر بزه قارشو طوره مدی
برایکی عظیم مسکر بره کادک بدی قرال بوند موجود در سزه
سلام ایتد یلر مراد یکر پادشاه کره خدمت ایسه انجق اولور
شمدن صکره قشدر قرالک حصا رین و یک سزه بریدن ذخیره
وامداد کلک اجماعی یوقدر صباغ واسن جیغوب کبدیکر اصلا
برقلیکزه ضرر و زیان کلزد یوملا پنه وافر سوز سوبلدی و کرم ابلک
بزه بر بلا و جواب و یک دیو نیاز ایلدی قلعه دن قلیج گوستروب
ملعون فی تنکله طوتد یلر بالاخره شتم ایدرک کندی زیارتک بوقدر
عسکری کوروب خوفه دوشمشد رو اگر شمدی بر جواب
و پرز ایسه ضعیف نیشه و حصاری تسلیم اید جکلر بته دلیلدر دیو
نجره ایچون کلشیدی د و نوب قلعه خلعتک بو وضعی دیدکده
مایاش غصبه کلوب یارین پورو بش ایدلم و قلعه بی الوب جله شتی
قتل ایدلم دیدی

(هجوم لشکر کفار بر حصار قنبره) طوب ضرر بندن قلعه تک
اکثریری خاکه برابر اولوب صواوز رنده انواع حبله ایله کو بر یلر
وطایمیر احصار ایتلر ایدی و قورده یاید قاری کیلری دخی اولکون
صویه صالوب یورو یشه ندا و برکنه چادرلده فالسون دیو تنبیه
ایتد یلر و ایچرو دن دل المغه او یخ آدم کوندروب قلعه التسه
کاد یلر و قوروی کو ستروب البته برایکی ترک کلوب بری ایچرو
کو تور سن مسلمان اوانق استرزدید یلر حسن پاشا دل المغه
کلشدر دقان طو به آتش ایدک کوره یم سزی دیدی نشانه
الوب آتد یلر ایکی سنی کو قوروب بری یره دوشدی قرال غایت
الم چکوب ایکی سیک سکن یوز سرذن کچدی فدایی کافر
بازدی و هر کیم بدنه چقار سه اون پاره قریه و یره یم و حسن

پاشای کتوره نه فرق پاره قریه تملیک اید . یم دیونجه وعدل
ایتدی ایتسی بازار کونی بورویش مقرر اولدی
(تد بیروزیر حسن پاشا) چون کفار کیلری صوبه صالدی
حسن پاشا اول کیلر کله جک یر قارشو قلعه نك
طولمه سن یاروب بال یمز طولیلمر قودی وصاچه ایله
طولدیروب بعده وجوه عسکری یانته چاغروب خیر
دعای ایلدی هر برینه استمالت وروب ای فازیلر کفار جو قلفندن
اوشنک ان شاء الله فرست برمدر هر بار که کفار اهل اسلام
اوزرینه تارفته ایقاد ایله حق تعالی کند و لطیفند اول آتشی
سویتد یر کوره یم سزی دین اوزرینه دلیرانه طور وشوب جنگ
اید . لم اولانلر یمز شهید وغازیلر یمز دنیا و آخرتده عزیز و سعیددر
هر یریکز قوللوقولیکرد . حاضر باش اولوب طوب و تفنک وادوت
حرب و جنگ ایله مهیا طورک کفار یورید کده مردانه دهرتک امیندر که
بوند بیرلری راست کلمه دیو نصیح و تحریص ایلدی اندن جمله
غازیلر بربریه و توابع ولوا حقاری ایله بودیع و اسفلال و حقوق نان
و نمک و سایر خدمت و امک و حق آخرت و رسم ابوت و اخوت اولکه
قاعدیه فتوتدر حلال ایتد کد نصکره مایینلرند . عهد و پیمان
یو منوال اوزره منعقد اولدی که مادامکه تیغ بران ایله مرصه
هیچا ده جمعا کله ر غلطان اوایه بو حصن و یرانی عدوی بدکانه
و یریبوب اولنجه جنگ اید . لریوقول و قرار دنصکره غازیلر
قوی القلب اولوب برلورینه واروب کوکره مش ارسلان کی
مقاملرند . ثابت اولدیلر بو طرفدن کفار دخی کیجه ایله جبهه وجوشن
کبوب فوج فوج بیرا قلا ایله متریسلمر . طولدیلر واول کیلر
فدایی سر دن یکدیلر طولوب صباح یری اغارمغه باشلدقده
اشارت طوپنه آتش ایتدیلر شدت ضرر بندن زمین و زمان
حرکته کلدی سکتوار قیوسی باند . فرق ایاق دیواردن یکبوب

محمود چو در باجی او طه سند . قرار ایلدی در عقب لشکر کفار دژت
طرفدن هجوم ایدوب کیلری بورتدیلر تمام قلعه خندقنه قریب اولدقده
ایچرود و مقدم حاضر ایتد کلامی طویلره آنش و یردکلرند .
بعون الله تعالی هر بری کیمارک کیمینی اورطه دن و کیمینی صویه برابر
اوروب ایچنده اولان ملاعین ایله صویه غرق ایلدی کفار بو حال
کور ییچک بلاری بو کولوب نفسلری طولتدی کیر و غیرت جاهلیه بی
الدن قوما یوب بئل مقدور ایتدیلر غزات اسلام بو کثرت و ازدحام
ایله هجومی کوروب براز خوف و هراسکه ذات عیون ناسدن
کوکالرینه طاری اولدقده در حال وزیر دلیرحسن پاشا عسکر اسلامه
قارشو طوروب (حرض المؤمنین علی القتال) فحوا سنجیه اغرای
غزات و فتح رخص کات ایدوب ارسلا بلریم غیرت و حجت کونیدر
بوز چو یرمک بر ساعت ثابت قدم اولک شمدی کفار خائب و خاسر
مقهور اولوزدیو نیچه حکیمانه نوازش و فتح رخص ایتمکله گروه
مجاهدین دخی غیرت کمرین در میان و جان و باشرین دین بولنه
الله تعالی یه فدا و قربان ایلکی بیدریغ طوتوب هر بری هر بر غضبان
کپی حاضر باش طوروب قلعه یه بوروین کفار ایله عظیم صولش
ایلدیلر رئیس راجلان و سردار یکچیریان سفر اعا دخی زیرو بالایی
حصاری پرکار وار دور ایدوب دفع مضرت اعدا ایچون | سعی
بی پایان ایلدی غربرور سفر اعا اول وقت سکبان باشی ایدی | صکره
پاشا اولوب اشتها ر بولشدر قلعه دن اتیلان طوب دهشت تشان
کفاره شراره فشان اولوب گروه گروه ملاعینی جانب نیرانه کوندردی
صبت و صدا جنک آوران وهای هوی ار باب طغیان و آوازه طبل
ونقیر و شمشیر و تیر صاعقه طوب و تفنگ ر عهد آهنگ
و نعره اهل جنک بر مرتبه یه واردیکه زمین و آسمان لر زان اولوب
(مصراع) صناسن قویندی اول یرده قیامت * و الحاضل
بو جنک و صواش اشتدا دندن هفت آسمانده ملائکه رخا ن

نظر عبرتله ناظر و نگران اولوب احزاب مشرکینک انکساری
حضرت رب مستعان طرفدن رجا ایدردی قبا قوشلن
و قنده دك جنگ وجدال اوزره اولوب بالاخره عنایت باری یاری
قیلدی کفارک یوزی دونوب جمعیتلری پریشان و اون سکر بیک
قدر کافر بی نام و نشان اولدی برج و بارو به طرمانوب چقمشیکن
بوز یلوب طایورلینه فرار ایدیلر اینجه قره اجدانام طوبی باشی
اول کون جمهور ملائینه پرتاب ایلدیکی طوب باذن الله تعالی خطا
ایلیوب جمعیتلری سوراق سوقاق پریشان ایدردی پافقرنداشی
تغتك ایله اور یلوب صکره مرد اولدی او توزیک عسکر صاحبی
برملعون ایدی معرکه آخر اولدقد نصکره غاز یلر جله حسن پاشا
حضورینه کلوب ال اویدیلر و مبارک باد غرابتدیلر اولدخی جله سنه
توازش و انتفات کوسقرو ب هرار تحسین و آفرینلر و خیر دعا
ایلدیلر و یوزوریش معرکه سند نصکره غاز یلرک کوزی آجیابوب
کوکلری کشاده اولدی و مهابت کفار قبلرندن زائل اولدی
هر بری سدا سکندر کی قوی القلب اولدیلر و کفاره تکرار یوروش
ایدردیو رجا اینکجه باشلیدیلر و خوف و خشیت کفارک قلبه
مستولی اولوب بعون الله تعالی من بعد یوزویشه اقدام ایده مدیلر
(فضیحت) بو مقوله امور معظمه جهاده پیشوای عسکر
اولان طاقل و بویه کاردان مدبرود که بریا یغریه وجود و برمر
ثابت القلب بهادر کرکدر که یاننده بولتان عسکر دخی قلعه
اعتماد و قولنه اعتقاد ایدوب تثبت همی ایله شجاعتلری
مستحکم اوله و اتحاد قلوب و اتفاق کله ایله بر مصلحت کور یله
و بویه اوقات ضعیفه صبر و ثبات اهم مهماندند (ورب حیلۀ انفع
من قبله) مضبوطی اوزره طرایق حیلۀ عجیبه و صنایع غریبه
استعمال اینکجه چوق فائده واردر

(مشورت کفار خاکسار) بودند نصکره ماتاش و فردیناندوس بکری دعوت ایدوب سرانجام امورد مشورت ایندیلر بوقلمه نك صوبی چوقی لکن آچلق ایله خلقی زبون اولور ترك حسکری کلور سه دو کوشور زبوزار سق قلمه خلقنه خوف دوشور قلمه بی ویرلر اولماز سه قیشلا رز لکن هوالر بوزلسدین طوپلری کونده ام دینشکن مالطه حاکی دو بچوان ایتدی شمدی بڑطوپلری قالد ر سق ایچروده ترك بڑی آدم پرینه قومز و ترك حسکری سکتوار دن اوزریمزه کلکه پیلری یوغبسه ده ایشند کلری کچی کلورلر طوپسز قارشو طوپو رامرز زیر قلیجه کلد کده بڑم حالیمز بلاودر همان اولی بودر که اولکیدن زیاده طوپلری حواله ایدم لم اصلا کوز آچدر میالم ذیو اتفاق ایدوب ضرب طوپی مشند و قلمه اطرافتی مشند ایلدیلر و کونده ایکشریسک دانه اتار اولدیلر قلمه نك دیوارلندن اترقا ایوب طایسه کچی ساده طوپراق یفنلری شکله کپردی خانه لایسه خاکه برابر اولدی لکن غزات اسلام اقدام نام ایدوب کوندز قیلان کدکلری کیمه پیارلر و حصارک داکلرین و دشکلرین قیابلر ایدی اما کفار کوندز آندینی گرتزدن کیمه دخی اکسک ایتوب علی التوالی طوب آغله چوق کسسه شهید اولوردی

(تدبیر باروت) بواشاده قلمه نك باروق دو کتخه فریب اولوب حسن پاشا طوپچیلری و دیزداری دعوت ایدوب بویاده مشورت ایتدی و دیزدار ایتدی چیمه خانه ده کفار دن قلمه بی نهاییه کبریت و کوهر چله وارد ر باروت اواقی ممکنه ردید کده تفحص اولوب محافظه ده اولان یکچیر یلردن بشنی اضا بلو کنده اوزن احمد عجمی اوغلاقی ایکن یازوت کارخانه سنده بشلشیدی ایلرو کلوب بوقلمه مهارتم وارد کبریت و کوهر چله اولیق آساندر کورک

ابوسی فندق انا جندن اولور سكوت دخی ال ویر دیدی قلعه اطرافی
صافی سكو تلك ایدی كسوب كوریا قدیلر و كوتكلرندن برهان
ییدا ایدوب بر قاج كسند اول خدمته تعیین اولندی و هر كون مراد
اوزره باروت یتشدیرر ایدی

(فرار خدام حسن پاشا بكفار و تدبیر عاقلانه آن مرد ركار كذار)
بو یوریشدنصكره بر كیجه حسن پاشا تك ایچ اوغلانلرندن اصلی بحار
ایکی كلاریچی اوغلان قاجوب اوغرین قیودن چقوب اصلنه رجوع
ایلدی بونرك فرارندن خلائی اضطراره دوشوب قلعه احوالی
دشمنه اعلام ایدرلر دینلد كده حسن پاشا ايسم اولك انلرك تدارك
كوریلور ذیو غازیله تسلی و یردی و دل آغله تقید اصمزلندی كچید
پاشنه واروب قراج كافر كتوردیلر حسن پاشا نویت ایله كتوردوب
ایتدی ایکی اینان آدم كوندردم واروب قرا كره بولشدیمی بیلی
دبوب سویلدكلرینی نقل ایلدی قرا ل بونره عسكرددن
صوردقده بیلز نهایت آدم چوقدر اما ذخیره لری اذرده مان
فرست زمانیدر طو پلری اورك دیمش لرتكار حسن پاشا ز ایچ و دن
كلبنا تكتوردیكمر نه مقدار آدم تخمین ایدرلر دیو سوال ایلدی
كیمی كرمی پك كیمی او تویك تخمین ایدرلر دیدیلر پاشا ال ایله
باشلرین كسمكه اشارت اشد كد نصكره قره عراغایه اولکی اسیرلر
كی معامله اینكی تعلیم ایش اینش عراغادخی بونلری بن قتل ایدرم
دیو جلادالندن آلوب تنهایه كتوروب بن سزدم اولکی اسیرلری دخی
بن قور تاردم اول ایکی اوغلانی پاشا قصد ایله كوندردی كه قلعه تك
ز بونلغنی سوبلیه لراوله كه قشله یالزیرا سكو تارده اولان عسكردن
آدم كلدی و بحار عسكری ایله دخی اتفاق اولندی انلر طشردن
بونلر ایچ و دن چیقوب بسرداردخی سزلی شیخون اینسهل كرك
ولچ و ده اولان بحار عسكری نویت ایله اوج كیجه ده بریكرا آدم

کلور کیدرامدی قراله بندن سلام ایله خافل اولسون قلعه ده بریلاق
ذخیره و باروت واردرا کا کوره حرکت ایتسون دیوب اللرینه برمقدار
باز اتمک و یروب صالیو یردی اسیرلرخی واروب جله احوالی قراله
دیدکلر نده یحضور اولدیار بوند نصکره حسن پاشا کا تب کتوروب
سرداره خطایه کتوب یازدردی عادت اوزره تعظیم د نصکره بوندن
اقدام سنه مکتوب کوند روب الحمد لله تعالی عسکریمز وافر بارونمز
برمقدار ازایدی کافر دن قلان کبریت و کوه چله دن هر کون ایکی
فقط باروت بایلور و ذخیره مز وافر اوج آی رایکان یتز نهایت
مجار عسکر یله اتفاقز واردرا نلر ایله خبر لشوب سنرخی اولوقنده
کلك ایچون کوچکدن اوغل برینه بسلدیکم کنعان و خندان
نام ایکی اوغلانی طشره کوندردم مجار قوم یله محفیجه سولشوب
قراله قلعه تک محطلغنی و باروتی اولدیغنی و دیلد کلری بلانی
سویلوب یتز فرصت بولدقده قاجوب کلك دیوا صمرا لدم اوغلنلرخی
فرار صورتنده چیقوب برتد اولدق دیو کافر لی ایناندر سه لر کر کدر
ایمدی سنر حاضر اولوب اولوقنده ایر شمه که سعی ایلید سنر و خندان
و کنعان نه خبر کتور لر سه کا کوره اعلام ایلید رزوالسلام بومکتوبی
مهر لبوب بر اطلس کپسه یه قویوب اوزرینه مشعیمده
مشین دیکوب برعبا قایلین ایچن قودی وقره پنجه یی دعوت
ایتدی بومکتوبی کفار ک اردو کا هته براغه سن اوله که بولوب
سردارلرینه ایلته لر و سن برآن طور مبوب سرداره واره سن عسکری
قالد یروب کتور مکه سعی ایلید سنر دیو بولدی مزبور دخی مناسب
لباس ایله اوغرین قیودن چیقوب مکتوبی بر مناسب یرده چا موره
بولشدروب براقدی و کندوسکتواره کندی یاذن الله تعالی پاشا کا
ندبیری تقدیریه موافق کلوب اول عبادن قایلینی بولد یلر سوبوب
مکتوبی کورد کلر نده طوغری قراله کتوروب کوردکی ایچرودن

سرداره کوندره شلر کیدرکن کیم ییلورنه حال اولدی که دوشر مشلر
دیوب آچوب او قید بلر مغموی معلوم اولدقده کوردکی اول
اوغلنلر جاسوس اعشار هله تجربه ایده لم دیوب اوغلنلری کتور دیلر
سن پاشا نکه نه خد متنه اید یکن آد یکنه در دید بلر انلر دخی
بریمرخندان و بریمز کنعان بزی کوچکدن بسلدی سنت ایتدی لکن
بز مسلمان اولدق بنه بایلمز که دینه کیردک دیدیلر بزم جا سو سمن
کلدی ایچروده باروت بوغش بر حریف باروت دوکرمش کرچکمدیر
دیو صورت دیلر اوغلانلر اوت کرچکدر دیدیلر یاسز بزه باروت یوقدر
دیمشید یکن نه کلدی بکنز معلوم اولدی دیو جلاده ویر دیلر ایکسنک
دخی باشنی کسوب قلعه یه قارشو دیکد یلر وچا غروب باقه اردک
حسن پاشا حسن پاشا آل خندان ایله کنعان اوغلنلرک باشنی سرداره
کوندره دیکک مکتوبک دخی طوتلدی واحوال بلندی بوکره قلعه
خلقی اوغلنلرک باشنی کوردکده بی اختیار کولشدیلر و حسن پاشا نکه
حکیمان ه حمله سنه تحسین ایتدی یلر اما پر رو ایتدی اوغلنلر عزاغا
وسا طئیه اطلاق اولنان اسیرلرک سوزی ایله قتل اولندی اول اسیرلر
واروب عیمر اغا کفارک خبر خواهی اولقی اوزره پاشا ایکی اوغلار
جا سوس کوندردی دیو خبر ویردیکنی قراله سوبلدکلری کون اوغلنلر
قتل و قلعه یه قرش و صلب اولندی مکتوب قصه سی بو متوال اوزره در

❀ قدیاره کیمسی عرعر دیمش کیمی الف ❀

❀ جمله نکه مقصودی برامار وایت مختلف ❀

(قصه مکتوب حسن پاشا). برکون پاشای مشارالیه بکلری
وضابطلری دجوت ایدوب ایتدی بو کیمه قلعه ده نه قدر طوب
وتشک واریسه اشارت زمانده شتاک ایچون حاضر ایلاک انلر دخی
نوله دیو حاضر اولدیلر کیمه نصف الایله اوج دفعه کلانک
ایله طو یلره آتش و یروب عظیم شتاک و شادمانلک ایله های هوی

اظهار ابتدا یلر سرخوش کافر لریکلیوب آت از قسه سنه کلد یلر
 واصلی نه اوله دیو درت طرفه مترقب طور دیلر بو طرفه حسن پاشا
 قنبره دفتر داری شهبان افندی بی چاغیروب بر اهل قلم منشی
 آدم ایدی ابکسی تنها قالوب وزیر بر مکتوب بازدردی مضمومی
 بوکه سکنواره کلش سز قدو مکر مبارک اوله بره ارسال ایلدی یکنر
 اوجوز الی یکیچری فلان اغایله و یوزیک التون و یوز قنطسار
 باروت و سکنسان قنطسار قور شون و یوز قنطسار یکسماط دوشنبه
 کیچه سی نصف الیلده کلوب دشمن خبردار اولدین محمد الله
 تعالی قلعه به داخل اولدی لطف ایتمش سز لکن احتیا جهز
 یوغیدی زیر بر بلای ذخیره و بار و تمز وارد و او تو ییک قدر دلاور
 عسکریمز مهیاد نه سایت رجامز بودر که کلیجک بازار کونی بزم
 اسکندر کتخدا یه اون بش ییک قدر فدا بی یرار عسکر قوشابوب
 ارسال یو ویله سهری کلوب ایرپشه لر و کند و کن زحمت
 کیمبوب راحتده اوتوره سز بو طرفه کفار عسکری ایچنده مجار
 بکاری بزم قدیمی دوشتر در قلعه محاصره اولدی هر کیچه ییک نفر تفک
 اندازی بره امداده کلور لر و طشرده نه اولور سه بره بلد یرلر مزبور
 بکلرک الی التئده اولان اونوز ییک مجار عسکری بزدن یکا و اوب
 شویله اتفاق ایلدی که کله جک بازار کونی سهری بر ایچرودن چقارز
 ازلر طشرده اسکندر کتخدا دخی سکنواردن بر یور یوب کهار ی
 بر باد ایده یوز طای بورزی اطرافنده خندق بو قدر ان شاء الله فرصت
 بر مدر خیر دعا دن فراموش نیوزمیه سز و بوندن اقدام ایکی آدم
 کوندرلشیدی که تجسس ایده لر و فرصت بولد فلانده قرالی قتل ایده لر
 بامر الله تعالی درد مند لاله کیروب شهید اولد یلر لکن ایکی آدم دخی
 بدارک اولنوب بر صنعت ایله ارسال اولمشد رامید در که قراله ظفر
 مبر اوله دیو تمام ایدوب مهر ایوب اطلس کتسمه به وضع
 و مشع صاروب قره محمدین بزل یلور آدم استدی سامو سفو عثمان

دېرلر بر شخصي فرنگ هيښه قويوب يوز التون والي بيك اخځه
 بر يڼار وړوب مکتوبي کفار اور دو سته براق ديو سرا تفهيم ايلدي
 بعده طشره چيقاروب سني وژپره کوندر یرم واردينگده قلعه حالي
 مکدر درو کفار قېشلاق تدبيرن کور د يارېش اون کونه دك
 اير شتر سه کرخان مشکل اولورديه سن مکتوب صورت سه يوقدراله
 کيرمک خوفندن ویرمديلر ديو اغزندن سو بيله سن آکرا له کيررسک
 کندوی التي بيک غروش بهايه دك کسه سن چقاره يم وقلعه احوالن
 سوال ايدر لسه مکتوب معهود احوالن سو بيله سن ديو تعليم
 ايتدی اولدخی ال اوپوب روانه اولدی کيچسه مکتوبي پول
 اور تاسنده براخوب برنچيه يه طوغری کتدی ضباح براتلوکافر
 مکتوبي يولده بولوب الیدی کورد بکسه اهل اسلام مکتوب سیدر
 طوغری قراله کوتوروب بر ترک ایچرو دن چبقار کن اوزرینه
 هجوم ایدوب الم بقاسنده ایکن مکتوبي قوینده کوروب چکوب
 الدم بن اکامشغول ایکن فرار ایتدی دیو دروغ مصلحت امیر ايله
 عرض ایلدی ترجان کتورب مکتوبي آجدي بوزکاغدی قلعه دن
 حسن پاشا سرداره کوندر مش ایچنده چوق نسنه وار آشکاره
 او قونمز دیوننه یاه کس دوب مفهومنی قراله تمام تفهيم ایلد کده
 قرال حسه ته واروب وژیرنی دعوت و بویاید مشورت ایتدی
 وزیر ایتدی ایچروده دوستمز عمر اغا بزه مجار خیانتنی خبر ویرمشدی
 نه دیدی ایسه کلدی چقادی شمد نصکره تدبیر نه در دید کده
 فریدساندوس ایتدی اولی بودر که بوکون چادرلری بریره جمع ایدوب
 اطرافسه خندق چکده پره یوز ویا رین عظیم دیوان ایدوب
 مجار بکلرینی کتوروب جله سنی قرا یوزاند نصکره ترک اوزریمز
 کلورسه دوکوشه یوز بومکتوبي کتورنه عظیم رعایت ایلدی
 بومکتوب اله کیره سه حالي مشکل اولوردی خرسوس برنی اسرکدی

ایدیو در حال چادر لری بریره کورب خندقی قازغه ندا اولندی
حسن پاشا کفارک حرکتی کوروب کیجه دل المغه آدم قودی ایکی
کافر طوئوب کتور دبار بریر چاغروب طوغری سوبلاک سزک
ارا کرده برن دوستمز چوقدر کوریم سوزک طوغری عیدر دیو سوبلندی
مکتوبا حوالنی خبر ویدی و مجار عسکری چادر لری براغوب قاچدی
دیدنی حسن پاشا بره کر چکمی دیوبالن الله اوروب اغلار کی کوزن
سیلندی و تکرار تکرار مجار احوالی صورتی جله چادر لری یغما ایلدی
بن کوردم دید کده برسیاه دستاله صوغان صوبی قسقیه اولمش
حاضر لشمیدی انک ایله کوزن سیلوب وافر الم و حزنله کر یه ناک اولدی
ایکی کافری دخی بریر سوبلندی بوهمه ایلندی و پاشا لری
کسمکه البله اشارت ایلندی قره عراغا کیو بونلری مجار لری ایچندن کچروب
جلاد الدن خلاص ایدوب الارینه بر پاره بیاض اتمک ویدی
وین سز دغم بازار کونی صاقنه سز قورتلان تزلک البله وزیره واروب
عسکر کتور مجار قومی قاچدی ایسه ده اطرافده در بو مجار لده
انلردن کلدی دیوب کوندردی انلر دخی واروب ضابطلرینه
سوبلندی قراله طوبوردیلر فردینا ندوس قرال بونلری کتور دوب
سوبلندی و عراغایه وافر دغا ایلندی قاز دقلری خند قدده
جایجا قله لری یایوب طوبلر قودیلر و طوبیچیلر یوزر التون
بخشش و یروب هر کون قلعه یه ایکی اولکی قدر طوب اتمه
باشلدیلر

(آمدن سردار بمشپی حسن پاشا بسکتوار) چون یوز یشدنصکره
کفار فصل شتاده تحت القلعه قبشلاق آرز وسیله نیجه زهرمین
ورو باهوش این حفر ایدوب اولر و آخور لندار کده اولوب بریره
کلیار ایدی بو طرفده قره پنجه عثمان ذکر اولشان مکتوبی بین
الکفار براغوب بسکتوار دن اوطه باشیلری الوب سیر داره کیمشیدی

اندر دخی مهاجده کلوب درد نی کون اردوده سرداره کیر دیار قلعه
احوالی اهلام ایدوب امداده بحال وارمیدر قلعه الدن کیدرسه حال
مشکل اولور دیو وافر سو یلدیر سردار امر ایلدی صلوفه ویریلوب
بوکون اخشامه دك توزیع اولسون یارین قنیره اوزینه کیدرم
دید کده بعض ارکان روز قاسم یکدی بوند نصکره عسکر ایلده بریده
طور لر و خیمه و خرگاه دخی قورلر کتک زمانی دکلدر بیجک سردار قسم
ایلدیکه عسکر دن یزفرد کلمر سده بالکر کندو توابعیلده کیده وکلنری
بوخبر ایلده یوللوب اناردخی اوچهی کون سکتواره کلوب اوظه
باشلرینه انده قلوب قره پنجه ایچرو کیر و بواقع حالی سو یلدی
(ظهور شدت شتا بامر الله تعالی) بو طرفده کرچه کفار بریره کلوب
اطرافته خندق چکوب بحار ایلده مابین اولدی لر ایتالیا وفرنکستاندن
اولمکه کلدک بو قلعه بی آلا پنجه کترز قبشلا رز در کن محاصره نک
یتش بشی کونی که روز چهارشنبه ایدی او یله زمانی تا کههان
جهانی قره بلوط قالمیوب مخالف شمال روز کاری اسوب آهسته
آهسته یغور یاغنه باشلدی اوج آی قدر زمان اولمشدیکه
برقطره نازل اولماشیدی یغور کندیکه زیلده اولوب باد سرد ایلده
صول طوکمه یوز طوندی و اخشامه نصکره یغور ایلده قاریشقی
قاریاغوب نصف الایلده صافی قار نازل اولدی اوج کون اوج کیجه
متصل قاریاغوب آدم قوشاغنه چیقدی کفار خا کسار جالی یکدی را یکن
کیرو غیرت جاهلیه بی الدن قوم یوب طوی لری اتارل وانکسار اظهار
ایتمز ایدی بواشاده سردار سکتواره کلدیکی خبری شایع اولوب
مکتوب معهود مفهومی قرینه سبله کفاره کابی دهشت واستیلای
خوف و خشیندن غیری ال ایاق طوئادن قلوب مال واسباب و ائقال
دکل کندی با شلرین خلاصه درمانلری قالمیوب کر و کره فراره
یوز طوندیلر

(انهمزام و فرار کفار) فردینا ندوس بوحالی کے وروب قرار یلری
 دوندیرمه آد م تعین اینتشدی بحال اولدی حسن پاشا اول کیجه دل
 الوب سولتد کده کے غارک حالی مکدر اولدی طو یلری
 چکن بار کے پر واکوزل بحار طر فنده اولمغه جملہ سن
 قاجر مشلر طو یلری متریسده قالدی یارین ایچرودن و طشره دن
 عسکر هجوم ایدر دیو پریشان اولدیلر دیدی ارل کیجه
 فارساکن اولوب هوا آچلمشیدی و برعظیم بارد روز کار اسوب
 صولری طو کے ندردی حسن پاشا قره عمر اغایی دعوت ایدوب
 او جیوز بار یکت حاضر اولسونلر ان شاء الله طفر مبسر اولور دیدی
 و کندو بیراغ و یروب یونلری طشره کوندردی برقی صوی طر کشیدی
 بوز اوزد تن یوز یسوب سکیدیلر قرشورینه برکافر بکی کلوب
 بی ایچرو کنورک مسلمان اولی استم دیو طاقبه سن چقاردی
 عمر اغا بونی پاشایه کوندردی پاشا کوردی که باشنده مجوهر تاج وار
 النده کرسی قویوب سوال ایندی جنوز قنوداتی اولوب یک نفرم
 وار ایدی چادر مده فرق ییک آلتون نقد و اشیا قالدی براغوب
 اسلامه کلدیم و قلعه دهنی ابله آکدییم طو یلر قالدی دیواغلدی
 پاشا مزبوره برمطلی دولینه صاروب تلفین ایمان ایندی و غازیلری
 جمع ایدوب ایشته کفارک حالی یوقیافته کوره یم سزی ارلک
 کونیدر دیدی و عمر اغایه پیچوی سنجاغی و عدا بلدی و نه قدر طوب
 و تفنک و اراپسه حاضر ادیلر ایچرو ده اولان غازیلر جملہ کفار طرفته
 ناظر طور دیلر طشره کیدن عسکر ابله عمر اغا کفار متریسده
 یقین وارد قده قلعه دن یکپاره الله الله ابله طو یلر آتش و بریناوب
 طوب و تفنک و نفر و کلایک صداسی آسمانه ایدر کده کفارک باشند
 جهان تک و طار اولوب بر برینه کیر دیلر و من بعد قراری فراره تبدیل
 ایدوب فردینا ندوس قرال ابله چادرلندن طشره قاجیدیلر

و سکتوار طرفه چقبوب راز طور دیلر بو طرفه عمر انا اولکی
 متر یسی یا صوب طقوز یوز کافری فی الحال قلیچیدن کچوردی
 و یوزاللی قدر کافری اسیر ایدوب ایچرو کوندردی و اول متر یسد
 اولان اون ایکی باره طوب و جبه خانه ضبط اولندی حسن پاشا
 بشوز پکید دخی امداده کوندروب جبه خانه و باروتی ایچرو چکدیلر
 و پاشا صباح نمازین قیلوب سکتوار قیوسنک اوست یاننده اوتوردی
 برکبه آتون و برکبه غروش یاننه قویوب باش و دل کتورنلر
 اچقه دوکدی و اوکنده باشا رقبه وار بغیلوب تخمینا اون سکرینک
 باش کلشیدی و احوالی یازوب سرداره اول محلدن آدم کوندردی
 بعده سوار اولوب بنفسه کفارک متر یسارینه کلدی و غازیلره
 استمات ووردی قلعه ده انجق النیسوز آدم قویوب بوکره جیعا
 عسکری طشره چقاردی ایچقه قره دیمکله معروف طوپیچی باشی
 پاشایی قارشولوب همتکنز ایله کفارک قرققش پاره طوپیچی ضبط
 ایتدم دیدی پاشا یوردی هر برینک برینک لکنی چقاردیلر اول کون تمام
 متر یسار ضبط اولندی او یله زمانه دک کفار پرزنجیه طرفنی تجسس
 ایدوب کلور کیدر یوق کوردیلر ترک زمه عجب آل ایلدی دیو فردن باندوس
 قرالک یاننه جمیع اولدیلر کیر و ماعون یونلری جنککه ترغیب
 ایدوب درد رقات پیاده و سوار آلایلرین دوزدی و متر یسار اوزرینه
 یوردی بو طرفدن حسن پاشا قلعه نک جله طویلرین کفار
 اوزرینه دوندروب کندو طویلرین دخی آلایلرینه قرشو و مهابقلیدی
 و فرصت بزمدر اوشنک دیو غازیلره تسلی ایدوب طویلره آتش
 ایتدکلرند ملاهینک آلایلری پریشان و اکثری بی نام و نشان اولدی
 درغقب غزات اسلام هجوم ایتدکلرند اتلوسی قاچوب پیاده سنی
 چادرلر و ارنجه قیردیلر اول صحرا کفار لاشه سی ایله طولوب بودغه
 حسن پاشا اوکنسه اوتوز یسک قدر باش یغلدی حسن پاشا

عسکری طور غروب چادره کیرنک ساعتی وار شهسازلم صبر
ایلاک دیدی صنفین کافر چادرلنه کوروب فردینا ندوس مقبر
نیجه ایده لم دیرکن کورد که کفسار چادرلین براغوب کیده یورل
حسن پاشا اینجه قره بی شاهین طوپه کوندروب اولدخی فردینا ندوس
قرالک چادرلین نشانه آکوب آندقدنه باذن الله تعالی خطا ایقوب
فردینانک باشی اوزردن کچوب او طاعنی باره لدی ونیجه کافر هلاک
ایلدی بویکا دن غازیلر دخی حرکت کلد کده فردینا ندوسی اتباعی
اتلند یروب ایش ایشدن کچدی ترک کچدی الدقدنصره حال
مسکل اولور دیوسوروب باولیت کچیدنه کتوروب خلقی صاودیلر
وکوچله عبورایدوب یوزقدر آدم ایله راه ادباره دوشوب فرار
ایلدی اردوسی وجزینه سی ورخت وختی برنده قالدی حسن پاشا
دخی صلات عصری ادا ایتد کدنصره متریس وقلعه دن اوج بیک
آدم ایله مصلی بکی و عمر بکی کفار اردوسنه کوندردی و مز یورل
اولیه که کفاری بالکله سویندرمدن غنیمت طو یلغیه باقه سز وهر یولدن
ایکبشر بیراق آهسته آهسته واروب آردیکره کافر قوم یوب قیره
قیره کبدک دیوتیه ایلدی و بو محله دخی واقع حالی بازوب سرداره
ییلدردی بعده حسن پاشا اخشای قیاب قلعده کیردی بو طرفدن
غازیلر وجه مشروح اوزره یور یوب چادرلر وارد قدنه قلان کفسار
انلری کوروب فرار ایلدیلر ایکی یاتسو زمانی طابوره کیزوب ضبط
ایتدیله وهر قوده بیراق دیکوب آدم قودیلر و حسن پاشا به ییلد یروب
عظیم آتشلر یاقدیله و ضباحه دک ذوق و صقال سور دیلر فراری
کفار طاعلره دوشوب صحرا ره پراکنده اولدیله حسن پاشا صباح
غازندن قهرمان واری سوار اولوب اردویه کلد کده غازیله استقبال
ایدوب مبارک باد غزا ایچون ال او پدیله اولدخی انلر نوازش
و تحسین کوستوب خبر دعا ایلدی و فردینا ندوس قرالک

اوطاغنه طوغری واروب ایچرو کیردی کوردیکه برمال تخت اطراق
 طربزون بری التون بری کش یارمقلری باشلری الوان جواهر ایله
 مرصع و مزین و دیرکلری باشنه بر الماس وضع اولنش که
 هر بری روم خراجی دکر ایدی ایکی طرفنده اون ایکشبر کرسی
 قونلش قرمری قطیفه اورتول ایله سچاقلری انجو و صرمه ایله
 اولش هر بری ذی قیمت و تخت اوکنده تخمینا الی ذراع
 اوزونلغی سحاط تره پزه سی اولدخی صنایع کونا کون ایله مزین
 ایدی حسن پاشا ائده ایکی رکعت نماز قیلوب جلد و ثنا و قح
 شکرانه سنه دعا ایدوب اغلادی و بونصرت مجرد حق تعالی تک
 عنایتی و حضرت رسول اکرمک معجزاتی اثریدر دیوب
 قلیچنی چیقاروب فحنی اورتادن قلیچلیدی و کچوب اوزرینه امیرانه
 اوتوردی سار بکر و اغار اول کرسیر اوزرینه علی مرتضی
 اوتوردیلر حسن پاشا جله سنه خطاب ایدوب وافر وعظ
 و نصیحت ایلدی و صبر و ثباتک لزومی و اتفاق کله و اتحاد قلوب
 ایله سرداره اطاعت و انقیاد ائتمک فوائدی یلدردی و هر کیم
 بوغرای عظیمه بولند بسمان شاه الله تعالی مغفور در دیدی بعده
 اوطاغنه اول کلن کیملردر دبو سوال ایلدی یدی نفرایلر و کلوب اوج
 یکچیری درت سرحدلی کندولرین یلدر دیلر بو اوطاغنه جبه خانه دن
 غیری هر نه وار ایسه سرکدر دیدی

(کلام عبرت انجام) کیجه ایله طابوره کلن عسکر کرک فریدنلر و سک
 اوطاغنه دن کرک غیری چادرلر دن اموال و اشیا غارتنه وضع بد
 ایتموب، تقسیم سرداره انتظار ایله صباحه دک بکلدیلر اول صاحب
 شجاعتمک استقامتلی سردار لرینه بومرته اطاعت لرندن معلوم
 اولور حسن پاشا دخی قرال اوطاغنی جله اشیا سیه اول یدی
 نفره و یروب طبع خامه دوشمد یکی نه قدر عتقا مشرب و بلند

همت اولدیغنه دلالت ایدر هر بختکه عسکر بویه مطیع و منقاد
 و سردار اولان کریم الطبع و پاک نهاد اوله لبته مظهر اطف
 رب العباد اویوب و واقیه الامر فوز و نصرت ایله داشاد اوله کلاشدر
 (اوصاف غنائم) ذکر اولسان قرق ایکی پاره طوب و بش شاهی
 صبر بزن که مترسده قالمشیدی هر بری ذی قیمت انواع صنایع ایله
 مصنوع و موزون کویا که سبیکه اتوندر چشه زنده هیأت غریبه
 و طلسمات عجیبه دنیا لر زنده تمثال سمیرغ دنقاوز زنده هیکل
 چاساروپا پا هر برینک قامت و اشکالنه ناظر اولان مکر سامری
 ظن ایدوب استادما هرالنیدن ایا دوعی جبقدی دریادی بونلردن
 ماعدا اون درت ییک دالبان تفنکی و واقدر کولک و کورک و نیجه
 زدن تسمی و صحن و بونجه سمین آوانی و اکن و اللیدن زیاده
 ناموسیل اوطاق و اون ییک قدر خیام که بریات و یراغ و طبل و کوس
 و نفیر و ناقوس و صندوق و قوجی و عربه و بالجه ماملک که حد و عددین
 خالق انس و ملکدن غیری کسنه بتلر و نیجه تخت و یاد کار که وصفه
 کلر و ما کولان قسمندن نیجه سمین و جینی اوعیه ده اطعمه و اشربه و ادویه
 پرورده قرنفل و جوارش و خیره و زنجبیل و کوارش و سائر ذخایر
 اعالی قلعهیه مستوفی برسنه یتزایی جمله باروت و جبه خانه یی حسن
 پاشا پور ذی نه قدر سر آخور و طویچی و جبه جی و ارایسه قلعهیه
 چکدیلر

(تعقیب غزات بکفار) اول کون اوج ییک قدر یرار غازیلر حسن پاشا
 فرمانی ایله عمر اغابه قوشیلوب کفارک اردنجه کوندردی پاریت
 کچدینه کار کلر زده کفارک یحده قوچیلرین اموال و ارازا ق ایله ماملال
 کوردیلر فی الحال جمله سی یغما اولوب ذی قیمت اولان اشیا اللدی
 و قسقه اثواب پرنده قالدی غازیلر صودن بکوب گروه گروه دوکلاش
 کفار اوزر زینه هجوم ایدوب یوزیکلر زنده بیر اقلزین براغوت

فرار ایتد یلاردرلندن یتشوب بیحد کافر قیدیلر یانکز بللو باشلو
ملبس کافر الی یک قدر ایدی اکثر قیودانلری اسیر اولنوب قلعه به
کتوردیلر حسن پاشا لیچروده اولان کافر اسیری چوغا الدی دیوار
ایلدی هر کس کتوردیکی اسیرک قلعه خند قنده باشنی کسوب لا شه سن
صویه و بردی بعض اسیرله انهزامک اصلنی سؤال ایتدیلر
ایچرودن چیقان کاغذاله کیدر کدنه کمره ایچمه فورقو دوشوب
کوزیمزه یشل باشلو ترکلر خیالات کی کور نمکه باشلدی
وسر هجوم ایتدیکجه انلر دخی هجوم ایدر کی کورینور لرایدی
بو انهرامده مالطه هر سکی دونچوان نام معاند بر طرفه کیده میوب
اباسن چیقاردی و برکسه به صیار یلوب خسته کی درت کون
رخند قده یاندی بشنی کون مکوموریه دن زدن اوغلی آدماری
کلوب طابور دو کوندیشی ارارکن اوزرینه کلوب اولدخی بی کو تورک
دیونیا زایتمکله زرین اوغله ایتدیلر کندوی ییلدر دکده اگرام
ایله ولایتنه کوندردی و بوچنکده یمش سکسان یک کافر قلچدن
کچدیکندن غیری تالیان ونجه پیاده لیدن قورتولانلر یوللرده
دو کیلوب طوکسی قالدی پر بلوکی دخی عربان وتالان دیارلر یشنه
روانه اولوب انجی جان قورتاردیلر چوبلی عرافا دن نقل ایدر کفاری
تعقیب ایتدیکمرده بریر اوزراون بشر کافر جمع اولوب آتش یاقوب
اوتوردر لرایدی بری کورد کلرنده حرکت قدرتی اولان ایاق اوزده
قالقوب شقه سنی چیقارر تعظیم ایدر و کیر و اوتوردری بر دخی قیرمقدن
اوصانوب بر بلوک عاجر وز بونی اولد رمل ارلک دکل دیوانجمن
اولدق و ایلروده جانلوجه ملبس و مسلح کافر کسمکه کیدردک
ایلروده بر قوچی په خلل کلوب تنک محله قالمش اردنجه ایکوز
قوچی ابرکیلوب هنوز الی ایاغی طوتار قوچاشر بار کیرلرینه شوب

فاجشمار ائواب و ارزاقه کیم بافر انجق سیم قد حار و اوتیلر قسیمی
الذوب باقبسی یرنده ترک اوانسدی بعده یرنده قالن جبسه خانه
و طویلری حسن پاشا ایکی آی قدر زمان صرف تاب و توان ایدوب
کک و جله فلهه به نقل ایتدردی و مزبور عرافانک کلی خدمتی
سبقت اینکله یچوی سبجانی حسن پاشانک ارپه لغی ایکن
مزبوره و یردی

(ذکر بقیه احوال قنبره و سردار) بو طرفده عیشجی حسن پاشا
عسکر ابرامنه باقیوب سکنواره کلشیدی اول وقتکه شدت شنا
ظه و ر ایدوب نفسی نفسی اواری عسکر هجوم ایدوب سردارک
اوطاغنی طاشلد یلر و اوچ کون سکنواره آرام اوانسد قد فصرکه
جادی الاولینک اون ایکنجی کونی ضربا و قهر اقالد بروب بلغراد
جانبه دوند ردیلر حسن پاشانک اول مکتوبنی کنورن شقلو یشده
سرداره مژده خبر بن کتوردی مکتوبی اوقیوب مسرور اولدی یلر
اولکون بعده العصر ایکنجی مکتوب کلوب صورتی الدی و عینی ایله
آستانه یه کوندردی بعده سردار جله عسکره اجازت و یروب کمندی
شقلو یشده قالدی ماه مزبورک اون بشتنه اوسک کو پروسنه کلد یلر
اول یکنلر کچدی صکره ماه مزبورک یکر مېسند شدد برد دن دراوه
صوقی منجمد اولوب کیچسه ایچنده کو پری بوزلدی اوزرند
بولان غرق و هلاک اولدی ایکنجی کونی طوفان اشاعه قومغله
تکرار کو پری تجسد یدینه مباشرت ایتدی یلر بعده حسن پاشا
شقلو یشده کلوب سرداره ملاقی اولدی کلی رما یلر ایدوب جله
عرضلری معزایه مقبوله کچدی مصلی بکه کوسند بل سبجانی
و عرافا یچوی سبجانی امرلر یلر یلوب یله قسانان غازیله بشر اچمه
ترقی و دیرلک و یریلوب حسن پاشا اسکندر کتخدانی آستانه
کوندردی پادشاه اسلام بوغزای اکبر دن شاد کام اولوب ذکر

اولان و پرکوری مقرر قیادی و ششگلر اولوب حسن پاشایه وزارت
 خاصاری احسان ایتدی اوج خدمت فاخره و مرصع شمشیر و اوج
 مزین آت کوندردی سردار دخی کذلک رغایتلر ایدوب کندو
 کتخداسی مصطفی کتخدا بی پچویه کوندردی تا که قنبره به مستوفی
 ذخیره تدارک ایلله و کندو شغل و بيشدن کو چوب بلغراد ره روانه
 اولدی بو ائشاده ملا غلر کی بوزبارچه لری ساوه اوزرنده اولان
 و پروینی دخی بوزوب تکرار یالنجیه عسکر کیملر ایلله کچدیلر
 بوسفر دوکلی زحمت چکسیدیلر هزار تعب ایلله بلغراد قیشلاغه
 داخل اولدیلر یکچیری اغاسی علی اغا سلطانیه عقد نکاح ایچون
 سردار اکرم طرفندن وکیل اولوب آستانه کوندردی بو طرفده
 فردیناندوس اوج برش طوپنی که قلعه ره هی ایلله المشیدی صاحباری
 دعوی ایدوب پایا قلعه بی حکم ایلدی اول اجلدن ارالینه فتنه
 دوشوب بر برینه کیردیلر ایکی ماه بو وجهله مرور ایلدکده بر نیچه
 غازیلر سیرطریقله کفار اوردوسی جانینه کیدوب بوزقدر دینج اتلو
 کافر کوروب بوصویه کیردیلر اوزر لینه هجوم ایدوب سمته
 یورو دیلر بکرمی قدر کافر ی درزنجیر قلعه به کتوردیلر مکر ملاحظین
 طویلری برنده میدر دیو تجسس کلشلا ایدی شعری قرالک تدارکی ندر
 دیو سوال اولندقدده اول بهارده ایکی بره حرکت اتسه لکر کدر قرال
 بودین اوزرینه واروب هر سک ماتیاش قنبره به محاصره به کلسه
 کر کدر قلعه به نک جانب شهر قبسنده اولان سکنوار قیوسنک ایکی
 طرفند قلعه لکه واردر حین محاصره ده کاتب و امین تعیین اولنوب
 قیویمینده اولان قلعه به اون سکنزیک کله ویسارنده کی قلعه به یکر می
 بیک کله و بوندن ماعدا سار دیوارله اوتوز بیک دانه اوریلوب
 باقی طوب دانه لری متر بسده فالدی جمله سی طوقسان التی بیک
 دانه در دیو خبر و بردی در دولندن مقد مآدم کلد کده حکم

و خط هما یون کتور و ب سردار سابق ابراهیم پاشا زمین ایلدی یکی
قلعه مفتاحه طاقین رنجیرک یانسه بقات التون زنجیر
دخی طاقوب معا بر التون اوح که اوزنده طغری امر صورتی
یا زلشدی بکهری اغاسی هر کیم اولور سه اول التون زنجیری لوسی
بوینته آصوب دعاوئنا ایله قلعه قپوسنی آچه و قبا به دیو فرمان
اولمش و سلطان محمد خانک خط هما یوتی سنکله محاصره ده
اولان غازیاره او قیوب کلاده سن دیو حسن پاشای
نامداره کوندره شراییدی (صورت خط هما یون)

(الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین وفوض الینامه قالید
مصلح المسلمین والسلام علی سید المرسلین (اما بعد) سنکه قنیره
بکر بکسی اختیار قولم و مدبروز یم حسن پاشا سن بو سال فرخنده
قالده رهنونی اقبال توفیق ذی الجلال امت محمدیه یا ورا و اوب ایلدی کک
خدمت سده علیا به عرض اولتوب سعی نیدر یفک مشکور و نامک
نیک نامان دفتری سلک زده مسطو را و لشد بر خوردار اوله سن سکا
وزارت و یردم و سنکله محصور اولان قولرم که مقتضای ترتیب
سلطنت ایله معنی اوغالر مدبر یوزلی آغ اوله ملحوظدن زیاده
چا ایشوب جان و باشلرین دین او غرینه و یم یولیز ده در یغ ایتمد یار
و مقدر و ربشر اولان سعی جبلی برینه کتور و ب راه حقه عظیم
چالشه مشلر آب و آتش ارا سنده کاه غریق و کاه حریق اولمقدن پر هیز
الطوب برج و بدنده تعیین اولدقلری محلدن ایرلما مشلر و کاه نبرد کاهه
چباشلری کقلاری قاجیر و ب و جنگجیلرین قیرو ب یور و یش
ایلدکارنده جیوش آهن پوشلرین کریزان و اموال غنایمی ریزان
ایشلر بارک الله فیهم بوندن بویله دخی سنک سوزیکه رام اولوب
هر نه خدمت تکلیف ایدر سنک ادا سنه دقت و اهتمام اوزره اوله رسکا
اطاعت و اتقید اوزره اولدقلری یم رضای هما یو غمه سیدر

بویند نامه تمامه می غازی قولارم محضر نده اوقیوب اطیعوا الله
 واطیعوا الرسول واولی الامر منکم، هنای شریفن اثره ییلدره سن
 سنکله محاصره ده اولان قولاریمه ویردیکک ویرکوجله مقبول
 همایونم اولمشد زجه که کزی حق تعالی حضر تارینه اصمردم
 اولکو نکه بو خط همایونی حسن پاشا ک دیوانشده آچوب
 اوقو دقلرنده اغله مدق کسنه قالمدی پادشاه اسلامه خیرد عار
 اولتوب بایعه مثلک اولدی اغنام اولنسان طو پاری ایچرو قامه به
 المغه اوج آی بیانی چالشد یلر اول بی نظیر نورسته فرنگ اوغلنلری
 که حسنله ممتا زایدی صووقدن لاری وایا قاری دوشوب قابل
 استخدام اولدی حتی نیجه زینی تخلص ایچون قتل ایتد بلمقدما
 تابع اولان فننکر کلوب اسپانیسا و تاپیان اوغلنلر دن
 اوجوزنها یله ایکوزدر اوغلان الد یلر اول قوش بکوب اول بهار
 اولیچق اوج بیگ قدر قریه اهالیسی کلوب اطاطت ایلدی لاری ایکی
 یکنکن زیاده رعایا اوسک و بوراغه و پیجوی و شقلویش و بوسنه دن
 کلوب قلعه تعمیرینه مباشرت ایتدی لار اولکیدن زیاده قالدک اواق
 اوزره بنا یه باشلیوب سکوت افاچارین قیوب پلنقه بی یکیدن
 بجاوز دیلر و باششدن باشد بدنه چالوب جدید مناره و بر مسجد
 و منبرای و جبه خانه بنا ایتد یلر طو یلر اوزرینه سایان و بر جدید
 جام یابد یلر ومن بعد غازیلر بیجه وارنجه چشه یه سکر دوب اسیر
 و غنیمت المقدن خالی اولدی لار

(نقل طوبه باقله بلغراد) چون بو معنی کفار به داهیة کبری اولدی
 محض اول طو پاری استخلاص آرزو سبله اول عام تغیر عام ایدوب
 قیره یه دوشمک عزیمتده اولد قاری تاریخ مزبورده بوسنه دن
 من فصل اولوب بلغراد تددیر امور و ترتیب احوال ثغوره مأمور
 اولان وزیر گورچی محمد پاشا ک مضموعی او ایچق قطعاً لاطماعهم

ذكر اولئسان طو پلر باسرها بلغرا ده كلئت مناسبا ولفله اطراف
ممالككن آد ملر جقبوب بروقت معين وموعودده قنبره حصارينه
بجمع اولوب كفار خبردار اولدين حل ايچون احضار اولئسان
آلات ييشمار ايله چيقار يلوب دارالامنه كنور لك ايچون مخفيجه
او امر ومعمد مبا شرل كوندر لكين بروقت معينه حسب فرمان
اون يك قدر آدم دفعه هر طر فدن كلوب قنبره خلق بيله آگاه دكل
ايكن بلانأخير اول طو پلري چيقارد بلر وزمان يسيرده سكتواره
واندن دراوه نهري كنسار ينسه كنور وب حاضر اولئسان سقاينه
تحميل ومدت قنبره ده بلغراد اسكاه سنه تنزيل ايلد بلر سلاطين
سلف زما نلرنده ديار انكروس قلاعتدن وبوزيلان طابورلر دن داخل
داره غنيمت اولان طو پلردن قدر حاجتدن زياده سي بلده مزبوره
كنور يلوب قلعه نك بر محله قو نلقه اول محل مالا مال
اولوب بردخي ادخاله محل قالا مقله قنبره دن كلن طو پلر ايچون بلغراد
قلعه سي جدارينه متصل بر محل مناسبه مشار اليه محمد پاشا مستقل
بر طو پلر نه بناليدوب اكر داخل واكر خارج عتيق وجديد طو پلري
ترتيب ايند كدنصكره هر زمان قطه ير ايچون علوفه ايله مخصوص
آدملر تعيين ايلدي .

(سرداري حسن پاشا وانهرام قره يازيچي) بوندن اقدام آستانه دن
حاجي ابراهيم پاشا بغداد اناالتسندن منفصل وزبزراده سردار
حسن پاشا به ملاقات ايله مأمور اولوب معافره يازيچي اوزرينه
كوندرلشيدى مزبور خود را يلقايدوب سردار مزبوره ملاقي
اولدين قيصر يه ده شق مزبور ايله دو كيشوب بوزلش وقلعه به
كبرمش ايدى بوخبر موجش دياكر قريبنده جمعيت اوزره اولان
سردار حسن پاشا نك مجموعى اولد قده بلا توقف كوچوب سنه
عشر والى صفري نك اون اينكجي كوشنده البستان بايلاقنده

مفسد مزبور عسکریله سپه دلو نام موضعده ملاقات ایدوب مباشر
حرب و قتال اولد قنه وقت ضحاه دن عصره دك جنگ اوز ایوب
بالاخره نسیم فتح و ظفر حسن پاشا طرفندن وزان اولوب باشكر
جلالیان منهنم و پریشان و اوتوزيك شتیك ثلثانی طعمه تیغ
بران اولدی قره یازیی خیمه و خرگاه و بار و پنكا هی دوکوب بقیه
السوف اشقیایله فرارایده رك كلوب جانك طاعنرنده قرار
ایلدی حسین پاشا دخی اردنجه سوروب توقات شهرنه
داخل اولدی

(ذكر بعض وقایع آستانه و مر دن قره یازیی) جادی الاخره ده جلالی
باشكری كلوب رمضانده قره یازیی جانك طاعنرنده مرد اولد بی
خبری و اصل اولدی و مزبورك برادری دلی حسن صاغ واسن قالوب
یرینه بکری در دولته وزیر ثالث اولان حافظ احمد پاشا اناتول
مخافظه سیله ما مور اولوب ربیع الاخر ك بکری سند اسكداره
كچوب برو سه دن کوتاهیه به عزیمت ایندی شوالك اون ایکنجی
کونی روز خضر واقع اولوب در دولته قائم مقام خلیل پاشا
یوم مزبورده رفع اولوب بری اول عصرده وزیر ثالث بولسار
شاهینجی حسن پاشایه ویرلدی و کبر و اول کون مرحوم ابراهیم
پاشا مترو که سی عایشه سلطان که وزیر و سردار یمشجی حسن
پاشایه نازد قلنرب عقب عودتده یکچیری اغاسی علی اغا پاشا
طرفندن تزویجه وکیل اولوب کوندرلشیدی وزیرك قیو کخذاسی
یعنی حسین اغا و دفتر امینی عبدی چلبی یوم مزبورده علی الصباح
وکیل مشارالیه ایله بریره كلوب درت يك التون مهر ایله عقد نکاح
ایتد یار مقدمه ما کرا دیعکله مشهوره و سپاهیلرینده مقتوله اولان
یهودی به نسبت ایله متهم اولنار طرد و عزل اولد قده میر آخور
کبر نصوح اغا دخی سپاه طائفه سی اراده سیله معزول اولشیدی

لکن مردو کار کذا را و اخین بنه بر مناسبت منصب ایله بهر مند
از لسی ملحوظ طرف سلطنت واقع اولوب لکن طاعنه سپاهدن
نوعا اندیشه اولدوقده باری جانب خلافتده اولماق ایچون
اغای موچی الیه سردار طرفدن بهره یاب قلمی بیله عنایت
علیه ظهور ایدوب بناء علی ذلک تهنیت نامه نکاح ایله مزبور
نصوح اغا باغراده سردار طرفه کوندرلدی وصول بولوب
تبلیغ مرده ایلدکده یکچیری اغالغی و یاخودینه میرآخور کبیر
اولق امیدنده ایکن ایکسنگ دخی خطمترینه امکان اولماغین
بالاخره قیوچی باشلغی احسان اولندی بونصوح اغا صکره
پاشا اولشدرکه احوالی ذکر اولسه کرکدرماه ذی القعدة تک
بکر منجی کونی یکچیری اغاسی علی اغا الای ایله استانبولدن
چیقوب بلغراد طرفه سرداراکرمه ملاقی اولق اوزره روانه اولدی
بولک زماننده زور با او طه باشیلر ظهوره کلوب کیمه لده اغایی
میدانه کتوروب استمد کلرینی دفتر ایله عزل و نصب ایدرلایدی

(طغیان دلی حسن برادر قره یازیچی و شهادت حسن پاشا بعد
از محصورئی او) چون قره یازیچی جانبک طاغیرنده فوت اولدی
کنخدا سی اولان شاه وردیدن متقولدرکه مزبورک منینی پاره لیبوب
هر پاره سنی بریره دفن ایتشلر تا که عثمانلی بواوب آتیه یاقیه لر
مزبور شاه وردی و یولارقابدی و طویل نام کسنه لر که هریری برداهیه
عظیمه شقی ایدی قره یازیچنک برادر دلی حسن یانته کلوب
رفاق بیک اشقیالیه جانیکدن چیقوب حسن پاشانک دیار بکردن
کلن آغراننی غارتیه کتدی لر و بر محله باصوب مراد اوزره یغما
و غارت ایتدکد نصکره کر وه انبوه ایله بلا توقف توقاده کلوب
حسن پاشا یانته موجود عسکر اولماغله هجوملرینه طاقت
کتورده موب توقات قلعه سنه تحصن ایتسیدی لشکر اشقیاشهری

غارت و یغما آید کد نصکره پاشایک جنت باغی تمجیه ایلدیک
 مرصع و مجوهر شکوفه لرینی بوزوب تالان ایلدی بونکله دخی
 قناعت ایغیوب البتده قلعه یی آکورم و پاشایی گرفتار ایدرم دیو
 کنار شهره قونوب حصارى محاصره ایلدیک خبری دزدوانسه
 واصل اولد قده رزمه طواشیان دن اول عسردده دیار بکر
 بکک بکسی بولان خسرو پاشایه وزارت و یریاوب کردستان عسکرله
 جلالی دفعنه نامزد قلندی لکن حسن پاشایک منعی خسرو پاشایه
 و یرلدیک خبرینی ایلتمکله کسنه جرأت ایغیوب وارن قیوجی باشی یی
 قتل قصدا یوب بویه محله بنی عزل خاندان پادشاهه خیانت ایکن
 نیمون بن عزل اولورم دیو وارن سرهنکی طرد ایتشیدی آخر
 فرنداشی درگاه عالی قیوجی باشلریدن ابراهیم اغا ایله وارد قده
 اتی دخی تهدید و طرد ایتشیدی زمره اشقا چونکله غالب کلوب
 برآی قدر حصارى محاصره ایتدیله قاده دن برترک بدبخت چیقوب
 قیواوکنده اولان نشینگاه که نخه حولی چورلشیدی حسن پاشا
 هر سحرانده کلور او تور دیو خبر و یرمکله شوالک او اکرنده اشقا یارن
 بعض خیشلر اول محلی نشانه آلوب تفتشک ایله حسن پاشا یی
 اوروب شهید ایتدکده دلی حسنک اقصای مرایى سهولتله
 حاصل اولغین لشکر منجوسن قالد یروب اناطولی و لایترینی
 غارانه هزیمت ایدوب کوچدی کندی سابعاً حسن پاشا اموالی
 غارت ایتدکلرند تقودی قالدان ایله ویدی او چوقه وقاش منوعه یی
 قلیچ ذراعی ایله او چوب اولشد بلر و یوندن زیاده قوت بولوب
 یدى سکر سنه مالکی زبردست تسلط لرینه آکدیله

(بقیة وقایع این سال) بوسال عمر مننده سلحدارلقدن
 چیقمه یا وز علی اغا که مالتوچ لقی ایله ملقبدر والی مصر
 اولدی و بوسالده فرانجه پادشاهی در دواته مکتوب کوندروب

سابقا جزایر فور صانلری فرانچہ قومنه تعدی ایلدکلرینی دفعهاتله اعلام ایتمکین، مؤکد احکام کوند ریلوب جزایرلومن بعد فرانچہ جانبنه دخل و تعرض ایلله دیوتنبیه اولمشیدی کیرومتنبه اولوب اولکیدن زیاده رعایاسنه و بازرکانلرینه دخل اولندیغن فضایا دفتربله اعلام ایلمکین دفتربک برصورتی کوند ریلوب عهدہ مخالف وضع ایلدکلری ایچون غارت ایله انسان ماللری هر کیمده ایسه بقصوری ویریلوب یوفسادی ایلینلره کیم اولورسه امان ویریلوب اشد سیاستله حققرندن کلتمک اوزره تکرار حکم شریف کوندلش ایدی و بوسالده استانه ده علما جمع اولوب قائم مقام خلیل پاشایه وارمیشلر ایدی و خلاف شرع حرکت ایدن سیاست حققرندن کلتمک کرکدر دیوالاتفاق سولیشلر ایدی کلاملری تلخیص اولوب موجدیجه خط شریف وارد اولدی ولور پادشاهی ابراهیم خان بوسالده شاه عباس پنجه سنه گرفتار اولمشدر (مصراع) طلسم گیانی شکست تاریخ دوشمشدر

وفایع سنه احدى عشر والف

(توجه حسن پاشا بفتح استونی بلغراد) سنه سابقه اوخزند سردار مزبور تکمیل مهماته بذل مقدر ایدوب نهر صاوه به کویری یاپدیروب چادرلایله طشره چقمقشیدی استانه ده قبو قولینک ایکشر مواجبی ویریلوب جزیه دفتربری ابو الفتح سلطان محمد جامعنده فروخت و توزیع اولند قد نصکره یکبیری اغاسی ایله بلغرا ده روانه اولمشلر ایدی غره محرمده اردوی همایونه واصل و سائر عسکری دخی اطراف واکتافدن کلوب داخل اولدی یلر ذخیره لری ویریلوب دوغما و ذخیره کبیلری بودیشه کوند ریلوب بعدہ سرم صحراسته کوچیلوب محرمک اون بئشنده جان قورترانه نزول اولندی بودیدن بدوشقه طوبلر کلوب ماهه مزبورک

یکرمی ایکی کونند استونی بلغراد محاصره اولندی بو دیندن
لا لا محمد پاشا دخی کلوب قلعه تک جانب جنوبنده اوزن واروش
اوکنه قونندی وزیر اعظم برقولدن ویکچیری اغاسی یدی قطعه
طوب ايله قپویه قرشو و برقولدن مز بور محمد پاشا روم ایلی عسکری
بش طوب ايله بوسنه بکتر بکسی درویش پاشا و بودین عسکری
متریسه کوروب طپراق سوروب طاییه لریا پدیلر اوج یک نفر
سردنکچدی و درتوز نفر ملازم یازیلوب ملازملر وزیر اعظم
خدمتدن منفک اولمازلدی برقاچ کون حصار ی دوکوب
درت یردن لغم ایتدیلمر محمد پاشا قوانده واروش خرابه قپوسنی
کفار سدا یدوب قور ایدی بورویش ایتدکری کبی مجددا پنا
ایتدکری قلعه عظیمه یی برافدیروب الدیلر و بطل قپو دید کلری
قله اوکنه طوب یلر قوروب دوککه مباشرت ایتدیلمر برقاچ کون
دوکلد کده دوکنه دیسی اوززندن چیققی ممکن اولشیدی
کافر دخی ایچرویه بر دیوار چکوب متریس ایتدیلر ایدی صفک
اون دینچی کونی طعام برکن کر میت هواده مز بور پاشا تک برقول
البه بر بیراق الوب ایاق ایاق بور ییوب قلعه یه چیقیدی و بیراخی
دکدی انی کوروب فی الحال بیکچیری وغیری سکر دوب قلعه یه
طول دیلر و بش التی فراولجی کافر یولوب فاجر دیلر لکن کافر
اول دیواره طپانوب چندان قایرمدی بوظر فدن غزات اسلام
بور ییوب تفنگله کفاری اول دیوار دن دخی آیدیلر و محمد پاشا ايله
ایچر و کوروب واروشی الدیلر سردار بو نلر قلعه یه چیقید یغن
اشیدوب درخان اول محله کلوب چادر قوروب اوتوردی غازیلمر
هر طر فدن هجوم ایتدیکنی کوروب کفار ایچ حصاره فرار ایتدی
انی دخی محاصره اید و بطور پراق سورد یلر واروشدن جانبه
برقله سنی لغم ايله اوچوروب کدک اچلد فده کفار خاکسار استیجان

ایدوب و پره ایله حصاری و یردی برفاج بلایا باشلوسی چقبوب
خلعت کیدی سردارلی یوزی یانق غروفه کلی رعایت اولنوب
چبقان کفار ایله ولایتلرینه کوندردی میرلوا و عسکر تعیین اولنوب
لوازم محافظه تکه بلندن صکره و اخر صغرده کوچیلوب بودینه
توجه اولنندی

(ذکر عزیمت سردار بجانب اردل) مملکت اردلک مستقل
بکرنندن سیکل موریش نام بک قلعه سنه خلاف معناد اردل
و یوده سی جبرا و قهرا داخل اولوب خزینه وجه خانه سندن
دبلد یکی قدرشی غصبا الوب آدمترین قتل ایتکین کبرمز بور
هنکام شتاده قرار ایدوب سرداره التجا و معاونت رجا الیش
واردلک قهصتی بویننه المش ایدی سردار دخی کبرمز بوزک سوزینه
اعتقاد ایدوب کمنکی مقرر قلمشیدی لکن استوی بلغراد فتحی مهم
اولمغله تقدیم ایتدی چون بعون الله تعالی فتحی مبسر اولوب
ملاحظه سنده غیری بر محذور قالدی اردل تسخیری قصد ایله
بودینه وار بلوب کو پریدن پشته صحرانده بکلدی کفار طابوری
استغون مقابله سنده جکردان نام موضعده ایدی هر اخشام
عسکر اسلام الله الله دید کلری کپی کفار دخی صباح و اخشام
بریدن یروش چاغر لر وارد نیجه اوچر عظیم طوب اتارل ایدی
یروش افطی یسوعدن غلط سدر یسوع ایسه انجیلده عیسی
علیه السلامک اسیدر و کفاردن تلن طویلرک صداسی پشته
صحراننده اشید بلور ایدی صوفی ستان پاشا بودین محافظه سنه
باش و بوغ تعیین اولنوب قاضی زاده علی پاشا بودین بکربکبسی
ایدی استونی بلغرادده مزبور علی پاشا تنسک ایله اور بلوب
مجروح اولمشیدی وصال ایله کوتورده شلر ایدی علی پاشا بودین
قاضیسی هابل افندی ایله سرداره کلوب کفارک طوی

ایشید پلور کن کتمکز مناسب دکلدر محققدر که سن بر ایکی منزل
بر کتمدن کفار عسکری کلوب بزی محاصره ایدر صکره کلی ندانند
مؤدی اولوق خوفی وارد دیدکده حسن پاشا جواب ویرد یکه
کرچه بدخی کفارک طوپلرینی اشید پرز لکن اردل ارغلی طمشوار
ایالتنده بو قدر قلعه الوب لیوه ویا نواپی ضبط ایلدی یانه قالمق
افصاف دکلدر و طابورده الی یدی بیک کافر انجق حاضر اولوب
مجر داهیل اسلام اردله کتمسونلردیو حبله و دام ایلر لر بر حبله
یا پشمغه قدر قلمری یوقدر خاطر یکن خوش طو تیکزد یو تسلی
ویردی علی پاشا سلطانم بو کیچه بنم جا سو سم کلدی طابورده
سکسان پیکدن زیاده کافر قرق طوب ایله حاضر در مراد لری
بود بئی محاصره ایتمکدر دیو خبر ویردی بو تفریری هابیل افتدی
سجیل اینسون خلاقی چقار سه حقمدن کلسون دیدی بمشچی
بر عنود و کنود ارناود اولقله سوزندن دو غبوب کفارک حبله سی
تواتره ایرمشدرد بوجهبئی اردله کتمکدن منع ایچوندرد
نه محاصره به ونه محار به یه قدرنی واردردیدکده روم ایلی
بکلبکبسی محمد پاشا بوتقد برجه بنده کر بی سبکیار چاقونه کو ندرک
فلک و سچان و راستنه اقین ایدهم و مالک کفاری غارت ایدهم دیدی
اکادخی رضا ورمیوب ابر تسی صونلغه طوغری کو چرب کندی
ربیع الاولک غره سنده بش طوب و یوز پاره شا هی ایله دزت منزلده
صونلغه داخل اولبدی دزت کونده نهر تیسه بی کوب وودن
عبور ایتدی ماه مز بورک اون دردنده صار و اش پانقه سنده قونیدلر کوله
و طمشوار عسکری دخی کلوب اردو به داخل اولدی لر
و مشاوره صد دنده ایکن بودیندن فریاد جیلر کلک ایله
اول جانبه دونلدی

(استیلاء کفار بحصار پشته و محاصره بودین دردغه ثانیه)

لشکر کفر سردار کندی بکنی اشتد بکنی کپی طویلین خالد یروب
 فردینالدوس قرال بچار و خروات و فرک عسکری و قیودانلرینی اوکنه
 قاتوب ماه من بورده اسکی بودینه کلوب چیل اطه سنده طونباز کیلری
 ایله کوپرو باغلیوب قیر اطه سنه کچدی و دونما کیلرله یور یروب
 یشته نکل طونه ککری دیوار سن اولغله کوپرو بی یوزوب کیردی
 و فرقدن افاج طوب ایله صارلندی عسکر اسلاحک بریلوکی طونه
 یالاسنده اولان یولقله به تحصن ایدوب بودیندن بر ایکی شایقه
 کلوب قدر تیری اولان عسکر و خلق قارشویه کچدی یلر باقی ضعیفای
 رجال و نسوان و صبیان جمله کرفار اولدی بش ییک قدر کافر
 کیروب یشته بی ضبط ایلدی ماهد اسی اسکی بودین التره طایور
 فوروب کرزالباس اوزره اولان پلنقه بی الدیلرو بودین حصارتی
 محاصره ایدوب کل بابا جانندن اون یاره طرب ایله طوپراق قله
 اوکنه و هیچ قیوسندن و او قیوسندن غتر یسلر و طوپر فوروب محکم
 دو ککه با شلد یلر

(رجعت سردار بدفع کفار خاکسار) فریاذ ایچون کوند ریلن
 چاوشلار ایلغار ایله صاروش منزنده سرداره وارد قده جان باشنه
 صحرایوب بلوک خلقندن پو یارز و اوکوز محمد ودلی باطه ایله
 سائر نفراتدن ایکی ینک نامدارلری ترقی ایله یازوب لاطولی بکلر بکبسی
 نوح پاشایه قوشوب ایلغار ایله مقدم امداده کوندردی و کندی دخی
 عودت ایدوب کلد بکی یولدن استیصال ایله دوت کونده یشته یه
 وایوب هر بیده نزول ایلدی کوردیکه لشکر بی پایان کفار اول
 حوالیده کروه کروه اولوب کمال شدت و کرمیت ایله جنکه
 مباشر اولشلر و بودین قلعه سی بکرمی سکر یاره طوب ایله دو کیلور
 اصلا ورود عسکر دن خوف و حذرلی یوق و یشته ده کفار
 مالا مال اوایوب بو ایامده تسخیری محال و کفار قیرلر اطه سنندن

یشته به کوپری باغلیوب عسکر اسلامی طونه به بودینه باقلا شد مر
 بودینی براغرب کتدیکنه نادم وایلدیکی ارناود عساده
 یشپان اولدی اما چه فائده نیجه مشاوه دنصکره برابکی یردن
 یشته به اون یاره طوب قوریلوب محاصره اواندی پوراز
 واکوز ودی بالطه مثالی زوربالدخی متریه یکپیری کی
 کروب نوابعار یله باشقه بر قول اوایلر و مزبور اتباعاری اولان
 زوربالر یله متریه کلوب کتدی که مراد پاشا و محمود پاشا و سائر
 بکار یکیلر ایاق اوزره طوروب ایراقدن بونلری سلاملر ایدی
 واره به پادردیو جله پاشالری و کبار اعیانی پر خوشجه حقار ایدی ایکی
 طرفدن بودین و پشته کوتور کوتور کولوردی کفار طابورینه قارشو طونه
 کنارنده درت بدلو شقه قوریلوب آنکله کوپرولری کسلدی پشته به
 کفار کجه میوب یالکز بودین اوزدینه اوشدیلر اون بش کون مرورند
 اسلام اردوسنده عظیم خط و خلا ظاهر اولوب برکله اون یکرکی
 التونه و برکله اریه اون بش التونه چیقوب اولدخی بولمبوب ناچار
 عسکر بودیدن ذخیره انوردی سنه سابقه ده محمود پاشا طونه کنارنده
 بود بنگ ایکی آخوری اراسی جیت ایله قاپوب صوقوسندن
 این بولک دخی طرفینی جیتدن طولمه دیوار ایتشدی اول سبیدن
 شایقه لر صینتوب اردویه ایشلر ایدی بو مرتبه دخی اولسه
 شایقه لر دوره جی پر بولوب و بودینه امداد کله و کتدی بر طرف اولوردی
 چون حصاردن ذخیره لکم مضرایدی خلقی ذخیره لکم کدن منع ایتدیلر
 ممکن اولوب کچی ایقه به طمعندن ستار و کچی دوستنه و برردی
 آخر هلی پاشا و هابیل افندی و یکپیری اغاسی سرداره کلوب
 سزندن امداد احتمالی یوق اون کون دخی طور ایا سه کز بود بنگ
 اولانجه ذخیره سی ذو کتور همان بزه محمد پاشایی بر مقدار عسکر ایله
 براغوب وارک کیدن دیدکلرنده محمد پاشا اول امر دن اظهار

امتاع ایدوب ایکی سته دره توالیا محافظه ایدرز برینه دخی امر اولسه
 یزدن زیاده خدمت ایدردی دید کده بودنیلی ایاغنه دوشوب منت
 ایلدیلر وزیر اعظم دخی یالواروب صفالن او یوب فرمان ایتمکله
 بالاخره رضا وردی ییک نفر ترقیلی و ییک نفر بلوکه کچمک شرطیله
 قول اوغلی باز یلوب جبهه جی و طوپی و غیریندن کوکلاو عسکر تهریر
 اوتوب مستوفی خزینه ویریلوب محمد پاشا یه خدمت قاخره کیدرلندی
 و اخشام نماز ندن صکره یمشچی حسن پاشا و کته دوشوب شایقه یه
 وارنجه پیاده تودیع ایلدی مزبور محمد پاشا نغسده بروقر و مؤدب
 و ضابط و صاحب کوکب مهیب اللقا آدم ایدی قولک طغیان زمانده
 ذخیره ایچون غلبه و ایدنلری قایدیروب دوکر و تأدیب ایدردی
 کیمسه مخالفته قادر اولردی اکا بر حجاب ایدردی و اصاغر
 خوف ایدردی اول کیمه صباحه دك عسکر اسلام صوقو سندن
 بودینه داخل او اوب طو بلری دخی ایچرو چکدیلر ایتسی غره ربع
 الاخرده سردار کوچوب کتکت واروشنه اندن و ارادینه عزم
 ایلدی درت یوک طو بلری عسکر اللریله چکوب کوتوردیلر
 ایکبسنی صونورده ایکبسنی باجقه ده قویوب طی مر احل ایدرک
 و ارادین کو پروسنی کچوب بلغرا ده روانه اولدیلر بو طرفدن محمد
 پاشا بودینه داخل اولدقده دیوان ایدوب اعیان وارکله جله تطیب
 و اسفالتر و یردی هر برینه عرض محبت ایلوب مأمور اولدقلری
 کدکلرینه ککوندردی و وقت صحرده بشیوز قدر اتلو انتخاب
 ایدوب اووه قیوسی سمته کششاک یوانده کفساردن بر ایکی الای
 هر بار طوروب فراول بکارلادی اوزلرینه کوندردی همان
 واردقلری کی بوزوب خیلی کافر قیدیلر و نیچه سن اسیر ایلدیلر
 کفار کرز الیاس اوزرینه طویلر چه ماروب اون کون علی التوالی
 جنگلر و یوریشلر ایلدیلر عسکر اسلام یونلری تفشک و خبره ایلله

توسکور دوب کلن کفاری هر بار بوزدیلر و کیر و دوندردیلر برکون
 عظیم هجوم و یوریش ایندکلرنده دیو سلیمان پاشا احداث ایندی یکی
 وارل خجیره لرینی کفار اوزدینه یوارلیوب ایچارینه وارد قده ایچنده
 اولان تیمور پاره لری نیجه ییک کافری قیردی بونکله دفع ایندی
 بعده تکرار ییچ قیوسندن لغیر ایدوب طوبراق سورمه که باشلدیلر
 و یتنه برکون وار قونی بازویه کتوروب قلعه یه براییک ییک طوب
 اورلغله دیواری ییغوب عظیم کدکلر آچسیدیلر که یورودکلری
 تقدیرجه حال مشکل ایدی اول کیچه عسکر اسلام بربرله
 حلالا شوب اولوم اری اولدیلر و محمد پاشانک رأیی ایله ربیع الاخرک
 او تیحی کوئی سحرری اروه قیوسندن عموما پیاده وسواری چقبوب
 علی الغفله متریساری باصدیلر کفار غافل بولونوب طابورلری مسافه
 بعیده ده اولغله امداد کلنجه عسکر اسلام اینکی ساعت اواقدر
 کافر قیردیلر که متریساری بالکله سوندوروب طوپلری چو یلدیلر
 و یارونلرینک اکثرین قلعه یه چکوب ما عدا سینه آتش و یردیلر بودین
 قاضیسی هایل افندی که سنی سکساندن متجاوز ایدی و غایله
 پیر ایدی غزاتی جنگه ترغیب ایدوب کندوالی ایله برکافر
 اولدردی و بو ائشاده متوالیا عظیم یتمورلر دخی یاغوب من بعد
 متریسده طوره قی زماقی کچوب کفار یاس و حسرت ایله طوپلرین
 چکوب استرغونه طوغری کندی غزات اردنجه واروب بتاقده قلان
 طوپلرینی باصوب بودینه کتوردیلر محمد پاشا هر برینه احسانلر
 ایلدیرب احوالی سرداره اعلام ایلدی حسن پاشا دخی آستانه سعاده
 عرض ایدوب خا صلا رایله وزارت ثلثه و سر عسکرلک براتی ارسال
 ایلدوب روم ایلی ابائتی مراد پاشایه توجه ایندی
 (آمدن غازی کرای خان با عسکر تاتار) چون وزیر اعظم حسن
 پاشا وارادین کو برو سنی کچوب زمون صحرا سینه کلدی ابراقدن

بر عسکر نمایان اولوب غازي کرای خان کلدی دیو خبر و بردیلر
سفر دن عودت زماننده بیوقت کلکه باعث مکر برادرزی اولان
سلامت کرای و محمد کرای و شاهین کرای اظهار عقوق ایدوب کیمی
روم ایلی و کیمی انا طولی به کیدوب دلی حسنک بانه وار مشلدلی
حسن اطاعت ایدرسه شاید یله بولسان فرنداشنی خانلغه رجا
ایله و برایکی سنده دن بروسفره کلدیکندن مرآت ضمیر پادشاهی مغیر
اولدیفندن بلکه عزله مساعده اولنه دیو و همه دوشوب سرحد
منصوره به واروب محافظه خدمتنده اولغه گلش صحرای مزبوره خان
اعیان تاتار ایله سردار حسن پاشایه بالذات ملاقات ایدی و هم رکاب
اولوب ربيع الاخر او اخرنده بلغراده داخل اولدیلر غازي کرای خان
دفتر دارانکیمی زاده منزله نزول ایلدی بودفقه خان حضر تلی
حسن پاشا ایله انس و الفت وایکی کونده متا به ایله بر برینه ضیافت
ایلدیلر بعد کندیو به پجوی و عسکر تاتاره سکتور و قوبان و مهاج
و غیره در او نه نرینک ما وراسی قشلاق تعیین اولوب او جانیه
کندی تاتار عسکری قری و فضا یاته یرلشد بلرخان حضر تلی
دخی اول قبش پجویه عیش و عشرت ایدوب فضولی بغدادینک
نیک و بد منظومه سنه نظیره و قهوه و بادیه مناظره سنی نظمده
کتوب برر ساله یازدی اما برادری سلامت کرایدن امین اولوب
دائما افکارنده ایدی و مجلسنده ذکر ی هر بار تکرار اولوب بودفقه
اجد اغاسی که تاتاراکا قیو اغاسی تعبیر ایدر لرینی حاله قومدک
سنت قار شو که طو توب با صوب صاری او کوز کبی بو غزلیم
بو خاطر دن قور تلور دق دیدی خان حضر تلی جوانی قدره

حواله ایلدی

(ترقی عوم) وزیر اعظم بلغراد ده قیو قولک موا جبارین و یروب
بلوک خلقنه عموما ایکبشر اچیه و پیاده عسکره بر اچیه ترقی

اجسان ایتدی ویکیمیری اغاسنی آستانه یه کوندوزب بلوک خلفه
وساثر عسکره اجازت ویردی ککندوسی دخی سبکبار ابلغار
فکرنده اولدی

(استیلاء دلی حسن بر شهر کوتاهیه ورفتن محمود پاشا) سنه سابقه
اوا خرنده مزبور سر اشقیاء دلی حسن توقا تده حسن پاشانی
شهید ایتد کدنصره قاقوب غارت ایدرک اناطولی سمتسه
کشمیدی دفعنه مامو واولان دیار بکر بکر بکیمی وزیر خسرو
پاشایه شام و حلب و مرعش ایالتلری عسکری تعیین اولغشیکن
کچمه اطاعت ایتموب سیواس قرینه کلدکده قرب شتایی بهانه
ایدوب یاننده اولان عسکر طاغیلوب کند کلری مقصد مزبورک
انکوری قربنده مسعودی اولوب بی بلکوی پرو اناطولی محافظه سنه
اولان حافظ پاشا اوزرینه بوریدی پاشای مزبور خیبر اولدقده
جنکه قدرتی اولماغله کوتاهیه قلعه سنه کیروب تحصن ایتدی
در عقب شنی مزبور جنودنا محصور ایله کلوب اوج کون قلعه یی محاصره
ایتد کدنصره برف و باران زمانی اولمله شهر یی قاقوب قشلاق
ایچون قره حصاره کندی بوخیبر موجش دردولته واصل
اولد قده وزرادن کوزلجه محمود پاشا مامو رجیده سرداره تعیین
اولغشیدی

(تبدیل و تغییرد آستانه) ماه مزبورک بکر مینسند
قول طاقه سی حرکت ایدوب سوهد بیر اولندی دیوا عرض
ایتمکله ساعقی حسن پاشا رفع اولوب کوزلجه محمود پاشا
فائم مقام اولدی و مشاوره یه داخل اولان یکیمیری اغاسی
علی اغاخی معزول اولوب یری بوستانچی باشی دلی فرهاد اغا
ویرلندی و ساعقی پاشایه ککوندردی ماه مزبورک
بکرمی ایکنجی لیل سبتده مفتی محمد افندی عزل ویرینه صنع الله افندی

ثانیاً شیخ الاسلام اولدی و یوم مزبور ده انا طولی صدری
اسعد افندی رفع و یرینه استانبول قاضی ابوالیاس من
مصطفی افندی و انک یرینه مصر دن معزول عبید الوهاب
افندی کلدی

(وقعه غصنه فراخا و اغای دارالسلامه عثمان افان) ماه رجبک بکری
اوجخی کونی زمره عساکر سپاه درگاه شاه جهان کلوب ایاق دیوانی
اولماسنی رجاو جلالی ملالی و احوال مملکت اختلالی بالمشافه عرض
و اتقاسی پابنده الحاح و استند طا ایتلرله پادشاه عالم پناه مطلع باب
سعا دندن عرض دیدار و احضار اولسان تخت عالی کردون
نظیر اوزره قرار ایدوب شیخ الاسلام صنع الله افندی و قائم مقام محمود پاشا
و صدرین اخن زاده و ابوالیاس من مصطفی افندی و صمدان مدرسینه
و انجیه اوتوز نفر اعیان و سائر ارباب دیوان حضورنده سپاه
طرفندن حسین خلیفه و پوراز عثمان و کاتب جزمی پای تخت
همایونه بلا واسطه عرض حال ایدوب دیدار که پادشاه هم عسکر
اسلام سفرده ایکن جلالی خان غمانلری استیصال واجله اکبری اذله
اصاغر رتبه سنه ایصال و سراسر ممالک محروسه یی پامال ایلدی
ارضروم ایالتی کوسه سفر پاشانک سکیانلری ولوند لری انده و سیواس
ایالتی آلاجه اتلو دیملکه معروف احمد پاشا زور بلری حکمنده و قرمان
ایالتی دلی حسن و مرزیغون و قسطنطنی و کانقری سنخقلری
طوبیل و قره سعید ضبطنده اولوب جلالیلر دنیا یی طوئدی بشالتی
کره سردار تمین اولندی بره صلیحت کورلندی و کلاهدولتک احمالی
و محرم اسرار سلطنت اولنلرک اغفال بوکار بوالعجیبه سبب اولفله
بحسب الشرع و القانون هر برینک جزاسی درکار و سائر مباحث
اعتبار اولتی مهمات دین دواتدن اولد یغنی اشعار ایتلرله مقدمه
قائم مقام اولوب یدی ذله ده محبوس اولان ساعقی حسن پاشا میدانه

احضار اولوب مهمات امور دولتی پادشاه علی وقوعه اسلام
 بتیوب قائم مقام ملکی اثنا سنده رتیق وقتی کند و هوا سنج ایتدی
 دیواتم امله سیاه سنگاهه کشیکن هر ماده بی پایه سر بر اعلا یه عرض
 ایتدیکنی ناطق خطوط شریفه امله موشخ تلخیص صرین ابراز ایله ابرای
 ذمت اید و به نجات بولدی و مسندش سار سلطنت و مؤتمن امور ملک
 و ملت اولان وزیر رابع طر نقیجی حسن پاشا میدان انتقامده بوچی
 اور لغه چو کر کشیکن یکبچر یلر شفا عتیه عفو اولدی و زمره
 طواشانندن اولان خمبر و پاشانک سردار اغنه باهت اولتی تمحتی ایله
 قیو اغاسی غضنفر اغا و دار السعاده اغاسی عثمان اغا مظهر عتاب
 و تیغ آیکون و آقشتاب ایله کلمری حباب اولدی اول ایکی مهره
 سفید و سیاه غاطسان میدان سیاه سنگاه اولد قنده جمعیت
 کسته زمام و سر رشته قیل و قال انام قرین انفصام اولوب
 پادشاه عالیناه دخی ارکان دیوانی سلا ملبوب حرم خاصه
 روان و خلیق دخی کلبانک دعای فلك الافلاک بتور و ب
 پریشان اولدی

(توجه بشیجی حسن پاشا بجناتب آستانه و سرداری لالا محمد پاشا) وزیر
 اعظم تاتار خانی پیجوی قشلاغنه کوندر دکه نصکره سرحد امورینی
 لالاحمدر پاشایه و بلغرادده ذخائر و سایر مهمات تدارکتی دفتر دار
 انجمنی زاده ایله وزیر محمد پاشایه سپارش ایدوب کند و کنخدا سی
 مصطفی اغانی بوسنه و بودین ایالتلرندن ذخیره جمعیه کوندر و ب
 در دیوانده قولک حرکتدن کند و به ضرر توجهی اغلب احتمالدر
 دیوسبکبار بر بلوک خدمتکار ایله چیقوب استانبوله ایلغار ایلدی
 باغودنه نام محله حسن اغانم قیوچی باشی کلوب صنع الله افندی
 دلخواه سپاه ایچون مفتی اولدینغین خبر و یدی و قیو کفخدا سی بمنلی
 حسین اغانم مکتوب کنور و ب و جردک سکا کر کسه علی التجیل

کله سکه دیمکله پر آن توقف ایتموب عجله یوله روانه اولدی لکن نهر
 مور واک طغیاقی و بوز پاره لری ایله شدت اوزر جریانی عوقه
 باعث اولوب نه حال ایسه بر تنک محله ووز اوزرندن کجوب نیشه
 وارلد قده آستانه دن تکرار مکتوب و آسم کلوب غصنه فراغاً وقعه سنی
 سادردی بوند نص کره هیچ طور میوب خرمنلویه کلد کده ایکی نفر
 قیوجی باشی خط همایون الله والدہ سلطان مکتوبی کتوروب
 دعوتی متضمن خبر مسرت اثر ظهور ایددی وزیر بوقفیری دعوت
 ایدوب جواب نامه لرغی یازدیر بد حال اول ایکی بواب سر آب ایله
 کروییه ارجاع وار سال وانندی اندن ادرنه یه وصول بولوب
 اتمکچی زاده سر ایته زول اولندی بوقفیر اول وقتده ادرنه قاضی سی
 بولانان ذکر یازده یحیی افندی که صکره شیخ الاسلام اولدی محکمه لر نه
 آرام ایدوب دیدی ساعته وزیر ایله معاقیم و جانب دار السلطنه یه
 ایلغار اهتمام اولندی سلوری ایله قارشدران یفنده قیو کتخداسی
 یمنی حسین اقا سلیمانیه متولسی صاری علی اغا ایله قارشو کلوب
 بو کیجه بهر حال سرایه داخل اولان لازم کلد در اگر یارینه تأخیر
 ونور سه سپاه زور با کوندروب ستری دفع ایدر ل طرف سلطنتدن
 ساوری قیوسی بوا بلرینه تنبیه اولتشد دیمکله پاشادخی مر به دن
 چیروب چاقونه وار اولوب سرعت ایله شهر شعبانک یکر می بشنجی
 کیجه سی دردی ساعته باب مزبور دن داخل و سرایی سروره
 واصل اولدینی ساعت پایه سریراعلا یه تلخیص ایله قدومنی
 اتها ایلد کده خوش کلدک قدومک مبارک اوله دیو جواب پادشاهی
 ایله مقننر و مباھی اولدی و اول کیجه قائم مقام محمود پاشا خبردار
 اولدق کلوب بالذات ملاقات ایلدی وینه کندی در عقب ایکی
 قاضی بکر افتد بلز کلوب ملاقی اولدیله کیده چکلری وقته
 پاشای کامیاب ایکپنه خطاب ایدوب دیدی که آفندیلر بوندن
 کیدر کن شیخ الاسلامه واروب بز دن ایصال دعا و سلام ایدوب

دیه سر که بوجله نزول ایلدین بولبدن طوغری سعادتنه زینه واروب
ملاقات ایدم جک ایدک کیچ وقت اولمقله حضورلرینه مانع اولمیه ام
دیو صباحه تاخیر اولدی یارین نه وقت مساعده اولورسه استعلام
وبوجانبه اعلام ایدم سر صباح اولدی اصلا انلردن یوباید جواب
کیدی مکر اولمهرده زور با شایلی مفتی به واروب وزیر
بی تدبیردن سرحد امورنده واقع اولان تقصیری سببی ایله اعدام دین
مسئله غالب وشوکت اسلامی سالب اولمشیدی دیومؤداسندن استفتا
ووزیر عزیزورک قتلنه قوی الرب فتوایی قائم مقام محمود پاشایه
کتور دیلر بر وایتده شهر شعبانده وزیر اعظم آستانه به قریب
اولد قده محمود پاشا اعمال مکر و قریب ایدوب ذکر اولان وجه اوزره
فتوایی الموش و سپاه الله ویرمکله تکرار جمعیه باعث وام الخبائث
حوادث اولمشیدی حالا فتوایی تنفیذ قصدی ایله قاضی عسکر ری
کتور دوب الله ویردی و بو فتوی مشر و عمیدر دیو سؤال ایتدی
مشر و عدر دیکچ امدی مشر و عیسی سر دخی یازک دیو زور بار
مواجهه سنده اقدام ایلد کده انلردخی مشر و عیسی تحریر
وامضا ایتد یار

(تلخیص کردن محمود پاشا بقتل و وزیر را و امتناع پادشاه بابت بیه
حسن پاشا) زبور محمود پاشا زور بارک بر موجب فتوی حسن پاشایی
قتل مراد ایتد کلرینی یازوب اگر مساعده اولمخرسه فساد عظیمه
سبب اولور دیو تلخیص ایدوب فتوایی قاضی عسکرلک یازدیغی
امضای ایله تلخیص ایچنه قیوب حضور همایونه کوندردی بو طرفدن
حسن پاشا خبر دار اولد قده بو فقیری دعوت ایدوب حضور
سعادتمسیره بو مضمون اوزره بر تذکره تحریر ایتدردیکه محمود پاشا
بو غرض فاسد اجر ایچون زور با اشقیای سنه اوتوز یک فلوزی
ویرمکه نههد ایلدی واکر مساعده بیور یلور ایسه بر قاج کونه دل

اسانه كلميكن اعظم فساداته اقداملى مقرر در حال محمود پاشا
تخليصنه لازم اولان جواب وزير اعظم دن صدور ايلين امور حله
بنم مرفتمله در جرمي ظهور ايدرسه بن حقتدن كله ييلورم بتمله
وزيرم اراسته قول نچون مداخله ايندر قارشده قلرينه رضاي
همايونم بوقدر ديو اشارت پيوريلوب ارسالند نصكره قيو جيلر
كخدا سي قوللرينه دخی همان فرما همايون صادر اولق كر كدر كه
بو كيجه واروب بلا مهل محمود پاشا نك حقتدن كلوب دفع فتنه
ايله اكر بود كلوسپاه ايله مقابله نيجه ممكندر ديو سوال پيوريلور
ايسه بكيچري طائفه سني بو بنده لري كندومه نحو بل ايلشمدن
ديو كوندردلي ذكر اولكان تذكره مضوننه وقوف همايون
حاصل اولد قده محمود پاشا تخليصنه بوكونه جوابلر فرور ارسال
پيورالدي فتوى و امضا كاغذلى البقونلوب قيو جيلر كخدا سي
قاسم اغا حضور همايونه دعوت اولندي و بو كيجه البته محمود پاشايه
واريلوب حقتدن كله سن و بو تخليص ايله فتورلى وزير اعظمه
ويره سن ديو قبيه پيور مشلر مزبور قيو جيلر كخدا سي كاغذلى
وزير اعظمه كتوروب كندى خواجه سي اولان ابوالاسمان
مصطفى اقدنيك كاغذلى كتم ايلدى و محمود پاشا قتلنه مامور
اولد بئى ييلدروب كندى لكن محمود پاشا خوف ايله فرار ايدوب
بولندي پاشا كلن فتواي حفظ ايدوب مقتبك وقاضيه سكرلك
خطي ايديكنى ييلدى

(التجساي وزير اعظم حسن پاشا بزمه بكيچريان و جمعيت ايشان
وتلاشي سپاهيان) چون محمود پاشا كوندرد بكي تخليص كلوب
اوقندي عقل باشندن كيدوب نيه اوفراد بئى ييلوب اضطرايه
دوشدى زور بار منتظر طور لر ايندى چون پادشاه فتوى ايله عمل
ايتوب حسن پاشاي حايه ايلدى زسر اينه وارر كندميز قتل

ایده رزد یو چیقوب آت میداته واروب بویاده مشا وره ایله یار
حسن پاشا بوقضیه دن خیر اولیق سرای قیوسنی قیایوب
زوجه سی سلطان مکانه قریب براوطه یه کیردی زیراهنوز زفاف
واقع و لما مشیدی سپاه زورباری آلا ایله باب سرایه کلوب قیاش
بولد فلرند حسن پاشا تک تدارکی محکم ایدیکن یلوب قلع باب
حدید عمل کثیر استراخشام قریدر وقت تک اولغله بوکون اتمام
مصلحت مبر اولمز یارینه تاخیر ایدلم دیوطاغلد یلر بو فقیر ناتوان
دخی اول اولده بیت احزانم روان اولدم ایدی حسن پاشا کیجه
ایچنده خلق صلوة هشایه اشتغالده ایکن تبدیل صورت پیاده
ایکی خد متکار برار ایله قله قیوسندن چیقوب یکپیری اغاسی
قیوسی دیمکله معروف سرای دلکشایه واروب او موضع بی نظیره
پنهان او اش اول کیجه بمنلی حسین اغا ایله صاری علی اغا بوعبد
حقیرک منزله اوغرا یوبد وانکر ایله بر قاج طبق کاغد الوب
اغا قیوسنه واره سرزید یلر و عجله ایله کتدی یلر بو حقیر دخی عجله
اوزره اتلنوب اغا قیوسنه واردم کوردم که حسن پاشا صدر مجلسده
جالس و یکپیری اغاسی اتباعیله مقام خدمتده قائم و ونس اولمش
فقیری کوریمچک بانه چاغروب پایه سریرا هلا یه بر کاغد املا
ایدر دیکه حال مستد افتاده اولان مولانا صنع الله افندی
اشقیایه معین و پناه اولوب سابقا برادرزاده سی چلبی قاضی نام حقه
ناراضی و ساسطی ایله جلالی قره یازیمچیدن اوتوزیک غروش
الوب سنان پاشا زاده محمد پاشایی معزول ایشدر دیکدن
غیری زوربار ایله اتفاق ایدوب گاه دیوانه غلوا ایشدیروب
قیواغاسیله قزل اغا سنک باشرینی کس دیروب و حالیا
وکیل سلطنت عظمی اولان حسن پاشا تک قننه متعاق
تکاملر دغدغه سببه عالی قیغولو ایدوب بونلردن ماعدا اسانه

کلیه جنگ تدارک کاره مباشرت ایدوب هرفته ده حاضر شر
 وفساده باعث در دیو جله یکپچر بلر مفتی مرقومک ازاله وجودی
 لازمدر که یوزور بار طغیانی بر طرف اوله دیرل ازاله اولنمسه
 باری جزیره ردوسه نفی واجلا اولنوب قنوی خدمتی بر صالح
 و متدین کسندیه وریک مهم اولغله اناطول قاضی عسکری مولانا
 مصطفی افندی دا عیاری هر وجهه صالح و دیندار و عقیف
 و پرهیز کار در منصب قنوی اکا غایت بیوریلوب یری استانبولدن
 منفصل مولانا مصطفی داعیلرینه صدقه بیورلق باینده فرمان
 پادشاهم رکدر دیو بمضمون اوزره تلخیص تمام اولوب پاشایه
 ویرلدکه بردستماله صاروب حاضر ایلمدی بوندن صکره جله وزرا
 و علما و مشایخ و جبهه جی و طوپی و ترسانه خلایق و اهل حرفه از لسته
 خطابا بیورلدیلر یازلدی و هر کچکه پادشاه طاعت اوزره در آلان
 حر بله سلیمانیه حرمنده حاضر و امره منتظر بولنلر دیو دعوت
 و اول کیمه طرف طرف بیورلدیلر کوندرلدی اسفرار بخرو وقت
 شافهمده اغا امانه اقتدایله صاحب دولت صلوة صبحی ادا ایدوب
 اندن صکره اخشام یازیلان تلخیصی بر معتمد علیه آدمیله عتبه
 خلوت سرای همایونه کوندردیله طلوع شمس قریب احضار لری
 فرمان اولتان طوائف سلیمانیه حرمنده و یکپچری مسلح و مرتب
 اغا سیرانک نزدیکی ایاننده عادت مألوفه لری اوزره اوطه باشیلری
 ایله طوردیلر و ایچلرندن ییکانه لری طشره سوردیله بعد ازان وزیر
 مزبور و یکپچری اغاسی فرهاد اغا بالای زدن باند طوروب بر خط
 همایون چیقاروب بکتابشانه قرشو اوقوندی مضمونی سز که
 یکپچری قوللر مسز بر خوردار اوله سز نعمتم سز زه حلال اوله
 آبله کرام واجداد عظام زمانلرندن بوانه کلجه سزیدن خیانت و خیانت
 و خلاف رضا حرکت صادر اوابوب دائما رضای شریفمی کوزلیوب

وزیر اعظمه معین اولوب زور باشتیا سنك حقارندن كاتمكه امداد
 واقدام ايليه سز بنم دعا وحسن توجهم سز كله ييله در چون
 يكيچر يله خط همايون استماع ايلديلر پادشاهه خير دعاه اجتماع
 ايدوب دخی خفيه تعليم اولندقلری اوزره اغزا چوب بزم دخی خیر
 سوزلر بزم واردر اصغایوروب پادشاهمه عرض ایتکری رجائیده رز
 اول احوال خیر اشغال بودر که مفتی اوللر پادشاه اسلامه خیر
 خواه اولورکن خالافتی صنع الله افتدی دولت علیه بدخواه اولوب
 قره یاز بیچسدن برادر زاده سی چلی قاضی یديله اوتوز بیک التون
 الوب سنان پاشا زاده بی غزل ایتدردی بعده زور یار ايله متفق اولوب
 دیوانی باصدیروب اغارک باشی کسدردی شمدی وزیرا باشن طلب
 ایتدیروب مراد لر نجسه فتوال ویره یور جله مزك مرادی بودر که
 مزبورک حقندن کتله ومحمود پاشا دخی ساعی بالفساد اولدینی
 ایچون قتل اولنه وزور یار دخی سپاهیلردن طلب اولتوب تسلیم
 ایدر لر سه فهاهند ایدوب ویرمرز ايسه جله سنك حقندن کاتمكه اقرار
 مقرر در قتال لازم کلورسه وقتلرینه حاضر اولسونلر بزم حاضر
 طور پیشن در دیدیلر وزیر اعظم دخی جلی الرأس والعین دیوب
 جواب ویروب اغا ايله معاینه مقامارینه کلوب قه سود ایتدیلر
 وزیرا و غلاما خارج پایه سنه وارنجده وسائر اعیان وارکان عموما مجتمع
 اولدیلر جفاله زاده سنان پاشا حضور دن امتناع ایتدکه چاوش
 باشی کوندر یلوب جبراً احضار اولندی بعده بلا و پاشلر وزیرا
 دفتر اولتوب اسامیلری چاندی وهر بری ایچون مرد تیماری
 امری یاز بلوب ضابطلرینه تسلیم اولندی

(جمعیت سپاه) بو طرفدن زور باز سحری ارسلان خانه اوکند
 جمع اولوب صف باغلیوب طور لر دی وزیر اعظم بلوک اغارینه
 چهره و مواجهه سنده امر لری ویروب دیدیکه سپاه طائفه سنه

واروب بواسامی صاحبترین سپاهیدن طلب ایدک اگر تسلیم
 ایدر لایسه فیهما الوب کتورک والا وقتلرینه حاضر اولسونلر
 عموم ایله او زرلرینه واریلوب حقلمندن کلنک مقرر در اغار سما
 وطاعه دیوب روانه اولدیلر سپاه جمهوری اوکنه واروب وامری
 کوستروب زورباری طلب ایلدکلرند. پرستی و یوز زپادشاه
 جله سپاهیدن کچمه نه احتمالدردیو جواب ویریک اغار سپاه
 باندن فالوب کتخدار بوخبر فاصواب ایله وزیره کلدیله بوئساد.
 سرای عامره جانیندن ایکی قیوچی ظاهر اولوب فتوی تلخیصی
 کتوروب صدر اعظمه تسلیم ایتدیله پاشا آجوب کوردیکه عرضی
 مقتضاسیجیه فتوی وقاضی مسکرلک توجیه اولنمش همایم اناطولی
 قاضی مسکری ابوالیمان مصطفی افندی توجیه یوروب الله مبارک
 ایله پادشاه عالمشاه حضرت باری منصب فتوی یی سزه توجیه
 یوردیلر دیدکده مصطفی افندی آخره خطاب اولنور قیاض
 ایدوب هم روم ایلی قاضی مسکرندن اشوری جالس اولمقه برخوشجه
 فهم ایدمه مدی پاشا قالدوب فرمائی افهامدن مسکره مصافحه
 ایدوب بازو سندن طوتوب وزانک اوژلرینه یکوردی وخصار
 مجلسه دستبوس تهنیت فتوی ایچون اشارت ایلدی جله علما
 ووزرا علی التزیب تهنیت ایتدیله بوندن مسکره صاحب دولت
 طرف پادشاهیدن علی طریق الوکالته مفتی جدیدین استغنا ایلدیکه
 دفتر اولنان زورباشقیاسن تسلیمه امتناع وبعی وعتاد اوزره
 اجتماع ایدوب اطاعت امر پادشاه ایچین زمره سپاه حقه
 نه پیورر سرشرعانه لازم کاور دیدکده امر سلطان اسلامه اطاعت
 ایتمکله جله سی باغی اولورل قتالده ججه بیلری تفریق ودفترلی
 تمزینی اولغنی لازم کاور دیو جواب ویردکده پاشا تکرار بلوک
 کتخدار لایسه خطاب باعتبار ایدوب وارک اول جیمیت ایدنله

بوجوابی یلدرک واول شقیری الوب کتورک اگر خضاد ایدر سه
 پادشاه اول زمره کراه قوللغندن کچمشدن چله سنک دفتری
 آتیه اولتی مقرر در صکره نمانت مفید اولر و سز که طوا یف مزبور
 ضابطلر بستر شویله که سز دخی بویاده جایه کونه اهمال ایدوب طلب
 و اقدامده اهتمام ایتمز ایسه کز پادشاه اتفاق سز که حق کزده ضرب
 اعتناق امری ایلمشدن چله کز که نزد بان یاغنده بیونلر اولتی مقرر در دیدی
 انلر دخی بنده اول طرفه کتدیلر بوانشاده وزیر اعظم قیوچی باشلره نکاه
 ایدوب اولر مرمردن داود اتا که وقعه عثمان خاند وزیر اعظم اولمشدر
 انی یانته چاتروب سر اسمعنه دیدیکه فرق نفر قیوچی ایله مفتی سابق
 صنع الله افندی خانه سنه واروب کندوبی منزلندن خالد بروب
 اسکله یه کتوروب بر سفینه یه وضع وردوسه اجلا ایلیه دیو فرمان
 ایلدی مزبور دخی فرق نفر قیوچی ایله مفتی منزلنه وارد فده کوبیکه
 صنع الله افندی مقدحجه فرار و اختفا ایلمش و بنه قیوچی باشی
 حزه اغایی واورطه دفتر داری مراد افندی بی چاغروب بویکجه
 فرار ایلمن وزیر کوزلجه محمود پاشاک واروب سرایتی مهر لیه سز
 دیدی انلر دخی کتدیلر و بونخلده استانبول قیولی قیامتق ایچون
 یا یا باشلر کوند رلدی کتخداری کبروات میدانشه واروب قیول
 قیاند یعنی اعلام ایلد کلرند اول قومه رعب و هراس مستولی
 اولوب قی الحان پریشان و هربری بر طرفه کرپزان اولد قلی خبری
 وارد فده بیکچیری اغاسی فرهاد اقا قول کتیمکه سوار اولوب
 مسلح بیکچیری عوما شمشیر آبدارین میانسه بند ایدوب عجمی
 اوخلانی وجهه جی و طویچی و ترسانه لی عسکری اوکنه دوشوب
 اسواق استانبولی دوره و زور بالری آرامقه کندی و سائر ارکان
 دولت منزللرینه طاغدیلر وزیر اعظم اول کون دخی اغا قیوسنده
 خالدی بیکچیری اغاسی شهر استانبولی طولاشر کن ضرب بخانه

فر بنده واقع اشقیای سپاهان مکانی قور شونلی خانی با صوب
ایچروده اولئرک اثواب و اموالنی یغما و نیجه سنی اله کنوروب
اعدام و افنا ایلدی و یکی قول اراسنده عداوت واقع اولدی
سور قسطنطنیه نك قبوری اخلاق اولغین اهل بلدك موتاسنی
بیله اخراجہ بحال محال اولوب اولکون اول کیجه بواسلوب
اوزره قالدی

(ذکر متولی پوراز و غیره از اشقیای) اول **کونک** ایرتسیکه
یوم ایلمه ایدی ینہ علی السهر شیخ الاسلام و جلہ وزرا و علماء کرام
وارکان و اعیان واجب الاحترام و عموما قیوقلی و خدام شاه
حال مقام دونکی کی اضا قیوسنه دعوت اولوب صلا زمانه دك
مشاوره و تنیم امور دین و دولت ایچون انواع محاوره اولند قد نصکره
پاشای کامکار پادشاه عالم مداره ملاقات ایچون سوار اولوب
مفتی جدید و ناطول قاضی عسکری مصطفی افندی بی بیله آکوب
بودکلو مسلح پیاده عسکراوکنه دوشوب حضور همایونه وارد قد
دسنبوس سعادت مانوسله مشرف اولدی لازم اولان امور چه وری
سویلشوب مشاوره اولند قد نصکره ینہ اول الای مرتب ایله
سرای عامره دن چیقوب آت میدلنده اولان سرای دلکشایه
واروب صاحب دولت سرایند و فرارایتدکده لشکر تفنگکار آتوب
سوار لری سلسه شور لقلرایدوب شنلکرو شطارتلر کوسه تریلر
مفتی ایله قاضی عسکری بمقدار صحبت و مکالمه نصکره منزلت ینہ
کبدوب پاشا مقام حکومتده آرام و مصالح ناس ایله قیام ایلیوب
خلق عالم و وجوه ایم فوج فوج دسنبوسه کلوب نهیت قدوم
و عرض تشکر رفع اشقیای فتنه رسوم ایلدیلر اول کون وقت
عصرده ایکی شخص بری بری اردنجه سرعتله کلوب زور بارزدن
پوراز عثمان ایله اوکوز محمد اخذ اولند یغنی اخبار و سپاهیلر انا سی

مصطفیٰ اغا کتوره یور دیوتشیر ایلدی در عقب اغای من بور اول ایکی
مغوری کتور و ب حضور وزیرده ال باغلوب طور د یلر پاشا
پویراز ناسازه خطاب ایدوب عثمان بک بزسکا سفرده بیحد رعایت
والتفات ایدوب منصبلر و زقیار و نامعدود خرجلر و یرمشیدک
بزمه احوال و عهد بکر بویله دکل ایدی نه باعث اولدیکه اعدا مریاله
اتفاق ایله سزدیدکده دلی پویراز دهان معذرتی باز ایلیوب
ای پاشای سرافرازی نیچون سوبلدر سن بن اول صوچی ایلدیمکه
اعتذاره مجال اوله کفران نعمت ایتدیکم یولچه ایزیمه کلدی
بنی مظهر ایتدیکک احسانی اولیله باصدم که بهر تقدیر کوزومه
طوره یه هر مرتبه سیاسته استعفاقم مقرر در همان کال احسان کردن
انی رجا ایدر که بوکنه کار قوی عورتلر کی کند کلو فشار ایله
قتل ایتدر میوب سیف ایله اولدوره سزدیدی پاشا جوانده
الله صغیه که سنک کی بر مرد شجعی ازاله ایتدیره یوز خصوصاً
پاورز که سنی کند و حالیکه قرما مشلدر اما ارباب خلافت تابع
اولغه باعث نه اولدی آتی بیان مرادیمز در دیو ابرام ایدیمک
جواب و پردیکه استا نبوله کلدکده اول طائفه بی بومقوله تدارکده
کور و ب خلط لرندن امتناع اوزره اولدم کاتب جزمی وغیری
باشمه اوشوب و قنده کیدرسم اردیمه دوشوب دیرلدیکه بهی
عثمان بک بز بومصلحتی کور مشکرک شیخ الاسلام ووزرا و کرک
قاضیه سکرلر و سایر ارکان و کبراجله بزمه ییله در الپنده بومصلحت
کوریلور همان سنک تغرد ایتدیکک قالور بلکه مداخله ایتدیکک
ایچون صکره ضرر چکر سن دیوب بنی قالدیر و ب برکون صنع الله
افندیکنک کتداسی منزلده ترتیب اولمش عالی ضیافته کونوردیلر
زور بار ایله اجتماعم اولکون واقع اولدی ینه اختلاط ایتدم بعده
محمود پاشا طرفندن دعوت و بالضروره اجابت ایتدر د یلر اول خود

بودار که دامن در میان ایدوب بالانات دیدی که عثمان بك
 برزیه مصطفی کورمشز همان سنك امتا عك يانكه قالور جهوره
 مخالفت ایتنه نك معناسی یوقلدن خصوصاً که یولداشلره اوتوز یك
 فلوری انعام واحضار وانسدی اتدن دخی محروم قاله جغك
 عاقل کاری دكلدر دیو نیجه مقدمات ایراد ایدوب اتدن بنی قالدیروب
 مفتی صنع الله افندی یه بعده قاضی کورلر کتورد بلر انلرک دخی
 هربری نیجه ادله تحقیق ایلدی چون کوردم جله کبار بوسته
 ذهاب اولوب اجاع و اتفاق ایشلر اوزده اوتوز یك فاوری
 دخی مذکور اولدی شیطان اطماعی ایله ارایه کیروب بعده
 زور بار ایله اجتماع و اتباع و دوشن فتنه بی ایقاع اوزره اولدم
 دیدی اول محل وزیر اعظم حالاً مفتی اولان ابوالمیان مصطفی
 افندی انلره تابع دکلیدی دیدکده پویراز عثمان قسم یاد ایدوب
 انلر غیر یلردن زیاده ساعی ایدی دیدکده حسن پاشا یوقفیرک
 یوزینه باقوب اولبا بد استغراب کوستردی پویراز ختم کلام
 ایتد کد نصکره پاشا بلوک انعامی مصطفی انعامه بیوردی
 وار بونلری باب هما یونه ایلت حضور پادشاهیده بواحوالی
 تقریر ایتسونلر دیدکده ایکسنی دخی آلوب حضور پادشاهه
 ایلند کلرنده منوال مذکور اوزره تفصیل احوال ایتد کلرند نصکره
 اشارت علیه ایله بیونلری اورلدی برابری کوند نصکره اول
 زور بارلردن دیه کوز رضوان اله کتور بلوب سرای عامر ده
 قتل اولندی قزاز علی و بورناز محمد مقوله سی دفتر لی زور بار
 برر ایکبشر اله کیروب باب هما بوند جله سی تیغ سیاستله قتل
 اولوب حق لردن کلندی اما سپاهلر کاتبی جز می نام بد بخنك
 بولماسنه چاره اولوب کسنه ایزینه ایرمدی مکر بر قاج یك التون
 استحباب ایدوب کند وی میت شکله تاپوته قویوب اسکداره

کچوریش سوراستان بولدن بوحيله ايله چيقوب برقاج خد متکار ايله
اتنوب فرار ايلش خد متکار لری اول فلوری به طمع ایدوب
برکھسارده کئسدوی قتل و دینار لری اقسامده منازعه به
دوشوب آخر بریر یله عربده ایتکله بری قاچوب بو خبری
افشایه باعث اولدی

(مقتولی حسین خلیفه) رؤسای ارباب خلافتدن
حسین خلیفه نام شخص قبولاسی قتل اولندوغی کونده بالمشافهه
پادشاهه نیجه بی ادبانه کلمات ایتکین ازاله سی مراد پادشاهی ایکن
حسن پاشا و قعه سنده یکچیر یان صیانت ایدوب حتی زور بالرد فترینه
دخی قید و ثبت اولماسنه ییله مانع اولدقارینه بناه اغراض عین اونوب
اصلا لسانه ییله کئور لمیشیدی شقی مرقوم تمام امن حاصل ایدوب
خلاص اولدم دیوبی پروا رمضان کیجه لری قهوه خانه ره چیقوب
یارانی ايله ذوق نهانی وصحبت کامرانی اوزره ایکن رمضانک اون
برنجی کیجه سنده علی الفقه قهوه خانه دن قاید بریلوب حضور
هما یونه کوندردلده بلا امان عدم دیارینه کوندردلی الحاصل
بو طریق اوزره زور باشقیاسی جله اله کیروب وجودی سودلندن
حالم تطهیر اولندی

(احوال کوز لجه محمود پاشا) محمود پاشا ایسه بو قعه اولنده فرار و اختفا
ایتمیشیدی مکرر صوفی زینه کیروب زنجیری سروی سمندده مقولان
استانی بولدن مرحوم حاجی خسرو بنا ایندیکی جامع جوارنده اولان
خانقاهده که باز کان جامعی دیمکله مشهور در عارف بالله الشیخ
رمضان قدس سره حضر تدرینه الجبالش طلبکار واروب
مشنبه اولمغه سچلمدیکی معروفدر اول آستانه یه الجباله جان
رها ایلدی

(عداوت فریقین و قتل طر نفی حسن پاشا و علی اغا و باقی اوضاع

نا پسندیده وزیر) بود و قهرا در نصکریه یکجای ایله سپاه آراسته
عدوات دوشوب بری برین تها بولد بجه قتل ایدر اولدیلر خصوصاً
استانبولدن طشرده بوا یکی طاشقه آراسته کارزار اسکک اولدی
یمشی حسن پاشا ایسه زور باری قیوب اهل فتنه یه بومر تبه تفرقه
و شکست و یروب بومقوله قائله هائله ی دفع ایتم دیو جانب خاقان
اسکندر آستانه دلال و امنانه باشلیوب زیاده مقرب و مقبول اولد یغنه
تمام مغرور و عرض ایتدی بکرمدا و لنگر دیو دولت بی اعتبار پنج روزه ایله
فتی مسرور اولمشیدی بو کندویه مبسر اولان قتح عزیز و نصر
مینک هر لحظه شکری واجب اولوب هریر و تقوای مزید اولمق
مناسب ایکن عتف و جبروتی ارتروب نفس اما ره سی دیلد یکن
تمشبت ایدوب حداهند الدن زیاده شدت و بی وجه سفک دما
وسبا سئلایمکه باشلیدی و کال غرورندن بخصور اولدیغی کسسه لری
جزئی بهانه ایله ازاله ایدر اولدی جله دن بری بر کیچه یکجای انا لغندن
چقمه علی اغایی که قبوا غامی داما دیدر بلا عله بوضه دیروب
هر کس مخیر ایکن اول کیچه نک ایرنسی کونی دیوانه واروب
عرضدن چبقارکن اشارت ایدوب وزرای عالی رأ بدن طر نفهی
حسن پاشای باب السعاده سقی التنده چو کردوب بونقی
اوردردی و بونلرک جرمی نه ایدیکی معلوم اولدی انجیق سابقاً
حسن پاشایه بغدادیالی ویر بلوب کشیدی اولزمان عن می زاده
افندی بو قطعه یی دیمشدر (قطعه) عجب اولمز بورو زمانم ایچون*
کر بلادن اگر دینلسه شدید* نه علی قالدی نه حسن نه حسین*
بریزد ایتدی جله سنی شهید* و سابقاً قائم مقام اولان وزیر سا عجبی
حسن پاشای قتل قصد ایدوب بعض سبب ایله ارنه حق روحندن
تجاوز ایدوب طر بز و نه اجلا ایلد رکاه خد اوند کاردن بویله
تبعید و دیگر قائم مقام سابق طواشی حافظ پاشای دخی مغضوباً

قلل سبعة ده حبس ایدوب نجاتدن نا امید اولدی و او طه باشلیق
 منصبی ایله سلحدار شهر یاری اولان نقاش حسن اغا بهر کون
 حضور هما یونه بالکن وار یغشده مزبوره طشره چیق دیوا شارت
 ایدوب تردد ایتمکله بمحضور اولشیدی بر قاج کون مرورند نصکره
 بعض جرایم اسناد و عرض ایلوب وقت عشا ده طشره چیقارتدی
 و بو خصوصده جرمی اولوب نئیه پادشاهی ایله طشره کتدی یکی
 معلوم اولیحق بر قاج کوند نصکره قیوچی باشلیق و یرلدی و خزینه دین
 اقبه طلب اولند قبه پادشاهی منع ایدر دیو بر کون جلاد احضار
 ایدوب عرضه اذن همایون اولما مغله ظفر بوله مدی ساعتی
 حسن پاشای باعث اجلا بوایمش که مشاور الیه قائم مقام ایکن
 سردار یمشی حسن پاشا تک او غور سرزایینی بین العسا کر عیان
 و ظاهر اولمغله سفرده عبور ایچون او غور ادینی کو پر یلر قیر بلوب
 ند بیر تده دخی کال قصیری ظاهر اولمغله افراد لشکر یوز شنبه
 طور و ب پره او غور سرز چون مهمات و تدارکک بوشکدر نیچون
 سردار تک امورینه تعهد ایلدک دیو سرزنش ایدرلر ایش عسکر
 بویله یوزه چ قماغه باهث اولان شخص نیجه سردار او اور محصل کلام
 تبدیلی واجب اولمشدر دیو عرض الیش ایش پادشاه حاضر تلی
 دخی ساعتی تک عرضی مفتی عصر اولان مولانا خواجه زاده
 محمد افندی به کوندروب واقع حالیدر دیو سوال ییورد قدده محض
 افترا درد بود دفع ایش قضیه یمشی به منعکس اولد قدده ساعتی به
 عداوت ایدوب بالاخره طر بزونه طر دایله اککتفا ایلدی و قیودان
 جغاله زاده تک منشد صدر ته استعدادندن خوف ایدوب زور بار ایل
 اتفاق ایلشیدی دیو ازاله سی باینده متعدد عرض و تلخیصلر ایلدی
 طرف شهر یاری به تأثیر ایلد یکنندن دلکیر اولوب برهفته
 اصلا حذری یوغیکن دیوانه وارمدی جراح محمد پاشا ایله بو حقیر

امور دیوانی کوروب کند و سی تمارض کونه طشره چقمادی
و یو وضعی باعث قیل و قال اولدی محصل (لا وفاء للملوك) مضعونندن
کال مرتبه ذهول ایدوب مقرب سلطان اوللرایله مداراته و کار کران
دولت ایله ترك محاوراته سلوک ایتیموب اخر الامر جراغ باختصاصی اولان
مفتی مصطفی افندی ایله دخی ما بین اولوب ورا ضیه خاتون زاده
مصطفی پاشا و همرازو هواداری یکپیری اغاسی فرهاد اغا ایله
دخی منافرت ایدوب دار السعاده اغاسی عبد الرزاق اغای دخی
رمیده قلوب جله اکا بر واعیان ایله وفاق شقاقه مبذل ایلدی
و بو ائشاده تجارتخانه سی ناسنه فخرایه صالحین صالحوب یازمچی زاده
القاسمه علمادن رسوم پروآت الوب باب ظلم و تعدی بی باز و دست
جور و ستمی خلقه دراز ایلدی و سنه آتیه ده بو اوضاع ناهموارک
جرا سنی کوردی

(ذکر بقیه احوال درین سال) رمضان شریفک اون برنده جراح
محمد پاشا جلای اوزرینه سردار تعیین اولمشیدی ماه مرقومک
یکرمی بشنده رفع اولنوب برینه جنفالی زاده مأمور اولدی
و مصردن معزول خنصر پاشایه ماه شوالده وزرات خاصلری تعیین
اولنوب دیوانده اوتورمق بیور لمشیدی غره ذی القعدة ده طونه
بالسنه محافظه سردار لبقی توجیه اولنوب کوندردی و یکپیری
اغاسی فرهاد اغا معزول اولوب یری قیو جیلر کهنداسی قاسم
اغایه ویرادی قره حصارده قشلاکین دلی حسن شاه و یردی
کهنداسنی در دولت کوندروب جرایم گذشته سندن استغفا
ایتکین یکپیری اوچاغندن طور نه جی باشی حسین اغا رایه کوروب
من بعد روم ایلی سرحد لرنده غزایتسون دیوشفاعت ورجا
اولمغله خیر قبولده واقع اولوب بوسنه ایاتی و یراری و مزبور طور ناجی
باشی و شاه و یردی ایله کند و نه طبل و هم و خلعت فاخره کوندردی

مزبور دخی اشغابی طغیدوب غره ذی القعدة ده کلیولی معبرندن
 کچوب روم ایله توجه ایلدی و درتوز قدر مغرب آدم لر نه بلوک رجا
 ایغکی، طغوز اقیسه ایله علوفه جیان عین غربای عین و یساره
 الحاق اولندی و مزبور طورنا بی باشی بکچری الای ایله ماه
 ذی الحجه نك اون اوچبی کونی استانبولدن چیقوب بلغراد سردار
 محمد پاشا اردوسنه توجه ایلدی پاشای مومی الیه بودیتدن قالقوب
 بلغراد کیش و طشره چیقوب درنک ایشیدنی دلی حسن و طورنا بی
 برشی قدومنه منتظر اولوب طوردی ماه ذی القعدة ده مقدما سردار
 تعیین اولسان جنالی زاده حالی اوزره قالوب بروسه محافظه سنده
 اولان اتا طولی بکر بکبسی نوح پاشاید خا صالر توجیهی ایله وزارت
 ویریلوب قپو خلقدن سلحسار بلوکی و علوفه جیان عین بلوکی
 و سکیان باشی نقراتیه و فرمان و سبواس و مرعش و حلب و آدنه
 ایالتاری تعیین اولتوب جلالی حسندن ایریلان قره قاش او باشک
 و طویل بلولباشنک دفعی ایچون سردار قلتدی و جلالی بارشده قد
 یانلرینه اتجایدن خان زاده لردن سلامت کرای و محمد کرای و شاهین
 کرای درگاه شهنشاهه مراجعت ایلیوب او اخر ذی الحجه ده
 جنجه لری عفو اولندی و ماه مزبور کبکری بدیچی کونی پادشاه
 عمر مشرب سلطان محمود نام شهرزاده لرینی مظهر قهر و غضب
 ایلدی تفصیلی بودرکه مشایخدن بری شهرزاده نك جلو سنه وفق
 قویوب بعض ادعیه و عزایمه متعلق مراسلات واقع اولدقنده
 قزل اغاسی متظن اولوب خنکاره کاغدی الوب عرض ایدیچک
 اولاشهرزاده اخذ اولندی بعده والده سی و شیخ و واسطه اولار جله
 اخذ اولندی لکن بوغدر پادشاهه دخی منین اولیوب برآید نصکره
 اول محذوره اوغراد بلر مزبور شهرزاده بر شیخ و غضور کچمه ایلدی
 هر بار خنکارک جلایلر امرنده افکاری اولسه تسلی و یروب

بی سردار ابله کوند رسکا ضروری سرفرو و ایتدیزه یم کرک سیف و کرک
احسانله انلرک تخمیری آساندر دید کجه پادشاه اتی بومعقوله
سوزلر دن منع ایدردی

(قتل نذازل عبدالرحمن در دیوان همایون) یوسالده ظهور ایدن
غریب و قایم ندراسه نیا بولده بهرام کتخد ا مدرسه سنک خارج
پایه سبله مدرسی اولان نذازل لقی ابله مشهور صاری عبدالرحمن
سنه مزبوره جادی الاولیسنک اونی کونی الحاد و زننده
تهمنی ابله اخذ و دیوان هما یونده قتل اولندی اخی زاده افندی
صدر روم واسعد افندی صدر اناطولی ایدی قتلده حکم ایتدیله
اسعد افندی تنک طر نقی حسن پاشایه خصوص مزبوری
سوال اینسد کده جواب نامه سیدر بنی سلطانم نذازل
خصوصی سوال یولمش بویه زندیق کورده دم حشر و تنشر
و جنت و جهنمی و ثواب و عقابی با اکلیده انکار ایدوب
(اولس الذی خلق السموات والارض بقادر) نص کرمینه
نه دیرسن دیدم قادر در اکن وقوعه کلز دیدی بوکار خانه به
زوال احتمالی بو قدر دیرسن (یوم تبدل الارض غیر
الارض والسموات مطویات بینیه) نص و صندیه دیرسن
دیدم تا و بلی و توجیهی واردر مراد بینیه یونشته ده اولان
احوالدر دیدی (یوم یكون الناس کافراش المبتوت
وتكون الجبال کاعهن النفوش) نه دیم کدوید کده
طاغیر کی آدم لر مالدیه بریشان اولور دی کدویددی دخی چوق
نصوص قویه ابله شبهه ردیه سن ازاله و قبول حقه اماله قصد
ایلدک بحال اولندی بومرتیه زندیق در قصور عقلمده اکرچه
شبهه یوقی فاما دارة تکلیفدن خارج اوله حق قدر مجنون دکل ابدی
زعیمجه حلی اداره بحث ابلدی مجنون تاویل نصوصه قادر اولر

زندیقك ايسه بعد الاخذتوبه سى مقبول اولوب بلا تاخير قتلى
واجب اولغله شرع شريف موجبجه قتلنه حكم اولدى
حضر تکز حاضر اولسه كز كندو اليكزايه قتلى جائز ايدى كندوزعم
فاسدنجسه دنيا بلا بنسدن خلاص اولدى مسلمين دخی النسدن
ودين اسلام دلدن خلاص بولدى

﴿وقایع سنه اثنى عشر و الف﴾

(سرداری محمد پاشا بیجا نب انكروس درسفرچیل اطه وعودت
تا تارخان) سنه سابقه ده وزیر اعظم حسن پاشا در دوله كلكده
بودین محافظه سند ده اولان لالا محمد پاشای سردار نصب
ایشیدی پاشای مزبور دخی اوائل ریبعد بودیندن قالقوب
بلغراد کلدی اول اطراف واکافه احکام شریفه کوندروب
عسکری درنگه دعوت وبلغراد ده جمیت ایند کد نصره
آستانه دن کوندرین یکچیری ایله طور ناجی باشی وولی حسن هنوز
واصل اولدین زمان سفر تنك اولدی دیو بلغرادن قالقوب بودین
جانبه توجه ایتدی اوسك کو پرستی کچوب قوروا منزله نزول
اولد فده بوسنه بکدر یکبسی اولان دلی حسن پاشا کلوب ملاقی
اولدی قره قاش بلوک باشی کلیو لیدن دونوب اناطولیده قالدی
من بوردلی حسن اطاعت صورتده کرچه روم ایله یکدی لکن
کیرو جلالیک طرزین چقمبوب اولا بوغازده قدرغه سنه بندیکی
بکی جزئی بوانه ایله غضب ایدوب تنك ایله قتل ایتدی ادرنه ده
بجحد یغموراق و سراج خاله اثوابی و سائر لوازم الوب شهره توزیع
ایتدردی ادرنه لی برفاج یوک اچمه صالغن چکد یلر فله و موفیه
وسائر قری وقصباته بومنوال اوزره تعدی ایده رک کچوب پیاده
وسواری اون ییک قدر عسکرایله سرداره کلدی و بونک عسکری
کورلدهش بطور وطر زغریب اوزره ایدی کبی عزیان بوبنده

جائز و غنائم و کمینک رکابته بر دوه اردله سی اصلش وارقه سنه
 زیلار حسابلر کی د بزمش کمینک باشی آجیق عورت صاچی
 کی اوزون صاچی ایکی یانته صار قش کمینک یالدری چبلاق
 والنده برقرارغی مزارق اوجنده ایکبشر فارس بیاض بیراق بو هیئته
 کلوب اوطاغ سرداری احاطه ایندیلر چله قتلاری یئاردی عقیقه
 خنچری کوکسندنه برکروه ییله کوروب حاضر و ناظر طور د بارسردار
 یوز فرق قدر بللو باشلورینه خلعتلر و بر اولغندردخی چوقه لر
 کیدردی اولخلده اوج در نیوز آدمی بلوکه عرض ایلدی پاشا
 کوره لم دیو فردایه صالمشیدی آخر الامر تنقذ ایندردی و بوندن
 اقدم غازی کرای خان پچویده فشلا یوب بلاد کفساره افن ایتش
 لکن اولغندر مراد اوزره طوبیلق المیوب کلشیدی سرداردخی
 یودیندن بلغراده کلورکن واروب ککندویه بولشوب صحبت
 ایتشیدی بودفعه سکسار منزلندن پچوبیلی ابراهیم اقتدی کندو
 فریخی و آدمسی اولغله دعوت کوندر دی مکریمشی طر فشدن
 عوده اشارت اولمش و اردقده بلاتردد عن قریب کیده رز
 دیو جواب و ربوب جلالی احوالین سؤال ایتدی و انلر ایله بز نیجه
 جمع اولورز دیدی و زرد کوسرتدی من یوردخی دونوب سرداری
 خبردار ایتدکده اتمکچی زاده طرف سلطنتدن بر معین آدم
 کوندراسه تعظیم بولنوب سوزی تأثیر ایدردی دیومز بور ابراهیم
 اقتدی بی یانته الوب ککندوسی کتدی واردقده براز
 مکالمه دن صکره ایتسی در اوه صویندن جلالی بکنجه توقف
 ایدوب دفتر دار اقتدی ایله معا کیده رز دیو مکتوبلر ایله ابراهیم
 اقتدی بی کوندر و ب اتمکچی زاده خان یانته قالدی متعما یمشی
 دفتر دار ایله متعاهد اولوب خان کیدرسه درد و انده جایه ایدرز
 جانب بادشاهیدن معاتب اولماز دنیایی قحیمی ایتسه کرک بوسردار

مصالحت کورسه اعدا من بزه ظفر بولور همان سرحدی محافظه
 ایتسون دیدیکنی ییلدر دی خان دخی کوچوب اول محلدن کنددی
 دیارینه عزیمت ایتدی دفتردار دخی کلوب یاس جوا بن کنوردی
 اول محلدن کوچوب لوب طی مراحل ایده رک ماه محرم اواخرنده
 حیره بک سرایشه نزول اولندی انکیجی زاده اول محلدن دونوب
 روم ایله تحصیل ماله کیشدوب طریان علی اخندی اردو دفتردار
 قالدی و کفار سرداری و محارقه و داندلری و قرال قزنداشی بوجه
 الی بیک قدر کافر طاووری پشته انده اولوب چیل اطه به
 کوپرسنی قوروشیدی ذخیره مهمات کیلرینی بودین جائینه کچور مامک
 قسندینه جزیره من بوره کیشلر و طوب قوروشلر ایدی عسکر اسلامک
 نزولن کوروب چادره طویلر ایدیلر اکثری خلق بر چقور قازوب
 قورونورلیدی و کیمینه بی قالمه اغه قومادیلر اول محلدن دفعاله
 مشاوره اولوب اصلا بر خیر اومور رای صدور ایتدی یرار انلو
 اقیه کیدرسه کفار فی الحال کوپری قوروب اوزدیزه کلور کیم
 مقاسومت ایدر بودینه ذخیره قویمدین قالمقوب کتمک دخی مناسب
 دکدر ذخیره عسکره توزیع اولوب حیره لر و دوه لر ایله بودینه
 نقل اولسون اندنص کره کیدلسون دیدیلر بوکره یمشچی اردله
 کندیکی کبی کافر بودینی محاصره ایتدیکنی تمشیل ایدوب جائز
 کورمدیلر آخر اطه به بر دخی کوپری قورالم کافرک طایفه سی
 اوزدینه وارالم دیو کوپریه مباشرت ایتدیلر اول کیمه بلوکلردن
 ترقی ایله سپاه یاز بلوب سلحدار اغاسی کوچک عثمان اغا و سلحدار
 کانتی فدایی بک اون پاره شاهلی ایله و امرادن بر مقدار تفک
 انداز و اوج بیک قدر سکبان کچوب صباحه دک تاپه ایچون
 دیزمه دیره سزدیو تنبیه اولندی بیکچیری اغاسی پرینه اولان
 سکبان باشی سفر اغا کلوب بر دخی اوجافدن اوج درت بیک آدم
 زمین ایتلک دیدی بیکچیری کچمسون سوزینی سوزیلک کیمسه

اقدام ایدہ مبوب بیکچریسن ایش اولورمی بیکچری لازم دکل
 سوزیلہ طعن وخوفندن سکوت اولندی لکن چوق بیکچری کچمکه
 شروع ایلدی بعده بزه همبارقاج یک اتلو کرک دیمکه باشلدیلر
 هرتقدیرکه بش اون یک اتلو طابوره مقاومت ایدہ مز انجق یاا
 کچوب کوپری قور بلنجہ متریسہ کپروب اوئہ طرفی قورر کوپری
 تمامند نصکرہ اتلو دخی کچر تدبیر بودر دیہ کوردیلر مفید اولما یوب
 البتہ اتلو لازم دیدیلر آخر پاشا ک همشیره زاده نی سرخوش
 ابراهیم پاشا کوسنسدیل بکی ایدی اتی تعیین ایدہ لم دینلده
 راضی اولما یوب البتہ روم ایلی بکلر بکسی مراد پاشا جله روم ایلی
 عسکر یله کجسون دیدیلر صکرہ بوسنه دن معزول درویش پاشا
 تعیین اولنوب کوپری محانه کلدکده بو کوپری برخطسای فاحش
 ونه لیکه دردیو چوق سوز سویلدی محمد پاشا اولیلہ ایدیکه
 ظاهر اما مجبورزدیدی زیرا بیکچری استابولده یمشجیدن و طرف
 سلطنتدن یوز بولوب غایت طغیان ایدر اولشلر ایدی و چونکه
 سز نشاؤم ایدرسز کتک دیو لطف یوزندن سویلدی مز بور دخی
 قسم ایدوب اولمک باقمده بر ایچیم صود کلدلر قیاس پورلیه که
 کندو نفعمی قایرم لکن ناموس سلطنت و عرض اسلامی قایرم
 دیوب کتدی درت بش یک سوار واون ییکدن زیاده پیاده
 فایقار ایله کچوب کاره یغلدیلر و محمد پاشایه عظیم غفلت عارض
 اولدیکه خوابدن باش قالدزمدی هر بار که کوز آجسه
 نه سویلدیکن بیلزدی نصف الیل ایریشوب نه خندق کیندی
 ونه طایفه یایلدی جلال سکبانلری براونه یقاده بو قدر جنک ایلدک
 نه حندق فازدق نه دزمه دیرنک شمدی دخی استمرز دیدیلر
 بیکچریلر انجق کند وری صغناجق برر چقور فازدیلر چون صباح
 اولوب صفک دردنهی کونی جراد منتشره کی پیاده و سوار

قاریشقی نه آلائی ترتیب ایدوب طور دیلرونه متریس قوردیلر بشر
 اوزر فشار یلاک ایدوب پشته قریبده طابور اوزرینه واروب
 طشهرده بولدفلری برابکی کافری الوب دل دیو کتوردیلر و بر قاجانی
 کسدیلر بو طرفدن کوپری اتمامنه فوق الحد اقدام اولدی لکن
 یتشعدهی همان ظهره قریب کفارک آلایلری یوردی خنزیر
 سور یسی کی بری برینه ملاصق کلوب بحار آنلوسی بزم آنلویه
 مقابل اولوب جنک ایتدیلر پیاده دخی متریسله طیساندی لکن
 رودن کوپری یوق که امداد واره حاصلی عصره قریب زمانه ک
 جنک متادمی اولوب بالاخره بوقدر یسک آتم دوکوشی دوکوشی
 شهید و کیمی طونه یه دوشوب نابید اولدی انحق بر ایکوز آتم
 کیمی پیاده و کیمی سوار طونه دن یلدروب بری یچدی و نیجه سن
 شایقه ر واروب تخلص ایتدیلر و بریدن طوب و تفتک ایله چوق
 کافر دشور دیلر درویش پاشا اون قدر ایچ اوغلانی ایله کفار
 قارشوشنده چوق زمان طوروب بچانلره استعالت و برمه قید اولردی
 عسکر دن کندویه معین یوق کوردی اتباعی ایله کفارک بر یوک
 الاینه هجوم ایدوب دوکوشی دوکوشی شهید اولدی و بو طریق
 ایله جلالی عسکر دن التی یک قدر نفوس ضایعه و تلف اولدی
 بوند نصکره کفار خاکسار ساحل طونه یه طویلر کتوروب جسک
 طونبازلرین طاعتندی انکله دخی قناعت ایتموب برو بقایه کیلر ایله
 عسکر کچیروب برکیجه ده متریسله قوردیلر واردنجیه جسک
 قورمغه مباشرت ایتدیلر عسکر اسلام اوج کون مقیند اولمدیلر
 کفار دخی وافر عسکر کچیروب کوپرولری اتمامه قریب اراشیدی
 دردنچی کون فرمان سردار ایله دلی حسن پاشا اتلنوب متریسله
 واروب مهمما مکن هجوم واقدام ایتدی لکن خنده قلری عقی
 اولمغه کیرمک ممکن اولمیدنندن دونوب ایکی جانبدن طونه

کاری ایله متر یسارینه دخول ابتدی و بالجمله پرو بقایه پکن سکر ییک
 قدر سردن کچدی کافرك جله سنی طومسه شمشیر ایلدی انجق
 ایکبوز قدر کافر چام یکلرینه بنوب طونه اورته سنه واردقلری کی
 انارك دخی یکلری دور یلوب غرق و هسلاک اولدیلر بوند نصکره
 سردار و عسکر اول محلدن کرچوب بودین جاننه وارمشلرایدی
 کفار غیرت جاهلیه ایدوب برنیجه ییک کافر عسکری کچوروب چنکر
 ایتدیلر بودیدن بر اینکی ییک عسکر چقبوب اینکی طرفدن هجوم
 و اکثرین هلاک ایتدیلر اقل قلیل خلاص اولدی بردفعه دخی صفرك اون
 ایکچی کونی سردار بودینه ذخیره قورکن کفارینه حرکت کلوب
 اسکی بودینه گذار ایتکله عسکر اسلام فارشو واروب انده دخی
 جنگ عظیم اولدی آخر الامر کفار کبر و پشته جاننه چکیلوب
 کو پرلرین رفع ایتکله دونلدی فصل شتادخی ابتدا ایتشیدی
 سردار بودین واستونی بلغراد هماتلرین تکمیل ایتد کد نصکره
 قول او غولرینی یو قلوب بشیوز جدید قول او غلی یازدی
 وطورنه جی باشی حسن اغایی نونجی تعیین ایتدی وروم ایلی والیسی
 مراد پاشای ایالتی عسکری ایله بودین محافظه سنه و بوسنه
 بکار یکبسی دلی حسن پاشای اوسک محافظه سنه قودی و سردار
 ماه ربیع الآخرک اوندر دنده عسکر اسلام ایله بودیدن دونوب
 اخرنده بلغراد واصل اولدی کتند و قشلا غه کبر و ب عسکره
 اجازت و یردی و واقع اولان احوال یازوب دردوانه عرض ایلدی
 (ذکر بعض وقایع در آستانه) محرمده صوفی سنان پاشا به وزارت
 و یریلوب آستانه به دعوت اولندی و یکچیری اغاغنندن معزول
 فرهاد اغایه ایالت شام و یریلوب و سابقا نوح پاشا اناتولی به
 سردار کوندربلوب کوتاهیه دن حافظ احمد پاشا آستانه به دعوت
 اولمشیدی ماه صفرك یکرمی دردنده کلوب اون بش ییک فلور یسی

میری ایچون قبض اولنوب ایرتسی دیوانه واروب مقانه جلوس
ایتدی کیرو اول کون اخشامه قریب یکچیری اتاسی قاسم
اغا سراینه واروب قیوجیلر کخدا سی ایله یدی قله یه کوند ریلوب
سرای مهرلندی ایرتسی دارالسهاده اتاسی عبد الرزاق اغا واروب
ماملکنی طرف سلطنتدن قبض ایلدی اون سکن کون محبوب
اولد قد نصکره اطلاق اولنوب میخالیجده اولان چفتلکنه
کوند رلدی زیر وزیر حسن پاشا مقدمه مزبوری پادشاهه یکم شبیدی
جرم اغاری شفاعتیه قتلدن خلاص لولدی و محمدیه حاجتی
حسن پاشایه ارضنروم ایالتی و ریلوب سرحد محافظه سنه مأمور
اولشیدی شدت شتاده دریادن طریقه کوند رلدی

(عزل نوح پاشا و سرداری نصوح پاشا) سابقا جلالی اوزرینه
سردار تعیین اولنان نوح پاشایه وزیر اعظم حسن پاشا تک عداوت
قدیمه سی او اغله و زارتدن عزل ایدوب پرینه حلب بکر بکسی
نصوح پاشای وزیر و سردار تعیین ایلدی مزبور نوح پاشا پراختیار
عمل مانده ادم اولغله ولایتی اولان لارنده ده تقاعد ایتمک فرمان اولندی
(قضیه عزل و قتل عیسی حسن پاشا) صدر اعظم مزبور
سرحدی محافظه سنه کارکنار سردار کر تعیین و جلالی غنه شنی
صلح ایله بر مقدار تسکین ایلوب سرکشان عسکری زمام حکمنه
رام و دشمنلرندن اخذ انتقام ایتد کد نصکره بی شریک و سهم
مقام استقلالده مقیم اولوب کید دک ایضه ردیه غرور دماغه
حتصا عد و قرع انبیک انف شاختدن قطرات کبر و نفوت ایله
صحیفه افکاری فاسد اولغله جمله احبابیه محبتی بغض و عداوته
مبدل و یارغارلی ایله الفتی منافرتة محمول اولدی مفتی مصطفی افندی
و راضیه خاتون زاده مصطفی پاشا و یکچیری اتاسی قاسم اغا
و سائر اعیان دولت بالجمله کندودن نفرت ایتمکین دارالسهاده اتاسی

عبدالرزاق ایله عموم خصمانی سر رشته اتفاق پرکید و ب
لطائف الحیل ایله جناب پادشاه عا اینهاک و مهد علیاء عصمت
دستگاهک قبلربی تشجیدن تحویل و محبتلین عداوت نه تبدیل
ابتد یار و سوء اعمال و مظالم نقیر و قلمیر مروض پایله سریر
عالم مصیر ایند کلرنده پادشاه عالیناه حضرتلرندن شیخ الاسلامه
و کبار حوالی و مشایخه تذکره لرحیقوبوزیر مرتورک ظامی واقعیدر
دیو سوال ایدرکن طویوب مفتی دن وقوعی استخبارونه جواب
و پرد کلرین استفسار ایلد کده غیر واقعدر دیو جواب و یرلدی
دید کد نصکره خط شریفی طلب ایدوب مفتی دخی ضایع ایندم
دیگله ارالنده عداوت مشتد اولدی و مناصب ایچون ترتیب
ایلدیکی سلسله لری حصوله کثور میوب تخصیص ایندی ایچورده
وطشره ده عسروی جانی اولنر بالانفاق پادشاهه بو طریقه
یکدیروز بر مرتور والد سلطانی اخراج و تبعید ایدوب اعتراضی
اجرائتک تدارکنده در بو خصوص ایچون جله یکچیری ایله
اتفاق و انقاد ایدوب حتی بر گیکه ایا صوفیه جانبک قبوسنی
اچد یروبو طشره چیقوب خارج سورده یکچیر یاره مال موفور
صره لرینی بذل و تقسیم ایتکه معاهده اید شد بلر دیو تقاسم ایا
بهتانه جرأت ایدوب قلانلری حصول مرام ایچون کیمی شاهد
کیمی مرتبی اولد بلر و پادشاهه و والد سلطانه تمام اعتقاد و یرد بلر
حتی مهر و زاری طلب ایتسه کز و یرمه دن امتناع ایتیه سی مقرر در
دیدیلر حتی بر کون داو د پاشاده پادشاهه ملاقت و امید مصافحت
قصدی ایله وارد قسده دارالسلامه اغاسی عبدالرزاق اغا
بولشد میوب عرض اولنه جق نیجه امور مهمه وارد یرد یوتد کره
کوندر کده دیوان کونی عرض ایله سن دیو جواب چقصدی
التفات پاشاهیدن مهجور اولد یفتی بیلدی و عرض کوننه

منتظر اولدی سبت کونی دیوان اولوب بیکچری اغاسی مقده محه
حضور همایونه برتذکره کوند و رب علی سبیل الاستیجال اهلامی
مهم نیجه احوال واردر اکر تأخیر اولتور سه قتیسه عظیمه
مؤدی اولورد یوب اول آند. عرضسه کیر مکه استیذان ایتمکین
ماذون اولوب کیرد کده حسن پاشا حقند. اولد کلو سوز سو یلدی که
اگر تعجیل اوژره تدارکی کورلزیسه بیکچر یلره تلقین ایلدی
فسادک ظهوره قرین اولماسی مقرر یله سز امهسان ایچون برکده
مهری طلب ایلک عموما بیکچر یلری ایاغسه فالدرمزه بکا جزا
اولنه دیو جناب پادشاهی فی اغضاب ایلدی قیوجیلر کخنداسی پاشایه
کلوب اغا عرضدن چیقدی قاضی مسکرلی طلب ایتدی بلردید کده
سبت کونی اغا عرضنه کیره ک نند اولدی دیو استغبار ایدوب خرده یه
واقف اولدی قاضی مسکرل چیقوب وزرا کیرد کده صدر اعظمک
دور و دراز مکئی معتاد ایکن اکلمیوب علی الجله مثل شایانه طشره
چیقدی غروبیه قریب والده سلطانیه بر شکایت نامه یازدر مقی اوژره ایکن
اویالتوب صلوة هشایه شروع ایلد کده قیوجی باشیلر دن ترک
اجدا اغا کلوب نماز نصکر. برد ستمال ایله برتذکره ابراز ایدوب
خط همایوندر دیو پاشایه تسلیم ایلدی و اول ساحت سود لیجه ده
یاغیحه سلطانیه روان اولدی اما اول حین نهوست قریبند. او جاق
اغالیته خبر کوندروب نوچا تحریک ایتمکله خطای قاضی ایلدی
او جاق اغالری فی الحال جله بیکچر یلر ایله بربره تجمع ایدوب
کیجه اغا قیوسنه اوشوب باعث سن اولدک دیو اغالری قاسم اغایی
بر خانه ده حبس ایدوب خانه قیوسنی اوژرینه کلیدلدیلر
اندن کوروهری ایله مفتی افندی و قاضی مسکرل
واروب ینسه خاتم وزارتق پادشاهدن حصن پاشایه
مجلسا تسلیم ایتدر مکه کیدر سز یوق دیر سه کز

خاندان یگری احراق و نیچه کیمسه لک د منی اهراف ایله رزدیو
 چاغری شوب بو مضبوطی مشعل کاغذ لریازوب حضور همایونه
 کو ندر دیلر اول شب طرف پادشاه بدن خبر طلوع ایتمکله ابرته به
 تاخیر اولندی وانلردخی حلقه بوسندن دونوب اغایوسنه کلدیلر مکر
 بیکجری اغاسی قاسم اغا اول خانه مقفلک دروازه سن قویاروب
 فرار ایتمش وطوفری صدر اعظم جدید اولان جراح محمد پاشایه
 واروب کندوبی عرض ایندیروب وزراته چیغدی ویکجری اغا غی
 مهری الوب کتون ترک احمد اغایه ویریلوب بویانه ایله وان مالکندن
 منفصل صار قجی مصطفی پاشایه دخی وزرات ویرلدی خاتم وکات
 ایسه مصر دن کله جک یاوز علی پاشایه کوندر ملک نصیم اولمش
 چون اول شب بو مقوله وقایع عجیبه صورت پذیر اولدی هفتسه
 آخرینه کلدیوان اولماغه تنبیه اولندی چون صباح اولدی یکجری
 کتاخاری دیوان اولدیغنه دخی باقبوب بالاتفاق صرای همایونه
 واروب کبر و البتده مهر شریف حسن پاشایه ویرلک کر کدر دیو حرم
 محترم اغا لینه اقدام ایندیبلر مکر اولکون شیخ الاسلام و بعض
 مشایخ کرام دعوت پادشاه اسکندر غلام ایله صرای همایونه کلتلرایدی
 انده بولما غله اغای جدید ایله ملاقات ایدوب پندو نصیحه بزل
 مقدور ایندیبلر تا که بلو کلرک اکثرین تحویل و شفا قلرین وفاقه
 تبدیل ایدوب بو کروه منتصح اولوب هر بری وکالتده وزارتده
 نه علاقه من وار پادشاه کیمی دیلر سه استخدا ام ایلمون دیمکسه
 پاشا دیلر کنخدا ری وباش چاوشلری و محضر باوکاری
 اصرار ایتمشلرایدی بالاخره انلردخی منفساد و مطاع و امکاری
 ضایع اولدی حسن پاشا اعداسنک غزلری افسانه ایکن صحیح
 و غرض و بیهانه ایکن صدق صریح اولدی اخرا لامر بو وضع
 بو العجب مخالف طوارد و محرک آتش غضب اولوب اون کون قدر

مرواربتش ایدیکه علی الغفله اون نفرطواشی ايله بو ستانچی باشی
طرف علیه دن کوندر یلوب سلطان او طه سنک مصدوره سنده
حسن پاشای بی بولوب طشره چیقاردیلر و خندان اغا باغچه سنده
کندوی قتل و اتیانک کارین کر یه و عویل ایلدیلر (ع) اول
حسناته موته تاریخ قتلیدر اول تاریخده سلانیک قاضی غنی زاده
اندلی صنع الله افندی نیک دامادی اولغله عزل و تحقیر و عرضه
تفتیش و تغیر اولدوقده وزیرک غرض و تعصی ظاهر و مولانای
مزبورک طهارت ذیلی باهر اولغین بو محله یحیی بیک رستم پاشایه
دیدیکی ترکیب بند اسلوبنده بو مطلبی ترجیع بند ایتشیدی (فطلمع تاریخ)
* حسنک عزلی حسن قتلی دخی مستحسن *

* دوشنه تاریخی نوله قتل یمشبی احسن *

(سبب برودت و عداوت قاسم اغا اغای یکپریان یمشبی حسن پاشا)
قاسم اغا پاشانک صدیق و یار غاری و هرا مرند معین و هواداری
ایکن انحرافه باعث و خیر خواه ایکن عدوی بدخواه اولماسنه
سبب حادث بواولدی که حافظ احمد پاشای پدی قله ده حبس
و مالن مصادره فرمان اولدوقده خاصه همایونه لایق اولمان اشیا
فروخت اولغی بیورلدوقده قاسم اغا بو خدمته مباشرت ایتشیدی
حسن پاشا اورطه دفتر داری اولان الی پوغاچسه اوغلانی دیوان
طرفندن کوندر یوب اغای مرقومه تشریک و میری به سعی
ایده سن دیوتنیه ايله تحریک ایتکله اولدخی اغای مرقومک بهض
امته به طمعنه مانع اولوب بهاری تعیننده منازع اولدوقده
قاسم اغا تحمل ایده میوب پادشاه بو خدمتی بکاسپارش بیورمش
ایکن سن بو مصطفه ندن قرین اولدک دیدکده دفتر دار مزبور صبره
مجبور اولوب قوجا رکخذ الغندن اون سکر کونده سنی بو مقامه
اولشدیران پاشای باقبال تشریک ایلدی خصوصاً کد بوم قوله مصلحت

دفتر دارلر مخصوص ایدیکی قانون نامه لده مصر حدر اغازک
علاقه سی یوقدر دیجک افا اظهار حدت ایدوب ان شاء الله
عن قریب سنک وسنی سکوند ره نک اثوابی دخی بیع بکانبصیب
اوله جقدر دیمکین پوغاچه زاده یوسوزه برک وشاخلر الحاق ایدوب
وزیره نقل ایتکله اغضاب ایتشیدی اغاوزیره کلسد کده عتاب
وان شاء الله سنی پانیه بینجا غنه محتاج ایده یم دیو خطاب ایدوب
ارازنده عداوت از دیاد بولاشیدی بالاخره مکر و حبله ایله پاشایه
غالب وچاه وچان سالب اولوب الی پوغاچه زاده بی دخی عزل
ایله قانع اوایوب نیچه مدت یدی قله ده محبوس ایتدردی و ماملکن
میری یه الدردی وحسن پاشا نک مهربارینی دخی اغای جدیدک
حبسنه قالدردی وزماتلرین آخره وپردردی اول عصر ده رئیس
الکتاب بولتان یایی زاده جزه افندی ایچون که اول دولت مرادیه ده
کا نکش علی پاشا اشارتیه مقتول اولاندر رسوم پروات علمایی
جمع ایتدردی دیومفتی الانامه عرض واعلام ایتد یروب و ستایی
باشی حبسنه وپردردی جزه افندی صکره بذل اموال ایدوب کوچ
ایله خلاص و سلمدار اغا رجاسیله مناص بولسیدی پرینه جراح
محمد پاشا تذکره حبسی کاتب میم رئیس الکتاب اولدی

(قائم مقام شدن قائم پاشا) در دوائنده قائم مقام اولان جراح
محمد پاشا مرض تقریسه مبتلا اولغنین دیوان همایونه عرض
کوتلرندن غیر یایامده واره میوب گاهی سرایتده ایکنندی
دیوانه ییله چیغه میوب نشانی جزه پاشایی دیوانه چیقاروب
رعیانک شکواسن اصبغا وامور جلبله بی کسندویه انما ایتدردی
برکون قائم پاشا عمل ایدوب مفتی الانام مصطفی افندی بی قصص
همایونه دعوت ایتد یروب احوال عالمی سوبلشورکن جراح
محمد پاشا نک معلول اولدیغن وقایم پاشا نک خدمته اقتدار بی

انها جناب مولانادن صدور بولوب كلامنه بونكله رواج ونظام
 و یرد بکجه جراح محمد پاشا پادشا همک امکداری وزمره وزرائک
 اختا ویدر لکن مرض تقریسی سبی ایله کما ینبغی خدمتیه قدرتی
 ردیوانه جیقماعه استطاعتی یوقدر حتی موقع دیوان سلطانی اولان
 حزه پاشایی استماع اور و خصوصه استخدام ایده بور و واقعا نیجه
 اینسون تد بیریدنهی اشتغال اینسون امور سلطانه می آخر کار حزن
 پاشایی اختیار ایلدی اما دولت علیه ییوک دولت در وکالت و نیابت
 ایله اموری تمشیت ممکن اولز موی ایسه جراح پاشا بنده مرینه
 تقاعد عنایت بیوریلوب برینه قاسم پاشا قائم مقام قبلنسه امور عالم
 انتظام یولوردی دیمکله جمادی الاخره سنک سکرخی کونی ایدی
 اول کیجه جراح پاشا متقاعد اولوب قاسم پاشا قائم مقام اولدی
 و دائمی ایله مصافات اوزره دریلوردی امور کلیه و جزیه ده مثلا
 مشورتیه تمشیت کوسزردی حتی دستاری مصطفی پاشا و زرادن
 اولغله کاهیجه بعض امورده مداخله ایتسد یکچون اناطولی ایالتیه
 کوندروب برینه قورد پاشایی وزارت کچوردی و سارتمه نصبه دخی
 دیلد کلرین نصب ایدوب اجانبی طرح ایلدی

(فرستادن مهر شریف بعد از قتل یمشچی حسن
 پاشا بوالی مصر یاوز علی پاشا) یمشچی حسن پاشا سنه
 اثنی عشر و الف ربیع الاخره عزل و جتادی الاول سنه
 قتل اولوب خلعت وزارت الباشنه مستعد وزیر دیوان
 بلند ایوانده موجود اولما مقین خاتم سلیمانی خزینه هماره ده
 برسم و دبعت موقوف طوروب جراح محمد پاشا بعده قاسم
 پاشا قائم مقاملی خدمتده اولشلا ریادی و محافظ مصر یاوز علی پاشا
 طرف سلطنتدن دعوت اولغله امراء مصر دن بیر یکی نایب
 مناب ایدوب در دولتداره شتاب ایتشیدی قرب وصالی استماع

اولنچین مهر وزارت مقریان حضرت نندن قبللی دلسز ید بیله چادی
اولیده علی پاشا به فارشو کوندردی

(ابتداء ظهور فترت در سرحد عجم) یک اون ایکی سالی که سنه
بنی ایله معطردانده واقع اولان قران علویین سیبیله باذن الله تعالی
اجلافت تغلب و خروجی امر مبرم اولغله رئیس فتنه باضیه
اولان شاه عجم شاه عباس ناسپاس نقض عهد ایله دایره ابدن
خروج و مارج فتنه و فساد هرج ایدوب مسالک محروسدن
بعضنه دست تعد یسنی دراز ایلدی بو فساد باعث و بادی
بو اولدیکه چون خاندان مشید الارکان عثمانینک فر دولتری
آفتاب آسا قطار عالمه ضیا کسزدردول سالفه دهرامات اولسان
استحقاق نسبی مظنه ظنه در دیو مدار او اعتبار قیلقدن دامن همنلری
بالا و برتر اولوب زمان قیلیده رکاب همایون خدمته رهین اولان
خادم کترینی قاهره مصره سلطان ایدرلر کذلک سائر مناصبه
خصوصا فتوحات جدیدده کثرت مطالب و قلت طالب حسبیه
مطالب جلیله فی خدام عسکره توجیه یابنده نواب سلطنتک بحسب
الضروره مساعده لری ادائی زمره سنسک مراتب عالییه وصولده
مؤدی اولور بناء علی هذاتبریز قولیکه هر بری عقلمده یکا په وادرا کدن
بی ما په لایکن ضرورت حسپی ایله مدارج عالییه ارتقا ایدوب
ایام دولت سلطان عثمانیه ده واصل یسار و صاحب قطار و مهار
اولوب احسان بی کرانی تحمیلدن فالوب اظهار بنی وهناد وسلوک
مناهج فتنه و فساد ایلوب تعیین اولنان مقرر رینه غیر قانع
ورعایا اموالنه حریرص و طامع اولدیلر حکام و ولات کلامنی استماع
مایندلرنده مرفوع و احکام الهی و اوامر پادشاهی میا نلرنده
ناممروع اولوب فرط تکبر لیدن اموال رعایا غارتی ایله قنا عتدن
کچوب اموال امر او حکام خسارتنه دخی جسارت ایلدیلر حتی

جوارلنده واقع قدیمین اطاعت اوزره اولان اگر اددن شاه قوی
اولادندن سلاس حاکی غازی بکه دست نعد یلرچی درازایمکه
منه وری حیطه اطاعتندن کردن افراز و عمرد و عصبین مقدما تنه
شروع و آغاز ایتمسینه باعث اولوب میرمزبور جانب پادشاهیدن
یدمبا یعه سن انتراع و طرفی مخالفه انقیاد و اتباع قصدایدوب
بعض اتباعی ایله شاه جانبیه مکتوب کوندر وب کف جانبیه التها
وامداد و فریادرسی رجا قیلد قدیه شاه روباه شان ایسه نیمه روز کار
کین کونده مکین و بوزمان ایچون فرصت بین ایدی آینه امله
پیکر مقصودی چهره کشاکش کور بچک یاننده اولان ملاحدندن
جشنید نام بریلد ایله ارسال تاج و تیغ و کمر قیلوب هر وجهه
کندویه هوادار و عن قریب متعقب و قضا دار اوله جغن اظهار
ایدوب کلدکده مزبورک دلخواهی اوزره مقصودی حصول
بو ایچق اظهار صفا و جهور قیلوب تاج الحادی بر سر و کسوه
زندقه یی در بر ایدوب بایالتنده مقرر اولان اقطاعی ویرمکدن امتناع
و جانب مخالفه اتباع اظهار ابلدکده تبریز یانک نارغیظ و غضبلی
یرالتها بولوب لکن خصمه بالاستقلال جوابده بیطاعت و تاب
خصوصا عدو جانی مخالفیندن استمداد مناسن اشرا ب ایتمش
اولیچق تدارک تام و مصرف اقسام الغزام اولفق کرکدر دیو
همجوار لی اولان عسکر نخبه و اندن امداد رجا و والی ولایت اولان
علی پاشایی سفره الحجابیلر چون تبریز یانک رسو لری نخبه وانه
وصول بولوب مفهوم معلوم اولدی قصد حفظ ناموس پادشاهی
و تادیب مقرر دشاهی ایچون اجابت دعوت چار و تحمل مشاق
اسفار قلد قارنده والی ولایت روان و زبر و روشن ضمیر شریف
پاشا تسکین غبار فتنه و فساد ایچون هر جانبه نصایح مشفقانه
ایدوب لکن هیچ بر جانبیه کارکر اولدی آخر کار کتخدا سی

عثمان اغایی سپه سالار عسکریان روان ایدوب اولو توفیق ذات
البین ایتمک اصرار یوب اگر اول بد مذہب رجوع ایدر سه فہما
والا ترتیب مقدمات حرب ایدہ سن دیوتقیہ وانندن ارسال اولدخی
عسکر پنجوانہ اتہالدن صکرہ اواسط ربیع الاولہ ممکن معہودہ
عسکر تبریزیان ایلہ ملاقات ایدوب اولو متردد مزبور سفیر ایلہ حقہ
دعوت اولند قدہ فرط تکبرندن نصیح پدیر اولیوب کندودہ دخی
مقابلہ یہ تاب و طاقت یوق ایدیکنہ جازم اولغین زیر حکومتندہ واقع
قازنی یارق قلعه سنہ تحصن والتجا ایدوب جواب سفیری صدای
طوب و تقنک ایلہ ادا قیلدی پس عسکر اسلام حصار مزبوری
محاصره نیتہ کلوب پیرا منہ نزول ایدوب مسانت وارتقا عی
کوزل بنہ کورمندی اقدام نام ایلہ هجوم وخلق اوزرینہ شرارہ
تغک و خدنگی مانتد رجوم قیلوب و ہلہ اولی دہ دامن حصارہ
وضع قدم و قرب جد اوردہ نصب او او علم ایدوب برہمتہ مقداری
اشغال ناثرہ جنگ ایلہ قازنی یارق قلعه سنہ چکرکاہ اولہ جق
ایشار کچد کارخی محصور مسفور کورد کدہ قلعه یی اللرندن تخلیص
بحال اولدیفین بلوب ترک فرزد و عیال قیلوب بالای جداردن
کندوی پرتاب و جانب شاہہ شتاب ایدوب اقتان و خیران عازم
خراسان اولدی اولاد و اتباع و سائر لری برایی کون دخی مدافعہ
ایدوب کورد یار کہ خلاصہ مجال یوق سائر محصور ز اہل و عیال لری
اوزرہ استیمان ایتدیبار چون مقصود عسکر پان تأدیہ متردین
ایدی اولمغدار ایلہ آک تقایتوب پیرامن قلعه دن مباعدہ و دیلد کلری
یرہ عزیمتہ مساعدہ ایلہ مالی و منال لرندن عسکر بانک دست تعدیاری
منوع قانندی قلعه مزبورہ دخی سائر قلاع سلطانیہ بہ الحاق
اولند قدہ صکرہ عسکر پنجوان کتد و ستملریتہ روان اولوب
تبریزیان دخی پرریتہ عطف عنان قلد یار

(حرکت شاه عجم بجانب تبریز با تحریک کورد غازی بك) چون
 کورد غازی طی مراحل اید رك اصفهاند عتبه شاهدر و مال و صد بار
 تضرع ايله كشف حال ايدوب اول جانبه انساب اظهار ايتد يكي
 سبیدن خصماسی ياننده قرين دمار ورهين ذل و خسار اولد يغبين
 صوت اهلي ايله ندا ايدوب امداد و داد خواهی امر نده همت
 رجا و عثما نيان ايله مشا طحه يه اغرا ايلدی و دیديکه ديار
 آذر بايجان ملك وورثك و اها لبيسي بنسداكان مخصوصك اولوب
 قدومكه ناظر لر در خصوص صا دار المللك آذر بايجان اولان
 بلده تبریز كه كان تبر و ابريز درو كچينه منال و مال فراوانله مالامال
 اولوب حالا عسكردن نهی ايكن اتهاز فرصت فتي ايله مبسر
 و اختتام كلي مقرر در دبو آتش فساد الهاب و ديك تحريك
 و افساده بوسكونه آب و تاب و پردكده هوای نفسه ملايم
 اولغله شاه كراه صدقله سامع و انتهاز فرصت ايله تسلط ايلاند
 طامع اولدی آيت كريمه (ولا تنقضوا الايمان بعد توكيدها)
 غواستی كوش ايتيوب ياننده موجود اولان عسكركينك كزيده سيكه
 ايكي اوج ييك مقداری ملوك درم خريده سيد ر اصفهان
 و تبریز مابيني منازل كاروان ايله يكرمی كونك مسافه ايكن داب
 ملوكانه يي تارك و مسلك صعلوكانه يه سالك اولوب طقوز كونده
 قطع و سنه مزبوره دبيع الاخرينك اون طقوزنجی كونی علم بغی
 و خروجی صحرای تبریز د رفح ايلدی و يرايكي كون انجمنده
 اشرار دار و دياردن تولنكي و كوك طوباق نامنه اشتهار بولان اشقا
 و اردبيل حاكي ذوالفقار خان عسكری ايله چله او بيشيك قدر
 عسك ر جمع ايدوب تبریز بالله قلعه مر قوه به دخولدن مقدم
 مقابله به عزيمت قلوب عسك ر صوفيان نام قريه فر بنده از نيت
 نام موضعه نزول ايتيديدی منزل مزبورده مقابله ايچون ترتيب

مقدمات جنگ مشغول اولدی

(جنگ شاه عجم بآبر بریان در قریه صوفیان) بوجانیدن چون قوم تبریز بریان نجوایان ایله مواعده و قلمعلینه مراجعت قیلوب موضع مزوره قریب اولد قلنده اخبار عسکر اعدا متابعه اولوب لکن کجینی معلوم و شاهک بالذات حضور مقطوع و محسوم اولوب بادی امرده اشرار اکراد و اشقیای اقطاع بلا اجتماعنه محمول اولدی سر عسکر لری اولان علی پاشاک حضور شاهد جرمی و امراء حدوددن بعضیستک ارسال مکتوبی سپی ایله قضیه به جسمی اولوب لکن اشاعت ایله بکی تقدیر چه تفرقی خواطر و تفرقه عساکره باعث اولد یوستر و کتم ایدوب عدد عساکری بیک بشیوز قدر انجیق وار ایکن (کم من قته قليلة غلبت قته کبیره) مضمون شریفه انکارله اضعا ف مضاعف عساکر روافض ایله مقابله به نیت ایندیلر شهر مرزورک بکرمی ایکجی کونی وقت ضعیفه چند روم علملرین آچوب هیئت ثم و صلابت مالا کلام ایله مقابله به قیام کوسترد کده شاه سرخ سران دخی یشمار روافض مار شمار ایله الایلرین ترتیب و صدای پادای کریمه نای ایله قلوب مؤمنینی ترهیب ایدوب طور عجیب و اسلوب غریب ایله تقابل فتنین واقع اولدی عساکر تبریز فی الحقیقه منتخب دلاوران و کزیده جنگ آوران اولوب نأثره جنگی اشغال و آتش حرب و ضرری پر اشتغال قیلقله اعداک طبع سردی اول حرارندن کرم و قلب حدیدی موم کی نرم اولوب همجوره لری ظفر انجم اولوق صورتلری آینه املده نمایان اولشیدی حتی طرف اعداک چرخه جی باشیمی اولان غلام علی اوغلی نام شقی که شجاعتده سرفراز ایدی اثناء حربده قره حسن نام یغازی النیده مر داوودی و اولد دمه نیجه ملا حده نافر جام بوش جام

مرک حام قلعه اعدایه هزیمت یوزی عیان اولمشکن از قضا و قدر
عسکرده تیموری اوغلی دیمکله شهر پر شخص که مذهبنده
اعدادین بدترایدی اثناء حربده ملاحظه انجام کار قلوب عد دیز
اعداد عدوتک عسکر عاشری و شباهک حضوری پر زاند حیثیت
و اعتبار اشیری اولوب شاهه شاه کرک مقدمه سیله مقابله و مقاومه
طمع خام و صغوق تیمور دوکک در د یو مدعا سنی ترویج و حرقت
موروثه سی مقتضا سیمه واهمه سی جلب فراره نهیج ایدوب
یوز قدر اتباعیه هنوز اعلام اسلام برقرار ایکن کاردن اولان
فرار زحنی اختیار ایلدی بقیه عسکر یوحالی کورد که اناره دخی
وهم استیلا ایدوب لیکن قانون درونلرند آتش غیرت هیجانی
خاروخاشاک اوهای افنا ایدوب هریری انهار جلالت وایشار شهادت
قیلوب دلیرانه جنک ایلدیلر

(انهرام تبریز یان و غلبه شاه کراهان) جانب مخالف دخی عسکر
عاشر لری قدر آمده جوابده بیطیافت و تاب اولوب ارتکاب
اضطراب ایدوب درون دلدن طور یشوب دوکشیدیلر نیجه
ساعتانلرک باشی یورکسز و نیجه خاتر خاندانی اوکسز قلوب اوزار حرب
و معجوم اعادی وقت ضحوه دن هیجیره دکن مقامی اولمشیدی
حقا که چند تبریز فی الحقیقه تندوتیز طائفه در اما جنک مبارزه ده
حذاقتلری سبی ایل اوزارون بشر آدم قتل ایتمدن کیمسنه شهد
شهادتی نوش ایتمدی حتی متغولدر که قاپور غده سی قالد دیمکله
معروف بر مرد ملاحظه بدکاردن الشمس نفسه تیغ خون آشام
ایله زخم رس و اکثرینک خاشاک وجودین نارجمه خاروخس
قیلوب بالاخره هر برینک باشنه موریشمار کی نیجه ملاحظه
اوشوب کثرت سبی ایله تغلب ایشدیلر اول روز هالده سابقه
نخجوان بکلر بکسی اولان محمود پاشا و اخجیمه بکلر بکسی اولان

خلیل پاشا فیحه سرخ سروجود فی صحیفه روزگار دن حک
و نابود قیلد قندنصره شهید اولدیلر و بالفعل والی ولایت تبریز
اولان علی پاشا دخی عرصه نبرد ایچره شیرانه حرکت و دلیرانه
مبارزت ایدوب حتی شاه کراه شجاعته تحسین ایدوب ائدن
ایر یلوب و یغن آندن الدیروب بر خنجر ایله رزمگاهده پیاده خددن
زیاده کندی حضورنده فیحه دلاور لکلر ایتدیکن شاه بالذات
حکایت قیلوب نجوایسار علی پاشایه اعانت ایتمکله آکا غدر
و پادشاهه خیانت ایتشالردر والا بونک اقدام و اهتنامی انلرک
معاوننده منضم اولسه حال برکونه دخی اولوردی دیو شاه عجم
منصفانه ادا و حقانه کلمات ایدایا لشد ربا لآخره مجروح و دلفکار
اسیر و گرفتار و اعیان عسکرک دخی اکثری طعمه شمشیر کار زار و بعض
مبتلای قیدذل و اسار اولدیلر (ذلک تقدیر العزیز العظیم)

(فتح شه حبله کر قلعه تبریز) چون شه حبله کر انتهاز فرصت ایله
عسکر تبریزه ابراث انهزام و غنایم کثیره اغتنام قیلوب کجی ماردن
خال کور یجک مساعدت وقت ایله اخذ انتقام موجب امروز
و کامر ایدر دیو عثمانیان ایله مناطحه به تمام عقد نیت ایدوب
غرور هزم و سرور و غلبه باهره و ظفر به قلعه تبریز تسخیرینه ساق
اجتهاد فی تسخیر و اعمال مقدمات مکر و تزویر قیلوب ضربت
شمشیر ایله قلعه گیرلکده عجزی ظاهر و فتون مکرده فضلی باهر
اولغین خیال فاسدینه بو گونه صورت ساز اولدیکه قلعه سلطانیه بی
هاله و ارسا کر ستمکری ایله اداره و صورتا وسعنده اولان غبار
جنگ و ییکاری اهل قلعه به آثاره ایلیمه امراء عسکر دن مذهب
باطلن قبول ایلین حیوانات مسلویه العقولی پاتنه کتوروب مقدمات
تسخیر ده تصیر ایتماک اوزره انلری وکیل و سفیر قیلوب کوندر دکده
واروب شاه کراهک جلادت شائنده اطرا و عسکرینه خددن

زاند کثرت ايله کذب و افترا ايدوب و کسدول قلت عدد و انعدام
 زار ايله امد مد يدعه ادمه محال و عن قريب جانب سلطان دن امداد
 عديم الاحتمال اولوب زمان قلیلده قتي بمسروجه کري قتل مقرر در ديو
 اولان تخويف و تهديد قلوب بعده اظهار خير خواهی ايلوب
 سلامت رأس و بقای جان تسليم قلعه و اهلی اوزره استپانه محصور در
 ديوانیات شدت و یأس و ايراث حرمان و یأس ايلدکلرنده اهل
 قلعه بونلرک کذب و زور بينی فرط کرم و مرحمتدن ناشی کلمات
 صادق صائوب اول محاصره دن بکرمی ایکی کون مروردن نصکره
 جادی الاولینک منصفنده اهل و عباللرینه طلب امان و ماللرینه
 تعدی ایتمک اوزره استپان ایلیکی تعميم و مقابلد قلعه دن دفع
 و تسليم ایچون اهبان ضراعت و ایتهاال برله خاکپای و قاحت
 مآله رویمال ايلدکلرنده اول بد عهد و بی امان بونلر کلاب
 رؤافضی اغرا ايدوب اهل و عباللرین اسیر و تالان و مال و ماللرین
 یغما و تالان قلوب قاضی بلد شیخی اخدی دارالضلالده قرار
 ایتمک اوزره استپان و زعمجه اعتقاد و اطمینان و پرد کد نصکره
 وان چاننه هجرت ایند کده سرخ سران تعقیب ايدوب معجوره
 وجودنی خراب ایتدیلر و شاه ضلالت پناه اکثر تبریز یاک نسواننی
 دآب قبیحی اوزره گروه فواحشه الحاق ايدوب هر پرینه قطع
 اجور و امر بالفجور قطعله اعراض مسلمنی هتک ایتشیدی چون
 قلمه تبریزی تسخیر و اهل البستی اسیر و عسکر بنی نهب و غارت ايله
 مسیر ایدیلچک اقبال چرخ ناهمواره اغترار ایدوب سائر بلادی
 دخی تسخیره ساقی اجتهادی تشمیر ایلوب هر جائه از سال
 سرایا و تغییر قیلدی کند و دخی فحجوان اوزرینه عطف عنان
 و امید فتح قلعه روان ايله ترتیب مهمسات ایدوب صحرای
 تبریزه برایکی کون اقامت و اسباب عیش و نوشی فراغ

خا طرایله ادامت اوزره قالدی
 (مسخر کردن حاجی سرعسکر ارباب الحاد سواد شهر اردوباد)
 ذکر اولتان سرایان بر طائفه قصاب حاجی نام شقی که قدیم دن
 مسقط رأسی معدن رفض والحاد اولان بلده اردوباد اولوب
 ابتدای قیئمه آل عثمانه اطاعت و یرار زعامت ایله بین الاقران
 قدری رفیع و بالا اولشیکن خلق بدی اقتضاسیله نعم ساطاتیله بی
 انکار ایدوب اول جمع رفض والحاده واروب ملاحظه او باشند
 بر فرقه یه باش اولمشیدی بلده اورد و باد وطن مالوفی و موارد
 و مسالکی معلوم و معروفی اولدینی جهندن ضبط و تسخیرینی
 اکاتعین ایدوب توجیه امارت ایله کوندردی و رؤساء اسرادن
 مقدمه دولت عثمانیه ده رتبه امارت ایله بانصب اولشیکن رذائل
 طبعی سببیه خلق اخبت قریق اولان بایندر نام شخصی دخی
 اکا رفیق قلوب چون اول طائفه خبیثه جوار بلده واقع نهزی
 عبور و طریق شهره مره کوستر دکلرند ملاحظه بلده اظهار
 صفا و سرور ایله استقباله اقبال و توقیر لینه استیصال ایدوب
 بیوت و اسواقی تزین و ریشلرین تراش و جامه لرین تغییر ایتدیلر
 بو طریقله سواد قاعه مسخر و ضبط بلد مبسر اولوب برایکی کون
 قلعه مستحق نظری قلعه بی حایت و حقوق سلطانیه بی رعایت
 ایدوب آخر معاونت اهل ولایت ایله قلعه یه دست رس بولوب
 دیوارلرین خراب و تفریق ادوات و اسباب قلوب فراغ بال ایله
 عیش و نوشه مشغول اولدیلر

(اسیلاء چراق سلطان بر جلهها) یندیز سریه خبیثه دخی که
 دودمان بغی و ضلالتدن فروغ افروز اولان چراق سلطان
 نام شخص جلهها نام قریه بی تسخیر ایچون ارسال اولمشیدی
 واروب اهالیسی مظاهرقی ایله تسخیر ایلد کده آستانه جانبندن

ضابط محصول اولان مصطفی اتانک مقبوضتی رعایا استرداد
ایدوب برپاش ایله کوچله رهایولدی

(اسیلا روافضی بقلعه النجده و جوان شیر) وینه بر جوق روافضی قلاع
سلطانیه دن حوالی نخبه واندن سلاطین ساجه تسخیر ایدنجه نیجه مشاق
اختیار ایلدکری النجه قلعه سنه ارسال ایدوب اتلر دخی ملا حده
قلعه امدادی ایله اسبلای حصار و ضبط دار و دیار قیلدیلر
و برگروه قوم اتلاری دخی جوان شیر دیمکه مشهور در
اور دنام قلعه تسخیرینه قنایط ایتدی اتلر دخی نیجه اذالین
باز و اول حوالیده ظلم و تعدی به آغاز ایلوب بوجله اخبار هاله
آز مالد بلده نخبه وانه متعاقبه و متواتره و عسکریان قلوبنده
اسباب رعب و هراس متکثره اولوردی

(اسیر شدن حاجی امیر اردو باد) اما چون والی روان شریف
پاشا برپیرسا خورده و محرب رو رکاز دیده ایدی دریای وقارینه
امواج فتدن تغیر کلیوب حصول املده ترك شتاب و دفع خلده
الاقرب فالاقرب ایله عمل قیلوب اولاردو یاده اسیلاییدن قصاب
حاجینک دکان جلالتن تخریب ایچون خصم پاشا زاده محمد پاشایی
سپه سالار عسکر قیلوب بش التبور مقدارى چند ظفر رهبر ایله
اول چایده ارسال ایلدی اولدخی ملائکه آجال کچی علی النجه بر کیمه
مهرنده یتشوب ملا حده بد آیین فراغ بال ایله سیرت روافضه مکین ایکن
عسکر ظفر قرین یلای آسمانی کچی اوژلرینه نازل اولیق ازمندده
اکثرین طعمه شیر شمشیر قیلوب بر نیجه سی دخی روباه و ش جبال
و صحرا پریشان اولدیلر ریسلری اولان شق و شریر اثناء هجومده
آتی احضار و اوژرینه سوار اولق اوژره ایکن بریدی اولان شاطر
چالاک کندودن جست دبره توب بی خوف و بی باله آتنه سوار اولغین
کند و پیاده وزاره بد انکار زارده قالوب بالضروره روباه و ش براینه

کیزی مکر برغازی آگاه و حواله نگاه ایدری فی الحال ایریشوب اسیر
و گرفتار قبیلدی رفیق اولان بایندری دخی برغازی دلیر علف
شمشیر ایلدی سالار نصرت قرین محمد پاشا کسین باشلری و رئیس
ملاحده پی با شنده تاج ضلال ایله سوروب وزیر صاحب تدبیر
حضوریه کلد کده نوازش و احسانه مظهر اوادی

(برداشتن عسکر بجانب النجف) بعد هذا بر سریه دخی النجف
سمته ارسال اولنوب اول حوالی پی جست و جوایدر لکن بعض
ملاحده تفرج کنان قریه لده عیش و نوشه مشغوللر ایدی غزالک
قدومندن آگاه اولد قلزنده سمت خلاصه کذار ایدر لکن ناکاه
شکار پنجه شیران اولوب شاه جانیندن بعض اخبار و اقتراب
قدومن اشعارا یتکلمه واقع حال اعلام ایچون دونوبالی الان شاهک
حضوری موهوم و عسکرک انترامی نام معلوم اولوب الان دلار
بی محابا شاهک قدومن روایت و عسکر تبریک انترامن حکایت ایدر ایچک
عسکره رعب و هراس ایراث انعامک ایچون آشکاره نکذیب
وسرا لوازم اموری ترتیب ایلدیلر

(رفتن عسکر بتخلیص اردو باد) بر گروه عسکر دخی اردو باد قلعه
سنه مسلط اولان اشرازی دفعه کوندر لشیردی کیدر کن مقدمامداد
طلب اولند قدیمه کعبه بهادر لردن نیجه دلیران اول قوم
اشرار اوژدر نینه کلوب کینی مغلوب پنجه ازار و کین هلاک
و گرفتار قلوب بقیه السیف تار مار اولد قلمی انشاء
طریقه معلوم اولد قدیمه رجوع ایتدیلر چون شاه غدارک
عسکرکی اقطاع دیاره پروانه وار منتشر اولوب اهالی قری
افرادندن هر برینه کدایانه بر پروانه کوندر دیک مشهور اولغله
اعیان عسکر انلرایله معاشرتدن قوی محذور ایدی جادی الاولینک
اون بشنده بربره کلوب مشاوره ایلدیلر و دیدیلر که شاهک حضور
کر چه دلارده مذکور و پروانه لده مسطور در لکن نقص عهدی

عقلدن دور در شاهنامه کوردغازی هوادارلی اولان اکر اددن صدور
ایتمک احتیاجی وارد جواسبسار دخی شفاء صدور ویر بر نسنه اشعار
ایتمک بلامناصب بود که اولان تحقیق امور ایچون جانب وزیردن تجاهل
اموره مبنی اسلوب حکیم اوزره نامه شاه ای رسال اولوب
بو جانب رجوع ایتد کده مقتضای وقت ایله عمل و کاره شروع اولنه
اولا حصار نخجوان بر قلعه سست بنیاندر اجزاء بناسی خاک
و دمدر جدار بیک قدی پست و اکثریری خاکه برا بولدی بنسندن
غیری ادوات حربده قلع و زاد و زواده دخی عزت اولغله بوقلمده
اعدایله مصادمه محالدر پس مقتضای حفظ ناموس دولت بودر که
بلده مزبوره اموال و عیال عسکر یانندن تخلیه قبلوب سالار
و عسکریان بالاتفاق الحساء قلعه روان ایدوب انده اعدایه
مصادمه کوستره لقلعه مزبوره فی الحقیقه متین و مشید و طو پلری
وافر ذخیره و آلاتی حاضر کو کجه صوکی برنهر چاری جدارندن
افار سعد چقوری کپی برارض کثیر المنافع جوارنده واقع اولغله
بر محمل مناسبدر دیومشورتلری انجام بولدقده جانب شاهسه
اسلام و تهر را و انوب پاشا کور بکی باشی محمودا خایله
کوندردی

(روانه کستن عسکر بسوی روان) جادی الاولینک بکر مبنیه
کلنجه عسکر اسلام نخجوانی کندوله مقام قبلوب بعده شاه کراهک
بالذات حضوری معلوم و عنقریب قدومی مجزوم اولوب عسکر
مهرزومدن تیموری اوغلی دیدکری شوم دخی کلوب اعداد اعداد
مبا انغه آشنه کذب و زورایله بادانداز اولوب من بعد طور مغه
بجال قالیوب اول کجه ادوات حرب و ضریدن قابل تحمل اولاتی
الوب صغیر و کبیر رحله اتفاق ایتشلا ایکن سکان قلعه دن اولوب
اولاد و اصحاب رفض و الحاد اولتلا ابقا دناثره شقاق و صورت

حقه انشاء مبنی مکر و نفاق قیلوب اعدا هنوز شهره هجوم
کوسترمدین محافظه دن رفع ید فکر ناممقولدر حالا موجود اولتریز
اغور هما یونده محافظه به تشمیر ساق و بوخصوصده سالار
عسکره خلاف شقاق اید . لم دیوا نفاق ایلوب سحری وزیر
عسکر یائی تفتیش و تنغیر ایلد کده سکنان قلعه باب حصار ی مسدود
قبلدیلر وزیر واعیان عسکر هر چند که آچاغه داعی وا خواجه
ساعی اولد یلمغید اولوب بالاخره عدول یتنه ازدیاد وعدول یتنه
حسب الامکان امداد قلند قد نصکره روانه متوجه اولان
اجناد ضحوة کبریا ده یوله صکیروب بر کون بر کجه ده
قلعه به داخل اولد یلمومبشارت جمع اسباب قتال ایلوب
طورد یلم

(بناء حصار جدید در روان) چون بلاد نخجواندن روان اوزرینه
شاهک هجومی متواتر اولدی اعیان و اهالی روان وعسکر نخجوان
دخی قلعه لند . طوره میوب حصار روانه تحصن اید . جکلرین
استماع ایلد کلرند . ساحه قلعه تنک اولد یقندن غیری قبله چا بند .
جدار حصاره ملاصق بیوت مسلمین اولوب هدم و افنا یتدن ایسه
حوالسنه جدران رنجه بنا ویونی حالی اوزره ایه اهورند ربو
اتفاق و بوخصوصده در سعادتن متفرقه لندن حسین افانام
صاحب هتک رأیی اوزره اجاج و اطباق ایدوب اولدخی مقتضای
عقل فاصری حسبجه عسکری طول امه مبتلا و کثرت عمل ایلد رهین
اشد بلا ایدوب بر سردار طایمقدار بنای حصار قدیمی عساکر
بیشمار ایلد اوتوز قرق کونده اتمام ایتیشکن ساحه و مقداری اکامثل
بر حصار ی ایکی او جیوز آدم ایلد یکر می کون ایچنده اتماننه اقدام
کوستروب ماه مزبور کالتجی کونند . چانبمرفومده جنوبی
و شرقی و غربی بشر بوز ذراع اوج طرفدن اوج دیوار بناسنه

شروع ایلوب واقدام تاحی ایله وزیر کلنجه اون بش کون ایچنده
نصفه ایرد کده اولدخی الشروع ملزم مقدمه سبله عمل کوسرتوب
بقیه بنائی قول قول عسکره تقسیم اناردخی جان و باشی جایه سیچون
اقداملارین تتیم ایلوب بفضل الله تعالی قدوم مبشوم شاهه دك اتمام
میسراولدی

(ورود قاصد محمود) ماه مزبورك یكر می درد نجی کونی بوندن
اقدام شاه سمتنه تحقیق حال ایچون کوندر یان کور کیجی باشی
محمودا شاه کراهك نامه سبله بلده روانه کلوب مضمون شامت
مکنوننه اطلاع اولندقدنه تقض عهد باینده سوق ایتدیکی مقدمات
سراسر اسقیه و نارواج و اوضاع غریبه معکوسه سنک مقدمی تالسنه
نامر بوط اولغله عقیده الانتاج ایدی میدان تکبر واستیلاده چوکان
مبالغه و اطرا ایله لعبت باز و عرصه تخویف و تهدید ده حبلی زبان
در از اولوب عسکرانیوه هیزم اشکرتند تیز و تسخیر قلعه تبریز
ایلد یکن اعلام و بیان و بعده عزیمتی تسخیر نخجوان و فتح روان
ایدوکن اظهار اعلام قلوب و سزدن ورود ایدن مکاتب اعیان
مقتضاسی اوزره اهالی نخجوان قلعه یی تسلیم و امان پذیر و قلعه
روان دخی جنک یسیرد نصکره فتح و تسخیر اولوب و ملک موروثی
آذربایجان استیلاد نصکره تسخیر کعبه و شر واته رفع اعلام
و بوسنه قره باغده قشلایه جنغ اعلام ایلمش و بوسمتده اولان
رعیت و عسکر امداد پادشاهه مقتون و مغرور اولسونلر که ابتداء
سباشرت امورده آل عثمانه مقابلیه عن عمری اكمال و تتیم ایلانلر دیو
خرمن لاف و کذافه جو جبر و تدن باد افزای اولش بعد هیزد هان
فسون باز قلوب کسنه نك مالتنه تعرضیدن ساحتی همتی پری
و مسلمینک اهل و هیالری تهدی ایدی دن عری مذهب و ملت
سبیلده اعتراضدن سالم و انواع رهاییات علیه ایله غایم اولسونلر دیو

اهالی تبریزه ابتدییکی ظلم و آزاری اوندوب فنون افسونه تحسیدیه
 ساهی و دروغ بی فروغ ایله طریق ضلله داعی اولدیغی معلوم
 اولد فده عسکر و سردار جدا انفعال اظهار ایتوب کرکی کبی
 مصادمه یه نیت و مقاتله یه عزیمت قیلوب حصار جدیدک قصورنی
 اتمام ایتدیلا روزیر مکتوب شاهیی ایله آستانه سعادته کوندروب
 بجاری اموری تفصیل اوزره عرض و اعلام ایلدی و بحال الوقت
 جوار ایاتنده اولان ولایه مکتوبلر کوندروب سیواسده سردار فوج
 پاشادن استمداد و اعدا هجو و بندن شکو او فریاد مکتوبلری کوندردی
 اکثری (جواب احق خاموشیست) مقدمه سیله عمل ایدوب
 اقل قلیل مواهید عرقوب ایله ارسال برید ایتدیلا

(استیلاء شاه بشهر نخبوان) شاه تبریزی تسخیر ایتد کد نصکره
 بر قاج کون جلها نام قریه ده ضرب خیام ایدوب اردیبل حاکی
 ذوالفقار خانی عامه عسکر ایله نخبوانه توجه وزیر و غیر ارتحال
 یتدین یتشمکه زیاده تنبیه انجمن طائفه ملا حده اقدام تام ایله صوب
 نخبوانه واروب عسکر ارتحال کوننک نصفده پنجه ظلم و آرازا ایله
 سنی نامنه اولئرک خانه لرینه کیردیلا و بولدقلرین نهب و غارت
 و اوکلرینه کلن رعا یه کلی ظلم و خسارت ایلدیلا اما روافض بلد
 چون مقدمه جبشی کوروب انجمن قدومن مقرر یلدکلرنده لباس
 الحاد و ضلالی کیوب سالار روافض اولان ذوالفقار خانی استقبال
 و تعظیم و اکرام ایله اعز اما کنه ازال ایلدیلا لکن اهل قلعه اولکون
 طوائف ملا حده یه طوب و تفنن ایله هر جبا قلوب اول ایلده اظهار
 جلادت و قلعه یه قریب خلال بازارد عقده ایتدکاری انجمن
 جهور بن با صوب بر قاجنی قتل و خسارت ایتدیلا اثناء بلده اوجوز
 قدر اولاد روافض اولاد اروامدن قرق نفر اوزرینه تغلب ایله خروج
 ایدوب عسکر شاه ایله مصادمه یه بزه اقتدار یوقدر بهر حال

تسلیم حصار اید و بجا نغزی آفت ضرب و جریدن قور تارقی
 اهم و از مدر دیو خواه ناخواه باب قلعه بی کشاد ایتمکله ملاحده
 بانلرنده باکام اولوب باقی قرق نفر شاه قدومه دک محبوس نظر
 و نگاه اولدقده اوچچی کونی ناکاه اعلام شاه دخی بلده نخبجو انده
 نمایان اولوب روافض بلد اعزاز و اکرام ایله استقبال ایدرب
 زیر پای سمندینه اطلس و دیبا دوشوب دآب اهل ضلال اوزره
 جای سم سمندنی سجده کاه قلدیله اول حبله کر چون وزیرک
 ارتحالندن خبردار اولدی رضا یا ناک انقیادندن منت پذیر اولوب
 آیین باطلنی میا نلرنده اجرا قلقدن نصره املاک مسکرده
 معاونتلی اولد یقندن ماعدا توقیف و مکش لرنده برتد بیر ایلدیلر
 و اموال عثمانیانی اخفا لیشلر دردیو جزای ویرلک اوزره امر ایتمکده
 هر برنی ملاحده قرار کاهلرنده محبوس و اهل و عیالری ایله انواع
 اذایه مانوس قلوب تحصیل مال ایچون ایلد کلری و فور جورده
 اظهارندامت و بری برلینه لوم و ملامت ایدرل دی ذو الفقار خان
 قلعه یی ویرن روافضی و مانع تسلیم اولنلری پیشگاه بارگاه شاهد
 کتوروب مذهب باطللریخی اختیار اید نلری عین عنایت ایله ملحوظ
 ایدوب فریق آخری تمذیب و شهید ایلد کدنصره برایکی کون
 او باش قز لباس نخبجو انده مساعده روزگار ایله حرکت و تغلب و خانه
 بخانه اموال عثمانیانی تطلب ایدوب اول تقریب ایله نیجه ظلم
 و آزاری ملاحده دیاره دخی دراز قیلدیلر مسلم و کافر غموم غموم مظالم
 ایله مغموم اولوب آشوب و فتن جددن آشدی خدا و یردی پاشا
 چا معنده امر بالقبور ایلمدیکی فواحشی انزال و ایچنده علانیه
 جور ایستدیروب زنجیر بهض شعایر اهل سنتی تحقیر واذلال
 ایلدی

(هنیمت سردار محمود) جنود اسلام تعمیر حصار ده اقدام تام

اوزره ایکن جادی الاخره نك النبی کونی سمت عدودن کنار
حصارده بر قاصد هیون عسکره دوچار اولوب علی الفور حضور
وزیره احضار اولند قده خبر ویردیکه مقدما کاخ ایله ارزنجان
مایینده نیجه زمان قطع طریق ایتمکله معروف اولوب اسنبالی بایند
احمر پادشاهی ورود ایتمکین شاهه کر بزان ایتمک ایچون اونوز ایکی
نفر یاش بولداش لرندن ایکنجی اولقی اوزره معدود اولان سردار محمودی
درت بشیوز مقداری اشقبایه یاش بوغ ایدوب ممالک عثمانیه ده
کندویه مایند اشرا ره دعوت ایچون پروانه لارسال وکند ویه
بالفعل دره الکز سنجا غنی متغلبانه توجه ایدوب یدینه پرات و مثال
و یروب شقی مزبور غرور تام ایله حوالی روانه قریب کلد کسد
کنجه یه کیدر کار بله راست کلوب آج قورد قیونه کیر کی کیریشوب
جمله سن قرین هلاک ودمار و نهب اموال بیشمار ایلوب حالا
بعض قراده هیش و صفاده و جام باده ایله غمخور یا تورل دلاوران
کار دیده دن برفاج کسنه اولسه علی الغفله باصلقی ینسرد ردید کده
سالار عسکر فرستی غنیمت یلوب علی الفور بشیوزه قریب کسنه
ایلغار مأمور اولوب کهندای وزیر نامدار عثمان اغا سردار قبلتوب
عجله وایلفار ایله قبیل سهرده قریه مزبوره یه واصل و قضا
آسمانی کی اوزرینه نازل اولتوب هر جا نبین قویولد یلم ملاحظه
یدکر دار قلل جباله تار مار اولسد قلرنده بهادر لر تعقیب ایدوب
اکثرین طعمه شمشیر آبدار ایلدیلمر رئیسری اولان شعبک مقینه
سالار عسکر واروب هجوم کوستریچک جنود و قور اوزرینه
دوشوب اسیر و گرفتار ایلدیلمر غاز یلم واصل غنائم بسیار اولوب
سرور تام ایله شهره دخول و دیوان وزیر و وصول بولد قلرنده مظهر
التفات اولدیلمر اول باغی متردک سری بریده و پوستی دریده
قندود نصکره اول کون مقدما اخذ اولتان قصاب حاجینک زمان

استیلا سنده رطایه ابتدکی اذا مقابله سنده باشی کسلوب جزاسی
ویرلندی ذکر اولنان سردار محمود پاشا ایلده احوالندن بوزه قریب باش
ویاننده بولنان شاهک اوتوزه قریب پروانه سی نخبجوان قاضیسی
جراح زاده عرضی ایلده آستانه یه ارسال اولنسی مفسد مزبور
حد ذاتنده فرط شجاعت ایلده اول طائفه خبیثه میاننده ممتاز و شاه
پائنده رفیع القدر و سرفراز اولوب خبره زینتی بغتة مسجوع شاه
اولد قده فرط المندن بیهوش مرتبه سنده واروب اخذ نارا چون مقدا
نخبجوانده النان قرق نفر سنیرک قتلنی فرمان ایلندی عنفوان غضبده
بر قاجی نوش جام شهادت ایلده واصل رخت رحان اولش بکن
ارکان دیوانی امان جوی اولوب کوچ ایلده منع قیلدی

(مقدم شاه نجم پروان) جادی الاخرتک اون برنجی کوبه که يوم السبت
ایندی سحری روانک قبله جانندن الویه سرخ سران نمایان اولوب
صحرا و دشت روانه اول طائفه خبیثه ارواح خبیثه کی یا یلوب
اصل قزلباشش التي یک قدر انجی و ارایدی انک دخی اوج یک قدری
تولنکی و کولک طولانی نامه اولان اشرا رو بر مقداری اگر ابد نه دادن
برکروه ایلده مسامحجازی کورد غازی و برادری قوجی و سیف الدین
کوی قبائلی و بر مقداری مقدا اما رت ویریلن میرزا پاشا
او غلی شیخ حیدر نام کورد آلائی و بر مقداری مقدا
نخبجوان و قبائلسان تسخیرنده نواب پادشاهه دایمل
اولف که رفعت بولان علاء الدین یک خلقی ما کوبه حاکی
مصطفی یک آلائی و بر مقداری کورد زینل بکک آلائی والشکر د
بکی قلیچیک و بریدن دونه برکشاد سنجائی بکی فرج روز یک
آیلیری ایدی شاه قلب هسکرده سمت راسته سایان آتشین ایلده
شوکت ساز و صدای کره نای ایلده دهشت پرداز اولوب اسب و شتر ایلده
کثرت سواد اظهار ایدوب بر زمان پیشگاه قلعه ده میدان نورد

اولد قلزنده اهل قلعه طمطراق شاهیدن مرعوب و دبدبه بی معنی ایله
قلیلری مضطرب و مغلوب اولوب بالا اضطرار تسلیم قلعه ایلدیر
زعیم ایدرلردی چون میان عسکر اسلامده اصحاب عقل و شناس
و ارباب میزان و قیاس اولوب مبانئ رعب و هراس بی اصل
و بی اساس اولد یغنی احساس ایلد ککرزنده (بیت)

این همه طمطراق بی معنی همچو طبلست باطنش خالی

دیو دبدبه بی معنایه ترتیب احکام ایتدوب الارغه طوهری ایله ایرقدن
مرحبه اقبال ایلر اول کروه مکروه و محنت دپه سی دیملکه معروف پشته
خیمه شاهی قور و ب حواله بسی مخیم عسکر دولت پناهی اولدی

(جنک اول در پیشگاه روان) شاه کمره اشارتی ایلد بر فرقه
ملاحده پیشگاه قلعه دن حرکت آتا زاید و باهالی قلعه یه
صورت انداز اولد قلزنده چند اسلامدن بر قاج بهادر باب نمجواندن
چغوب طرفین بری برینک شوکت و صلابتین امتحان ایچون
اشعال نازم قتال ایدوب ابتدا قلیچ نام بر حر دجمع اعدایه جمله
کمان ایکن حکم قضا و قدر آتی سوز چوبد و شملکه جمع ملاحده
باشنه اوشوب شهید ایشدیلر بامر الله بو وضع ناهموار انجام کارد
ظفر و غلبه جانب مخالفه مبر اوله جغین اشعار ایدیمک عاقل
کاردانه تطیر و قلوب مجربانه نوع تغیر طاری اولدی اول امر دن
نکسار حسن ماقبت کار ایله مجبوره قلمتی دخی مجربات اموردن
دیو اول دمه کریجه تشفی صدور قلمشیدی لکن تغیر دلپذیر
ایلد تقدیر قدیر متغیر اوله حق دکل ایدی بقیه جوش پر خر و شده
یه فتور گو ستر بیوب ملسمان نادانی طوب و تفنک الله چکوب
جانب قلعه دن اوزلرینه جواله طوب و تفنک ایلد ککرزنده بر قاجی

چام مرکی نوش ایلیمک رو کردان اولدیلر

(جنک دوم) یوم من بویوک ایرتسی ماه مر قومک اون ایکنی

کونی اسلامدن ایکبوز قدر اتلو دلاورل کبرو باب من بوردن چیقوب
 جانب اعدایه اظهار جلادت قیلوب کولک کند نام موضع
 سمت هرور کوستر دیلر عقبلر نیجه یوز نفر پیاده تفنگ انداز دخی
 کنبده اختفایدوب وقت ضعیفه وزیر صاحب تدبیر دخی
 باب من بوره کلوب منتخب دلاوران چقاردی چون الویه عسکر افق
 قلعه دن ظهور ایتدی اعدا دخی حرکت افاضایدوب میدان
 نبرده کلدی جانبینک چرخه جیلری حرب وقتله اشتغال
 کوستروب میدان رزم ایچره حیل قتال ونیجه اعدا کلدلرینی
 پایمال ایتد کدن صکره سوی حصاره خرامان و کینکاه سمت
 توجه کنان اولد قلرند زمره ملاحده عقبلر نیجه کینکاهه کلوب
 دلاوران سر باز جانب اعدایه بازوی همتلرین درازایدوب یوزه
 قریب نفوس ضایعه قتل ایتدیلر اول کون اعیان ملاحده دن
 شاهک اشکی اغلارندن بری مرد اولوب سر بازان غراندن کمی
 میدان رزده تاج مرصع قاپوب و کمی سر صروج مصنع الدی
 لاشه سنی قائمه چابان قریب لاشلر دن نیجه سنی دخی طعمه تیغ بران
 ایتملرله اعدایه روی خذلان نمایان اولوب من بعد دونوب
 فرار کاهلرینه کتدی لر شاه انک دوشد یکندن مضطرب اولوب
 فرط جینندن شامت قرار کاهی ایله متأول و علی الفور مکان آخره
 منتقل او اوب جانب شمل بسند نایب طویدن احتیاطیه قابل برده
 ضرب خیام ایلدی و کندینک خیمه ادباری اطرافنده برجدار
 حصار آسا انخاد ایله جای متریس ایلدی و عسکرینه بالک مداد
 متریس دیو هجومه اغرا ایلدی

(جنگ سوم) ماه من بورلک اون یدنجی کونی که یوم جمعه ایدی
 شاه قلعه یه طوغری تحریک لوا ایدیلک ملاحده تک هر بری خلوی
 عام ایله تحریک اقدام قلدرند اسلوب سابق اوزره پیاده

و سوار د رت بشیوز قدر دلاور نامدار باب مز بوردن چقبوب حله
 کسان نیران حربی فروزان ایشد بار بفضل الله تعالی اول کون
 دخی نسیم فتح و ظفر جانب سنبله وزان اولوب سمت قلعه به
 توجه کسان عطف عنان قیلد قلند ه قزل ایشار عقب لنجه سوروب
 پیش یکینکاهه کلد کلرند ه غازیلرینه اعدا اوزرینه صولت انداز
 اولوب شراره تفنگ ایله ملا حده دن نیجه سنک خاشاک وجودنی
 احراق بالذات ایشد کلرند ه ماعدا امیر هاکمی شیخ حیدر نام شقی که
 فرط شجاعت ایله روافضک ممتازی و خلالت اکرادک سر بازی ایدی
 اعدام اولد یغدن مباتی دشمن رخنه کراولدی بود فعه ده ایکبوزه
 قریب قزلباش قتل اولوب بری طرفدن انجیق الی یدی کسنه
 دوشدی زمره اهدامقه و راجوع ایلدی

(ورود بخشی قاصد شاه) چون عدوی حیلہ کر کوردیکه لشکر
 هریمت اثر ینک صولتی حفظه قلعه قلوبنه کار کراولدی اجرای
 مراسم مکر و تزویر قلوب ارسال نامه موجب ایله مشوش خواطر
 و فنون فسون برله جلب قلوب عسکر اسلامیان ایتک فکرینه
 دوشوب بوندن اقدام شریف پاشا اضر و مده محافظه ولایته
 مأمور اولان حسن پاشایه و جوار ایلانده اولان سائر پاشا ره تحریر
 ایلدیکی مکاتب که ضمننده اعدا قعی ایچون امداد اید یچیک
 عسکر ایچون تعیین طریق و هر وجهله اعدانک ضعفنی تحقیق
 ایدوب بعنایه الله تعالی سمت معهود دن جنود موعود کلد یکی
 تقدیرده قلعه دن دخی عسکر چقبوب آسان وجهله هر م طریق اهل
 طریق ميسر دوردیو تحریر اولوب قبیل محاصره ده شاطر محمد چاوش ایله
 ارسال اولمش ایدی چاوش هر نوری روافض دیارندن شوره کل نام قلعه
 خلقی اله کتوروب شاهه خدمت ایتکله رهین منت اولمش ایدی بلنده
 بولان مکنتو بلرک برنده ظهر بنه شاه ضلالت سیمرا شهر ا یوزندن

بو گونه تحریر ایندر دیکه باریک الله یدایر صائبه وافکار ثاقبه اصدار
 بیورمشسز یوفکر فاسد وتدبیر کاسدن فارغ اولک که بو یقینارده
 سزه امداد محالدر اهالی ولایت جلده سده سعادتمه رومال اولوب
 انقیاد کوستر دیلر که ورقه مزبوره تک الله کتورله سی آکادالدر من بعد
 سزک ایچون ارسال نامه یه دخی بحال اولوب تسلیم قلمه دن
 غیری ایله سلامت حال اولماق باینده کلمات موحشه تحریر
 وائمه قرادن یخشی خلیفه نام قاصد ایله ارسال قیلوب
 شخص مزبور وراه جدار دن قاصد اید یکنی اخبار اید یچک
 حضور وزیر احضار اولوب ورقه تک ظهر و بطنته نظر
 اولند قد مفعومی معلوم اولیچق وزیر ونفیر قطع رشته املی
 ابوالحبلده جواب احق ایله عمل اولوب قاصدی در حصار دن
 مطرود قیلدیلر اما قاصد فاسد دیوان شاهه واروب بکا ویردکری
 ورقه ارکان دیواند برینک مهری ایله مختوم و رسم معروف
 شاهی ایله مر سوم اولد یقندن معرض جوابده واقع اولدی
 شویله که بود فده دخی ارکاندن بری طرفدن برنامه ایله وارلسه
 مراد شاهی خیر ایله انجام بولور دی دیوفضولی و کائنه
 اقدام ایلدی

(آمدن یخشی قاصد بقلعه) چون شاه قاصد مزبور دن
 رایحه خدمت استشمام ایلدی علی الفور برنامه انشا ایدوب مضمونده
 ایات حث وترغیب و اخبار تخویف و ترهیب ایراد قیلوب وزیر ی
 خاتمک و معتمد ولتی بسطام انا و قوری باشیسی الله قوی انا
 مهر لایله مهر لدوب برید مر قوم ایله ارسال ایلدی مزبور دخی
 کلوب نامه یی حضور وزیر ایصال ایلدی نظر اولند قد
 قاصد قاسدک عذر یاردنی انشاء مکتوبه تقریب و تمشیت مقصودی
 باینده معذرات غیر معقوله ترتیب ایتدی یکی فهم اولوب وزیر ونفیر

دید بامر که سودای قلعه کشایی دماغند و جایگیر اولان شاهان
 دلبران لابد تحمل اوزار دار و کیر ایدوب شان
 عجز و زبونی اولان قسون حبله یه سالک مسالک
 مکر و تزویر اولر لر بزم ایله مردانه ایساد نائرة چنک
 ایدوب مقصودینه دست رس بولسون شاه فرلباش قلاشه قول
 فص قلعه دن هر طاش باشنه بزدن پر باش کتمه بنجه و ملاحدۀ
 او باش ایله اسباب جنک و سناپاشی تکمیل و اتمام اتمینجه دامن
 مقصودینه وصول محالدر او غور پادشاهیده قلعه رواندن بدل
 او باش ملاحدۀ کله لرندن قله لر پیدا فیلدین فتح حصار صدم
 الاحتمالدر دیو پریشان همواری ابعاد و طرد ابلد کارند نصکره افراد
 عسکر دن بر نیجه سیاه اول روباه صاحب خدا عک اوزرینه
 هجوم ایدوب رساننده اخبار موحشه اولد یغی ایچون خنجر
 او شور و پاره لدر دردمند ملا یخشی شاه غلط بخشک امید
 عطا و بخششی ایله یاش وردی التزام مالایزم ایله اصلاح ذات
 البین هوانده دم اورمقدن ایسه ایام فترده محراب عزائی چای
 مامن یلوب ابکم اولقی یک ایدی بوند نصکره شاه حبله کر زمان
 مدید محاصره ایله نه خیره عازم اولوب نائرة جنک و قتاله اشغال
 و یروب و اسباب ضرب و حرب احضارینه اشتغال کو ستردی
 (ورود خبر نقض عهد شاه عجم و مشورت اعیان دولت در
 آستانه) چون سابقا ارضروم محافظه سی ایچون در دولتدن
 طر بزونه ننی اولنسان ساحتی حسن پاشاک و روان و نجحوان
 امیر الامر امی شریف پاشا دن عرضلرو مکتوبلر کلوب شاه
 عجم نقض عهد ایدوب سرحد ممالک عثمانیه یه اسبلاسی
 و تبریزی الوب تبریز بکلی بکسی زنجیر قران علی پاشایی گرفتار
 ابتدکی خبری وصول بولوب سکان ولایته نامه لر و پروانه لر

کوندروب کشته به تبدیل مذهب تکلیفی یوقدر هر کس مذهبیده
 قائم همان بوجانیده طاعتده دائم اولسون دیو بر ایکی قطعه
 فرمانی کورلدی اگر امداد اولغز ایسه قلعه روان بلکه دخی
 نیجه بلدان الدن کتمه سنده کان یوقدر دیو عظیم فریاد واستمداد
 اینتلر قائم مقام فاسم پاشا چاوش باشی ی **ک** وندروب مفتی
 ووزرا و قاضی عسکر لری دعوت ایدوب عقد مجلس مشورت
 اولندی وآراء صائبه لری قرار بولدیغی تدبیر تلخیص اوانوب
 طرق پادشاهیدن عرض ایند کلری وجه اوزره تدارک اشتغال
 فرمان اولوب ساعتی حسن پاشا اول جانبسه سردار و دلدیکی
 مقدار عسکر و مهمات و یرلک اوزره سپهسالار نصب اولندی
 و امداده ابر شمری لازم اولان ولات اطرافه اوامر عاییه یازلدی
 لکن چوق زمان مروز ایندین پادشاه جهسان جوار رحمت
 رحسانه ارتحال بیورمه **له** کری **ک** تدارک کورلک وقت
 امکانه تأخیر و توقیف اولندی

(انتقال سلطان محمدخان ابن مرادخان علیهما الرحمة والفقران)
 بویدن اقدام جادی الاولینک یکریمی ایکنجی کونی بوم اثنین ده
 پادشاه جهان سلطان محمدخان سرای همایونلرینه کیدرکن
 بر مجذوب الهی سر راهده راست کلوب اللی الی کوندنصکره
 یزاد نه عظیمه ظهور ایدیه یور غافل بهاش پادشاهم دیو فریاد
 اینشیدی پاشاه وخلق متعیر اولدیلر سنه مزبوره زجبتک اون
 درنده پادشاه عالیه مناهک مزاجلری مخرق اولوب اطباتدبیری ایله
 صحت پذیر اولیجق ماه مزبورک اون سکرچی **ک** کونی بوم
 احده روح پرفتوحلری جانب علینه روان اولدی عمر شریفلری
 اوتوزیدی سنه و سکر ماه ومدت سلطنتلری طغوز سنه و ایکی ماهدر
 شهراده **ک** امکار سلطان احمدخان سریر سلطنته تشریف

پورده قارنده علی الصباح جله وزرا و امر اوصالحا دیوان هما یونه
حاضر و ظهور پادشاه صاحب ظهوره ناظر اولوب طور دیر
چونکه تخت جهانبانی قورلدی امریعت و دستلبوس شاه
خورشید طلعت تمام اولدی پادشاه مغفورک نعش رجبت
نقشی ساحه سرای سلطانی یه احضار و جنازه نمازینه دعوت
خلق بیشمار اولوب شیخ الاسلام ابوالیمان مصطفی اقدی
امامت وارکشیاک عنوانیه صلواتی اقامت ایتد بلر ایا صوفیه
حرمنده سلطان سلیم تربیه سی بلنده واقع اولان مزار پرانوارنده مدفون
و متواری اولدی

(اوصاف مرحوم سلطان محمد خان) پادشاه مرحوم وقور
و ادیب و وجیه و مهیب سلطان صالح و عابد جامع محاسن
و محامد سخنی و کریم شعار دینه رعایت بغایت مجد و ساعی شریعت
شریعه احکامی مراعی خاقان عالیشان ایدی اوقات خسته ده
جماعته مداومت سنت سنیه لری و حضرت رسول اکرم صلی الله
علیه سلم نام شریف لری یاد اولند بجه قیام عادت مرضیه لری ایدی
اجداد کرام لری کی گاهی شعر دیر و عدلی تخلص ایدر لدی
اولاد کرام لری سلطان سلیم یک بش رمضانک او جنجی کونی
عزم دار التیم ایلدی سلطان محموده یک اون بر ذی الحجه سنک
بکرمی یدنجی کونی شربت شهادت ایچورلدی منقولدر که
مشایخ دین بری سر بر سلطنته جلوس ایده جککه جازم اولدم دیو
بشارت نامه کوندروب پادشاه عالینسا پدینه و اصل اولمغه شیخ
مر قومی واسطه لریله قتل ایلد کد نصرکه بونار دخی بی جرم
شهید اولدیلر شهرزاده حرمنده مدفوندر سلطان احمد خان وارث
تخت خاقانی اولدی سلطان مصطفی اختیار عزت ایتشار ایدی
صکره ایکی دفعه پادشاه اولدی سلطان جهانگیر صفیر ایکن

فوت اولدی معلمی چقمقرافتدی طقوز یوز سکسان ایکده وفات
ایلدی حیدر افندی طقوز یوز سکسان سکرده وفات ایلدی
عزلی افندی طقوز یوز طقسانه وفات ایلدی نوایی افندی یک

اوچده وفات ایلدی

(وزرای عظام) سنان پاشا جلوس همایونلرنده بونلر اوچنجی
دفعه وزیر اعظم و یانق سفرنده سردار اگر مایدی و فرهاد
پاشا ققم مقام ایلدی سنان پاشا آستانه یه کلوزکن ملغریه نی اولوب
فرهاد پاشا اینجی دفعه وزیر اولدی و سردار دخی افلاق سفرینه
کیدوب کورپی پیارکن عزل اولوب یک درنده قتل اولندی
سنان پاشایک اوچده رایعاصدر اعظم اولدی مجلا سفره چیقوب
میخال مجازیه سنده باخغه دوشوب رهوای و روسیاه روسجه
عودت ایلدی لالا محمد پاشایک درنده سنان پاشا یزینه وزیر اعظم
اولشیدی اوچجی کونی انتقال ایلدی سنان پاشا بشی
دفعه کیز و صدره کلوب پادشاهی سفره تحریک ایلدی و سته
مز پوره شعباننده سفر آخرته کندی مرقوم سنان پاشا ارنود
جنسیدر عصر سلیمان خانینده حرم خاصه دن چاشنکیر باشلیق
ایله چیقوب ملاطیه و قسطنطنی و غزه و طرابلس سنجاقلرینه
امیرالو اولوب بعده ارضروم و حلب و مصر ایالتلرینه بکلر یکی
اولوب پتمده فترت اولملا بهش یلنیدیمنه کیدوب بعد القمح کیر و
مصره اعاده اولندی بعده آستانه یه کلوب وزارت ایله دونمنا
سرداری اولدی طقوز یوز سکسان تاریمخنده تونس و خلق الوادی بی
ققم ایدرب جلوس مراد خانیده آستانه یه کلوب سلاک وزیریه داخل اولدی
سکسان سکرده عجمه سردار اولوب دز عقیب احمد پاشا یزینه صدر اعظم
اولدی طقوز یوز طقسان درنده شام ایالتنه نصب طقسان یدینه یته
وزیر اولدی طقسان طقوزده عزل یک برده ثانی وزیر اعظم

اولوب بيك اوجده بيك درنده يته تكارار معزول ومنصوب اولدى
 سنى طعنه اندن زياده ايكن مرض زخيردن خستلنوب سنه مزبوره
 شعبانك بشنده فوت اولوب توكل چشمه سى قرينده تربيه سنه
 دفن اولاندى بش دفعه سردار وبش دفعه وزير اولوق بوكام بىسر
 اولمشدر ممالك محروسه ده يوز قدر خطبه سنى او قنور رستم پاشايه
 ومحمد پاشايه تالاندر (ابراهيم پاشا) وزير ثانى ايكن صدر اعظم
 اولوب سفره كندى (جغاله زاده ستان پاشا) بيك بشده اكرى
 غرا سنده وزير اولوب قرق بش كوندن صكره كبرو (ابراهيم پاشا) بيكنى
 دفعه وزير اعظم اولدى (خادم حسن پاشا) بيك التيده وزير اعظم
 بعده معزول ومعتول اولوب يرينه (جراح محمد پاشا) كلدى (ابراهيم
 پاشا) اوچنقى دفعه صدره تشرىف ايلدى قنبره بي قنچ ايدوب بيك
 اونده وفات ايندى (عشى حسن پاشا) وزير وسردار اولوب كلد كده
 عنود وكنود اولفله قتل اولاندى ياوز على پاشا مصر بكار بكيلى
 يكن آستانه يه دهوت اولنوب ويك اون ايكنده توجيفه مهر
 صدارت قيلندى (داماد خليل پاشا) بوسنوى الاصلدر حرم همايوندن
 چيقوب قطع مراتب ايدرك وزير ديوان وداماد عالیشان او ايشدى
 ابراهيم پاشا يرينه قائم مقام اولوب بعده وزير ثانى ايكن سنه
 مزبوره رجبهك اون طقوزنده فوت وديكلى طاش قرينده على پاشا
 جامعى اوكنه دفن اولندى (حافظ احمد پاشا) طواشيدر قائم مقام
 اولمشدر (ساعى حسن پاشا) بودخى قائم مقام بعده معزول اولمشدر
 (كوزلجه محمود پاشا) بودخى قائم مقام اولوب ايام فتنه ده هيئات
 درويشانه كيروب مختى اولمشدى بعده يته وزرات ربه سنه نائل
 اولمشدر (حسن پاشا) ابن صفوللى محمد پاشا توفانده تفنگكاه شهيد
 اولدى والى بغداد اولد قدن صكره جلالي اوزرينه سردار اولوب
 اشقيا الله شهيد اولدى (ساطورجى پاشا) وارات سفرين ايدوب

بلاخراده قتل اولمشیدر (مصطفی پاشا) مصاحبه راضیه خاتون
 او غلیدر قبه نشین اولمشدر (حاجی ابراهیم پاشا) جلایدن منهزم
 اولدقد عزل اولتوب بعده مصبرده شهید اولاند (طر نقیجی حسن
 پاشا) بغداد ایااتی کندویه ویرلد کده دستبوس ایدوب چقار کن عشیچی
 حسن پاشا مزبوری چوکر دوب بوین اورمشدر قوری چشمده
 مشهور طر نقیجی سرایی بونک بنا سیدر رحیم الله و تجاوز الله
 عن سیاتهم

(علماء الدولة الحمدیه المولی سیدالدین افندی) ابن حسن جان
 نعلیم سلطان جم لقابله خدمت افتایی جامع اولان قوجه خواجه
 افندی در که مستشار امور ملک و ملت و مخرم اسرار مصالح
 سلطنت اولغله دور سلطان محمد خاندن تعیین تام بولوب بیک سکر
 شهر ریم الاولک اون ایکنجی یوم الخمیسده ایاصوفیه جاتنده قرأت
 مولد شریف جمعیه عزیمت ایچون محمد بدو ضوییه نیت ایتد کلمی
 حالده جفاة انتقال ایلدیلر جنازه سی سلطان محمد جا منه احضار
 وجانشینلری اولان صنع الله افندی امامته اختیار اولتوب اولاد
 کرامی درت نفر علما که عماد دین و دنیا ایلدیلر تا بولرینی بردوش
 ایدوب قصبه آبی ایویده اهداد ایتد کلمی دارالقرآن حظیره سند
 دفن ایتدیلر (المولی محمد بن بوستان) ایکی دفعه مفتی عصر
 اولوب منه بیک یدیده وفات ایتدیلر (المولی صنع الله افندی) مفتی
 الانامدر تفاصیل احوالی مسطور در (المولی محی الدین) محمد بن
 سیدالدین حسن جاندر قیوانغسی قتل اولند یعنی فتنه ده زوربار
 فتوا دن عزل ایتد یروب یمشچی حسن پاشا یرغما یته صنع الله
 افندی بی مفتی نصب ایتدیلر (المولی ابوالمیان مصطفی افندی)
 مشار البیه صاری کرزاده قانی دیمکله معروف والسنه ناسده
 قیام مصطفی افندی دیمکله موصوف اولان قاضی لدر انطاولی صدری

ایکن بمشبی حسن پاشا کندوی مفتی ایدوب بدده حسن پاشا
 قتلنه باعث اولشدر کا ذکر نا (المولی عبد الباقی) سلطان شعراء
 رومدر مکررا صدر روم اولوب متقاعد فوت اولشدر سنه ۱۰۰۸
 (المولی حبسام الدین) قره چلی زاده افندی روم ایلنه مکررا
 صدر اولوب متقاعدا فوت اولشدر سنه ۱۰۰۷ (المولی احمد
 الانصاری) جابر بن عبدالله رضی الله عنه نسلند ندر عالم فاضل
 کسنه در ابراهیم حلی مر حومک ملتی الابحر نه شرح وافی
 یازمشدر مکررا صدر روم اولوب بعده مصره اندن کعبه مکر مهیه
 قاضی اولوب جوار کعبه ده مر حوم اولشدر (المولی مصلیح الدین)
 بوستان زاده دیمکله شهید در صدر رومدن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی العالم علاء الدین) الشهیر بیستان چلی زاده صدر رومدن
 متقاعدا فوت اولدی (المولی مصطفی ابن ابی السعور) العمادی المعروف
 بملاچلی صدر روم ایکن فوت اولدی سنه ۱۰۰۸ (المولی عبد الحلیم)
 ابن محمد المعروف بانخی زاده صدر رومدن متقاعدا فوت اولدی (المولی
 قوش یحیی افندی) بیک التي رجبنده تقاعد ایدوب برسنه د نصکره
 مصره کیدر کن در یاده شهید اولدی (المولی شمس الدین)
 المعروف بنخواجه زاده اناطولی صدرندن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی عبدالرؤف) المعروف بعرب زاده کعبه مکرمه و مصر قاهره
 قضا لادن متقاعدا فوت اولدی (المولی یحیی) الشهیر بکشمیری زاده
 اسکدار قاضی بنی و نقیب الاشراف ایکن فوت اولدی (المولی حسن)
 الشهیر بجبابی زاده ادرنه دن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی عبد الوها) استانبول قضا سندن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی محیی الدین) الشهیر براضیه دامادی روم ایل قاضی عسکری
 ایدی (المولی کتخداه مصطفی افندی) اناطولی قاضی عسکری ایدی
 (المولی فیض الله) الشهیر بقاف زاده استانبول قاضی بنی ایدی

(المولی کمال الدین) محمد ابن احمد الشهیر بطا شکری زاده
استانبول قاضی بنی اولوب معزول ایدی (المولی عبد الباقی)
الشهیری بطورسون زاده مصر قاضی بنی ایکن فوت اولدی المولی
حبسدر (بروسه قضا سندن متقاعد فوت اولدی) المولی
(حسن کتخدا زاده) بن غلطه قضا سندن متقاعد ادر حرم
اولشدر (المولی عبدالله) الشهیر بطورسون زاده خواص
قسط خطیبیه قاضی بنی ایدی (المولی شریف محمد) مدرس
سلیمانیه تک پرنده ایدی (المولی مصطفی حاتق) الشهیر
بزمی زاده شام قاضی بنی ایدی (المولی حسن افندی) صحن
مدرس لرندن ایدی (المولی سنبل علی افندی) حره بن
الشریفین اوقافده مفتش اولوب دار السعاده انقاسی مصطفی اغا
تریتیه ظهور ایتشیدر عالم و سخی و غیور و متقی آدم ایدی لکن
مقتضای نوع اوزره قسوة قلبدن خالی اولوب جبری و خونی
ایدی اما جود و سخا یله اقرارندن ممتاز ایدی بونلردن ماعد اعلما
و فضلا یه حد و نهایت یوقدر انجیق بونلر بر سیل انتخاب
تحریر اولمشدر رحیم الله تعالی و نفعنا الله بشفا عظم
(ومن المشایخ العظام الشیخ محمد الحمید) اباصوفیه و اهلی
ایکن تفسیره حاشیه یازمشدر در قوال بالحق کیمسه در (الشیخ خضر)
الشهیر یسلیانی زاده علوم عربیانه بی نظیر عالم و ناصح مالک
حسن تقریر و لطیف تعبیر ایدی اگری غر اسنده تابور چنکنده
شهید اولشدر (الشیخ شمس الدین) سواسی ریاضت و تقوی یله
اسنیاسی و برکت انقاسی تعبیر اولنور دکلدر اگری غر اسنده
بنفسه جهاد خسی ایتشدر تری لسانده امام اعظم رحمة الله علیه
حضر تلمیذک منافقین نظم ایتشدر و دخی نیجه کتی وارددر (الشیخ
میر میران الحسینی الکمالی) اهل ریاضت و تقوی صریح الحسب

صحیح النسب ظاهرا و باطنا شریفند و مشایخ نقشبندیه دندرا کری
 جنکنده طابور محاربه سنده . بابا یاشی زاده ابله معاشهید و جسم یاک
 اول عرصه ده نایدید اولمشدر (الشیخ محمود افندی) لاسکداری
 ذیل دولت مرزاده ده ذکر اولتمشیدی بر عزیز عظیم الشاندر
 پادشاه لرو و زرا و علما قطب زمان و متصرف جهان اولما سنده .
 شک ایتماشدر و زماننده سلطان الطریقه ایدکنه شبهه یوقدر
 (الشیخ حسن افندی) مصطفی پاشا زاویه سی شخصیدر بعده
 سیاحت ابله دیار غنه کیدوب فوت اولمشدر (الشیخ واعظ امیر) عالم
 و عامل فاضل و کاملد سلطان سلیمان چا معنده واعظ اولوب
 هرجه نقل تفسیر وحیدیه نصکره رفاع اسوله قرآت ایدوب
 حل مشکلات انام ایدردی قوال بالحق اولوب نهی منکر ایدوب
 بعض اکابر زمانه اطاله لسان ایتمکه برایکی دفعه فی بلدایتدر دیلر
 اما بفضل الله تعالی اعدا سته غالب اولوب ینه دار الساطنه ینه
 معاودت ایدردی (الشیخ اسمعیل المرلوی) غلطه ده مولوی خاتمه ده
 نقل مثنوی ایدردی مثنوی شریفه بر شرح مقبول تحریر ایلدی
 جلد سابع اظهار ی ایچون بعض عرفا طعن ابتدیلر عاشق فاضل
 سالت و کامل کسنه ایدی مات فی سنه ۱۰۱۳ طیب الله ارواحهم

✽ جلوس هما یون حضرت سلطان احمد خان ✽

هجرت نبویه علیه افضل التحیه ک سنه اثنی عشر و الف شهر رجب
 المرجینک اون سکرچی کونی قائم مقام صدارت عظمی وزیر قاسم پاشا
 وقت سحرده صلوته بخرا داشتند نصکره وجه مالوف اوزره دیوان
 عدالت عنوان صوبته توجه ایدوب قبه کردون رفعتده مسند نشین
 اولدی هنوز قترای شکاه دیوانه کیرمدین حضور وزرا تنه ایکن
 اول زمان یوان سلطان کیتخدا سی اولان حسین اغا پر وجه
 مسارعت باب سعاده دعوت اولتوب باب السعاده اغاسی چقبوب

بر دستمال ایچره ملفوف برتذکره و یروب بوخط هما یونی قائم مقام
صدارته تسلیم ایدیه سن دیوتنبیه ایلدی کئندای مزبور دخی
اولرق منشوری کتوروب قائم مقام قاسم پاشایه تسلیم ایتدکده
آجوب نظر و عباراتی کمال اخلاق اوزره یازلغین قراءته بحال
اوایوب کئندای مر قومه یونی سکا کیم و پردی دیو خطاب
ایتدکده قبول غاسی و یروب خط هما یوندر دیویسان ایدیچک پاشای
مر قوم تکرار خطاب ایدوب بوخط بی نقط پادشاه مرک خطنه
بکر مر والفاظ و عباراتی اوقتر ایچنده اولان بابام تبیری
پادشاه مرک ايسه حیاتده باباری یوقدر دیوب حبلی
اساسکالدن صکره حسن بک زاده بی چاغروب قراعت ایچون
خط شریفی الله و پردی اولدخی سمع وزیره قریب واروب مضمون
عجیبی اخفا وجهی اوزره قراءت واتبایلدی مضمون خط هما یون
بودر سنکه قاسم پاشا سن بابام الله امریله وفات ایلدی و بن تخت
سلطنته جلوس ایلدم شهری محکم ضبط ایایم سن بر فساد
اولور سه سنک باشکی کسرم انتهی الکلام السلطانی چون
قاسم پاشا مضمون خط شریفه واقف اولدی زیاده محزون اولوب
بیج و تابه دوشوب مخیر و متغیر اولدی و صحنه چندان اعتماد
ایده مدی زیر سلطان محمد خاکن انحراف مزاجی طشره ده قطع
مسموع اولماشیدی آخر کار قاسم پاشا دارالسعاده اغاشنه برتذکره
یازوب شویله درج ایتدیکه بو عبید ضعیفه بر خط شریف
کتور د یلر اصلی ییله مدک بوخسه غرض بزی امتحانمیدر
ویا خود بر مرادیمی وارد دفع شبهه بیوره سز بورقه بی مر قوم
قبو جیلر کئنداسیله کوندر دی در عقب قاسم پاشایی یالکزجه
عرض اوطه سنه دعوت ایتدیلر واروب کوردی پادشاه نوجاه
مهابت و عنوان سلطان احمد خان تحت جهاتی اوزره اوتور

یونی کورینجک تمام اعتقا دایدوب (لپس الخیر کالعبان) مضبوطی
 متذکر و سپهر ایت بازک بازینسه متذکر اولوب بیر او یوب
 چیقدی و دیوانخانه یه کلوب مسندینه قرار ایلدی مفتی افندی یه
 تذکره یازوب چاوش باشی ایله ارسال ایلدی اند نصکره معمارا غایه
 مهمات جنازه سپارش اولندی و سائر حضوری لازم اولان ارکان
 دوات و اعیان سلطنت دعوت اولندی دیوان خلقتدن هر کس
 تخت همایون طشره چیقوب قورلد یغنه بر معنی و یره میوب اصلاند
 واقف اولما غله سلطان محمد خانی چقار قیاس ایدر لدی
 مفتی زمان مصطفی افندی دیوان عالیشان کلدیکی کچی وزرا دخی
 قبه التندن چیقوب شیخ الاسلام ایله معاسر یر همایون برابرینه
 واروب صنف قیام ایتد کترنده باب سعادت نمایند و سیاه شعله لو محمدوم
 سلطنت موسوم چیقوب جانبینه سلام و یروب سر یر عزت نصیره
 طوفری کلوب متوکلا علی الحی القدوس کمال شوکت و مهابت ایله
 جلوس یوردی چاوشلر کلبانک دعایی اوج آسمانه ایرشدر دکلر ند نصکره
 مفتی و وزرا و سائر خواص و عوام علی الترتیب اسلوب سابق اوزره
 بیعت ایلدیلر دیوانده جنود قائمده نصکره پادشاه انام سلام کلوب
 ایچر ویه کندی و سر یر و بسا طی دخی رفعا یتدیلر و وزرا و علما و کبرا
 علی الفور سیاه شعله کتوروب باشلرینه واردیلر شعله سی اولیا ندر
 پر سیاه سر بند کتوروب دستارلینه بند ایتدیلر مفتی و وزرا و ارکان
 جیعا باب سعادت یاننده اولان موقده اوتوروب سلطان محمد خان
 من حرمک جنازه سنه متوقف اولدیلر بو محله قاسم پاشا و یر
 اعظم املق سوداسته دوشوب مفتی الانامی تنها حضور پادشاهه
 کوندر ووب خاتم صداری کندویه رجالتدر که تدبیر و مشاوره
 بهانه سیله بولشدر مغنه سعی کثیر ایدوب مساعدت پادشاه اولما غله
 بولشمنی ممکن اولدی لوازم تحهیز و تکفین اتمامند نصکره تابوت

مغفرت منعت پادشاهی چقبوب کرسی اوزرینه وضع اولتوب
شیخ الاسلام امامتیه اداء صلوتد نصکره پادشاه ایچرو کبدوب
وزرا وارکان نعلش پادشاهی مناکب اوزره کوتوروب ایاصوفیه
حرمنده جد و پدرلی جوارنده دفن اولتوب روح شریف ایچون فقرا
و ایتم اطعام اولندی و ختم شریف اوقنوب تصدقات ویرلدی (رباعی)

✽ نظر کن بتقدیر جبار غالب ✽

✽ که چون شد قضایش شهان را مغالب ✽

✽ بین تاجداری که در عین شوکت ✽

✽ مواکنیدش جای و اکنون مناکب ✽

یومحدارینه قاسم پاشا حضور خداوند کاره و ارمق استند ما ایتدکده
کاکان مساعده بدن مباحده بیور لمغین بالاخره مایوس و غصه و المه
مائوس اولدی و قاسم پاشا خواجه پادشاه اولان مصطفی افندی به
جلوس اثنا سنده التفات ایتموب صکره حضور پادشاهیده مکرم
و ملتفت اولد بغنی ییلدکده خواجسه لر معیناتی و وظائفی رؤسی
کوندروب عطیه وهدیه لر ایله نواز شرایندی لکن مفید اولوبوب
علی پاشا کلدکده مستشار و طرف سلطنته حامل اصرار اولغله
قاسم پاشا طرد و ابغادنه سبب اولدی

(آمدن دو نمتا و صدر اعظم علی پاشا) جلوس همایون کونی فیودان
جغاله زاده سنان پاشا دخی دو نمتای همایون ایله آق دکر دن کلوب
فرمان ایله لب دریا ده سلطان پایزید کوشکنه پناشوب شرف
دامنوبوس ایله مشرف اولد قنده خلعت فاخره ایله نوازش بیورلدی
وزیر اعظم یاوز علی پاشا دخی رجبک پکرمی بشچی کونی آلائی ایله
شهره داخل اولوب قصر اوکندن سیرای عامر به کلیچک اصیان
وارکان باب همایون اوکنده قلوب ایچرو دعوت اولندی براز مکث
ایتدکد نصکره چقبوب دیوانخانه هما یونه کیروب برینه اوتوردی

وز را و قاضی عسکر لری دعوت ایدوب هر بری یز اویرینه کلد یار
 او تورد یلر چو نکه جلوس همایون انعامی وزیر مز بورك قد و منه
 موقوف ایدی کند و کتورد یکی ایکی سنه لك مصر خزیننه سنی
 دخی کیروده قالوب کتدوسی دلدن قرضه ایله گشیدی همان اولکون
 ایچ خزیننه دن پدی کره بوزیک التون اخراج ایتد یروب اصناف
 عسکره توزیع ایتدی وسعت خزیننه سلطانی و مکننت علیه
 خانانی معلوم عالیان اولدی چله انعامات و ترفیات اعالی واعیان
 و عساکر دریا نواله قانون اوزره و پرلد کد نصکره تکرار خلعت
 کبوب محل نزولی اولان سیاهوش پاشا سراینه کتدی بدمه قائم مقام
 فاسم پاشا ثانی و قورود پاشا ثالث اولوب دیوانده او تورد یلر دستور
 مز بورتد ابیر امورده دقت و توقیر مراسم سیاست ایتمکله طراران
 جهما نسوزک بر مقدار دست اطاوللری کسلدی ترخ امورنده وسائر
 ضبط و ربط احوالند نیجه نصرفلر ایدوب بعد العشا طشره
 چیقمه قدن خلق ممنوع اولدی غره شعبان المعظمه ده پادشاه اسلام
 حضر تلی ابی ایوب انصاری رضی الله عنه زیارتیه آلائی الله
 وارد یلر واجد ادکرا ایلری تره لرین دخی زیارت پیورد یلر
 و ماه مز بورك ایکنجی کونی مصر خزیننه سی کلوب داخل خزیننه
 عامره اولدی و اول کون قیواغاسی مصطفی اغا پیرفانی اولغله
 عزل اولوب یرینه سرای اغاسی کور محمد اغا قیواغاسی نصب
 اولندی ماه مز بورك النهی کونی مرحوم سلطان محمد خان والده سی
 سرای عتیقه کوندردی و دار السعاده اغاسی عبدالرزاق اغا عزل
 اولوب یرینه مصطفی اغا دار السعاده اغاسی اولدی ماه مز بورك
 یکر مئی کونی حضرت پادشاه عالیجاه سلوة جمعه بی سلیمانیه جامع
 شریفند هداد نصکره کیمه سی سرای عامره ده عظیم سور
 و سر و ایله امر ختان پادشاه اسلام و سنت کریمه رسول الله علیه

الصلوة والسلام اجرا واتمام اولندی بمالك مجر و سه ده
اولان بلاد ساره دخی کذلک زینت و سرور ابله مالا مال اولدی
اکن عیسده قریب اولغله پادشاه مالیناه حضرتلری
جدری علتندن طشره چقه مدی سرور خلایق غمه منسدل
وایام عید شریف اله محول اولشیدی چوق یکممدی افاقت
بولدی

(ذکر سبب غلامیه سپاه) بعضی توارینجده منسطور اولدوغی اوزره
دوانده قدیم ایامدن الی بلوک اختیارلری یدوز بکری نفر ملازم
یازیلوب سنه نمانده ایکی نفره برد قتر ویر بلور بری امین ویری کاتب
قید اولند قد نصکره جهنه کوند بلور و او جیوز الشمس جزیه و قیون
حقندن هر جزیه باشنه اوز اچمه غلامیه الی و میری اچمه
کتر ووب میریه تسلیم اشدکارنده قیدلرین یوزدرلردی رعایاه تمندی
اولمزدی بر قاج زمان سفرلر بو خصوصه مانع اولوب محصلار جمع
ایتمکله رعایاه ظلم و تمندی اولندی و وزیر اعظم علی پاشانک معلومی
اولد قهره جزیه دفترلری فروخت اولمسون و اون اچمه دن زیاده
غلامیه المسون دیو فرمان عالی صادر اولدی دیدکده جله
نیو قوی استماع ایلد کده روم ایلی و اناطولی سپاهلری
اختیاری ایرو کلوب عرض حال ایدوب آستانه سعادنده
اولمهر سنه ملازم یازیلور و دفترلری آولر یزردخی مما سفر اشیر
وزجت چکه رزمجروم قالمق انصاف دکلدر اوز اچمه غلامیه
میریدن ویر بلوب جله موجوده علی السویه توزیع اولمق رجالبده رز
دیدلر وزیر اعظم استانبول سپاهلر ینتو جیه خطاب ایدوب
سزیه درسز دیدکده اولردخی فرمان پادشاهمز کدر لکن بوقرلری
درد و اتمه مکین اولوب روز و شب بر خدمت دوشد کده حاضر و فرمانه
ناظر موجودلر قانون قدیم اوزره حق یزمدردیو جواب ویردی

چون او بر طرفه کثرت اولوب وسفرل شاسنده استقامت مهم ایدی
اقتضای ایلدیکه اکثر ایچون حکم کل وار در دیو غالب طرفک مأمور
مساحتده اولنه پس جزیه دفتری و یرلیوب اوزراقچه حسابی
اوزره غلامیه و یرلک و علی السویه موجوده توزیع اولنق فرمان
بیوردی وقاضیلقلرده بدعت اولان امورک رفعه متعلق مشورتلر
اولوب مجلس بونکله ختام بولدی رمضان شریفک اوچنجی کونی
مپاهیلرک موجودینه اون بشر التون غلامیه چیقوب و یراعظم
اوکنده و یرلدی

(سرداری علی پاشا بجانب انکروس وجغاله زاده بسفر شرق)
الحاقه هذه انکروس جاتبنده ایچر اطور ایله حرب و قتال هنوز فیصل
ورسیده استیصال اولوب شاه عباس دخی بمالک محروسه به علم
افراز اولنخین شرقی و غربیه ارسال هسکر واجتا دو ضرب شمشیر
جهاد ذمت همت شاه تهمینه محسن دین و فرض عین اولد قنده وزیر
اعظم علی پاشا به رمضان مبارک غره سنه خط هما یون و رود
ایدوب بخار مجار اوزره سردار تعین بیوردی و اوچ کوند نصکره
صدارت عظمی دن متقاعدوب بالفعل قبودان اولان جغاله زاده
ستان پاشا دخی قزلباش او باش اوزرینه قائد الجیش کبر و دارا اولدی
اول ایکی سردار کا مکار لوازم سفری احضار دن نصکره جغاله زاده
ستان پاشا ذی الحجه تک اونیشنجی کونی کندویه تعین اولان هسکر
ایله اسکنداره کندی صدر اعظم دخی مهمات کوروب سنه آتیه
اولاننده روانه اولدی حسن بک زاده و بابی اوزره وزیر اعظم سراینده
عقد مجلس مشورت ایدوب دیار شرقیه جغاله زاده سردار
تعین اولندی چایب بک قازیه دخی وزرادن بری سپهسالار
نصب اولوب مستوفی هسکر ایله ارسال اولنق و بزرگ کندومز
دردولنده قرار ایلوب ایکی جاتبنده لازم اولان امردادی

یتشدد یوب ئدارك كورمك رأى صائب ملاحظه اواندى سزك
 دخى را يكر بويابد . نېچه درديد كده حضار مجلس مخالفتدن
 اجتناب ايدوب رأى معقولدر د يوب طاعلديار لكن معلم پاد شاه
 عالمناه يولده مفتي زمانه همعنان اولد قده بو خصوصده اولان
 تدبير وزير مستحسن و دلپذير دكلدر البته . جانب كفاره وزير اعظم
 اولان كتمك كر كدر والايش كورلمزد بمشيدى بعده وزير اعظم
 مجلس مشاوره ده صورتا دقاي جه وراولان راى تلخيص ايند كده
 مساعده بيورليوب البته . سنك جانب كفاره سردار او اوب
 عسكرايله كتمك لازمدر بويابد . بهانه ايلديوب مجلس تدارك
 كوروب چقاسن ديو فرمان طالبشان صدور ايلدى هر چند كه
 بعض مقدمات ايله دفعه تصدى وسعي ايلدى مفيد اوليوب
 بالاخره قالمقندن مايوس اولدى و تدارك سفره مباشرت ايتدى
 (تبديل مناصب) رمضانك اون بشنده صدر روم ايلي دماد افندى
 رفع و پرينه اسعد افندى نصب اولدى ذى الحجه يكريمى ايگېسند
 استانبول قاضيسى قاف زاده . فيض الله افندى معزول اولوب
 پرى يحيى افندى به و برلدى سلج رجبده يمن بككر بكسى حسن
 پاشا مصره و كهنه داسى سنان كهنه دايمنه بككر بكى اولدى
 او اخر شوالده سابقا قائم مقام اولان قاسم پاشا مقام خد متد
 بولمق زعمى ايله تمنى صدارته ايكن مرحوم سلطان محمد خان
 حياتنده اول مقام موى اليه على پاشايه تعيين اولنوب والدا مجدلى
 اول امر تنفيذه جائز اولمقده قاسم پاشا رجاسى تخلفندن اضمار
 ايلديكى حقد و كين بعض اطوارندن معلوم اولمقده صدر اعظم
 على پاشا ايله امتزاج ايد . يوب وزارت عظمى به طالبدر ديو
 اشتهار بولمق ديوان عاليه دن ازجاج مراد ايلديكى قاسم پاشا
 حسن ايتكله بصره ايلته طالب اولوب ايكن ابالت مرقومه

حاجی ابراهیم پاشایه ویرایش یولتغین صدر اعظم مر قومه همنان
 بر کون ایالت بغداد منشورین یازوب کوندردی عدم قبول صورت
 ارانت ایدوب امتناع معامله سن ایتد کده وزیر اعظم به حضور
 اولوب جبراً ازجاج واسکداره اخراج ایلدی قاسم پاشا دخی
 بالضروره اسکداره کچوب بر قاج ماه مکث ایتد کده البتد
 کیده سن دیو اقدام زیاده اولوب اول دخی علی کره قالقوب
 یکشهر قصبه سنه وارد قلزده صالحونلر صالوب بولدیغن الوب
 صاتمغه باشلدی بعده جزای عملتی یولوب قتل اولندی تنه کیم
 سنه آتیه ده ذکر اولنسه کرکدر وینه آخر شوالده شامدن معزول
 اولوب آستانهده وزیر اولان سنان پاشا اوغلی محمد پاشا یه قرمان
 بکلر بکبلکی ویرلدی و یوز الی اقیچه قضادن د فترداراق بعده
 بکلر بکبلک رتبه سنه واصل اولان حاجی ابراهیم پاشا یه
 ایالت مصر وراضیه خان زاده مصطفی پاشایه شام حکومتی
 و بونستایی باشیقندن چیقوب حالاشامه منصرف اولان فرهاد
 پاشایه حلب و حلب والبسی نصوخ پاشا یه سبواس بکلر بکبلکی
 بوجله توجیهات وزیر مشار البهک هر منلیله توجیه اولندی لکن
 بو عمل هجتنیدن خالی اولوب نظم امورک من وجه اختلا نسه
 و مزبورلر دن بعضنک سؤحاننه سبب اولدی و کذلک مرحد
 انکروسده آمد مدید جهاد اوزره اولان مراد پاشا یه خواص
 وزارت تعیین اولنوب انلر و سابقاوالی بمن اولان وزیر حسن پاشا
 آستانه یه کلک فرمان اولندی و سابقا پایه وزارت ویریلوب اوتورمق
 مپسر اولین صوفی سنان پاشا یه دیوانه کلک یورلدی و ذی القعدة تک
 التخی کونی یکپیری اغاسی قوجه احمد اغا معزول اولوب ایککنی
 قپوچی باشی نقاش حسن اغا تک یرنه اغا اولدی
 (ذکر وقعه دالی حسن در بونسته) اناطولیده طغیان اوزره

اولا رافره زیجی قرن دشتی دلی حسن ام جلالی که نو فاده حسن
 پاشا مرحومی باصوب شهید اید بن ملعوندر طعانی مزید اولوب
 شرعی دفع ممکن اولما مقله اطایف حبیل ایله صورت اطاعت
 کثوریلوب بوسنه ایالتی و پریلوب روم ایلته عبور ایلدی یکی اچالا
 فذلکه ده نقل اولمشیدی حسن بک زاده مرحوم بویله تفصیل
 ایدر که شوق مر نوره بوسنه ایالتی امری وارد قده صسکری ایله
 کلیولی معبره کلدکده چارطاق اسکله سی که کلیولی محاذ ایدر
 کلیولی خلقده زیاده اضطراب دوشوب کوجی بتن زورق ایله
 بوزازده واقع کلبد ایجر قلعه سنه نقل ایدوب نیجهل همان منزلته
 قیاندیلر او باش شهر قصد ایندیله که جنک ایدوب کچورمه لینه
 اهل حفاظ منع ایدوب فرمان پادشاهه مخالفت ایتش او اور
 دیویول ویرمکی مقرر ایدوب عتبه علیه طرفندن مرقومی کچورمه که مأمور
 اولان قادرغه سنی چارطاغه یناشدیروب دلی حسن پاشای اچر و آلوب
 بوضوق حبسن اوغلی علی الجملة قادرغه سن چکدر مبوب اسکله ده
 سیره طوروب شر احتمالن و برزدی بلکه اگر برشر کورینور سه فاجرم
 دیردی دلی احسن همان سفینه سن اول کمی به یناشدیروب زربانندن
 چینه قده کمی صاجی بوضوق اوغلی بک فقیر غارشو واردیکه دستبرس
 ایلید دلی احسن برکه قوچا غایله اغزینه او ووب بردرسک دخی کوکسینه
 او ووب یقوبت امر ایلدی حریفی قیچدن دریایه براقدیلر حریف
 دزیاده مظلوب چیقارکن امر ایلدی سکبانلر کچین تفنک او شوروب
 شهید ایتدیله خلق بوجالی کلیولی اسکله سندن معانیه ایدوب
 بن عقل قالدیلر الحاصل کچوب سنان پاشا مسیره سنده قونوب
 اولا قصد ایلدیکه عبوره مانع اولدقلر یچون کلیولی خلقده
 قتل عام ایلیدینه اعزته اهل سلوکن صاحب الکرامات مرحوم
 داعی محمد افندی که اول زمانده سجاد نشین مشیخت ایدی
 اکا بولشد قده نصیح و پندایتیه سله فارغ اولوب قاتسوب کندی

پسمانده زدن چوق تو ابعنی کلیو نی و نواحیسی او باشلری قتل
 ایتدیله اول کعب شوم سرحد رومه وارنجیه اوعرادینی یزی
 قتل رجال ونهب اموال ایدر بر بلا ی عظیم ایدی کخدا سی
 قورد کخدا بی بوسنه سراینه تسلیم کوندروب ککندومی
 عسکری ایله بلغرا ده واروب سردار محمد پاشا به ملحق اولدقده
 اظهار ایلدیکی اوضاع قبیحه و حرکات شنیعه بوسال وفا یکنک
 ابتدا سنده ذکر اولمشیدی متعلی اولان قورد کخدا بوسنه
 دیارنده ظلم بیشمار ایدوب بالاخره دباغ طائفه سندن برامرد غلامی
 طوئوبزنجیره اوردقده خلق هجوم ایدوب سرایی آتسه اوردیلر
 استونی خلیل نام بر سوخته قورد کخدا بی قتل ایدوب سرای
 ایچنده آتسه یاقدیلهر بنالوقه خلنی دخی بالاتفاق جلای مزبورک
 بتالوقه متعلی اولان آدمبستی سوزدیلهر مرقوم جلای دلی حسن
 سردار محمد پاشا یانه واردقده کاه اطاعت و کاه عصیان
 صورتن اظهار ایتکله نیجه اوضاع غریبه ایله سرداری جانندن
 بیرار ایلدی اطه چنکنده سباق مذکور اوزره جلای
 شقیاسنک اکثری قیریلوب بقعه السیوف ایله ایالتی اولان
 بوسنه دیارینه واردقده خلق بولک اوضاع ناهموارینه تحمل
 ایده میوب امرادن سفر نام کسینه بی کندوله باش بوغ ایتدیلهر
 و سردار محمد پاشا شه سکايت نامه کوندروب اظهار تظلم ایدوب
 مذاقعه به مأمور اولدیلهر بعده دلی حسنک اوزدیشه کلوب
 اولدقده ده بوزدیلهر اینکچی دفعه محکم تدارک کوروب عربله
 و ضمیرنلر ایله یوریوب اشقیای بیوزدیلهر دلی حسنک ما ملکن
 غارت و هر برینه ایصال خسارتدنصکره مزبور حسن صاغ
 فرار و ازور بقدن درین صوبینی یلدیروب کجسیدی و شاه وردی
 کخدا سنی بلغرا ده سرداره کوندردی مزبور کخدا کندودن دلگیر
 اولغین آنده قلوب من بعد یانه واره دی پاشا دخی کندو قوللرندن

روزنامه چه بجی محمد افندی بی کوندروب استمال و وردی و واقع
حالی در دولته عرض ایلدوب منصبی طمشوار ایالتنه تبدیل یافته
شفاعت ابتدی چون اول امر دن شکست عهد و پیمان ایتدیبکی
تقدیر چه جانب سلطنته ناکا اصابت کرد اولماق یابنده
مرحوم سلطان محمد قبلندن عهد سبق ایلدوب یو دفعه کندو
طرفندن براءت ذمت و بوسنه اها ایستندن سبق تعدی واذیت
دعوا سنی مشعل اوراق ضراعت ککشیدی مسامحه اولنوب
بوسنه دن طمشوار بکار بکیلکنه نقل اولندی

(بقیه احوال محاربه زافضیان و اسلایه شاه بقعه روان) مقدما
شاه عباس روان قلعه سنی محاصره و دفعاتله محاربه ایتدک نصرکه
ایچرویه کوندربان ایلمی قتل اولمقله محصورینک یومعه ساله لرندن
استیپان محال ایدوکنه دلالت حال ایله انتقال ایلدکده وار قوتن
بازویه کک توروب قلعه بی دوککه باشلدی و قنواق تخریب ایتکله
سبب نشو و نماری اولان میاه جاریه بی قطع ایلدوب محصورینی
بی آب و تاب ایلدی اگرچه درون قلعه ده چاه و خندق حفر
اولنوب دفع خطش مرتبه سی آب تدارک ایتدیلر لکن ایام محاصره
مدید و امیداد و رودندن قطع امید اولمقله محصورینک تحمل
اوزار کارزار ایله حالری دیگر کون وضعف و اضطرابلری حدن
بیرون اولمشیدی ماه ذی الحجه ده عسکر قزلباش هجوم و هجوم ایله
حصار جدیده کیروب ضبط ایتدیلر و سباندن نیجه سن اسیر
ایلدوب اکثرین شهید ایلدیلر محاصره یه شروع و قشده عسکری
ذامنه یش التی بیک کسسه وار ایکن زمان محاصره یدی آی متمدی
اولوب بیک بشیوز قدر آدم خلال جنکده کشته و بشیوز قدر آدم
حتف انفه انتقال ایلدوب نصف عسکر ایسه جانب مخالفه دونوب
بالعقل عسکر دن انجق بشیوز قدر کسسه باقی و موجود اولوب

بوشنر ذمه قلیله اول حصار وسیعك سد نفور بنسه عی خدمت
 ویلمنع صولت اعدایه عی بئل همت ایده جکدر دیو وزیر وعشکر
 منجیر و سرگردان اولوب محافظه حصاردن دفع ید ایتدیلر اعدا
 ایسه کثر تازی سپی ایله غلبه لر بنسه جازم واقدا م ایله تسخیر
 قلعه یه عازم اولوب لکن عشر محرم ملاحده مك ایام ماعی اولغله
 اذاء نفوسدن تحاشی قیلوب ایلم عشر حلول ایدنجه هجروم وضولندن
 نکاسل کورستروب بعد ذلک اقداماری ظهور اید . بجکی خبری
 متواتر اولمشیدی ناکاه برسائق هادی عسکر شاه جانبندن استیجانه
 نادى اولغین الحاح و ابرام بقیه نفیر ایله نامه وزیر یاز بلوب استدعا ی
 عنایت اولنبدقد . بعض اغراض حسبیه قبول رجال بنه تقریب
 و رفع دست تعدی قیلدی

(صورت مجلس شاه) پس شکرانه خلاص ورها قوم قلعه امری
 ایله دیوان ضلالت آشبانته واروب مامحرمك اون برنجی ~~کوفی~~
 حاضر اولدیلر راوی قفسه اول عصرده نجحوان قاضینسی اولوب
 محاصر . ده یله بولسان جراح زاده دیرکه امعان نظر ایلدیم
 بارو پنکاهی اهالی بوادی مایشده . الاجق اوی دیمکله معروف
 طرزد . ایسلو و پاسلو برچادر دیوانخانه سی اولوب محصورانه
 اسباب تیجمن اظهار ایچون پیشگاهنه اوج دزت چفت ساینانی
 ستونار اوزره کروب التنه برقاج قالیچه سرمشار کندو هتوز
 حاضر اولدین اعیان عسکری اولان او باشلر سبت درانوریش تراش
 باشلرنده تاج الحاد اوتور مشلر ناکاه شاه سبکسر کلوب الک
 دخی رویی محاسندن خالی و لباسی پلاس و عیسا و تیغ و خنجر ی
 زور یوردن مبراد یوانخانه سنک چاق طاق و سطنده قیام و ناچار
 اول قوم ماسور دافنوسه تقدم واقدا م کورسترد پلور و رساعت
 قدر وزیر نفیر دست بر سینه قارشوشنده قیام و احسینه فطیع ورام

شکلنیده اولوب اول سبکسر اول هنگامده عظمت کسرت اولوب
نه وزیری شرف خطاب ایله تشریف ونه ساتری نظرات
ایله تلطیف ایدوب انجیق خطابی طرفینده دوران اهل خسرا نه
مقصود وسؤال وجوابی انرا ایله مکالمه به محصور قیلوب بعد زمان
خیمه معهوده به کوروب اعیان عسکری دخی دعوت اواند قدده
داخل اولدیلر ایچنده معین شاه نشین و هیچ معقد و بالین اولمیان
برکوشه ده ساده فالچیه اوزرنده اوتوروب جانب یسارنده اولند خان
اوغلی الکسندر رخانی وجانب یمننده سپون اوغلی کورکین در پدیری
اجلاس ایدوب انک التنده تبریز بککری بکسی علی پاشای
واندن صکره کرد غازی وامشالی اوتور مشار الکسندر التنده
شریف پاشایی وسائر اعیان عسکری اوتوردوب اول ملحد فاجر
اهل سننه ازدراء اوزرل بنه تقدیم کافر قیلدی بعد ذلک وزیر
خطاب و کتاب لاف و کذا فدن بر نیجه فصل و باب تلاوتی ایله
سناک مسالک اطنا ب اولد قد نصکره مزبور جراح زاده قاضی بی
محل عتاب قیلوب بوجانبه اطاعت وانقیاد طریق صواب ابکن
چون ارباب عقل و دانشدن اوله سن نیچون تارک احراز فضل
وثواب اولد لک دیو سرزنش ایشد کده اولدخی خدام پادشاه
اسلامه دوشن اوزور هما یوندن بدل جان و اعیان وارکانه لازم
اولان جدال و قتاله عطف هنان ایدی بووضع مقبول هند اعل
مذموم اولیجیق حضور عالیارنده بر معاتب و معلوم اولماق مأمولدر
دیو جواب ویردکده نوما استصوابا بد نصکره خادم شرع اولد یغنی
عقونه تقریب ایدوب همان اول مجلسده کتمه دستور و یردی
مقبما اسپر ایتدیکی علمانمنه اولنلری سزر قزلباش طاقه سندن
برینک قتلی یتش کافر قتلنه معاد لدر دیو فتوی ویرنلر سز دیو
حیاسن یاروب جکرلین چقاروب اشد عذابله قتل ایتشیدی

و اثناء محاوره کلامده ظهور سطوت باس پادشاهیدن اظهار
 بیم و هراس قلوب و وقوع عقود صفح پادشاهی به وسیله اوله
 دیو حضور همایونده اکامتعلق کلمات اظهارینه اغرا ایلوب
 بعض جوارث ایثاری ایلله کوندردی مزبور دخی رجال و نسواندن
 بشبوز قدرکنسه ایلله دارالامان محبّه قرصه کلوب اوائل سنه
 آتیه ده دارالسلطنه علیه به وصول بولدی بوقمه پی برکتاب
 ایدوب حضور همایونده عرض ایلدی که بومحله کلبه اول کتاب
 تلخیص و انتخاب اولندی

(اسنیلای شاه بشروان) حسن بک زاده تحریری اوزره حاکم
 شروان خادم حسن پاشا د نصکره کلایچی عر پاشا ایدی اولدخی
 عزل اولوب جغاله زاده سنان پاشا اوغلی محمود پاشا پورلشیدی الاجه
 اتلو حسن پاشا که انکروس سفرلنده شدت شجاعت ایلله نام
 چقا روب مر دتمور و شجاع ایدی کندویه ارضروم ابالتی
 و یرلدکده کند و دن مقدم مزوجه سنی اقلیندن پیری چاوش اوغلی
 مصطفی چاوش که مرحوم صاحب الخیرات اسکونی دولکیززاده
 نسلندن بر مر د عجب ایدی منسل کوندربلوب اولدخی واروب
 کاردا نلفه بناء صنف کوستر مکله ارضروم خانی که شدت شکجه
 ایلله معر و فلردر مزبور منسل مصطفی چاوش درد مندی طاشلوب
 ماملکن یغما ایدوب شهر دن طشره طردایتندکارنده حسن پاشادخی
 وارمشیدی شهر لی آلایلر باغلوب مرقومی ایچرو قوموبوب بالخره
 بعض اسبابی و یروب شهر یغزه داخل اوله سنی قبول ایترز دیدیلر
 حسن پاشادخی بواحوالی عرض و دردواته اعلام ایتدکده کندویه
 شروان ایالتی و یریلوب امر شریقی ارسال اولندی شروانه
 وارد قده مدت یسره ضبط ایدوب محمود پاشادخی و ن پرزاده اولغله
 فضولا حکومتدن خالی د کلیدی بر ماه مقداری مدت جر ورنده

حسن پاشا وفات ایدوب ینه منصب شروان محمود پاشایه مقرر اولدی
حتی من بورک فو قی ضیافتده سم اسقا اولمق سبی ایلده در دیو شیوع
بولدی اول ائنده عسکر قزلباش شماخی اوزرینه کلوب ایجا صره
دنصکره استیلا ایدوب شروانه دخی مستولی اولدی قسیمی
احیایدن قره باغی مدرس محمد افندی نقل ایدر که شاه عباس شروانه
مستولی اولدقده شیخلو نام قریه ایا الیسی ودخی نیجه قری خلقی
جمله سنی اولد قاری ایچون قتل عام ایدوب حتی اطفال بی مجال
مقوله لرینی خرمن آلتندن اولان دوکن الله براغوب که اول دیارده
اکادل دیرلر اوزرینه دوکن یوریدوب اول شکجه ایله هلاک ایلدی
ومحمود پاشا شما خیده ایکن قزلباش محاصرده ایدوب بعد
عجز ایلده رجعت ایتد کده محمود پاشا دخی اول فرصتده
فرجه بولوب غنم روم ایتکلسه شاه عباس کلوب مستولی
اولمشیدی

(محاصرده فرصت بعد از گرفتن روان و ذکر بعضی مفاصل سرخ
سران) حسن بکرزاده تحریری اوزره شاه عباس قلعه روانی محاصرده
ایلد کده شریف محمد پاشا استیلا ایلده چیتکین حضور شاه
وارد قده قلب مروت وعدم وفا وحیت نه حتی ایلده بی امان قتل
ایلدش اوله وائشاء محاصرده لشکر قزلباشدن برکروه ایلده ایبرکونه
خانی اول حوالی تسخیرنه واجبه قلعه اخذ ینه کوندربلوب
امیرکونه خان دخی الله قلعه بی محاصرده وهنوه مستولی اولوب
اول حوالی بی قتل وغارت ایدوب ارمنی رعایاسنی جیسا سورب
اصفهان کوندردی اول ائنده اول اولکه الای بکبسی کنعان بک
قرصدن حاکم قرص عثمان اغا طر فندن دل المغه چقبوب امیرکونه
لشکر ینه شکار اولد قده امیرکونه مزبوری شاهسه کوندروب
مقدم تبریک طوطی پاشیسی شیک ایتدیکی طوپه کنعانی قیوب

روانده فر شو آتوب ریزه ریزه اولدی بعده عنوة روانی المشیکنینه
عثمانلور امان و یروب زاد و ذخیره و قطار لری کوروب قرصه
کوندردی و سور روانی هدم ویره برا برایدوب ایالتن امیر کونه و یردی
اندن کندی قاقوب قارص اوزرینه لشکر چکوب قارصی محاصره
ابتد کده قارص قوی و رواندن چیقان عثمانلو کدر تیوز مقداری ار
اکثری مجروح ایدی عجم جنکنه کوزلی الشماغله یسه چیغوب
مناشده و حرب ایدر لیدی شاه کراه انلره خبر کوندروب قارصی
دخی الد یغمده بوکره بریکره امان و یرم دیوب بالاخره قرصه
دخی استیلا ایدوب مسلمانلر ناچار اضروم امیر الامر اسی کوسج
سفر پاشا انلرک زادوند ار کن کوروب قایدی اول ائشاده اخمخه یه
قصده ایدوب اخمخه حاکمی قره قاش پاشا انده ایدی هله خدا
صاقلوب حفظ ایلدی و او جوز عجم اول حوالی به قلعه قصده نه
کوندر لمش انلر دخی اول حوالیده بر معظم خانه قونوب ارمنی
رهاییاسنک عورتلرین چکوب فسقه مشغول اولیحق ارمنیلر اضروم
امیر الامر اسی سفر پاشا به دخی خبر و یروب سفر پاشا دخی رواندن چیقان
عسکری ایله خانی باصوب اگرچه به قدر تنگ جنگی اولدی اما خانی
طامدن دلوب ایچرو کیرد کلرنده مست عجملری سراپا قیروب
باشلرین آستانه یه کوندردیلر صکره ذکر اولنان سفر پاشا و قره قاش
پاشا جغاله زاده هنر نمنده شهید اولمشلر در اما قذلکده تهریر اولنان
شاه روانه ظفر بولد قدده شریف پاشا یه اکرام ایدوب امام رضا
تولیتن و یردی مزبور دخی بقیه عمرینی مشهده کچوردی و سائر
محصولزه اجازت و یردی استین بنم نو کرم اولسون دیوب
کندولری آد ملریله خضر پاشا اوغلی محمد پاشا یه قوشوب اوج
در تیوز قدر خانه اهل و عیالریله قرصه کوندردی و بواشاده اضروم
بکله بکسی و سر دار اولان ساعتی حسن پاشا انک دخی عمرلی آخر اولوب

وفات ایتکله عسکرطا غیلوب شروع مصلحت سنه آتیه به قالدی

وقایع سنه ثلث عشره والف

ماه محرک بکر منجی کونی وقت صخی ده بصره شهرنده بر عظیم
زلزله واقع اولوب بیوت خارجه و داخله سی عمو مایقیلوب التده
نیجه نیک آدم هلاک اولدی

(رفتن صدر اعظم علی پاشا یحیایا نوب بلغراد) سابقا وزیر اعظم
مأمور اولدیی انکروس سفرین دفع ایتکله قتی چوق سخی ایدوب مقبد
اولامغله تدارکنی کوروب کتک ازنجه اولدی روم ایلی و بوسنه عسکری
ویکیچری اغاسی والی بلو کدن سپاه و علوفه جیان یمین و غربای یمین
بلو کلری انکروس سفرینه مأمور اولدیلر و باش دفتر دارا تمکچی ایزاده
بیله قوشولدی و صدر اعظم علی پاشا صوفی سنان پاشا پی برینه
قائم مقام تعیین ایدوب سابقا قائم مقام اولان حافظ احمد پاشا نیک
خواججه پادشاه ایله علاقه و محبتی وزیر خلیجان و یروب مزبوری
بوسنه ایالتی ایله تبعید مراد ایلدی حافظ پاشا دخی خارج شهرده
بر باضجه به کوچوب بجال و بقال کلک بهانه سیله بش اون کوز
مکت ایلدی وزیر ایسه التده فالقوب کیده سن دیوخر مابن
کوند ردی علی پاشا مزبورک اطوارنده صورت تخلف مشاهده
ایتکله تذکره کوند روب مضمونده بنی قانه شریک اید رسن علی
الجمله فالقوب کیده سن والا بالذات واروب وجودیکی ازاله ایدرم
دیو درج ایلدی حافظ پاشا خون ناحقنی اساله به قصد ایتدیکنی بیلوب
سمما و طاعه کویان حرکت مسارعت و مهمانته اشتغال صورتده
مخفیجه عمله مباشرت ایلدی غره محرم الحرام ده موئی ایله صدر
اعظم علی پاشا شوکت کامله و آلا ایله استانبولدن چیقوب
داود پاشا ده منصوب اولان اوطاغه نزول ایلدی عموما اعیان و ارکان
تشیع ایدوب تعظیم و اجلال ایله کوندر دیر علی پاشا نیک جناب

پادشاهیدن کوردیکی اقبال بر وزیر کور بمشیدی باوجود التفات
 معارضه سستی و مقر بلرجوری بلنی بوکوب جاننه کار ایتش ایدی
 چون مسارعتهم امور ایدی ماه من بورك بشنده حرکت ایدی حیک پادشاه
 ذیشان تشبیع عزات نیتی ایله حاقه اونام منزله واروب انده واقع
 قصر عالیدن عسکری تماشا ایلدی پاشای مشارالیه ایچ خزینه دن
 سفر خر جاقنی طلب ایتشیدی اول فلورینک کله سنه متظر ایکن
 برشدید خط شریف کلوب باشک سکا کرکسه البده یارین قالقوب
 کیده سن دیو فرمان یور لغله غیرنی ناخیره بحال اولوب ایرتسی
 کوچ مقرر اولد قده بر خبر شیوع بولدیکه بوستانی پاشی فرمان
 هما یونله حافظ پاشای قوندیغنی باغچه دن قالد پروب
 استانبوله کوتوروب سرانیده اسکان ایتش وقائم مقام اولسنه خط
 همایون صدور ایتش علی پاشا ایسه صوفی سنان پاشای قائم مقام
 دیکوب حتی دستبوس پادشاهی ایله مشرف ایتدرمشیدی تحلف
 احتمالی محال ایکن برجهه کونی حافظ پاشا غمازده و جناب حقه
 نیازده ایدی عتبه علیسه ده قائم مقام ایچون خط همایون
 ورود ایلدی حافظ پاشا سرانیده کلدکه ایرتسی دیوان فرمان ایدوب
 صوفی سنان پاشا دخی اکاه اولسون ایچون یارین دیوانه کلسو ناز
 دیو کندو سلام چاوشنی کوندردی صوفی سنان پاشا چاوشنی وزیر
 اعظم دن کلور تصور ایدوب سنی علی پاشای کوندردی دیدی
 چاوش خیر حافظ پاشا کوندردی دیوب سنان پاشا تکرار چاوشه
 یوقسه قائم مقامی اولدیلر دیکده چاوش نعم دیو جواب ویریحیک
 سنان پاشای الحال قالقوب حافظ پاشا تک تمیننه واردی ایرتسی
 حافظ پاشا ضحوة صغرا ده دیوانه وارد قده دعوت ایدوب حرمین
 محترمین احوالنه متعلق برانکی ساخته تلخیص یازدروب وصفله سنجینی
 دخی بر شخصه تلخیص اولتوب دستبوسد نصکره حضوره ایتونه

اول تلخ صاری اوقیوب بعده طشره چقد یار و دیوان طاغی غافه
 قریب بر تلخیص دخی یازد یروب مضو نند دیوان صاولد قد
 وزیر اعظم حضور ینه واره جعفرین اسبندان ایلدی یار تلخیص
 یاز یلوب النسه و یرلد کیده قویندن برورقه صغیره چقاروب
 تلخیصك ایچنه القالدوب ایکیستی یله بردستاله صاروب بهرلیوب
 یایه سر یر اعلا یه کوندردیلر ائندن سرا یار ینه کلوب خد املز ینه
 جر به حاضر میزد دیو یوردیلر مهیاد دید کلر نده چتالجه حیل
 مسافه در وار یلوب ینه صباح دیوانه کلك قالیمی که هوادخی زیاده کرم
 انجق دیو زرد صورتی کوسر توب بعده فارغ اولوب ایچرو
 جر منه کندی پادشاه حضر تار ینه وزیر اعظم طرفنه کسم کرک
 دیمش و انما ایتشیکن باعث فراغت نه اوله دیو حواشبی فکر ایتدی یار
 مکر معلم سلطان کخدا سی عثمان چاوش کلوب وزیر اعظمه وار مرکز
 نه لازم بر غضوب و منهور آدمه رشاید اها نت ایلده دیو حواجه افتدی
 طرفندن خبر کشور مش صکره ینه ملاقات اولدی مکر سبب هنر
 ملاقات بو ایمشکه پادشاه طرفندن قیللی دلسر کلوب بندخی
 پادشاه طرفندن سمری سپارش متعلق خط همانون کنوروب
 وزیر اعظمه کیده یورم سز ده حقیقجه کله سز دیو کتمش اکابناء
 حافظ پاشابه ده اعتماد قلب حاصل اولوب چتا لجه ینه روانه
 اولمش مکر تلخیص ایچنه القا ایلدی کی رقه صغیره کتدولزینی
 وزیر سپارش اتمک رجایی ایش الحاصل حافظ پاشا اول کون
 سوروب چتا لجه ده سرداره بولشوب دونوب ایرتسی علی
 السحر دیوان همانونه ایرشد یار سردار علی پاشا تخمینا در نه ینه
 ایرد کده بو جانبده ابوالیمان مصطفی افتدی صدر فزادن عزل
 اولوب مکر را صنع الله افتدی شیخ الاسلام اولدی مولانا
 مر قومک عز لته باعث قاسم پاشا ایله انجادی و معلم پادشاه

ایله عدم و دادی ایش علی پاشا اگر چه عزیمت سفر ایتدی
ایکن خلاف مرضیسی اوزره حافظ پاشا قائم مقام اولد یقندن
و خواص مقرینک تسلط واسئلاستدن غایت مغیر اولوب افراط
عهدن راجی بوزلدی هجوم غم و ایله کوندن کونه ضعیف اولوب صوفیه
میزلنی کچد کد نصکره حال دیگر کون و زباده زبون اولوب معده سی
طعام قبولندن قالدی نه حال ایسه منزل بمنزل بلغرا ده واروب انده
سیردار اولان محمد پاشا ایله اجتماع ایدوب نهینه اسباب سفر اوزره
ایکن عالم آخره سفر کورینوب ماه صفرک بکرمی سکرچی کونی
تتقال ترک جاه و جلال ایلدی •

(تفصیل توجیه سنان پاشا بسفر عجم) بر موجب رأی صائب قریبش
بدمشاش جاننده توجیه عسکر لازم اولغین مقدما جفا له زاده سنان
پاشا که بیر ساتورده بکار بکیلردن اولوب اکری قهندن زمان قلیلده
وزیر اعظم بعده والی شام و آخر قومادن اولغله کندیویه بنداری
بر مرتبه یه وارمشیدی که مقام عند حده اناجیاهد البرو البحر دیمکی
معتاد ایتشیدی هر چند کند و نک خلاف مقتضای طبیعی اولوب
حکومت درباری سلطنت دنیا یه دکشیز ایکن مر حوم سلطان
مراد خان زمانده سردار ظفر شعار وزیر اعظم عثمان پاشای
نامدار تبریزی روافض النندن نزع ایتد کد نصکره دوشده وفاتی
صد دنده مشار الیهی مقامنه اقامت اید یحک تعقیب ایلین عسکر
قریباشه باز کشت خواب ایتکله آ نار حسنه سی ظهور ایتشدر دیو
سردار اوله سنی وزیر اعظم علی پاشا مرض ایتکله سفر شرق
سردار لینی کندیویه توجیه اولوب سنه سابقه ذی الحجه سنک
اون النجی کونی اسکداره کچوب عسکرک اون ید یچی کوننده قلعوب
سلحدار وجهه جانب یسارده اولان زمره لری ویکچیری کفهداسی
وصا مصوبی و اناطولی عسکری ایله جانب شرقه توجیه ایتدی
از نکمیده وارد قده صاخ قول بلو کلرندن اولان خلق غرض حال

ایدوب روم ایل سفرینه مامور اولمشز اناطولی سفرنده اولسق
 علوفه لر عزو بریلور می بد کارنده انا طولینک جله قیوقولی شمرق
 سفرینه کیدرلایسه علوفه لری و بریلور دیو فرمان اولغله الی بلوک
 اغاری تعین اولتدی پاشای موی الیه انشای طریقه ده راست
 کلدیکی اشقیانک حقندن کلوب ارضروم سرحد نه قریب
 اولدقده سافادلی حسن ایله هم رکاب اولان قره قاش اجدتوابعی
 ایله توبه کنسان درگاه سرداره کلوب ایلدیکی اوز اردن رجوع
 ایلدکده رجاسنی قبول ایدوب چلدیر بکدر بکلیکی توجیه ونه یخ
 وپند ایله تنبیه اولندیکه توابعی ایله مقدمه الجیش اوله من بعد
 مزبور مظهر الثغات اولغله اشقیانک حقندن جوق کسینه کلوب
 اوزور پادشاهیده بذل جان ایتمک عهدین ایلدیار و برمنزل مقدم
 کتمک ترتیب اسباب سفر ایچون بر قاج کون توقفه اذن اولدی
 وسابقا مطبخ عامره دن چیقوب برمر دهب سادر و فر وسینده امثالی
 نادر اولغین قطع پایه ایدن کوسه سفر بوالفضولانه حد دندن
 زیاده جرکات و اخلاط ناسدن جمع اولدات ایدوب اغور پادشاهیده
 بعض خدمات ایتمکله حالا ارضروم بکدر بکیمی ایدی اوج درت
 بیک مسلح عسکر ایله استقبال و کدوینی بدرقه اصحاب حرب
 و قتال ایدوب موکب عظیم ایله صحرای پاسبان کلدکرنده وان بکدر
 بکیمی و قدیم دن قزلباش ایله بعض باز کشتی اولان نفیسی ایله
 برار اجدت پاشا اوج درت بیک قدر آدم ایله کلوب ملحق
 اولدودن صکره توفیر عسکر ایچون یوللرده خصوصاً سانه مزبوره
 جادی الاخره سنک اوز بشتی کونی حوالی قرصه کلدکدن صکره
 چرخه جی تعین اولسان قره قاش اجدتوابعی ایچون اون کون
 درنک و مکث ایلدی بو ائشاده شاه عباس روان و اچقه قلعه حواله بسنده
 و هم عظیم ایله قونوب کو چلدیکندن خسر ایچق سفر پاشا

سرداره کلوب حالا شاه کراه برجی روافض ايله محل مزبوره
 روان اولوب سز عسکر ايله منزل بمنزل کلک و بکا بر مقدار
 عسکر و یرک ایلغار ایدوب واره لم ان شاء الله امید در که
 شاهی دست در کردن بسته حضور بکره کتوره لم هر بار که
 یو باید الحاح ایلدی کارگراو ایوب قره فاش کلنججه حرکت
 ایلدی قره فاش کلنججه قره قش کلک مرتبه لری دخی اولوب
 سفر پاشا رایتیه رجوع اولمادی بوکونه عوق فرصتی فوت و دشمنی
 تبعید و امسال ايله جانب خصمی تأیید ایلدی و بالجله زمان تنک
 اولمشکن شاه کراهک اردینه دوشوب و مکتوبلر کوندروب دعوت
 ایلدی که قراره مجالی اولدی عسکر نخبه وانه وارد قد شاه روافض
 تبریزی آرا بکاه ایلدی چون قصبات و قری رعیاسن مقصد ما
 اجلا ایش و اول دیار زراعتدن خالی قالوب بخط و غلارینه علیایه
 بتشدی و سردار مشارالیهک اوغلی محمود پاشا شروان بکلر بکسی
 اولغله اول طرفه کتک مراد ایتکین اعیان عسکر سردارک حضور بنه
 کپوب دریاه سفر ایتسک والده کی کورمه کیدرسن قره یه سفر ایتسک
 اوغلو که کیدرسن شاه طور میوب کریران لکن یر عسکر کران ايله
 عقبنجه روان اولما مزیه هوده اتمایدن بعد واروب تبریزی
 محاصره دخی نسنه افاده ایلز زیر روز قاسم قریب اولمشیدردیو
 فاشلاق طلای ايله جانب رومه عودت امرنده الحاح ایلدی بار
 هر چند که سردار افله طریق ملایمتدن کلوب بوجعیتی پریشان
 ایتک حزم و احتیاطه لایق دکلدر شاه کراه بزم او قلفش
 شکا ریمزدروانی بو قش اله کتورمک بزم ادنی کاریمز کورومه
 کتمکدن کبجه و قره باغ که نعمتی فراواندر قبشلاق ایتک اولی در
 دید که قولنی اصغاییم یوب او طافنی یققدیلر و اچی صوباشدن
 جانب تبریزه نحو یل ایتدیله اول دخی ارس نهرینی کپوب ضروری

شروانه گنمکن فارغ اولدی ونبریز اوزرینه برقاچ منزل کیدوب
شاه دخی برقوناق اوجکه یوررایدی بوانشاده دخی سفر پاشا
وسواس بکلر بکسی احمد پاشا والاحه آنلی حسن پاشا هر بار شاه
اوزرینه ایلغار اسلیدان ایتدیکه رضا و یرمبوب قلعه وانه واصل
اولد قلرند و عسکر دن هر طائفه په برسمی مشتاهه بین ایدوب
کنند ووانده قانق تدارکنده اولدی

(نزول سردار بقشلاق وان و محاصر و شاه) هر چند که
امور دیده اختیار چون عسکر اجازه و یرلدی مناسب بود که
سزدخی سرحدده قرار ایتوب ممالک محروسه دن یا حلیده
یا آمده قبشلا په سزنگاو سرحدده سرداری عسکر السز
ایاقسز برسمه بله سنده درانکی چون بوانده ک سر عسکر لردن
بری سرحدده قبشلاق واقع اولماشدر دیدیلر لکن مومی الیه
خودر آئی اولغله قبول ایتدی وبلده وانه کیدی ووان ایالتی احمد پاشایه
و یروب مومی الیهک مراتبی ناخوش اولغله کند وک حکیم باشبسنی
کوندر ووب برقاچ کونده ایشنی بتوردی و یرینی زنجیر قیران علی پاشایه
و یردی و کوردستان بکلرینه اسمالت و یروب ووان ایالتنده درتک ایچون
هر یرینی دعوت ایدوب انده جمعیت تدبیر و ترقینی کوردی چون
شاه روافضک بوقضیه معلومی اولدی بالغا مابلغ چند شیا طینی
جمع ایدوب گروه ملحدیندن الله و یردی خانی پیشرو قبولوب کندو
دخی جانب وانه روانه اولوب ایلغار ایله علی الغفله واروب
برکار ایتک امنیه سنی ایله ظلام ایلده صحرا په وصول وانه طوب ابرشمن
مجه نزول ایلدی چون صباح بومعنی ظاهر اولدی سردار مومی الیه
عسکر اکزاده و یاننده بولسان طائفه قلیله په را ضربه زاده
مصطفی پاشایی سز عسکر ایدوب انلر دخی چیتوب برازالشدر
لکن زمرة روافض بولارک اضعا فی اولغله متار که پی اولی کور ووب

بنه قلعه به ~~صکیر~~ د یلر اول محله خندان اغایکی اوغلوا بله
فریاشه اسیر اولدی

(رفتن سردار بجانب ارضروم و عودت شاه) چون سردار
وانده قالدوغنه نادم اولدی لکن بعد الوقوع چه فائده بعد الفکر
نتیجه تدبیری بواولدی که کند و بر طریق ایله قلعه مدد بچیوب
ارضروم دوشه پس اول سفرد یله اولوب ساجا آستانده
د فتردار و بکر بکلیک پایه سیاه متقاعد اولان شمس پاشای
پایه وزارت ایله کند و مقامه اقامت ایدوب وان دگزنده برکی به
کیوب عاد لجواز قلعه سنه دوشدی انده دخی توقی تجویز ایتجوب
لواء مزبور یکی امیر شاه بکک و سائر قلعه اربابنک بارگیرین الوب
اول محلدن ایلغار و سرعت بیشمار ایله حسن قلعه سی و ارضروم
طرفه رفتار ایلدی قریب اولد قده ارضروم بکر بکپی
کوسه سفر پاشا استقبالی ایدوب رخت و بخت و دواین پیشکش
چکدی شاه دخی سردارک جانب آخره کشد و کن تحقیق ایدوب
وان محاصره سنه سعی یهوده ایدو کین بکک ایله قرق کون قدر
اوتورد قدن صکره کوچوب تبریز و نجفوان جاندنسه روانه اولدی
و بولده عثمانلو قلعه لرندن ماکو حصارینه دوشوب محاصره ایلدی
لکن خزی و خذلاندن غیری مستفید اولدی و بوندن اقدام
جغاله زاده عجم سفرینه ما مور اولد قده قیودانلق جعفر پاشایه
و یرلش ایدی التمش پاره قدرغه ایله بحر سفیده روانه اولدی
بعض توار یخده قیا پاشا زاده مصطفی پاشا قیودان قائم
مقامی اولدی دیومسطوردر

(سرداری لالا محمد پاشا بصدارت عظمی در بلغراد بعد
وفات وزیر علی پاشا) چون وزیر اعظم علی پاشا بلغرادده
وفات ایلدی قورد پاشا مصطفی نام قیوجی باشی مهرشریفی

در دولت کتوردیکی کون قائم مقام حافظ پاشایه تکلیف اولوب
 قبول ایتمک ایله خواجه پادشاه مصطفی افندی قصر هما یونه
 دعوت و مهر و کالت کچه و یرلک مناسب در دیو مشورت پیور دقارند.
 حافظ پاشا قبول ایتمز و سرحد انکر و سده عسکره بر سردار
 مهخدر دیو بوندن اقدام اول جائید. سردار اولان لالا محمد پاشایه
 ارسالی اولی کوریلوب سنه منوره ربیع الاولینک طغوزنجی کونی
 قنوجیلر کتخدا سی جعفر اغا ایله ارسال اولندی حافظ احمد
 پاشا مهری قبول ایتمد و کینه علت بواید یکه بوندن اقدام
 محمد پاشایه سردارلق امری وارد قد. یو جائید عسکر اسلام
 وزیر اعظم دین غیرینک سردارلقی ایله استخدا م اولوب
 سنه سابقه تاتار خان دخی اکابناء روگردان اولوب ولایت کندی
 و یوسنه خلعتی دخی خروج ایندی بونده وزیر اعظم اولنجیه ایش
 کوراز دیو عرض ایتمد و که بناء وزیر اعظم علی پاشا کوند رملش اییدی
 بود فعه حافظ پاشا سردار اقدن ایا ایدوب مقدمه بوسنه ده خصوصاً
 میخال محارب سنده سردارلق شریتی ایچمش و اول سودا دن کچمش
 اییدی اناک ایچون مهری قبولدن امتناع ایدوب محمد پاشا اوزرنده قرار
 ایلیدی چون خاتم و کالت عز واجلال ایله محمد پاشایه وصول بو اوب
 ممکن مقام استقلال اولسیدی تسخیر بلاد انکر و س ایله امور
 پیور لغین تجهیز مهمات عسکر و تمهید مقدمات قطع و ظفر
 ایتمد که نصکره عموماً عسکر اسلام ایله قاقوب بودینه توجه ایلیدی
 و استرغون تسخیری ضمیرنده جایگیر اولغله اوسک حواله دهنده
 بکنش پاشایه بودین ایاتن و یروب اوج ییک قدر
 کزیده عسکر ایله مقدمه الجیش قیلدی و بودین جائیده

کوندزدی

(فرار کفار از پشته) لالا محمد پاشا ک صبت و جدای شهامتی

اول جوانیده ولوله انداز اولمغه سابقا عیسی حسن پاشا نك
تقصیری اثناسنده پشته قلعه سنی آلوب آنده ممکن اولان کفار
قلعه پی براغوب یات و یراق قسمندن انسه آلامیوب فرار
ایندکرندن وزیر مشار الیه خبردار اولد قده بر قاج سفینه ایل
طونه پی کچوب ضبط ایلدی لکن کفار قصد اضرار و عزم
تخریب حصار ایل اوج یردن لغ ایدوب کتدکلی پی قلعه ده
قالمش برخسنه کافر خبر و یرمک ایله لغملری ارایوب بولد یلر
آتش بارونه واصل اولمغه نصف ذراع قالدوغن کوروب ازله
ایدیجک بفضل الله تعالی اول غایله دخی بر طرف اولدی صدر اعظم
و عسکر بو خبر مصرت ائردن مسرور اولوب شکر ایلدی

(تعمیر حصار چان قورتران و فرار کفار خطوان) سردار کامکار قلعه
قبراری و تعدی کفار ایل و یران اولان چان قورتران قلعه سنی تعمیر
و عسکر و ذخیره لرین توفیر ایدوب سنه مزبوره جیادی الارلی سی
اولاننده عسکر ظفر رهبر ایل بودینه واصل اولد قده پشته یه
ممدود اولان جسره که کفارک تیشه عد اوق ایله مقطوع ایدی
اسلوب سابق اوزره قورلق فرمان اولوب اکا پناه سابقا
خطوان قلعه سنه مستولی اولان کفار ده دخی خوف غالب اولمغه
فرار اید کتری خبری کلوب محافظه سنه زاد و ذخیره ایل تعیین
اجناد ایدوب حین فرارده کفار یا قد و غی بیوت و حصاری
تجنید ایچون تا کید و تنبیه قلدی

(فتح قلعه واج) بعده سردار نامدار ایکی سنه دن برو کفار
تصرفنده اولان قلعه واج قحنه رواج و یروب قلعه مزبوره
مقابله سنه اولان اسکی بودینه زول ایلدی و نهر مزبورک ایکی
چایندن دو تنما سفینه لر یله طونه اوزردن عسکر کوندروب ماه
مزبورک بکرمی برنجی کونی هرچایندن محاصره ایدردی عزیمت

صادقه حسیله اول قلعه ده اولان کفاره دخی رغب غالب اولوب
اول شبدن صورت ثباته کورینوب قلعه مرزوره مقابلی واقع
جزیره ده اولان طایفه و پلنقه آتش ویردکن صکره نصف لیلده
کیلره کوروب استورغون جانبته کشدکلی معلوم اولیجی واروب
ضبط ایتدیلر

(محاصره استورغون) بملده عساکر نصرت مائرايله قلعه
استورغونه توجه اولنوب جادی الاولینک یکر می دردیجی کونی
محاصره و هر طرفدن طوب و تفنگ ايله جنکه مباشرت ایلدیلر
لکن هنگام شتای قریب اولغله تعاقب برف و یاراندن متسارده
قراره امکان اولوب امدن ماعد اکثر اوقات سفر پشته و خطوان
وواج قلعه لرینک و جسمرک تعمیری مصححترینه صرف اولتیق
هم اولغله استورغون محاصره می وقتی مقصود اصلی اولوب
انیق کفاره اظهار جلادت و عرض قدرت قصد اولتغله
عسکر هن صمیم القلب پادشاه فلرندن ماعد کفار نهر طونه
وراعنه طابور قوروب واول جانبدن استورغونه متصل بر جسمر
چکوب طوپلر ايله محافظه ایدر و مجروح کافرلریرینه دنج کافر
فورایدی بعضی لیلده ملاعین علی الغله چقبوب مترس باصدغه
نیجه غزات شهید اولوب عسکرک امر محاصره ده فتوری زیاد
بولغله یکجیری بوژماند نصکره محاصره مضردر دیو تقاضای
عودت ایتدکلینده سردار کامکار فریم خان غازی کرای اوغلی
تو حتمش کرای که اول سفرد باباشی برینه خدمتده ایدی نیجه
یک نانارایله وروم ایلی بکلر بکبسی حسن پاشایی براز عسکر
جرارایله اول دیار کفاری تخریب و غارت ایچون البقویوب اوتوز
بر کون محاصره دنصکره قلقوب کنبد و اردوی همایون ايله
بودین جانبته توجه ایتدی و بعد الوصول تدبیر امور سرحدده

اهتمام واسباب محافظه قلاهی اتمام نصیره سنه مزبور
رجبتک اوچنده بلغراد واصل اولدی بودینده اولان اسکی قول
اوغلارینک وعده لری تمام اولغین یلک غری التبشیر اچمه ایله
دوت یلوکه قید ایتدی رادی

(تته) پچوبلی ایدر نقاش حسن پاشا اول محاصره ده یکجیری
اغاسی بولنوب جبان بی تار اولغله جنک اختیار ایلوب برکون
متریسسه وارمادی بالاخره سردار آق عزل ایله کوشمال ایدوب
واحوالی دردولته داره عرض ایله هرمنی پامال ایلدی مقدما ابراهیم
پاشا سردار ایکن تاتار و امرا و اعیان اگری ایله استرغونی استبدال
رآین ایدوب اگری بومیشندن بعید و ممالک اسلامیه به چندان
نفعی یوقدر دیو استرغونی ترجیح ایتیشلر ایدی محمد آخند اووزیر
مراد پاشا و خان وزیر احمد آغا و بودین قاضی هسپیل
افندی طابوره واروب بومنوال اوزره صلح مذاکره اولندقد
هنوز قرارداد قلمش ایدی بودفعه نیجه کفاری بووجه اوزره
صلحه رضا و یروب اون قدر التون زنجیری غروف و هر سکری
وزیر اعظمه کلیدیلر و وجه مشروح اوزره صلحه قرار ویریلوب
حجت و عرض و محضر ایله در دولته مرقوم پچوبلی ابراهیم افندی
کلیدیلر بولوب قائم مقامه و شیخ الاسلامه مکتوبلری ویردکده
مفتی صبح الله افندی بونه کوه اولیا جق یوشدر بوسوزی لسانه
وقلمه کتورمک دکل خاطره یله کتورمک جائز دکل دیوکلنی کیروبه
کوندردی مزبور دخی سرم صحراننده واروب پاشا یه ملاقی اولدقد
پاشا انی اصلا سویتلر بوز بوسوزک حجابن چکه رز دیو بوچقانی
ظهور بن قلع شروع ایلدی

(ظهور بوچقانی اشتوان از امر اه اردلی) اصحاب خبرته ظاهر در که
ارادت علیه آله به بعض عبادتک نظام حالته تعانی ایلمسه طرق

خلافتند اولان اهداسی مایسته خلاف و شقاق و تمام اتحاد
 و اتفاق نصکره تقریق کلمه و اتفاق القابدر مصداقی بودر که
 اجناس کفره دن نیجه جنسی که انواع مسیحیان دن برصنف
 و کسرت عدد و وفرت ایله سائر انواعه نسبت بر نیجه ضعف
 اولوب ملک الملوك نصار اکه ایمراطور و قیصر عنوانی ایله
 مسعودر نیجه ده اوستوریا و هونقار باد دوقالری نسلندن
 اوله کلکله بو طائفه قوت بولوب اردل و بحار فلاحنی کلیت ایله
 مضبوط آیند و کسرت نصکره بونوع کفارک آتیه دوتیه مالک اولنلری
 عسکر و سپاهی و ضعفاسنی رحمت آیند کلر ندن غیری انواع
 جفا و اذیت و بحار واردل جنسک اهل و عیالریته تعرض
 و اهاننت ایدوب بونلردخی مدا فعه یه قادر اولد قلری جهندن
 نیجه طائفه سنه صور نامر فرو ایدوب اکن در و ناعبد اولنری
 مرتبه نهاییته ایدی و نیجه بحاره قدیمدن اهاننت اولر
 اولوب بحار امراسی نیجه نک ادانیسی باندیه بیله رعایادن خور
 و حقیر ایدی فرمایولده کچرکن قاقه چالوب وارد ندن کلورکن
 شبقه سن قالد برو ب یوزینه توکورمک کی اوضاع ایدرل ایدی
 زیرا سابقا بحار نیجه اوزرینه بر قاج دفعه خروج ایدوب
 ولا بتلری المشر و عظیم قلع چالمشر ایدی اکا بنسارازی خلاف
 و شقاق اوزر ایدی اول زمانه دک که بحار بکر اده زندن بو چقانی نام
 بر بهادر کافر کند ی بنی نوعی اعیانی جمع ایدوب بز بو نیجه طائفه سنک
 اذیت و اهاننلریته نیجه یه دک تحمل ایدوب تحت تصرف قلرند
 مغلوب و هنک عرض و بنا موس ایله نه زمانه دک منکوب اولور
 الحمد لله تعالی پادشاهان آل عثمان قدیمدن اولمای نعمة مزاولوب
 یانوش قرا ل جنت مکان سلطان سلیمان خان آستانه سنه التیجا
 آتکله ملکی الی الاقراض اولاد و احضادی آتده باقی قالمشدر

بز دخی سلفز ه افسند ايله اول سده قوی به اسناد ایدوب
 اعدا مردن انتقام السق اولی وحقیر ده انسب واحری دکلیدر
 دید کده پوچقا یی نک بوکلا منی اصیان بی نوعی حق
 وسایه جایه سلطانی به دخول ايله مال و عیال صیباتی حالترین
 اوفق بولوب اتفاتی ايله من بوری قرالغسه اختیار وکند و له
 سردار ایتک اوزره سنه من بوره خلانده سرداره مکتو بار کوندروب
 پادشا هک دو سنه دوست و شمنه دشمن اولوب قوللغنی قبول
 وزیر جناح جایترینه دخول ايله قدیمی اعدا من اولوب اقتضاه
 ضرورتله تحت حکمنده اولدیغمر نیجه کفارینه قلیچ قویوب
 پادشاه اسلام جان و باش ايله خدمتی نه هندیوب حقیقت حاکمه
 و قوفد نصکره آستانه دوله عرض ایلکز رجا اولتور دید کلری
 در دولت علیه به عرض اولندقه القانسی موقع قبولده واقع اولوب
 سرداره مناسب اولدوغی وجه اوزره معا هده ایلده سن دیو فرمان
 بیورلغله مو می الیه سرداردخی دخلواهی اوزره جواب کوندرو مکن
 نیجه به اظهار عداوتی متأكد و مجار اودن کتسدویه تابع اولنلر
 یوما فیوما متزاید اولدی

(مجاره مجار و نیجه) سنه من بوره جادی الاول سنک یکر می بدنی
 کوئی ایکی نوع کافر مقابل و قتال عظیم ایلدیلر چون پوچقا یی
 عسکر اسلام ايله اعتضاد ایتیددی نیجه به غالب اولوب اون بیکدن
 زباده کافر کله سی و نیجه دللر و بر قاج قطعه بیر اقلر ايله کندی آدمارین
 اردوی هما یونه ارسال ایلدی سرداردخی استمالت ايله قلیچ و قستان
 کوندیرمک ايله پوچقای یه قوت قلب حاصل اولوب سابقا ردل فلاحندن
 ایکن نیجه تغلب ايله ضبط و ساطورجی محمد پاشا محاصره ایتدوی و ارات
 قلعه سن محاصره ايله آلوب ایچنده موجود اولان نیجه لری قتل
 عام ایتدک نصکره جهیترین دخی بوزوب انده دخی نیجه نیجه لو

هلاک ایتدو کندن ماعدا توقای نام قلعه لرینی فتح ایلد و کنی
وقاشه قلعه سن ونیجه نیجه مملکتلرین آلد یغن و بحارک اکثری
کنسنوبه لاجق اولوب من بعد دخی امداد اولتور ایسه نیجه
مملکتلرین المی مقرر ایدو کنی و بر مقدار امداد د رجا سینی مشتمل
مکتوبلر ایله نیجه اسیر بکراده راهد اوارسال ایتکین سردار
نامدار دخی سالف الذکر بودین بکتر بکسی بکتاش پاشایه ترقی
ورعایت شرطیله بلوک خلقتدن بر مقدار عسکر و تو ختمش کرای ایله
اولان تاناردن درت ییک تاناره تو ختمشک همشیره زاده سنی پاش
ایدوب بکتاش پاشایه قوشدی و پو چقای به آستانه طرفندن
مطاولان اردل قرا لخی منشور تی و خلعت واسکوف و علم
ایله ارسال ایلدیکی روایت دیگر در

(ظهیر پو چقای) پچوبلی ایدر پو چقای به اضافت ایله شهرت بولان
امیر مقدمه کفاره اسیر اولوب پو چقای به دو شمش ایدی پرکون
باغچه سین تیمار ایدر کن پو چقای نیجه دن عجره متعلق کفاره
باشلیوب امیر دخی بینی سرداره کوندر جمله مسلمان عسکرین سنک
امداد یکه کتوره بم و سنی اردله قرا ل نصب ایتکه ضامن اوله بم
دید کده بوندن اقدام معنی مذکور مر بورک ضمینه هر گوز اواغله
بحسب القرائن خروج احتمالی وارد دیو چاساره انها اولند قدسه
حبسه کیر مش و ظاهردنه بوقولی مؤکد بر نسنه بولنمافله
کیرو اطلاق اولنشمیدی جوابشده امیره دید یکه اردل اهل البسی
عموما خرسنبا ندر ترک سرفرو ایتمز لا والا اطاعت اولتوردی دیمش
امیر ایتدی سلطان سلیمان زماننده سرفرو ایدوب سالم اولدی بلر
حالیا نیچون اولیه رو باجمله نیجه قیل و قالد نصکره امیری وزیر
کوندردی قاین محمد پاشا اول زمان بکتاش پاشا لک ترجانی ایدی
امیری وزیره کتور وب برایکی کون اوچی تها سو یلشد کد نصکره
امیری کیر ویه کوندرد بلر اوج درت دفعه واروب کلد کد نصکره

اخر معا هده استحكام بولوب خروج ايلدى ونهر تيسه تك ايني
 طر فنده چاسار حكمنه داخل اولان قلعه لرى ضبطنه الوب
 اسلامي ساندن استمداد ابتداي چاسار مز بوره اغراضني تحقيقي اينتكده
 باشتاي يوركي نام سردارني نجيحه عسكري بوز بولوب وز ير اعظم بر مقدار تانار
 وعسكر طمشواري امدادينه كوندركه بوجفايي قوت بولوب
 نجيحه يه تابع نواحي وقرائي غارت ايند يروب غنائم بيشمار ايله
 عسكر اسلامي ضيافت وانواع رطابت ايلدى وز پردخي مز بوري
 قورينه ايله عموما بحار مملكتنه قرال نصبنه متعهد
 اولوب آستانه به وارد قنده اجرا ايتشيدى ننه كيم ذك
 اولنه جقدر

(ظهوري كوز لجه محمود پاشا) سابقا مشي پاشا نك صدمه مكري
 ايله بر نجيحه مدت مختني و تبدل صورت ايله بعض مشايخ صوفيه
 زاويه لر نده مزوي اولان كوز لجه محمود پاشا مظهر التفات
 پادشاهي اولوب سنه مز بوره صفري ابتدا سنده وزارت ايله
 كامياب اولدى و مشي متروكه سي عايشه سلطان در تيرزيك اچقه
 مهر ايله كندويه تزويج اولدى

(مقهوري قاسم پاشا) سنه مز بوره ربيع الاخر نك يكرمي ايكنجي كوني
 سالف الذكر قائم مقام اولان قاسم پاشا كه بغداد ايا لتي ويريلوب كتمكده
 تردد كوستر مكله وزير علي پاشا ارامه ازعاج و اخراج ايتشيدى
 اسكداردن قالدوغى كي رطاييه صالفون صالوب بولدو غني الوب
 ظلم و تعدى ايدرك كيدوب بروسه حواله بستمده ايكن جور و ظلمي پايه
 سر ير اعلايه عرض اولندقد ازاله وجودي ايچون خط همايون
 صدور ايتكله بوستانجي باني كوندريلوب مز بوردي و ارد قنده
 نوقبسنه بناء ظفر بولا ميوب بهانه ابتدايكي مضلحي كوزوب كلدى

و کند و بی هدم تقریب و اظهار طور عجیب ایستادین تقرر یافتند که
وزیر اعظم بویستایی باشی بی ادای خدمت قادر و لایسک دیور عز ل
ویرینه بویستنجیلار کنخداسی درویش اغایی نصب ایلدی مزبور
درویش اغا پادشاهه تقریب ایدوب اکثر امور انک القاسیله
ظهوره کلدیکه صکره پاشا اولان درویش اغادر رسیده اقتضای
وقت ایلله مزبور قاسم پاشا کوتاهییه محافظه سنه
مأمور اولوب انده دخی مساهله ایستد و کیچون ازاله وجودینه
بویطریق ایلله حسن تدبیر اولندی که حافظ پاشایرینه قائم مقام
اولی ایچون وعدو قسم ایلله خط همایون کوندریلوب آستانه دعوت
قیلندی اول دخی اعتماد ایدوب کلدکده (تحالیه للسقم) حافظ پاشایرینه
یا لکن برکون قائم مقام قیلنوب بعض مصالح سپارشینه متعلق اوج
قطعه خط همایون کوندریلوب اولدخی کرچک قائم مقام اولدم
صانوب اوکیجه حافظ پاشایه اوچی وزیر و میرا خور سابق
ابراهیم اغایه میرا خور لای و تذکره جیمیم ابراهیم راست کابی تلخیص
ایلدی چاوش باشی چوبان سلیمان وقت عشاءه کلوب یارین صباخ
حضور همایونده مشاوره اوله جقدر دیوتنیه ایتمکله معلم سلطانی
و مفتی به وسائر وزرا و اعیانه خبر کوندروب دعوت اولندی ایرتسی
اشراق وقتنده دستبوس ایچون عظمت ایلله دیوانه کیدوب
مفتی و خواجه پادشاه انام حضورنده مزبور قاسم پاشا پیشکار
پادشاه باقباله رویال ایستدکه پادشاه خطاب ایدوب ایکی دفعه
اولو الامر مخلصتک سببیدن سوأل بیوردقده جوابدن عاجز
اولیحق پادشاه دین پناه شیخ الاسلامدن شفاها استفتا ایستدکه
وجوب قتل ایلله افتا ایتمکین اشارت علیه ایلله بویستنجیلار او شوب
بلامهل کله سین کسدیلر ولاشه سی امر پادشاهی ایلله برزیل کش
بارکراوزر پندهر ضاقنوب ادرنه قوسو خندقنه طرح اولندی

(قائم مقام شدن صارقچی مصطفی پاشا و تشریفات بعض
 اعیان بامناصب) قاسم پاشا قتل اولند قد نصکره پادشاه
 سلیمان چاه جله محضر نده قائم مقامی صارقچی پاشایه
 و یرو ب اگر سنک دخی رفسادک ظهور ایدرسه سنی بویتان کی
 طعمه سیف ایدرم دیو خطاب یوردیلر مفتی و خواجه و ساری مترلرینه
 عودت ایدوب صارقچی پاشا دخی قائم مقاملق مسندنده قرار واستماع
 اموره مباشرت ایلدی تبدیل مناصبه آغاز و داد ودهش دروازه سین
 باز ایلدی واولا حرم محترم سلطانیده اوطه باشیلق خدمتده
 اولان طواشی کورچی محمد پاشایی اوچنی وزارت ایله چیقاروب خالص
 تعیین ایتدر دی شویله که ملا ذاکتر ناس اولدی وباش قپوچی باشی
 داود پاشایی و بیولک میرا خور مصطفی اغایی میر میرا نلق ایله تمساز
 و برهفته نصکره هر برینی وزارت ایله سرافراز ایلدی و سلطان
 محمد خان دختر لیدن برور سلطان دخی تزویج اولمغله مکرم اولد یلر
 و جسانلغی حسبله بکیچری اغالغندن عزل اولنسان قاش حسن اغا
 بهد العزل استانبوله کلد کده احساب و انصاری کثیر اولمغله منسلوب
 العیوب اولوب برقاج کون روم ایلی بکلر بکسی اولوب تهمین بولمش ایدی
 اکادخی وزارت پایه سی و برلدی بونکله قناعت ایتوب اون ایکیشمر
 کره یوزریک اچمه خا صارتعین ایتدر دی هرکس بلا موجب
 بوالته تله حیران قالد یلر جادی الاولینک اواخرنده مصر دن
 اولاق کلوب حاجی ابراهیم پاشایی مصر قول شهید ایتد کلر بن
 اعلام ایدوب کلن عرض منظور اولد قدده اوطه باشیلقندن اوچنی
 وزارت ایله چیقان طواشی کورچی محمد پاشایی والی مصر ایلد یلر
 قادرغه ایله برهفته ده اسکندر یه اوکینه ایریشوب دمور آتد یلر
 دیار مصره وارد قدده والی بی قتل ایدنلر دن بر فرده امان و بر میوب

اهل فتنه بی معدوم ایلدی عصات مصر قلیچدن کجوب ساز اس
کمال اطاعت کلد کد نصر مخرینه مصرک تجهر و نکمیلند بد طول
کوستروب خوف سیاستدن فتنه فتوده و رطایا آسوده اولدی رجبت
بکرمی بشنده روم ایلی والیسی تیر و خسن پاشا ید وزارت رابعه
رتبه سیله اکرام اولندی وینه شهر من بورده سلطدار شهر یاری طر نقجی
برادری حسین اغایکچری اغاسی اولدی جزائر غرب ایالتی سلطان
سلیم ثانی عصر نده اوطسده یاشیلقدن چبقان مصطفی اغایه
ویرلدی

(قتل قائم مقام صارقجی مصطفی پاشا و قائم مقامی صوفی شنان پاشا)
بعده درد ولتده قول مواجی ایچون ضرورت اولوب باش دفتردار
اولان موسی چلی زاده محمد پاشا مواجب تدا رکنده بذل مقدور
ایدرکن بعض اعداسی معلم سلطان جهانده هلاقه ایتشد دیو
قائم مقام صدارت عظمی صارقجی مصطفی پاشایه ضمن ایلمکن
اولدخی نفسانیت بلامی ایله بلا موجب دفتردار مرفومی عزل
ایتدیروب برینه فن اسلیفادن بخبر حافظ محمودی دیمکله معروف
شخص بی وقوفی دفتردار ایتکله ارتکاب سوند بیر و تحصیل
ونکمهیل مواجده تقصیر ایدوب پادشاهی کتدودن تنفیر ایلدی
و شیخ الاسلام صنع الله افندی بی صدر فتوادن فالذیروب برینه
خواجه زاده مرکبیری محمد افندی بی مفتی ایتکه عمل کثیر کوستردی
صنع الله افندی دخی خیبر اولتغله معلم سلطان ایله ال برایدوب
قائم مقام من بوری خنکاره غمز کثیر ایلدیرو مشایخ شکنده بعض
جزویاره مقارنت ایله کسب ایتدیکی سوءاعتقادی و فساد و اباحت
متعلق خبائن و الحادنی سمع پادشاهی به القای تند بارسفت دماء
و مصادراتده اولان جرات و فساداتی حضور هما یونده ثابت
اولدیغدن غیری نصب ایتدیکی دفتردارک مواجب نکمیلند

عجز و تقصیراتی یابند و تراکم اسباب ایله ماه شعبانك يكر ميسند
صدرين عرضندن چيقدنقد نصه كره و زير مزبور حضور همايون
بالكر دعوت اولوب داخل اولسد قلده اليقويلوب جلاد
طالب اولندي اول آن يوني اوريلوب جسدن صحن ديوانده
واقع چشمه او كنده براقديلر و قلم مقاملق صوفي سنان پاشايه
ويرلدي

(ظهور و عهد پادشاهی) مقدمه قاتل و قلم مقاملق
مرقوم سارقجي پاشايه و يرلد كده پادشاه مزبوره خطاب ايدوب
سنگ دخی حالك بويله اوله جقد رد يوتقوه يور مشرايدی
في الحقيقه چوق كچمبوب و عهد پادشاهی ظهور ايلدی

(نقمة تدبيلات) سابقا مختفي ايكن ظهور ايدوب وزارت احسان
اولسان كوزلجه محمود پاشانك بعض اوضاع نا هموارندن
طبع پادشاهی مكدرا اولغله ربيع الاولك اون ايكنجي كوني
وزارتدن عزل ايلد بلر و حليدن معزول نصوح پاشايه وزارت
احسان اولتوب انا طوليله فساد و شاعت اوزره اولان جلالي
دفعنه سردار تعيين اولندي ذى القعدة نك ايكنجي كوني روم ايلي
بكر بكسي نقاش حسن پاشايه وزارت توجيه اولتوب روم ايلي
نير و حسن پاشايه مقرر اولدی

(صيد شاهي و تولد شهرزاده سلطان عثمان خان) پادشاه جمجاه صيد
و شكاره ميل طبيعي مقتضا سنجه سير صحرا و چمن و تفرج
هر نشين ايچون سنه مزبوره جادى الاخره سنك اون برنده كه
تشرين اولك يكر مى در دنبي كوني در حواله استانبولده واقع
روم ايلي باقچه سنك اطرافنه خواص و مصاحبان ايله
توجه ايدوب صيد و شكاره چيقدى اول حينده
دار السلطنة طرفندن دار السعاده اغاسى كلوب تقبل ركاب

پادشاهید نصکره موقف عرضده طوروب بر شهراده جوان بخت
ولودی ایله تبشیر ایلدی چون اول ثمره قواد ایدی وجودی باعث
سرور موقور اولوب تبرکاته سلطان عثمان تسمیه وانوب بدی کون
بدی کیجه شهر دو تناسی فرمان اولندی * ایله باری کرین آل عثمان *
تاریخ ولادت لیدر وینه سنه مرزوره شوالک اون پدیسنده که شباطک
یکرمی التبتی ایدی سلطان محمد نام بر شهراده باسعادت
دخی وجوده کلدی

(آمدن وزیر اعظم لالا محمد پاشا باستانه) چون سردار باوقار
بلغراده کلوب قرار ایلدی عتبه علیه طرفه دعوت و سرعت
ایله کلک فرمان اولوب سردار دخی بلغرادن نهضت و سنه
مرزوره رمضان یکرمی پستنده آستانه په واصل اولوب جانب
پادشاهیدن نوازش بسیار مشاهده ایلدی سنه مرزوره شعبانک
یکرمی پستنده اناتولی صدری قاف زاده فیض الله افندی په روم ایلی
قاضی عسکر لکی و انکیری استانبولدن حنفی فصل یحیی افندی په
ویرلس ایدی ذی الحجه آخرنده صدر اعظم عرضی ایله قاف زاده
معزول اولوب یری اناتولی صدری یحیی افندی په و انکیری
کال افندی په توجیه اولندی و خلیل پاشا متروکه سی فاطمه سلطان
بنت مراد خان طونه محافظه سند اولان وزیر مراد پاشایه ترویج
اولوب آستانه په دعوت اولندی

(ما مور شدن کتردهان علی پاشا بدفع اشقبه) بوائنده
اوتیه یقاده جلالیلر چوغاوب قلندر اوغلو و قره سعید نام شقیار
ناثره جور ایله آیدین و صاروخان ستملرینی ویران ایتدکلری
وبرخاندن طویل خلیلدن امت محمدک بکا و عویلی و برطرفندن
صاچلی نام شقیقک تخریب و تنکیلی اناطولی په ولوله صاوب
هر طرفدن فریاد نامه لرتوارد ایلدی پس امداد لازم کلکین برکون

فان مقام صوفی سنان پاشا حضورهما یونه واروب البسه
وزراندن بری سرعسكر اولوب اناطول محافظه سنه کوندرلك
اهمدر د یو ابرام ایلده کده جله اعیان وارکان مواجهه سنه
پادشاه فلک تمکین داود پاشایی تعیین ایدوب علی العجله چبقاسن
دیو ابرام پیور دی لکن داود پاشا سفره مکنتم ولوازم و مهمات
ندارکنده قدرتم یو قدر لکن میریدن اعانت اولنماسن التماس
ایتد کده صغیر و علیل و عمل ماند و پیر اولان زعماء وارباب تیارک
بدلری جمع اولوب اول مبلغ ایلده داود پاشا مک مهمات سفره یه سی
تیم اولتیق بایند فرمان صادر و بوجه تحویل چمنه مورخ حسن
بکرزاده بی تعیین ایلدی ابرو همه سعی اوزره ایکن اناطول
بکار بکیمی کرده ان علی پاشایه عاقبت جله ایلتی عسکر یله شرق
سرداری جفاله زاده یه حقوق ایلده ما مورسن کیدرکی محافظ مملکت اولان
نصوح پاشایه ملاقات و انکاه معا واروب طویل جلالی بی
دفعده انکاه همدست اوله سن دیو اصدار فرمان ایتدی ابرو
طوبلاک قرمان و اناطول و لایترینه استیلاسی حد دن افزون
اولمش ایدی کرده ان دخی حسب فرمان واروب نصوح پاشایه
ملحق اولوب جلالی مرقومک اوزرینه وارد قلرند بولا وادین
صحرا سننده تقابل فریقین واقع اولوب نیهه منجر اولدیغی
ذکر اولسه کرکدر

وقایع سنه اربع عشر و الف

(سرداری محمد پاشا بجانب استرغون) چون سرحد
انکر و س احوالی تصحیح اولتیق اهم مهمات ایدی سردار مشارالیه
عساکر منصوره یه کاکان سردار تمین و استرغون قحی مقصود
پادشاهی ایدوی تبیین اولند قه نصکره بکیچری اغاسی طر نقیعی
برادری حسین اغا معا مور اولوب سنه سابقه ذی الحجه سنک

بكرنى پدنى اثين كوفى عظيم الاى ايله دار السلطنة دن چيقوب
داود پاشايه نزول ايلدى عبدالباقي افندى سفر دفتر دارى اولوب
اتمكچى زاده روم ايلنه تحصيله كوند رلدى صوفى سنان پاشا
ككان در دولته قائم مقام اولوب داود پاشا قسطنطينى محافظه سنه
مأمور اولدى لصوح پاشا دنى اتا طوليد . سردار و محافظه
ممالك خد مشده ابقا اولندى سردار برهفته داود پاشا ده مكث
و محرتك اوچنى سبت كوفى نهضت و عزيمت ايلدى صفر الحير
اواخرنده بلغرا ده ايريشوب مهمات سفرى تكميلند نصكره ربيع
الاولك در دنده زمون صغرا سندن بودين جانينه
توجه ايشدى

(مشورت سردار) اوسكده عسكر برره كلوب مشاوره ايلديلر
سردار نه جانينه توجه اولمقى اوليد رديو سوال ايتد كده سرحد
و عسكر اختيار لرندن بر طائفه حالا بودين جانيندن على التماق
فرياد جيلر كلوب كفار قومر انده حاضر و عسكر كجهت توجه لرينه
ناظر در شويله كه جانب آخره عزم اولنه اعداء دين كين فرصتدن
چيقوب بودين واوستوفى بلغرا ده اسنيلا ايتك مقرر اولغين بهر تقدير
بودين جانينه توجه واجبد رديجيك سستراى بر طائفه دنى
سوق كلام ايدوب حالا بودين واوستوفى بلغرا ده قلعه لر ينك اسباب
محافظه سى مهيا در و كفار مستول اولد و غنى تقدير جه خيبت
و خسرا ندن غيرى نسنه يه نائل اولمز لاما قنيزه جانينده واقع
مكرو موريه كه غايت معمور و كثرت مان و منال ايله مشهور اولوب
الى الان ياد آتايق بصفه مغله خلقى آسوده در حالا اغناى عسكرايچون
اول جانيله توجه اولمقى اوليد رديد كرند . چون طباع بشر يه
طلب منفعت او زر . مجبوره اولوب (وتودون ان غير ذات الشوكه
نكون لکم) كلام معجز نظامد رهر جند كه اهل ند بيرا نلرك

رأی سست و تدبیر نادرستترین تزییف ایدوب عسکر کفار پرود
 جمع اولش بکن بزم جانب آخره توجه من انلرك فلاح اسلاميه
 دسترس اولد قاری تقدیر چه تخریب بلاد ایتلرینه سیدر
 و تمنی غایم ایله اول طرفه کتمک سوء تدبیر د ر دیه کوردیلر مفید
 اولیوب اکثری اخذ غنائم مائل و سرداری دخی کند و رأیلرینه
 قائل ایتکین فی الحال یکجیری طائفه سی اغازی ایله فخریه سمتنه
 کوند ریلوب عامه عسا کر ایله آرتسی سردار دخی توجه ایتک
 مصمم اولیحق بالفعل ارد و قاضیسی اولان ولدان زاد مولانا
 احمد افندی به سردار توجه خطاب ایدوب مکوم و ربه جانبنه
 توجه اولی ایدوکنه اتفاق آرا واقع اولدوغی تسجیل و یوبلد
 حجت تحریر ایلد دیحک مولانا دیکه دشمن قغامزده بزم مترصد ایکن
 بر بلوک اسیر حرص و آذک هواسنه تابع اولق مقتضای
 عقل دکلدر خصوصاً که حضرت پادشاه بالمشافهه
 سزده خطاب ایدوب استور غون قتی اقصای مراد مد ریوره
 و ضمنتده صیانت مملکت و حایت سلطنت واریکن خطام دنیا پیداسی
 ایچون جانب آخره کتمک مقتضای دیانت دکلدر ممالک اسلامیه بن
 برقریه به ضرر ترتب ایدر سه حضور پادشاهید جواب عهده سندن
 کلیم سز علی الخصوص روز قاسمه سکسان کون اولوب امر غارت
 مبسر اولدوغی تقدیرده یکرمی اونوز کونلک مصلحتد راما مال
 غنیمته واصل اولان عسکر بر کون دخی یانکزدیه قیاری ایتوب
 طویملیغا ماملرینه اولاشدر مغه جان آتسه لر کن کدر بوسالده
 آرتق آنلردن جنکه متعلق خدمت امید اولماز اول زمان سز یانکز
 قالدقده کفار حرکت و اقصیام ایلیمه کچیلرله مقابله رینه وارر سز
 ندا رکه امکان فالور می اما چونکه زمانده وسعت واردر
 امر پادشاهی اوزره استر غون محاصره اولنوب ققنه سعی کلی

اولنسه ميسر اولر سه دخی بعد از سعی عدم حصولی تقدیره
حواله ایسکن مهتاب اولر سن دیدی مولانای مزبور بر فاضل دلیر
ومرد صاحب تدبیر اوافین بوکلام عبرت انجسامی قلب سرداره
تأثیر ایدوب خوابدن بیدار اولش کی کوزین آچوب قلب سردار
منشرح اولدی و بلا تأخیر بودین واسترغون جانبیه صرف عنان
عنایت ایدوب بیکچری بر منزل کتشیبکن اردویه حوقلارینی
متضمن امر ارسال اولندی مولانای مزبور بو بایده اومه لایم دن
خوف ایجاب مداهنه ایلدونی ایچون وزیر مشاور الیه وساری
پیشده پایه قدری رفیع و شان و مقامی منبع اولدی اما پیچریلی دیمشدر
مشاوره بودینه قریب حزه بک سرایندن بری شوشقوره دره سی
منزلده ایدی جهور استرغون محاصره سند و صعبوت وارد
بوسالده پیچه طوغری دیار کفاره افن اولمقی کرکدر دیدیلر
دفتردار باقی افندی وارد و قاضیسی بورایه راضی اولدیلر لکن ساتری
اول سمی ترجیح ایتمکله ایرتسی کو چیلوب کیدرکن یولده عربله
ایر کیلوب بر قاجی قالمغله بیکچری زمره سی بو قدر آغراق ایله
آفته می کیدیلور دیو طعنه باشلار قلرین سردار اشیدوب تحویل
رأی و محاصره ده قرار و پردی کاتب چلی دخی فذلکه ده بوروایت
صحیحدر دیدی

(توجه سردار محاصره استرغون) چون استرغون قهی نیتی ایله
اول جانبیه توجه ایندیلر بوسنسه بکار بکبسی مسکر ایله ایلرو
بودینه کوندیلوب بکرمی بش یاره طوب و اوتوزیک دانه راون ییک
قنطار یاروت مهماتی ایله کیلره قونوب احضار فرمان اولندی
مهاج صحرا سنه واردلقدده سپاه طائفه سنه جبهه خانه دن سلاح
ویکیچری په تفنک توزیع اولوب آلائی کوستدیلر بر یبع الاخذک
نصفنده استرغون حواله بسی مضرب خیام اهل اسلام اولدی

همان اولکون محاصره ویکپیری و امرا قول قول تمین اولسان
 محارده یوریوب طوب و تفنک ایله جنکه مبادرت ایلدیلر استرغون
 جوارنده واقع بر بلند دپه اوزرنده بنا اولوب استرغونه بر راه نهادن
 اتصالی اولغله سد راه واک بعض غوائلن دفع ایتدیکی
 جهتمدن اکا نرعا پناه اولان دپه دلی قلعه سن محاصره په
 بودین بکربکبسی بوشناق مصطفی پاشا بعض عسکر ایله
 تعین اولغین هر جانبدن پایشوب دوککه باشلد یلر چون سنه
 سابقه ده نهر طونه ماوراسنده استرغونه مقابل جکر دلی طرفه
 کفار طابور قوروب بی مانع و مزاحم قلعه په ذخیره و عسکر ایله
 امداد ایتلمه یله عدم فتحه سبب اولدوغی تیر به ایله بلغمش
 ایدی اول محذوری دفع ایچون جکر دلی یقه سنه عسکر کچورمک
 مهم اولوب طوب یشمیز بردن جسر ترتیب ایدوب طوب یلر
 کچور یلوب اول جانبدن دخی ایچ قلعه دوککه شروع اولدی
 (فتح قلعه ویشغراد) بواشاده استرغون مضافتمدن طونه ساحلنده
 استرغون ایله واج یتمده واقع دویتما کبار یله ذخیره و مهمات کلکه
 مانع اولان ویشغراد قلعه سی قحنه نامزد اولان بوسنه بکربکبسی
 خادم خسرو پاشا حصار من یور اوزرنده واروب امان ایله فتح
 ایتدکده ایچنده اولان کفار قریک نوعندن او اوب پایا طرفدن نیجه
 امدادینه کلوب قلاع حریه په توزیع اوانسانلردن ایدی سابقا
 ابراهیم پاشا استمالتی ایله عسکر اسلامه ملحق اولوب اغر طوفه لر
 ایله مرعی اولان فرنکاری کوروب بونلردخی بی نوعنه اتباما
 کلوب پادشاه بنده اولدیلر سابق ولاحق یکدن متجاوز اولوب
 اکثری جنکده دوشمشلردر
 (فتح دپه دلی) دیشغراد امری بز طرف اولیحق خسرو پاشا
 عسکرینک بهضی و مد کور فرنگ طائفه سی دپه دلی قلعه سن

محاصره اوزره اولان بودین بکلیر بکپسینه الحاسق اولتمغله محصور
اولان کفارده خوف مستولی اولغین غزات مسلین قوت دولوب
جادی الارلیک التجی کونی بعد صلوت الصبح دفعه اوج
طوب آتیلوب پر اوغوردن یوریش ایتدیله حکمت خدا اول سحر
بر دومان و پوس وار ایلی که اراقیدن آتم سحرلر ایدی ایچرو
کیردیله هنوز کافر طوعیدی پس اول هجومده دپه دن قلعه سنک
واروشی و کره ثانیه ده نفس دپه دن وینه اولکونده بوقلعه ایله
استرغون مایتمده واقع قله لر و طایفه لر واجدا بعد واحد قح
اولوب تصف ساعت قدر زمانده استرغونه معادل بر قلعه مع
توابعها قبضه تصرفه داخل اولدی و ایچلرنده محصور اولان
کفاردن بر فرد خلاص اولوب درت بیک قدر کافر طعمه شمشیر
اولدی حتی قلعه ده باش بوغ اولان غرور طشره چیقوب
استیالت ایچون اولکجه اتمه قالمشیدی سائر مقتولار اراسنده قتل
اولتمش بولندی کذلک ویشتراد قح اولتمغله ذخائر و عساکر
وسائر مهمات قریب محله کلوب مترصد فرصت اولوب طورلردی
اشارت سردلر ایله ایچنده اولان عسکر چیقوب کوچک آطله
نام محله مترس قوروب اذیت ایدن کفار اوزرینه یوریروب اول
متریرلرده ایکی یوزه قریب کافری طعمه تیغ ایتیکله طویلرینی
ضبط ایتدکدنصکره ایچ قلعه طرفنه دونوب وانلره امداد اولتمغله
ایچ حصاره عظیم رخنه ویردیله

(احراق واروش) بری جانیده دخی یکچیری مترسیری استرغون
واروشنه قریب واروب دپه دن طرفدن وضع اولانسان طویلر
ایله دوکیلور ایکن سردار واروش پانقنه سنه آتش ویردیروب
دفعی ایچون کفار انک اوزرینه اوشوب اطفا سنه سعی اوزره ایکن
طویلر آتیلوب خارج از حد کافر قتل اواندی

(فتح وازوش وقلعه) جادی الاولینک اون النجی کونی اوج کره
 بوریس اولوب دفعه ثلثه ده واروش کلیت ایله ضبط وایچنده
 اولان ایکی ییک مقداری کافر نارجمیه ایصال اولندی و سالف
 الذکر مصطفی پاشا دیه دلی قحند نصکره قلعه استرغونک صو قله سنی
 فتح ایچون تمین اولمش ایدی اهتمام ایدوب قله بی ضبط
 ایند کد نصکره مواعد احسانله بعض دلیزلر ایچ حصارک
 بعض برینه نیز اقلردیکوب اوکد لاری آلد یلر فتح واروشک اوقتی
 کونی کیر و پوریش ندا اولنوب مترساره طولد قله کفار عسکر اسلامک
 مزاحمه سن کوروب پوریش اید جکلرین بیلدی ویر هجومه دخی تحمل
 محال اولدو غن اسنش حصار ایلوب ماه مزبورک بکر منجی کونی که
 یوم الاثنین ایدی سحری بودین بکچری اغاسی عثمان اغا قولندن الامان
 الامان دیو فریاد ایند کاری سرداره اخبار اولیحق یچوبلی ابراهیم
 افندی سردارک معتمدی و قلعه و یلنوی زمان چیقوب ویر احوالین
 سوبشمکه چیقمش ایدی بود دفعه دخی مز پوری کوندروب ایکی کافر
 چیقوب ویر احوالین سوبلشدی داب قدیم عثمانی اوزره امان وریلوب
 ماه مزبورک بکر منجی کونی مجروح و منکوب بش ییک درتوز کافر
 اموال و ارزاقدن تحمل اید بیلدکاری قدر نسیب ایله چیقوب
 سفینه لایله دار الکفر لی جاننه توجیه اولندیلر بواشاده بریرا قبودانلری
 مسلمان اولوب طرف سرداریدن نائل احسان بی پایان اولدی
 و کذلک سالف الذکر فرنک طائفه سندن بوقلعه ده اولدردخی
 عسکر اسلام ایچنده هم جینلرینه هلق و سلفازی کی میری
 اولدیاری بعد استرغون و دیه دلی قلعه لرنک منهدم اولان یلری
 تعمیر و کنار مستول اولد قله نصکره آثار کفر ایله ملو اولان جامع شریف
 تعمیر و ضلوه جمعه ادا اولد قله نصکره محافظه لریچون
 مستوفی عسکر ایله محافظ تمین اولنوب بشارت فتح

و نصرت ايله آستانه په پياده و سوارۍ مقبله جهنسي پچوبلي
ابراهيم افندي و او چاقدن كوچك چاوش قره حسن اغا و درگاه
حالي قېوېجى باشيارندن خضر اغا ارسالند نصكره شكرانه فتح
و ظفر عروما سباهيله ايكي شراجه و پياده لره بر راقچه ترقى احسان
ايلدى بعهده سردار كامكار كوچوب بودين و بلفراد طرفلرينه توجه
ايلدى بمون الله تعالى فتح استرغون انواع خيره رهنمون اولوب من بعد
كفار باب صلمى قرع و اتقيادلرين آستانه په رفع ايتلرينه سبب
اولمشدر چون تقدير خداى قدير ايله قلعه مزبوره سابقا سردار
مشاراليه الندين كفاره انتقال ايتكله ليل و نهار ايك قتي خاطره سنده
ايدى بحمد الله زمان قليلده قتي مبسر اوليچى مزبوره شفاء صدر
كلوب عامه اهل اسلامه باعث استهاج اولدى اولزمان خواجه زاده
محمد افندي تاريخ قتي قعيه طريقه يسه بوكونه دوشوزدى (ع)
* لشكر كفار چيقدى حصن استرغوندن *

(استيلا پوچقاين بر حصار او يوار) چون پوچقاين دولت غلبه
عسكريه اعتضاد ايتدى هر جانبه كه توجه ايتدى مظفر اولوب
يك اون ذرت ربيع الاخرى او اسطنده سردار اعظم استرغون
محاصره سى اوزره ايكن پوچقاين دخی او يوار قلعه سنى محاصره په
استيذان نمونده عسكرا سلام ايله امداد رجا ايتكېن اكرى
بكلز بېكېسى سنان پاشا و سرم و سمندره و آلاجه حصار بكلرى
و ترحاله بكي چركس چل افاج بك تانار و چركسدن بر طاشقه ايله
كوندر يلوب امداد اولند قده بچار بكلرندن هومنايى نام كافرى
كندى عسكرينه سردار ايدوب سالف الذكر بكتاش پاشا دخی
واروب او يوار قلعه سن محاصره ايلش ايدى استرغون قهند نصكره
زهره يكيچر ياندن يك نفر يكيچرى ايله زغرچى باسى و بر قاج سفحاي
عسكرينى بوسنه بكلر بېكېسى خسرو پاشايد قوشوب و او بواره

اولان عسکر اسلامه مزبوری سردار ایددی وار دقدنه قلعه ده
اولان نجه اولاقبرلری قبا یوب قلعه شروع ایتشلر ایدی صکره
پوچقاییه سرفرو ایدوب حصار ی بچار طرفنه و یرمک اوزره امان
ایله تسلیم ایتکین پوچقای قلعه او یوار کندو ضبطنده اولغی رجا
ایدوب بونک اوزرینه معاهده ایچون سردار طرفدن مستقل
آدم طلب ایتکین بکار نصبی و ضبطی ممکن ایکن هنوز پوچقای ک
معاهده سی قریب العهد اولغله تطیب خاطر ایچون روم ایلی
بکلیر بکیمی ترپای حسن پاشا اردو قاضی ولسدان زاده
احمد افندی ایله ارسال اولوب انلردخی واروب قلعه یی
امر سردار ایله پوچقاییه تسلیم ایتدک نصکره کلوب اردویه
ملحق اولدیلر بوشاده مزبور ترپای حسن پاشا روم ایلی
عسکر ندن برفقدار عسکر ایله پسپرم و پولاته قلعه ر
قلمن نامزد اولوب واروب پولاته قلعه سن امان ایله
ضبط ایتدک نصکره کلوب بودین حواپسند اردویه ملحق
اولدی و بوخلالده بودین بکلیر بکیمی بوشناق مصطفی پاشا
معزول ولساتره متصرف قاضی زاده علی پاشا منصوب اولوب سمندره
و نیکیولی ولساتره وچرمن و وزیره سنجاقلری بودین محافظه سنه
تعیین اولندیلر بعد ترمیم القلاع سردار ظفر شعار بلغراد طرفه
نوجه تدارکنده اولدی

(آمدن پوچقای بلسردار) سنه سابقه صدر اعظم آستانه یه
واردقدنه پوچقای ایله اولان معاهده احوالی حضور همایونه
عرض ایدوب بذی قیمت قترنه که اوجیلک قدر التوندن خرصع
و مجوهر یا بدر و بحالا معا کتورمش ایدی سالف الذکر بلغرادی
سید محمد که پوچقای بدنده اسیر اولغله سردار ایله پوچقای یلنده
بزد اخبار اولوب معاهده امر زین سوبلشمش ایدی سید
مزبور کوکدر بلوب پوچقای دعوت اولمشیدی سردار

پشته یقاسنه نول ایتد کده یو چقای نک و رودی خبری کلکله
 بار کا هر روز ییسا سز ابرده لر قور یلوب عسکر اسلام مسلح و مزین
 صفلرین ترتیب ایدوب طور ذیلر ساییانلر ائتده تره لر و صندالیر
 قور یلوب آیین معهودلری اوز ره ضیافت ترتیب اولند قد نصکره
 اون ییک قدر مجار عسکری و نامدار بککریله یو چقای کاوب سردار
 کامکاره ملاقی اولدقده قورونه دید کیری مرصع ناج زرینی باخته
 وضع و بر مرصع قلیج قوشا دو ب و عد سابق اوزره مجار قرالخی
 و یر یلوب جانب پادشاهیدن عنایت اولسان علم و سنجایی تسلیم
 ایتدیلر یو چقای دخی ال او یوب حالا پادشاهه قول اولدق ایچه
 ایله انسان قول اکثر یا ضرب و تنقیف خوفندن کرها قولانی ایدر
 اما زهید احسان اولد یغمن جهتدن ازل و جان کمال اطاعت
 و مسرت ایله قولتی ایدر زد یو جواب و یردی پس او محله
 بالمشافهه هراحوال سویلشوب عهد و میثاقی محکم ایتد یلر طر یلر
 ایلوب عظیم شکر و ضیافتلر د نصکره و داع ایدوب کندی (ان الله
 لیؤید الاسلام برجال ما هم من اهله) خوا می اوزره بوند نصکره
 دخی دین اسلامه عظیم خدمت ایتدی شویله که غنچه کفاری
 عاجر قاوب طسا هراقتال ایله اخذ انتقامه قادر اولماقده زهر ایله
 هلا کته سعی ایتدیلر آخر بر فرصت ایله سم اطعام ایدوب بیچاره بی
 اعدام ایله نائل مرام اولدیلر من بورك فوق در دولتیه عرض اولدقده
 یتهدل بککری نسلندن با توری غابور اسکف و علم ایله اراده قرال
 نصب اولندی لکن من بورك ظهوری ازل طرفک انکسار و فتورینه
 باعث اولوب ضروری صلحه بیون اکد یلر سردار کمر آجی
 ناخوش اولغله بوندید برفاج کون او توروب ملازمینه توزیع
 خدمت ایتد کد نصکره روم ایلی بککری بکبسی حسن پاشای غازی بی
 بودین محافطه سننده البقوبوب بلغرا ده هودت ایتدی

انده دخی قیو قولنك علوفه رین ووروب اذن ایله عسکری
ولایتلرینه کوندردی وکندی شهره داخل اولوب اول قبش انده عیش
و عشرته مشغول اولدی بفضل الله تعالی بوسالده عسکر اسلام
مراد اوزده منصور و مظفر اولوب انکروس سفری آجیلان اولن ایکی
سفرک جله بی بوکام عادل اولوب جله سندن بو قدرایش کورلیدی
و بوسفرده اولان غنائیم و اوجوزلق بر سفرده اولدی سردار اعظم
بلغراد داخل اولدقده ایک شرفسط علوفه ایشلش ایدی اکثری
بلوک خلقی بلغرادده اولغله التبتسه بریدن پیاده و سواری
مقابله جیسی اولان پچو بیلی ابراهیم اخندی ناظر تعیین اولتوب
علوفه لری ویرلیدی

(ابتداء مقدمات صلح نمچه) چونکه پوچقای نمچه به کلی ضرر
و ایصال خسارت ایلدی اول اوانده نمچه ایمپراطورینك قرداشی
هو نقاریاد و قدسی اولوب بچده اوتوروب اهل اسلام ایله حرب
و قتال ایدن هر سك ماتیاش عسکر اسلامك قوتی و پوچقای نك
مخالفتن کوروب اردل که عسکرینك برکنی ایدی جانب انحطاطه
مائل اولدغنی یلوب سردار طرفته آدمه ارسال ایدوب قمرع باب
صلح ایلد و کندن ماعد بوهیمایمنی چه مملکتنده پراغا شهرنده
فرنداشته مکتوب کونوروب اگر اهل اسلام ایله یوایامده معضای
صلح صورت پذیرا اولمزه مملکتیمز شیاً فشیاً الدن چیقوب کیمی
داخل حوزه ممالک اسلامیة و کیمی پاعمال خیول اردل اولغنی
مقرر رد یو اعلام ایتد کده بهر حال صلح اول اید و کئی اولدخی
یلوب یوایامده فرنداشی راینه راضی اولدی و مقدمات صلحی
ترتیب طریقتده دین باطللرینجه کبیر کبران اولان ریم پایا نام پایاس
تاسیاسه مر اجعت ایدیچک اول باطل مبطل! بورایه قاتل اولوب
فرنداشك انشبا ایلدیکی صلحی البتده نقض و راضی اولمزه قتل

ایده سز دیو جواب نامه کوند د کده . پاپا خبر بنی قرننداشنه تبلیغ
 و البته پاپا کلامی تمبشیده سعی بلیغ ایده سز والا امر دین سنک ایله
 اولان نسبت قرابتدن اولیدر بهر حال قتسال او تور دیو اعلام
 ایتد کده هر قوم مائیش بن بوصلی حالزه اوفق بولوب مقدماتی
 ترتیب ایتشمدر ومن بعد رجوع ایتنم دیو خبر ارسال وتصمیم
 قتسال ایدوب بجمار ایله اتفاق واردل امد اده واران عسکر دن
 واردل و مجاردن بر عظیم لشکر ایله براغا طرفنه توجه ائنا سنده چا سار
 مرد او توپ چون خصوص اجلاس آید لری اوزره پاپا دید کاری
 ناسپاسک رأینه منوط ایدی مزبور مائیش امپراطور انچه مستعد
 ایکن صلحه رضا و پر مکه امپراطور لغی بودند ن سرف ایدوب
 کوچک قرننداشی مسملیان نوس نام کافر که اگری فتحنده سلطان
 محمد خان غازی به ید یوریک کافر ایله اعتراض واول وقعه
 عظیمه به انتهاض ایدوب بامر الله تعالی مغلوب اولوب فرار ایله
 جان خیشین کوجبله فوراً روب من بعد اتمنمک و قلیچ قوشانما مق
 اوزره رهبانیت اختیار ایدوب پایابه واروب بر دریده قرار اختیار
 ایلشدی انی مرده مزبور یرینه چا سار نصب ایدوب هونقاریابه
 یعنی انکروسه کوندردی مائیش دخی هلاک اولان قرننداشیله
 محارب به ایچون امداد ایتدوکی لشکری مهیا ایدوب جنکه آماده اولوب
 حالاریم پاپا طرفدن کلن مزبور مسملیان نه فار شو یورید کده مسملیان
 جیان ترک مکلفه ایدوب مائیش انقیاد کو ستر مکه مائیش بی جنک
 وجدال چا سار لاق سر یرینه او توروب صلح اسلامیان قرار و پردی
 مسملیان دخی بویله معارضه ایتکین مسملیانی بیج ولایته نصب
 ایدوب مائیش کندو مقر اصلبی اولان پراغاشه دینه دو نوب چا سار لاق
 مقامنده قرار ایلدی پس مسملیان بیجه کلد کده قرننداشی
 مائیشک نیوروغی ووصیتی اوزره امر صلحک تمبشیده سعی ایدوب

سنه صلیحه ابکی کره یوزیک غروش و یروب بکری سنه یهدک متار که
اولنوب و سنه صلیدن اوج سال مرور ایندکده اول مد بدن هر ییل
بعض هدایایله عرض انقباد اوزره صلح اولنق رجاسته حضور
سردار باوقاره ضراعت نامه کوندروب التماس ایندکده اول ائشاده
شرق طرفنده قزلباش وانا طرلیده جلالی اشقیاسی طغیان اوزره
اولماریله سردار اعظم آستانه کتمک لازم کلکین اکاباء چاسارک
التماسی قرین قبول اولدی اما اول سنه عقد صلح تقیم و تجیز اولنوب
علی وجه المتار که صورت رضا کوستر یلوب وقتنه توقف
اولندی

(وقعه جغاله زاده درس حدیجیم) سنه سابقه ده دیار شرق سرداری
جغاله زاده سنان پاشا چون فائله وانی حسن تدبیر ایله دفع و بوسالده
ارضر و مده ینه لواء شوکئی رفع ایلدی حسن قلعه سنه ایکن
اوغلو محمود پاشای شرواندن قالدروب دیار بکری و پردی و شروانی
حسین پاشا اوغلو احمد پاشایله توجیه ایتدی قزلباشک
حوالی نبر زده جهمینی مجموع اولیق سوق عسکر ایدوب سنه مزبوره
ربیع الاخرینک بکری برنجی کرنی حوالی سلماسه کلوب شاه کراه
دخی خویده ایدی فریقینک چرخه جهمی بری برینه ملاقی اولوب
لشکر قزلباش مغاوبا رجوع ایلدیلر ماه مزبورک بکری درد برنجی کرنی
حله نام محله نزول اولنوب انده کلن بریلوک ملاحده دخی منکمر
دوندیلر چون شبستری بکوب تبریز کولی کتارینه قوندیلر از تسی شاه
عسکر برنجی اوج بلوک ایدوب و کندی راه نجاه مشرف برشته اوزرنده
طورد کن ارض روم و البسی کوسه سفر پاشا مشورت سن و تدبیر سن تبریز
بکری بکمنی تنکی پاشای و سیواس و البسی راضیه زاده و اخوین احمد
پاشا و برادری وحیدر پاشا زاده علی پاشا و بالجه اون الی بکری بکی نامده
گمنه بی ویکرمیدن زیاده سباق بکری کندی ویه اوید یروب

یانارنده اولان بی سر و سامان لونداتلریله تهنورایدوب سردار طر فندین
 بجمله ایتسون و خفت ایدوب چوق ایرو کتسون دیو خبر وارد بجه
 ستر کشاک و تکبر لک ایدوب بی محابا الله و پردی خان آلاینه اوروب
 اول ظهر دن بین الصلواتینه دك جنك ابتدیله حقا که سفر یا شا
 معر که ده مائند شیر و پلنک هر نه جانیه آهنگ ایتسه سینۀ دشمنی چاک
 و خصم حروب افکنی برابر خا ک ایدر دی بالجمله ائک کروفرینه
 سرخ سر تحمل ایدمبوب دوندیلر و ذوالفقار خان آلاینه التجا ابتدیله
 مشار الیه انلری دخی بری برینه فاقوب وقت عصره دك جنك
 ایتشیدی کتد بکجه حرب مشد و اخشامه دك ممتد اولقی مقرر
 اولدقدۀ قزلباش مجال تحمل محال و وقت تنک ایدوکن کوروب
 دست و پا اوروب شاه کراه آلاینه فرار و یاننده قرار ایتدیلر غروب
 شمشیه دك نصف ساعت فالشیدی بومر تبه د نصکره و جده وجیه
 (قدملکت فاسمح) مصد ایتجه خانی قوغیوب دونوب لشکری
 ترویخ لازم و مهم ایکن سفر پاشا تمقید شمند افراط ایدوب
 سرداری و جله کارو باری براغوب طاغلو آشوری مسافه تبعیده کندی
 و سبکسر لک ایدوب کتد و قفاسنی خالی خودیلر قزلباش عسکری
 پریشان اولدقدۀ شاه اتباهی ایله جیل اوزرینه چیقوب بروججه له
 آنده دخی طوره بوب نصف منزل مسافه برده هزار خوف ایله برپشته
 وزرینه نزول ایتشیدی بو اثنا ده لشکر قزلباش شاه الاپی ایله
 اعتضاد ایدوب اردوی سردار خالیدر دیو دفعه دونوب اردو اوزرینه
 هجوم ایدیچک سردار خیدمتند حربه آماده اولان بیکچری و سلمه دار
 و سارطوائف اول کلابی استقبال و تیر و تفنگ ایله جنک ایدر لک دوندیلر
 غروب قریب اولتجه محاربه اولنوب قزلباش دغلاش مایوس اعنان تاب
 اولوب نیجه لری جزیح و قتل اولدقدۀ نصکره و عسکر لینه عنان ریز

اولش ایلکن اول محل حرب عدودن معاودت ایدن سفر پاشا
جه ورتنه دوش اولدی لر من یورلر چکندن دوشش یورغون و قایل
وقرل پاشا عسکری دنج یولوب چوق اولغله مقاومت ممکن اولوب
بریلوک شبرستره طوغری فرار و ایچلرندن تکدی پاشا و جلال قره قاش پاشا
و قاجار محمد پاشا ایماعلریله قرلپاشی سوکوب اردویه طوغری
کلریله خلاص اولدی لر سائرلی شهید اولجه جنک ایتدی لر حتی
کوسه سفر پاشا الله آلات خریدن سنه قالمیجه جنک ایدوب بالاخره
مجرور اولوب آتی دخی دوشد کده قرلپاشا طوتوب بعضی مجروح لر
ایله شاهه ایلندی لر شاه انلرک بعضی قتل بعضی حفظ ایلدی
سفر پاشا دخی نیم جان ایله اوکینه وارد قده بکامطیع اولوب مذهبی
قبول ایتسک برار بکیت سک سکا رعایت ایدر ایدم دید کده سکا
و سنک مذهبه کده اولان ملحد لره هزار بار لعنت دیو بر پارسنه
جیره باغملر ایلکن چیقاروب بر اقدی بکاشمندی و شهادت اولدی
دیوب شاهه شتوم غایطه ایله شتم ایلدی او پاشان قرلپاشا اوشوب
شهید ایتدی لر اگرچه سردار بونلر باله فسات خبر کو ندروب
سنکه بکاکر بکیلر سن زنه سار مقاملر بکرده ثابت اولوب قاعده
عثمانیه اوزره مصاف ایدک دیو فریاد ایتشید ی اما سفر پاشا نفسنده
برار بر مرد سرکش و یاننده اولنلر قره قاش وغیری جله جلال لونداتی
بریلوک خارج از ضبطی باکلسوز دیکلیوب قفسالری خالی قویوب
تعقیب دشمن قلدی لر (لیف ضی الله امر اکان مغولا) بو غریزه غریبه
حکم الهیه دن بر حکمت خفیه یه مبنی ایدیکه اول معرکه ده مقتول اولان
ظوائف جله سی لوند نامنه بر مدت (وبه ون فی الارض فسادا)
مصدر اقتجه باغی اولنلر ایدی که حربه سوریلوب موظف عسکری
قسمدن اول معرکه ده شهید اولنلر نادر اولوب عامه لشکر سلامتیه
چیغمش لر اول اواندات طاقه سنه جنایت سابقه لر ی مقابله سنده

تأذیب الهی اولوب اسنشهاد ایلله (السيف عطاء الذنوب) چشمه سازیدن
غسل ادناس ائام ایتدیلر چون اخشام ایشوب فریقینه داعیه آرام
اولدی قریبلاشلردنوب شاهلرین ارایو کتدی یلر سردار یرنده قالدوب
کیجه کردستان بکری واعیانی بوکارک تیکه سی نیجه اوله جقدر دیو
مشورت ایچون سرداره کلدی لر لکن ملاقات ممکن اولوب صاحب
دولت یورغون حضورده دزدیمکله کلنلر دونوب کیمی سردار فرار
ایتمش دیوب معنی ویرمکله کردستان خلقی چادرلرین یقوب کیدن
کیدنک اولدقده قره فاش دخی اردوی پراغوب بقیه عسکر دخی پیرولک
ایدوب وان جانینه روانه اولدی لر اتفا قاحلب بکری بکری جانبولاد
زاده حسین پاشا یوم معرکه دن برکون اول اول موضعه قریب نصف
مر حله ده نزول ایتش ایکن حربکا هه مسارعندن تقاعد ایلله
تقصیر ایتدو کندن ماعدا اول قرار بکری سردار صندی دیو
ویردکلی خبر دروغ و موحش مسموعی اولیحق کرچک ظن ایدوب
کیرو دوندی صکره بو خبرک عدم حکتی معلوم اولیحق ینه دونوب
اردویه متوجه اولوب یروا کرا داسقیاسی معاودن ایدن عسکر اسلامه
کر ندایتمسونلردیومرده واقع در بنده قونوب کلن عسکر یانه جمع اولوب
سلامت ایلله قالعوب وانه طوغری چکلدی بعدالواقعه سردار اردوده
قلان عسکری یانه جمع واستمالترو یروب آلا یلر ترتیب ایدوب اردو
ککارینه چیفدی لر دشمن جانینه نگاه ایدوب حرکت یوق کورد یلر اوله
وقتی هر کس نه ظهور ایدر دیو حیرته ایکن وان بکری بکری
قاچار پاشا اتباغی ایلله عمله یرایان اموالی آلوب نه طور رسز قریبلاش
کلدی و طوبلری آلدی صداسی چاقوب من بعد کیدن کیده نک
اولوب بر یرینه دیلر سردار ایکی بیک قدر قیو قولینک اهل عرضیه
قالدقده پیاده لری دوه لره بند یروب جله خرینه وار دو و طوبلر یرنده
قالب من بعد اول محله طور متی مناسب اولامغین انلره دخی وان ط فنه

متوجه اولدیار بو طرفده شاه عجم خوفندن بختلکه عثمانلو بر حبله ایتیش
اوله دیو ایکی کون قهری ایدوب بعده سردارک وانه رفتارین
تحقیق ایدیچک قاقوب اردو محله کلری اردونک برنده بلار امر
خیت و خسر اندن غیری نسنه اغتام ایده مدی بویکامبر دارستان پاشا
وانه کار کرده جانیولاد زاده حسین پاشا حضور سردار استقبال ایدوب
اشکری سلامت کتوردیکی بر خدمت مقبوله خیال ایتمکله عرض و نیاز
و اعتذار ایتدی اکن سردارک نار غضبی اول مرتبه دکل ایدیکه
نک سیلاب اشک ضراعتی ایله منطقی اوله پس محل عتابه کتوروب
نه سبب ایله کلوب خدمته بولمک دیو غرین و کشته تیغ کین ایلدی
منقولد رکه جانیولاد زاده سردار ملاقات قصدینه عزم ایتدکه
کندوسی منجم ماہرا اولوب زینچہ طالع مولود زده قطع دلیل مشاهده
ایدوب خیر خواہاری کتمه سنه مانع اولوب اول ازدهای دم بریده
ملاقاتن کندوبی تحذیر ایتشلر ایکن ینه غرور دولت ایله اکرین خفته
اولسم جغه اله اوغلی ینی پیدار ایتکه جرات ایتک خاطره کلر دیو جواب
مغرورانه ایله سردار زینکاره آهنگ لقا و ابتدای وصولنده عزم عالم بقا
یتشد ر جانیولاد زاده قتلند نصکره فساد ایتیه مشتد اولوب
اوتوزیک قدر اتباعی حلبه عودت و فرنداشی علی بک و خضر بک
اوزر ینہ جمعیت ایدوب حسین پاشاک طلب ناری ایله تخریب
دیار ایتدیلر تا که فتنه لری مشهور مراد پاشا بیدله دفع اولندی
نه کیم ذکر اولنسه کرکدر بعده سردار واندن قاقوب نسنه مزبور
رجینک بکرمی برنجی کوفی دیاره بکره کل دیار لکن وقوع بولان تقریطی
سیله مبتلای وهم و غم اولوب جای دق مارضه سنه اوغر ابوب سعال
خلالنده وفات ایتدی مرحومک ظمعدن ذشی تبدیلاتی نیجه
اختلاله مؤدی اولوب شاهی سنان پاشا زاده یه و پردکد نصکره
عثمان پاشابه توجیه ایلدی و حلب والہسی نصوح پاشایی قالدیروب

کلیس او با قلعن ده اولان چانیو لاد زاده تک پیوی حسین پاشایه بعض
التزام شروی طی ایله توجیه ایلیوب مرز بوردخی حلیه وارد قده نصوح
پاشا در دولتدن مقرر نامه ابراز ایتمکله طرفیندن قتال اولوب نیجه
کسند مرز دوشدی آخر حسین پاشایه دخی بر موجب امر سردار
مقرر نامه ککله ایالتی ضبط ایلدی نصوح پاشا میر شرف دامادی
اولغله مرز بوزیک مرز تندن بچضور اولوب امر اء اکراد یلشنده
معین اولغله الک انکساری سائر سرایت ایدوب جله سی سرداردن
نفرت ایتمش لر ایدی بو حالله سفره واروب ذکر اولتسان امور ها لاله
ظهور ایتدی

(قتال سرخوش ابراهیم پاشا با خروات) چون بو چقای
عسکر اسلامه یاردم التزام ایتمشیدی صدر اعظم محمد پاشا
استرغون فتحند نصکره تخریب بلاد کفار ایچون همشیره زاده سی
اولوب بال فعل قنیره بکر بکسی سرخوش ابراهیم پاشا و بو چقای
طرفندن برسر عسکر و براز تانار و بحار و بوسنه عسکری جله
بکرمی یک قدره بالغ عسکر ایله سنه مرز بوره جادی الاخره سنک
بشنجی کونی ارسال ایتمشیدی بیج طرفلرینه ککیدوب خروات
سرحد دنده مجتمع اولان کفاره مقابل اولوب حرب عظیمدن
ضکره نیجه یک کافر قتل اولتوب اوج دفعه اوزر لرینسه نیجه تک
عظیم عسکری کلوب اوچننده دخی مغلوب اولدیلر اول حوالده
پاپا نصر فنده صوت بور هل و فرمند نام قلعه لری فتح و ایچنده اولان
نیجه کافر لرین قتل ایدوب اون یک قدر لشکری بیج والامان جابرینه
کوندروب ایصال خسارتد نصکره سالما عودت ایتدیلر اخراج
اولتسان غنایم و اسیر قابل تحریر نکلدن نیجه بللو باشلو نیجه راسر اولدی
و اکثر بحار امر اسی متابعت ایدوب کلوب اردو لرینه واصل اولش
ایدی انجق زوین اوغلی و بکان اوغلی قالمش ایدی مرز بوردخی چقای تک

سر عسکری انلره نسبت دون رتبه اولمغه سرفرو اولوب باش
قبودانلرین کوندر دیلر

(مقتولی محمد پاشا ابن سنان پاشا) سابقا شرق سرداری جغاله زاده
مزبور ایچون جلالی اولوب شام ایالتی امرینی بندن جلالیه
زورایله الدی دیودر د ولته عرض ایلد کد نصکره ایالت شامی
خواجه خصمی عثمان پاشایه و یروب سلفنی شامده قلعه بند و حبس
اولتقی ایچون امر عالی ویرلمش ایدی سنان پاشا زاده صکانه
جست و چاک د پرنوب آستانه یه کلوب وزرا ایله برکون عرضه
کیردی مقدما والی اولدوغی پرده عرض وزارتیه محل اوضاع خفت
و خلاف شرع قتل و مصادره ایلد وی جرایمی سردارمذ کورک
عرضی مذکر اولمغه عرضدن چیقارکن دوند ردیلر نظر همایونه
کتورلد کده آستانه یه بعد الدعوه کلمده تأخیری و مشاییده
ظهور ایدن نقایص و تقصیر لری یلنده بالذات مناقشه بیوروب
جوابدن عاجز اولد کده نظر عالیده عرضه شمشیر
تأدیب اولدی

(رفتن پادشاه جهان بپاشا گاه ادره و عودت بجانب آستانه)
سنه مزبوره جادی الاولیسنده پادشاه جهان صید و شکار
ایده رک چنالجه یه واندن اوج کونده ادرنیه واروب بعض آثار
خیراظه ارنده نصکره سکر کون مکشد نصکره اناطولیده جلالینک
طغیان خبری کلکله ابلاغ ایدوب الی کونده استابوله قدوم چمت
زوم بیوردیلر

(حرب طویل و انکسار نصوص پاشا) سنه سابقه حبلدن
منفصل نصوص پاشا جلالی اوزرینه سردار تعیین اولمشیدی
یریر فرقی جلالیان طغیان اوزره اولمغه مخافظه ایچون هر عملکنه
روزی کوندرک لازم کلد کده مقدم داود پاشا دخی تعیین اولتوب

عجز و عدم اقتدار اظهار اینککه بکدها نعلی پاشایه اناتولی ایلی
ویریلوب عسکر به نصوح پاشایه حقوق و اشقیاد فغند نصکره
سردار جفاله زاده یانه وارمنی فرمان اولمشیدی مزبور دخی
اناتولی عسکری و سارما موراولان عسکر ایله ماه رجبک اولنده
بولوا دین کوپروسنده طویل ایله ملاقات اولدی کوپرینک
ایکی باشند ایکی عسکر طوروب نصوح پاشا آه و جنکه قادر
اولانی بند پروب آیلرینی دوزوب طویلرین چکوب طبل و نفیر
صداسی کنکره اثره ایروب ایکی لشکر اراسی کوپری الی بر مقدار
شورابه اولغله نصوح پاشا تصور ایدردیکه آن اشلوب جلال
کوپرینک بکمه اقدام ایتمه اما اوز نکیلری زبلی بوستلی طبلسانلی
ضریب و عجب خوارج اتلوری یکقدمه حله ایتد کلرنده اتلری
معلم اولغله بالخی برو طرفه صیچرادوب اعمال سیف و سنان
ایتد کلرنده عثمانلو عسکری بوزیلوب اکثری قیریلوب و طوتیلوب
طوتیلانلردخی اکثری طویل اوکنده یونلری اورلدی نصوح
پاشا بر کرکه ارقه سنده بریو کرکه قمر اعه سوار ایدی فراره یوز
طوتوب آن باشنی سیدی شهرنده بکار باشی نام موضعده چکدی
طویل عویل مقسم اولوب بولاوادی قصبه سنی یاقوب یعقوب
اهلایشی قتل و مضاده و تعذیب و اول نواحی بی سزا یا تخریب
ایلدی تصوخ پاشا برایکی کون آرامدن نصکره کونا هیه به واروب
بکدها نعلی پاشایه عداوت قدیمه سنی اولغله کنذنی فرارینی
اکانحیل ایدوب ییکناه قتل ایلدی مزبور بکدها نعلی فایده حدید
اللسان و جرب زبان اولغله حله خلق دیلندن مجتنب اولوب
نصوح پاشا کند و بی و خلایق مزبورک لساندن امین ایتک یچون
قتل ایتدی دیو فذ که ده مسطور در حنی بوندن اقدام دخی طویل ایله
مجازیه اولمر دن مقدم قویه به اوغرا دقده ولایت قرمانک رکن رکینی

واختیار کز بنی چارش باشی بقدرن خیمه قره علی زاده محمد چاوشی
 دخی نیمه جبهه لسان ایله ناحق بره صلب ایتشدی بوفضا احتل ایله
 بین الانام تمام بدنام اولوب مظهر قهر پادشاه اولسنی مقرر بشیکن
 سترسیات ایچون جانب دار السلطنه به ایطغار و بر سحر اسکداره
 ایرشدی و بر قایق ایله سرای بورنه کچوب خاص باغچه کنارینه
 چیقوب اناتولیدن فریاد جلغه کلدوکن پادشاهه اشعار ایلدی
 پادشاه هر قومی حضورینه کتوروب اسنطاق یورود قدسه
 اناتولیده جلایلر طغیان عینه علیه ده و کلا اهل اندر دیو
 فصل پردازلق ایتدی که پادشاه بالذات اناتولی سفرینه کتمکه
 طلبکار اولدی دخی اول آن خواجه افندی و مفتی و وزیرانی
 قصر همایونه اجضار و نصوح باشا ایله مواجهه ایدوب طریقندن
 باب معارضات و مناقشات مفتوح و جناب پادشاه بالذات بروسه به
 عزیمت یورمغی مقرر ایتدی لر هر چند که خیر خواهرلر معده ساهی
 و کتمده نیمه محذورات واردرد دیو ناموس سلطنتی مراعی اولدی لر
 مجال اولوب بالاخره جله سی بمحضور قاقوب کیدوب وزرا
 بروسه سفرینه مهمات تدارکنه مشغول اولدی لر هنوز دوتنما
 کلامشدر و روز قاسم کچمکله دریا سفری مخاطره رد دیو نیمه
 محذور زیسان ایتدی لر نفید اولدی

(رفتن پادشاه بجانب بروسه) شدت شتاکالده ایکن فور تونه به
 باقلوب بولان سفینه لر طونادر بلوب بروسه محافظه سینده اولان
 نقاش حسن پاشایه امر شریف کوند بلوب بروسه سرانی
 تنظیم وزاد و زواد تهیسه سی فرمان اولدی و بوستانی باشی
 درویش اغا که مکره وزیر اولوب مقتول اولدی استبول محافظه سنه
 تعیین اولندی بو ائاده والده پادشاه چه جاه سفر آخرته توجه و مرحومه
 اولوب جنازه سی ایاصوفیه ده پادشاه و جله ارکان ایله کتور بلوب

نمازی قلندی بمده سلطان محمد ثالث تربه سنده دفن وروجیون
 وافر طعام وصدقات اولندی مرحومه نك وفاتی سبيله شاید
 پادشاه بالذات حرکت ومرتبی فسخ ایده دیوا احتمال ویریلور اینکن
 ممکن اولیوب والده سلطان وفاتک یدنجی کوئی اولیسه یله
 صبره مجال اولیوب همان اوج پاره قدرغه ایله عزیمت پیوریلوب
 ایرتسی رجک ایکهی **ک**وئی مدانبه اسکله سنه چقدیلر
 ومرتین آلی ایله بروسه بی تشریف ابتدیلر بروسه سرائیه نزل
 ایدوب ایرتسی وزرا وفاضل عسکرل و سائر وکلا مشورت ایچون دیوان
 همایونه دعوت اولندی قائم مقام ضوفی سنان پاشا رأی تدارکدن
 بی بهره اولغین مشاوره منتج اولیوب آخر داود پاشا ونصوح
 پاشا اناطولی حدودنده برر موضعه محافظه یه کوندیلوب اویس
 پاشا اوغلی محمد پاشا دخی بروسه یه حرکت اولنرین معل سلطان
 حضورینه مکتوب کوندروب بکرمی بیک مقدار عسکر تدارک
 اینلدم بکاوزارت عنایت پیوریلور ایسه نه آستانه دن عسکرونه مهمات
 ایسترم واروب جلالیلری دفعه بدل مقدور ایده رم دیوا دعا
 ایتمکله القاب وزارت ایله سر عسکر لک امری کوندیلش ایدی
 پادشاه بروسه یه تشریف لرنده مرقومی دعوت وعد واوزینه کندوی
 ارسالده ینه کندوایله مشورت اراده پیور دقلرنده واران امر شریفه
چچ چوای ویروب نه عتیه یه کلدی ونه جلالی اوزینه کتیدی
 همان مسکنی اولان **ک**وزل حصارده اونوروب عیش وعشرتیه
 مشغول اولدی خواجه افندی حضور پادشاهیده نهیل قلوب
 وپوله دروغه الداندوغنه نادم اولوب پردخی پادشاهی سوزینه اجماد
 ایتدیرمکه امکان قالدی

(آمدن سرکشان سپاه) ماهمزبورک اوئنجی کوئی سپاه طائفه سندن
 وادی سرکشیده خلیع العذار اولوب کزن کیتاخلر که سابقا

سلطان محمد خان زمانده انكروس سفرلر يك نجاد پسی حسبيله
 شرفدارلر بونلری استمالت قصديله هر مر ادریتسه مساعد
 وکستاخلقلرنده مساعده ایتمایله مایلنرند صاحب مکنث واحد
 نفر دن ریاست هیئتده اتاقل ظهور ایدوب استدکاری منصبی
 الدقلرندن غباری سبب طغیان اولغله حکام اوزره محکم وائسرافه
 تهکم وادیسنده اولوب من حوم ومغفور پادشاه حقیقده تفریط
 ایدوب بی ادبانه وضعاری تسلیط الهی به سبب اولدغنده سابقا
 وزیر اعظم عثمینی حسن پاشا رئیسارینک اکثرینه ظفر بولوب
 اهلاک ایتکین باقبسی هول چان ایله اناتولیه کچوب جلالی
 کپی صانقلرلر صالقی ایله تخرب بلاد اوزره ایکن اول کروه دن
 کدوسلی علی وحلی دزویش وکرژمدار وکوشه جزه وقرلباش
 محمد وار ناود حسین وکوخک خلیل ودهیسی توکلی وقوم قبولی
 وغیری بزه ظلم واهانت اولشدردیو جمیلرله کلوب قائم مقام
 صوفی سنان پاشا محاسنده جبه وجوشن ایله وژرا وقضاة عساکر
 محضرنده صوفی کلام ایدوب بونلر نیجه زماندر مهان و قههور
 وانورده ایونده ایلدکاری خدمت غیر مشکور اولوب کپی مقنول
 وکپی خاتمانندن دورو مخذول اولدقلرندن شکایت وایچلرند کستاخ
 وروس اهلر واز ایسته دخی نیجه یکنسا حله وار ایدوکن حکایت
 ابتدا کد نصکره گاهلریمز عفو و انور ایسه خدمت پادشاهید دایمی
 درمیان ایدرز دیو عرضحال ایتدکاری پایه سفر اهلایه عرض
 شمنده مضی عامضی عفو واستمالت اولتیق مناسبدر دیو کلات
 شفاعت آمیزی درج ایتکین عفو یوریلوب متعین اولنلرک
 بمضنه بلوک اتاقلاری قوجه اولوب خلعتلر ایله استمالندن صکره
 مقطوع الوظائف درت بش ییک سپاهی نصیح اسمیلرله
 قید غدن آزاد وکذشته علوفه لر ن تسلیم ایله علنلرین ازاله دن

صکره جله سن ایکی قسم ایتدیلر بعضی کوتاهی ده داود
پاشایانه و یکی فصوح پاشایه کوندرادی استانبول محافظه سند
قلان درویش افا بعض آورده کشف سرستور ایتدوی ایچون
محافظه دن منع اولتوب وزاردن مصطفی پاشا استانبول محافظه سنه
کوندرادی

(عودت پادشاه باستانه) ماه رجبك اون التهی كونی پادشاه
عالمیناه حضرتلری مرارات اجداد عظام و مرافد اولای کرامی
زیارتدن صکره قبلوجه به نزول ایدوب اون طقوزنجی کونی مداینه دن
قادرده ایله دارالسلطنه به کلوب وصول بولدیلر
(اطاعت طویل) شعبانك طقوزنده رئیس اشیا اولان طویل
استمال ایچون بکدر بکلك امری ارسال اولتمین قبولی خبری کلدی
لکن قرنداشی شیخی ایله سرک شلاك وادیلرند کندی انواع
دغدغه یه اوضراندی

(عزل ونصب) شعبانك اون یدینسند قائم مقام صوفی شان پاشا یه
طویل شقی طرفندن مکتوب کلمکین قائم مقام دخی تلخیص بازوب
اویه یقاده باغیرك طغیان ارتوب خصوصاً طویلک ظلم وجوری
حددن کچوب ازاله لری عسیر اولدی باری اناطولی و سیواس
و حلب الشهباء بو اوج ایالت بر اولوب کندی ویرمک ایله
غائله سی دفع اولتمق مناسبدر دیو التماس ایدوب طویلک مکتوبخی
دخی تلخیص ایله بیله کوندروب عرض ایلدکده کمال جهل
و جهندن بر امر منکری مصلحت ظن ایدوب قلمه کسوردیکی تهمت ایله
پادشاه اول بی تدبیری معزول ایدوب خضر پاشا بی قائم مقام
نصب اتدیلر شعبانك بکرمی دردند کیلارچی باشی محمد اغایه
شام ایالتی توجه اولندی رمضانك طقوزنده یوستانچی باشی
رهیش اغایه قیودانلق ویریلوب طرف هسایزدن فوق الحد

مرعی اولدی و شوالک طغوزنده استانبول فاضلسی رضوان
افندی معزول و پرینه اخي زاده حسین افندی
نصب اولدی

(دعوت صدر اعظم محمد پاشا باستانه) بواشاده جغاله زاده نك
شرق طرفه زن ظهور ایدن فضاحتى و خایا عودت و دیار بگرد
فوق خبری کلوب سمع هما یونه واصل اولغله مشاوره اولنوب
نتیجه سی بلغرادده سردار اعظمه خط هما یون کوندر یلوب
(الحرب سچال) مصداقجه حوادث غریبه صورت نما اولمشدر
کر کدرکه بوجایسه کلوب شرق سفرینه واره سن اگر امتناع
ایدرسك. رزارت ثانیه ایله بلغرادده اوتوروب ختم صدارتی
بوجایته کوندره سن دیو تنیه یوراش ایدی بوندن اقدم ایسه
وزیر مشاور ایله ککند و بی آستانه یه کلسك ایچون
عرض ایتشدی

(حرکت یکجریان و سپاه و تادیب کردن سپاه) پادشاه اوائل
رمضانده برکون یکجیری طاعه سی علوفه و جوقه به متعلق بی صبر لغه
دار ترک ادب ایدوب ایرتسی سپاه زمهره سی دخی علوفه و اخراج
دفترلینه متعلق گفتکوا ایدوب انلرکا دیوانه کیره رز و گاه شوربا یمرز دیو
عشوه های بغل و بونلردخی باب هما یون طشیره سیده اغازی ن طاشلوب
دفتر داره ناسز اکلات ایله هذیان وجدال ایتدکلرندن ماعد اعلوفه ده
وزان و کاتبیدن شکایت ایله عزل ایتدردکد نصکره معزول اولان
قارغه زاده اتباعی مزبورک عزلی موجب حالی بوغنیکن نیچون عزل
اولندی دیو غوغا تکرار ایفا ایتدر دکلری سمع هما یونه واصل
اولدقده رمضانک یکرمی اوجخی کونی علی السحر پادشاه قمر می
لباسلر کیوب کمال شوکله عضدک چیقوب سلطان بایزید کوشکنده
اوتوروب وزرا و بلوک اغازی و کاتبلی و اختیارلری احضار و خطاب

عتاب آمیزه بالذات سزاوار بیوروب بن سره خط کوئدر و ب تحصیلہ
کیدن دقت دارم بر قیاق کونه دك كلد كنده علوفه لریكز چیقار بلوب
وقانون اوزره خراج دفتر لری دخی توزیع اولنوردیمش ایکن اعتماد واصفا
اولنوب قیماو كنده بی ادبلك نیچوندر ارا كرده بومقوله كستا خفله
جرات ایدنلری چیقار ك یورد قدیمه هایت خطا بدن جله سی سر اسمه
اولوب رد جوابه قادر اولوب ایچلرندن عربایمین اغاسی یوسف اغا یازو
كلوب پادشا هم حرم هما یونده پرورده اولان قوللرك بونك كپی نامه مقول
فعله مباشرت ایتماشدر بو جراتی قریم خانی عرضیه كلوب و بعض
قلاعه سپاهلك شرطیه قیاقوب بلوكه چیتان اجنبیلر ایتماشدر
دید كده پادشاه حضر نلری عده فساد اوللرك اسمنی ذكر ایدوب بونلر
قتبسدر دید كده وزیر اول مذکور الاسامیدن حاضر بوانسانلره اشارت
ایلد كده حققرندن كاتمكه اشارت هما یون بیوروب سلحدار باش چاوشی
شهبازا و سپاهیلر كانی فرغ زاده و یکچشم محمود افندی قتل اولندی
انلردن غیر ییرقاق اشقیادخی جراسن بولدی اتلوم قابله حبسی چوشی
مر مر دیر كه صار بلوب وزرا شفاعتیه خلاص اولندی و سپاهیلر
كخدا سی مستدام كخدا دخی شفا هتله قور تولدی و جهوره عتاب
آمیر نیجه سوزل سو بلند كدنضكره بر دخی حددن نیجاوز اولنورایسه
جمله نك حققرندن كلبنور دیوا جازت و برلشیکن کبرو دوندر بلوب
مقتوللری كنسدر لقالدر می فرمان اولندی بعده اغا تیدیل
اولنوب اشكجی زاده خرینه ایله كلد كنده عید مواجی و اوچرالتون
غلامیه ویرادی

(امددن سر داراعظم باستانه) چون انكروس سرحدنده طرفیندن
تخریب بلاد امر ندیمه او كه امری مقرر اولوب اناطولیده جلالتی طوغیان
حددن بیرون اولمشیدی انلرك شرو شورنی دفعه وزیراعظمك سردار
اولسنه مو قوف ایدی محمد پاشایه سا بقیا كوئدر بلن دعوت حكیمی

وارد قلعہ روم ایلی بکلیر بکبسی تریای حسن پاشای بلغراد
کتوروب پرته قائم مقام وقوسی محمد افندی بی دفتر دارنصب ایدوب
سرحد اموری اصمرد قد نصکره کندو عید شریفک دردچی
کونی بلغراد دن چیقوب سابع ذی القعدہ ده دارالسلطنه به واصل
و کمال اجلال ایله قر رغه لیمانی سرایتہ داخل اولوب جناب
پادشا هیدن انواع نوازش والتفات اولندی

(مقتولی دلی حسن در طمشوار) چون سابقا برای مصلحت قره یازچی
برادری دلی حسنہ بوسنه ایالتی و پر یلوب اذن طمشوارہ نقل اولندیغی
و بوسنه ده ایلاک لری قضا حنلری اجالا ذکر اونشیدی ایکی
سنہ به قریب طمشوارده والی اولوب اوضاع ناہمواری ازالہ بین
ایجاب ایتمکله استرغون قمتند نصکره طمشوار خلغنه سردار اکرم
محمد پاشا طر فندن اشارت اولیچی مترصد فرصت اولان د لکیر
برکون قلعہ دن چیقوب شکاره کید رکن هجوم و اتباعی قتل
ایتدی لر سکندی بلغرادہ قاچوب انده قائم مقام سردار
اولان غازی حسن پاشا کندی قوناغنه کتوروب بعدہ قلعہ به قودی
واستانہ به عرض ایدوب شرفاقلنه فتوی و امر کوندر لکله دلی حسن
و قرینداشی اوغلی کوچک بکی قتل ایلدی مریدر که مزبور
بوسنه ده ایکن برفساد عظیمہ مباشرت ایتشیدی و ندیکه واپایه
مکتوب کوندروب سمن دونما کر ایله نواقر بندن رسنه قلعہ سنہ کلوب
حاضر اوله سز حصار مزبوری بنده ویرہن بعدہ سائر آق دکر
سواحلی قلاعی آلیوره بن امارسنه قلعہ سی مقابلہ سنہ شمعی
یوز یک التون ویرہ سزدیمش ایدی پس بوسنه ده بولک جوابی
کلوب طمشواردن برکور کچی ذمی به بوزالتون وروب کوندردی
مزبور کور کچی دخی اول زمان سردار اولان مراد پاشایه
واروب واقع حالی اعلام ایتدی و مکتوبی ککوستردی پاشا

دخی نه اوبلی احتمالی واردر وار مکتوبی کوتور ولکن بوجانبه
کلدی که ابته ایزه کاک کرکسن دیوتنبیه الیدی پس مر نور کور کچی
ذمی دخی واروب دلی حسنک مکتوبی ویرد که اسپانیه قرالی برکافر
پا ادا دخی برکافر قوشوب کلیس سرحدندن بریسا فچی ایله زهونه
کلوب برخانه په کیرد یلر کور کچی کلوب خبر ویرد که مکتوبلرک
مضمونی بوجیفدی که سزه ارسال اوانان آدلر معتمدیر در بونلرک
کلامن بزم لسانر دن استماع ایدرکی اعتماد ایدک خلاف احتمالی
یوقدر دیو یمین ایشلر اول کافر لی سردار مراد پاشا سناک کتخداسی
عبدی انابه ذلی حسن بودر دیو کتوروب سوبلندیلر غراشات
سوبلندی ومطلوب اولان یوز ییک التوفی بلغرد فرنگلرندن
المغه بو آدلر ایله جواب کلد که ده تمسک کوند ریلورد یشلر
بصده اول معلولری نابود ایتد یلر

(ظهورد خان) حل وحرمتنده نیجه قیل وقال اولان دخان
فرنگستاندن ظهور و بوسالده دیار اسلامده اشعال ناره شور ایدوب
کتدی که شیوع واشتهار بولوب باعث ابتلا ی ظرقای
دیار اولدی

وقایع سنه خمس عشر و الف

(سرداری وزیر محمد پاشا وفاتش و وزارت درویش پاشا)
چون وزیر اعظم لالا محمد پاشا دزدولته کلدی وانکروس احوالی هتوز
بر طرف اولوب اناطولی جا تیلر تک اصلاح احوالی دخی واجباتدن
ایدی حضور همایونده یالده فعات مشاوره اولوب استجواب قلند قد
جمله اعیان ایکی طرفه بیله سر عسکر کوند ریلوب صدر اعظم در
دولته قرا ایدوب امداد طرفین ایله تقید ایتک انفعدا کر جفال زاده تک
انهر اخی صاحب خاتم اولدوغنه حل اولنور سه بوملا حظ بی مماندر
سپن سابقه ده نیجه وزرا متند مصطفی پاشا و فرهاد پاشا

صاحب مهر دکل را بکن یندیکه فتوحات جلیله و غزوات جلیله
وجوده کتور مشل در جفاله زاده انهرامی کند و ک طمع خامی
وسوء تدبیر و تقصیر مالا کلامیدر خصوصاً واجب الاستیله اولان
طاوایفدن اگرادی کند و دن تغییر اینکله انلردخی امداد و انحصار
ایتموب یان ویر دیلر دیو جواب ویر دیلر بعد الالب و اللتی شرق
سردار لغنه نصوح پاشا سارندن اوقعتدرهم میرشرف دامادی اولغله
اگراد طائفه سنک قلوبن تألیف ایدردیو وزارت؛ لته ایله شرقه
سردار اولسین مناسب کوردیلر و انکروسه مراد پاشا کوند رملک
مقرر اولوب بورای او زره فرار ویر دیلر و بشورت عرض
اولند فده مرضی پادشاه اولوب سردار لقی امرای یازلق فرمان
بیرلدی نصوح پاشایه وزارت سابقه سی ایله بغداد ایالتی ویریلوب
عجمه سردار نصب اولندی و روم ایلی و البسی امرای سرحد
و عسکر یله انکروس سفرینه کتمک فرمان یورلدی بیکچری اغاسی
حسین انجا به حلب ایالتی ویریلوب اول جانبلرده غوائل دفعنه تعیین
اولندی و قائم مقام بخضر پاشا دخی طونه یالیری محافظه سنه
ارسال اولندی وزیر اعظم غازی محمد پاشا بومهمه مشغول ایکن
جفاله زاده بی عزل ایتدیروب یرینه قیودان اولان سر بوستانیان
درویش پاشا غداره فتنه کار اولغله بورایک خلافتنه ذاهب
اولوب دخی آرای سخیفه سی مقتضیاتن اجرایه متصدی اولوب
اولا قح استرغونه سبب اولان طر قبحی برادری حسین اغا کپی
دلوری اغا لغدن حلی ویرمکه سبب اولدی هر چند وزیر اعظم اغای
مومی الیه بادی قح استرغوند رباری روم ایلی ایالتی ویرلسون
دیه کوردی بحال اولوب برنه مار یول حسین اغا بیکچری اغاسی اولدی
حسین پاشا ناچار حلبه روانه اولوب اثناء طریقده ادنه یه ایرشد کده
جلالی اشقیبا سندن جشید نام پاید اول مظلومک یوانی باصوب

شهید ایلدی بعده درویش پاشا بوفساد ایله اکتفا ایتوب
نصوح پاشا نك شرقه سردار اولسنه رضا ورموب یاد شاه
القا ایتکله وزیر اعظمك شرقه کوندر لمسنه سعی ایدوب خط
همایون اضدار ایتدردی وزیر عرضه گیر دکده پادشاه بالمشافهه
بشك بحجه سردار اولوب کتک لازم کلسدر همان تدارک
کورینور دفته امر پادشا همکدر لکن بوسنه مأمولدر که انکروس
صلحی قرار داده اوله دیمکدن خبری سوز پولامیوب حیرت واردی
تکرار امرم اوزنه تدارکده ول دیو فرمان بیوراب قده حضور پادشاهیدن
چنقوب سیرینه کلدی واولانجه ملا حظه سنی تفصیلا تلخیص
ایلدی مفید اولدی ایرتسی نصوح پاشا سردار لقی تمهیه سنه
کلوب تسلی و تطبییه متعلق چرق سوز سوبوب یله کید رزاقور
همایونده نیجه خد مترایدر زان شاء الله تعالی برمرتبه محظوظ
اوله سز که انکروس سفر لینی اونوده ستر دیمکله قاپنه بر مقیدار
سکون واطمینان و یردی اول بحالسنه وزیر اعظم درویش پاشادن
شکایت وکشدونک مافی الضمیرینی حکایت ایدوب دیدیکه باری
سردار لقی ایله اوسکبه واروب بعده مکوموریه طرفته کچوب
پوچقای دخی اونه طرفدن پوزونی کچوب بیج التله ایکی عسکر
ملاقی اولمش اولسقی فیجه ده مملکتی و قدرتمی قالوردی شمعی
اصل خورم پوچقای و بحالز قومه مدارا ایتیرر وضع ناهمه وار ایله طاصی
ایدر لردن ایکی بلای امک بشه هبا اولوردیوب زاری زاری
اغلا دی و پادشاه تکرار تلخیص ایدوب باری انکروس سفرینه
کیده م واروب خدمت صلحی تکمیل ایدیم نصوح پاشامیر
شرف دامادی اولغله تسخیر اکراده قادر در شرقه سردار لقی ایله
کلسون دیو نیا زایلدی بروجهله تحویله امکان اولدی خوا
وناخواه اوطاغنی چبقار دوب اسکداره قور دیار و بلغرادده

زل امینی اولان قیوچی باشی مصطفی اغا وزیرک برکار گذار آد مبسی
ایدی درویش پاشا عملی ایله اکا دخی قسطیونی سنجاغک
خط شریفی ورود ایلدی انکیچون دخی تلخیص ایدوب سفردن ذخیره
تبارکنه معیندر الک خد متنی کوریر آدم دخی پوقدر آتی پوفولیکردن
ایرمق قولیمز فنا دیمز قیرمقد و عفو بیوریلوب یاغترده قاتلقرجا
اولنوردیو عرض ایلدکده تلخیصک اوزریتنه احسان ایتدیگیز
سجهاغمری بکتفر می دیو جواب یازدیلر پاشاک ظاهر انکسارندن
قطع نظر بوستلرد روتنه کار ایدوب کوتدن کونه غموم ایله قرتی
ضغفه مبدل اولدی واول هفته ده اوطاغنه چقبوب اسکداره عبور
ایچون مؤکد فرما بلر ورودیمکله مجبور اولمشیدی بشدره الله تعالی
برگون اپکسندی دیوان سوررکنی باشندن بر ماده حاره تازل اولوب
معالوج اولغله بر شقی عملدن قالوب اغازی کندوی پو کثوب ایچرو
کوروب معالجه بنه طیبیلر کلوب بو حاتی عالمه شایع اولمشیکن
یندرویش پاشا دیدکری ظالم و بی رحم و غدار پادشاهه غماض
ایتشدو دیو القا ایمکله ایرتمی تشدید و تعقیق مشهر بر خط شریف
الوب کوندردی مضمر ننده تعلل و غماضی قویوب البه اوطاغنه
کوجه سن دیشیدی لالا محمد پاشا پیکاره پایه سر بر اعلایه ضراعت
نامه یازد یروب ایله کرام واجداد غطاملری ارواح طیبیری ایچون
اولسون جمله دین زیاده معتقد قولیکر کیم ایسه ارسال بیورک تا کیم
نه سالد اولدو غمی کوروب صحیحی اوزره پادشاهه بلدرسون
اگر محفه ایله اسکداره نقل اولغامز معقول کوریلور ایسه امر
عالیری اوزره قل ایتسونلر دیو خبر کوندردکده پادشاه طرفندن
قبو اغاسی کلوب یاشاک فراشده جالتی کوروب واروب اعلام ایلدی
واقعا نصف جسدی میت ایدوکی معلوم سلطانی اولد قنده
تقاضادن فراغت اولندی فیه اغاسی وزیر کلدکده وزیر یانددی

رده اغلیوب بودوات علیه به ابتدیکم خدمت بلغیوب چاله اعتماد
 اولندی پادشاهک دامن بوس ایدوب بو حالمی سولیله سن
 و وفات ایتدیکنده الی یلیم واردر هر نه احسان ایدر ایسه الله عظیم
 الشان حضرتلری مکافات ایلله دیو وصبت ایدوب کوندردی اغا
 دخی اغلیه رق حضور همایونه واروب شویله بروز یک قدری بلندی
 پادشاهم اعدا سوزینه نیچون اعتماد ایدر سرحالا مختضر در
 بلکه بوسکون فوت اولورید کده اول کیدرسه بری دخی پرینه
 کلوریه وردیلر (ع) * حق تعالی قطبینی دائم خط دادن صافلسون *
 خواستی اظهاریتدی لر اما بوجغایی چاره محمد پاشا به سبب نکس
 مرض اولوب اوچینی کونی رحلت ایلدی رحمه الله علیه وزرا و علما
 وارکان نعتی قالدیروب سلطان محمد غازی جامعده غازی ادا
 و چارابی ایوب انصاریده محمد پاشای عتیق تربه سی جوارنده دفن
 ایلدی لر هر کس دونوب قیودان درویش پاشادخی تربدن دولوب
 ترسانه یه اوخلادقده مهر کندویه و یریلوب ترسانه دن سرور ایلله
 سرایشه کندی مفتی صنع الله افندی دن نقل اولندیغی اوزره تدبیر
 امر مزاج ایدن پورتقال حکیم درویش پاشا عملیه مخالف - قنده ایلله
 علاج یوزدن تسمیم ایلس وزیر می حومک وصبت پادشاهه
 عرض اولتد قنده نقودی مصارف سفریه ایچون الیوب سار
 مختلفاتی هیتامنه و یرلک فرمان اولندی لکن درویش پاشای غدار
 سفر مهماتی ایچون خرج لازمدر دیو بلغراد دن تمکینی زاده ایلله
 کتور دوب یوز الی بیک التون و یوز یوک قدر غروش و سار تحف
 و اشایی چله قبض ایدوب بشپله اقل قلیل می و یردی مهر درویشه
 و یرلدیکی کون قیودانلق ینه کدوهر منیله سابقا اوج دفعه قبریس
 بکیر بکیمی اولان فریک جعفر پاشا ینه فن در یاده ماهر در دیوب توجه
 اولندی درویش پاشا ابتدا دیوان صدارته جالس اولدوقده چاوش

باشی به تنبیه ایتسبکه اهل دیوان بی سار و زیره قیاس ایتسبونلر کیچکه
 فقراتک بو کونکی ایشنی ایتیه قویه باشنی کسه رم دیچک کلاب
 اشبدوب بو قال بدکندویه حسب حال اوله جقد ر دیدیلر
 راول امر دن نه سوز صدر ایدر ایتسه غافیت اول معناظه و رایده جکی
 مجرید ردیو تطیر ایتدیله و نه اول کون ایکندی دیواننده بکلر
 بکلیکدن متقاعد برپرک و غلی جرمیله یونین اور دوروب مالنی
 مصادره ایتکله چله کورنلر (بشر القائل بالقتل) مضمرنی شو یلدیلر
 وزیر مر قومک تهینه سنه عامه اکابر کلوب از دحاک ایه سی
 کنلیدی او چچی کون معل سلطان کلوب قهنت ایتدی بعد
 صلوة الجمعه مغنی افندی دخی کلوب صلوة عصری معیت
 ایله ادالیتدیله کیده جک وقتد مر قوم مغنی افندی به خطاب
 ایدوب یارینی دیوان اولیوب حضور هما یوند مشاوره اولنسون
 دیدی و کندولرینک دخی حضورین التماس ایتدی مغنی دخی
 وار مغنه تدهد ایلوب ایرتسی حضور هما یوند عقد مجلس
 مشورت اولنوب وزرا و صدرین و مغنی و خواجه افندی یلر جمعیت
 ایدوب قح کلامه منتظر اولد قلرند پادشاه حضر تلی فتح کلام
 ایدوب بوسنه امر سفر غایت کیچ قالدی خصوصاً ذخیره تدارکی
 غایت عسیر در لازم اولان بودر که بوسنه مهمات تدارک اولوب
 سفر سنه آتیه به قالس معقولیدر دید کلرند اهل مجلس متحیر اولوب
 ساکت طور دیلر بالاخره مغنی افندی سوز آچوب ترک صبر ایله
 مقتضای جالبینی اولان قول بالحقی ایله عامل اولوب بود کلو
 ایلیپاره قارشوارد و و اوطاق چیمارلشکن ینه استانبوله دونلک
 مناسب میدر یاری سردار حلب الشهبایه دکه واروب آند قشلاسون
 و ذخیره تدارک ایدوب اول بهارده عجم طرفنه حرکت ایتسون
 دیدکده پادشاه مقابله ایدوب حلبه وارلما نک فائده سی ندر دیدینی

مولانا جواب و پروب فائده بود که اردوی همایون بوق پر حقیقتش
اولاز و خیام گردون قیام دوست و دشمنه قار شوایچر و دوندورلش
اولز می جوم سلطان سلیمان خان نجحوان سفرینه حریمت بیوردقده
جلیده قشلا یوب اول بهارده شرقه کتمشدر حالیا دخی اولوجهله
حرکت اولنقی مصلحت در دیدکده پادشاه تکرار حلبه وار لقده
نه نفع متصور در دبدی کبر و مولانا طور میوب اصدایه قارشو
استکداردن خیام عسکر اسلام دوندورلک معقول کور بلور می
باری محافظه بملکت ایچون عسکر ار سال اولنقر می دیدکده
پادشاه حضر تری محافظه بملکت ایچون فرهاد پاشا بر مقدار
عسکر ایله کنسون وار دوی دوندور میوب بیله کورتورسون دیدیلر
صنع الله افتدی یالانلر ذخیره اشترایچون بر مقدار مبلغ ویرلری
دیدکده پادشاه خزینسه یوقدر نردن ویرلم دیمشلرینه مولانا باری
مصر خزینته سدن بر مقدار احسان بیورلسه اولنقر می دیدکلرینه
مصر خزینته سی بزم جیب خر جلفمردر آندن نیچه ویریلور دیو
جواب ویریلور مولانا نه طور میوب جدیدکمر جوم سلطان سلیمان
خان حضر تری سکتواره کتمکلرینه سرای طاهرده و تقدیر التون
و کش اوانی وارا یسه مصر بخانه یه و پروب کسدر دیلر و مهمانه
صرف ایتدیلر و کیف که مصر خزینته سی دیوب احتساب ایتدکده
پادشاه جبین پرچین ایدوب افتدی سن بنم سوزیمی اکلور سن
زمان زمانه اویماز اول مالک مقتضای اول ایش اول وقتک
حالی بوز ماند نیچون ایراد ایدرسن بیوردیلر متلا کورد یکه
سوز تأثیر ایتمز جمله ایله قاقوب سلا ملد یلر کاتب حلبی قذلبکده
درکه بوقصده حسن بکراده تاریخنده روایت ایدر (الملوک ملهمون)
و فقیحه پادشاهدن صادر اولان سوز فی الحقیقه حکمت و طبیعت
قانون اوزره تاریخ بازان مورخلر سوزیدر سلطان سلیمان زمانک

احوالی مقتضیات اطوار دولت و طبیعت اوضاع جمعیت
فائده منجیه بوزمان احوالته عرض و تطبیق قبول ایلت و بوعصری
او عصره قیاس خطا در یاد شاهک بوخصوصه کلامی صحیح
و مستقیم در پس مفتینک اول مجلده اولان جرأت و حق کوبلغندن
در ویش پاشا دیند کیری بد خوی بیخضور اولوب بینی سفره
کوندر مکه اقامت ایلدی دیو زنجور اولوب اول اهل تقوی بی
مسند فتوادن فالدر مقی مراد ایلدی اما اگر خواجه زاده بی
مفتی ایدرسه ایکی برادر بی صدرین بولمغله اوچی دخی اتفاق
ایدوب بی سولتمزل دیو تر د ایلدی بالاخره ابوالیمان مصطفی
افندی بی دفعه ثابده صدر فتوایه نصب ایلدی خلاصه کلام
در ویش پاشا مر حوم لالا محمد پاشا تک سرداران ایلله شرقه
کتمنه سعی ایدوب لرؤمنه ذاهب و اخراج و از عاجزه بیک جلله
میزم و طالب ایکن حالا کند وخی وزیر اولد قده سفره گفتن ابا
و احتراز اوزره اولدی و هر طائفه دن کند و طرف کیزی اولان
اشخاص دخی مجالسه وکیل السلطنه به کرک اولان یرنده مستقر
اولوب هر طرفه کیدن سرعسکرله امداد یتشد یره دیو کلیات
ایدوب جلاز یتشد بره منصب موهوم ایچون بیک مداهنه چالان
یادکارلر دن بری دخی برکون اثنای کلامده کندویه ریشخنده ایدوب
بنم سلطام سن بر آفتاب عالنا بسن یرکده اوطور و اطراف طایفه
نشر نور ایدوب جهاندن ظلمتی کوتور دیدی اول قباحت نافهم
حضرت ظل الله جنا بنده سزاوار اولان صفی اول شخص
دون بی اهله تخصیص ایلدی چون بوسوز درویش پاشا تک مطبوع
قلبی و موافق مطلبی ایدی زجت سفری دفع ایچون بعض مقدمات
واهیله مراد فی تمثیل و پادشاهی کندونک قالمسینه رغبت
ایتدردی بالاخره کندوسی سفره کتیوب دلی فرهاد پاشایی ارسال

ایلدی مز بور فرهاد پاشا ملک عدم استعدادی معلوم و بوم صلحت
عهد سند ن کلکه قدرتی اولدوغی آشکاره ایکن درویش پاشا
کشد و اوزردن دفع ایچون مز بوری تعین ایتدیروب ماه صفرک
دردنچی کوفی اسکنداره کچوردی و یکچیری کچنداسی عثمان اغا
اوزنیک نغرایله والی بلوکطویچی و جبهه جی ییله قوشلوب قرمان
وسپاس ایالتلری معاً مأمور اولدی لکن مز بورک سر عسکرلکه
ایاقی اولد و غندن خیری عسکر و سپاه ایله امتزاجی اولوب
برنادان متهور و بدزبان اولغله عسکر کندویه متابعت ایتوب بلوک
خلقی علوفه طایفه کاذکجه بنسده سپاهی یم علوفه استرم سزه
بلوک ویردیکم طوتیلور کندومه طوتلازمی دیومعارضه ایدوب
سپاه کشد و اوطاغنه طاش ایله هجوم ایتدکده کندی و دخی آنکینی
طاش ایله طولد وروب چیقاردی و سپاه جهوری اراسنده
کشد و اوطاغنه طاش اوروب طابارن چیقارغنه باشاردی بومقرله
اوضاع ایدیه رک زمان کچوروب اتماب عسکر دن غیری پراش
کورلدی عوجه محمود چلی نام کسسه مشاهده دن نقل ایدزکه
مراقوم دلی فرهاد پاشا بروسه و وارد قده لوندات صورت چکوب
مراقومه شکایت ایلدکلرنده یانی می چکسونلر دیواشنع تعبیر ایله
شاکیله جواب ویرردی سائر احوالی دخی بو **کا**
مشابه ایدی قونیه ده سفره **کلان** سپاهیار قره سعید
نام شقینک بلوکی ایله جنک ایدوب بورغون اردویه
کلدکلرنده فرهاد پاشای قونیه ده دوندردیلر و دورد قسط مواجبری
اشلیوب خزینه و فایده مکه یکچیری مواجی ویرلوب بلوک خلغنه
آشانه و واروب علوفه لرین طلب ایتکجه اجازت ویردی و کندی
معزول و متکوب قونیه ده قلوب غندن هلاک و ساکن
پخوله خاک اولدی

(مقتول درویش پاشا و وزارت مراد پاشا) چون سابقه سادلی
 فرهاد پاشا سردار ک و ندریلوب وزیر درویش پاشا آستانه ده
 قالدی و فرهاد پاشا سردارلق همده سندن کله محکله قلندر اوغلی
 نام شتی آیدین و ساروخان مملکتلرینه حملول واهالسی تنگای محنت
 و ابتلایه دخول ایتمکله داد خواهان رعایا استنبوله دو کپلرب و فرهاد
 پاشا دن ولوند اتندن جور و تعدی ک و در ندر دخی فوج فوج کلوب
 رکاب همایونه رفع رقه ایدیمک بونجه فسادک ظهوری محضا اول
 وزیر بی تدبیرک طلب راحت ایله قالمسی سبی ایله اولدوغی ظاهر
 اولوب و سو خلق جهشتدن جله نک قلی کندودن نفرت ایتمکله
 مقربان حضرت فرصت یاب اولوب ازله سی باینده سوق کلامه
 باشلدیلر و مفتی صنع الله افندی بی حق کوبلغی ایچون بیکنه
 عزل ایتدیردیکي مقدما ذکر اولتمشیدی بحکمة الله تعالی ولانا
 مرقوم ابو المیا من مصطفی افندی اوج آی معمر اولوب مرحوم
 دارج مدارج رحمت رب قیوم اولوب مولانا صنع الله افندیک دعاسی
 کار کر اولدوغن خاص و عام یلوب دفعه ثالثه ده بنه صنع الله
 افندی مفتی اولدی چون درویش پاشاک اوضاع ناهم وارندن
 وضع و شریف متاام اولوب مظالم و فسادسی حددن تجاوز
 ایتدوکنی سمع پادشاهه القا ایتدیلر و ناطولیدن کلن شکاتک دخی
 فریادی محرک غضب سلطانی اولوب درویش پاشاک سوء حاله
 کمال اطلاع سببیلله جناب پادشا هی کندودن روگردان اولدی
 بر کون معللریله مفتی بی دعوت و درویش پاشاک فجح احوال
 و سوء افعالی مذاکره و دفعی باینده مشورت یوروب بعد الازاله برینه
 کیمی نصب ایلک مناسب ایدوکن مکالمه دنصکره درویش
 پاشا به خواب خرگوش و یریلوب بر ایکی کون نواز شد نصکره
 بر کون سرای همایونه دعوت یوروب کلدکه حسب الاشاره

یوستنایان اول غول یا باقی مقتول و کله مقطوعی پیشگاه
شاهی بارگاهده ثانی ترأس الغول ابتدا بر سر ویدر که حضوره نمایانده
طاساب او طاع ایله بوغدورن بز بر زماندن صکره ایلتی تهریک ایتمکله
کندوری خنجر ایله بوغازنی کسیدلر (ع) قیدی درویشته شاه *
تاریخ قتلیدر مر نوم عزیزی زاده حاکمی افندیگ حد مستن
ایله منغی ~~سکسان~~ بیت قصاید غزالت غامسی غرقومک
کاشف حالیدر

(سبب قتل درویش پاشا) غرقومک سبب قتل بویله نقل
اولنور کندوسی قایت ظام و مذموم و طماع بندرسوم اولوب واکاره
خدمت اینده وودیلر دن بری مزبوره خدمت و عرض استقامت
ایدوب زیاده تقرب کسب ایتمیشدی مکر یهودیلرک مقتصدی
بوایمشکه کناردن برینه خدمت ایتمهلر اول کسمنک ایراد و تصرف
واخذ و اعطایه متعلق احوالندن هرینه مطلع اولور ایسه دفتر ایدلر
یهودی مر قوم دخی بووجهله دفتر ایدر مش وزیر مر قوم یهودیه
زیاده اعتماد ایدوب انک کفایت فریق اولوب کلیات و جریات امورین
اکانیه ایش ایتمیشدی اولدخی اکثر مضارقی کندودن خرج ایدوب
برنجنده پاشادن استیفا انک اوزره دفتر ایدردی چنانکه دمور
قیو حداسنده سرای بناسنه مباشرت ایلدی جهوده اضمارلدیکه
مقتصد اولوب تمام اولجه قدر مال صرف اولنور ایسه دفتر
ایدوب بنده کندودن استیفا ایله جهود دخی مال فراوان صرف
ایدوب طرح و رسم و بنا جیعا جهودک رایته مقوض اولدی
اتمامه قریب اولدقده برکون جهودی کنسوروب خرج دفترین
طلب ایلدی جهود دخی الینه و یروب پاشا مطاعه ایتدکده
وردی زیاده مال صرف اولنمش کترشدن مشمش اولوب نجب
چوق کتمش دیو صورت انکار ایله چین چین کوستری چوب

وزیر مر قوم طماع و بی باک و غدار ایدی جهیز بود بلبیکه اول
مالی حق او زده ایضا کندویه کوچ کلوب بر بهانه ایله کندویی
تلف و مالی بلغ ایتمک احتمالی مقر در جان باشنه صحرایوب فی الحال
فکر شیطنت ایله چاره ساز بق تدارک ایلیوب پاشا دن دفتر تی
الیدی و کرزی قارشو سنده پاره پاره ایلیوب آکشه یاقدی بن بومالی
سلطان دن المی ایچون دفتر ایتمدم الیمد و ماله اولاه مفهومیجه
مالم اقدیمکدر بن کندی قولیکم دواتکده نیجه بو قدر مال
فراندم یتنه قرانوب سلطان دن برجه طلب ایتمه بحکم مملومکر
دیکلدر ایچق نه خرج اولندی دیوسوال پیور رسه کن جواب ممکن
اولسون دیو دفتر ایتم دیوب پاشایی اغرار و اغسال ایلدی ایچق
طامع یهودینک سوزینی کر چک نظیه مخطوط اولدی یهودی اخذ
انتقام ایچون حبله یه آغاز ایدوب سر ایداشلین عمله تعلیم ایدوب
سیرایک سردابه سندن سرای صامیه نک دیواری الته واریمجه برخق
دهلیر یازردی شویله که بر قاج ارضاد کیجه ایله یازوب بر فرد اکا
اولدین اقدام تام ایتد یار اغرنی طامش ایله قیایوب کتم ایلد یاز
یهودی بوچاه شمن ربانی مهیا ایتد کدنضکره پاشانک عدوی جانی
اولان قبوا غاسنه اندساب ایدوب وافر هدیه و یروب محرمیت
حاصل ایتد کدنضکره پادشاه و وزیرک سو قصدی وارد دیو حفر
اولنان مطبوره قصه سن مخفیجه تقریر ایلدی اولدخی پادشاه
بلد یروب عند الاستکشاف حبله کار کر اولوب طبع یاد شاهی
کشدون منتقر و مکدر بولغله تراکم اسباب وزیر یوزرک هر صه
تبع آشتاب اولسته سبب اولدی وزیر یوزر سائر تعدی نندن ماهدا
اول ائشاده مقرر انمش ایدیکه استانبول حلقه دن هر شه نشین
باشنه بیکر ایچ جم ایدمه هله ذیل اولغله خلق اول تکلیفدن قور تیلوب
حقه شکر ایلد یار درویش پاشانک قتل شیمان او ائتلند و فوج

بولوب ماه مزبورك اونجى كوني مفتى صنع الله افندي القاسيه
مهر وزارت نيك و بد دیده روزگار كم و سرد كشيده هرديار وزير
جلالت شعار مراد پاشای نامداره سزاوار كوريلوب قپوچيلر
كئخداسيله بلغراده كوندرايدى و عجالة دردوانه كل كنده مسارعت
امرى ارسال اواندى

(كوندريلن خط همايون مضمونى) سكه وزير مراد پاشاسن
حالا كسنه نك القاسيه دكل و پر فردك رجاسى او لمقسنين
خاصة قريحه همايون دن وزارت عظمياى سكا و بر دم و خاتم
همايونى كوندر دم اميد در كه جناب عزت هر ايشكده معين
و دستكير اوله كوره يم سنى هر امورده نيجه سعى ايدرسن و عتبه
عليه مه بر كون مقدم ايرشمكه اقدام ايدنه سن انتهى مراد پاشا
دخى صلح و صلاح امرنى كوروب بهمن عهودى متضمن ضراعت
نامه رايه مابليله الصلح اولان مالى حامل ايلچيلرى استصحاب
ايدوب جانب انك كروسدن قطع علائق و اسباب ايله
بلغراده كلوب قرار ايلش ايدى و زياده ضيق حال ضرورت ايله
تشويش بال اوزره اولوب كثر اسفار دشمن عنود سيم وزير بن ثا بود
اينكله مضطرب الاحوال اولمشيدى حتى اول زمان بلغراد قاضى
چشمى افندى متمولجه اولمغه مشا راييه جا بنه ايكي يتك التون
قدر قرض و يروب امداد ايلسى كندونك سبب رفاهيت بالى اولمشدر
وزير مشا ايله بو ضرورتلنه اجراى حكومتده دقيقه فوت
ايقوب ضبط و جلادى قياسدن بيرون ايدى بر كون اوضاع لشكرندن
بعضى جبه جيلر بر قاج دكان غارت ايتد كلرنده طودت يروب اللى نفره
قريب اشخاصى اوطاغى او كنده مظهر ضرب الرقاب ايدوب فرط
سياسى راحت بخش شيخ و شاب اولمش ايدى بو حال اوزره بلغراده ايكن
ذوات صدارت كندويه بهسر اولدقده (ان الكرام اذا ماتوا اسلوا ذكروا)

فخواسنجیه چشمی افندیك دوستغنی وآدمینی فراموش ایتموب حلب
مولوتی ایله ممتاز افران ایلدی حتی اول زمان حساد بد زبان دیشلر (دیت)

* حلبه قاضی اولدی چشمی خواجه *

* چقور زنده بوله چقور چی قوجه *

(ذکر انعقاد صلح یا کفایت نمچه) سابقا لالا محمد پاشا د نصکره نمچه ایله
مصلحه امری وزیر مراد پاشا ک رأیتیه حواله اولترب سردارلق ایله
سرحد ه کند رلشیدی کند و مقسوباتی ایله چقوب بودینه وارد قده
ما موراولان عسکر دخی کلوب دیرك ایتدی اول انشاده فرع باب
صلح ایند کفار ه نعم ایله جواب و یوب دامادی بودین بکله بکسی
قاضی زاده علی پاشا و بودین قاضیسی هاییل افندی و بود بنده
اعبادن نصیر الدین زاده مصطفی افندی و علی پاشا کفایتی
قادم اجد کفایت قاقوب قومران ایله استرغون مایند ه واقع
ژ پدوه بو غارینه وارد یلر نمچه و مجار بکری و وکیلاری دخی مقدم
ککشلر ایدی پو چقای ک دخی اذن و رضایتی اولدی اونه طرفده
انلر استرغون طرفده اهل اسلام قونوب سنه مزبوره رچی
غره سنده احوال صلحی ایکی طرفدن قایقاره نبوب طوفان و زنده
سویلشدیلر جانیدن نیجه قیل و قال و بحث و جدال د نصکره بو عنوان
اوزره صلحه قرار و یردیله که صلح الان مقدم اولان صلحه روابتداسی
پوتار یخدن معتبر اوله زیرا مقدم پو چقای و محمد پاشا ایله سوبله
شیان مجار قوی عموما پو چقای حکم و مشد ه داخل اولوب
وبر دفعه خطبه اوقاف فلاح فلاح و یاقی و غیره جله و یرك
اوزره ایدی و بونک اوزرینه قول و قرار اولتوب اول زمان متار که
اوزره قالمش ایدی وزیر اعظم محمد پاشا و فایند نصکره پو چقای دخی
اقدام ایده مدی اونه طرفک مرادی اوزره مراد پاشا برای مصلحت

صلح ایلدی صلح نامده مسطور اولان وکیلار و شروط صلح
اجالی بود
(خلاصه صلح نامه) بن که ایمپراطور وزیر و قوهران قیودانی
وجمله سرحد رده اولان بیرافلرک بکچبسی بانوش امور لاردی یم
وایمپراطور وزیر و سرداری ادا و نقوش اهو انجاسم و طورس
قومسی سفر پووس قولجم و طونه نک اوتنه یاقه قیودانی
نیقولاش اشتونم و طونه نک بری یاقه قیودانی وایمپراطور وزیر
فرانس کوسنلکاتم و فرسبورک قومبسی قولادی روایدیم
بومصلحتنه تعین اولتوب کلشتر عهد نامه بازوب دیرز که بنده
چاساری پادشاهمز ایکنی اوداغوش اللهک غایتی ایله
اله مان و بحار وجه و دالماسیا و خروات و غوث و لایترینک
چاسار بد غظحتلو پادشاه سلطان احمد خان حضرتلرینک
یزمصله صلح ایتمکله استقلال کلی ایله وکبلی اولان
بودین بکربکچسی دولتو علی پاشا حضرتلری و بودین قاضیسی
هاییل افندی ایله وکالتزجهتی ایله الیزده اولان استقلالیز اوزده یکریمی
یله دک پوشر طلرایله بتورد کیمر صلحدر که ذکر اولنور (شرط اول) بودر
که بزم چاسار ایلیجیاری پادشاه حضرتلری آستانه سنه واره و اوتنه دن
برو بری برینه کوندردیکی نامه رده اوغول بابایه و بابا اوغوله یازدقلری
کبی محبت اوزده یازده ل (ایکنی شرط) بودر که نامه هما یوند
رومه چاساری یازیلوب قرال پازلیله (اوچنجی) بعایه الله تعالی
باریشق تمام اولده قد نصکره پادشاه حضرتلرینه تابع تاتار
طائفه سندن و سائر عسکر دن رومه چاساری ولایتنه ضرر اولمه
(دردنجی) بوانیکی حاکمک دریاده و فرده و لایتلرینه بر طرفدن
ضرر اولمه و بحار ناحیه لنده بونلره تابع قریه لر بزم جانجزدن دخل
اولنجه و اسپانیه قرالی باریشق مراد ایدرسه دخل اولنجه (یشنجی)
بودر که هر دور لوچته لر منع اولتوب ایکی طرفدن یورومیه اگر بزم

جانبزدن ضرر اولور سه قره ده طوتیلور سه حاکم ؛ و جانبک
قبودانسه یلدیروب اول محله اندن آدم واروب شرعه کور یلور
اگر قتل و اسکر تعزیر لازم کلن اجرا اولنه اللرنده بولنان اشیا
صاحبارینه و یریه (التجی) بودرکه بو صلح ایچنده قلعه
اوغرلنجه و دو کولیه و حبله ایله التبه و بر طریق ایله التور سه
رد اولنه دیو پوچقانی حاکمه و یریلن قلعه لر یچده بشورلدوی
اوزره انده قاله (یدنجی) بودرکه ایکی جانبدن صلحه کلنجه
بهاسی کسلن طوتیسا قلوبهالین و یروب چیقل و بهاسی کسلینار
بدلی طوتیسا قی ایله تبدیل اولنه و صلح نصکره کسه طوتیسا ق
طوتیه و بر طریق طوتیلور سه التدن الینوب مجانا اطلاق اولنجه
و ایکی جانبدن طوتیلور حصاریت اولنه (سکرنجی) طمشوار
و بوسته و اگری وقتیه سر حدلرنده بارشغه مضرحال ظهور ایدر سه
حاکم لرینه عرض اولنوب حق اجرا اولنر سه بورین بکار بکشی
جمله باش بوغ تعین اولنوب اکا عرض اولنه که حق اجرا ایلیه
و بوجانیده یانق حاکمه و طونه تک برویقا سی قبودانلرینه و خروات
بانلرینه یلدیروب انلردن حق اجرا ایدر (طقورنجی) بودرکه
هر جانبده اللرنده اولان قلعه لر تعمیر اولنوب مجددا بریده قلعه
و یلقه یاپلیه (اونجی) عظمتلو پادشاه حضرت لرینه شمد یکی
حالده مشاوره اولنان ایکوزیک غروش نقد و یاد کار یولک ایلیچیلریمز
ایله واروب و اصل اولدقده سعادتلو سردار حضرت لری دخی
دولته لایق هدایا ایله بللو باشلو بر سنجاق بکنی هر سک جانبده
کوندرمل و بیشکشیمز و اصل اولدقده دولتلرینه لایق اولدوغی
اوزره مادت قدیمه دن زیاده هدایا ایله چاساریمز و کوندرمل
(اون برنجی) بودرکه شمدیکی حالده ایلیچیلریمز آستانه یه واروب
ذکر اولنان نقود و یاد کاری تسلیم ایدر (اون ایکنجی شرط)

بود که اشبویک اون بش رچی غره سندن وم بلاد عیسی ملک یلک
اللی یوز تلر یخنده واقع بوا مرک ابتدا سندن بکرمی ییله دك طوبیارب
شمی کیدن یدشکشدن صکره اوج ییله دك ذسنه کتوب اوج سنه بدن
صکره پیشکش نه مقدار ایدو کینک مددی تعیین اولمیه و وارد قد
روما چاسارینه لایق هدیه ایله یلاو باشلو آدمارین کوند رمل و بو وعد
ایچنده اسلام پادشاهی یاخود بن چاسار یمز و جبار قرالی
آخره انتقال ایدر لایسه اولاد و انسابی و اقر باسی بو بار یشق
ایچنده محکم طور وب صلحی بوزمه ل (اون اوچمی) و اوج
بلنقه سی نه حالده ایسه مر مات اولتوب زیاده ارتورایه (اون دردچی)
ایلچیلر یمز وارد قد هرنه رجا ایدر لایسه ایدل (اون بشنی) اگری
فخند نصکره اطاعت ایدوب ویرک ویر قریه ل کیر و ویرل (اون انجی)
فیلک و سچیان و نوغرا قریه ل ندن اگری به و خطا و نه و بودینه
واسترغونه اطاعت ایدن قریه ل اطاعت اوزره اولوب ویرکولرین
ویرل (اون بدیجی) استرغون چاسار یمز الله دوشنجه قلعه مر نوزه به
اطاعت ایدوب ویرک ویرنل کیر ویرل و سائر سرحد لده اولان
قریه ل دخی قدیم دن ایکی جانب ویرکولرین ویره کلد کلری اوزره
ویرل و قنبره فخنند نصکره اطاعت ایدن قریه لده نزاع اوزره اولار
ایچون اسلام چانندن آدم تعیین اولتوب بکان اوغلی ایله محلند
کور یلوب قنبره کلن و کلین قریه ل تصحیح اولنه و شمدیه دك کلن
قریه ویرکولرین ویروب کلنلره تجاوز اولمیه تم

(وقه نصوح پاشا در بغداد) بوسال محرمتک دردنده و زیر
اعظم سابق محمد پاشا عرضیه بغداد ویریلن نصوح پاشا اول
جانبه توجه ایلوب نهر فراته وارد قدنه بصره دن معزول پیاله پاشا به
ملاقی اولوب بغداده بر ساخته امر ایله مستولی و ضامه بغداد قولی
ر یخند و استال ایله کندویه بار ایتمکله فضولا دارالملك عراقه والی

اولان طویل احمد اوغلی محمد نام شقیقک طغیان خیزین الوب
سرعت ایله نصیبینه وارد قده بروجده اوجا قلق جزیره حاکی ورقه
ایالتی بککری بککسی اولان میر شرف استقبال وزیر دستنده اولان
اگرادی ایله رفاقت واعانتی ملتزم اولدی ونصوح پاشا قدیمدن
بغدادده ایشه کلن اگراد بککرتدن سیدخان بککه وسهران بککرتنه
وامیر عربان اولان ابوریش اوغلی امیر احمد خلعنارو بغداد سفری
سز واجب اولمشدر حالیا اول طرفه کوندریلان سردارم نصوح
پاشایه رفاقت ومعاونت ایچون لحوق ایده سزدیوا و امر علیه
وموجبجه استمالت نامه لر کوندردی ابوریش اوغلی طریق مکره
سلوک ایدوب سزاو طرفدن متوجه اولک بزواجیدن روان اولوب
سزدن مقدم بغدادک جانب غریبسنه واروب نزول ایتیمز مقرردر
دیو فریندن ماعداسید خان اوغلی وسائر اگرادخی بومقوله تقریرات
سغیه یواندن جواب و پروپ اعل و عسی ایله پاشا قرق کون موصلده
توقف ایدوب مرقوملردن برار ظاهر اولدی نصوح پاشا بوجیرتده
ایکن سیدخانک بغداده کوندردیکی مکتوبی طوتلدی مضمونده
طویل اوغلی ایشه بز نصوح پاشایی بونجه زمان تعویق وسهران
اگرادنی منع ایتدک سندخی کرکدر که ارکی حرکت ایدوب بغدادی
الذن چبقار عغه سعی ایده سزدیمش نصوح پاشا زیاده منفعل اولوب
هر چند که ناندن اولان لشکر ایله بغداد اوزرینه وارلق عسیر ایدوکنی
یلوردی ما آستانه دن اقدای متضمن امر همايون وارد اولمین ناچار
شهر نزو بککری بککسی ولی پاشا ولی پاشا امیر شرف پاشا ایله لشکری
یصایوب یوریدیلر اریل جوارینه وارد قلندر سیدخان و امر اسهرانه
تکرار نامه لر کوندریلوب اصلا مقید اولدی ومدار اثر قیلدی بوندن
ماعدای ترکان طائعه سندن استصحاب اولئرک اکثرین برا زمان ایله
اضلال ایدوب سوء قصدلی ظاهر اولدی حاصلی ابوریش اوغلی

مواعید نه اعتماد ایک اون بش سته سنی شنباتک اوچنی کونی که
 ابوزیشک موحد و مولی کونیدر فناء بغداد به زول اولندی اما زبورک
 اثری ظاهر اولدی طویل اوغلی کندویه تابع ایتدوی اراذل و ابوریس
 اوغلی و سید خان طرفلرند امداد ایچون کلن صریان و اگر ادا یله
 بغداد قلعه سنه کیروب تحصن صورتی کوستردی و نصوح
 پاشانک و طیفه حواری و احسانه مظهر اولان یاراشمازید عهد
 سیکانلریته نهانی اوتوزینک التون کوندر و ب. بجه سن کندویه
 دوندروب یواستظها رزله بغداد دن چاقوب صف چکوب
 نصوح پاشا ایله مقابله و مصاف ایلدی مقدمه جیوس
 نصوح پاشا غلبه ایتدکه اول سیکانلریان و یروب بر بلوی آشکاره
 بغداد یاره لاحق اولوب و سائر لری قاچوب صحرا ره متفرق
 اولماریله اگرچه ذهن عظیم حاصل اولدی مع هذا نصوح پاشا
 وولی پاشا و بیله پاشا و میر شرف ضحوة صغرادن بین الصلوتینه دک
 شبات قدم کوستر و ب. جنک ایتدیلر اولحان به ده مذکور ولی پاشا
 شهید و نصوح پاشا ایکی پردن زخمانک اولوب یار آدملرینک
 اکثری ایله میر شرف توابعندن برقاج بکر اده لرخی شهید
 اولد قلرند نصوح پاشا میر شرف ایله بقیه مصلحتی کنار سلامته
 چیقارمق قصد یله بالضرور عنان شب اولدی و میر شرفک
 او جاقلی اولان جزیره به کلوب نهایت شدت شبایه دکن
 انده آرام و سرگذشتی مکتوبه آستانه به اعلام ایلدی اما چوق
 تکمدین طویل اوغلی بغداد ده خنجر بلا ایله مذبح اولدی
 (مردن پوچقای) ازل ولایتده قاشه پایاسی پتروس و قرال
 مضاحی ارومندی آستانه به مکتوب کوندر و ب. پوچقای اشتوان
 قرال شیشه مزبوره رمضانک بشینی کونی دنیا دن کیدوب
 فوتندن اول مزبور لری یانه دعوت ایدوب کندوک همشیره سی

دامادی ووزیری امراء بحارک دلیری همون نامی که مقدم او بر یلین
عهد نامه ده مذکور و صکره قرال اولسی مسطور ایدی
کند و یرینه قرال نصب اولوب بحار بکرینه و قیو دانلرینه
خطنبا حکم همایون ایله مزبور قرال جدید خلعت و مقبول
طپوز ایله برسیحق ارساک اولندی مزبور همون باتوری اردل
ولایتک قدیمی قرالری اولادی بقایاستدن اولمغله اختیار
اولمشیدی ثم وثم الی الآن اول طایفه جانب سلطنتدن استقلال
اوزده قرال نصب اولمده در

(ذکر بقایای و قایم این سال) محرمک اون دردنجی کیمه سی استانبولده
یهون محله سنده حریق واقع اولوب چهود قبولسندن خواجه
خانمشه و خواجه پاشا حاتم و ارنجه محلات واسواق یا ثوب
عظیم خسارت واقع اولدی یکریمی بدنجی کونی نصر دن
معزول کورچی محمد پاشایه بوسنده بکر بکیلی و اغا خسرو
پاشایه قنیه بکر بکیلی ویرلدی ربیع الاخرک اون برنده جلای
فلندر اوغلی کیوه حواله سنده کلکله استانده متفرقه و چاشنکیر
و چاوش و عامه دیرلک تصرف ایدنلر اول جائیه کتک فرمان
اولندی و جادی الاوایتک اون التهی کونی چانیولا دزاده
اتباعندن اولوب ادنه ده علم شقاوتی بردوش ایدن چشید حلب
بکر بکسی طرفچی قرداشی حسین پاشای علی الفغله
یا صوب شهید ایلدو کیلک عرضی کلدی و یوم مزبورده حلبده
علم افراز شقاوت اولان چانیولا د اوغلی علی پاشا طرابلس
شام حاکمی امیر سیف اوغلی ایله جنک و غلبه ایدوب مشارایه
طرابلسه التجا ایلدو بی خبری کلدی و ماه مزبور رک یکریمی
برنجی کونی میراخور کبیر جعفر اغا حبش بکر بکسی اولوب
سانی محمد پاشایه بمن و یمنده اولان شان پاشایه آستانه ده کلک فرمان

بیورلدی ورمضانک اون سکرچی کونی قلندر اوغلی یاشنه اولان اشقیا ایله
صاروخان دن قصبه نیف حواله سنده انا طرلی بکر بکسی اولان
حسین پاشا وینده انا طولیدن معزول احمد پاشا و صاروخان بکی
حاجی بک بالافاقی مقابله و جنگ ایتدکلرند ه قلندر اوغلی غالب
و بونلرم غلوب اولدیلر بده قلندر اوغلی مغنیه سایه قصد ایتدوی
مقرر اولغین بروسه محافظه سنه زیاده تقیدا اولندی و سنه مز بوره
نی الحجه سنک بالاشنده سرای عامره ده اولان غلطانان ایچون قانون اوزره
چیقمه فرمان اولوب سلیم دار خاص محمد افایه وزارت ایله مصر
حکومتی و اندرون کیلار کتخداسی ابراهیم اتا قیوجیلر کتخداسی
اولدی و جلوسد نصره اول چیقمه بو اولغین اهل سرای
لسا ننده بیوک چیقمه دیو تمبیر اولندی و غلطانان سرای عامره دن
ایچه لر دخی چیتوب حالو حالجه برمراد اولدیلر ایکنچی
چیقمه بوند نصره احدی و عشرين و الف شوالنده اولشددر
و مقدماماه مفرک ایکنچی کونی درویش پاشا عارضیه

صدرین یحیی افندی و کمال افندی معزول

اولوب برلری خواجه زاه اسعد

افندی یه و عبدالعزیز

افندی یه و برلدی

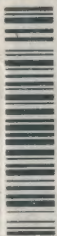
۲۲۴

۲

کل طبع الجلد الاول من تاریخ تعمیرا بحمدہ تعالی
وبیله الجلد الثاني منه



Biblioteca Alexandrina



0437293